# افغانستان در عهد اعلیحضرت امان الله خان

۱۹۱۹_ ۱۹۲۹

فضل غنی مجددی

۱۹۹۷

اسم کتاب : افغانستان در عهد اعلیحضرت امان الله خان

اسم مؤلف : فضل غنی مجددی

تاریخ طبع : ۱۹۹۷

مکان طبع : فریمونت ، کالفورنیا ، امریکا



قیمت یک جلد ۱۵ دالر امریکائی و سه دالر قیمت پست در آن اضافه میشود •

آدرس پستی کتاب :

MOGADDEDI , FAZL

38730 LEXINGTON STREET # 161
FREMONT , CA 94538

U.S.A

PRINTED BY
FOLGERGRAPHICS, INC.
2339 DAVIS AVE.
HAYWARD, CA 94545
U.S.A.
PH. (510) 887-5656
FAX (510) 887-5831
CALL KIRK AT X103

# افغانستان در عهد
# اعلیحضرت امان الله خان
# ۱۹۱۹_ ۱۹۲۹

فضل غنی مجددی

۱۹۹۷

# اهداء :

به مادر مهربانم که بعد از شهادت پدرم سی و سه سال عمر عزیز خود را در تربیه هفت اولاد سپری نموده و برای جامعهٔ افغانستان فرزندان مسلمان و افغان تقدیم نمود کتاب خود را تقدیم میکنم •

انتساب من به فرزندی تو فخر و شرف عظیم است •

# سپاس و امتنان

از تمام دوستانی که مرا در ترجمه این اثر علمی از زبان عربی بزبان دری ترغیب و تشویق کردند سپاسگذارم و تشکر میکنم و خاطر نشان میسازم که این تحقیق در سال ۱۹۸۳ در پوهنتون قاهره در جمهوریت عربی مصر به چاپ رسیده بود و در تجدید آن تعداد زیادی وثائق جدید مورد استفاده قرار گرفته است •

از استادم پروفیسر دکتور رؤوف عباس حامد رئیس شعبهٔ تاریخ پوهنتون قاهره که مرا در آموختن تحقیقات علمی رهنمائی نموده تشکر می کنم و همچنان از پروفیسر دکتور محمد فتحی الریس و پروفیسر دکتور عبدالرحیم عبدالرحمن که در تهیه این تحقیق مرا همکاری نمودند تشکر میکنم از پروفیسر دکتور LOUIS DUPREE که مرا در یافتن وثائق همکاری نموده بودند سپاس گذارم و از استاد آقای MARTIN MOIR مدیر ادارهٔ وثائق انگلستان در لندن که تمام وثائق را در اختیارم قرار دادند تشکر میکنم •

از استادم دکتور غلام رؤف روشان که در تصحیح زبانی این تحقیق زحمت کشیدند تشکر می نمایم و جناب شان برای من رهنما و استاد گرامی در جریان نوشتن این تحقیق بودند •

در اخیر از خانم خود ملالی مجددی تشکر می کنم که در طول مدت درازی که تکمیل و تدوین این اثر علمی در بر گرفت با کمال از خود گذری وقت مناسب و آرامش در منزل را برای من آماده ساخته این نوشته را امکان بخشید •

# فهرست موضوعات

| موضوع | صفحه |
| --- | --- |

| موضوع | صفحه |
| --- | --- |

| موضوع | صفحه |
| --- | --- |

بسم الله الرحمن الرحیم

مقدمه :

موضوع عصر اعلیحضرت امان الله خان را به سببی انتخاب نمودم تا توانسته باشم یک اضافت جدید در تاریخ معاصر افغانستان به کتابخانه علمی وطن عزیز تقدیم نمایم ٠ این مرحله از تاریخ افغانستان با آنکه بسیار کوتاه است لیکن از مراحل مهم تاریخ افغانستان بحساب میآید و در جوانب خود حوادث مهمی را در بر دارد و از جانب دیگر عصر افتتاح نهضت معاصر در تاریخ افغانستان شمرده می شود ٠

از خوشبختی ام بود که تعدادی از منابع دست اول را دریافت نمودم که برای تحقیق در موضوع مورد بحث مرا مساعدت نمود٠ همچنان منابع دست دوم و بعضی کتب تاریخی نشر شده در تحقیق این بحث علمی مرا معاونت نمود٠ در بدایت اوضاع اجتماعی افغانستان و تکوین قومیات و لغات و مذاهب اسلامی را مورد مطالعه قرار داده در موضوع جماعات اسلامی و تنظیمات قبیلوی زیادتر روشنی انداختم تا خواننده قبل از دخول در اصل موضوع معلومات کافی داشته باشد٠

فصل اول بقدر امکان از اسرار شهادت امیر حبیب الله خان پرده برداشته و واضح می سازد که شهادت امیر حبیب الله خان از پروگرام جبهه ملی افغانی زیر اداره شخص امان الله خان بود و اداره جاسوسی انگلستان نقشی در آن نداشت ٠ و همچنان این فصل بر اسباب اختلافات بین خانواده سلطنتی که اسباب سقوط حکومت سردار نصرالله خان را آماده ساخت روشنی انداخته و نقش ملکه والده امان الله خان را در حمایت پسرش امان الله خان علیه باقی خانواده سلطنتی واضح می سازد ٠

فصل دوم تاریخ روابط افغانستان را با امپرطوری انگلستان و اهتمام انگلستان را نسبت به

افغانستان جهت حمایت امپرطوری اش در هند مورد مناقشه قرار میدهد و بعد از آن اسباب حقیقی را که منجر به جنگ اول دوم و سوم افغان و انگلیس گردید واضح ساخته در نصوص معاهده صلح بحث نموده و واضح می سازد که چطور اعلیحضرت امان الله خان در مذاکرات صلح ضعیف بود در حالیکه از طرف افراد ملت و زعمای اسلامی در داخل افغانستان و مسلمانان داخل هندوستان حمایت مطلق میشد و تمام عناصر مخالف انگلستان در داخل افغانستان و هندوستان از موقف اعلیحضرت پشتیبانی می نمودند.

فصل سوم اصلاحات را در مجال قانون و پارلمان و ساحات نظامی و تعلیمی مورد بحث قرار داده و در انجاز این فصل از نصوص قوانین و تصویبات مجالس شورای ملی و وثائق دست اول استفاده به عمل آمده است .

فصل چهارم اوضاع اقتصادی افغانستان را در عصر مورد بحث تحقیق نموده و از نظام مالیات و تجارت داخلی و خارجی و صناعت و روابط اقتصادی بین افغانستان و جهان خارجی معلومات تاریخی تقدیم می کند . وجود وثائق افغانی و انگلیسی بهترین کمک کننده برای من بود و همچنان معاهدات تجارتی بین افغانستان و کشور های خارجی مرا در نوشتن این فصل مساعدت نمود.

فصل پنجم تحلیل از انقلابات داخلی نموده و برای اولین بار نقش ارکان دولت را در شعله ور ساختن انقلابات که مؤرخین داخلی و خارجی روی آن تحقیق ننموده بودند تحقیق نموده و بقدر امکان اعلیحضرت امان الله خان را در پروگرام اصلاحی اش که اسباب انقلابات را آماده ساخت مورد حمایت قرار می دهد اینکه سرعت امان الله خان در تطبیق اصلاحات باعث برافروخته شدن شعله انقلابات شد یک حقیقت تاریخی میباشد زیرا امان الله خان تمام رسم و رواجهای تاریخی و میراثی ملت افغانستان را در نظر نداشت و از قوت حقیقی زعمای دینی و رؤسای قبائل معلومات کافی نداشت و همین سرعت و عدم فهم پادشاه از قوت زعمای اسلامی بود که سقوط سلطنت وی را آماده ساخت .

در نهایت از تمام دانشمندان در رشته تاریخ معاصر افغانستان دعوت می نمایم تا در اصلاح این اثر تاریخی که چهار سال را در بر گرفت مرا یاری نمایند و از تمام خانواده های محترم افغانی

که اسماء بعضی از افراد خانواده شان در جریان تحقیق علمی ذکر شده باشدتوقع دارم مرا عفو نمایند زیرا تحقیق در موضوعات تاریخی مستلزم امانت در نوشتن تاریخ است و میتوانند این تحقیق را اگر وثائق رسمی داشته باشند اصلاح نمایند •

تمهید :

## اوضاع اجتماعی افغانستان در آغاز قرن بیستم :

این تمهید بقدر امکان شکل اجتماع افغانستان را در اوائل قرن بیستم رسم خواهد نمود و در مقدمه از طبقهٔ حاکمه و اختلافاتی که در داخل آن موجود بود و از طبقه مردمیکه باطراف آن قرار داشتند و از خود خواهشات و بین خود مخالفت ها و حتی دشمنی ها نیز داشتند معلومات تاریخی تقدیم نموده و همچنان شکل نظام قبیلوی و قدرت قبیله را در اجتماع تعریف نموده و هم در مورد جماعات اسلامی تحقیق و از قدرت و نفوذ زعمای آن معلومات ارائه نموده و خواهیم دید که روحانیون افغانستان تسلط کامل بالای افراد اجتماع داشتند زیرا افراد ملت جدا دین دار بوده و به زعمای دینی بنظر احترام مینگرستند. در جریان تحقیق لازم دیده شد تا از اوضاع فکری که در اوائل قرن بیستم در افغانستان جریان داشت نیز بحث صورت گیرد.

## اول ـ طبقهٔ حاکمه در افغانستان :

طبقه حاکمه را خانواده سلطنتی افغانستان و بعضی از افراد قبیله محمدزائی که بنام ( سردار ) یاد میشدند تشکیل میداد . امیر که در رأس دولت قرار داشت زعیم قبیلهٔ محمد زائی بود که صاحب قدرت سیاسی و دینی و حاکم مطلق در کشور بود. (١) و بنام ظل الله یاد میشد که نظر به عقیدهٔ مردم اطاعت امیر واجب دینی بود که مخالفت از اوامراش معصیت به حساب میآمد.
تا اوائل قرن بیستم امیر با خانواده خود در قلعه بالاحصارکه در جنوب شرق کابل واقع بود زندگی آرام داشت و در بدایت قرن مذکور در ١٩٠٢ زمانیکه امیر حبیب الله خان امیر مملکت شد در

نظام زندگی سلطنتی تغییرات بزرگی رخ داد و امیر جدید در ساختن قصور جدید کوشش نمود و از نظام مهندسی غربی استفاده نمود که قصر ( دلکشاه و قصر گل خانه و قصر برج شمال ) در کابل و تعدادی از قصور در جلال آباد و غزنی و جبل السراج از مهمترین قصور امیر در اوائل قرن بیستم در افغانستان بود ۰ امیر حبیب الله خان نظام اداری جدید را برای قصور خود بوجود آورده مامورین قصر را امر به پوشیدن لباس اروپائی نمود۰ ( ۲ )

تغییر اجتماعی مهم دیگری که در نظام زندگانی امیر حبیب الله خان در قصر پیش آمد ازدواج امیر با تعدادی از زنان بود و همچنان امیر در پهلوی زنان رسمی یک تعداد را بنام کنیز با خود داشت که بدین ترتیب تعداد زنان امیر به ۲۲ زن میرسید۰ به تقلید از روش امیر رجال دولت و مامورین عالی رتبه به گرفتن کنیز اقدام نمودند و این روش تا زمان سلطنت امان الله خان ادامه داشت تا اینکه امیر جوان داشتن کنیز را در نظام دولت خود غیر قانونی اعلان نمود و کنیز های پدر را آزاد ساخت ۰ ( ۳ ) ۰

بعد از امیر فرزندان و برادرهایش قرار داشتند که وظائف عالی دولت نصیب ایشان بود۰ بمرتبه دوم سرداران از قبیلهٔ محمدزائی بودند که به دو دسته تقسیم میشدند سردار نام دار و سردار بی نام و هر سردار معاش سالانه از طرف دولت دریافت می نمود و بغیر از معاش سرداران از طرف دولت مساحات زیادی از زمین زراعتی نیز دریافت مینمودند۰ دکتوره می اسکنیازی می نویسد که هر سردار از قبیله محمد زائی سالانه مبلغ ٤۰۰ روپیه و هر زن سردار مبلغ ۳۰۰ روپیه معاش از طرف دولت داشت ۰ ( ٤ )

امیر حق تصرف تمام اموال خزانه دولت را داشت و همچنان سالانه یک مبلغ بزرگ از حکومت انگلستان بنام معاش دریافت می نمود۰ به جانب امراء یکتعداد مامورین دولتی بودند که طبقه ارستوکرات را در دولت تشکیل میدادند مانند سرمنشی حضور که سرمنشی حضور وظائف سه گانه ذیل را بعهده داشت : ترتیب استقبالات امیر ـ سرپرستی امور خارجی و امور داخلی ۰ بعد از سرمنشی وظیفه ( ایشک اقاسی ) بود که ایشک اقاسی ملکی و ایشک اقاسی نظامی و ایشک اقاسی حضور بودند۰ ( ۵ )

بجانب این وظائف وظیفه مهم دیگر بنام ( مستوفی الممالک ) بود که رتبه آن برتبه صدر اعظم

میرسید که مسئول امور مالی دولت بود که محمد حسین خان کوهستانی در عصر سراجیه مستوفی الممالک بود و امان الله خان وی را اعدام نمود• (٦)
منصب عالی دیگر در دولت منصب قاضی القضات بود که مربوط خانواده خانعلوم بود • بغیر از وظیفه قاضی القضات محکمه دیگر در قصر بود که بنام ـ دار عدالت حضور ـ یاد میشد که در راس آن قاضی بوده وی را دو فقهی و چهار محرر و چهار مامور اداری همکاری مینمود• وظیفه این محکمه مطالعه حکم محاکم قبل از تصدیق امیر برآن بود•
در ولایات مناصب بزرگ دیگر بنام نائب الحکومه بود که اکثر شان از خانواده محمد زائی بودند و در شئون ولایت خود مستقل بودند و اکثرا بسیار ظالم نیز بودند• القاب عسکری نیز بود مثل سپه سالار و نائب سالار و کوتوال و قلعه بیگی • این مامورین از خزانه امیر معاش داشتند و بعضی مامورین امر از امیر گرفته و مطابق آن نائب الحکومه از مردم برای مامور روغن و گندم جمع آوری مینمود که در بسیاری اوقات مشکلات زیادی را برای مردم خلق می نمود• (۷)

## دوم : طبقه متوسط و طبقات فقیر

طبقه متوسط در اجتماع افغانستان محدود بود و افراد آن از پشتون ها و تاجیک ها و هزاره ها تشکیل میشد که در پایتخت و مراکز شهر های بزرگ اقامت داشتند• افراد این طبقه را مامورین پائین رتبه ملکی و عسکری تشکیل میدادند و همچنان تجار و زمین داران جزء از این طبقه بودند • افراد این طبقه در بین اجتماع از احترام و مقام بهره مند بوده لیکن از ناحیه سیاسی نقش مهم و اول را در دولت بازی نمیکردند• (۸)
طبقه فقیر که اکثریت افراد ملت را تشکیل میداد در شهر ها و قریه ها زندگی داشتند که به زراعت و صناعت مصروف بودند و در داخل شهر ها در مناطق خاص زندگی داشتند و هر

کسب از خود رئیس داشت مثلا رئیس نجار ها و رئیس آهنگر ها و منطقه سکونت شان نیز بنام کسب شان یاد میشد هنرمندان نیز از جمله طبقهٔ فقیر بودند که در کابل در منطقهٔ خاصی بنام کوچه خرابات زندگی می نمودند که بزرگ شان در آنزمان استاد مرحوم محمد قاسم بود که از احترام خاص در بین ملت بهره مند بود و از جمله مقربین اعلیحضرت امان الله خان بود. در اوائل قرن بیستم زنان بد کاره و رقاصه نیز در منطقه معین زندگی داشتند و بنام کنچنی ها یاد میشدند و تا سال ۱۹۱٦ موجود بودند و در آن سال امیر حبیب الله خان مناطق شان را مسدود نموده خانه های شان برای فقرا تقسیم نمود. ( ۹ )

اهل دهات اکثرا متشکل از دهقانان و مالداران و چوپان ها بودند. دهقانان به دو دسته بودند دسته اول که زمین داشتند و دوم که زمین نداشتند و زمینداران از پنجاه تا پنجصد جریب زمین داشتند و دیگران به مجموعات چهار گانه تقسیم میشدند :

۱ ) دهقان پول دار که از بیست جریب تا پنجاه جریب زمین داشت.

۲ ) دهقان متوسط که هشت تا بیست جریب زمین داشت .

۳ ) دهقان فقیر که دو تا هشت جریب زمین داشت .

٤ ) دهقان که اصلا هیچ زمین نداشت .

طبقات متوسط و فقیر افغانستان علاقه قوی با پیران طریقت داشتند و تعداد زیاد شان مرید زعمای اسلامی بودند و عقیده داشتند که خروج از طاعت پیر سبب مشکلات در زندگی شان میشود و در حالت مریضی به دعای پیر اکتفا می نمودند. در اجتماع افغانستان اکثر دهقانان و کارگران بسیار فقیر بودند لیکن آزادی کامل در اختیار وظیفه برای خود داشتند و مانند دهقانان قرون وسطی اروپا جز از زمین شناخته نمیشدند. ( ۱۰ )

اقلیات دینی که بنام اهل ذمه یاد میشدند در افغانستان موجود بودند و جزئی از اجتماع افغانستان بشمار میآمدند این طبقهٔ را هنود و سک ها و تعدادی از یهودان تشکیل میداد . طبقه هنود در منطقه مخصوص که بنام کوچه هندو گذر یاد میشد زندگی داشتند و در ابتدا قرن بیستم باید لباس زرد رنگ می پوشیدند تا از مسلمانان تمیز شوند و دولت ایشان را به قبول اسلام تشویق می نمود و هر فرد از ایشان که مسلمان میشد از سه صد تا هشت صد روپیه

هدیه دریافت میکرد ۰ (۱۱)
اهل ذمه مدارس خاص برای خود داشتند و در عبادات و بناء اماکن عبادت آزاد بودند و مراسم عروسی و جنازه را طبق دین خود انجام می دادند۰

## سوم : تنظیم قبیلوی

اگر در نظام زندگی اجتماعی افغانستان مطالعه نمائیم ملاحظه میشود که اساس وحدت و بنای نظام اجتماعی افغانستان را قبیله تشکیل میداد بدین لحاظ برای فهمیدن اساس نظام اجتماعی دانستن نظام قبیله حتمی و ضروری میباشد زیرا قبیله و نظام آن در حیات سیاسی افغانستان نقش اساسی را داشت ۰ قبائل افغانستان با اساس مناطق جغرافیوی توزیع یافته بود مثلا در شمال کشور و شمال غربی قبائل تاجیک و ازبک و ترکمان زندگی داشتند و در وسط کشور قبائل هزاره و در شرق و جنوب و جنوب شرق قبائل پشتون ۰
قبائل تاجیک از اصل آریائی بوده که به زراعت مشغول بودند و تقریبا ۳۱ فیصد سکان کشور را تشکیل میدادند و ازبک از اصل ترکی اند و شکل مغولی خود را تا هنوز حفظ نموده اند و پنچ فیصد سکان را تشکیل میدادند در حالیکه ترکمان شکل و اصل مغولی دارند ۰
قبائل هزاره از بقایای عساکر چنگیز اند و از قرن سیزده میلادی در وسط افغانستان زندگی دارند و عجب در آن است که خلاف اجداد سنی خود به مذهب شیعه داخل شدند و همانقدر که اجداد شان در مذهب حنفی متعصب بودند ایشان در مذهب امام جعفر متعصب اند و تقریبا سه فیصد را در ابتداء قرن بیستم تشکیل میدادند۰ (۱۲)
قبائل پشتون که اکثریت را تشکیل میدادند در آنزمان چهار تا پنچ ملیون بودند و در هر دو طرف خط دیورند زندگی می نمودند و در داخل افغانستان در کابل و جلال آباد و قندهار و غزنی وغرب و جنوب کشور اقامت داشتند و از کابل تا ممر خیبر را در تصرف داشتند۰ (۱۳)

پشتون ها سنی و از مذهب امام ابو حنیفه پیروی می نمودندو زبان شان پشتو بود و اقتصاد کشور را در کنترول خود داشتند • و همچنان در قوای نظامی دارای مقام عالی بودند بدین ترتیب در حیات سیاسی کشور در طول تاریخ معاصر افغانستان رول اول را داشتند و فقط از ۱۹۲۹ تا ۱۹۳۰ حکومت را تاجیک ها تشکیل میدادند که در جای آن بحث خواهد شد•

در اصل قبائل پشتون نظرات تاریخی غیر ثابت موجود است مثلا بعضی مؤرخین عقیده دارند که اصل قبائل پشتون سامی و از نسل بنی اسرائیل است و بعضی نظر دارند که پشتونها از اولاد سیدنا سلیمان اند• این نظریات تا هنوز ثابت نشده در حالیکه مؤرخین افغان و اروپا نظر دارند که قبائل پشتون از اصل آریائی اند که هزار ها سال قبل در اطراف هندوکش و سفید کوه زندگی داشتند• ( ١٤ ) طبق روایات تاریخی قبائل پشتون متشکل از پنج قبیله بزرگ بود:

( سربنی و غورغشتی و بیتنی و کرلانری و متوازی ) که در جریان تاریخ و مرور زمان قبائل کوچکتر از این قبائل بزرگ جدا شده و قبائل جدید مثل ( درانی و مسعود و وزیری و صافی و شنواری و غلزائی و سلیمانخیل و جاجی و منگل و غیره را ساخت • ( ١٥ )

از قبائل و نظام زندگی شان معلوم میشود که اساس اجتماعی آن از خون و ازدواج و اتحادات تشکیل میشود لیکن اساس خون اهمیت خاص بخود دارد بدین لحاظ افراد قبائل در حفظ نسل و ازدواج بین هم خون کوشش می نمودند تا خون اصلی قبیله را حفظ نمایند • ( ١٦ )

در نظام سیاسی قبیله ملاحظه میشود که در رأس قبیله زعیم قرار دارد که بنام خان نیز یاد میشد و ضروری نیست که زعامت قبیله میراثی باشد لیکن تعداد از شروط ضروری است برای شخص تا به زعامت قبیله برسد مثل ثروت و شجاعت و کرم و زیاد داشتن اولاد ذکور • ( ١٧ )

هر قبیله یک مجلس خاص برای خود دارد که بنام جرگه یاد میشود و اعضای آن از بزرگان در سن و عقلاء تشکیل میشود و در فیصله ها از نظام دیموکراسی پیروی میشود و در فیصله نهائی تمام افراد قبیله مجبور به پیروی آن هستند و کسیکه از فیصله نهائی خارج شود مجازات میشود• ( ١٨ )

هر قبیله قانون خاص برای خود داشت که اطاعت آن بالای افراد ضروری بود که بنام پشتونوالی یاد میشد که مهمترین بند آن انتقام و کرم و حمایت پناهنده بود و مسافر و پناهنده بمجرد

داخل شدن به سرزمین قبیله مورد استقبال و مهمانوازی قرار میگرفت ۰ (۱۹) نامزادی عموما در طفولیت انجام می یافت و عدم وفا به عروسی منجر به قتال شدید میگردید۰
موضوع مهم که در این تمهید از قبیله مورد بحث و مناقشه است اختلافات بین قبائل میباشد که این اختلافات و جنگها اثرات مستقیم بالای اجتماع افغانستان داشت خصوصا از ناحیه سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و همین مشکلات بین قبائل سبب شد که افغانستان چندین بار استقلال خود را از دست بدهد۰ ما از جریان مطالعه نظام قبائل می توانیم اسباب اختلافات را به سه دسته تقسیم نمائیم :

اول : اختلاف بین قبائل ۰

دوم : همچشمی داخل قبیله واحد ۰

سوم : اختلاف بین قبائل و حکومت مرکزی ۰

قسم اول بسبب حمله یک قبیله بالای قبیله دیگر صورت میگرفت و اغلبا حمله نتیجه بدست آوردن غنیمت و یا اظهار قوت عسکری و فرض سیطرت و سیادت سیاسی بالای قبیله دیگر بود و همچنان عدم رسم خط سرحدی اسباب اختلافات را بوجود میآورد و هم بسبب فرض مالیه در طول راه ها ظهور میکرد۰ بطور دائم اختلافات بشکل فردی آغاز می یافت و بعدا شکل عمومی را بخود میگرفت و یا اینکه یک قبیله حاضر نمیشد تا برای قبیله دیگر باج بدهد مثلیکه بین قبیله شنواری و سلیمانخیل صورت گرفت که همین اختلافات و جنگها یکی از اسباب انقلاب ۱۹۲۸ را آماده ساخت ۰ (۲۰)
جنگها نه تنهاء بین قبائل پشتون بوقوع می یافت بلکه بین قبائل هزاره و تاجیک نیز واقع میشد لیکن زیادتر بین قبائل پشتون و قبائل غیر پشتون صورت میگرفت و نظر به تفوق نظامی جنگها به نفع قبائل پشتون خاتمه می یافت که همین جنگها و اختلافات بین قبائل اسباب انقسام نظام سیاسی و اجتماعی را در داخل اجتماع افغانستان در اوائل قرن بیستم بار آورد۰ (۲۱)
قسم دوم اختلافات که نتائج منفی را در آینده سیاسی کشور بار آورد جنگها بین قبیله واحد و افراد آن بود خصوصا بین افراد قبیله درانی حاکم و این مشکلات وقتی خطرناکتر شد که بعضی از افراد قبیله درانی به قوای خارجی مثل انگلیس متحد شد و در جنگهای داخلی از قوای

خارجی کمک طلبیده شد که ضمینه مداخلات سیاسی دولت برتانیه را آماده ساخت ۰ ( ۲۲ ) أهم اسباب اختلافات نوع دوم حب جاه و شهرت بود و رسیدن به مقام سلطه سیاسی و این نوع اختلافات شدت یافت زمانیکه تاج و تخت افغانستان جذابیت یافت و هر کدام در پی گرفتن آن تلاش نمود و مشکل بین پسران امیر متوفی شدت یافت که ما نمونه خوبی از آنرا در بین اولاده اعلیحضرت تیمور شاه ملاحظه میکنیم و بعد از آن بین افراد قبیله درانی و محمد زائی ۰
شکل سوم اختلافات عبارت از مشکلات بین زعمای قبائل و حکومت مرکزی بود که صفحات تاریخ افغانستان شاهد آن است و این اختلافات را وجود حاکم ضعیف در کابل شدیدتر میساخت و در حالت حکومت مرکزی ضعیف زعمای قبائل خواهان امتیازات سیاسی و اقتصادی و استقلال ذاتی می شدند۰ که قبائل همیشه تسلیم به حکومت مرکزی را رد نموده و بر علیه حکومت قیام مسلحانه می نمودند و اجازه نمی دادند که حکومت مدارس افتتاح نماید یا اولاد قبیله را برای خدمت عسکری جلب کند ۰ جهت تحقیق مطالب مشترک و ضدیت با سلطه مرکزی بسیاری اوقات قبائل با یکدیگر اتحاد نموده اختلافات خود را کنار میگذاشتند ۰ و در بعضی اوقات جهات خارجی مثل انگلیس قبائل را علیه حکومت مرکزی تشویق مینمود و در حکومت هند اداره خاص بنام قبائل تأسیس نموده بود که برای بعضی از زعمای قبائل معاش میداد۰
از نتائج این مشکلات قبائل و اختلافات شان بود که افغانستان از ناحیه سیاسی و فرهنگی و اقتصادی و نهضت جدید عقب ماند چنانچه استاد محترم سید قاسم رشتیا می نویسد که : ( همین اختلافات بین قبائل بود که حکام افغانستان از سرزمینهای غرب خط دیورند صرف نظر نمود۰ ( ۲۳ ) )

از ناحیه اجتماعی مهترین نتائج اختلافات و جنگها بین قبائل افغان عدم توحید اجتماع افغانستان بود و وحدت ملی به وجود نیآمد و از ناحیه اقتصادی نظام قبیلوی در حفاظت طبقه ارستوکراسی کوشید و نظام فیودالی و استفاده غیر مشروع از برادر همنوع ادامه یافت و نهضت تجارت و صناعت در اواخر قرن نزده و اوائل قرن بیستم توقف یافت ۰

## چهارم : جماعات اسلامی

جماعات اسلامی در افغانستان دارای نظام خاص بخود است که طریقت اساس آنرا میسازد ۰ جماعات اسلامی دارای تنظیم عالی بودند و افراد آن به زعیم خود و مبادی آن اخلاص مطلق داشتند و در راه مبادی قبول شده خود مبارزه می نمودند۰ همین احترام و اعتقاد به زعیم و مبادی بود که زعامت اسلامی افغانستان را قوت سیاسی و برتری اجتماعی میداد و کلمه زعیم اسلامی دارای وزن بزرگ بود که باید حساب میشد۰ چون اساس قوت ملت و زعامت اسلامی عقیده اسلامی بود یعنی اسلام و دین آن منبع اصلی را تشکیل میداد پس لازم دیده میشود قدری در دین ملت و مذاهب آن معلومات داده شود زیرا اساس نظام اجتماعی افغانستان را دین تشکیل میداد۰

در هیچ زمانی مردم افغانستان بدون دین نبود و دین جزئی از اساسات زندگی مردم را تشکیل میداد و افراد ملت افغان به مقایسه هر ملت دیگر در دینداری و عملی نمودن آن متمسک تر بود و همین تمسک در مبادی دین بود که مستشرقین ملت افغان را به تعصب در دین متهم نمودند۰ اول دین ملت افغان دین و آئین زردشتی بود که کتاب مقدس آن ـ اوستا ـ نام داشت ۰ ( ٢٤ ) بعد از آن دین بودائی رواج یافت و بسرعت انتشار یافت ۰ اگر چه اسکندر مقدونی با خود دین یونان را آورد و تعدادی از مردم آنرا قبول نمودند لیکن زیادترین افراد ملت به دین بودائی باقی ماندند۰ ( ٢٥ )

در جریان اول فتوحات اسلامی ملاحظه شد که فاتحین اول نتوانستند در داخل افغانستان باقی بمانند تا در عهد حضرت عثمان رضی الله عنه قائد مسلمان یعقوب بن لیث توانست در غزنی و کابل داخل شود که سال ۸۷۰ میلادی بود و از آن تاریخ مردم را به دین اسلام دعوت نمود که تمام افراد ملت بدین اسلام مشرف شدند و تا امروز الحمد الله به دین خود باقی ماندند۰ ( ٢٦ ) موضوع مهم در مطالعه دین اسلام در افغانستان در آن است که اسلام بسرعت بین طبقات افغانستان انتشار یافت و بعدا اکثریت ملت مذهب امام ابو حنیفه را قبول نموده در حفظ آن از

تعصب کار گرفته باقی مذاهب اسلامی را نادیده گرفتند و خروج از مذهب امام را خروج از اسلام معرفی نمودند٠

توأم با جانب مذهب حنفی مذهب امام جعفر صادق نیز بین افغانان انتشار یافت که تعداد شان بین دو ملیون و سه ملیون میرسدکه اکثر شان از قبائل هزاره اند و به دو دسته تقسیم میشوند ـ هزاره و قزلباش ـ که اکثریت پیروان مذهب امام جعفر را قبائل هزاره تشکیل میدهد وکسانیکه خواهان معلومات مفصلتر در موضوع مذاهب باشند می توانند به کتاب بنده بنام ـ در نظام دولت اسلامی ـ مراجعه نمایند٠

تنظیمات اسلامی افغانستان در طول قرن بیستم دارای نفوذ قوی بودند خصوصا که افراد قبائل اطاعت از زعمای اسلامی میکردند و در افغانستان قریه کوچکی وجود نداشت که در آن مسجد و ملا نباشد٠

امام مسجد که بنام ملا صاحب یاد میشود امام سکان قریه و استاد جوانان آن است و در حل و فصل مشکلات بین افراد قریه حکمیت میکرد و در اوائل قرن بیستم و حتی اواخر آن نکاح و طلاق از وظائف امام قریه بود و هم اعلان ماه رمضان و عید از جمله وظائف امام بود و جنازه دفن نمیشد تا ملا قریه حضور نمی داشت ٠ (۲۸) امام یا ملا هیچ ارتباط از ناحیه وظیفه با دولت نداشت و حکومت حق و صلاحیت تبدیلی امام را نداشت و امام از خدمت نظامی نیز معاف بود٠ ملا تقریبا مدت پانزده سال در مدرسه تعلیم اسلامی می آموخت و بعد از تکمیل درس مورد امتحان از طرف کمیته ای از علماء قرار میگرفت که در حالت کامیابی شهادت نامه أخذ میکرد و محفل بزرگی بنام ـ دستار بندی ـ ترتیب میشد و بعد از آن لقب ملا را حاصل می نمود٠

ملا اولین حلقه اتصال بین مردم و قیادات اسلامی بود بدین نسبت نقش مهم را در تنظیم اسلامی به عهده داشت و در امور سیاسی چه به نفع حکومت و یا ضرر حکومت منبع مهم بود و می توانست بالای ملت و افکار شان تأثیر مهم اندازد٠ باین وظیفه سنگین و مهم طبقه ملا از فقراء به حساب می آمدند و معاش از طرف حکومت دریافت نمیکرد و از مساعدات مردم قریه زندگی خود را آماده می نمود و با فقر شدید ملا از احترام زیاد ملت نصیب داشت ٠

مولوی صاحب شخصیت با نفوذ تر از ملا بود زیرا مولوی از جمله استادان ملا ها بود و باید ملا از مولوی متابعت میکرد • مولوی شدن مراحل زیادی را در بر داشت و اختیار رتبه علمی مولوی به اساس قرابت و پول نبود بلکه به اساس درجه علمی و گذشتاندن امتحانات زیاد بود • مولوی در مرکز علمی و اجتماعی و سیاسی بالاتر قرار داشت و نزدیکتر با زعیم اسلامی بود و زعمای اسلامی و مشائخ طریقه های صوفی خلفای خود را از بین مولوی ها اختیار میکردند•

خلیفه یک مرتبه از مولوی بالاتر بود و نماینده مخصوص شخص پیر صاحب یا زعیم دینی بود و حق گرفتن مرید را داشت البته بنام و طریقه پیر خود • از نظر اجتماعی و سیاسی خلیفه در مقام بالاتر از ملا و مولوی قرار داشت و بعضی خلفاء در تاریخ معاصر افغانستان دارای مقام سیاسی برازنده بودند که حکومات حساب شانرا میکرد• خلیفه سیطرت کامل بالای قلوب مردم داشت و سخنانش را اتباع وی قبول میکردند •

زعیم دینی مقام عالی و ارجمند در مجتمع اوائل قرن بیستم افغانستان داشت و دارای پیروان زیادی بود که در خلال مخالفت ها به امان الله خان می توان قدرت ملی و سیاسی شانرا دانست در مراحل این بحث در رأس تمام مراکز اسلامی حضرت صاحب شوربازار قرار داشت که نصب اش به حضرت عمر بن الخطاب میرسید که در ۹۷۹ میلادی به افغانستان جهت دعوت آمدند و شاه فرخ شاه کابلی از شخصیات های معروف این خانواده در آن زمان بود که در نجراب مدفون اند و همچنان در ولایات حضرات زیادی بودند که قابل احترام افراد ملت بودند لیکن مرکز سیاسی در شوربازار خلاصه میشد• خانقاه حضرات در نشر طریقه نقشبندیه مجددیه کوشش زیاد نمودند و طریقه حضرت مجدد را که مطابق سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم بود با جهاد در راه خدا و مبارزه با ظلم و دفاع از مظلومین بود نشر نمودند• ( ۳۰ )

نقش سیاسی این خانواده روحانی در ابتداء قرن بیستم زمانی آغاز یافت که اعلیحضرت زمان شاه مرید حضرت صاحب شوربازار گردیده و گذاشتن تاج را مگر بدست پیر خود قبول نکرد و از آن تاریخ به بعد ماندن تاج از حق پیر این طریقت شد• ( ۳۱ ) منابع رسمی انگلستان نشان میدهد که تاجگذاری در تاریخ معاصر افغانستان به سبب نفوذ دینی این خانواده از حق ایشان به حساب میآمد• ( ۳۲ ) زمانیکه مربوط به این تحقیق میباشد شخصیات مهم این خانواده حضرت

فضل محمد ملقب به شمس المشایخ و حضرت فضل عمر ملقب به نورالمشایخ و حضرت محمد صادق ملقب به ملا شوربازار و حضرت ضیاء معصوم و حضرت بزرگ جان که در جریان حوادث خواهیم دید که ضیاء معصوم صاحب طرف امان الله خان را و حضرت بزرگ جان طرف حبیب الله بچه سقاو را گرفت ۰ (۳۳)

اختلافات که بین زعمای دینی و حکومت در تاریخ معاصر افغانستان پیش شد مؤرخین غربی آنرا به اختلافات بین زعمای سیاسی و کلیسا در اروپا تشبه میکنند که از نظر مفهوم اسلامی بی اساس است ۰ اختلافات از عهد امیر عبدالرحمن آغاز یافت و اموال اوقاف را این امیر ضبط نمود و در مبارزه با زعمای اسلامی از قوت عسکری کار گرفت که زعمای اسلامی از احتیاط در مقابل سیاست امیر کار گرفتند۰ (۳٤)

با وفات امیر عبدالرحمن خان و ظهور امیر حبیب الله خان در ۱۹۰۱ صفحهٔ جدید در روابط بین سلطنت و زعمای اسلامی باز شد زیرا امیر در مبارزه خود با خانم امیر عبدالرحمن خان بی بی حلیمه که می خواست پسرش امیر شود احتیاج به تأئید زعمای اسلامی داشت و امیر نصر الله خان برادر امیر حبیب الله خان حلقه اتصال اول بود۰ و امیر حبیب الله خان به طریقت مجددیه نزد حضرت چهار باغ جلال آباد حضرت ضیاء معصوم مرید شد۰ (۳۵) و این نزدیکی سبب شد تا زعمای اسلامی در شئون سیاسی دولت شریک شده و در فیصله ها نقش اساسی را داشته باشند۰

در اول حکومت امان الله خان روابط بین سلطنت و زعیم اسلامی بسیار نزدیک بود زیرا امیر امان الله خان در مقابل کاکای خود که نائب امیر شهید بود احتیاج به حمایت حضرت صاحب شمس المشایخ داشت لیکن این روابط نیک دوام نکرد با آنکه حضرت شمس المشایخ صاحب در انقلاب ۱۹۲٤ از امان الله خان حمایت نمود لیکن حرکت حضرت محمد صادق جان مجددی در ۱۹۲۸ آخرین فصل از روابط خوب و قوی بین زعمای اسلامی و امیر امان الله خان بود که در نهایت امیر امان الله خان چنانچه در تحقیق بتفصیل آمده تاج و تخت اجداد خود را از دست داد۰

## پنجم : اوضاع فکری در اوائل قرن بیستم

ادب و فکر در هر امت و ملت ارتباط مستقیم به زندگانی اجتماعی و سیاسی و اقتصادی و آزادی ملت دارد و در حالت موجودیت عناصر ذکر شده افراد به انتاج علمی و ادبی پرداخته اکتشافات علمی صورت میگیرد • با اینکه افغانستان مدت طولانی در تاریخ معاصر خود زیر استعمار انگلیس بود لیکن استعمار تأثیری در فکر و ادب افغانستان از خود بجا نگذاشت زیرا تأثیر استعمار فقط در شئون خارجی بود• و تا سال ١٩١٢ که افغانستان به عالم خارجی ارتباط مستقیم نداشت اوضاع فکری و ادبی در داخل دیوار های افغانستان بشکل محلی آن باقی ماند و ادب افغانی ـ افغانی خالص بود و بعد از ١٩١٢ ما در ادب و فکر افغانی تأثیرات خارجی را مطالعه میکنیم و ادب افغانی به افکار قومیت و نهضت دیموکراسی مختلط شد و افکار ادب خارجی جزء از ادب محلی گردید• چون موضوع فکر و ادب است لهذا لازم است تا از زبان هائیکه که در افغانستان موجود است فقط ذکر نمایم •

علمای لغت نظر دارند که در افغانستان زیادتر از سی زبان یا لهجه موجود است که مهمترین آنها زبان فارسی و پشتو میباشد که هر دوزبان رسمی کشور اند• مستشرق فرانسوی ـ گوستاف لوبن ـ می نویسد که زبان فارسی و پشتو از اصل زبان هند وایرانی است که اصل شان به زبان آریائی خاتمه میشود• (٣٦) زبان دری یا فارسی مکانت عالی در ادب و شئون رسمی دولت داشت اکثر جرائد به زبان دری به چاپ میرسید و فرمانهای دولتی بزبان دری بود در حالیکه زبان پشتو با اینکه زبان رسمی کشور بود و طبقه حاکمه از قبائل پشتون بودند در حصه آن توجه خاص نشده بود و اصطلاحات عسکری بزبان پشتو بود• (٣٧)

تعلیم در اوائل قرن بیستم بطور مجموع تعلیم اسلامی بود در مساجد قرآن کریم و علوم مربوط آن تدریس میشد و زبان عربی زبان تعلیمی افغانستان بود• مدارس اسلامی و مساجد و مدارس

خصوصی برای تمام اولاد مملکت باز بود و در تعلیم تبعیضات موجود نبود پسران اغنیاء و فقراء در یک صف با هم درس می آموختند و امتیاز طبقاتی موجود نبود ٠ افراد ملت در تعمیر مساجد و مدارس و تقدیم مساعداتهای مالی برای معلمین و شاگردان از سخاوت کار میگرفتند٠
مراحل تعلیم سه مرحله بود :

۱) مرحله طفولیت : در این مرحله اطفال در مساجد قرآن کریم و زبان دری و پشتو را میآموختند و در تعلیم زبان و ادب آن اطفال پیشرفت زیاد می نمودند٠

۲) مرحله جوانی : در این مرحله شاگرد چندین کتاب و متون قدیم را در علوم مختلفه که مطابق مذهب حنفی بود میآموخت در این مرحله حدیث و نحو و زبان عربی تدریس میشد تعداد شاگردان در مرحله دوم نسبت به مرحله اول در دهات کمتر میبود زیرا جوانان مشغول کار در زراعت میشدند٠

۳) مرحله سوم مهمترین مرحله در نظام تعلیم در آنزمان بود این مرحله مساوی به مرحله پوهنتون بحساب میآمد ٠ در این مرحله شاگرد خودش استاد خود را اختیار میکرد و نظر به تخصص استاد از یک استاد به استاد دیگر انتقال میکرد و در بعضی مراحل تعلیم شاگرد جهت تکمیل پروگرام درسی از یک ولایت به ولایت دیگر مجبور به سفر میشد٠ این مرحله ده سال را در بر میگرفت تا شاگرد شهادت نامه أخذ مینمود٠ (۳۸)

به جانب مسجد و مدارس اسلامی خانواده های علمی بزرگ در افغانستان بودند که در حفظ تعلیم و ثقافت افغانی و اسلامی مجهودات مشکور بخرچ دادند و نقش این خانواده و افراد شان از نقش مدارس و مساجد کمتر نبود و مشعل علم را روشن نگهداشتند که می توان بطور خلاصه از نقش شان در این تمهید ذکر کرد ٠

خانواده خانعلوم که در علوم افغانی بسیار کوشش نمودند و در ادب نقش اساسی را داشتند و از علمای معروف این خانواده ملا قاضی عبدالرحمن خان بود که کتاب ( نصیحه المؤمنین ) را تألیف نمود ٠ خانواده ملا اسماعیل خان الکوزائی و معروفترین عالم شان ملا أحمد بود که کتاب ( بیان الوافیه در طوائف صوفیه ) را تألیف نمود و ملا پیر محمد خان که کتاب ( عقیده المشایخ و العلماء ) را تألیف نمود ٠ و خانواده ملا بابر موسی خیل که معروفترین

شان مولوی حبیب الله بود که ۳۳ جلد کتاب در ( المعقول و المنقول ) تألیف نمود.
خانواده سلجوقی در نشر ثقافت افغانی کوشیدند که علامه صلاح الدین سلجوقی معروفترین شان بود. و فکری سلجوقی که کتاب مزارات هرات را نوشت و استاد کاکا فخرالدین سلجوقی مطبعه ملی را در هرات تأسیس کرد و کاکا عبدالفتاح سلجوقی مکتب نسوان راتأسیس نمود . نعمت الله سلجوقی کتاب تحفه الاحباب و مولوی عبدالوهاب عقائد را نوشت .
خانواده مجددی که افراد آن در نشر ثقافت خراسانی و عربی کوشش زیاد نمودند و بین ادبیات خراسانی و عربی توافق را بوجود آوردند که در اوائل قرن بیستم معروفترین شان حضرت عبدالباقی ملقب به باقی و حضرت فضل محمد ملقب به فضلی و حضرت فضل عمر ملقب به عمر ادباء و شعراء بزرگ بودند که آثار ادبی از خود به جا گذاشته و مدارس مهم را تأسیس نمودند. ( ۳۹ )
خانواده سعدالدین خان انصاری که استاد سعدالدین ٤۲ کتاب در ثقافت اسلامی و ادب فارسی تألیف نمود .
خانواده طرزی که غلام محمد طرزی و محمد امین طرزی ملقب به اندلیب و محمود طرزی همه در ثقافت افغانی سهم مهم را داشتند و در تقدم فکر و ادب قرن بیستم افغانستان خدمات مهم را انجام دادند .
اگر در ادب و فکر اوائل قرن بیستم در افغانستان دقت نمائیم ملاحظه میشود که ادب افغانی مخلوطی از ادب عربی و اسلامی بود و فکر افغانی اصل آن فکر اسلامی بود و این تاثیر اسلامی تا ۱۹۰۱ دوام نمود که بعدا حبیب الله خان مدارس جدید بشکل غربی را افتتاح نمود و جرائد شروع بنشر نموده افکار خارجی را بنشر سپردند و تعدادی از استادان ترکی و هندی به افغانستان آمدند که با خود افکار جدید را نیز آوردند که در نتیجه آن افکار وطنی و قومی و دیموکراسی در بین جوانان انتشار یافت و افغانستان در مرحله جدید از فکر و ادب قرار گرفت و این طرز جدید از ادب در حیات سیاسی و اجتماعی مملکت تأثیرات بزرگی را وارد نمود که در جریان این بحث آنرا ملاحظه خواهیم نمود. ( ٤۰ )
تاثیرات ادب وارد شده از مصر و ترکیه و هند سبب ظهور طبقه جدید تعلیم یافته گردید که این

طبقه جدید تعلیم یافته در تضاد با طبقه قدیم قرار گرفت و نوعی از انواع مخالفت با نظام تعلیم قدیم اسلامی آغاز یافت که علمای افغانستان نیز تعدادی از مفکرین جدید را به بلشویکی متهم نمودند. (٤١) فکر جدید و طرفداران اش نتوانستند در بین طبقات مردم افغانستان نفوذ پیدا کنند و این فکر جدید در بین خانواده ارستوکرات و خانواده شاهی باقی ماند و در نتیجه نزدیک شدن امیر حبیب الله خان به طبقه علمای اسلامی نهضت وارد شده از خارج ضعیف گردید و در مقابل نهضت دارای اتجاه اسلامی قوت بیشتر کسب نمود.

مراجع تمهید :ـ

۱ ـ رشتیا . سید قاسم : افغانستان در قرن ۱۹ صفحه ۱۵۳ و همچنان خافی . یعقوب علی
TYTLER , W. K : AFGHANISTAN , A STUDY OF POLITICAL DEVELOPMENT IN CENTRAL AND SOUTHERN ASIA , PP : 138 _ 142

۲ ـ SCHINASI, MAY : AFGHANISTAN AT THE BEGINNING OF THE TEWENTIETH CENTURY : P _ 121 AND DUPRE , LOUIS : AFGHANISTAN , P 43

۳ ـ رشتیا ـ سید قاسم : مرجع سابق . صفحه . ۱۵٤ و همچنان غبار . میر غلام محمد : افغانستان در مسیر تاریخ ـ صفحه : ۷۱۱

٤ ـ POULLADA , LEON B . : REFORM AND REBELLION IN AFGHANISTAN 1919 - 1929 , PP : 37

۵ ـ رشتیا ـ سید قاسم : مرجع سابق صفحه : ۱٤۵ و همچنان : SCHINASI , MAY : OP . CIT . pp : 112 _ 113

٦ ـ ADAMEC , LUDWIG , W : WHOS WHO OF AFGHANISTAN , HISTORICAL AND POLITICAL : PP _ 163 - 164

۷ ـ غبار ـ میر غلام محمد : مرجع سابق . صفحه : ۷۱۰ ـ ۷۱۱ و همچنان رشتیا . مرجع سابق : صفحه ۱۵٤ ـ ۱۵۵

۸ ـ POULLADAD , LEON B. OP , CIT : P - 18 AND , SCHINASI MAY : OP , CIT : PP - 115

۹ـ خافی ـ میرزا غلام محمد : مرجع سابق صفحه : ۱۹۵ و همچنان غبار : مرجع سابق : صفحه ۷۰۰

۱۰ ـ POULLADA , LEON B. OP . CHT : PP : 18 - 19

۱۱ ـ SCHINASI , MAY : OP , CIT . PP : 95 - 96 و غبار : مرجع سابق : صفحه ۷۰۱

۱۲ ـ ابراهیم ـ محمد عبدالفتاح : افغانستان ـ صفحه : ۱۵ ـ ١٦ و همچنان بیومی و

عبدالحمید و حسن محمد جوهر : افغانستان ـ صفحه : ۱۳ ـ ۱۸ و همچنان POULLADA , LEON B . OP . CIT - PP : 12 - 16

۱۳ ـ SCHINASI , MAY . OP . CIT . P : 93 AND POULLADA , LEON B . OP. CIT . PP: 16 - 17 و همچنان أبو العينن ـ فهمی : مرجع سابق • صفحه : ۱۵۷ و همچنان : محمود شاکر : افغانستان • صفحه : ۷۱

۱٤ ـ کاکاخیل . سید ظفر شاه : پشتانه د تاریخ په رنا کی . صفحه : ۱۹ و ۱٥٦ و همچنان کاکر . سیال : پشتو او پشتانه . صفحه : ۲۰ و همچنان عطا الله قاضی : د پشتو تاریخ . صفحه : ٥٥ و همچنان CAROE , OLOF : THE PATHANS , 550 B . C . AD 1957 : PP : 386 - 389 AND , FRERES , TYTLER W . K : OP , CIT , CH 3

۱٥ ـ کاکا خیل . سیدظفر شاه : نفس مرجع . صفحه : ۱۲٦٥ ـ ۱۲۷٤

۱٦ ـ شاه . پیر معظم : تاریخ حافظ رحمت خانی : افغان قبائل اوران کی تاریخ . صفحه ۳۲۲ و همچنان کاکا خیل . سید ظفر شاه : مرجع سابق . صفحه : ۱۲٦۹

۱۷ ـ CAROE , OLOF : OP , CIT - P : 401 AND , A.H. MCMAHON , REPORT ON THE TRIBES FOR DIR SWAT AND BAJOUR : P 196 . AND FRERES , TYTLER : OP . CIT . PP : 182 - 183

۱۸ ـ CAROE , OLOF : OP. CIT . PP : 399 - 340

۱۹ ـ شاکر . محمود : مرجع سابق . صفحه : ۷۲ و همچنان TRERES , TYTLER : OP. CIT , P : 182

۲۰ ـ TRASER , TYTLER : OP . CIT . PART 3 P : 181

۲۱ ـ عبدالرحمن خان . : سراج التواریخ جلد ۳ . صفحه : ۸۸۸ و ۹۸۰ و همچنان . SULTAN MOHAMMD KHAN : THE LIFE OF ABDUR RAHMAN . PP : 279 - 289

۲۲ ـ حبیبی • عبدالحی : تاریخ مختصر افغانستان . جلد اول صفحه : ۱۱۱ و ۱۱۲

۲۳ ـ رشتیا . سید قاسم : مرجع سابق . صفحه : ٦۷ ـ ٦۸

۲٤ ـ کهزاد . احمد علی : افغانستان جلد ۲ صفحه : ۱۰۳

۲۵ ـ کهزاد . احمد علی : افغانستان ـ سلسله کتب آریانا ـ صفحه : ۱۸ ـ ۱۹

۲۶ ـ مجله کنفرانس اسلامی ـ نشره منظمه المؤتمر السلامی ـ جده ۱۹۸۳

۲۷ ـ شاه میر معظم ـ تواریخ حافظ رحمت خان ـ صفحه : ۳۵٤ ـ ۳٦۱

۲۸ ـ **POULLADA , LEON B . OP. CIT . PP : 119 - 120**

۲۹ ـ **ADAMEC, LUDWIGW - AFGHANISTAN , FOREIGN AFFAIRS , P : 79 AND ADAMEC , WHO S WHO OF AFGANISTAN , P : 161 AND POULLADA , OP. CIT , P : 127** و شاه پیر معظم ـ مرجع سابق صفحه : ٤۷۵ و همچنان الندوی أبو الحسن ـ تاریخ دعوت و عزیمت جلد چهارم ٠

۳۰ ـ حبیبی . عبدالحی . مرجع سابق صفحه : ۲۰۸ و همچنان المراداوی ـ افغانستان ـ صفحه : ۱۳ و همچنان شاه پیر معظم . مرجع سابق صفحه : ٤۷٦ و همچنان **AHMAD , BURHAN , THE MOGDDS CONCEPTION OF TAYWHID** و الندوی . ابوالحسن ـ حضرت مجدد اورکی ناقدین ـ

۳۱ ـ فوفلزائی ـ تاریخ تیمور شاه درانی ـ جلد ۲ صفحه : ۲۱۰

۳۲ ـ **TELEGRAM FROM HIS MAGESTY S MINISTER IN KABUL TO THE SECRTARY OF STATE FOR FOREIGN AFFAIRS : I _ OR , L / P+ S / 10 / 35 PART 3 , 1928 .** و المراداوی ـ مرجع سابق صفحه : ۱٤ ـ ۱۵ و مجله ـ الحوادث ـ لبنانی می ۱۹۸۰ و غبار ـ میر غلام محمد مرجع سابق صفحه : ۸۰۲ ـ ۸۱۷

۳۳ ـ **SCHINASI , MAY , OP . CIT P : 116 AND POLLADA , OP , CIT PP : 126 - 128 AND ADAMEC , WHO S WHO OF AFGHANISTAN , PP : 114, 215- 219 - 220**

۳٤ ـ **DAYL , EXPRESS , FEB , 13 , 1929 AND , GREGORIAN , VARTAN , OP.CIT , PP : 208 - 209**

۳۵ ـ **DUPREE , LOUISE , OP. CIT . CH : 19 AND POLLADA , OP . CIT . P : 122 AND SCHINASI , MAY , OP. CIT . PP : 116 - 117**

۳٦ ـ آریانا دائره المعارف ۱۹۵٦ جلد ۳ صفحه ۲۱۰ و همچنان ابو العینین . فهمی . مرجع سابق صفحه : ۱۲۷ . ۱۲۸

۳۷ _ SCHINASI , MAY , OP.CIT. PP : 97 - 99

۳۸ _ حبیبی . عبدالحی . مرجع سابق . صفحه : ۱۳۰ و همچنان ابراهیم محمد عبدالفتاح - افغانستان _ صفحه : ۲۱ _ ۲۲ و همچنان _ SCHHIASI , MAY , OP. CIT , P 136

۳۹ _ حبیبی . عبدالحی . مرجع سابق صفحه : ۱۳۵ _ ۱۳۷ و همچنان SCHINASI , MAY , PO.CIT , PP 100- 101

۴۰ _ ADAMAC , AFGHANISTAN FOREIGN AFFAIRS , P : 7 - 25 AND GREGORE , OP, CIT : 200 - 210 AND DURPREE ,OP. CIT . CH : 19

۴۱ _ MOHAMAD ALI , WAR OF INDEPENDNC , PP : 22 - 24 و همچنان رياض محمد: الشرق الاوسط . صفحه : ۵۶

# فصل اول

## شهادت امیر حبیب الله خان :

در ساعت سه شب ۲۰ فبروی سال ۱۹۱۹ واقعهٔ مهم سیاسی در تاریخ معاصر افغانستان صورت گرفت که عبارت از قتل امیر مملکت امیر حبیب الله خان بود• قتل امیر صفحه ای جدیدی را برای مبارزهٔ داخل خانوادهٔ سلطنتی باز نموده و استقراری را که تقریبا سی سال در بر گرفت بر هم زد • قبل از اینکه در مورد مبارزه بین افراد خانواده سلطنتی برای گرفتن قدرت و نتائج آن بحث شود بهتر است قدری روشنی در مورد قتل امیر و اسباب آن و مسئولیت آن اندازیم برای اینکه تا هنوز تفصیلات این قتل مجهول مانده و وثائق مربوط به آن یا به چاپ نرسیده و یا اینکه از بین رفته که ظهور وثائق جدید در آینده باعث کمک مؤرخین خواهد شد •
واقعه قتل سؤالات زیادی را بوجود آورده و انداختن تهمت بالای افراد و گروپ ها ممکن است برای مدت زیادی ادامه یابد • اگر چه ما میدانیم ـ البته از خلال مطالعات تاریخی ـ که حادثه یا واقعه قتل یک ضربت قوی و سریع بود و شک در باره ای مرتکبین آن خصوصا قوای خاص نظامی امیر موجود است زیرا در معیت امیر قوای بزرگی که در رأس آن شخصیتهای عالی مقام دولتی قرار داشتند و در وقت حادثه ای قتل حاضر بودند که تقدیم معلومات از قوای دولتی و قوماندنهای آن قدری در موضوع روشنی خواهد انداخت • (۱)
خیمهٔ امیر حبیب الله خان در وسط خیمه های نظامی اش قرار داشت که قوای نظامی امیر چهار حلقه بزرگ را می ساختند • حلقه اول را قوای خاص امیری بنام فرقه ( سراوس ) تشکیل میداد که تحت قیادت سردار شاه محمود خان برادر محمد نادر خان بود • حلقه دوم را فرقه ( رکابی ) تشکیل میداد که زیر قیادت سردار شاه ولی خان برادر محمد نادر خان بود • حلقه سوم تحت قیادت سردار احمد علی خان پسر کاکای محمد نادر خان بود • حلقه چهارم تحت قیادت سردار احمد شاه خان پسر کاکای محمد نادر خان بود • در پهلوی این چهار فرقه نظامی دو فرقه نظامی مهم دیگر بنامهای ( فرقه شاهی و فرقه شش اردلی ) تحت قیادت جنرال محمد نادر خان قوماندان اعلی نظامی بود •

از خلال مطالعهٔ زمانی که در آن قتل صورت گرفت دانسته میشود که خیمهٔ امیر زیر کنترول شدیدی قوای نظامی قرار داشت که تعداد افراد آن به چهار هزار میرسید بود و قیادت این قوا را خانواده ای جنرال محمد نادر خان بدست داشت خانواده ای که امیر عبدالرحمن پسر خود امیر حبیب الله خان را از نزدیکی با ایشان منع نموده بود ٠

با این قوای بزرگ و امنیت قوی شخص مجهولی توانست در ساعت سه شب ۲۰ فبروری ۱۹۱۹ داخل خیمه امیر حبیب الله خان شود و بدون اینکه حاضر باشان داخل خیمه احساس نمایند امیر را به قتل برساند و باز با وجود صدای فیر تفنگچه بتواند به آرامی از خیمه به سلامت خارج شده نا پدید گردد ٠ ( ۲ )

درامای قتل به شکلی که رسم شد انسان را وادار میسازد تا قدری در موضوع عمیق شود و بالای تعدادی از اشخاص شک نماید خصوصا که حادثه قتل را هر کدام به اساس مفکورهٔ سیاسی خود تفسیر نمودند٠ روسها و مؤرخین دارای مفکوره کمونستی ادارهٔ جاسوسی انکلیس را متهم به قتل امیر حبیب الله خان میدانند و می نویسند که حادثهٔ قتل از تدبیر افراد اداره جاسوسی انکلیس بود ٠

این گروپ اضافه میکند که ادارهٔ جاسوسی انگلستان شخصی را بنام ( مصطفی شاه جیر ) برای قتل امیر تربیه نموده بود ٠ ( ۳ ) و روسها دلیل خود را از اعلان حکومت ترکیه که در آن آمده بود که : ( دولت ترکیه کشف نمود که اداره جاسوسی انگلستان برای قتل مصطفی کمال اتاتورک شخصی را بنام مصطفی شاه جیر در ۱۹۲۲ فرستاده بود و مصطفی شاه جیر در جریان تحقیق اعتراف نمود که در سال ۱۹۱۹ امیر افغانستان را در مقابل صدهزار روپیه بقتل رسانده ٠) ( ٤ )

یک تعداد از افغانان و خصوصا مخالفین انکلیس در افغانستان نیز مانند روسها ادارهٔ جاسوسی انکلستان را متهم میدانند در حالیکه آقای غبار می نویسد که قتل امیر عبارت از تنفیذحکم اعدام بود که از طرف قوای ملی بر ضد امیر صادر شده بود٠ ( ۵ ) و ما در خلال مطالعه از موضوع ملاحظه می کنیم که هیچ طرف دلیل قوی و مستند ندارد٠ امیر امان الله خان اولا کاکای خود امیر نصرالله خان و جنرال محمد نادر خان را بجرم قتل امیر متهم نمود و لیکن بعد از زندانی کردن و قتل نصرالله خان برای کسی اجازه نداد در موضوع حرفی بزنند ٠

امیر عنایت الله خان شخص امان الله خان را در اشتراک به قتل پدر متهم نمود •
دولت انگلستان نظر داشت که مردم قبائل در حادثه قتل شریک اند • در راپور سری که - ROSS KEPPAL _ به حکومت هند بریطانوی مخابره نمود آمده که : ( تعجب نیست که ممکن باشد قاتل امیر از شهر پشاور باشد• ) ( ۷ ) بر علاوه دلائلی که روس و انگلیس تقدیم نموده اند دلائل قویتر موجود است که قتل امیر توسط خود افغانان و گروپ ضد سیاست انگلیس انجام یافته که امان الله خان و جنرال محمد نادر خان و سردار محمود طرزی و شجاع دوله از عناصر مهم آن بودند • و دلیل موجود است که شخص شجاع دوله بالای امیر فیر نموده و دگروال _ رضا علی شاه _ بعد از صدای فیر دیده که شجاع دوله از خیمه ای امیر خارج میشود و وی را دستگیر نمود لیکن سردار شاه ولی خان دگروال موصوف را به سکوت امر کرده اضافه کرد که امیر در استراحت اند در حالیکه دگروال رضا و عساکر تحت قومانده اش یقین داشتند که امیر به قتل رسیده و برادران جنرال نادر خان و شجاع دوله شرکاء در قتل اند و برای عدم نشر خبر اولین کسیکه به دار آویخته شد دگروال مذکور بود• ( ۸ )
جناب دکتور اختر محمد مستمندی در موضوع اشتراک شجاع دوله در شهادت امیر حبیب الله خان در مجله نامه خراسان نوشته بودند و من خواستم تا موضوع را از زبان خودشان شنیده و نقل قول نمائیم • دکتور مستمندی فرمودند که : بعد از مدت پنجاه سال مرحوم عبدالرحیم خان دوله به امریکا آمد تا خواهران خود را ببیند• ملاقات در منزل دکتور مستمندی صورت گرفت • عبدالرحیم خان دوله در موضوع شهادت امیر حبیب الله خان و نقش شجاع دوله حکایت کرد که چند روز قبل از وفات شجاع دوله در شفاء خانه در حالیکه خانم سردار محمد حسین خان حاضر بود شجاع دوله قسم یاد کرد که بالای امیر شهید فیر نکرده لیکن در گروپی که برای قتل امیر حبیب الله خان کار میکرد عضویت داشت •
حادثه سوء قصد بر ضد امیر حبیب الله خان در جلال آباد که اسباب قتل وی را آماده ساخت اولین آن نبود و امان الله خان و جوانان ملیت پرست برای بار اول متهم به قتل امیر نشدند بلکه چندین بار پروگرام قتل توسط عناصر فوق ساخته شده بود و خانم امیر حبیب الله خان ملکه علیا حضرت ملقب به _ سراج الخواتین _ در مخالفتهای که با امیر داشت و خواهان آن بود که

پسرش امان الله به تخت سلطنت برسد نیز در تدبیر قتل امیر نقش فعال را بازی مینمود و روابط بین امیر و ملکه چندان خوب وعادی نبود ۰

امیر حبیب الله خان مورد استقبال همه طبقات افغانستان واقع شد خصوصا که امیر در بین ملت به دینداری معروف بود و مرحلهٔ دیکتاتوری را مردم دیده بودند و خواهان تجدید و تغییر بودند۰ لیکن امیر حبیب الله خان بعد از مدت کوتاه مشغول خوش گذرانی شده به شئون دولت چنانچه لازم بود رسیدگی نکرده از آن دوری اختیار نمود ۰ بدین ترتیب آرزوهای جوانان ملیت پرست برآورده نشده از تأئید خود نسبت به امیر جدید کاستند ۰ و همچنان عدم اشتراک امیر در جنگ جهانی اول و داخل شدن در جنگ بنفع خلافت عثمانی ترکیه سبب گردید تا حرکات اسلامی افغانستان از امیر دور شوند و بیطرفی امیر را خیانت به قضیه ای اسلام و تسلیم به اراده انگلیس تعبیر و تفسیر نمودند۰ (۹) لیکن علمای اسلامی افغانستان طرفدار سو قصد و قتل نبودند بدین ترتیب اعضای حزب سری جوانان ملیت پرست که امان الله خان جزو ایشان بود سو قصد را تأئید مینمودند و پروگرام قتل امیر حبیب الله خان را آماده ساختند لیکن اسرار شان کشف گردیده و ٤٥ نفر شان زندانی گردیدند۰ و تعدادی از ایشان که مهمترین شان محمود طرزی و شجاع دوله و جنرال محمدنادر خان و عبدالهادی داوی و عبدالرحمن لودی بودند به امان الله خان نزدیک شدند که امان الله خان از ایشان استقبال نیک نمود۰ (۱۰)

اولین هجوم مسلح بالای امیر در شب تولدی اش در سال ۱۹۱۸ صورت گرفت که متهم اول در قضیه عبدالرحمن خان لودی معرفی شد و در جریان تحقیقات بریاست مستوفی الممالک میرزا محمد حسین خان اسم امان الله خان و ملکه سراج الخواتین علیا حضرت مادر امان الله خان نیز آمد و مستوفی الممالک جریان تحقیق را بشکلی که بود بخدمت امیر حبیب الله خان تقدیم نمود که امیر در فکر طلاق ملکه و زندانی نمودن امان الله خان شد۰ (۱۱) لیکن امیر نصر الله خان کوشش زیاد بخرج داد تا ملکه طلاق نشده و امیر جوان زندانی نشود که حبیب الله خان به درخواست برادر جواب مثبت داد۰ (۱۲) با این هم ملکه در کوششهای خود برای رسیدن امان الله خان به تخت افغانستان ادامه داد و در داخل قصر کوشش نمود تا دیگر شهزاده ها را دور سازد و ملکه در تنفیذ این امر از مقام اجتماعی خود در بین قبائل بارکزائی استفاده ای خوب

نمود ۰ ( ۱۳ )

ارتباطات ملکه را با رجال قبائل امیر میدانست و همین ارتباطات اسباب اختلافات را بین امیر و ملکه زیاد نمود تا اینکه در سال ۱۹۱٦ ملکه را از تمام حقوق اقتصادی محروم ساخت واموال وی را ضبط نمود که در نتیجه آن اختلافات عمیقتر شده و تا قتل امیر دوام کرد ۰ ( ۱٤ )

# آغاز اختلافات برای گرفتن تخت سلطنت :

شهادت امیرحبیب الله خان بشکل غیر منتظره دروازه اختلافات را برای رسیدن به تخت افغانستان باز نمود لیکن این بار در تاریخ افغانستان اختلافات محدود و در داخل افراد خانواده حبیب الله خان باقی ماند و درین مورد افتخار ابتکار در حل و عدم انتشار اختلاف به سردار نصر الله خان میرسد زیرا این امیر عاقل و مخلص بوطن در ازدیاد اختلافات نکوشید و از جانب دیگر حرکت سریع امان الله خان و طرفدارانش در داخل قوای نظامی و دستگاه دولتی امور را بسرعت بنفع وی خاتمه داد • اگر چه بعضی مؤرخین اروپائی و امریکائی باین نتیجه رسیده اند که اسباب اختلاف بعد از قتل امیر بسبب آن بود که امیر کدام ولی عهدی را تعیین نکرده بود • (۱۵) اگر ما این نظریه را تأئید نمائیم پس به حق امیر نصرالله خان و امیر عنایت الله خان ظلم نموده و از موقف امیر امان الله پشتیبانی نموده ایم زیرا در افغانستان رسم بود که پسر بزرگ بعد از پدر صاحب حق قانونی میبود • در عهد امیر حبیب الله خان معلوم بود که امیر نصرالله خان نائب امیر بوده و از صلاحیت کامل اداری برخوردار بود و همچنان امیر حبیب الله خان در سال ۱۹۱۷ فرمانی بنام نصرالله خان صادر نموده بود که مطابق آن نصرالله خان بصفت نائب سلطنت اجرای وظیفه می نمود• و از ناحیه دیگر تمام ارکان دولت و حتی امان الله خان و گروپ مخالف سیاست انگلستان به حق نصرالله خان به منصب نائب سلطنت اعتراف داشتند و باساس همین حق بود که امیر عنایت الله خان بزرگترین اولاد امیر حبیب الله خان بعد از قتل والد خود حق کاکای خود را برای احراز سلطنت برسمیت شناخت •

در این جا لازم دیده میشود که قبل از داخل شدن به موضوع اختلافات و نتیجهٔ آن به افرادیکه در این میدان بحیث ورثه تاج افغانستان با هم داخل مبارزه بودند اشاره نمائیم و خصوصا امیر نصر الله خان و امیر عنایت الله خان و امیر حیات الله خان و امیر امان الله خان را معرفی نمائیم •

## ١ ـ امير نصر الله خان :

امير نصرالله خان پسر امير عبدالرحمن خان از خانم بدخشی اش است ٠ نصر الله خان در هفتم ابریل سال ١٨٦٥ در شهر سمر قند در وسط آسیأ تولد یافته و با پدر به افغانستان آمده و شخص دوم در اداره پدر بعد از امیر حبیب الله خان به حساب میآمد و از طرف پدر بحیث نماینده فوق العاده به هندوستان و فرانسه و انگلستان و ایتالیه و مصر نیز سفر نمود٠ (١٧)
امیر نصرالله خان در عداوت خود نسبت به استعمار انگلیس معروف بود و در جریان جنگ جهانی اول بسیار کوشش نمود تا افغانستان بر ضد قوای انگلیس داخل جنگ شود و از موقف خلافات اسلامی حمایت می نمود ٠ امیر نصرالله خان در دینداری و تقوی شهرت خوبی داشت و با روحانیون افغانستان و حرکت انصار خلافت عثمانی نزدیکی خاص داشت و همچنان بین امیر نصرالله خان و زعمای قبائل در داخل افغانستان و داخل هند علاقه و احترام موجود بود٠ با این همه صفات امیر نصرالله خان به بخل در مصارف و در شدت در حکومتداری و عدم رغبت به دیموکراسی معروف بود بدین لحاظ تعدادی از مردم از رسیدن وی به سلطنت در خوف بودند ٠ اگر چه نصرالله خان در ضدیت با انگلیس شهرت داشت لیکن متصف به شجاعت و تصمیم گیری سریع در امور مهم و بسرعت نبود و در مبارزۀ سیاسی آماده نبود که در نتیجه نتوانست با امان الله خان در میدان مبارزه سیاسی غلبه نماید٠ (١٨) و همین صفات در موقف نصرالله خان بود که در سال ١٩١٨ موضوع قتل امیر حبیب الله خان را رد نمود و گفت که قتل مخالف عقیده ای اسلامی است ٠ (١٩)

## ۲ ـ امیر عنایت الله خان :

امیر عنایت الله خان پسر بزرگ امیر حبیب الله خان بود و به پدر بسیار نزدیک بوده در عهد والد خود مسئول معارف در کشور بود و خود را وارث تخت پدر میدانست لیکن چون احترام زیادی به کاکای خود امیر نصرالله خان داشت بعد از شهادت پدر اولین شخصی بود که به کاکای خود بیعت نمود• ( ۲۰ )
در امور سیاسی طرفدار سیاست پدر بوده با اشتراک افغانستان در جنگ جهانی دوم مخالفت می نمود و خواهان آزادی افغانستان از طریق مذاکرات بود • امیر عنایت الله خان در اصدار حکم بسیار شدید بود و نتوانست رروابط نزدیک با رجال قبائل قائم نماید و از تأیید افراد ملت برخوردار نبود بدین لحاظ برای رسیدن به کرسی سلطنت بسیار حریص نبود و بسرعت حکومت امیر نصرالله خان و بعد از آن حکومت برادر خود امان الله خان را برسمیت شناخت و در سال ۱۹۲۹ بعد از فرار امان الله خان بحیث پادشاه شناخته شد که مدت حکم اش ده روز بوده فورا حکومت را به حبیب الله خان بچه ای سقاء تسلیم نموده از افغانستان خارج شد •

## ۳ ـ امیر حیات الله خان :

پسر دوم امیر حبیب الله خان بود و در ۲۹ دسپتمبر سال ۱۸۸۸ از خانم چترالی امیر متولد شد و در سال ۱۹۰۵ از طرف پدر بحیث والی بدخشان و قطغن مقرر شد و در سال ۱۹۱۷ لقب عضد الدوله را از طرف پدر دریافت نمود•
نزد مردم معروف بود که امیر حیات الله خان اموال را طریق غیر قانونی بدست میآورد و بدین نسبت نزد افراد ملت قابل احترام نبود • حیات الله خان عزم قوی نداشت اولا به نصرالله خان

و بعدا به امان الله خان و بعدا به عنایت الله خان در سال ۱۹۲۹ بیعت نمود و در زمانی که به عنایت الله خان بیعت می نمود با بچه سقاء نیز به تماس بود و در وثیقه ایکه کفر امان الله خان را ثابت میکند امضاء نمود و در ۱۹۳۰ در زمان سلطنت محمد نادر خان از بزرگان دولت شد ٠ (۲۳)

## ٤ ـ امیر امان الله خان :

امان الله خان پسر سوم امیر حبیب الله خان از ملکه علیا حضرت سراج الخواتین بود ٠ چون موضوع بحث عصر اعلیحضرت امان الله خان است لهذا در شخصیت این امیر بحث نمی کنیم زیرا در جریان بحث بتفصیل آمده است ٠ در این جا همینقدر دانسته شد که چهار شخصیت بود که در اختلافات برای رسیدن به کرسی سلطنت افغانستان داخل مبارزه بودند از آنجمله اولا به مطالعهٔ شخص نصر الله خان آغاز مینمایم ٠

## امیر نصرالله خان :

بمجرد نشر خبر شهادت امیر حبیب الله خان بزرگان دولت و صاحبمنصبان عالی رتبهٔ عسکری به خیمهٔ امیر جمع گردیدند و جنرال محمد نادر خان حالت اضطراری را اعلان نموده امر به تحقیق در موضوع قتل امیر را صادر نمود ٠ حَالت پریشانی بالای همه حاکم شد و سکوت خیمه امیر را در بر گرفته بود ٠ لیکن امیر نصر الله خان حاضرین را مخاطب ساخته گفت که در دنیا از این واقعات زیاد رخ میدهد شما نباید پریشانی را بخود راه بدهید و حال واجب وطن دوستی شما حکم میکند که برای حفظ ناموس و وطن بکوشید و بطرف عنایت الله خان

رو آورده گفت حال طوری به من رفتار کن مثلیکه من در وقت وفات امیر عبدالرحمن خان با پدرت رفتار نمودم (۲٤) ۰

بعد از آن امیر نصرالله خان با صاحبمنصبان عسکری ملاقات نموده از موضوع قتل امیر ایشانرا اطلاع داد و امر کرد که راه جلال آباد تا کابل را مراقبت نموده و همچنان خط تلفون را در کنترول داشته باشند و جنرال نادر خان را به جلال آباد فرستاد تا با باقی عساکر همکاری نماید در جریان این ملاقاتها نصرالله خان خود را امیر برای آینده کشور معرفی ننمود۰

در ۲۱ فبروری ۱۹۱۹ که روز دفن امیر تعیین شده بود شاه آغاسی ـ علی احمد خان ـ نزدیک شده گفت که در شریعت اسلامی امیر دفن نمیشود تا امیر جدید تعیین نشود و بطرف نصرالله خان اشاره نموده گفت که وی نائب سلطنت و شخص با دیانت نیز میباشد و من برای وی بیعت میکنم ۰ امیر عنایت الله خان چون موقف را مشاهده کرد بعجله به نصرالله خان نزدیک شده گفت که من اولین شخصی هستم که به امیر جدید بیعت می نمائیم و بعد از عنایت الله خان تمام حاضرین به امیر جدید بیعت نمودند۰ (۲۵) امیر عنایت الله خان قصداش از بیعت معنی محبت به نصرالله خان را نمیداد بلکه میخواست جلو رسیدن امان الله خان را به سلطنت بگیرد زیرا روابط بین هر دو طرف دوستانه نبود و عنایت الله خان در سال ۱۹۱۸ از جمله کسانی بود که به زندانی شدن امان الله خان و طلاق مادرش رأی داده بود۰ (۲۶)

امیر نصرالله خان بسرعت و بدون دعوت زعمای قبائل و خانوادهٔ سلطنتی و اعضای شورای مشورتی سلطنت را قبول نمود که این موقف وی را امان الله خان تعبیر بد نموده و وی را متهم به قتل پدر نمود۰ (۲۷)

امیر نصرالله خان میدانست که بعضی مشکلات در داخل و خارج وی را تهدید میکنند بدین نسبت نخواست در مبارزه ای سلطنت با امان الله خان دشمنی انگلیس را بدست آورد لهذا از جلال آباد نامه ای به ویسرای هند ـ **LORD CHLMSFORD** ـ فرستاده و در آن قتل امیر را اطلاع داده و از اینکه افراد ملت به وی بیعت نموده اند حکومت هند برتانوی را خبر داد و از روابط تاریخی بین افغانستان و انگلستان یاد نموده اضافه کرد که نظام جدید در بهتر ساختن روابط کوشش خواهد نمود ۰ (۲۸)

اگر چه امیر نصرالله خان از فرستادن نامه به هند قصد داشت تا حکومت خود را معرفی نماید و چون ذکر از استقلال در نامه ذکر نشده بود طرفداران استقلال که نصرالله خان را زعیم خود میدانستند از وی رو گشتانده و نصر الله خان را متهم نمودند که از خط مبارزه با انگلیس عقب نشینی نموده است • این موقف بنفع امیر امان الله خان تمام شده و علیه نصرالله خان تبلیغات آغاز نمود و توانست طرفداران استقلال کشور را با خود متحد بسازد •

از جانب دولت انگلستان نامه نصر الله خان تفسیر غیر واقعی شد و حکومت هند برتانوی مضمون نامهٔ را برای کسب وقت از طرف امیر نصر الله خان دانست که ما از نامهٔ ویسرای هندوستان ـ **LORD CHELMSFORD** ـ مؤرخه ۲۵ فبروری ۱۹۱۹ عنوانی وزارت خارجه انگلستان که در آن آمده : ( نامه امیر جدید در مضمون خود از صداقت با انگلستان سخن میزند و از نامه های امیر گذشته دوستانه تر و نرم تر است • از صداقت و دوستی که امیر جدید از آن سخن میزند در حقیقت غیر واقعی میباشد و ممکن نیست با امیر جدید روابط نیک را انتظار داشته باشیم • ) ( ۲۹ )

نامه ویسرای هند برتانوی زمانی به لندن رسید که در داخل افغانستان قضیه شکل دیگری را اختیار نموده بود زیرا امیر امان الله خان عدم موافقیت خود را به حکومت امیر نصرالله خان اعلان نموده خود را در کابل پادشاه اعلان نمود• در نتیجهٔ تغییرات سیاسی و غیر منتظره در کابل حکومت انگلستان بهتر دانست تا از انتظار کار گرفته و نتائج حوادث را در افغانستان بدقت مورد مطالعه خود قرار بدهد خصوصا که دولت انگلستان مبارزه مسلحانه را بین امان الله خان و امیر نصر الله خان حتمی میدانست و سیاست خود را نسبت به افغانستان دوری از اطراف داخل نزاع و عدم کسب دشمنی اعلان نمود که این سیاست را ما از مطالعهٔ مضمون نامهٔ وزارت خارجه انگلستان به حکومت هند میدانیم • در نامه وزارت خارجه ای انگلستان آمده که در به رسمیت شناختن حکومت جدید در افغانستان که مقصد از آن حکومت امیر نصر الله خان است باید تأخیر شود و آمده که ممکن امیر نصر الله خان بزودی از تخت سلطنت تنزل کند و مبارزه در افغانستان بین عناصر قدیم و تجدید طلبان در جریان است و از اینکه افراد قوای مسلح جانب تجدید طلبان را گرفته اند در نتیجه عناصر جوان تجدید طلب موفق شده و نمایندهٔ شان امان

الله خان به سلطنت میرسد. (۳۰)

امیر نصر الله خان از جلال آباد فرمانها به ولایات افغانستان فرستاده طالب بیعت شد لیکن فرمانهای امیر در طول راه از طرف طرفداران امان الله خان مصادره شده به ولایات نرسید. امیر نصر الله خان فرمان جداگانه عنوانی امان الله خان توسط شجاع دوله به کابل فرستاد و از وی دعوت کرد تا بیعت مردم کابل را بفرستد • شجاع دوله برای امان الله خان از اوضاع جلال آباد معلومات مفصل داد و گفت که صاحب منصبان عسکری طرفدار امیر نصر الله خان نیستند و امان الله خان را تشویق به اعلان سلطنت نمود و همچنان امیر نصر الله خان را متهم به قتل امیر حبیب الله خان ساخت • (۳۱)

امیر امان الله خان جواب نامهٔ نصرالله خان را توسط شجاع دوله به جلال آباد فرستاد • امیر امان الله خان در نامهٔ خود نصرالله خان را متهم به عدم مسئولیت در قضیهٔ قتل پدر خود نمود و نوشت که نصر الله خان بدون حق شرعی خود را امیر اعلان نموده است • امان الله خان در اخیر نوشت که باید نصر الله خان بیعت مردم جلال آباد را به کابل بفرستد و خود را تسلیم نماید در غیر آن مسئول خون مسلمانان خواهد بود • (۳۲)

امیر امان الله خان نامه های جداگانه به زعمای قبائل فرستاده حق خود را به سلطنت افغانستان اعلان نمود • و هم طرفداران خود را به جلال آباد فرستاد تا در بین مردم و عساکر به تبلیغات ضد نصر الله خان اقدام نمایند ومردم را به طرفداری امان الله خان تشویق کنند • و برای بدست آوردن تأئید عساکر فورا اعلان نمود که معاش عساکر دو چند شده است • شجاع دوله از کابل تا جلال آباد مردم را برای تأئید امان الله تشویق می نمود و در جلال آبا امیر نصر الله خان را از اوضاع کابل اطلاع داده و اضافه کرد که امان الله خان اعلان استقلال نموده • و مقصد از سخنان شجاع دوله در آن بود که امیر نصر الله خان را از عواقب بترساند.

نصر الله خان بعد از دریافت نامهٔ امیر امان الله خان که شجاع دوله آنرا آورده بود فورا مجلس بزرگان را دعوت نمود و همه را در جریان مضمون نامهٔ وارده از کابل ساخت • در جریان مجلس همه مشوره دادند که مضمون نامه باید رد شود و امیر نصرالله خان با قوت عسکری داخل کابل شود و پاچا صاحب کنر وعده داد که ده هزار از جوانان قبیله مهمند را در خدمت امیر نصرالله

خان میگذارد. مگر امیر نصرالله خان اظهار نمود که هرگز تاجی را که برای دریافت آن خون جوانان ملت ریختانده شود قبول نخواهد کرد ۰ (۳۳) و فیصله کرد که از سلطنت افغانستان برای امان الله خان میگذرد و آمادگی خود را برای فرستادن نامه برای امان الله خان به کابل اعلان نمود لیکن قبل از مطالعهٔ مضمون نامه باید جریانات سیاسی که در جلال آباد موجود بود بررسی شود زیرا اثر مستقیم در سقوط سلطنت امیر نصر الله خان داشت زیرا استعفای امیر نصر الله خان را نباید فقط بخاطر جلوگیری از خونریزی و یا حب اسلام و مسلمین دانست ۰ امیر نصر الله خان شخص ذکی و عاقل و مرد سیاسی بود و از اوضاع چهار طرف خود اطلاعی کامل داشت و میدانست که جنرال نادر خان و برادران وی در خفاء با امان الله خان وابسته اند و شجاع دوله شخص قابل اطمینان نیست و ما از مضمون نامه نصر الله خان این نقاط را بخوبی می توانیم بدانیم ۰

جنرال نادر خان اسباب صرفنظر کردن امیر نصر الله خان را از سلطنت افغانستان حرکت سریع طرفداران امیر امان الله خان میداند و میگوید که طرفداران امان الله خان در بین فرقه های عسکری داخل شده شبنامه ها توزیع مینمودندو عساکر را علیه دولت جلال آباد به شورش دعوت میکردند ۰ محمد نادر خان اضافه میکند که شش ساعت بعد از اعلان سلطنت نصر الله خان طرفداران امان الله خان به جلال آباد رسیدند و مثل برق به هر طرف پراگنده شده فرمانهای امان الله خان را توزیع نمودند و هم پول بین مردم توزیع نموده مردم را برای بیعت امان الله خان دعوت میکردند ۰ (۳٤)

در روشنی نامهٔ جنرال نادر خان که شخص اول در نظام امیر نصر الله خان در جلال آباد بود ملاحظه میشود که نادر خان نخواست مانع فعالیت طرفداران امان الله خان شود و برادرانش راه بین کابل و جلال آباد را بروی طرفداران امان الله خان مسدود نکردند چنانچه نصر الله خان امر نموده بود ۰ جنرال محمد نادر خان و برادرانش بصفت تماشاچی اوضاع را ملاحظه میکردند و به دولت نصر الله خان با وفا نبودند ۰ وثائق انگلیسی نشان میدهد که محمد نادر خان و برادرانش قبل از قتل امیر حبیب الله خان در صف امان الله خان بودند و خود شان عساکر را بر ضد نصر الله خان تشویق میکردند ۰ (۳۵)

حضرت صاحب شوربازار مرحوم محمد صادق مجددی مینویسد که جنرال محمد نادر خان میدانست که در حالت پیروزی امیر نصر الله خان حقائق قتل امیر حبیب الله خان کشف شده و اشتراک آل یحیی معلوم گردیده نهایت شان میرسد لهذا در اسقاط حکومت نصر الله خان کوشش مینمودند • (۳٦)

از جانب دیگر امیر نصر الله خان نتوانست تأئید حکومت انگلستان را کسب نماید و امیر میدانست که دولت انگلستان وی را قبول ندارد لهذا مجبور شد به واقعیت اعتراف نموده بیعت خود را به امیر امان الله خان ارسال نمایدکه در نامهٔ خود عنوانی امان الله خان مؤرخه ۲۵ جمادی الاول نوشت:

( حضرت الهی جل جلاله وجود عزیز فرزند ارجمند کامگار و نور دیده برخوردار امیر امان الله خان را از حوادث روزگار بر کنار داشته بمقاصد دارین کامیاب گرداند• چون بموجب التجاء و بیعت ارجمندان سعادتمندان معین السلطنه و عضد الدوله و باقی ارجمندان عزیز و خدام حضور و صاحب منصبان نظامی و ملکی امارت افغانستان را قبول کرده و مشروحا بحضور آن ارجمند عزیز الوجود اطلاع داده بودم • در ثانی اطلاعدهی آن فرزند ارجمند برای من رسید و معلوم شد که مردمان دارالسلطنه کابل بحضور شما بیعت نموده و شما قبول امارت دولت افغانستان را برای خود کرده اید لهذا چون خود من خواهش امارت را نداشتم و محض برای سر پرستی شمایان و لحاظ حفظ دین و ملت افغانستان آن بار گران بردوش خود قبول نموده بودم و هرگز بنفاق و آزردگی شما روادار نبوده و نیستم و شما را فرزند ارجمند دلبند بقراریکه میدانستم میدانم و امارت و دولت و حشمت آن فرزند ارجمند را از خود میشمارم بنابران خود من برضا و رغبت خود از امارت افغانستان استعفاء نموده از درگاه حضرت الهی جل جلاله امارت و امامت آن فرزند ارجمند را نیک و پاینده و باقی میخواهم • انشاء اله تعالی خود من هم عازم دارالسلطنه کابل شده وبدیده بوسی فرزند ارجمند خود کامیاب گردیده دست بیعت برای آن فرزند ارجمند خواهم داد باقی ایام بکام باد • نصراله • ) ۲۵ جمادی الاول ۱۳۳۷ مطابق ۲۸ فبروری ۱۹۱۹ (۳۷) •

امیر امان الله خان بیعت امیر نصر الله خان را موقف ضعف از جانب وی تعبیر نموده به مضمون

آن احترام نکرد و فورا امر به دستگیری وی و افراد خانوادۀ سلطنتی صادر نمود که همهٔ ایشان بتاریخ ۲۹ فبروری جهت محکمه به کابل زندانی شدند. ناگفته نماند که امیر نصر الله خان دعوت حکومت هند را بسفر به هند رد نموده زندان کابل را برتری داد ۰ (۳۸) بدین ترتیب حکومت امیر نصر الله خان بسرعت سقوط داده شد و افغانستان تحت زعامت امیر امان الله خان بوحدت خود ادامه داد ۰ (۳۹)

## اعلیحضرت امان الله خان :

چانس با امان الله خان بود زیر اثناء قتل پدر نائب امیر در کابل بود و قصر وخزانه و ادرات دولتی را در تصرف خود داشت و فقط چند روز بعد و به عودت امیر مدت وظیفه اش خاتمه می یافت و امان الله خان از امکاناتی که در دسترس داشت بشکل مناسب استفاده نمود ۰ (۴۰) امان الله خان میدانست که با وجود امیر نصر الله خان شخصیت قوی ای در دولت و برادر بزرگی مثل عنایت الله خان چانس رسیدن از طریق قانونی کمتر دارد لیکن از وسائلی که در پایتخت داشت خصوصا پول استفاده اعظمی بنفع خود نمود ۰ (۴۱)
امان الله خان در مبارزۀ خود شعار انتقام از قاتلین پدر را بلند نمود و با صراحت کاکای خود را متهم نمود تا توانسته باشد موقف سیاسی اش را در بین ملت ضعیف بسازد. در پهلوی پول و انتقام پدر شخصیت محبوبی که امان الله در بین افراد ملت خصوصا باشندگان کابل داشت بهترین پشتیبان وی بود ۰ امیر امان الله یگانه امیر در خانوادۀ سلطنتی بود که با ملت نزدیک بود و ملت با بی صبری انتظار زمستان را میکشیدند تا حبیب الله خان به جلال آباد رفته و امان الله خان از وی نیابت نماید زیرا امیر جوان تعدادی از زندانیان را از حبس رها می نموده و برای فقرا مواد غذائی توزیع می کرد و تعدادی از فقراء به دروازه ای قصر برای دیدار امان الله خان و دریافت کمک صف به صف انتظار میکشیدند و از طرف امیر مورد نوازش قرار میگرفتند. (۴۲)

امان الله خان با قوای نظامی ملاقات نموده اخبار شهادت پدر را به اطلاع عساکر رساند و در وقت سخنرانی گریه کنان میگفت به هیچ امیری بیعت نخواهم کرد تا قاتلین را محاکمه نکند ۰ (۴۳) و برای کسب تائید عساکر معاش عساکر را از ۱۲ روپیه به ۲۰ روپیه بلند نموده و مبلغی از مال بقسم تحفه به عساکر هدیه داد ۰ (٤٤)

سیاست حکیمانهٔ اعلیحضرت امان الله خان نه تنها مورد پشتیبانی قوای نظامی در کابل شد بلکه سائر قطعات نظامی نیز از وی حمایت نمودند و قرار راپور منابع انکلیسی تأئید قوای نظامی بشکل فوری اسباب سقوط امیر نصر الله خان را آماده نموده و ستاره بخت امان الله خان را بلند ساخت ۰ (٤٥)

در روز ۲۳ فبروری البته بعد از کسب تأئید قوای نظامی در کابل امان الله خان بزرگان شهر کابل را دعوت نمود و خطبه ای دارای مطالب عالی و بشکل خلاصه ایراد نمود که مهمترین نقاط آن از این قرار است :

۱ ـ افغانستان باید استقلال خود را حاصل کند ۰

۲ ـ مجرمین قتل امیر باید محاکمه شوند ۰

۳ـ قیام حکومت ملی به اساس قانون ۰

٤ ـ لغو کار اجباری ۰

۵ ـ فرستادن کمک مادی و معنوی به مسلمانان خیوه و بخارا و تأئید از خلافت عثمانی ۰ (٤٦)

بعد از خطبهٔ امیر که در آن نقاط مهم برای هر طبقه از افغانستان موجود بود تمام حاضرین به امیر بیعت نمودند ۰ (٤٧)

امان الله خان میخواست نظام حکومت خود را صبغه دینی و اسلامی بدهد بدین لحاظ بتاریخ ۲۸ فبروری به مسجد جامع عید گاه حضور رسانده حضرت فضل عمر ملقب به شمس المشایخ بیانیه مفصل ایراد نموده از امان الله خان حمایت خود را اعلان نمود و تاج سلطنتی را بر سر وی گذاشت لیکن امان الله خان به صدای بلند مردم را خطاب نموده گفت که بالای این تاج تاج ذلت انکلیس است اگر این تاج را بر سر من میگذارید باید وعده دفاع از آنرا نیز بدهید من خادم ملت و وطن خود بوده و برای هر کسی می خواهید تاج خود را بدهید۰ (٤٨)

به شنیدن این کلمات امان الله خان همه با صدای بلند شعار دادند آزادی . استقلال ما با تو خواهیم بود یا امان الله ۰

اگر به نقاط اساسی کلمات امان الله خان دقت نمائیم ملاحظه میشود که وی به مهمترین اهداف ملت اشاره نمود و حکومت قانون و دفاع از اسلام و خلافت اسلامی و استقلال و مساعدت مجاهدین وسط آسیا و آزادی زندانیان و لغو کار اجباری و زیادت در معاشات مامورین و عفو از مالیات سابقه که هر کدام از نقاط ذکر شده از اهداف طبقات ملت بود و فورا مبارزه را بر علیه انگلستان جهت دریافت استقلال اعلان نمود۰ ( ٤٩ ) امان الله خان میدانست که در حالت اعلان استقلال میتواند تأئید مخالفین انگلیس و زعمای اسلامی را دریافت نماید ۰ ( ٥٠ ) و بعضی از مفسرین اضافه میکنند که امان الله خان با اعلان جنگ با انگلیس میخواست مردم را متوجه دشمن خارجی ساخته تحت قیادت خود همه را متحد بسازد ۰ ( ٥١ )

امان الله خان با سیاست اسلامی که در اولین بیانیه خود آنرا معرفی نمود نه تنها حمایت زعمای اسلامی داخل افغانستان را بلکه حمایت مسلمانان هندوستان و کشور های آسیای وسطی را نیز بدست آورد و همان بود که بعد از سقوط خلافت عثمانی مردم وی را کاندید مقام خلافت نمودند ۰ ( ٥٢ ) مگر امان الله خان سیاست اسلامی خود را نتوانست تعقیب کند خصوصا در روابط خارجی خود زیرا بعد از سال ۱۹۲۲ نتیجه مشکلات اقتصادی از پشتیبانی مسلمانان هند صرف نظر نمود و در انتقاد بالای انگلستان کاست که در نتیجه تعداد زیادی از مهاجرین مسلمان به هند مراجعت نمودند۰ ( ٥٣ ) و همچنان حمایت امان الله خان از مبارزین آسیای وسطی تقلیل یافت زیرا روسها تا به دریای آمو رسیده با افغانستان هم سرحد شدند و امان الله خان نمی خواست دشمنی روس را کسب نماید۰ ( ٥٤ ) لیکن مسلمانان افغانستان بطور عمومی و زعمای اسلامی افغانستان بخصوص نتوانستند از تغییرات سیاسی که در جهان پیش شده درس گرفته امان الله خان را در سیاست جدیدش مورد حمایت خود قرار بدهند۰

در نتیجه اعلیحضرت امان الله خان موفق شد تا حکومت نصر الله خان را سقوط بدهد و خود را زعیم ملی بسازد ۰ و بمجرد استقرار حکومت خود در کابل نامه ای به حاکم انگلیس در هند فرستاده و در آن اشاره کرد که افغانستان دولت مستقل است ۰ ( ٥٥ )

لیکن موقف امان الله خان نسبت به کاکا و برادران وی و کسانیکه به امیر نصر الله خان بیعت نموده بودند شدید بود و فورا محکمه عسکری ترتیب داده و محکمه حکم اعدام را علیه امیر نصر الله خان و عبدالاحد خان و دگروال رضا و حکم حبس را بالای برادران امان الله خان و جنرال محمد نادر خان و برادرانش و ۲۵ شخص دیگر صادر نمود. برای تصدیق حکم محکمه امان الله خان مجلس بزرگان را در قصر دعوت نمود که در جریان مناقشه دو نظر پشنهاد شد:

۱ - نظر اول را سردار امین الله خان و سردار محمد عمر خان بردران امیر حبیب الله خان پیش نمودند که حکم اعدام امیر نصر الله خان را رد نمودند.

۲ - نظر دوم را سردار غلام علی خان برادر امیر حبیب الله خان پیش نمود که اصلا محکمه عسکری را رد می نمود وی طرفدار تشکیل محکمه شرعی بود. امان الله خان به حبس امیر نصر الله خان موافقه نمود و در مجلس راجع به حکم اعدام شاه علی رضا و عبدالاحد مناقشه صورت نگرفت . (٥٦) امیر نصر الله خان در زندان شب جمعه ۲ رمضان سال ۱۹۲۰ وفات نمود که میگویند وی در نتیجه شکنجه آمران زندان جان داد. شجاع دوله در مرگ امیر نصر الله خان این تعلیق را نمود: ( امروز حکومت انگلستان و استعمار بین المللی یکی از دشمنان بزرگ خود را در شرق از دست داد. ) (٥٧)

لیکن دگروال رضا به امر محکمه و تصدیق حکم از طرف امان الله اعدام شد و چنانچه استاد غبار می نویسد وی شاهد قتل امیر حبیب الله خان بود و باید زود اعدام میشد. (٥٨) حکم اعدام عبدالاحد خان را امان الله خان به حبس ابد تبدیل نمود در حالیکه امیر عنایت الله خان و امیر حیات الله و جنرال محمد نادر خان و برادرانش را عفو نموده و ایشان را از جمله مقربین و مامورین عالی رتبه دولت خود ساخت . (٥٩)

## مراجع فصل اول :


۱- ADAMEC , LUDWIG . W - AFGHANISTAN FOREIGN AFFAIRS TO THE MID OR TWENTIETH CENTURY - P : 42 AND FLETCHER , ARNOLD - AFGHANISTAN " HIGHWAY OF CONQUEST " PP : 173 - 175

۲- DUPREE , LOUIS - AFGHANISTAN - P : 430 AND SEE SHAN . I . A - MODERN AFGHANISTAN - P : 91

و همچنان الاهرام ۲۵ دسیمبر ۱۹۲۷ صفحه : ۳ و هم شمس صفا . پروفیسر ـ تاریخ معاصر افغانستان ـ صفحه : ٤ ـ ٥

۳- BABKHWJAYEV . A . H - AFGHANISTAN WAR FOR INDEPENDENCE - PP : 25 - 30

٤- DUPREE , LOUIS . OP . CIT PP : 435

٥ ـ غبار . میر غلام محمد . مرجع سابق صفحه : ۷٤۰ ـ ۷٤۱ و همچنان DUPREE , OP . CIT , PP : 435 - 436

٦- WILD , ROLAND - AMANULLAH , EX . KING OF AFGHANISTAN - P : 45

۷- ADAMEC , - AFGHANISTAN FOREIGN AFFAIRS - PP : 42 - 43

۸ ـ المجددی . محمد صادق ـ خاطرات مخطوط ـ صفحه : ۸٤۱ و هم غبار . مرجع سابق صفحه : ۷٤۰

۹- ALI , MOHAMMED " AFGHANISTAN WAR FOR INDEPENDENCE 1919 - P : 22 AND SEE , GREGORIAN , VARTAN " THE EMERGENCE OF MODERN AFGHANISTAN " P : 206 و هم کشککی . مرجع سابق صفحه : ۹۲ و ۹۳

١٠ _ POULLAADA , LEON . B , OP.CIT , P : 206

١١ _ POULLADA , OP.CIT . P P : 45 - 46 و غبار . مرجع سابق صفحه :٧٢٦

١٢ _ المجددی . محمد صادق . مرجع سابق صفحه : ٨٣٠

١٣ _ POULLADA , OP. CIT . PP ; 36 - 37 AND SEE ADAMEC , OP . CIT . PP : 42 - 43

١٤ _ IOL ; L/ P+ S / IO . 1929 , P : 53

١٥ _ POULLADA , OP . CIT . PP : 11- 13

١٦ _ SCHINAS , MAY , OP . CIT . P : 114 AND SEE , DUREE , OP . CIT . P : 430

١٧ _ امیر عبدالرحمن خان _ سراج التواریخ _ جلد ٣ صفحه : ١٠٦٤ . ١١٠١ . ١١٢٠ . ١١٣٧ و همچنان SULTAN MOHAMMED KHAN " THE LIFE OF ABDUR RAHMAN KHAN " VOL I , CH 5

١٨ _ المجددی . محمد صادق . مرجع سابق . صفحه ٧٨

١٩ _ غبار . میر غلام محمد . مرجع سابق صفحه : ٧٢٦

٢٠ _ SCHINISI , MAY , OP . CIT . PP : 137 - 138

٢١ _ ADAMEC , " WHO S WHO OF AFGHANISTAN " P : 166

٢٢ _ SCHINISI , MAY , OP . CIT . P : 114

٢٣ _ المجددی . محمد صادق . مرجع سابق صفحه : ٧٩

٢٤ _ غبار . میر غلام محمد . مرجع سابق صفحه : ٧٤١

٢٥ _ POLITICAL AND SECERT DEPARTMENT RECORDS , 1756 - 1950 IOR . L / P + S / 159 , P : 6901

٢٦ _ WILD , ROLAND . OP . CIT . PP : 43 - 44

٢٧ _ کاکا خیل . سید بهادر شاه ظفر _ پشتانه د تاریخ په رناکی _ صفحه : ١٠٥٥
و همچنان غبار . میر غلام محمد . مرجع سابق . صفحه : ٧٤٢

٢٨ _ ADAMEC , OP . CIT . P : 46

٢٩ _ ADAMEC , OP . CIT . P : 46

٣٠ _ ADAMEC , OP . CIT . P P : 46 -47

٣١ ـ كشككى . برهان الدين . مرجع سابق . صفحه : ٩٣ و هم غبار . مير غلام محمد . مرجع سابق صفحه : ٧٤٢

٣٢ ـ كشككى . برهان الدين . مرجع سابق . صفحه : ٩٤

٣٣ ـ غبار . مير غلام محمد . مرجع سابق . صفحه : ٧٤٢

٣٤ ـ كشككى . برهان الدين . مرجع سابق . صفحه : ٩٤ ـ ٩٦

٣٥ _ IOR . L / P + S / 11 / 159 . AND SEE L / P + S / 11 / 228 P : 71 AND L / P + S / 10 / 808 . 1919

٣٦ ـ المجددى . محمد صادق . مرجع سابق . صفحه : ٨٤١

٣٧ ـ غبار . مير غلام محمد . مرجع سابق . صفحه : ٧٤٣

٣٨ ـ كاكا خيل . سيد بهادر شاه ظفر . مرجع سابق . صفحه : ١٠٥٦

٣٩ ـ الاهرام سه شنبه ٢٧ دسمبر ١٩٢٧ و هم FLETCHER , ARNOLD , OP . CIT . P : 186 AND SEE . DUPREE . OP . CIT . P : 441

٤٠ ـ الاهرام ٢٧ دسمبر ١٩٢٧ و هم WILD . ROLAND . OP . CIT . PP : 43 - 44 AND SEE GREGORIAN , VARTAN OP . CIT . P : 227

٤١ _ IQBAL , AL FAQIRE , SYED " AMANULLAH " PP : 100 - 101

٤٢ ـ المجددى . محمد صادق . مرجع سابق . صفحه : ٧٩ . ٨٠ و هم ADAMEC " AFGHANISTAN - 1900 - 1923 " P : 211 AND SEE : WILD , ROLAND - OP . CIT . PP 59 - 61 و هم بخارى حضرت سيد شاه . كابل مين چهار پادشاه صفحه :٤

٤٣ ـ الاهرام ٢٥ دسمبر ١٩٢٧ و هم SHSH ( I . A ) MODERN AFGHANIISTAN P: 91

٤٤ _ FLITCHER , ARNOLD , OP. CIT . PP : 185 - 186 AND SEE : IQBAL . SYED . OP . CIT . PP : 103 - 104 AND SEE ; GREGORIAN , VARTAN , PO . CIT . P : 228

٤٥ _ ILO . L / P + S / 10 , 150 AND , L / P+ S / 11 / 228 , P : 71 . 1923

٤٦ _ ADAN|MEC : " AFGHANAISTAN , 1900 - 1923 " P : 211 AND SEE FELTCHER . OP . CIT . PP : 60 - 61 AND SEE WILD . OP . CIT . PP : 60 _ 61

٤٧ _ الاهرام ٢٥ دسمبر ١٩٢٧ و فهمی . أبو العینین . مرجع سابق صفحه : ٧٢

٤٨ _ ورزنامه الاخبار القاهریه . دوشنبه ٢٦ دسمبر ١٩٢٧ و هم الاهرام٢٧ دسمبر ١٩٢٧ و هم المجددی . محمد صادق . مرجع سابق صفحه : ٨٤٨

٤٩ _ IQBAL , SYED . OP. CIT . PP 100 - 101

٥٠ _ GREGORIAN , VARTAN , OP. CIT . P : 228 AND SEE IQBAL , SYED OP. CIT PP : 106 - 109

٥١ _ GREGORIAN , VARTAN . PO . CIT . PP ; 228 - 229

٥٢ _ SHAH ( I . A ) OP . CIT . P : 110

٥٣ _ IOR . L / P + S / 11 / 237 > P : 4411 , 25 , OCT 1923

٥٤ _ IOR . R / 12 / 4 / 176 / 11 IV : 1930

٥٥ _ ADAMEC " AFGHANISTAN FOREIGN AFFAIRS " P : 47 AND SEE ADAMEC " AFGHANISTAN 1900 - 1923 " PP : 208 - 209 AND SEE SHAH ( I . A ) OP . CIT . P : 100

٥٦ _ غبار . میر غلام محمد . مرجع سابق . صفحه : ٧٤٩ و هم کشککی . برهان الدین . مرجع سابق . صفحه : ٩٦ و همچنان ADAMEC , OP . CIT . P : 109

٥٧ _ غبار . میر غلام محمد . مرجع سابق . صفحه : ٧٤٤ و هم DUPREE , LOUIS . OP. CIT . P : 441

٥٨ _ غبار . میر غلام محمد . مرجع سابق . صفه : ٧٤٤ و هم دیده شود : SHAH , (I . A ) OP. CIT . PP : 94 - 95 AND SEE , ADAMEC , " AFGHANISTAN FOREIGN AFFAIRS " P : 52

٥٩ _ FLITCHER , OP.CIT P: 186 AND SHAH (I.A) OP.CIT P: 90

# فصل دوم

## تاریخ روابط افغانستان با امپراطوری انگلستان :

بعد از کشته شدن امپراطور ایران نادر افشار أحمد شاه بابا بقدرت سیاسی ایکه داشت توانست زعمای افغانستان را تحت قیادت خود متحد ساخته و حکومت قوی مرکزی را تأسیس نماید. (۱) و همچنان احمد شاه بابا توانست قوای نظامی بزرگی تشکیل داده و آنرا بطرف هندوستان سوق بدهد تا از یکطرف زعمای قبائل افغانستان را متوجه خارج بسازد و از جانب دیگر مسلمانان هند را کمک نموده و امپراطوری بزرگی چون نادر افشار بسازد • در هفتم جنوری سال ۱۷٦۱ قوای احمد شاه بابا بر قوای هندوستان غالب شده و پانی پت را فتح نمود. (۲)

در زمانیکه اعلیحضرت احمد شاه بابا مشغول فتوحات در هند بود انگلیس ها نیز برای استعمار هند رسیده بودند و نتائج جنگهای هندی ها را با قوای افغانی مشاهده میکردند • شکست قوای ملی هند به نفع انگلیس ها تمام گردید زیرا هنود و سک ها توان مقاومت قوای انگلیس را از دست داده مجبورا به انگلیس ها نزدیک شدند.

بعد از وفات احمد شاه بابا مخالفتها بین خانوادهٔ سلطنتی آغاز یافت که بنفع سیاست انگلیس تمام شد و انگلیس ها با استفاده از موقع در ناحیه ای جنوبی هند و شرقی و شمالی آن پیشرفت نمودند • انگلیس ها با اینکه در پیشرفت بودند با آن هم از دشمنان سه گانه ای خود یعنی افغانستان و فرانسه و روسیه در هندوستان در تشویش بودند.

از ناحیه افغانستان اعلیحضرت زمانشاه ـ ۱۷۹۳ ـ ۱۷۹۹ ـ توانست مشکلات داخلی را آرام سازد و قوای نظامی را آماده گرفتن هند و حمایت مسلمانان آنجا و هم حمایت سرحدات افغانستان از خطر استعمار بسازد • و از طرف فرانسه ناپلیون موفق شد مصر را فتح نماید و از آنجا نامه ای به زمانشاه به کابل فرستاد و خواهان برقراری روابط دپلوماسی بین دو کشور و ایجاد اتحاد نظامی علیه انگلیس گردید • (۳)

از جانب افغانستان زمان شاه برای باز نمودن روابط دپلوماسی با فرانسه جواب مثبت داد لیکن تشکیل پیمان نظامی را رد نمود زیرا زمان شاه از یکطرف محتاج به کمک خارجی نبود و از

طرف دیگر نمیخواست کشور دیگر را در گرفتن سرزمین هند با خود شریک بسازد• برای تسخیر هند زمان شاه در بیست اکتوبر سال ۱۸۹۸ کابل را ترک کرد و در لاهور مورد استقبال حاکم آن ـ رنجیت سنگ ـ قرار گرفت و رنجیت سنگ وعده همکاری را برای زمان شاه در مبارزه اش علیه انگلیس ها داد • ( ٤ )

بار سیدن زمان شاه به خاک هندوستان انگلیس ها احساس خوف نمودند و در سدد جلوگیری از پیشرفت افغانها شدند • سفیر انگلستان در ایران ( SIR . JOHN .MALCOLM 0 ) راپوری برای دولت خود فرستاد که در آن آمده : ( من اطلاع دارم که زمان شاه امپرطور افغان که یکی از دشمنان بزرگ انگلستان است قصد گرفتن هندوستان را برای تجدید امپراطوری خود دارد و برای جلوگیری از نفوذ وی در هندوستان باید مشکلاتی را در کشورش بوجود بیآوریم تا مشغول آن شود • )

مضمون نامه سفیر انگلستان در ایران اساس سیاست دولت انگلستان را در موضوع افغانستان می ساخت و از جانب دیگر ما می توانیم از مضمون آن ـ نشر مشکلات و شورش ـ بخوبی از سیاست دولت انگلستان اطلاع حاصل نمائیم • از مطالعه تاریخ روابط انگلستان با افغانستان می توان مراحل سیاست آن کشور را به سه مرحله تقسیم نمود:

١ ـ مرحله اول را دفاع از هندوستان در مقابل افغانستان و نشر بی امنیتی و شورش در امپرطوری زمان شاه می ساخت •

٢ ـ مرحله دوم را پیشرفت به طرف افغانستان و هجوم نظامی علیه آن می ساخت ولی چون حملات نظامی نتیجه ای که لازم بود نداد بدین لحاظ دولت انگلستان سیاست جدید را برای مرحله سوم روی دست گرفت •

٣ ـ بقای افغانستان زیر اداره حاکم افغانی زیر اداره سیاسی انگلیس که مرحلهٔ سوم را می توان از مراحل خطرناک سیاسی در تاریخ علاقات افغانستان با انگلستان شمرد•

جهت دور ساختن زمان شاه از هندوستان دولت انگلستان معاهده ای با دولت ایران در سال ۱۸۰۱ به امضا رساند • به اساس معاهدهٔ جدید دولت ایران تعهد نمود که بالای افغانستان حمله نظامی میکند • و از جانب دیگر انگلیس تعهد نمود که دولت ایران را در مقابل زمان

شاه معاونت نظامی نموده و در مقابل حملات ناپلیون به خاک ایران دولت انکلستان قوای نظامی برای ایران خواهد فرستاد• بعد از امضای معاهده قوای ایران شهر هرات را محاصره نمود تا زمان شاه از هندوستان صرف نظر نماید• ( ٥ )

از جانب دیگر سفیر انکلستان در ایران توانست فتح علیشاه را قناعت بدهد که امیر محمود برادر زمان شاه را مقابل برادرش مساعدت نماید که فتح علیشاه به دعوت انکلستان قوای نظامی به اختیار محمود گذاشت که محمود توانست قوای زمان شاه را در غزنی برهم بزند و زمان شاه را دستگیر و کور نمود• ( ٦ )

سقوط زمان شاه را دولت بریطانیا استقبال نمود و سفیر انکلستان در ایران از خوشحالی دولت خود این طور تعبیر نمود : ( سقوط امپراطور زمان شاه و آغاز جنگهای داخلی در افغانستان انکلیس ها را در هندوستان نجات داد • ( ٧ )

شهزاده محمود نتوانست در مقابل قوای شاه شجاع مقاومت نماید و در سال ١٨٠٣ شکست یافت و شاه شجاع خود را پادشاه اعلان نمود لیکن شاه شجاع از ترس حملات ایران پیشنهاد وایسرای هند را برای امضا معاهده دوستی با انکلیس قبول کرد و معاهده پشاور را در ١٧ جون ١٨٠٩ با وایسرای هند ـ الفنستون ـ به امضا رساند که در ماده سوم آن شاه شجاع تعهد نمود که سفیر فرانسه را استقبال نمیکند • لیکن دولت انکلستان شاه شجاع را در مقابل حملات محمود حمایت نکرد تا اینکه در موضع ـ کندمک ـ سال ١٨٠٩ شکست خورده داخل هند شد که از طرف مقامات دولت هند مورد استقبال قرار گرفت و اداره جاسوسی انکلستان وی را برای وقت ضرورت مهمان خود قبول نمود• ( ٩ ) و به فرار شاه شجاع حکم قبیله احمد شاه بابا نیز سقوط نمود و قبیله محمد زائی اقتدار را بدست گرفت •

امیر دوست محمد خان بعد از حصول سلطنت افغانستان طی نامه ای به وایسرای هند از روابط دوستانه بین دو کشور یاد آوری نموده و وعده همکاری را با انکلستان داد • امیر در نامه خود از دولت انکلستان دعوت نمود که شهر پشاور را به افغانستان بگذارد لیکن وایسرای هند ـ لورد پنتک ـ از خواهش امیر معذرت خواست و نوشت که پشاور تحت تصرف رنجیت سنگ بوده و دولت انکلستان نمی خواهد به شئون دیگران مداخله نماید • ( ١٠ )

ازمانیکه لورد اکلند بحیث وایسرای هند تعین شد امیر دوست محمد خان وقت را غنیمت شمرده بار دیگر استرداد پشاور را تقاضاء نمود لیکن لورد اکلند معذرت خواسته رنجیت سنگ را دوست انگلستان معرفی کرد.

از جوابات نماینده انگلستان در هند امیر دوست محمد خان به نتیجه رسید که انگلیس ها حاضر نیستند پشاور را برای افغانستان بدهند لهذا امیر بطرف روسها نزدیک شده نامه ای به امپراطور روسیه فرستاد و از خطر به تجارت روسیه در نتیجه ازدیاد نفوذ رنجیت سنگ متحد انگلیس اشاره نمود و همچنان امیر نامه ای به پادشاه ایران فرستاد و از ازدیاد نفوذ رنجیت سنگ و خطر آن نسبت به افغانستان و ایران اشاره نمود و واضح ساخت که ازدیاد نفوذ رنجیت سنگ خطرات بزرگ را برای مسلمانان در هندوستان دارد. (۱۱)

تماس های امیر دوست محمد خان با روسیه اسباب غضب دولت انگلستان را فراهم آورد و سیاستمداران انگلیس تصمیم گرفتند تا حکومت امیر را سقوط بدهند . اگر ما در اسباب حقیقی غضب انگلیس نسبت به امیر دقت نمائیم خصوصا بعد از مطالعه کتب مؤرخین انگلیس و افغان ملاحظه میشود که تماس های امیر با روسیه سبب حقیقی حملات انگلیس بالای افغانستان نبود لیکن سبب حقیقی آن نتیجه پیشرفت روسیه بطرف هند بود خصوصا که خطر ناپلیون از بین رفته بود و روسها یگانه قوائی بودند که وجود انگلیس ها را در هند تهدید میکرد و روسها به سرحدات شمالی افغانستان رسیده بودند. انگلیس ها برای تهدید حکام افغانستان حکام ایران را برای حمله به افغانستان و استیلای هرات تشویق مینمودند تا توانسته باشند خطر سقوط هند را از بین بردارند . (۱۲)

بعد از امضاء معاهدهٔ ـ ترکمان چای ـ بین ایران و روس قوای ایرانی شهر هرات را محاصره نمودند زیرا استیلاء هرات از مواد معاهده مذکور بود. در این اثناء حکومت روسیه هئیتی بریاست "VITKIEVITCH' بکابل فرستاد تا امیر افغانستان را تشویق به جلوگیری از ازیاد نفوذ انگلیس در اقلیم پنجاب و سند نماید.

تماس های امیر با روس و محاصره هرات توسط قوای ایرانی سبب شد که لورد اکلند اخطار شدید اللهجه به حکومت روسیه بفرستد و قوای بحری انگلیس بنادر بحری ایران را محاصره

نمود و نتیجه اخطار انکلیس در ۹ سپتمبر ۱۸۳۸ قوای ایرانی محاصره هرات را گذاشته عقب نشینی نمودندو در مقابل امیر دوست محمد خان از مطالبه ای پشاور صرف نظر نمود• ( ۱۳ ) لیکن انکلیس ها عقب نشینی قوای ایرانی را از سرحدات هرات و صرف نظر کردن امیر را از شهر پشاور نا دیده گرفته امیر دوست محمد خانرا متهم با همکاری با روسها نموده و حکومت انکلستان اضافه کرد که امیر از روسها طلب مساعدت نظامی نموده که وزارت امور خارجه روسیه اتهامات انکلیس را بی اساس دانسته اضافه کرد که امیر افغانستان هر گز طلب مساعدات نظامی از روسیه نکرده ( ١٤ )

مکر حکومت هند برتانوی روابط بین انکلستان و افغانستان را احترام نکرده و از تماس گرفتن امیر را با روسیه بهانه گرفته محاصره هرات را تهدید به آیندهٔ هندوستان دانسته به دلیل حمایت هرات از خطر سقوط آن به حمله نظامی به افغانستان آغاز نمود که بنام جنگ اول افغان و انکلیس یاد میشود•

## جنگ اول افغان و انگلیس ـ ۱۸۳۹ ـ ۱۸٤۲ :

ملاحظه میشود که دولت انگلستان قبل از تمام اتهامات که بدان اشاره شد تصمیم حمله به افغانستان را گرفته بود و در کنفرانس ـ وین ـ ۱۸۱۵ ـ دولت انگلستان فیصله نموده بود که به افغانستان حمله نظامی میکند و برای حمله ای تعیین شده دولت هند برتانوی با شاه شجاع معاهدهٔ ـ سمله در ۲۵ جولای ۱۸۳۸ ـ را به امضا رساند که مطابق آن شاه شجاع از تمام حقوق افغانستان صرف نظر نمود • شاه شجاع در معاهده ای سمله هیچ نوع حق قانونی نداشت و فقط شخص خود را تمثیل میکرد نه افغانستان را • (۱۵)

بعد از امضای معاهدهٔ سمله شاه شجاع در رأس قوای نظامی داخل شهر قندهار شده بعد از فتح آن خود را پادشاه افغانستان اعلان نمود و در قندهار معاهده دوم را با انگلیس ها در ۷ می به امضاء رسانده و باساس آن تعهد نمود که با کشور های خارجی بدون اجازه انگلیس مذاکرات نکرده و استقرار قوای نظامی انگلیس را در کابل و قندهار بمصرف دولت افغانستان قبول مینماید • ( ۱٦)

در جنگی که بین قوای امیر دوست محمد خان و قوای شاه شجاع در قلعهٔ قاضی رخ داد امیر شکست یافته بطرف بخارا فرار نمود و شاه شجاع داخل کابل شد • در کابل شاه شجاع معاهده سوم را با انگلیس ها به امضاء رساند و طبق آن تمام اختیارات خود را به سفیر انگلیس ـ مکناتن ـ تسلیم نمود• مکناتن تمام عناصر ضد انگلیس را که شامل پسر شاه شجاع و وزیر اول آن ملا عبدالشکور بود تصفیه نمود که در نتیجه آن شاه شجاع زیادتر محتاج به حمایت قوای انگلیسی گردید • (۱۷) و در مقابل انگلیس ها از دوستان افغان خود استفاده ای خوب نکردند چنانچه خانم ـ لیدی سیل ـ مینویسد که بروز ۳ نومبر ۱۸٤۱ تعدادی از افغانان با کپتان ـ تریور ـ تماس گرفتند لیکن کپتان از قبول همکاری شان معذرت خواست و لیدی سیل اضافه میکند که بروز بعدی همین گروپ از افغانان با ـ الکسندر برنس ـ شخص دوم بعد از مکناتن تماس گرفتند لیکن برنس به حرف هایشان گوش نداد و ایشانرا متهم به خیانت نمود که در

نتیجه عناصر دوست به انگلیس نیز با عناصر ملی و انقلابی یکجا شدند۰ (۱۸) و لیدی سیل در مذاکرات خود مکناتن را متهم نموده می نویسد: ( با اسف زیاد مکناتن در جمع آوری معلومات به مامورین خاص خود اعتماد می نمود و این مامورین اخبار غیر صادق میآوردند و مکناتن حرف های دروغ شانرا قبول میکرد ۰ (۱۹)

## مقاومت ملی :

حرکت مقاومت ملی در اول نومبر سال ۱۸٤۱ آغاز یافت که تعدادی از افراد ملت قوای انگلیس را در بالاحصار کابل مورد حمله قرار داده قلعه را آتش زدند و در همان تاریخ تعداد دیگری از مبارزین افغان منزل الکسندر برنس را به آتش بستند۰ در اطراف افغانستان ندای جهاد بلند شده مراکز نظامی انگلیس مورد هجوم قرار گرفت ۰ (۲۰) در روزهائی که مقاومت ملی بدرجه عالی خود بود امیر دوست محمد خان به افغانستان آمده قیادت مقاومت ملی را بدست گرفت لیکن مقاومت نکرده در ٤ نومبر ۱۸٤۱ به قوای انگلیس تسلیم شده داخل هند گردید۰ (۲۱)
تسلیم شدن امیر در جریان مقاومت ملی تأثیر زیاد نگذاشت و ملت افغان به مقاومت ادامه دادند تا که در زمستان ۱۸٤۱ وزیر محمد اکبر خان پسر دوست محمد خان از بخارا آمده و در نومبر ۱۸٤۱ قیادت مقاومت را بدست گرفت که در نتیجهٔ جنگهای شدید مکناتن متون معاهده پیش شده از طرف زعمای افغان را قبول کرد۰ (۲۲)
مکناتن در وعده خود صادق نبود و میخواست محمد اکبر خان را با پول بخرد لیکن محمد اکبر خان وی را بقتل رسانید که در نتیجهٔ آن افغانان بالای تمام فرقه های انگلیس حمله نمودندو ثابت نمودند که اسلحه ای ایمان و عزم ملی قویتر از اسلحه ای انگلیس است چنانچه دکتور الساداتی در باره این تعلیق را نوشت : ( اراده ای ملت افغان قویتر از اسلحه ای استعمار بود و ملت با اتحاد کامل تمام افراد انگلیس و نوکران شان را از افغانستان خارج نمودند و در بسیاری مواقع تمام افراد نظامی انگلیس را کشتند در خورد کابل و از جمله ای بیست هزار عسکر

انکلیس تنها داکتر انکلیزی بنام - داکتر برایدن - به جلال آباد رسید تا اخبار حملات افغان و شکست قوای انکلیس را به قشله عسکری برتانیه برساند اخبار قوای امپرطوری ایکه آفتاب در آن غروب نمیکرد• ( ۲۳ )

در راپوری که قوای نظامی انکلیس تقدیم نمودند ۱۷۱ ضابط انکلیسی و چهل هزار از افراد شان در جنگ اول کشته شده بودند و چون انکلیس ها در میدان نظامی مغلوب شدند کوشش نمودند تا در میدان سیاسی موفق شوند همان بود که با امیر دوست محمد خان اتفاق نمودند که امیر بکابل باز گشته و در شئون داخلی مستقل باشد و امیر در ۱۸٤۱ داخل کابل شد و در ۳۰ مارچ ۱۸۵۵ معاهده جمرود را با انکلیس ها امضاء نمود که مطابق آن انکلیس ها استقلال داخلی امیر را برسمیت شناخته و امیر تعهد نمود که با هیچ کشور خارجی معاهده ای بامضا نمیرساند• ( ۲٤ ) •

## جنگ دوم افغان و انگلیس و اسباب آن :

بعد از وفات امیر دوست محمد خان در ۱۸٦۸ پسرش امیر شیر علی خان توانست بالای برادران غلبه یافته یک حکومت مرکزی تشکیل بدهد. امیر شیر علی خان خود را مقید به متون معاهدهٔ جمرود نساخت و فورا به حاکم روسی در ترکستان ـ کوفمان ـ نامه ارسال نمود و صدراعظم خود را به ایران جهت مذاکرات فرستاد تا در حل قضیه تقسیم آب هلمند با مقامات ایرانی مذاکره نماید که امیر در این تماس های خود اجازهٔ حکومت هند برتانوی را نگرفت .

در ۱۰ مارچ سال ۱۸٦۹ امیر شیر علی خان مهمان رسمی حکومت هند برتانوی بود و در آنجا برای تجدید معاهدهٔ جمرود موافقه نکرد و هم حاضر نشد معاهدهٔ جدیدی با انگلیس ها بامضاء برساند که در نتیجه روابط امیر با مقامات انگلیسی در هند تیره شده و بر عکس مناسبات وی با روسیه نزدیکتر شد . (٢٦)

روسها توانستند در ۱۸٦۸ امیر بخارا را شکست بدهند و امیر بخارا سمرقند را برای قوای روسی گذاشت بعد از آن روسها خوارزم را در ۱۸۷۳ و خوقند را در ۱۸۷٦ بدست آوردند و بالاخره ـ مرو ـ را تسخیر نمودند که بدین ترتیب روسها خطری را برای هندوستان بوجود آوردند .

برای توقف دادن پیشروی روس انگلیس ها مذاکرات را با روسها در موضوع افغانستان آغاز نمودند و طبق معاهده ـ گرانفیل . گور شاکوف ـ طرفین موافقه نمودند که افغانستان خارج نفوذ روس باقی می ماند. (٢٧) لیکن روسها به مندرجات معاهده خود احترام نکرده در ۱۸۷۳ بالای خیوه حمله نموده آنرا با قوه تسخیر نمودند که در مقابل انگلیس ها بالای بلوچستان حمله نموده شهر کویته را بتصرف آوردند . (٢٨)

در اثر هجوم روسها بالای خیوه حکومت هند از امیر خواست تا نمایندگان انگلیس را در قندهار و کابل جهت نظارت تحرکات روسها قبول نماید و برای این منظور حکومت هند برتانوی هیأتی به کابل فرستاد لیکن امیر شیرعلی خان در ۲۲ می ۱۸۷٦ از قبول پیشنهاد هند برتانوی معذرت

خواست • ( ۲۹ ) و در همان وقت خلاف ارادۀ انگلیس سفیر روسیه ـ **STOLETOFF** ـ را در ۱۱ اگست ۱۸۷٦ استقبال نموده از پیشنهاد روس برای تشکیل اتحادیه علیه تهدیدات انگلیس استقبال نمود که بعد از عودت سفیر روسیه وایسرای هند اخطارنامه ای به امیر فرستاده و از امیر خواست تا سیاست خارجی کشورش را زیر تصرف انگلیس در هند قرار بدهد و در حالت عدم قبول امیر قوای انگلیس داخل افغانستان خواهد شد• ( ۳۰ ) لیکن امیر شیر علی خان اخطار وایسرای انگلیس را قبول نکرد که در نتیجه آن بتاریخ ۲۰ نومبر ۱۸۷۸ انگلیس ها جنگ را علیه افغانستان رسما اعلان نموده بسرعت قوای انگلیس خیبر و کورم و بولان را عبور نمود•

با داخل شدن قوای انگلیسی امیر شیر علی خان کابل را ترک نموده به شمال افغانستان رفت تا از روسها کمک دریافت نماید و امیر به قوای نظامی خود و قوای ملی اعتماد نکرد • در شمال افغانستان در ۱۸۷۹ امیر شیر علی خان وفات نمود و پسرش محمد یعقوب خان با انگلیس ها در می ۱۸۷۹ معاهده ای ـ گندمک ـ را بامضاء رساند که مطابق آن از بلوچستان و پشاور صرف نظر نمود و باساس معاهده گندمک نماینده ای انگلیس ـ سیر کیوناری ـ حاکم مطلق افغانستان شناخته شد• ( ۳۱ )

ملت افغانستان معاهده ای گندمک را رد نمودند و تعهد نمودندکه قوای انگلیس را از افغانستان خارج بسازند و در ۳ سپتمبر سال ۱۸۷۹ تعدادی از ساکنان کابل منزل نماینده انگلیس را آتش زدندو چون قوای انگلیس در مقابل بالای افغانان فیر نمودند عساکر افغانستان به تأئید افراد ملت بالای قوای نظامی انگلیس حمله نموده و سیر کیوناری در حادثه کشته شد • چنانچه پروفیسر شمس صفا می نویسد اطفال و زنان افغان نیز در هجوم بالای قوای انگلیسی اشتراک نمودند• ( ۳۲ ) در جبهۀ میوند که شکل جهاد اسلامی را داشت امیر محمد ایوب خان با یکی از حضرات که در تاریخ بنام صاحب زاده عمر جان مجددی یاد شده اند اشتراک نمود قراریکه مؤرخ بزرگ ـ آدمک ـ مینویسد حضرت صاحب شهید قیادت مجاهدین هرات و قندهار را به عهده داشت • مجاهدین میوند انتصارات بزرگ را بدست آوردند لیکن در اثنا جنگ صاحب زاده عمر جان و پسرش بنام حضرت عبدالباقی جان مجددی دستگیر شدند و چنانچه مرحوم خلیلی

می نویسد پدر و پسر در کابل به امر امیر عبدالرحمن خان شیهد شدند. (٣٣) قوای انکلیسی ازناحیهٔ اسلحه و تجربهٔ نظامی نسبت به قوای افغانی برتری داشت و در رأس آن بزرگترین جنرال های انکلیس امثال ـ جنرال چمبرلین . جنرال ای روبرتس و جنرال جی . استیورت ـ قرار داشتند افغانان مجاهد توانستند با قوای معنوی اسلامی و وطندوستی خود و با وجودیکه حکمداران شان عقب نشینی نمودند بالای تجاوز گران غلبه نمایند و در مقابل معنویات عالی مجاهدین افغان معنویات عساکر انکلیسی ضعیف بود چنانچه ـ لورد لیتون ـ اعتراف نموده به لندن نوشت که : ( اخطار بزرگ ما را در افغانستان تهدید میکند و ما نمی توانیم قوای جدید را در منطقه آماده سازیم و معنویات ما هر روز ضعیفتر شده میرود . ) (٣٤) هنوز زمستان سال ١٨٨٠ خاتمه نیافته بود که تمام قوای انکلیس به شکست مواجه شدند و در مناطق کوهستانی تاب مقاومت را از دست دادند زیرا قبائل افغانی از مناطق مرتفع به تهاجم خود ادامه دادند که در نتیجهٔ جنگ دوم افغان و انکلیس . انکلیس ها پنجاه هزار کشته از خود بجا گذاشتند و حکومت انکلستان در بارهٔ خروج از افغانستان جلسه فوق العاده را تشکیل داد. در این اثناء حکومت ـ درازئیلی ـ در لندن سقوط نمود و سیاست حکومت جدید را خروج از افغانستان و اتفاق سیاسی با امیر میساخت و نتیجه شرائط بین المللی انکلستان سیاست بیطرفی افغانستان را پایه گذاری نمود که این سیاست تا حال ادامه دارد و لیکن سیاست خارجی افغانستان تا مدت طولانی زیر حمایت انکلستان باقی ماند.

در افغانستان درین وقت دو شخصیت قوی موجود بود که عبارت بودند از امیر عبدالرحمن خان و امیر محمد ایوب خان . امیر محمد ایوب خان عضو نهضت اسلامی افغانستان و مورد تأئید علمای افغانستان بوده از جمله دشمنان بزرگ انکلستان بشمار میآمد لهذا برای انکلیس مشکل بود با امیر مذکور به موافقه برسد و از جانب دیگر امیر محمد ایوب خان مورد تأئید روسها نیز نبود. و در شرائط آنوقت انکلیسها در جستجوی شخص مناسب در مکان مناسب بودند بدین سبب امیر عبدالرحمن خان را نسبت به امیر ایوب خان برتری دادند . و فورا ـ لورد گافینی ـ از طرف حکومت انکلستان با عبدالرحمن خان تماس گرفت و از اسباب تشریف آوری وی به افغانستان معلومات خواست . امیر عبدالرحمن خان بجواب لورد گرفینی نوشت که : ( آمدم تا

در خدمت ملت خود باشم و در وقت بیرون شدن از ترکستان اجازه ای حاکم آن ـ کوفمان ـ را گرفتم ۰) (۳۵) بعد از تبادل نامه ها بین مسئولین انگلیس و امیر عبدالرحمن خان در ۲۷ جولای ۱۸۸۰ عبدالرحمن خود را امیر افغانستان اعلان نمود و حکومت انگلستان دولت وی را برسمیت شناخت و قوات انگلیسی شروع به خارج شدن از افغانستان نمودندکه در ابتداء ۱۸۸۱ از تمام نقاط افغانستان خارج شدند ۰ انگلیس ها در جریان جنگ اول و دوم خود با افغانها مکاسب بزرگ را بدست آوردند که میتوان بطور خلاصه توزیع داد :

۱ ـ بر خبیر استیلای کامل حاصل نموده این منطقه استراتیژیکی مهم را از افغانستان جدا ساختند۰

۲ ـ وادی کرم را بتصرف خود آوردند که افغانستان را از راه مهم در جنوب محروم نمودند ۰

۳ ـ منطقه کویته را متصرف شدند ۰

٤ ـ امیر افغانستان سیاست خارجی دولت خود را زیر اداره انگلیس ها قرار داد ۰

در نومبر سال ۱۸۹۳ امیر عبدالرحمن خان نماینده ای فوقلعاده انگلیس را بنام ـ دیورند ـ استقبال نموده با وی معاهده ای بنام دیورند را امضاء نمود و امیر رسما معاهده گندمک را قبول کرد ۰

معاهدهٔ دیورند سرحدات افغانستان را از واخان در شمال و سرحدات با ایران در غرب و جنوب غرب را تعیین نمود ۰ خط دیورند اقوام پشتون افغانستان را بدو حصه تقسیم نمود چنانچه در بسی موارد برادر را از برادر و پدر را از پسر جدا ساخت این معضله تا امروز مشکلات سیاسی را بنام قضیه پشتونستان بوجود آورده است که ایجاب می نماید حل گردد ۰ (۳٦) ۰ نویسنده در بحث مستقل زیر عنوان ـ موقف رسمی دولت افغانستان از ۱۹٤۸ تا حال ـ در مورد روشنی خواهد انداخت و وثائق مربوط آنرا بچاپ خواهد رساند ان شاء الله ۰

## شرائط بین المللی و اثر آن بالای جنگ سوم افغان و انگلیس :

واقعات مهم در دنیا رخ داد که اثر مستقیم بالای افغانها نمود مثل انتصار چاپان یک کشور شرقی بالای کشور اروپائی مثل روسیه و انقلاب ۱۹۰۵ ـ ۱۹۰۷ در روسیه که قبل از جنگ جهانی اول صورت گرفت ۰ تأثیرات خارجی سبب تشکیل حرکات ملی و اسلامی در بین ملت افغان شد و نهضت ملی و اسلامی افغانستان امیر حبیب الله خان را تشویق به طرزالعمل استقلال جویانه نسبت به انگلیس نمود که امیر نیز از شرائط بین المللی استفاده نموده سفراء به فرانسه و روسیه و چاپان و چین و ترکیه و مصر و ایران فرستاد تا از موقف و سیاسی سیاست افغانستان نسبت به انگلستان زعمای کشور های اسلامی و غیر اسلامی را اطلاع بدهند و همچنان امیر حبیب الله خان با استفاده از شرائط جدید الظهور بین المللی دعوت انگلیس را برای تجدید معاهدهٔ دیورند یا امضاء معاهده ای جدید رد نمود ۰ (۳۷)
قبل از آغاز جنگ جهانی اول جهان غرب و خصوصا المان به افغانستان نسبت به موقعیت مهم جغرافیائی و استراتیژیکی آن توجه خاص نمودند و دانستند که افغانستان یگانه دولت در آسیا است که میتواند مشکلات زیادی برای انگلیس در هند خلق نماید ۰ زمانیکه خلافت عثمانی بطرفداری کشور های محور خصوصا المان داخل جنگ شد اهمیت افغانستان بیشتر گردید و در اثر آن المانها و ترکها سیاست مشترک را در مقابل انگلیس اتخاذ نمودند و ترکها با استفاده از سیاست اسلامی امیر افغانستان را تشویق به تجدید امپراطوری بزرگ افغانی نمودند امپرطوری ایکه از آمو دریا تا نهر سند امتداد داشت ۰ ( ۳۸)
برا ی عملی نمودن این پروگرام کشور های محور ـ المان . ترکیه . اطریش ـ هئیت مشترک را بریاست دیپلومات المانی بنام ـ HENTING و NIEDERMAYER . بکابل فرستادند که در ۲٦ دسمبر ۱۹۱۵ امیر حبیب الله خان از هئیت مذکور استقبال نمود۰ ( ۳۹ ) هئیت از امیر افغانستان دعوت نمود تا افغانستان جهاد را علیه انگلیس اعلان نماید مگر امیر به درخواست

هئیت جواب مثبت نداد و هئیت در وظیفه خود ناکام ماند ۰ ( ٤٠ )   برای تکمیل شدن مذاکرات افغانستان هئیت عالی رتبه بریاست سردار عبدالمجید خان به کرمنشاه فرستاد که هئیت افغانی در ۱۹۱٦ پیشنهادی که دارای نقاط ذیل بود به نمایندگان کشور های محور پیش نمود:

۱ ـ اگر المان با متحدین معاهده صلح را امضاء نماید در آن  استقلال افغانستان را برسمیت خواهد شناخت ۰

۲ ـ اگر جنگ ادامه یابد  در آن صورت المان در پهلوی خود بمب بزرگی یعنی افغانستان را خواهد داشت ۰

۳ ـ اگر المان بخواهد قوای نظامی به اصفهان بفرستد افغانستان همکاری خواهد نمود ۰ ( ٤١ )

لیکن در نهایت مذاکرات طرفین به امضاء معاهده موفق نشدند۰

در کابل و اصفهان نمایندگان کشور های محور در مذاکرات خود نتوانستند قناعت امیر حبیب الله خان را حاصل نمایند و در مقابل امیر در ۲۵ جنوری ۱۹۱٦ حافظ سیف الله خان سفیر انگلیس را استقبال نموده بیطرفی افغانستان را اعلان نمود۰  با اینکه هئیت دول محور با امیر ناکام ماندند لیکن در داخل افغانستان ترکها و المانها موفق شدند تا افغانها را بطور عموم ضد انگلیس تحریک نمایند و یک جبهه قوی ضد انگلیس در افغانستان تشکیل شد ۰  از جانب دیگر انگلیس ها به نتیجه رسیدند که باید جهت حمایت هند از خطر قوای جبهه ملی افغانی داخل اقدامات نظامی شوند ۰ ( ٤۲ )

چنانچه قبلا اشاره شد در میدان سیاست افغانستان جبههٔ ضد انگلیس بقیادت امیر نصر الله خان تشکیل شد و این جبهه با نمایندگان دول محور کاملا هم نظر بود و دخول افغانستان را در جنگ تأئید می نمود و لیکن امیر حبیب الله به پیشنهاد زعیم جبهه ضد انگلیس نصر الله خان جواب مثبت نداد ۰ ( ٤۳ )

در مقابل جبههٔ ضد انگلیس با قبائل داخل هند تماس گرفته ایشان را ضد انگلیس تشویق نمودند و برای پیشبرد این عمل دفتری در پشاور زیر نام ـ اداره پست افغانستان ـ افتتاح شد و این دفتر فعالیت قابل قدری در راه مبارزه با انگلیس در داخل هند نمود و حاکم پشاور نتوانست

جلو فعالیت دفتر پست افغانستان را بگیرد ٠ ( ٤٤ )

در نتیجهٔ تطورات داخلی و خارجی و موقف انگلیس در مورد افغانستان بعد از جنگ جهانی اول خصوصا که دولت انگلستان در کنفرانس صلح قبول نکرد که مسأله ای افغانستان مورد بحث قرار گیرد و اینکه انگلستان به استقلال افغانستان در کنفرانس مذکور اعتراف نکرد قوای ملی افغانستان تصمیم اعلان استقلال را گرفتند و در این وقت امیر حبیب الله خان به شهادت رسید و اعلیحضرت امان الله خان که با دشمنی با انگلیس معروف بود پادشاه افغانستان شد و حضرت فضل محمد مجددی ملقب به شمس المشایخ حمایت خود را از امیر جدید اعلان کرد تاج را بر سر امیر جدید گذاشت و در روز تاج گذاری استقلال افغانستان نیز از طرف افغانستان اعلان گردید و آخرین حلقهٔ اتصال بین افغانستان و انگلستان از هم پاشید ( ٤٥ ) ٠

در روز بعد از تاج گذاری تعدادی از زعمای افغانستان به حضور پادشاه مشرف گردیدند و خواهان استقلال سیاسی شدند و بیعت خود را مشروط به استقلال به پادشاه تقدیم نمودند که پادشاه نیز به نمایندگان ملت از تصمیم خود در مورد حصول استقلال اطمینان داده و جهاد را فریضه اسلامی تعبیر نمود ( ٤٦ ) ٠

اعلان جهاد علیه انگلیس مانند زلزله ای بود که وجود انگلیس را در تمام قارهٔ هندی تکان داد و برای نشر جهاد در مناطق سرحدی حضرت صاحب فضل عمر مجددی ملقب به نورالمشایخ به آن صوب سفر نمود و از اعلان جهاد از طرف پادشاه مردم را اطلاع داد و مریدان خود را امر به جهاد نمود ( ٤٧ ) و در خوست مردم را خطاب نموده گفت : ( افغانستان از روز تأسیس آن توسط احمد شاه بابا و تا امروز باساس قرآن دولت اسلامی و مستقل بود و است و حمایت انگلیس از افغانستان خلاف شریعت اسلامی میباشد ( ٤٨ ) ٠

در پشاور تعدادی از علما ومردم به دفتر پست افغانستان جمع شده از جهاد حمایت نمودند ( ٤٩ ) و همزمان تأئید مسلمانان هند را از جهاد حکیم اجمل خان شخصاً به امان الله خان فرستاد که برای اولین بار این وثیقه تاریخی را در نهایت این رساله تحقیقی بنشر می سپاریم موضوع اینطور آغاز میشود :

( بحضور موفور السرور ارجمند اعلیحضرت شهریار غازی خلد الله ملکه و سلطانه :
عرضداشت داعی صمیمی اینکه : طالب العلمی از شهر دهلی رسیده اظهار می دارد که از طرف حکیم اجمل خان و جماعه او بحضور انور والا احوالات مخصوصی دارم اینفقیر هر قدر سعی و کوشش کردم زیاده از همین کلمات از وی استفاده نتوانستم • می گوید که سوگند های محکم مرا داده اند که بجز حضور امیر المؤمنین بدیگری اظهار ما فی الضمیر خود را نمی توانم • همین قدر که بذریعه شما بحضور مبارک شرفیاب شوم ، بحسب اجازه حکیم صاحب موصوف اظهار نمودم لهذا از کیفیت مذکور لازم دانسته اطلاع دادم زیاده حضور والا مختار اند • فقط و السلام علیکم • امضاء فضل محمد مجددی • )
اعلیحضرت امان الله خان با بی صبری زیاد منتظر رسیدن نماینده حکیم اجمل خان بود زیرا حکیم ارتباط مستقیم با شخص امان الله خان داشت ما این بی صبری و انتظار امان الله خان را از نامه اش به حضرت صاحب شمس المشائخ دریافت میکنیم که فوراً نوشت :
( جناب محترم من - از آمدن اینچنین یک شخص از هند برای من خبر آمده بود - بسیار خوب شد در این فرصت رسید فی الحال بواسطه قلعه بیگی بحضور من روانه کنید • باقی احتیاج دعائی جناب محترمم هستم • امضاء . امیر امان الله خان • ( ٥٠ )
چنانچه در آخر این تحقیق ملاحظه خواهد شد که نامه بخاطر اهمیت آن بخط خود امان الله خان نوشته شده تا اسرار بیرون نشود •
برای انگلیس ها اعلان جهاد تکان دهنده بود و فورا وایسرای هند " **LORD CHALMSFROD** " نامه ای به حکومت لندن فرستاده موقف استقلال خواهی امان الله را توضیح داده اضافه کرد که اعلان جهاد از طرف امان الله خان را باید جدی گرفت • و فوراً وایسرای هند برای ضعیف ساختن جهاد در هند و افغانستان داخل اقدام گردید•
اول وایسرای هند با زعیم اسماعیلی در افغانستان تماس گرفته از وی دعوت نمود تا علیه اعلان جهاد دست بکار شود • همان بود که آغا خان فتوی صادر نموده از پیروان خود در هند و افغانستان خواست که در جهاد علیه دولت دوست یعنی انگلیس اشتراک نکنند • لیکن فتوای آغا خان تأثیر مهمی از خود بجا نگذاشت • باز وایسرای هند با نقیب صاحب ( سید حسین

افندی ) تماس گرفت لیکن نقیب صاحب جواب مثبت به دعوت انگلیس نداد • ( ٥١ )
انگلیس ها از موقف امان الله خان در خوف شدید بودند چنانچه جنرال انگلیس نامه ای به وایسرای هند فرستاده از تماس هائیکه بین امان الله خان و طرزی و حکومت روسیه قائم یافته یاد کرد و کاپی مضمون نامه لینین را که عنوانی امان الله خان بود فرستاد• ( ٥٢ ) در جریان این واقعات حکومت لندن اوامری به وایسرای هند فرستاد که به اساس آن وایسرای هند سکرتیر سیاسی خود را امر کرد تا از خیبر با سپه سالار صالح محمد خان دروازهٔ مفاهمه را باز کند لیکن سپه سالار صالح محمد خان وقت ملاقات نداد • در نتیجه ای عدم قبول سپه سالار از دعوت انگلیس سکرتیر سیاسی با رجال قبائل تماس گرفت لیکن در تماس های خود با قبائل افغانی ناکام مانده در راپور خود نوشت که در حدود شش صد مجاهد سرحدات را عبور نموده در صف عساکر افغانستان داخل شدند • ( ٥٣ )
موقف امان الله خان در جنگ با انگلیس بسیار قوی بود و می توانست موجودیت انگلیس را در هند تهدید نماید • بغیر از عناصر ذکر شده عناصر مهم دیگر نیز امان الله خان را کمک نمود مثل:

١ ـ ازدیاد حرکات آزادی خواهی در هند در جریان جنگ اول جهانی •

٢ ـ تهدید بلشویک از شمال •

٣ ـ ابعاد جدید در تکنولوجی جنگی خصوصاً طیارات حربی , که روس ها به آن دسترس داشتند •

٤ ـ خوف از اینکه افغانستان مرکز نظامی روسیه در حملات روسیه به هند نشود •

در این حالت روسیه قادر میشود تا از افغانستان حملات هوائی بالای قوای محاصره شده انگلیس نماید خصوصاً که مناسبات انگلیس با روسیه در نتیجهٔ تأئید روسها از عناصر ضد انگلیس در آسیا و افریقا تیره شده بود •
در نتیجهٔ این حوادث بین المللی و منطقوی جنگ سوم افغان و انگلیس آغاز یافت و ممکن بود با شناسائی استقلال افغانستان از طرف حکومت انگلستان جلو جنگ گرفته میشد• هر دو طرف داخل جنگ طرف مقابل را مسؤول آغاز جنگ میداند که قبل از نتائج عسکری جنگ لازم دیده

میشود تا نظرات هر دو طرف را مورد مناقشه قرار بدهیم ٠

## مسئولیت آغاز جنگ :

افغانها مسئولیت آغاز جنگ را بدوش دولت انگلستان انداختند و طلب خسارات جنگ از برتانیه شدند و دلیل خود را عدم شناسائی دولت انگلستان از امان الله خان بحیث پادشاه مستقل در کشور مستقل میدانند و اضافه میکنند که اعلیحضرت امان الله خان در روز جلوس خود به تخت سلطنت افغانستان نامه ای دوستانه به وایسرای هند فرستاد لیکن " **LORD CHELMSFORD** " جواب نامهٔ امان الله خان را بزودی نداد و به استقلال افغانستان اعتراف نکرد٠

استاد اقبال علی شاه موضوع عدم شناسائی رسمی استقلال افغانستان را از طرف حکومت برتانیه با تعدادی از مسئولین در حکومت هند مثل " **DEWIN MONTGUE** ' وزیر خارجه در حکومت هند و " **SIR HAMILTO N GRANT** " متخصص در شئون افغانستان و حاکم ـ سمله ـ مورد مناقشه قرار داد که همه مسئولین ذکر شده تأسف خود را از تأخیر نامهٔ وایسرای هند و مضمون آن به امان الله خان اظهار نمودند و اضافه نمودند که مضمون نامه وایسرای هند برای امان الله خان خالی از کلمات دوستانه و صداقت بود که مضمون نامه اثرات نا مناسب بالای روابط افغانستان و انگلستان گذاشت ٠ استاد اقبال علی از جریان مذاکرات خود با مسئولین انگلیس به نتیجه میرسد که اگر جواب نامه امان الله خان از طرف وایسرای هند دوستانه میبودممکن بود جنگ سوم افغان و انگلیس صورت نمیگرفت ٠ ( ٥٤ )

و همچنان وایسرای هند طی نامه ای عنوانی امان الله خان از معاهدهٔ ـ داین . حبیب الله ـ یاد کرده نوشت که حکومت انگلیس خود را مسئول تنفیذ مواد معاهده ای مذکور ندانسته زیرا

معاهده بین شخص امیر حبیب الله خان و دولت انگلیس بود و با مرگ امیر معاهدهٔ نیز ملغی شمرده میشود و اگر امان الله خان می خواهد حکومت هند با وی معاهدهٔ جدید را بامضا میرساند• ( ۵۵ )

از جانب دولت افغانستان امان الله خان مضمون نامهٔ وایسرای هند را بهترین وسیله علیه انگلیس دانست و بجواب وایسرا در هند نوشت : ( افغانستان از ناحیهٔ قانونی هیچ نوع ارتباط با حکومت انگلیس ندارد و من هیچ نوع مسئولیت در مقابل دولت انگلستان ندارم و معاهده ایکه افغانستان را با انگلیس ارتباط میداد شخصی و با امیر حبیب الله خان بود • و حاضرم با دولت انگلستان معاهدهٔ جدید را بامضاء برسانم بشرطیکه انگلستان ضمن آن استقلال افغانستان را برسمیت بشناسد• ) ( ٥٦ ) لیکن پیشنهاد امیر امان الله خان از طرف انگلیس رد شده و وایسرای هند برای امان الله خان نوشت که دولت وی آمادهٔ امضاء معاهده با افغانستان نیست و لورد انگلیسی در آخر نامه خود اضافه کرد — ( ضرورت برای امضاء معاهده جدید نمیرود •) ( ۵۷ )

عدم جواب به خواسته های امان الله خان که در نامه هایش ذکر شده بود از طرف حکومت هند را افغانان اهانت به پادشاه خود تعبیر نمودند و برای اعتبار مقام سلطنت از امیر امان الله خان دعوت نمودند تا از قوهٔ نظامی در مقابل انگلیس کار گیرد •

از طرف انگلیس ، انگلیس ها امیر امان الله خان را مسئول جنگ سوم دانستند و حکومت انگلستان در ابراز نظر خود نسبت به جنگ این طور نوشت : ( امیر امان الله در داخل مشکلات زیادی داشت و برای اینکه افراد ملت را متوجه قوای خارجی بسازد علیه انگلستان اعلان جهاد نمود ( ۵۸ ) • تعدادی از مؤرخین نیز این نظر را ترجیح میدهند و می نویسند که امان الله صاحب حق شرعی نبود و اساس حکومت اش ضعیف بود و برای اینکه حکومت خود را شرعیت بدهد و در مبارزه علیه نصر الله خان موفق شود جهاد را اعلان نمود تا مردم وقت فکر کردن را نسبت به حکومت امان الله نداشته باشند • ( ٦٠ )

روسها در مورد مسئولیت آغاز جنگ نظر دارند که جنگ از اثر عدم شناسی انگلیس از استقلال افغانستان صورت گرفت و ادارهٔ کرملین طی بیانیه ای سیاسی نوشت که انگلیس ها سوء نیت

نسبت به افغانستان داشتند و می خواستند با قطع اجزاء افغانستان امپرطوری خود را بزرگ بسازند. انگلیس ها نمی خواستند افغانستان مستقل و قوی دارای سیادت کامل و دوست با روسیه بوجود آید بدین نسبت بالای دولت کوچک و مستقل حمله نظامی نمودند. ( ٦١ )
نظر ما بحیث افغان این است که اعلان جنگ یک فیصلهٔ ملی و افغانی بود که منعکس کنندهٔ ارادهٔ آزاد ما افغانها بود و ملت افغان راه دیگری بجز جنگ برای بدست آوردن استقلال نداشت و ملت افغان بیعت خود را به امیر امان الله خان مربوط و مشروط به اعلان جهاد مقابل انگلیس ساختند. لیکن عدم تسلیم انگلیس به خواسته های ملت افغان سبب آغاز جنگ شد و اگر انگلیس استقلال افغانستان را برسمیت می شناخت جنگ صورت نگرفته و خون هزارها بشر نمیریخت و امپرطوری انگلستان متحمل خسارات مالی و بشری نمیشد و افغانستان بحیث دوست انگلیس و غرب باقی می ماند و دروازهٔ افغانستان بروی روسها برای همیشه بسته می ماند .

## جنگ سوم افغان و انگلیس و نتائج آن :

بعد از ناکامی مذاکرات با انگلیس و عدم شناسائی استقلال افغانستان از جانب انگلستان دولت افغانستان علیه انگلیس اعلان جهاد مقدس را اعلان نمود و امان الله خان قوای نظامی را به جبهات مختلف مثل جبهه خیبر . جبهه بلوچستان ـ قندهار ـ جبهه وزیرستان و جبهه تل فرستاد که در ین جا در مورد عملیات نظامی هر جبهه بطور مستقل معلومات تاریخی تقدیم میشود ٠

### ۱ـ جبهه خیبر :

جبهه خیبر از مهمترین جبهات جنگ بود بدین نسبت قیادت قوای نظامی را در جبهه مذکور وزیر دفاع سپه سالار صالح محمد خان بعهده گرفت ٠ جنگ در جبهه خیبر باید زمانی آغاز می یافت که حرکت انقلابی در داخل شهر پشاور شروع میشد لیکن این پروگرام به ناکامی مواجه گردید زیرا ادارهٔ جاسوسی انگلیس نامهٔ محمود طرزی را عنوانی غلام حیدر خان مدیر دفتر پست که حاوی اوامر کابل برای مردم پشاور برای قیام ملی بمجرد اولین حمله ای نظامی قوای صالح محمد خان بر قوای انگلیسی بود کشف نمود ٠ (٦٢) ٠
از جانب دیگر صالح محمد خان بمجرد رسیدن به دکه آغاز به حمله بالای قوای انگلیس نمود بدون اینکه به پشاور تماس قائم نماید و بدون اینکه به زعمای قبائل شنوار تماس گرفته شود مؤرخین نظر دارند که صالح محمد خان اراده داشت که اولین شخص در قوای نظامی افغانستان باشد که حمله را آغاز نماید (٦٣)
از جانب انگلیس ، انگلیس ها نخست و قبل از جلوگیری حملات نظامی افغانها شهر پشاور را محاصره نمودند که جنرال ـ کلیمو ـ مواضع انقلابیون را با توپ زیر حمله گرفت و قوای هوائی

توانست زعمای ملی پشاور را که با دولت افغانستان ارتباط داشتند دستگیر کند بین دستگیر شدگان مدیر دفتر پست افغانستان بود بدین ترتیب قوای انگلیسی جبهۀ داخلی را آرام ساختند (٦٤) ٠

در حالیکه قوای انگلیس مشغول پشاور بود افراد قبیله های مهمند و شنوار بالای منطقۀ ـ باغ ـ حمله نموده منطقه را متصرف شدند ٠ و در ٣ می قوای نظامی افغانستان بقیادت ضابط ـ ظاهر شاه ـ بالای قافلۀ تجارتی انگلیس حمله نمود و در ٤ می قوای ظاهر شاه بالای لندی کوتل حمله نموده آنرا متصرف شده جریان آب قوای انگلیس را قطع نمودند٠ (٦٥)

سپه سالار صالح محمد خان نتوانست از نتیجۀ این حملات استفاده درست نمایدو نتوانست پیشروی نماید و در دکه متوقف ماند و قوای ظاهر شاه و افراد قبائل مهمند و شنوار را در میدان جنگ تنها گذاشت که جنرال " **GENERAL , G. F . CORCKES** " توانست منطقه استراتیژیکی باغ را از قوای ظاهر شاه بتاریخ ٩ می ١٩١٩ مسترد نماید و بسقوط منطقۀ باغ قوای افغانستان مهمترین منطقه ای استراتیژیکی را بنفع انگلیس از دست داد٠ (٦٦)

جنرال کروکیر بطرف غرب خیبر به پیشروی آغاز نمود و در آنجا با قوای مجاهدین مقابل شده ایشانرا شکست داده و تا ١١ می در غرب خیبر باقی ماند و در آنروز قوای جدید تحت قیادت جنرال " **POWLER** " رسید ٠ در جنگهای خیبر قوای انگلیس تفوق نظامی خود را ثابت نمودند و ٦٦ نفر راشهید ساختند که خسارات انگلیس ها ٨ کشته و ٢٩ زخمی بود ٠ و تفوق نظامی سبب شد که انگلیس ها سرحد دکه را تهدید نمایند که برای دفاع آن سپه سالار صالح محمد خان آمادگی داشت ٠ (٦٧)

لیکن در اولین حمله بتاریخ ١٣ می قوای انگلیس جنوب دکه را تسخیر نمودند و قوای نظامی افغانی بمقابله نپرداخت ٠ زعمای قبیلۀ خوگیانی و شنواری و صافی کنفرانسی تشکیل داده اختلافات خود را کنار گذاشتند و قوای مشترک تشکیل داده بتاریخ ١٧ می بالای فرقه های نظامی انگلیس ها حمله نموده خیمه های ایشان را آتش زدند و در ١٨ می افراد قبیلۀ افریدی نیز بالای قوای انگلیس حمله نمود و زعیم قبیلۀ افریدی ـ محمد عمر افریدی ـ بحیث قهرمان

ملی شجاعت خود را نشان داد و به شهادت صاحب منصبان انگلیس یکی از دشمنان بزرگ انگلیس بود ۰ (٦٨) در اثر حمله قبائل افریدی قوای انگلیس ۳۵ نفر تلفات دادند لیکن قوای هوائی انگلیس توانست مناطق افریدی را بمباردمان نموده ایشان را شکست بدهد۰ (٦٩) بعد ازشکست قبائل افغانی قوای انگلیس بطرف تورخم تقدم نمود و صالح محمد خان مقاومت نکرده بطرف جلال آباد عقب نشینی کرد که تعدادی از مؤرخین افغان صالح محمد خان را متهم به عقب نشینی بدون لیل نمودند۰ (۷۰) ۰

برگد محمد عمر خان طی نامه که در کاغذ رسمی برای سپه سالار اطلاع داد که : ( از طرف برگد محمد عمر خان بحضور سپه سالار صاحب عرض شود که دشمن بسیار شکست کرده و ما پیشرفت میکنیم و دشمن را شکست و پاش دادیم خود بداخل خط آتش دشمن هستیم حال چونکه دشمن شکست خورد پیش رفته و حال کلی نفری را به پیشرفت میبرم تا بهرحد که لازم دیدم قایم میکن نفری شهید و بعضی زخمی شده را معلوم نیست که تعداد ایشان چند است ۰ ۱۵ شعبان ۱۳۳۷ ) اصل وثیقه مربوط پسر سپه سالار صاحب مرحوم بوده کاپی آنرا در نهایت این بحث نشر می نمایم ۰

تعداد دیگر اضافه نمودند که جنرال در مقابل عقب نیشنی مبلغ بیست هزار پوند استرلنگ در یافت کرد لیکن ما دلیلی برای تأئید ادعای این گروپ نداریم ۰ و بر عکس سپه سالار صالح محمد خان شخص مسلمان و وطن دوست و امین بود ۰

وقتیکه نویسنده موضوع بیست هزار پوند را با مرحوم محمد اکبر پروانی سفیر افغانستان در جده در جریان گذاشت موصوف گفت که : ( عساکر افغانستان در اعترافات خود این تهمت را به جنرال محمد خان نسبت دادند ۰ و زمانیکه در خدمت اعلیحضرت محمد ظاهر شاه در جلال آباد بودم و لویه جرگه سال ۱۹۳۰ بود تعدادی از زعمای قبائل صالح محمد خان را متهم به شکست نمودند و در صداقت وی از خود شک نشان دادند ۰ ) (۷۱) و آقای پروانی اضافه کرد که خودش در جبهه ای قندهار بود ۰

جنرال محمد نادر خان در مورد شکست قوای سپه سالار صالح محمد خان می نویسد که با اینکه بهترین قوا زیر دست مارشال بزرگی چون صالح محمد خان بود شکست یافت زیرا در اداره

جنرال بی نظمی زیاد بود و همین بی نظمی سبب شکست قوای افغانی در دکه شد. (۷۲)
اعلیحضرت امان الله خان در مورد شکست قوای جنرال صالح محمد خان در فرمان پادشاهی عنوانی جنرال محمد نادر خان نوشت که :( عالیجاه با عزت و عزیز اخی محمد نادر خان سپه سالار را واضح خاطر باد . ...... عساکر همراه صالح محمد خان سپه سالار شکست خوردند فوجی نظامی آنصوب از حضور مفصل برای شما خبر داده شد که مستحضر میباشد و نفری نظامی که از آنجا شکست خورده و بطرف کابل آمده بودند عالیجاه محمد نعیم خان نائب سالار را به سرخ پل پیش روی شان مقرر کردیم که آنها را بهر صورت شود دل داری کرده بگرداند که از آمدن آنها کم دلی برای فوج مقیم دارالسلطنه کابل و کندک هائیکه روانه جلال آباد شده اند و در بین راه میباشند از شکست آنها پیش نشوند همان بودکه نائب سالار در آنجا هر قدر کرد واپس نگشته عازم کابل شدند و شکایت زیاد از بی انتظامی منصبداران خود میکنند.... ) امان الله خان اضافه میکند که چون دلسوزی فائده نکرد پس وزارت دفاع اسلحهٔ شانرا تسلیم شد . (۷۳) در فرمان پادشاهی بطور واضح از عدم لیاقت و عدم بجا آوردن مسئولیت صاحبمنصبان زیر ادارهٔ سپه سالار صالح محمد ذکر شده و شکست در معنویات عساکر ضربت وارد نموده بود که وزارت دفاع نتوانست ایشانرا بار دوم به جبهات جنگ بفرستد تا اینکه پادشاه مجبور شد تا اخبار شکست شانرا پنهان نماید تا در جبهات دیگر بالای عساکر تأثیر وارد نکند .

در اثر شکست نظامی در جلال آباد پادشاه فورا سپه سالار صالح محمد خان را تقاعد داده و فرمان ذیل را عنوانی سپه سالار فرستاد :

علیجاه عزیز پنان صداقت نشان اخی صالح محمد خان سپه سالار نظامی را واضح خاطر باد آن اخی مجروح گردیده و هواه جلال آباد نیز روز بروز گرم شده برای زخم خوب نخواهد بود لهذا عالیجا عزیزان همران دوست محمد خان نائب سالار و محمد خان جرنیل را مقرر و مأمور خدمات ملکی و نظامی مشرقی نمودم آن اخی کار های محوله خود را با عمله و تحلقاتی که با خود شما میباشد محول اوشان داشته و تسلیم اینها نموده خود شما مع الخیر و العافیه بسواری موتر بحضور والا مشرف میشوید انشاء الله و تعالی . امیر امان الله ) اصل فرمان مربوط پسر

سپه سالار مرحوم جناب ولی محمد خان بوده کاپی آنرا در نهایت این بحث مطالعه فرمائید•
پسر سپه سالار مرحوم صالح محمد خان حکایت نمود که اعلیحضرت امان الله خان سپه سالار
را امر کرد که در وزارت دفاع مشغول کار باشند لیکن سپه سالار بهتر دانست در خانه باقی
بماند تا اینکه بحیث مصائب تعیین شدند •

در نتیجه ای شکست نظامی انگلیس ها بطرف شهر جلال آباد پیشروی نموده طیارات حربی
شان شهر را زیر بمباران قرار داد و تعدادی از بمب ها را به شهر کابل نیز پرتاب نمودند که
خوف جای امن را گرفت • ( ۷٤ )

## جبههٔ بلوچستان ـ قندهار ـ

قوماندان جبههٔ قندهار سردار عبدالقدوس خان بود • جبهه قندهار برای انگلیس ها و افغان ها از نقطهٔ نظر استراتیژیکی اهمیت زیادی داشت و حتیٰ قبل از وصول قوای جدید تحت قیادت عبدالقدوس در آنجا سه کندک پیاده و دو کندک سوار تحت قیادت غوند مشر ـ غلام نبی خان ناصری ـ و قوه کوچک مشتمل از شش صد نفر در سپین بولدک تحت قیادت ـ تورن محمد یوسف ـ موجود بود • (۷۵) در جانب دیگر جبهه قوای بزرگ انگلیس که عبارت از دو فرقه هندی پیاده و فرقه هندی سواره و سه صد سوار انگلیسی و سه صد عسکر برای حمایت خط آهن و دو طیاره ای جنگی موجود بود که تمام قوای انگلیس تحت قیادت جنرال انگلیزی " LIEUTENENT GENERAL WAPSHARE " بود • (۷٦)

با حصول خبر رسیدن قوای عبدالقدوس خان جنرال انگلیسی امر به حمله داده و در چند ساعت منطقه سرحدی چمن را قوای انگلیس تسخیر نمود• (۷۷) در ۲٦ می قوای انگلیسی قلعه نظامی افغانستان را در سرحد محاصره نموده و سه صد عسکر افغانی تسلیم نشده که در اثر حمله توپخانه انگلیز ۱۵۰ عسکر شهید و ۱۵۰ نفر دیگر شدیدا زخمی شدند• (۷۸)

در این اثنا سردار عبدالقدوس خان مردم را در مسجد بزرگی در شهر قندهار دعوت نموده کفن پوشیده اعلان جهاد نمود و از مسجد در رأس قوای خود بطرف سپین بولدک حرکت نمود لیکن سردار عبدالقدوس خان نتوانست جلو تقدم قوای انگلیس را بگیرد• (۷۹) در حالتی که جنگ جریان داشت ادارهٔ جاسوسی انگلیس در فتنه انداختن بین افراد ملت کوشید تا جبهه داخلی را ضعیف بسازد و ادارهٔ جاسوسی طفلی از اهل سنت بقتل رسانده در منزل زعیم اهل شیعه ـ آغا صاحب نور محمد شاه خان قزلباش ـ دفن نموده اخبار واقعه را بین مردم خصوصاً در جبههٔ جنگ انتشار دادند که جوانان اهل سنه بالای منزل آغا صاحب حمله نموده مردهٔ طفل را دریافت نمودند که در اثر آن جنگ شدیدی بین شیعه و سنی شروع شد و به مشکل عبدالقدوس خان توانست آتش فتنه را خاموش سازد • با اینکه فتنه خاموش شد لیکن همکاری بین افراد نظامی

سنی و شیعه ادامه نیافت ٠

جنرال " WAPSHARE " از اوضاع داخلی قندهار استفاده نموده قلعهٔ سپین بولدک را تسخیر نمود و راه تا قندهار بروی عساکر انگلیسی باز شد لیکن قوماندان انگلیس بطرف شهر پیشرفت نکرده در سپین بولدک انتظار نتیجه ماند٠ سردار عبدالقدوس خان موفق شد تا جبههٔ جدید در جنوب غرب باز نماید و تا مسافه ای سه کیلومتر داخل بلوچستان شد و در حالت پیشروی بود که اوامر امان الله خان برای عقب نشینی به مسافه بیست کیلومتر داخل افغانستان برای عبدالقدوس خان مواصلت کرد ٠ لیکن سردار عبدالقدوس خان اوامر پادشاه را برای عقب نشینی احترام نکرده مواقع خود را تخلیه نکرد و توانست تا چند کیلومتر داخل بلوچستان شود ٠

## جبههٔ پکتیا :

جبهه پکتیا در جنگ با انگلیس اهمیت خاصی برای افغانها دارد و یگانه جبهه ای بود که در آن به قوای انگلیس شکست فاحش داده شد و اگر جبههٔ پکتیا به پیش روی دست نمی یافت کابل بعد از شکست قوای خیبر سقوط می نمود٠ در جبههٔ پکتیا دو دسته قوا موجود بود یکی قوای نظامی که تقریبا هزار عسکر بود تحت قیادت جنرال محمد نادر خان و سه صد عسکر پیاده و صد سوار زیر قیادت غوند مشر ـ مبارک شاه خان ـ و ٤٨ توپ ٠ ( ٨١ )

و دیگر قوای ملی و مجاهدین که از قبائل افغانی تشکیل میشد تحت قیادت حضرت فضل محمد ملقب به شمس المشایخ و فضل عمر ملقب به نورالمشایخ مجددی که تعداد این قوا به سی هزار میرسید پیروزی قوای ملی در تمام جبهات جنگ مشهود بود٠ بعد از تشکیل قوای فوق هر سه قوماندان جنگ در خوست جمع شده در موضوع جنگ مذاکره نمودند ٠ ( ٨٢ )

در خوست مشکلات زیادی بین قبائل آنجا موجود بود که توحید قوا را نا ممکن میساخت برای توحید افراد قبائل حضرت صاحب نورالمشایخ بیانیهٔ مفصلی ایراد نموده اعلان جهاد را که از

طرف پادشاه صادر شده بود به مردم رسانده بین قبیله منگل و جاجی صلح نمود و هر دو قبیله در صف مجاهدین داخل شدند ۰ (۸۳) و حضرت نورالمشایخ در بیانات خود مردم قبائل را وعده داد که امان الله خان در حالت پیروزی بالای انگلیس جوانان قبائل را از خدمت عسکری معاف میکند۰ (۸٤)

در ۲٤ ابریل ۱۹۱۹ در شهر گردیز قیادت قوای افغانی اجتماع نموده و در نهایت مجلس حضرت صاحب شمس المشایخ مردم را خطاب نموده گفتند: ( ما قوای نظامی را به سه فرقهٔ کوچک تقسیم نمودیم و جهاد بزودترین وقت آغاز میشود پس ما همه باید با هم در مقابل قوای صلیبی متحد باشیم ۰ ) (۸۵)

یکی از مشکلات بزرگ در جبهه پکتیا جنگها بین قبائل بود که باید حل میشد برای حل این معضله قوماندانی اعلی جنگ وظیفه صلح بین قبائل را به حضرت نورالمشاخ موکول ساخت که در ۳۰ ابریل حضرت صاحب موصوف قبیلهٔ مسعود و وزیر را متحد ساخت و بعد از مذاکرات طویل با زعیم قبیله جدران ـ مکس خان ـ قبول نمود که آتش بس را بین قبیلهٔ خود و قبائل دیگر در منطقه ـ وزی ـ برقرار نماید ۰ (۸٦) بعد از ملاقات با مکس خان حضرت نورالمشایخ با ـ ملک ببرک خان ـ ملاقات نمود و موفق شد وی را در صف مجاهدین داخل کند۰ از اختلافات بین قبائل خبر نگار جریدهٔ امان افغان این طور راپور را داده بود :

( وقتیکه به دروازهٔ قلعه ببرک خان رسیدیم دروازه را از ترس دشمنان خود باز نکرد و چون خبر داده شده که حضرت صاحب شمس المشایخ اند در را باز نمودند و مذاکرات بین طرفین صورت گرفت که ما از مضمون آن اطلاع نیافتیم لیکن در آخر روز ببرک خان موافقه کرد که در جهاد اشتراک میکند و پسر خود ـ لیوک خان ـ را در رأس قوای خود مقرر نمود و در اثنای جهاد ببرک خان شخصاً حضور یافت ۰ (۸۷) ) معاهده مره بین قبائل و زعمای نظامی و مجاهدین خاتمه اتحادات بود که بعد از آن در آغاز حمله تصمیم اتخاذ شد۰

حمله بشکل هجوم آنی و عقب نشینی بالای قوای انگلیس ترتیب شده بود که افراد قبیله مهمند در منطقه ـ سروکی ـ در ۱٦ می بالای قافله نظامی انگلیز متشکل از ۲۰۰ عسکر پیاده و ٦۰

سواره نظام تحت قیادت کپتان " CHEM MEAN " بود حمله نموده ۷۵ اشتر را که مواد غذائی را حمل میکرد بتصرف آوردند در حالیکه کپتان قوای خود را بسلامت نجات بدهد • (۸۸)

در ۱۷ می تعدادی از افراد قبیلهٔ ـ تنی ـ در میرانشاه بالای فرقه ای انگلیسی حمله نموده خط تیلفون بین میرانشاه و پشاور و هم خط ریل را قطع نموده ۲۰۰ اشتر مواد غذائی را به غنیمت گرفتند• (۸۹) • در ۲۱ می افراد قبیلهٔ ـ وزیر ـ در منطقه ـ سپین وام ـ بالای قوای انگلیس حمله نمودندو یک ضابط و ۱۵ عسکر انگلیس از اصل هندی را دستگیر نمودندو در اثر کامیابی این حمله ۱۵۰ عسکر افغان که ضمن قوای انگلیس بودند با افغانها پیوستند• در ٢٦ می قوای دیگر انگلیس از اصل افغان بقیادت ـ بت خان صوبه دار ـ به صف افغانها پیوست • (۹۰) در نتیجه حملات موفقانه افغانها انگلیس ها از تمام مناطق عقب نشینی نموده در ـ تل ـ موقع گرفتند •

## فتح تل :

قیادت قوای حمله به تل را جنرال محمد نادر خان به عهده داشت در حالیکه قیادت قوای ملی مجاهد را حضرت صاحب شمس المشایخ • در اول حمله عسکری بالای منطقه ـ سپین وان ـ که در آنجا قوای بزرگ انگلیس بود و منطقه استراتیژیکی مهم و نقطهٔ وصل بین گردیز و سپین وان بشمار میآمد توسط قائد افغانی تورن ـ عبدالقیوم ـ و تورن ـ خدا داد ـ بتاریخ ١٦ می آغاز شد لیکن در ۱۷ می حمله شان ناکام ماند و در ۱۸ می ـ ملک ببرک خان ـ با حملهٔ شدید قلعه نظامی انگلیس را فتح نمود و آنر آتش زد که قوای انگلیس تاب مقاومت را نیاورده بتاریخ ۲۹ می عقب نشینی نمود • با سقوط سپین وان حاکم انگلیس ـ کپتان رسل ـ اعلان نمود که به وصول مفاجی قوای افغانی در منطقه تحت اداره خود معلومات غیر منتظره دریافت نمود • (۹۱) در طول راه بین سپین وان و تل قوای نظامی انگلیس مورد هجوم افراد قبیلهٔ ـ وزیر و افریدی ـ

قرار گرفت که پنج ضابط انگلیسی جان خود را از دست دادند٠ و کپتان رسل در مورد هجوم قبیله افریدی بالای قوای نظامی انگلیس چنین می نویسد : ( از عجائب زمان که دوستان ما افریدی ها و کاکر بالای ما حمله نمودند و ما در عقب نشینی خود بالای ایشان اعتماد نموده بودیم ٠ ( ۹۲ )

به سقوط سپین وان مسافه تا به تل بیست میل مانده بود و تل دروازهٔ پشاور به حساب میآمد و همچنان سقوط سپین وان خط مواصلات را بین میرانشاه و تل قطع نمود و قیادت نظامی انگلیس نتوانستند کمک به تل بفرستد و همچنان از نتائج سقوط سپین وان قیام مردم در هر دو طرف خط دیورند علیه وجود انگلیس آغاز یافت ٠ ( ۹۳ )

تل اهمیت خاص برای قوای انگلیس داشت بدین نسبت قیادت آن زیر اداره حکومت هند برتانوی بود و جنرال ـ یوستیس ـ در راس قوای انگلیسی در تل اقامت داشت ٠ جنرال یوستیس منطقه ای تل را به پنج منطقه نظامی تقسیم نمود که هر منطقه زیر اداره غوند مشر انگلیسی بود و در ۲٦ می جنرال اعلان نمود که برای دفاع از تل کاملا آماده میباشد ٠ ( ۹٤ )

قوای افغانی در ۲۷ می حملات خود را از مرتفعات بالای تل آغاز نمود و افغانان مقیم تل با آغاز حملهٔ نظامی از طرف افغانان در تل علیه انگلیس قیام نمودند و شهر را آتش زده با قوای افغانی یکجا شدند٠ ( ۹۵ ) روز ۲۸ می ملیشیای افریدی که با انگلیس ها بودند به قوای افغانی متحد گردیدند ٠

مشکل بزرگ برای قوای افغانی وجود اتحاد بین قبیلهٔ ـ ارکزائی ـ و قوای انگلیسی بود زیرا قبیله مذکور بیطرفی خود را در جنگ اعلان نموده بودند و بیطرفی شان موقف نظامی افغانستان را در منطقه تهدید میکرد ٠ برای قناعت زعمای قبیله مذکور علما از موقف و منطق جهاد اسلامی کار گرفته ایشانرا قناعت دادند که در مقابل کفر باید جانب اسلام را بگیرند که زعمای قبیله ارکزائی از موقف خود ندامت کشیده هیأتی به کابل فرستاده و تأئید خود را به پادشاه افغانستان در جنگ با انگلیس اعلان نمودند که انگلیس ها چنانچه اعتراف کرده اند بزرگترین قوه را وقتیکه بدان ضرورت داشتند از دست دادند ٠ ( ۹٦ )

در ۲۹ و ۳۰ می تعدادی از مجاهدین داخل شهر تل بالای قوای انگلیس حمله نموده و حمله

شان تا روز ۳۱ می ادامه یافت که در نتیجهٔ آن پنج ضابط انگلیسی از اصل هندی بقتل رسید و مقداری از اسلحه بدست مجاهدین آمد. (۹۷) ۰ کامیابی قوای افغانی را حکومت هند از ضعف جنرال ـ یوستیس ـ دانست لهذا وی را تقاعد داد و قوماندان جدید تعین شد که جنرال ـ درای ـ بود.

جنرال درای بتاریخ ۲ جون به تل رسید و فورا امر به حملات هوائی بالای قوای افغانی نمود که در نتیجه آن تعدادی از افراد نظامی افغانستان شهید شدند ۰ ( ۹۸ ) لیکن حملات هوائی جنرال درای باعث نجات تل نشده و افغانان در محاصره شهر ادامه دادند و از جانب دیگر درجهٔ حرارت به ٤٥ درجه رسید و مرض کولرا بین عساکر انگلیسی انتشار یافت که تعدادی از عساکر هلاک و قوای جسمانی باقی ضعیف شد ۰ جنرال درای در نتیجه حملات و محاصره شهر و انتشار مرض تصمیم به عقب نشینی گرفت و بتاریخ ۲۸ جون قوای افغانی داخل شهر تل شد ۰

در تل زعمای افغانی مجلسی تشکیل داده فیصله نمودند که بطرف پشاور حرکت نمایند ۰ حکومت هند میدانست که در صورت تقدم قوای افغانی به پشاور قدرت دفاع آنر ندارد و در این حالت فیصله نمود که بمجرد رسیدن قوای افغانی بدراوزه پشاور شهر را به افغانان تسلیم نماید ۰ ( ۹۹ ) لیکن قبل از خروج از تل و حرکت بطرف پشاور جنرال درای از محمد نادر خان دعوت ملاقات کرد و نامهٔ امان الله خان را که در آن موافقه برای آتش بس و عقب نشینی قوای افغانی از تل با حکومت هند صورت گرفته بود تسلیم نادر خان نمود که باساس امر پادشاه نادر خان از تل خارج شد.

## توقف جنگ و آغاز مذاکرات سیاسی :

در اثنائیکه جنگ بشدت بین طرفین جریان داشت و طیارات حربی انگلیس شهر جلال آباد و کابل را بمباردمان میکرد حکومت کابل و هند برتانوی موافقه نمودند تا در میز مذاکرات جلوس نموده در باره آینده روابط بین خود بحث نمایند• در این جا لازم دیده میشود تا قبل از مناقشه در موضوع مذاکرات و معاهدات صلح به اسباب سیاسی و اقتصادی که هر دو کشور را تهدید میکرد و اسباب صلح را آماده ساخت اشاره نمایم •

از جانب انگلیس ملاحظه میشود که حکومت هند برتانوی بسیاری از مواضع نظامی خود را در جریان جنگ از دست داد و قوای انگلستان موفق نشد سیطرت کامل بالای قبائل پیدا کند خصوصا آن قبائلی که با کابل اتحاد نموده بودند • در داخل هند انگلیس خوف داشت که مسلمانان داخل هند با افغانها متحد شوند و انقلاب بزرگ را در داخل هند اعلان نمایند • خوف حکومت هند برتانوی از این ناحیه بسبب بوجود آمدن نوعی از اتحاد بین مسلمانان و هندوها بود که به میانجی گری امان الله خان صورت گرفت ، اداره ای جاسوسی انگلیس روابط سری را که بین حکومت کابل و هندوها قائم شده بود کشف نمود • (۹۹)

اعلیحضرت امان الله خان در تشکیل جبههٔ ملی و قوی در داخل هند بین مسلمانان و هندوها بذل مساعی نمود و در این راه از صرف پول و مساعدات ادبی دریغ نکرد • حکومت هند برتانوی ملاحظه نمود که در این شرائط ادامهٔ جنگ به منافع انگلیس نبوده و سیاست مداران انگلیسی اقامت صلح و به رسمیت شناختن استقلال افغانستان را برای حفظ وجود انگلیس در هند بنفع خود دانستند•

در جریان جنگ مشکلات دیگری نیز برای قیادت انگلیس ظهور نمود که علاج آن نا ممکن بنظر میآمد مثل عصیان و عدم احترام عساکر از اصل انگلیس در هند زیرا تعداد زیادی از این عساکر از قیادت نظامی خود توقف جنگ را مطالبه نمودند و خواهان بازگشت به وطن شدند و اوامر رهبران خود را برای رفتن به مناطق سرحدی و داخل سرزمین قبائل افغان اطاعت نکردند•

(۱۰۰) ۰

موقف عساکر اصل انگلیسی چنانچه ذکر شد تأثیر بزرگ بالای عساکر مسلمان انگلیس نمود و مسلمانان از فرقه های نظامی انگلیس با اسلحهٔ خود فرار نمودند و بعضی شان با قوای افغانی متحد شدند که این موضوع یعنی متحد شدن عساکر مسلمان قوای انگلیس را اعلیحضرت در فرمان نمبر ۳۸ خود عنوانی جنرال محمد نادر خان نوشت ۰ (۱۰۱)

از جانب دیگر عساکر هندی قوای انگلیسی اسلوب بی نظمی و بی پروائی را در خدمت نظامی اختیار نمودند و نظر به تعلیمات زعیم خود ـ گاندی ـ علیه انگلیس جنگ سرد را آغاز نمودند ۰ جریاناتی که بدان اشاره شد مرکز سیاسی و نظامی انگلیس را در هند ضعیف ساخت و مشکلات بزرگ را برای حکومت هند خلق نمود در وقتیکه حکومت هند باستقرار سیاسی احتیاج شدید داشت و این مشکلات در تعداد عساکر نظامی تأثیر زیاد وارد کرد و تعداد عساکر که در اول ۱۹۱۹ به ـ ٤٤٣۰۰۰ ـ بود به ۱۰٦۰۰۰ ـ تقلیل یافت و در نتیجه جنگ و شرب خمر قوای جسمانی همه عساکر ضعیف گردید ۰ (۱۰۲)

در پهلوی عوامل سیاسی عامل اقتصادی نیز مشکلات بزرگی برای حکومت هند بود ۰ سال ۱۹۱۸ سال بد اقتصادی برای هند بود زیرا در این سال در هند باران نبارید و در سال ۱۹۱۹ درجه حرارت بسیار بلند شد مزارع و باغها از شدت گرمی سوختند۰ (۱۰۳) و هم مرض وباء انتشار یافت و در بین سال ۱۹۱۸ و ۱۹۱۹ تقریبا شش ملیون از اتباع هند جان خود را از دست دادند و باقی نفوس هند در نتیجهٔ مرض از ناحیه صحی ضعیف گشتند ۰ سال ۱۹۱۹ برای حکومت هند برتانوی سال غیر قابل تحمل بود و آغاز جنگ را انگلیس ها بسبب جنگ تقبیح نکردند بلکه بسبب وقت غیر مناسب آنرا تقبیح نمودند۰

سیاست انگلیس نسبت به افغانستان در کنترول سیاست خارجی افغانستان توسط انگلیس خلاصه میشد و انگلیس ها از نزدیکی روسیه با افغانستان در خوف بودند لیکن سیاست جهان در ۱۹۱۹ و خصوصا بعد از انقلاب کمونستی در روسیه کاملا تغیر یافت و قوای روسی با افغانستان هم سرحد شد و زعیم روسی ـ لینن ـ حمایت حکومت روسیه را از افغانستان در جنگ با انگلیس اعلان نمود و از جانب دیگر برای روس رسیدن به سرزمین هند بسیار مشکل نبود و برقراری

روابط سیاسی بین افغانستان و روسیه معنی از دست دادن کنترول سیاست خارجی افغانستان از جانب انگلیس را داشت ۰ در پرتو این تحولات سیاسی و اقتصادی و نظامی و تغیرات در سیاست جهانی انگلیس ها دانستند که مراقبت سیاست خارجی افغانستان نا ممکن بوده لهذا " SIR . H . A. GRANT " از هند به " DENY BRAY " تلگرام فرستاده و گرانت به حکومت لندن نوشت که : ( بسیار مشکل است که بعد از این حکومت انگلستان بالای سیاست داخلی و خارجی افغانستان سیطرت داشته باشد در صورتیکه قوای انگلیس خارج حدود افغانستان باشد۰ در این حالت شناسائی استقلال افغانستان نتائج بهتر و مثبت خواهد داشت تا اینکه افغانستان کمک از روسیه را بخواهد ۰ افغانستان در حالت بدست آوردن استقلال دوست انگلیس خواهد ماند و به روسیه تمایل نخواهد کرد ۰ ) ( ۱۰٤ )

در روشنائی تغییرات سیاسی در منطقه و جهان و تغیراتیکه جنگ افغان با انگلیس بوجود آورد و قوای افغانی داخل سرزمین هند شد و همچنان سیاست اسلامی که دولت افغانستان در مبارزه خود با انگلیس از آن پیروی نمود و از کلمهٔ جهاد اسلامی استفاده صحیح نمود از یکطرف و عدم قدرت انگلیس برای حمله از طریق ایران به افغانستان در نتیجهٔ وجود قوای روسی در کشک از طرف دیگر سبب شد که دولت انگلستان صلح را بر ادامهٔ جنگ برتری داده راه مذاکره را باز نماید که صفحات بعدی در قضیه مذاکرات و معاهده صلح روشنی خواهد انداخت ۰ ( ۱۰۵ )

از جانب افغانستان مشکلات افغانها قبل از آغاز جنگ و در روزهای جنگ از ناحیه نظامی بسیار زیاد بود ۰ افغانستان فاقد قوای منظم نظامی بود و تنظیم عسکری به سویه فرقه واحد بوده از ادارهٔ ممتاز عسکری برخوردار نبود۰ در روزهای جنگ در کابل مجلس اعلی جنگ تشکیل نشد و شخص پادشاه با تعدادی از وزراء که در شئون نظامی تجربهٔ کافی نداشتند به قوماندانهای جبهه بدون معرفت اوضاع هر جبهه اوامر می فرستادند۰

جبهات افغانستان بین خود ارتباط نداشتند بطور مثال قوای نظامی به جبههٔ خیبر قبل از رسیدن قواه به جبهات دیگر رسید و جنگ را قبل از جبهات دیگر آغاز نمود که عدم اتصال بین جبهات نتائج منفی را در جریان جنگ بار آورد ۰ اگر جنگ در تمام جبهات خصوصا جبههٔ پکتیا و خیبر

و قندهار در یک زمان آغاز می یافت جای شک نیست که نتائج آن غیر از نتیجه ای بود که بدست آمد ۰ عدم ارتباط بین قوماندانهای جبهات سبب شد که قوای انگلیس بالای دکه حمله کند و در جبهه پکتیا شکل دفاعی را گیرد۰

موقف قهرمانی شخص پادشاه بزودی در نتیجهٔ بمباردمان هوائی توسط طیارات انگلیسی در جلال آباد و کابل تغییر یافت و خصوصا بمباردمان ۲٤ می که اسباب آتش سوزی در کابل شد و تا سوم می ادامه یافت حس خوف را در پادشاه بوجود آورد ۰ (۱۰٦) فرمان پادشاه عنوانی جنرال نادر خان نمونه از خوف پادشاه را نشان میدهد۰ پادشاه در فرمان خود واضح ساخته که برای برقراری صلح حاضر است معاهده ای ـ داین . حبیب الله ـ خان را قبول نماید در حالیکه در روز بدوش گرفتن سلطنت افغانستان عدم قبولی معاهدهٔ داین . حبیب الله را اعلان کرد ۰ از مضمون امان الله خان واضح میشود که پادشاه حاضر به قبول معاهده ـ دیورند ـ و معاهده ـ داین . حبیب الله ـ خان است که در این حالت حاضر شد از تمام حقوق سیاسی افغانستان در جانب غربی خط دیورند بگذرد ۰ (۱۰۷)

پادشاه بمجرد رسیدن سفیر افغانستان آقای ـ عبدالرحمن خان ـ از هند برتانوی که با خود نظریات حکومت مذکور را در باره برقراری صلح آورده بود بدون مشوره با قوماندانهای جنگ و بدون مشوره زعمای اسلامی از پیشنهادات حکومت هند در قبول صلح استقبال نموده آمادگی خود را برای صلح و آغاز مذاکرات و آتش بس به حکومت هند اطلاع داد ۰ (۱۰۸) پادشاه از نظام شوری در دولت پیروی نکرده پیشنهاد حضرت صاحب شمس المشایخ و پیشنهاد جنرال محمد نادرخان و همچنان پیشنهاد صدر اعظم خود سردار عبدالقدوس را در مورد نادیده گرفت که در نهایت این تحقیق و برای اولین بار نامه ای حضرت شمس المشایخ صاحب را عنوانی امان الله در مورد صلح با انگلیس چاپ خواهم نمود ۰

در ۱۳ جولای ۱۹۱۹ در کابل و دهلی رسما آتش بس و آغاز مذاکرات از طرف دولتین اعلان شد و قوای افغانی با قوای انگلیسی بعد از تاریخ ۱۳ جولای حالت انتظار را بخود گرفتند ۰ لیکن وایسرای هند برتانوی از موقف امان الله خان در مورد آتش بس استفاده سیاسی بزرگ را نمود و خواست مدت زیادی از وقت را در تبادل نامه با کابل صرف نماید و خسارات نظامی

خود را در مذاکرات صلح جبران نموده منافع سیاسی بدست بیآورد • برای این مقصد تعداد از رسائل عنوانی امان الله فرستاده از وی خواست از بسیاری مطالبات سیاسی خود صرفنظر نماید• امان الله خان نامه های وایسرای انگلیس را عنوانی حضرت صاحب شمس المشایخ به پکتیا فرستاد که اصل آنرا در آخر کتاب نشر خواهیم نمود • همچنان امان الله خان از حضرت صاحب شس المشایخ در مورد پیشنهادات انگلیس مشوره خواست که وی در جواب پادشاه این طور نوشت :

( ارجمند عزیز امیر المؤمنین خلد الله ملکه و بعد :
در موضوع صلح و قبول ما بآن و وقف قتال ما احتیاج بآن نداریم • عساکر و افراد قبائل در حالت جهاد و نصرت اند • خواهش من این است که دروازهٔ مذاکرات را با انگلیس باز نکنید و اگر انگلیس از جانب خود صلح را مطالبه میکنند پس در این حالت از حق ما است که شروط برای آن تقدیم نمائیم این است رأی مسکین فضل محمد مجددی • ) (۱۰۹)

امان الله خان از مضمون نامهٔ حضرت شمس المشایخ خوش نشد و دانست که قوای مجاهدین طرفدار صلح به شرائط انگلیس نیستند پس پادشاه متوجه جنرال های خود شده در تحقیق صلح از صلاحیتهای پادشاهی خود کار گرفته فرمانی عنوانی جنرال محمد نادر خان فرستاد و در آن شرائط پیش شده از طرف انگلیس را برای صلح ثبت نمود که از این قرار بود :

۱ـ طیارات انگلیس حق پرواز را به آسمان افغانستان دارد •
۲ـ باقی ماندن قوای نظامی انگلیس در مواقعی که هستند و حق تعمیر قلعه های نظامی جدید•
۳ـ اعادت مناطق که قوای نظامی افغانستان و قبائل در جنگ متصرف شده اند به انگلیس •
٤ـ عقب نشینی قوای افغانی بمسافه ده میل داخل افغانستان •
۵ـ فرستادن فرمان پادشاهی به زعمای قبائل و خبر دادن شان از برقراری صلح بین انگلیس و دولت افغانستان •

اعلیحضرت امان الله خان در فرمان خود اضافه کرد که تا زنده است شروط انگلیس ها را قبول نخواهد کرد با اینکه مساحت زیادی را از دست داده وی اضافه کرد که موقف ما در وزیرستان

بسیار خوب است و قبائل مسعود و وزیر با اسلحهٔ خود با عسکر ما اند و اگر از مواد صلح بدانند بالای قوای دولتی حمله خواهند نمود • برای اطمینان پادشاه اضافه کرد که نمایندهٔ افغانستان در مذاکرات بموادیکه بر ضد کرامت افغانستان باشد مذاکره نخواهد کرد و من ـ امان الله ـ هرگز لباس زنانه را نخواهم پوشید و هرگز عار را قبول نخواهم کرد و در آخر فرمان پادشاه این عبارت را به قلم خود اضافه نمود : ـ عزیز برادر من ـ دست از طلب ندارم تا کام من براید ........ یا جان بجانان یا جان زتن براید • امیر المؤمنین امان الله) (۱۱۰)

با اینکه امان الله خان در فرمان خود از قبول شروط قبل از شروع مذاکرات از طرف خود همه را اطمینان داد لیکن بسرعت هئیت افغانی را تعیین نمود • نقطه مهم دیگر در فرمان پادشاهی خوف پادشاه از عکس العمل افراد قبائل است زیرا برای قبائل مشکل بود تا مناطقی را که بنام جهاد از انگلیس بدست آورده بودند بدون هیچ دلیل بگذارند و از جانب دیگر حکومت کابل سیطرت کامل بالای قبائل نداشت تا ایشان را امر به عقب نشینی نماید•

بعد از تماس با زعمای ملی و ارکان عالی دولت امان الله خان نامه به وایسرای انگلیس در دهلی فرستاد و از برقراری صلح بین هر دو کشور استقبال نمود لیکن شرط اول و دوم انگلیس را برای مذاکرات قبول نکرد • وایسرای انگلیس در جواب عدم موافقهٔ خود را برای مذاکرات صلح تا وقتیکه امان الله خان شروط انگلیس را قبول نکند اعلان کرد و بجواب امان الله خان نوشت :

( دوست عزیز ... نامه مورخه ۱۱ جون ۱۹۱۹ شما را که نمبر ٦۵ داشت تسلیم شدم و بسیار خوشحال هستم که آتش بس را قبول نموده اید که خود دلیل بر حسن نیت شما میباشد • در نامهٔ خود ذکر نمودید که برای شما قبول شرط اول و دوم شرایطی که ما داریم مشکل است لیکن دوست عزیز مقصد از مقاصد شرط اول و دوم را درک نکرده اند • ما از شما خواستیم که عساکر خود را از مناطقی که عساکر ما اند به مسافهٔ بیست میل عقب ببرید که شما این کار را نمودید و فقط در چمن و در پیوار تا هنوز عساکر شما موجود اند و ما خواهشمندیم که تعلیمات خود را برای عساکر آنجا نیز بدهید تا مسافهٔ بیست میل عقب نشینی نمایند و اگر یک عسکر از عساکر شما در داخل سرزمین ما باشد معقول نیست که ما

در میز مذاکرات حاضر شویم و در این حالت استمرار جنگ ضروری خواهد بود •
و همچنان از افراد قبائل دعوت کنید که نزدیک فرقه های نظامی ما مجلس تشکیل ندهند و اگر این کار را نمودند عساکر ما حق فیر را بالای شان دارند•
اما در موضوع شرط دوم ما که عبارت از پروازهای طیارات حربی ما در فضای افغانستان است این پروازها برای سلامت قوای ما میباشد و ادامه خواهد کرد و جای شک نیست که افراد قبائل بر طیارات ما فیر میکنند لهذا خواهش داریم که اوامر خود را برای شان بفرستید تا علیه قوای هوائی ما دست بکار نشوند •
ما از جانب خود آقای " GRANT " را بحیث رئیس هئیت نمایندگی خود در مذاکرات صلح تعیین نمودیم و بسیار موجب سعادت ما خواهد شد اگر اسماء هئیت شما را بدانیم • ما أمید علایق دوستانه و طبیعی را در آینده بین دو دولت داریم • چمبرلین • ) ( ۱۱۱ )
نامه چمبرلین تهدید مستقیم برای افغانستان بود و برای امان الله خان لازم بود بجواب آن می پردخت و باید با زعمای ملت در مورد نامهٔ دولت هند برتانوی مذاکره میکرد زیرا موضوع متعلق به سرنوشت ملت بود لیکن امان الله خان بدون مشوره بجواب چمبرلین این طور نوشت :

( دوست عزیز ، نامه مؤرخه ۲۲ رمضان ۱۳۳۷ ، ۲۱ جولای ۱۹۱۹ شما را ۲۶ رمضان گرفتم و مضمون دوست عزیز بر علایق بین دو کشور تأکید میکرد و مطلب اساسی هر دو طرف اقامت روابط نیک میباشد و بر هر دو طرف لازم است تا بذل مساعی برای حل مشکلات موجوده نمایند •
ما برای قوای خود در چمن و پیوار امر صادر نمودیم تا به مسافهٔ ده میل از مقابل قوای شما عقب نشینی نمایند و در مقابل از شما میخواهیم تا از قلعه چمن و از دکه تا ختم مذاکرات عقب نشینی نمائید و عرف و قانون از طرفین عقب نشینی را میخواهد ، نمیدانم چرا دوستم موضوعاتی را مورد مناقشه قرار میدهد که فائده ندارد بهتر است تا موضوعاتی که در آن اختلاف داریم برای هئیت جانبین بگذاریم ، و نباید طرفین از یکدیگر مطالبی را بخواهد که از عدل و انصاف دور باشد و اصرار شما برای قبول تمام پیشنهادات شما از طرف ما فائده نداشته بلکه

بر علایق جانبین ضرر وارد میکند• در مورد پرواز طیارات شما فوق افغانستان فکر می کنم که ضرورت نباشد و جای شک نیست که ملت ما بالای طیارات شما حمله میکنند و طیارات شما بالای شان بمب خواهد انداخت ، و عمل شما در پیشرفت مذاکرات کمک نمیکنند بلکه در خلق اختلافات کمک خواهد کرد •

بسیار مسرورم از اینکه ـ سیر هلتن گرانت ـ را بحیث رئیس هئیت خود در مذاکرات تعیین نمودید ، خواهشمندم باقی اسما ، هئیت خود را نیز معرفی نمائید • ما برادرعزیز خود أحمد علی خان وزیر داخله را بحیث رئیس هئیت خود تعیین نمودیم که تعداد اعضا ، هئیت ما ١٥٠ عضو میباشد و ایشانرا ٨٠ نفر برای حمایت شان و ٧٠ نفر خدمتکار همراهی میکند•

امان الله خان • ) (١١٢)

در قدم دیگر که مربوط افغانستان میباشد امان الله خان طی فرمانی عنوانی جنرال محمد نادر خان از تمام قوماندنها خواست که از مناطقیکه در جریان جنگ متصرف شده اند عقب نشینی نمایند در فرمان آمده که :

عالیجاه برادر عزیز سپه سالار محمد نادر خان :

••• در موضوع عقب نشینی قوات ما که تحت قیادت ـ محمود جان ـ در جبهۀ پیوار است باید دانسته شود که اگر پیوار را دشمن متصرف شود راه تا کابل بدون حمایت باقی می ماند با این هم برای محمود جان امر نمودم تا عقب نشینی نماید ، شما باید یک قوۀ ملی در آنجا تشکیل بدهید البته قبل از عقب نشینی قوای ما تا دیده شود انگلیس چه میخواهد•

باید بدانید که عسکر انگلیس در حالت عدم استقرار زندگی دارند و عساکر هندی از قوای انگلیس فرار میکنند •

نسبت به وزیرستان ما امر مبارک خود را به تعیین ـ شاه ولی خان ـ برتبۀ لوا ، مشر بحیث حاکم آنجا صادر نمودیم و همچنان چهار تن از زعمای قبیله مسعود را رتبه لوا ، مشر دادیم که از هدیه ما مسرور میشوند و از پسر عزیز شاه ولی خان خواستیم تا در تحسین و تجدید قلعه ـ وانا ـ بکوشد •

نسبت به جبهۀ ـ پیوار ـ عسکر ما از مقابل عسکر انگلیس تا مسافۀ ده میل عقب نشینی

میکند و شما باید از قوای انگلیسی دعوت کنید تا با قوای ما یکجا شوند و تعدادی از ایشان به قوای ما پیو سته اند این موضوع موقف ما را در مذاکرات لاهورپندی قوی میسازد• در وقت عقب نشینی خود از پیوار باید تعدادی از جنگجویان ملکی و تعدادی از توپ را بگذارید و اگر انگلیس از شما خواست که ایشان را بیرون کنید بگوئید تا شما از دکه و قلعهٔ قندهار خارج نشوید این قوای باقی میماند و اگر به ما مراجعت نمودند همین سخن را میزنیم ، موقف بسیار خطرناک است باید آماده باشید و فکر جهاد را بین عساکر و مجاهدین انتشار بدهید •
امان الله) (۱۱۳) •

با أسف زیاد پادشاه از سو، اداره ایکه داشت از اشخاصیکه قادر به تحمل مسؤلیت نبودند کابینه خود را تشکیل داده بود و در موضوع مهم سیاسی که مربوط آینده ملت و مملک بود مشوره نکرده و به ندای زعیم اسلامی افغانستان جواب مثبت نداده رأی جنرال های خود را احترام نکرد و بصورت شخصی به تمام شرایط انگلیس موافقه نموده معاهدات سابقه را تصدیق نمود و از حقوق ملی افغانستان در غرب خط دیورند گذشت • از نامهٔ پادشاه که بدان اشاره شد بر می آید که وی از ترس آینده جنگ از تمام مواقع استراتیژیکی عقب نشینی نمود•
سفیر انگلیس در کابل ـ حافظ سیف الله ـ که انگلیس وی را مخلصترین فرد برای دولت انگلستان توصیف نموده از تمام احوال قصر اطلاع داشت و اداره جاسوسی انگلیس را اطلاع کامل داده بود و به اساس اطلاعاتی که سیف الله خان به هند برتانوی فرستاده بود حکومت هند برای قبول آتش بس و آغاز مذاکرات پیشنهاداتیکه قبلا بدان اشاره شد برای امان الله خان تقدیم نمود و قبول آنرا اساس آغاز مذاکرات اعلان کرد• و با قبول امان الله به پیشنهادات انگلیس مذاکرات آغاز یافت که در صفحات بعدی در بارهٔ مذاکرات معلومات تاریخی تقدیم میشود •

## معاهدهٔ لاهور پندی :

بعد از تبادل تعدادی از نامه ها بین کابل و دهلی دولت افغانستان و انگلستان موافقه نمودند که نمایندگان هر دو کشور در شهر لاهور پندی با هم اجتماع نمایند.
هئیت افغانی بریاست سردار علی احمد خان در اواسط ماه جولای کابل را ترک نمود و در ۲٦ جولای ۱۹۱۹ اولین جلسه مذاکرات آغاز شد . در جلسهٔ اول رئیس هیت انگلستان آقای ـ گرانت ـ تأسف حکومت خود را از شهادت امیر حبیب الله خان ابراز کرد و بعداً اضافه کرد که جنگ بین دو کشور عمل غیر دوستانه بود و باید حکومت کابل افراد قبائل را منع کند تا بالای سرزمین های امپراطوری انگلیس در هند حمله نکنند. (۱۱٤)
علی احمد خان در جلسه اول اظهار کرد که دولت انگلستان مسئول جنگ بوده و صلح هدیه از جانب انگلیس برای افغانستان نمیباشد وی اضافه کرد که خطر کمونیزم هر دو جانب را به صلح تشویق میکند . در موضوع حملات قبائل بالای خاک هند علی احمد خان مسئولیت آنرا به حکومت هند برتانوی نسبت داد و گفت که دولت انگلیس قبائل را مجبور به جنگ میسازد. در موضوع علایق خارجی دولت افغانستان علی احمد خان گفت که افغانستان دولت مستقل بوده در سیاست خارجی خود آزادی مطلق دارد . و در نهایت جلسه علی احمد خان نظر افغانستان را در مورد صلح به گرانت تقدیم کرد که شامل مواد ذیل بود :

۱ ـ شناسائی رسمی استقلال افغانستان .
۲ ـ تقدیم کمک های اقتصادی از جانب انگلیس به افغانستان .
۳ ـ پرداخت مبلغ بزرگ بحیث خسارهٔ جنگ به افغانستان .
٤ ـ صدور عفو عمومی از طرف حکومت هند برتانوی در مورد قبیله های افریدی و مهمند و امضاء معاهده صلح با ایشان .
۵ ـ الحاق وزیرستان به افغانستان .

در ۳۱ جولای گرانت نقاط مهم حکومت خود را در جلسهٔ دوم تقدیم نمود که در آن آمده بود که دولت هند در مقابل صرفنظر نمودن افغانستان از الحاق وزیرستان به افغانستان حاضر است از ـ دکه ـ عقب نشینی کند و از باقی موادی که هئیت افغانی پیش نموده بود گرانت عدم موافقه دولت خود را اظهار نمود ۰ که در نهایت جلسه هئیت افغانی نیز عدم قبول خود را از پشنهادات گرانت اعلان کرد ۰ (۱۱۵)

در جلسه روز ٤ اگست رئیس هئیت افغانی در موضوع تقدیم مساعدات اقتصادی از طرف انگلیس سخن زده در موضوع وزیرستان اشاره نکرد و گفت : ( اگر دولت انگستان برای افغانستان مبلغی که قبلا به حکومت امیر حبیب الله خان میپرداخت بپردازد دولت افغانستان در موضوع وزیرستان تجدید نظر میکند ۰ ) (۱۱٦) ۰ و در همین جلسه علی احمد خان مواد جدید را در کنفرانس به گرانت سپرد که مشتمل بود از :

۱ ـ دولت افغانستان و انگلستان در مقابل کشور سوم با هم دوست اند ۰

۲ ـ حکومت انگلستان تعهد میکند که برای افغانستان مساعدات اقتصادی تقدیم میکند۰

۳ ـ آن دسته از قبائل که در جریان جنگ با افغانستان متحد بودند مناطق شان جزء افغانستان شناخته میشود ۰

گرانت وعده داد که مواد پشنهاد شده از طرف افغانستان را به حکومت خود در لندن ارسال میدارد ۰ گرانت برای حکومت خود در لندن نوشت که : ( در حقیقت نا ممکن است که دولت ما سیاست خارجی افغانستان را بعد ازین در کنترول خود داشته باشد و تقدیم کمک های اقتصادی برای افغانستان یک ضرورت حتمی جهت حفظ روابط آن با دولت انگلستان میباشد۰ ) لندن در جواب گرانت از عدم قبول مساعداتهای اقتصادی برای افغانستان نوشت لیکن آمادگی خود را برای امضاء معاهده جدید با دولت افغانستان اعلان کرد ۰ (۱۱۷)

قبول امضاء معاهده جدید از طرف حکومت انگلستان را گرانت تغییر در سیاست کشورش نسبت به افغانستان تعبییر نمود و برای حل مشکلات پنج ماده را بحیث مواد معاهدهٔ جدید پیش نمود

که علی احمد خان قبول خود را به همه مواد پشنهاد شده از طرف گرانت اظهار نمود• در مقابل گرانت موافقه نمود که مشکلات قبائل را با دولت افغانستان بعد از امضاء معاهده در مدت شش ماه مورد بحث قرار میدهد•

اگر به مواد معاهده ـ گرانت علی احمد خان ـ دقت شود ملاحظه میشود که کلمهٔ استقلال بشکل مستقل ذکر نشده و معاهده بطور عموم بنفع انگلستان بود• از جانب دیگر علی احمد خان با کابل قبل از امضاء معاهده مشوره نکرد و در معاهده افغانستان خط دیورند را شناخت • جهت تطبیق مواد معاهدهٔ ذکر شده بتاریخ ۹ اگست ۱۹۱۹ کابل هئیتی را بریاست ـ غلام نبی خان چرخی ـ به هند فرستاد• غلام نبی خان با نماینده انگلیس " JOHN MEFEY " اتفاقیهٔ سرحد را بامضاء رساند که باساس آن خط دیورند سرحد بین دو کشور شناخته شد•

بعد از امضاء معاهده لاهور پندی و اتفاقیه سرحد قوای انگلیسی در ۱۳ سپتمبر از ـ دکه و سپین بولدک ـ عقب نشینی نمود • (۱۱۸) لیکن بعد از مرور وقت کم علاقه بین پادشاه و علی احمدخان برهم خورد و پادشاه علی احمد خان را مسئول امضاء معاهده نموده امر به حبس اش صادر کرد• (۱۱۹)

در نتیجهٔ معاهده لاهور پندی امان الله خان بصفت زعیم دولت مستقل حرکت نمود و خواست روابط نزدیک با روسیه قائم نماید لیکن نه به ضرر دولت انگلستان • در سیاست اسلامی خود برای کسب دوستی جهان اسلام و حرکت انصار خلافت اسلامی در افغانستان و هندوستان از خلافت اسلامی ترکیه حمایت نمود•

در علایق با روسیه امان الله خان هئیتی بریاست ـ محمد ولی خان ـ به ماسکو فرستاد و محمد ولی خان بتاریخ ۵ اکتوبر ۱۹۱۹ برای حکومت روسیه از مواد معاهده لاهور پندی و سیاست خارجی جدید دولت افغانستان معلومات داد• (۱۲۰) • هئیت افغانی در موسکو مورد استقبال عظیم حکومت روسیه قرار گرفت که در مقدمهٔ مستقبلین آقای ـ تروتسکی ـ قرار داشت و همچنان در ۱۸ اکتوبر زعیم کمونست روسیه آقای ـ لینن ـ با هئیت افغانی برای مدت دوساعت ونیم ملاقات نموده در جریان ملاقات وعدهٔ همکاری اقتصادی را با تقدیم مساعدت مالی داده و اضافه کرد که مسلمانان داخل روسیه حق دارند اگر بخواهند به افغانستان معاونت

نماینده ( ۱۲۱ )

همچنان افغانستان هئیت دیگری برای منظور شرح سیاست خارجی و داخلی اش به پولند ، بلژیک ، فرنسا ، المان فرستاد که از طرف زعمای کشور های فوق مورد استقبال قرار گرفت در حالیکه امریکا از استقبال هئیت افغانی معذرت خواست و انگلستان حاضر به پذیرائی هئیت افغانی نشده گفت که هئیت افغانستان با حکومت هند برتانوی داخل تماس گردد. ( ۱۲۲ )

علایق افغانستان با انگلستان بعد از معاهدهٔ لاهور پندی بهبود نیافت زیرا انگلیس ها از طبیعت روابط افغانستان با روسیه حقیقت را درک نکردند و امان الله خان را متهم با دوستی با ماسکو علیه انگلستان نمودند در حالیکه روابط امان الله خان با روسیه بر ضد انگلیس نبود و از جانب دیگر اصلا روابط بین کابل و ماسکو رو به وخامت میرفت زیرا افغانستان ضد سیاست روسیه در کشور های اسلامی آسیای وسطی بود و علیه سیاست موسکو رسما احتجاج نمود و از روسها دعوت نمود که باید از منطقهٔ - پنجده - خارج شوند و کابل برای امتداد خط آهن از کشک تا به هرات و اعمار پل بالای نهر آمو به پیشنهاد روسیه موافقه نکرد و سفیر روسیه آقای - برافین در مذاکرات خود با حکومت کابل ناکام شد.

در نتیجه موقف دشمنی دولت انگلستان با کابل و عدم بهبود علایق افغانستان با انگلیس و هم در نتیجه بروز اختلافات عمیق بین کابل و ماسکو در نتیجه سیاست اسلامی دولت افغانستان و حمایت اش از مسلمانان کشور های وسط آسیا امان الله در سیاست خود با دولت انگلستان تجدید نظر نمود و خواست انگلیس را متوجه موقف شان نسبت به افغانستان بسازد . برای این منظور امان الله خان اعلان نمود که خط دیورند را به رسمیت نمی شناسد و در ۵ نومبر ۱۹۱۹ برای وایسرای انگلیس در هند نوشت که باید قوای خود را از وزیرستان خارج سازد و برای حل مشکلاتی که تا هنوز حل نشده بود امان الله خواهان انعقاد مذاکرات جدید شد و جهت فشار بالای انگلیس جهت قبولی مطالب اش قبائل را تشویق به مبارزه علیه انگلیس در هند نموده و برای قبائل مساعدات مالی فرستاد . ( ۱۲۳ ) و همچنان تعدادی از افسران نظامی را جهت تعلیم نظامی افراد قبائل داخل هند ارسال نمود . در داخل افغانستان امان الله خان مردم را برای تشکیل کنفرانسها علیه انگلیس ترغیب نمود و در کنفرانس شهر جلال آباد ده ها

هزار اجتماع نموده علیه انکلیس شعارها دادند و از حکومت دعوت نمودند تا جنگ را علیه انکلیس جهت آزاد نمودن سرزمینهای افغانستان ادامه بدهد و در کنفرانس جلال آباد مردم از انکلیس دعوت نمودند تا از خاک افغانستان خارج شود ۰ ( ۱۲٤ ) ۰

در نتیجه موقف امان الله خان علیه انکلیس وایسرای هند " **CHDLMSFORD** " موافقه کرد تا با دولت افغانستان جهت حل مشکلات داخل مذاکره شود برای تحقیق این غرض آمادگی خود را جهت عقد مذاکرات جدید در شهر ـ منصوری ـ اعلان کرد و برای اظهار حسن نیت خود از باز شدن قونسلگری افغانستان در ـ کراچی ، بمبی و کلکته ـ استقبال نمود ۰ ( ۱۲۵ )

## مذاکرات منصوری :

جهت مذاکرات جدید با انگلیس در ۱۷ ابریل آقای محمود طرزی وزیر خارجه افغانستان در رأس هئیت افغانی به هند رفت • در طول راه از خیبر تا منصوری مسلمانان و هندوها از هئیت افغانی استقبال نموده محلات تجارتی خود را بستند تا عداوت خود را با انگلیس و دوستی خود را با افغانستان نشان بدهند• (۱۲۶)

در اولین دور مذاکرات که بین آقای محمود طرزی و رئیس هئیت انگلیسی آقای ـ دابس ـ صورت گرفت در ملاقات آقای دابس از موقف حکومت افغانستان در تشویق قبائل ضد سیاست حکومت هند و اجازه دادن روسها که از طریق افغانستان با هندوها علیه انگلیس اتصال گیرند احتجاج کشور خود را تقدیم کرد•

آقای طرزی از موقف تشدد کار گرفته به احتجاج حکومت هند توجه نکرده در مذاکرات از جانب انگلیس دعوت نمود تا موقف خود را در قبال استقلال افغانستان و آینده خلافت اسلامی در ترکیه و آیندهٔ قبائل در هر دو جانب خط دیورند واضح سازد •

در جلسه روز دوم ۹ ابریل آقای ـ دابس ـ اعلان کرد که کشورش آماده است تا به استقلال افغانستان رسما اعتراف نماید لیکن موافقه ندارد تا افغانستان سفارت خود را در لندن باز کند• در موضوع مشکلاتی که بین دو کشور موجود است دابس گفت که حل آن به وقت زیاد احتیاج دارد و باید جانبین از صبر و عنصر وقت کار گیرند وی مشکلات بین انگلیس و افغانستان را به مشکلاتی که بین کاندا و امریکا بود تشبه کرد • لیکن آقای طرزی مناقشه هیچ موضوع را قبل از قبول انگلستان برای باز نمودن سفارت افغانستان در لندن قبول نکرد • (۱۲۷)

در مذاکرات روز چهارم دابس در موضوع مهاجرین هند به افغانستان اشاره کرد و از اینکه حکومت افغانستان برای مهاجرین کمک می نماید احتجاج نمود و از طرزی دعوت نمود تا دولت افغانستان مهاجرین هند را از خاک افغانستان اخراج نماید • طرزی در جواب گفت که دولت انگلستان حق ندارد در شئون داخلی افغانستان و سیاست اسلامی اش مداخله کند• (۱۲۸)

در مقابل آقای طرزی از هئیت انگلیسی دعوت کرد تا در موضوع وزیرستان مناقشه نماید و اضافه کرد که اگر هئیت انگلیسی حاضر به مناقشه آینده وزیرستان نباشد هئیت افغانی مجلس را ترک میکند. در مقابل دابس گفت بشرطیکه افغانستان از مضمون علایق خود با روسیه دولت انگلستان را معلومات بدهد ما حاضر هستیم با افغانستان روی مشکلات وزیرستان مذاکره نمائیم آقای طرزی بشدت پیشنهاد دابس را رد نموده آنرا مداخله در شئون افغانستان دانست . ( ۱۲۹ ) .
در اثر موقف متشدد طرزی در جریان مذاکرات ممکن بود مذاکرات به ناکامی برسد برای ادامه مذاکرات عضو دیگر هئیت افغانی آقای ـ عبدالقیوم خان ـ از تاریخ روابط بین افغانستان و انگلستان یاد آوری نموده ادامه ای علایق مذکور را به نفع هر دو کشور جهت منع انتشار کمونیزم و نفوذ روسیه در منطقه دانست و اضافه کرد که برای امنیت هندوستان و افغانستان باید انگلیس به استقلال افغانستان اعتراف رسمی کند و لقب جدید پادشاه افغانستان را برسمیت بشناسد و افغانستان را کمک اقتصادی نماید .
در جریان مذاکرات ۹مارچ در موقف طرزی انحطاط را ملاحظه می نمائیم . طرزی در میز مذاکرات بار اول برای انگلیس افشاء کرد که افغانستان قوای نظامی که متشکل از ۱۶ ضابط و ۶ توپ به کمک امیر بخارا در جنگ اش با قوای سرخ فرستاده است و همچنان مجاهدین افغانرا ترغیب به جهاد به جانبداری مسلمانان در جهاد علیه روس نموده است . طرزی اضافه نمود که اگر انگلیس موضوع وزیرستان را حل کند در این حالت افغانستان با انگلیس در مبارزه علیه روس در بخارا و ترکستان و فرغانه همکاری خواهد کرد و اضافه کرد که مبارزه علیه روس از طاقت افغانستان به تنهائی نا ممکن است . ( ۱۳۰ )
لیکن جانب انگلیس موضوع وزیرستان را غیر قابل مذاکره دانست . در نتیجه طرزی در ۲۳ مارچ بصراحت گفت که افغانستان برای قبائل افغانی کمک های مالی فرستاده و آقای عبدالهادی خان داوی اعلان کرد که پشاور از صد سال باین طرف پایتخت زمستانی افغانستان بود و ملت افغان نمی توانند آنرا فراموش کند. ( ۱۳۱ )
مذاکرات منصوری چهار ماه طول کشید لیکن طرفین بسبب موقف غیر عادلانه ای انگلیس نسبت به افغانستان به نتیجه نرسیدند و چون طرزی از نتائج مذاکرات دانست که استمرار آن بنفع

افغانستان نبوده لهذا در ٢٤ مارچ از مذاکرات خارج شده بوطن برگشت و در شهر جلال آباد در اجتماع بزرگی از مردم اعلان نمود که هئیت افغانی در مذاکرات با جانب انگلیس به نتیجه نرسید و هئیت راپور مفصل به اعلیحضرت در کابل تقدیم خواهد کرد ۰ ( ١٣٢ )

## معاهدهٔ کابل و نهایت استعمار انگلیس :

افغانستان در مذاکرات منصوری با هئیت انگلیس به نتیجه نرسید و انگلیس ها خواهشات بسیار ناچیز پیش شده از طرف افغانستان را برای امضاء معاهده قبول نکردند. در اثر موقف انگلیس در مورد قضیهٔ عادلانه افغانستان امان الله خان یک سلسله اقدامات عملی جهت اثبات استقلال سیاسی افغانستان نموده با دولت فرانسه ، المان ، ترکیه، ایتالیه ، ایران و روسیه معاهدات سیاسی بامضاء رسانیده و قونسلگری های افغانستان در کشور های مذکور افتتاح شد. (١٣٣)
چون وایسرای هند " CHALMSFORD " موقف استقلالی امان الله را مشاهده نمود و نتوانست علیه آن اقدامات عملی انجام بدهد لهذا مناسب دانست تا با افغانستان نزدیک شود خصوصا که روابط انگلستان با روسیه بیک مرحله بسیار خراب رسیده بود و نزدیکی روسیه به افغانستان وجود انگلیس را در قارهٔ هندی مواجه به خطر میساخت . برای تحقیق این هدف وایسرای هند از دعوت امان الله خان برای انعقاد کنفرانس جدید استفاده نموده موافقه خود را با تقدیم دو شرط که عبارت از عدم شناسائی انگلستان بلقب جدید امان الله خان ـ اعلیحضرت ـ و تقاضای افشای مضمون معاهدهٔ منعقده بین افغانستان و روسیه اظهار داشت .

در کنفرانس کابل که در جنوری ١٩٢١ انعقاد یافت ریاست هئیت انگلستان را ـ دابس ـ بعهده داشت . مذاکرات در دور اول خود که ١١ ماه را در برگرفت نظر به مشکل وزیرستان و قبائل افغانی بدون نتیجه خاتمه یافت و هئیت افغانی خروج خود را از مذاکرات در حالیکه انگلستان به حق افغانستان در وزیرستان اعتراف نکند اعلان کرد . (١٣٤)
در ملاقاتی که بین هئیت انگلیسی و افغانی در دفتر آقای طرزی بتاریخ ٢٠ جنوری ١٩٢١ صورت گرفت آقای طرزی پیشنهاد جدیدی را برای حل قضیهٔ وزیرستان تقدیم کرد که عبارت از نظرخواهی یا رأی گیری در بین قبائل وزیرستان بود تا آزادانه موقف خود را نسبت به آیندهٔ خود که با هند باقی می مانند یا با افغانستان یکجا میشوند تعیین نمایند . در موضوع افتتاح

قونسلگری روسیه در کابل که انگلیس ها مخالف آن بودند طرزی پیشنهاد کرد که در صورت عدم افتتاح قونسلگری روسیه در کابل انگلیس ها مبلغ ۳۶۰ هزار روپیه بشکل مساعدت اقتصادی برای افغانستان بپردازند۰ (۱۳۵)

مذاکرات ۲۰ جنوری نتیجهٔ رضایت بخش برای جانبین نداد و برای حل قضایای مورد خلاف امان الله خان هئیت انگلیسی را استقبال نموده در مورد افتتاح قونسگری روس گفت که باید دولت انگلستان برای افغانستان وعده بدهد که در حالت حملهٔ قوای روسی بخاک افغانستان از افغانستان دفاع میکند۰

دابس در مجلس پیشنهاد جدید را تقدیم کرد که عبارت از ٤۰۰ هزار روپیه سالانه و ۲۰۰۰ تفنگ و ۲۰۰ ماشیندار و شش طیارهٔ حربی و بناء خط تلگراف بین کابل و قندهار و هرات بشکل مساعدت برای افغانستان در صورتیکه افغانستان علایق سیاسی خود را با روسیه قطع کند و موضوع وزیرستان را فراموش نماید۰

پیشنهاد دابس شکل تهدید را به افغانستان داشت و امان الله خان دانست که انگلیس ها نسبت به روابط بین افغانستان و روسیه در تشویش اند لهذا خواست از موضوع برای کامیابی کنفرانس استفاده نماید ۰ امان الله خان فورا سفیر روسیه را که جهت مذاکره به کابل آمده بود استقبال کرد و موافقه خود را برای افتتاح قونسلگری روسیه در کابل اعلان داشت و پستهٔ سیاسی انگلیس را متوقف ساخت و اعلان نمود که افغانستان ادامهٔ مذاکرات با انگلیس را بی نتیجه میداند۰

چون دابس موقف حکومت کابل را دانست فورا با وزیر خارجه افغانستان ملاقات نموده گفت که حاضر است به بعضی از پیشنهادات افغانستان تجدید نظر نماید در صورتیکه وزارت خارجهٔ افغانستان فقط مضمون معاهده ایکه با روسیه امضاء نموده به هئیت انگلیسی نشان بدهد که طرزی پیشنهاد دابس را رد کرد و گفت که جرائد مضمون معاهده را نشر کرده بودند و شما میتوانید آنر مطالعه نمائید ۰ موقف شدید طرزی زیاد دوام نکرد و در ۳ سپتمبر در ملاقات خود با دابس معاهده را بعد از حذف ماده ایکه متعلق به همکاری اقتصادی و نظامی بود برای دابس تقدیم کرد ۰

از اینکه چرا دولت افغانستان به درخواست دابس در موضوع روابطش با روسیه از نرمش کار گرفت مؤرخین تحلیلات مختلف نموده اند و اکثرا امان الله خان را شخص ضعیف معرفی نمودند لیکن اگر به تحرکات قوای روسی در سرحدات شمالی افغانستان در آن زمان نظر اندازیم ملاحظه میشود که تهدید مستقیم برای افغانستان بود و روسها حاضر نشدند از پنچده خارج شوند و از جانب دیگر امان الله خان از طرف مسلمانان داخل افغانستان بسیار زیر فشار بود تا به مجاهدین مسلمان بخارا و تاجک کمک نظامی نماید بدین لحاظ امان الله خان مناسب دید تا علایق خود را با انگلیس زیاد خراب نسازد و برای ادامه مذاکرات با انگلیس موافقه خود را اعلان کرد و طرفین معاهده جدید را که بنام معاهده کابل یاد میشود امضاء نمودند٠

معاهده کابل مشکل وزیرستان را حل نکرد و خط دیورند برسمیت شناخته شد و در نتیجه معاهدهٔ کابل افغانستان از حقوق سیاسی خود در مناطق غرب خط دیورند گذشت ٠ بعد از امضاء معاهدهٔ ، دابس برای اطمینان دولت افغانستان مکتوبی فرستاد که مضمون آن جزء از معاهدهٔ شناخته شد مکتوب هنری دابس در مورد مشکلات قبائل افغانی غرب خط دیورند بود که نظر به اهمیت آن نص آنرا می آوریم :

( جناب جلالتماب مشفق مهربان دوست سردار اعلی محمود بیک خان طرزی وزیر امور خارجه دولت علیه مستقله افغانستان زاد مودته ٠

چون احوال اقوام سرحدی هر دو دولتین ، بسبب اندیشه دولت علیه افغانستان است ، دوستدار آنمشفق مهربان را مطلع میدارم که دولت برتانیه خیالات نیک نیتی به تمام اقوام سرحدی دارد ، و بهر طریق نیت دارد که رفتار مروتانه با ایشان میکند ، مشروط براینکه از چپاول ها بر خلاف اتباع برتانیه دست بردار شوند٠ امید است که این مکتوب باعث تسلی و اطمینان خاطر آنمشفق مهربان باشد٠

سر هنری دابس ٠ المرقوم ٢٢ نومبر ١٩٢١ عیسوی مطابق ٣٠ عقرب ١٣٠٠ شمسی ٠ ) (١٣٦)

در معاهدهٔ کابل دولت انگلستان در ماده ای اول آن استقلال افغانستان را برسمیت شناخت ٠ ماده دوم افتتاح سفارت افغانستان را در لندن و افتتاح سفارت انگلستان را در کابل تأمین کرد٠

در مادهٔ سوم افغانستان به خط دیورند اعتراف نمود.

در جریان امضاء معاهده امان الله خان مردم قبائل را کاملا فراموش نمود و از حقوق سیاسی و مدنی شان دفاع نکرد در حالیکه قبائل افغانی در جهاد افغانستان علیه انگلیس سهم فعال و اول را داشتند و همچنان حضرات شمس المشایخ و نورالمشایخ برای ایشان از آیندهٔ شان اطمینان داده بودند. چنانچه مرحوم استاد غبار در کتاب خود می نویسد که : ( نمایندگان مردم سرحدات آزاد از موقف دولت افغانستان در قرار داد مذکور به ـ خط دیورند ـ متأثر و رنجیده خاطر گشتند ، خصوصا که در کابل بعض مشاورین شاه بنام حفظ ظاهر و رعایت مذاکرات با انگلیسها ، مشوره دادند که شاه از دیدن مستقیم با نمایندگان سرحدات آزاد که در کابل بودند اجتناب نماید تا سبب اشتباه انگلیسها و اخلال مذاکرات جاریه بین دولتین نگردد . البته اینگونه مشوره ها بجز از تولید اشتباه بین دولت افغانستان و سرحدی ها و شکافتن جبهه داخلی ـ در مقابل انگلیس ـ نتیجهٔ دیگری نداشت ، یکی از مجاهدین مشهور افغانی فضل محمد صاحب مجددی که مرد آگاه بسیاست داخلی بود در این مورد نامه ذیل را بنوشت و بپادشاه کشور فرستاد.) (۱۳۷)

در مورد نامه حضرتصاحب فضل محمد ملقب به شمس المشایخ باید اضافه کرد که موصوف قبائل را اطمینان داده بود که دولت افغانستان در حق اسلامی شان غفلت نمیکند و ایشانرا در مقابل انگلیس تنهاء نمیگذارد . نماینده هئیت قبائل که در ضیافت حضرتصاحب در شوربازار بودند بریاست موسی خان بود . خوشبختانه اصل نامه را در نهایت این کتاب نشر خواهیم نمود و مرحوم استاد غبار نیز نص آنرا با استفاده از کتابخانه مرحوم حضرتصاحب محمد معصوم مجددی معروف به ـ میاجان مجددی ـ در کتاب خود آورده . حضرت موقف قبائل را در مکتوب خود اینطور شرح داد:

( عرضداشت داعیان صمیمی اینکه چند فقره بخیال و فکر ناقص حقیران واجب العرض به تسطیران پرداخته شد چون محض خیر خواهی و خالی از اغراض شخصیست امید بشرف ملاحظهٔ پادشاه اسلام پناه برسد و به نظر تدقیق و غور مطالعه فرمایند:

موسی خان مسعودی که پسر عم موسی خان غازیست و در اعتبار قومی دوم موسی خان گفته

میشود بلکه دست و بازو و زبان موسی خان است و تمامی اقوام مسعود منتظر واپس رفتن او میباشند ، و از منازل بعیده بعزم شرفیابی حضور پادشاه اسلام آمده اند و بامید واری که مطالب خود را بعرض برساند ، اما مدت یکماه بلکه زیادتر گذرانید و اکنون از حضور ارجمند محترم سپهسالار صاحب غازی مرخص شده بغایت نا امیدی و دلسردی میرود. داعی نوازا اگر باینقسم برود و بحضور والا مشرف نشود و دلجویی و مهربانی نه بیند ، بمجرد رسیدن او جمعیت غازیان مسعود متفرق بلکه اکثریه با الکفار ملحق خواهد شد ، و علاقه مردم وزیر و مسعود یکقلم می گسلد و کفار اشرار خذلهم الله وقت را غنیمت دانسته ریشه دوانیهای خود را در بین اقوام بدسائس شیطانی جاری خواهد کردند و تدارک آن در ثانی ممکن نخواهد بود ، و حال بذریعه همین موسی خان که محض بحضور برسد و زبانی مهربانیهای پادشاهی را مشاهده کند و فی الجمله امیدواری برایش داده شود یکسال دیگر همین بازار جهاد و قتال این اقوام با دشمنان دین باقی خواهد ماند و دشمن دین کامیاب نخواهد شد انشاء الله و تعالی شریعت پرور را دولت پاینده باد و طالعت فرخنده باد ۰

فضل محمد مجددی الخاطی الضعیف ۰ فضل عمر مجددی )

نقاط مهم دیگر در مکتوب که برای مشوره به پادشاه فرستاده شده ازین قرار است :

۱ ـ عدم اعتماد به دوستی و صداقت انگلیس ۰

۲ ـ حفظ و حمایت جبهه داخلی ۰

۳ ـ استقبال هئیت نمایندگی قبائل ۰

اعلیحضرت امان الله خان به نصحیت و مشورهٔ زعمای افغانستان اعتبار نداده فقط به مشورهٔ ارکان دولت خود که همه شان در تجربه سیاسی و قومی بی تجربه بودند اکتفاء نموده تمام علایق خود را بخاطر اظهار حسن نیت به انگلیس با قبائل قطع نمود که در نتیجهٔ سیاست پادشاه زعماء قبائل از دولت افغانستان آزرده خاطر شده و همچنان زعمای اسلامی مانند شمس المشایخ صاحب و نورالمشایخ صاحب موقف امان الله خان را لطمه ای به مقام روحانیت خود تعبیر نمودند و همان بود که قبائل برای سرنگونی سلطنت امان الله خان بعد از ده سال با

حضرت نورالمشایخ وحضرت محمد صادق خان مجددی یکجا شدند•

بعد از امضاء معاهدهٔ کابل بیک روز امان الله خان محفلی بزرگ ترتیب داد که در آن نشان ـ لمر اعلی را بالقب شمس المشایخ ـ برای حضرت صاحب فضل محمد مجددی و ـ نشان لمر اعلی را با لقب نورالمشایخ ـ به حضرت فضل عمر مجددی بخاطر مجاهدات شان در راه حصول استقلال کشور تقدیم نمود • (۱۳۸) و در روز بعد فرمان دوم را عنوانی هر دو برادر فرستاد که شامل زمین زراعتی وسیع از املاک دولتی بقسم هدیه بود• (۱۳۹)

## مأخذ و مراجع فصل دوم :


۱ـ حبیبی ، عبدالحی ، تاریخ افغانستان جلد ۲ ، صفحه : ۹۵ ـ ۹۷ و همچنان POULLADA : OP. CIT . P : 1FF ; AND SEE : MOHAMAD , ALI " THE RISE OF THE DURRANIS " PP : 98 - 115

۲ـ افغانستان ، دائره معارف ، صفحه : ۵۵ و همچنان ریاض ، محمد ـ الشرق الاوسط ـ دراسه فی تطبیق الجیولیولتیکی و السیاسی ـ

۳ـ أمین زی ، شمس صفاء ـ تاریخ معاصر افغانستان ـ صفحه : ۱۳

٤ـ BILGRAMI , ASGHAR . H. " AFGHANISTAN AND BRITISH INDIA " P : 270

۵ـ عطاء الله ، قاضی ، مرجع سابق ، صفحه : ۲۰۰ ـ ۲۰۱

٦ـ ریاض ، محمد ، مرجع سابق ، صفحه : ٥٦

۷ـ حبیبی ، عبدالحی ، مرجع سابق ، صفحه : ۱۰۳ ـ ۱۰٤

۸ـ عطاء الله ، قاضی ، مرجع سابق ، صفحه : ۲۰۳ ـ ۲۰٤

۹ـ حسین ، سید اصغر ـ واقعات شاه شجاع ـ صفحه : ۲۹ و همچنان ، فیض محمد ـ سراج التواریخ ـ جلد ۱ ، صفحه : ۱۹ و همچنان ، TYTER ; FRASAR : OP. CIT . P :114 . AND SEE " BILGRAMII , ASGHAR . H . OP . CIT . PP : 105 - 109

۱۰ـ رشتیا ، سید قاسم ، مرجع سابق ، صفحه : ۲۰ و همچنان MOHANLAL " THE LIFE OF AMIR DOST MOHAMAD KHAN" VOL . I . P : 247

و معلومات نسبت به امیر دوست محمد خان مراجعه شود به MOHAMAD , ALI , " THE FALL OF THE DURRANI " PP : 138 - 141

۱۱ـ رشتیا ، سید قاسم ، مرجع سابق ، صفحه : ٤۷

۱۲ـ MOHANLAL ; OP . CIT . PP : 328 - 340

۱۳ـ کاکا خیل ، سید بهادر شاه ، مرجع سابق ، صفحه : ۱۰۲٦ ـ ۱۰۲۸

و همچنان ، الاهرام ، ٢٥ دسمبر ١٩٢٧

١٤ـ عطاء الله ، قاضی ، مرجع سابق ، صفحه : ٦

١٥ـ حبیبی ، عبدالحی ، مرجع سابق ، صفحه : ١١٢ـ ١١٣ و هچنان ، حسین ، سید اصغر مرجع سابق ، صفحه ١٠٥ـ ١٠٦ و همچنان BIGRAMI , ASGHAR . H. OP . CIT . PP : 106- 107 . AND SEE ALSO , POULLADA , OP . CIT . P : 4 , AND SEE ALSO , MOHANLAL . OP. CIT . PP : 379 - 380

١٦ ـ حسین ، سید اصغر ، مرجع سابق ، صفحه : ١١٦ ـ ١١٧ و همچنان ، عطاء الله ، قاضی ، مرجع سابق ، صفحه : ١٢٤ و همچنان ، الاهرام ٢٥ دسمبر ١٩٢٧ و همچنان ADAMAC , " AFGHANISTAN FOREIGN AFFAIRS " P : 2

١٧ ـ رشتیا ، سید قاسم ، مرجع سابق ، صفحه : ٨٦ و همچنان MOHANLAL , OP . CIT . PP : 314 - 321

١٨ ـ مذاکرات لیدل سیل ، ترجمه میر عبدالرشید بیغم ، صفحه ٤٤

١٩ ـ لید سیل ، مرجع سابق ، صفحه : ٤٢ ـ ٤٣

٢٠ ـ هاشمی ، سید سعدالدین ، افغانستان معاصر ، جلد ١ صفحه : ١١٢

٢١ ـ فیض محمد خان ، مرجع سابق ، صفحه : ١٥٧ و همچنان MOHANLAL , OP . CIT . PP : 240 - 244

٢٢ ـ خافی ، محمد یعقوب خان ـ پادشاهان متأخر افغانستان ـ صفحه : ٢٢ ـ ٢٣ و همچنان لیدی سیل ، مرجع سابق ، صفحه : ١٠٢ ـ ١١٥ و همچنان ، مجله العربی الکویتی ، عدد ٢٣٨ سال ١٩٧٨ ، صفحه : ٧٥

٢٤ ـ خافی ، میرزا یعقوب ، مرجع سابق ، صفحه : ٢٧ ـ ٢٩ و همچنان ، حبیبی ، عبدالحی ، مرجع سابق ، صفحه : ١١٤

٢٥ ـ خافی ، محمد یعقوب ، مرجع سابق ، صفحه : ٣٨ ـ ٣٩ و همچنان ، ابوالعینین فهمی محمد ، مرجع سابق ، صفحه : ٦٦

٢٦ ـ ارسلان ، الامیر شکیب ـ حاضر العالم الاسلامی ، جلد ١ ، صفحه : ٩٤

٢٧ ـ BALKHI , ABU OMAR" THE TRAGEDY OF OUR CENTURY "P :13

۲۸ ـ دکتور عبدالحلیم ـ جمال الدین الافغانی ـ صفحه : ۱۶۹

۲۹ ـ رشتیا ، سید قاسم ، مرجع سابق ، صفحه : ۲۱٤

۳۰ ـ حبیبی ، عبدالحی ، مرجع سابق ، صفحه : ۱۲۳ ـ ۱۲٤

۳۱ ـ الاهرام ، یکشنبه ۲۵ دسمبر ۱۹۲۷

۳۲ ـ صفاء ، شمس ، مرجع سابق ، صفحه : ٤۱

۳۳ ـ حبیبی ، عبدالحی ، مرجع سابق ، صفحه : ۱۲٦ و همچنان خلیلی ، خلیل الله خان ـ از سجاده تا شمشیر ، طبع شورای ثقافتی برای جهاد در پشاور و همچنان " ,ADAMEC
WHO 'O " WHO OF AFGHANISTAN" P : 139

۳٤ ـ المجله ، عدد ۲۸ اگست ۱۹۸۰

۳۵ ـ حبیبی ، عبدالحی ، مرجع سابق ، صفحه : ۱۲۷ و همچنان ، رشتیا ، سید قاسم ، مرجع سابق ، صفحه : ۲۵۷ ـ ۲۵۸

۳٦ ـ در موضوع مشکلات سرحدی بین افغانستان و هند بریطانوی و موضوع قبائل به مکتوب رسمی دولت افغانستان بامضاء علی محمد خان وزیر خارجه تحت نمبر ذیل مراجعه شود : نمبر ۱۲٦۸ تاریخ ۱۷ ـ ٤ ـ ۱۳۲٦ IOR , R / 12 / 178 . NO . 39
مکتوب نمبر ۱۵٦۸ تاریخ ۱۹ ـ ۵ ـ ۱۳۲٦ IOR . R ./ 12 / 178 . NO . 80 اگر اجازه نشر دو وثیقه ذکر شده را تا نهایت این کتاب دریافتم در جمله وثائق نشر خواهم نمود در غیر آن هر کسیکه خواهان مطالعه آنها باشد میتواند از کتابخانه بنده استفاده نماید.

۳۷ ـ GREGO , VARTAN , OP . CIT . PP : 208 - 209 . AND SEE :
MOHAMMED , ALI . OP . CIT . P : 435

۳۸ ـ DUPREE , LOUIS , OP . CIT . P : 435

۳۹ ـ ADAMEC " AFGHANISTAN FOREIGN AFFIRS " P : 57

٤۰ ـ أبوالعینین ، فهمی ، مرجع سابق ، صفحه : ٤۳۸ و همچنان ، کاکا خیل ، سید بهادر شاه ، مرجع سابق ، صفحه : ۱۰۵۳

٤۱ ـ ADAMEC , OP . CIT . PP : 57 - 58

۴۲ ـ GREGORIA , VARTAN , OP . CIT . PP : 206 - 207

۴۳ ـ غبار ، سید قاسم ، مرجع سابق ، صفحه : ۷۰۵ و همچنان / IOL / L / P + S / 11
237 . 25 OCT . 1923

۴۴ ـ LOI / L / P + S / 11 . 15 FED . 1924 . P : 4411

۴۵ ـ روزنامه الاخبار ٠ دوشنبه ۲٦ دسمبر ۱۹۲۷

۴٦ ـ الاهرام ٠ سه شنبه ۲۷ دسمبر ۱۹۲۷

۴۷ ـ جریده کاروان ۸ سنبله ۱۳۵۰

۴۸ ـ جریده کاروان ۹ سنبله ۱۳۵۰ و همچنان مجددی ، محمد ابراهیم ـ اشک غم ـ صفحه :
۱۳

۴۹ ـ ADAMEC , " AFGHANISTAN 1900 - 1923 ' pp : 110 - 111

۵۰ ـ أصل مکتوب را در آخر کتاب مطالعه فرمایید ٠

۵۱ ـ نقیب صاحب سید حسین دیده شود : ADAMEC " WH'O WHO OF AFGHANISTAN " P 207 AND SEE , ADAMEC " AFGHANISTAN 1900 1923 ' P : 116

۵۲ ـ BALKHI , ABU OMAR , OP . CIT . PP : 19 - 20

۵۳ ـ ADAMEC , OP . CIT . P : 115

۵۴ ـ SHAH . I . A. " MODERN AAFGHANISTAN " PP : 101 - 102

۵۵ ـ ADAMEC , " AFGHANISTAN FOREIGN AAFFAIRS " P : 50

۵٦ ـ ADAMEC . OP . CIT . PP : 50 - 51

۵۷ ـ SHAH . I . A . OP . CIT . PP : 110 - 111

۵۸ ـ GREGORIAN , VARTAN , OP . CIT . PP : 228 - 229

۵۹ ـ SHAH , I . A . OP . CIT . PP : 212 - 213

٦۰ ـ کشککی ، برهان الدین ، مرجع سابق ، صفحه : ۹۸ ـ ۹۹

٦۱ ـ BABA , KHWAJAYEV . A . H . OP . CIT . PP : 95 - 96 AND SEE , GREGORIAN , VARTAN , OP . CIT . P : 229

٦٢ ـ POULLADA ; LEON B. OP. CIT. P : 239

٦٣ ـ SYKES, PERCY " A HISTORY OF AFGHANISTAN " VOL II. P P : 267 - 268 . AND SEE : بخاری ، سید شاه ، مرجع سابق ، صفحه : ٨ و همچنان غبار ، میر غلام محمد ، مرجع سابق ، صفحه : ٧٥٨

٦٤ ـ FLETCHER , ARNOLD " AFGHANISTAN , HIGHWAY OF CONQUEST " P : 191

٦٥ ـ بخاری ، سید شاه ، مرجع سابق ، صفحه : ٨ ـ ٩ و همچنان FLETCHER , ARNOLD, OP. CIT. P : 191

٦٦ ـ FLETCHER, ARNOLD. OP. CIT. P : 191

٦٧ ـ GREGORIAN, VARTAN. OP. CIT. P : 231

٦٨ ـ غبار ، میر غلام محمد ، مرجع سابق ، صفحه : ٧٥٩

٦٩ ـ FLETCHER, ARNOLD. OP. CIT. P : 129

٧٠ ـ کاکا خیل ، مرجع سابق ، صفحه : ٦٠٥٨

٧١ ـ این معلومات را از مرحوم آقای محمد اکبر پروانی زمانیکه سفیر در جده بودند بتاریخ ٨ اپریل ١٩٨٢ حاصل نمودم و آقای پروانی اضافه کردند که در جنگ استقلال در جبهه قندهار بودند •

٧٢ ـ کشککی ، برهان الدین ، مرجع سابق ، صفحه : ١٠٠ ـ ١٠١

٧٣ ـ فرمان پادشاهی تاریخ ٢٦ شعبان سال ١٣٣٧ نشر شده در کتاب نادر افغان جلد ١

٧٤ ـ ADAMEC , " AFGHANISTAN , 1900 - 1923 " P : 122 AND SEE ; DUPREE. LOUIS . OP. CIT. P : 442

٧٥ ـ DUPREE, LOUIS . OP. CIT. PP : 193 - 194

٧٦ ـ غبار ، میر غلام محمد ، مرجع سابق ، ٧٦٠ و همچنان FLETCHER ; ARNOLLD . OP. CIT. P : 193

٧٧ ـ SHAH. I. A " THE THIRD AFGHAN WAR 1919 " p ; 132

۷۸ ـ غبار ، میر ، غلام محمد ، مرجع سابق ، صفحه : ۷٦۰

۷۹ ـ کاکا خیل ، مرجع سابق ، صفحه : ۱۰۵۸

۸۰ ـ کشککی ، برهان الدین ، مرجع جلد ۱ صفحه : ۱۰۱ ـ ۱۰۵

۸۱ ـ GOVERNMENT OF INDA " OFFICIAL ACCOUNT OF THE OF THE THIRED AFGHAN WAR 1919 " P : 59

۸۲ ـ مراجع انگلیسی و خارجی فضل محمد مجددی را بنام حضرت صاحب شوربازار ، شاه آغا ، شیخ الاسلام و بعد از سال ۱۹۱۹ باسم شمس المشایخ ۰ و فضل عمر مجددی را بنام حضرت صاحب شوربازار و بلقب شیر آغا و بعد از ۱۹۱۹ بنام نور المشایخ در مورد برای معلومات مفصل مراجعه شود به : ADAMEC , " WHO' WHO OF AFGHANISTAN P : 141 AND SEE , POULLADA , LEON B . OP . CIT . CH V AND SEE غبار ، میر غلام محمد ، مرجع سابق ، صفحه : ۷٦٤ و جریده امان افغان سال اول عدد٤

۸۳ ـ جریده کاروان ۸ سنبله و ۹ سنبله سال ۱۳۵۰

۸٤ ـ مجددی ، محمد ابراهیم ـ اشک غم ـ صفحه : ۱۵ ـ ۱٦

۸۵ ـ جریده امان افغان ، سال اول ، عدد ٤ سرطان ۱۲۹۸

۸٦ ـ جریده امان افغان عدد ۵ سال ۱۲۹۸ و همچنان ، GOVERNMENT OF INDIA , OP . CIT . PP : 52 - 53

۸۷ ـ جریده امان افغان ، سال اول عدد ۵ و همچنان کشککی ، برهان الدین ، مرجع سابق صفحه : ۱۱۹

۸۸ ـ GOVERNMENT OF INDIA , OP . CIT . PP : 54 - 55

۸۹ ـ IBID منابع انگلیزی تعداد اشتر ها را به ٦۰ اشتر نوشته اند و همچنان دیده شود : کشککی ، برهان الدین ، مرجع سابق ، صفحه : ۱۱۹ و غبار ، میر غلام محمد ، مرجع سابق ، صفحه : ۷٦٤

۹۰ ـ GOVERNMENT OF INDA , OP . CIT . PP : 57 - 58

۹۱ ـ IBIID و همچنان دیده شود : بخاری ، سید بهادر شاه ، مرجع سابق ، صفحه :

٩٢ ـ GOVERNMENT OF INDIA , OP . CIT . P : 62

٩٣ ـ FLETCHER , OP . CIT . P : 142 AND SEE : SHAH - I . A " THE THIRD AFGHAN WAR 1919" P : 132

٩٤ ـ GOVERNMENT OF INDIA . OP . CIT . P : 57

٩٥ ـ FLETCHER . OP . CIT . P : 192

٩٦ ـ GOVERNMENT OF INDIA . OP . CIT . P : 59

٩٧ ـ کاکا خیل ، مرجع سابق ، صفحه : ١٠٥٨

٩٨ ـ IBID و از عدد شهداء افغان دیده شود : کشککی ، مرجع سابق ، صفحه ١٢٥

٩٩ ـ GREGRIAN , VARTAN . OP . CIT . P : 230 و همچنان : غبار ، میر غلام محمد ، مرجع سابق ، صفحه : ٧٦٧ ـ ٧٦٨

٩٩ ـ SYKES , PERCY . OP . CIT . P : 269

١٠٠ ـ DUPREE . OP . CIT , P : 443

١٠١ ـ مکتوب اعلحضرت امان الله خان عنوانی جنرال نادر خان کاپی آن در کتاب نادر افغان جلد ١

١٠٢ ـ FLETCHER . OP . CIT . PP : 187 - 188

١٠٣ ـ IBID

١٠٤ ـ ADAMEC , " AFGHANISTAN 1900 - 1923 " P : 132

١٠٥ ـ الاهرام ، سه شنبه ، ٢٧ دسمبر سال ١٩٢٧

١٠٦ ـ ADAMEC , OP . CIT . P : 122

١٠٧ ـ فرمان پادشاهی نمبر ٢٨ بر ٧ تاریخ سه شنبه ٢٦ شعبان ١٣٣٧ نشر شده در کتاب نادر

١٠٨ ـ FLETCHER , OP . CIT . P : 193

١٠٩ ـ وثیقه را در نهایت کتاب ملاحظه فرمایید

١١٠ ـ فرمان پادشاهی نمبر ٣٨ تاریخ پنجشنبه ١٣ رمضان ١٣٣٧ نشر شده در کتاب نادر افغان جلد ١ صفحه : ١٣٩

۱۱۱ ـ وثیقه را در نهایت این کتاب ملاحظه فرماید و همچنان استاد مرحوم غبار در کتاب خوددر صفحات : ۷۷۰ ، ۷۷۱ ، ۷۷۲ مضمون وثیقه را از اصل آن آورده

۱۱۲ ـ اصل این وثیقه در کتابخانه حضرت صاحب شمس المشایخ موجود است ٠

۱۱۳ ـ فرمان نمبر ۵۵ تاریخ دوشنبه ۷ شوال ۱۳۳۷ نشر شده در کتاب نادر افغان جلد ۱ صفحه : ۱٤۲ و بعد ها

۱۱٤ ـ ADAMEC " AFGHANSTAN , 1900 - 1923 " P : 126

۱۱۵ ـ FLECHER , OP . CIT . P : 194

۱۱٦ ـ FLETCHER , IBID

۱۱۷ ـ ADAMEC . OP . CIT . P : 130

۱۱۸ ـ GREGORIAN , VARTAN . OP . CIT . P : 231 . AND SEE : ADAMEC , OP . CIT . P : 130

۱۱۹ ـ کاکا خیل ، مرجع سابق ، صفحه : ۱۰۵۹

۱۲۰ ـ کاکا خیل ، مرجع سابق ، صفحه : ۱۰۵۹

۱۲۱ ـ ADAMEC , OP . CIT . P : 142

۱۲۲ ـ راجع به معاهدات دیده شود: اوراق لویه جرگه سال ۱۳۰۳ فصل علاقات خارجی و همچنان دیده شود : GREGORIAN , VARTAN , OP . CIT . P : 233

۱۲۳ ـ ADAMEC , OP . CIT . P : 137

۱۲٤ ـ جریده اتحاد مشرقی ، عدد اول تاریخ ۹ حوت ۱۲۹۸ و همچنان دیده شود : کشککی ، مرجع سایق ، صفحه : ۲۰۷

۱۲۵ ـ غبار ، میر غلام محمد ، مرجع سابق ، صفحه : ۷۷۷

۱۲٦ ـ DUPREE . OP . CIT . PP : 444 - 445

۱۲۷ ـ ADAMEC , OP . CIT . : 150

۱۲۸ ـ GREGORIAN , VARTAN . OP . CIT . P : 236

۱۲۹ ـ DUPREE . OP . CIT . P : 445

۱۳۰ _ ADAMEC , OP . CIT . P : 153

۱۳۱ _ DUPREE , OP . CIT . P : 445

۱۳۲ _ کشککی ، برهان الدین ، مرجع سابق ، صفحه : ۲۱۸ _ ۲۱۹

۱۳۳ _ اوراق لویه جرگه ۱۳۰۳ فصل مناقشه علاقات خارجی

۱۳٤ _ DUPREE . OP . CIT . P : 445

۱۳۵ _ جریده امان افغان سال اول عدد : ۳۳ . ۳٤ . ۳۵

۱۳٦ _ DUPREE , OP . CIT . P : 445 AND SEE :
غبار ، مرجع سابق ، صفحه : ۷۸۳

۱۳۷ _ اصل وثیقه را در نهایت این کتاب ملاحظه فرمایید و استاد غبار نص مضمون نامه را آورده دیده شود : غبار ، مرجع سابق ، صفحه : ۷۸۳ _ ۷۸٤

۱۳۸ _ فرمان پادشاهی بتاریخ ۲۲ جوزا سال ۱۳۰۰ ، اصل آنرا در نهایت این کتاب ملاحظه فرمایید •

۱۳۹ _ فرمان پادشاهی بتاریخ دوشنبه ۸ شوال سال ۱۳۰۷ و فرمان پادشاهی بتاریخ یکشنبه ۲ رمضان سال ۱۳۳۷ نشر شده در : اشک غم ، محمد ابراهیم مجددی و همچنان نشر شده در جریده کاروان در ۸ _ ٦ _ ۱۳۵۰

# فصل سوم

افغانستان تا ۱۹۱۹ در شرائط خاص اجتماعی قرار داشت اگر چه بعضی اصلاحات در عصر امیر حبیب الله آغاز یافت لیکن در دائره کوچک بود و حکام حسب خواهشات شخصی خود افغانستان را اداره میکردند و نامی از قانون و شورا و قوهٔ مستقل قضائی در ارکان دولتی ملاحظه نمیشد و قوه اجرائیه در دولت زیر اداره مستقیم امیر بود و کسی دیگر در اداره آن با امیر اشتراک نداشت •

اگر به اجراءآت اداری و قانونی و عمرانی در دولت دقت شود ملاحظه میگرددکه اکثر آن برای وقت مؤقت بود و معالجه مشکلات مؤقتی بود بدین نسبت نقش امیر در تعمیر و تنفیذ قوانین انفرادی بوده در بسیاری اوقات بعد از مرگ امیر تمام پروگرامهای دولتی نسبت خواهشات و نظریات امیر جدید متوقف مانده پروگرام جدید حسب رغبت امیر جدید روی دست گرفته میشد•

همین بی نظمی در اسلوب حکومتداری سبب شد که اجتماع افغانستان از ناحیهٔ سیاسی و نهضت علمی و ثقافتی ارتقای محسوس نکند و همچنان در شئون اقتصادی حکام اصلاحات را بوجود نیآورده افغانستان را بشکل فیودالیزم قرون وسطی اداره می نمودند و حسب خواهشات شخصی مالیات غیر قابل تحمل را از افراد ملت جمع آوری میکردند• در شئون نظامی نیز تحولات قابل ملاحظه دیده نمیشود و همچنان در شئون سیاسی افغانستان در حالت انزوا از جهان زندگی داشت •

اوضاع بدین منوال ادامه یافت تا اینکه اعلیحضرت امان الله خان زمام امور را بدست گرفت و بعد از حصول استقلال سیاسی در فکر اصلاحات شد که میتوان عصر امان الله خانرا عصر نهضت علمی و عصر تمدن جدید در تاریخ معاصر افغانستان نام گذاشت •

فصل سوم مربوط به اصلاحات در مجال قانون و مجلس شورای ملی و تعلیم است که نخست اصلاحات قانونی را مورد مناقشه قرار میدهیم •

## ۱ ـ اصلاحات در ساحۀ قانون گذاری :

افغانستان در طول تاریخ قدیم و معاصر خود چه قبل از انتشار اسلام و چه بعد از انتشار آن بدون قانون نبود و اجتماع افغانستان را قوانین عرفی و رسم و رواج های عنعنوی تنظیم مینمود که در مبداء و اصل خود از قوانین نوشته شده و مدون کمتر نبود • تدوین و تنفیذ قوانین در کشور از اختصاص مجلس ـ لویه جرگه **LOYA JARGA** ـ بود که تا هنوز در افغانستان رواج دارد • قوانین ملی و غیر مکتوب را در افغانستان قدیم استاد فهمی ابو العینین مؤرخ مصری بنام دود ـ یعنی قانون یاد نموده و می نویسد که قبائل افغان تا تدوین قوانین جدید از طرف دولت افغانستان در عهد امان الله از آن پیروی میکردند• (۱)

اولین قانون مدون در تاریخ افغانستان در ۱۹۲۳ در عهد امان الله خان تدوین شد • در ۱۹۲۸ قوانین امان الله خان از طرف مجلس لویه جرگه آنوقت تعدیل گردید و در ۱۹۳۰ بار دوم در مواد آن تعدیل صورت گرفت • در ۱۹۶۰ قانون اساسی کشور در عهد سلطنت اعلیحضرت محمد ظاهر شاه ازطرف کمیته ای متشکل از قانون دانان افغانی تدوین شد که در نتیجه انقلابات پی در پی صلاحیت قانونی خود را از دست داد و متأسفانه افغانستان تا نوشتن این فصل دارای قانون اساسی و مورد اعتماد ملت نیست و دیده شود که تا چه وقت این اوضاع غیر قانونی ادامه میابد•

جای شک نیست که افتخار تدوین قوانین منظم در تاریخ معاصر افغانستان به امان الله خان میرسد و عمل این پادشاه جوان در مجال قوانین تحقیق مستقل را میخواهد و میتوان عمل وی را در مجال قوانین خصوصا در اجتماع عقب مانده و مختلط و نظام قبیلوی مثل افغانستان به عمل ـ جستنیان و حامورابی ـ مقایسه کرد در حالیکه امان الله مانند ایشان نبود•

یکی از استادان در قانون بنام " **JOSEPH SCHWAGER** " می نویسد که قانون ۱۹۲۳ در افغانستان از علامات مهم و و ثیقه قابل ارزش در نظام حکومت امان الله خان میباشد و اضافه

میکند که لویه جرگه ای افغانستان در تثبیت قوانین جدید و تعدیل آن رول اساسی را داشت •

**JOSEPH** اضافه میکند که قوانین جدید یکی از نتائج مهم آن تغیر شکل حکم ملی و مستقل درافغانستان معاصر است • ( ۲ )

قانون جدید که بنام ( نظامنامهٔ اساسی دولت عالیه افغانستان ) یاد میشد اساس آن مبنی به شریعت اسلامی بود و در تدوین آن با امان الله خان اعضاء ـ مجلس شورای دولت ـ و اعضاء محکمه عالی تمیز و تعدادی از حقوق دانان فرانسوی و ترکی همکاری نمودند که در رأس حقوق دانان ترکی ـ بدری بیک ـ ترکی رئیس اداره پولیس استنابول بود • بدری بیک در تدوین قوانین عصر امان الله خان از قوانین ناپلیون استفاده کرد • ( ۳ )

امان الله خان در تدوین قوانین خود کوشش نمود تا بین شریعت اسلامی و رسم و رواج افغانی که بنام پشتونوالی " **PUSHTUNWALI** " یاد میشد توافق را بوجود بیآورد تا مورد تأئید و اعتماد افراد ملت قرار گیرد • ( ٤ )

برای قانونی ساختن قوانین ، امان الله خان لویه جرگه را در شهر جلال آباد دعوت نمود • ( ۵ ) لیکن تاریخ انعقاد مجلس و وقت آن مناسب حال نمایندگان ملت نبود زیرا زمستان شدید بود و تعداد زیادی از وکلاء نسبت بسته بودن راه به مجلس اشتراک کرده نتوانستند• تعداد وکلاء که از مناطق جنوب و شرق کشور حضور داشتند ۸۷۲ عضو بود•

مجلس لویه جرگه ـ نظامنامهٔ اساسی دولت عالیه افغانستان ـ را مورد مناقشه قرار داده بدون تعدیل آنر تصویب کرد • لیکن بعد از تصدیق اعضاء لویه جرگه در سراسر افغانستان مردم شروع به نقد مواد قانون جدید نمودند و بسیاری مواد آنرا خلاف شریعت اسلامی دانستند • موجودیت ـ بدری بیک ـ در مجلس قانون سازی شک مردم را زیادتر ساخت زیرا بدری بیک از مخالفین نظام خلافت اسلامی در ترکیه بود بدین لحاظ از نظر افغانان اشتراک وی در تدوین قوانین معنی خروج قوانین از نظام اسلامی بود• از جانب دیگر عدم اشتراک وکلای تمام نقاط افغانستان در لویه جرگه در شک مردم افزود و باید پادشاه وقت مناسب را برای برگذاری لویه جرگه اختیار میکرد تا تمام نمایندگان ملت حضور میافتند•

تبلیغات علیه قانون جدید را خصوصا موادیکه مخالف شریعت اسلامی تعبیر شده بود انقلابیون

جنوبی در ۱۹۲٤ مورد استفاده اعظمی قرار دادند خصوصا قانون جزاء • در نتیجه شدت انقلاب ۱۹۲٤ پادشاه در تابستان همان سال مجلس لویه جرگه را دعوت نمود تا در مواد قانون که مخالفین آنرا مخالف شریعت اسلامی میدانند بحث نمایند • انقلاب ۱۹۲٤ که در مورد آن بحث مفصل خواهد شد از رغبت پادشاه برای تدوین قانون کاست و امان الله خان دانست که ممکن تدوین قوانین قیمت معنوی و تعلیمی داشته باشد لیکن همکاری سیاسی و اجتماعی را آماده نمیسازد • (٦)

نظامنامهٔ اساسی دولت عالیهٔ افغانستان مشتمل از ۷۳ ماده مستقل بود که ماده اول نظام سلطنت را در خانواده امان الله خان میراثی معرفی میکرد و تاج افغانستان در اولاده ذکور امان الله خان انتقال مینمود و قانون جدید در مقدمهٔ خود استقلال افغانستان را تثبیت و رسما اعلان نمود •

در ماده سوم آمده که دین رسمی افغانستان اسلام است و اتباع ادیان دیگر حریت را در عبادت مطابق دین خود دارند • ماده ششم برای اولین بار در تاریخ افغانستان حکومت و وزراء را با مسئولیت اعلان کرد •

ماده هفتم پادشاه را در مقابل قانون مسئول دانست و در همین ماده ذکر شد که نام پادشاه در خطبه روز جمعه ذکر میشود•

مواد از ۱۱ تا ١٤ مربوط به خارجی ها در افغانستان بود و مطابق مواد آن خارجی ها حق وظائف رسمی را در دولت نداشتند و همچنان در مطبوعات و جرائد مکر بعد از حصول اجازه رسمی از دولت • ماده ١٦ غلامی را منع کرد •

ماده ۲۱ واضح ساخت که تمام قوانین افغانستان مطابق شریعت اسلامی ساخته میشود یعنی شریعت اساس قانون است • و ماده ۳۹ و ٤۹ دخول مبلغین مسیحی و قادیانی و بهائی را در افغانستان منع کرد • و مواد از ۳۹ تا ٤۹ تشکیل مجلس مشاورین پادشاه را بنام ـ مجلس در بار عالی ـ تثبیت کرد • که مجلس از خوانین و زعمای قبیله درانی تشکیل میشد و عموما وراثی بود •

ماده ٦٨ متعلق به معارف بود و طبق آن تعلیم اجباری گردید• ماده ۷۳ مربوط به پست بودمطابق آن اداره پست اجازه نداشت مکتوب ها را باز کند و در ماده مذکور اشاره شده بود که مکتوب

از اسرار شخصی ، شخص میباشد •

در اساسنامه مواد دیگری متعلق به آزادی مطبوعات و آزادی بیان بود و مطابق آن هر فرد افغان حق سخنرانی را بدون اجازه قبلی حکومت داشت • و موادی هم بود که تمام افراد افغان حق تولی وظائف دولت را بدون استثناء دارند و امنیت دارائی شخصی و مساوی در مالیه در قانون درج شده بود • (٧)

در ١٩٢٤ مجلس شورای ملی در دورهٔ استثنائی خود در پغمان در مواد ـ اساسنامه دولت عالیه افغانستان ـ بحث نمود و برای اینکه شک مردم را نسبت به قانون که مخالف شریعت هستند از بین بردارد پادشاه در بیانیه ای خود مجلس را خطاب نموده گفت :

( بنام خداوند خویش آغاز میکنم : ـ خدای را شکر گذارم که در این عرصه یکینم روز معاملات خارجیه ما بکمال خوبی حسب خاطر خواه عمومی شرف اختتام را پذیرفت ـ اکنون نوبت بمذاکرات در امورات داخله مملکتی رسیده درین ضمن ابتداء یاداشت عرض میدارم که شمایان در کدام یک مسائل خواهش مذاکره و مباحثه را دارید ؟ از حکومت چه خواهش و مطالبه مینمائید ؟ سیاست داخلیه ما تماما بر طبق اوامر خداوندی و حضرت رسالت پناهی و شریعت غرای احمدی است و همه اجراآت و عملیات و کار روائی این مملکت اسلامی افغانی ما بر همین اصول مقدسه اسلامیه مرعی و معمول بوده و میباشد ! و ابدا خواهش نداریم که درین سرزمین شرافت قرین بجزء ازین اساس متین دیگر اساس و قانون را حکمفرما نمائیم ! نظر بهمین عقیده و مفکوره خویش تمام نظامات و قوانین و کار های عصر ابتدائیه مملکت عزیزم را در ینمدت پنج سال بر همین اساس بناء گذارده ام • ) (٨)

با شرح کامل که پادشاه در اساسات قانون داد و واضح ساخت که همه مواد آن مطابق شریعت اسلامی است با آن هم وکلای ملت تعدیلات زیادی را در مواد قانون وارد نمودند که در فصل جداگانه بنام ـ تعدیل و تشریح سه ماده نظامنامه اساسی ـ درج است • بطور مثال :

تعدیل ماده (٢) :ـ دین افغانستان دین مقدس اسلامی و مذهب رسمی و عمومی آن مذهب حنفی است • دیگر ادیان اهل هنود ، و یهودیکه در افغانستان هستند به تأدیه جزیه و علامات

ممیزه تابع بوده بشرطیکه آسائش و آداب عمومیه را اخلال نکنند نیز به تحت تامین گرفته میشوند •

تعدیل ماده ( ۹ ) :ـ کافه تبعه افغانستان در امور دینی و مذهبی و نظامات سیاستی دولت علیه خود پابند و مقید بوده آزادی حقوق شخصی خود را مالک هستند•

تعدیل ماده ( ۲٤ ) :ـ شکنجه و دیگر انواع زجر تماما موقوف است • و خارج احکام شریف و نظامات دولت که موافق احکام شرعی تنظیم یافته برای هیچکس مجازات داده نمیشود• ( ۹ )

ملاحظه میشود که در ماده دوم وکلاء در پهلوی دین اسلامی مذهب حنفی را زیاد نمودند و برای غیر مسلمانان علامات ممیزه را در قانون اضافه نمودند که علامه ممیزه تعریف شد که عبارت از لباس رنگ زرد بود •

پادشاه در نتیجه ای انقلاب جنوبی و شکست قوای نظامی دولت در مقابل انقلابیون مجبور بود تعدیلاتی را که ذکر شد قبول کند لهذا در مجلس بعد از تعدیلات فوق گفت :

( بسیار خوب شد ! ازین تعدیل و توضیح رفع غلط فهمی و دفع رخنه اندازی اعداء شد• ( ۱۰ )

اساسنامه را سه توصیه نامه تکمیل نمود که عبارت بود از :

۱ ـ در آتیه نیز بانستی در انتخاب و تقرر مامورین دولتی دقت و تعمق مزیدی بکار برده شود و هر کار باهل همان کار تفویض و تسلیم شود •

۲ ـ ما تعلیمات طلبه موجوده را که بالسنهٔ اجنبی ـ زبانهای خارجی ـ جهت اخذ فنون عالی و تعلیم مروجه مشغولیت دارند محض بغرض حصول ترقیات حاضره و تعالیات موجوده دنیای امروزه که افغانستان را ما بدان بسیار محتاج و شائق مینگریم بنظر استحسان نگریسته جائز میشماریم مشروط برینکه در عقیده های متبرکه و اصولات مقدسه دینیه این نوباوگان وطنیه ما خلل و نقصان وارد نگشته بیشتر از رفع احتیاجات خویش دران تعلیمات مشاغلت نورزند• و هم در اصول اسلامیه و عقائد و روایات مذهبیه خود قبلا کسب اطلاعات نموده باشند•

۳ ـ طوریکه از عهد سلاطین ماضیه تا بدین پنجسالیکه در عصر اسلامیت و مدنیت عصر امانیه خرید و فروش و استعمال شراب که أم الخبائث است درین مملکت افغانستان دیانت نشان

مملکت ما جدا خرید و فروش و استعمال کرده نشود ۰ (۱۰)
امان الله خان در پایان جلسه در سه پشنهاد اعضاء مجلس موافقه خود را اعلان کرد و وعده داد که حکومت توصیه های مجلس را جزء قانون میداند٠

## ۲ ـ نظامنامهٔ جزاء عمومی :

قانون جزاء عمومی چنانچه از نام آن پیدا است جزاء را برای کسیکه مخالفت قانون اسلام و نظام دولت را نماید تعیین می کرد • در خارج از مجلس شورای ملی و داخل آن افراد ملت از مواد قانون نامه جزاء انتقاد شدید نمودند و وکلاء بسیاری از مواد آنرا مخالف شریعت اسلامی و مذهب حنفی دانسته تعدیل مواد قانون جزاء را مطالبه کردند•
در مقدمه قانون آمده که دعوت به مذاهب غیر اسلامی مانند مسیحیت و قادیانیت ممنوع بوده عامل آن محکوم به مرگ میشود• و به اساس قانون جزاء تعدادی از دعوت کنندگان به مذهب قادیانی محکوم به مرگ شدند•
نظامنامه جزاء عمومی شامل ۳۰۸ ماده بود که جرائم را به سه دسته تقسیم مینمود•

۱ ـ جرائم بزرگ مانند قتل و جزاء دادن بدون سبب جزای آن قصاص •

۲ ـ جرائم خطرناک مانند زناء و نوشیدن شراب و قمار و سرقت جزای آن حد •

۳ ـ جرائم درجه سوم جزای آن تأدیب و تعذیر • (۱۱)

نقطه ضعف قانون در آن بود که بندی حق داشت بعد از اصدار حکم از حکومت عفو بخواهد در این حالت بندی باید دلیل برای بی گناهی خود ارائه میکرد • اصدار عفو دروازه ای رشوت را باز کرد و قرار قانون ـ طلب عفو ـ والی حق اصدار عفو زندانی را که محکوم بیک سال حبس بود داشت و مدت زیادتر از یک سال از صلاحیت وزیر عدلیه بود•
ماده هفتم قانون جزاء جرم را قبل از ارتکاب آن تعیین نموده بود که تعیین جزاء قبل از ارتکاب جرم از طرف وکلاء مورد انتقاد قرار گرفت • امان الله خان کوشش نمود تا وکلاء را قناعت بدهد و برای قناعت شان دلائل ذیل را ارائه نمود :

۱ ـ اگر مجرم جزاء جریمه را قبل از عمل آن بداند مرتکب آن نمیشود •

۲ ـ در سابق مجرمین قضات را در حالت اصدار حکم تهدید میکردند و اگر جزاء قبلا تعیین شده باشد جائی برای تهدید باقی نمی ماند•

۳ - در حالت تعیین جزاء قبل از وقوع جریمه دروازه رشوت مسدود میشود.
با تمام کوشش های پادشاه برای قناعت وکلاء در تعیین جزاء قبل از وقوع جریمه وکلاء عدم موافقه خود را اعلان داشتند. (۱۲)
ماده نهم مدت حبس و زولانه را تعیین می نمود. ماده دهم تطبیق حکم اعدام را برای شخصیکه چندین بار دزدی نماید تعیین مینمود تا عبرت برای دیگران باشد. وکلاء به ماده نهم و دهم موافقه نمودند . (۱۳)
ماده ۲۷ عدم تنفیذ و اصدار حکم قضائی را نسبت به مجرمی که عمرش از پانزده سال کمتر بود تأئید نمود . و درین حالت مجرم به اولیاء امورش تسلیم داده میشد. و بعد از سن ۱۷ حکم در باره شخص قابل تنفیذ بود. در ماده ۲۷ آمده بود که زن حامله تا زمان ولادت محاکمه نمیشود .
ماده ۸٦ و ۸۷ عقوبت نوشیدن شراب را ۸۰ دره تثبیت کرد . ماده ۹۱ رقص زنان و مردان را درخانه ها ممنوع ساخت . مطابق این قانون پدرانیکه پسران و دختران را خود برای رقص بخانه ها میبردند نیز قابل جزاء شناخته میشدند . ماده ۹٦ جزاء زناء کار غیر عروسی شده را به ۱۰۰ دره و جزاء زن و مرد متأهل را سنگ باران تا مرگ تعیین نمود. (۱٤)
جرائم مربوط به دولت نیز در قانون جزاء عمومی آمده بود که ماده ٤٥ سخنرانی و مقالات نشر شده که اسباب بی امنیتی و نا آرمی را برای دولت بوجود آورد منع قرار داد. و ماده ۳۳ جزاء شخصی را که ضرر و سوء نیت نسبت بدولت داشته باشد در قانون تعیین می کرد . (۱۵)
قانون نامه جزاء عمومی فصل مهم و جدید مربوط به قانون مدنی افراد داشت . ماده ۲۲٦ تا ۲۲۸ مربوط به مامورین دولتی بود که طبق مواد آن مامور در حالت حصول اعتراف از زندانی اگر از زدن و شکنجه کار گیرد از وظیفه دولتی سبکدوش میشود.
ماده ۲۲۹ کار اجباری را غیر قانونی ساخت (۱٦) . مواد ۲۷٤ ، ۲۷۷ ، ۲۷۹ متعلق به حیوانات بود که طبق آن آویختن مرغان و پرندگان از پا ممنوع شد . و حمل بر حیوانات زیادتر از طاقت شان ممنوع گردید. (۱۷)
عیب در قانون جزاء عمومی در آن بود که ماده ۲۵ آن برای دولت حق میداد تا در شئون قضائی

مداخله نماید بدین ترتیب قوه قضائیه تحت نظر مستقیم قوه اجرائیه بود.

تدوین قوانین جدید ضامن سعادت و تخفیف مشکلات مجرمین نشد زیرا مامورین دولتی معامله[۹] غیر انسانی را نسبت به زندانیان ادامه دادند و حالت زندان در پرتو قانون جدید بهتر نگردید و اوضاع مثل سابق ادامه یافت.

## ۳ ـ قانون ـ نظامنامهٔ نکاح و عروسی و ختنه سوری :

این قانون یکی از مهمترین قوانین اعلیحضرت امان الله خان در شئون اجتماعی به حساب میآید. در تدوین این قانون اعضای محکمهٔ تمیز با پادشاه اشتراک نمودند لیکن پادشاه از خود در قانون اضافات نمود.

در قانون جدید ازدواج دوم و سوم منع شده بود . قانون در مورد مامورین دولتی قابل تطبیق بود حتی از مامورینیکه دو زن داشتند دولت خواهش بعمل آورد تا زن دومی را طلاق بدهند. (۱۸) و همچنان قانون جدید مالیات زیادی نسبت به نکاح نامهٔ دوم تعیین نمود. و قانون عمر ازدواج را برای مردان سن ۲۰ و برای زنان سن ۱۷ تعیین نمود . (۱۹)

برای موافقه وکلاء پادشاه مثالهای زیادی از مشکلاتی که از ناحیه ازدواج دوم در خانواده بوجود میآید آورد لیکن در جلسه ۲۰ می ۱۹۲٤ وکلاء قانون را مخالف شریعت اسلامی دانستند و در جریان مناقشه در مواد قانون و حمایت پادشاه از قانون وکلاء اعلان نمودند که مجلس را ترک میدهند.

در این اثناء حضرتصاحب شمس المشایخ وکلاء و پادشاه را خطاب نموده گفت که منع ازدواج زیادتر از یک بار خلاف قانون اسلام میباشد و همچنان تعیین مالیهٔ اضافی و بزرگ در صورت ازدواج بار دوم مشکل را حل نمیکند. وکلاء بعد از مناقشه وشنیدن نظریات حضرتصاحب پشنهاد ذیل را تقدیم نمودند:

( اعلیحضرتا ! با اینکه سابق برین نیز تعداد ازدواج ممنوع نبود و اشخاص صاحب غرض میتوانستند که بشرط مصدق چهار زن را در حباله نکاح خود می آوردند و محصولی را بحکومت می پرداختند . چون به تصدیق مصدق و محصول هم عدالت حقیقی بوجود نمی آید ما علمای لویه جرگه چنان مناسب می انگاریم که محصول و مصدق دور شود و بر مردیکه بعدالت و مساوات در بین ازواج خود رفتار نکند مجازات لازمه مقرر شود . و هم بر شخصیکه ازواج

عارضات خود را باستغاثه نمیگذارد و این مسئله بحکومت بنوع از الانواع ظاهر شود تعزیر شدیدی مقرر دارند. همانا که مطلب اصلی همایونی که تالی احکام ربانی و شرع محمدی است باصول خوب و طریق مرغوب بعمل می آید. )

پادشاه در جواب گفت : ( خوب است ! من این نظریهٔ شما را هم پذیرفتم و نکاح ثانی و ثالث و رابع را الآن کما کان مانع نمیشوم .... ) (۲۰)

در نهایت مناقشه پادشاه و مجلس موافقه نمودند که :

۱ _ از حق زن است که در حالت عدم عدالت به محکمه شکایت کند.

۲ _ تنفیذ جزاء شدید برای کسیکه زن خود را از اقامت دعوی به محکمه منع کند.

در قانون روی ازدواج صغیر در سن مناقشه صورت گرفت و وکلاء تعیین سن را از قانون بدلیلیکه بی بی عائشه رضی الله عنها در خورد سالی ازدواج نموده رد نمودند . (۲۱) و برای رضاء پادشاه اضافه نمودند که قانون پدر و مادر را نصیحت میکند تا جهت رعایت دختران شان در روشنی اسلام عمل نمایند . (۲۲)

در قانون مهر تعیین شده بود و پادشاه توضیح داد که مهر زیاد سبب شده که تعدادی از جوانان قادر به ازدواج نشوند لیکن وکلاء مجلس قانون مهر را رد نموده اضافه کردند که مهر باساس اتفاق بین طرفین تعیین شود .

پادشاه در نتیجهٔ انقلاب ۱۹۲٤ مجبور بود تمام تعدیلات را در قوانین اجتماعی خود قبول کند تا توانسته باشد تأئید وکلای لویه جرگه و علمای اسلامی را در مبارزه خود با انقلابیون جنوب که بنام دفاع از اسلام قیام نموده بودند بدست آورد و چنانچه در فصل انقلابات بتفصیل خواهیم دید که حضرتصاحب شمس المشایخ قیادت مبارزه علیه ملاء لنگ را بعهده گرفت .

## ٤ ـ قانون ـ نظامنامهٔ تعزیه داری ـ :

نظامنامه تعزیه داری امور جنازه و فاتحه گیری را تنظیم می نمود. قانون مصارف زیاد را در فاتحه گیری منع می نمود . و برای دولت حق میداد تا پول صدقه اسقاط را جمع آوری کرده جهت بناء فابریکه برای فقراء و دارالایتام بمصرف رساند. (٢٣)
تدوین این قانون یک ضرورت اجتماعی در افغانستان بود با آن هم بعضی از مواد آن از طرف مجلس تعدیل شده در عوض مواد جدید پشنهاد نشد .

## ۵ ـ قانون نظامنامهٔ تذکرهٔ نفوس و پاسپورت سفر :

این قانون مربوط به خدمت نظامی بود ودولت افغانستان میخواست تعدادی اتباع خود را بداند زیرا قبلا تذکره در افغانستان موجود نبود • در قانون آمده بود که تمام افراد افغانستان باید تذکره نفوس را دریافت نمایند و برای تطبیق قانون مذکور دولت بعضی قیودات را وضع نمود که در اینجا بدان اشاره میشود :

( تذکره نفوس دولت عالیه مستقله افغانستان ، قیمت یک قران )

اگر شخصی تذکره نفوس نداشت اعتماد دولت در مورد ذیل بر او نخواهد بود و عرض او شنیده نمی شود : ـ

(۱) در فروش و گرو کردن اشیای منقول یا غیر منقول خودش و یا وکالتا از جانب شخصی •

(۲) در شیندن دعاوی حقوق و مضاربت در محکمه جات عالیه شرعیه یا دایره های حکومتی دولت علیه مستقله افغانیه •

(۳) در عقد نکاح یا طلاق یا شهود یا وکیل دعوی از جانب شخصی •

(٤) در داخل شدن ملازمت دولت •

(۵) در گرفتن پساپورت ( یعنی راهداری برای سفر خارجه ) •

(٦) در گرفتن تقاوی و غیره •

(۷) در داخل شدن بچها به مکاتب •

(۸) هر گاه شخصی از دولت خارج ملازمت و یا رعیتی تبعه دولت علیه مستقل افغانیه را اختیار کند بر او لازم است که تذکره افغانیه را بگیرد • ( ٢٤ )

قانون خدمت عسکری ، خدمت عسکری را بالای تمام تبعهٔ افغانستان برای دو سال اجباری ساخت که از سن ۲۲ تا ۲۷ از طرف دولت جلب میشد• قانون جدید نظام قدیم را که بنام بدیل

یا عوض یاد میشد تعدیل نمود • در قانون عوض از حق شخص بود تا شخص دیگر را درمقابل پرداخت پول در عوض خود به خدمت عسکری بفرستد• لیکن وکلاء بشدت از قانون قدیم دفاع نموده قانون جدید را رد نمودند و برای حل مشکل بین پادشاه و وکلاء پیشنهاد شد که مبلغ در بدل عوض دو چند اضافه شود که پادشاه به پیشنهادات وکلاء تسلیم شد• (۲۵)

اگر ما خواسته باشیم تمام قوانین عصر اعلیحضرت امان الله خان را از ناحیهٔ تاریخی مورد مناقشه قرار بدهیم از توان این بحث خارج است و باید استادان و متخصصین قانون در مورد کار نمایند زیرا در مواد قانون سال ۱۹۲٤ مواد مهم و ارزنده نهفته است که قابل بحث و تحقیق میباشد • و از جانب دیگر امانت تاریخی اجازه نمیدهد تا در مورد آن اشاره نشود که در این جا بهر کدام از قوانین اشاره می نمائیم و تفصیل را به بحث جداگانه میگذاریم •

قانون حضور و غیاب مامورین دولتی • قانون استعفاء مامورین ملکی • قانون مؤظفین در شئون زراعت • قانون خزانه دولت • قانون بلدیه • قانون مرافعه محاکم مامورین • قانون فروش ممتلکات دولتی • قانون اداره شئون مامورین • قانون مهاجرین • قانون رخصتی مامورین • قانون زندان مؤقت • قانون ارشیف • قانون تقسیمات اداری • قانون گمرکات • قانون وزارت حربیه • قانون بودجه عمومی • قانون لائحه ارتباط بین دوائر حکومت • قانون اداره بلدیه شهر دارالامان • قانون رعایت و تربیه ایتام • قانون معارف • قانون دارالمعلمین و دارالمعلمات قانون عمارات دولتی • قانون مدال و نشان های دولتی • قانون تعمیرات شهر پغمان • قانون رتبه عسکری • قانون ضابط های احتیاط • قانون پست •

در نتیجهٔ مطالعه قوانین عصر اعلیحضرت امان الله خان که بدان در این فصل اشاره شد ملاحظه میشود که قوانین اساسی دولت جمیع شئون زندگی اجتماعی و سیاسی اتباع افغانستان را تنظیم می نمود در حالیکه در نظام اجتماعی تأکیدات زیادی در قانون جهت اصلاح آن آمده بود• نقطه مهم در اصدار قوانین در آن است که افغانستان بار اول در نظام دولتی خود دارای قوانین مکتوب گردید•

نظامنامهٔ اساسی دولت عالیه اسلامی افغانستان امور متعلق به دولت و افراد را تنظیم مینمود و برای اولین بار حقوق سیاسی افراد که شامل آزادی بیان بود تضمین شد و حقوق دینی را برای اتباع غیر مسلمان افغانستان تثبیت کرد.
قانون در پهلوی ایجابات آن سلبیات را نیز داشت . قانون پادشاه را غیر مسئول در دولت معرفی نمود و پادشاه بالاتر از قوانین شناخته شد . مجلس وزراء در قانون جدید مسئولیت در مقابل پادشاه داشته در مقابل مجلس شورای ملی که نمایندگان ملت بودند مسئول نبود.
قوانین نقاط ضعف را نیز داشت که اسباب رشوت ستانی را آماده میساخت بطور مثال عفو مجرم اگر در صورتیکه یکسال محکوم به زندان شده بود از حق قانونی والی ها بود که والی ها در اصدار عفو از گرفتن رشوت دریغ نمیکردند.
قانون جدید استقلال قوهٔ قضائیه را در دولت تضمین نکرد در حالیکه قضات افغانستان قبل از اصدار قانون استقلال کامل داشتند . ماده ٢٥ قانون اساسی قوه قضائیه را تحت کنترول حکومت ساخت و برای حکومت حق داد تا در شئون قضاء مستقیما مداخله نماید .
اعلیحضرت امان الله خان جهت دفاع از قانون قضاء گفت که برای جلوگیری از انتشار رشوت تصمیم گرفته تا قوهٔ قضائیه زیر کنترول حکومت باشد در حالیکه در بسیاری اوقات خود حکومت در اخذ رشوت متهم بود و از جانب دیگر کنترول رشوت معنی عدم احترام استقلال قضاء را نمیدهد.
در قانون قضائی عدم محاکمه خانم حامله دار تا ولادت طفل و عدم تنفیذ حکم قضائی بالای طفلی کمتر از سن ١٥ را میتوان از ممیزات قانون قضائی در عصر اعلیحضرت امان الله خان دانست .
قوانین اجتماعی عصر امان الله خان بهترین قوانین برای اصلاح نظام اجتماعی افغانستان در بدایت قرن بیستم بود و باید رسم و رواجهای که اسباب عقب ماندگی را میساخت اصلاح میشد.
در جمله قوانین اجتماعی عدم موافقه دولت برای ازدواج زیادتر از یک زن بود. درست است که قانون اسلام برای مرد اجازه چهار زن را داده لیکن برای ولی امر در دولت اسلامی نیز حق داده تا در اصلاح مجتمع بکوشد . در افغانستان بی عدالتی بین زنان در خانواده های افغانی رایج

بود و حتی بعضی از علمای افغانستان در عدالت بین زنان خود ناکام بودند و باید برای دفاع از حقوق زنان در اجتماع کار میشد • اگر چه قانون منع ازدواج زیادتر از یک زنرا علمای افغانستان خروج امان الله خان از دائره اسلام تعبیر نمودند لیکن خود شان برای اصلاح آن قانون جدید تقدیم نکردند•

قانون منع گرفتن زیادتر از یک زن را پادشاه بشکل صحیح آن تطبیق نکرد و از شدت در تنفیذ آن کار گرفته مامورین دولتی را مجبور به طلاق زنان شان نمود که نباید در تنفیذ قانون از سرعت کار میگرفت و باید پادشاه میدانست که افغان سرعت را قبول ندارد و اسلوب پادشاه در تنفیذ قانون ازدواج اسباب انقلابات را در افغانستان آماده ساخت •

منع نکاح دختر خورد سال نیز از موضوعاتی بود که باید اصلاح میشد زیرا در افغانستان عادت بود که ختران را بسن بسیار خورد نکاح می نمودند • علمای افغانستان نکاح بی بی عائشه رضی الله عنها را دلیل بر شرعی بودن نکاح خورد سال میدانستند در حالیکه در اصلاح عادات زشت که به سبب نکاح خورد سال صورت میگرفت داخل اقدام نمیشدند•

قانون فاتحه گیری نیز از ضروریات مهم در اجتماع افغانستان بود که باید اصلاح میشد بدین لحاظ اصلاح آن از طریق قانون یکی از مهمترین اصلاحات در عصر امان الله خان بود •

قانون عسکری و پشک نتائج مهم را بارآورد و افغانستان دارای قوای نظامی از تمام طبقات افغانستان و بشکل عادلانه شد •

بطور عموم اعلیحضرت امان الله خان با اخلاص کامل کوشش نمود تا اجتماع افغانستان را از طریق قوانین اصلاح نماید و دولت جدید را مبنی بر قانون پایه گذاری نماید لیکن افراد ملت و مایندگان شان در مجلس لویه جرگه به موضوع قوانین در دولت چندان اهتمام از خود نشان نادادند و تصور نمودند که قانون جدید بسیاری از امتیازات شانرا در معرض خطر قرار میدهد• افراد ملت از قوانین حمایت نکردند زیرا اکثریت افراد ملت اصلا قانون را نمیدانستندو تجربه قانونی در زندگی نداشتند و از جانب دیگر مواد قانون و خواهشات ملت با هم مطابقت نداشت و دولت خود را زحمت نداد تا مواد قانون را برای ملت تفسیر و معرفی نماید بر عکس نمایندگان دولت در ولایات قانون را بشکل منفی آن معرفی نمودند و اصدار قوانین از ظلم حکام کم نساخت و

افراد فقیر در دولت در اوضاع اقتصادی و اجتماعی خود تحسن را ملاحظه نکردند•

در نهایت سال ۱۹۲۷ پادشاه اراده کرد تا قوانین را بزور بالای ملت تطبیق نماید و برای قوای امنیتی امر کرد تا زنان با حجاب را در بازارهای شهر اجازه گشت و گذار ندهند و مردان را بدون پوشیدن لباس اروپائی بداخل کابل اجازه داخل شدن ندهند • باید پادشاه میدانست که قوانین و تطبیق آن احتیاج به صبر و وقت دارد و قوای نظامی و امنیتی نمی توانند مردم را مجبور به تطبیق قانون سازند •

در حقیقت قوانین عصر اعلیحضرت امان الله خان در آینده افغانستان اساس قوانین شد و حکومات آینده از آن استفاده خوبی نمودند و در تنفیذ موادیکه امان الله خان ناکام ماند ایشان کامیاب شدند•

## تأسیس مجلس شوری ملی :

از قدیم زمان افغانستان و ملت آن به شوری آشناء بودند و قبائل افغانی در موضوعات مهم حیاتی مجلس مشورتی را بنام ـ لویه جرگه ـ دائر مینمودند که اعلان جنگ و اقامت صلح و تعیین و انتخاب زعیم از مهمترین اختصاصات مجلس لویه جرگه بود ۰ در تاریخ معاصر افغانستان لویه جرگه اعلیحضرت احمد شاه بابا را بحیث پادشاه افغانستان و امپراطور هند انتخاب نمود و احمد شاه بابا به فیصله های مجلس احترام میکرد۰

بعد از دورهٔ حکومت اعلیحضرت احمد شاه اخلافش به نظام شوری احترام نکردند اگر چه امیر عبدالرحمن خان مجلس شورای دائمی در کابل تأسیس نمود و اعضای آنرا از بزرگان قبائل اختیار کرد لیکن امیر به فیصله های مجلس اهتمام نداشت و مقصد اصلی امیر در تعیین اعضاء در آن بود تا توانسته باشد زعمای قبائل را در کابل زیر نام مجلس شوری در کنترول خود داشته باشد۰ (۲٦)

امیر حبیب الله خان نسبت به گذشتگان خود در گرفتن مشوره از افراد ملت بهتر بود و امیر قدمی بزرگ در راه تأسیس مجلس شوری در تاریخ افغانستان برداشت و اولین مجلس را بنام ـ مجلس شوری دولت ـ در کابل تأسیس کرد که عضویت مجلس شوری دولت دائمی بود و اعضای آن متشکل از رجال بزرگ در دولت و زعمای قبائل بود۰ (۲۷)

اعلیحضرت امان الله خان عصر خود را عصر قانون و شوری نام نهاد و شعار حکومت خود را ـ و أمرهم شوری بینهم ـ معرفی نمود و از حکام سابقه در افغانستان و حتی از امویان و عباسیان در عدم تقید به شوری انتقاد نمود و در سال ۱۳۰۳ ملت را اینطور خطاب نمود: ـ

( کافه رعایای صداقت شعارم : بدیهی است که حیات و زندگانی معنوی و فراهم نمودن وسائل و سعادت و ترقی و استراحت یک قوم ، یک ملت ، اولین وظیفه و تکلیف واجبی دولت است باید دولت متحمل این بارگران گردیده وظیفه خود را انجام دهد و از دیگر طرف حتمی است که ملت با حکومت معاضدت و مساعدت نموده در پیشرفت مقاصد و ترقیات دولت خود قولاً و

فعلا مسامحه و کوتائی نکنند تا متفقا به آرزو و مرام خویش نائل و کامیاب شوند ·
لذا باتباع و اقتضای امرموکده ـ شاورهم فی الامر و اذا اعزمت فتوکل علی الله ـ همیشه چنین آرزو دارم که در تمام جریانات مهمه امور مملکت و سعادت و آسایش ملت آرای قومی نیز تا حد ممکن شامل و در تحمیل این بارگران علی قدر امکان فکرا و قولا معاضد و مساعد باشند ، چنانچه در مرکز سلطنت مجلس عالی ـ شوری ـ دولت را از اعضای ـ منتخبه ـ و اعضای طبعیه که اشخاص با تجربه و خیر خواه دولت و ملت هستند تشکیل داده موجود بودن وکلای شما را در علاقه داریها و حکومتیها و مرکز نائب الحکومه گی و حکومتیهای اعلی حتی بشوری دولت حتمی شمرده حضار کرده ام تا بآنهاکه فی الواقع زبان شما و وکیل تمام معاملات تان هستند در همه امورات سترگ مشاوره و استصواب و تعاطی افکار کرده شود · ) (۲۸)

در بیانیهٔ پادشاه نقاط مهم را ملاحظه می نمائیم و دیده میشود که پادشاه نه تنهاء در صدد تشکیل مجلس شوری ملی در پایتخت بود بلکه تشکیل مجالس شوری های محلی را در تمام حکومتیهای اعلی و نائب الحکومه گی ها اراده داشت اگر چه برای عملی نمودن پروگرام پیش شده امان الله خان در آنوقت در افغانستان مشکلات زیادی بود موجود لیکن باید نیت پادشاه را در تشکیل مجالس شوری های محلی در سرتاسر افغانستان یک قدم مهم و مثبت در تغییر نظام حکومت در افغانستان دانست ·

پادشاه برای عملی ساختن نظام پارلمانی در افغانستان در سال ۱۹۲۰ توسط فرمانی تشکیل اولین مجلس شوری را در کابل بنام ـ ریاست عمومیه شوری دولت ـ تأسیس کرد که اعضای آن متشکل از زعمای دینی و اعضای محکمهٔ عالی تمیز بود · وظیفهٔ این مجلس تدوین قوانین برای دولت بود لیکن از حق شخص پادشاه و مجلس وزراء بود که قوانین جدید را قبول یا رد نمایند· و همچنان پادشاه امر بتشکیل مجلس شوری در ولایات نمود که وظیفه اعضای آن مراقبت کارهای حکام در ولایت بود·

در مرور زمان مفهوم شوری تغییر نمود و مجلس دوم بنام ـ مجلس عالی شوری ـ در کابل تشکیل شد که اعضای آن انتسابی و انتخابی بود که صلاحیت قانونی در داخل مجلس از حق اعضای انتسابی آن بود و مدت عضویت در مجلس مدی الحیات بود·

در سالهای ١٩٢٢ ، ١٩٢٣ پادشاه نمایندگان ملت را در شهر جلال آباد برای مشوره در مواد قانون و تشکیل مجلس شوری ملی منتخب دعوت نمود که بعد از مناقشه نمایندگان به پیشنهاد پادشاه جهت تشکیل مجلس شوری ملی موافقه نمودند و سال ١٩٢٣ تاریخ انتخابات عمومی تعیین شد • و همچنان فیصله بعمل آمد که پادشاه در اوقات ضرورت وحالات اضطراری میتواند مجلس را برای انعقاد دعوت کند و هم برای پادشاه حق دادند تا در نظام داخلی مجلس تغییرات را مطابق ضرورت وقت بیآورد •

پادشاه عضویت اعضای حکومت و صاحبمنصبان نظامی را در مجلس حتمی دانست و اضافه کرد که مجلس فقط نزد وی مسئول میباشد • ( ٢٩ )

مجالس شوری در سابق در قصر سلطنتی جلسه نموده از قانون خاص برای جلسات خود پیروی نمیکرد و اوقات انعقاد آن معین نبوده طبق اراده امیر مجلس انعقاد میافت • برای تنظیم مجلس شوری پادشاه بعضی قوانین را بوجود آورد که در مقدمه آن قانون ـ لائحه نظمیئه لویه جرگه ـ بود که در تدوین آن وزراء و اعضای مجلس عالی قضاء پادشاه را همکاری نمودند•

ـ لائحه تنظیمی مجلس شوری ـ شامل مقدمه و نظام اساسی کار مجلس بود که نقاط مهم آن از اینقرار میباشد :

اول : حق حضور :

١ ـ در مجلس ـ لویه جرگه ـ اشخاصیکه برای مجلس دعوت شده اند داخل میشوند •

٢ ـ از مأمورین داخلیه الی سرکاتب ها و از صنف عسکری الی کندکمشران شامل مجلس شده میتوانند •

٣ ـ اخبار نویسان که تکت اجازت داشته باشند تنهاء برای سمع شامل شده میتوانند و حق تکلم ندارند •

٤ ـ در مجلس اخذ موقع مطابق ترتیب نقشه میشود •

دوم : نظام مباحثه :

٥ ـ در ابتداء هر مجلس رئیس به الفاظ ( بنام خدا آغاز میکنم ) افتتاح کلام مینماید و بعد از آن باجازه رئیس منشی مجلس لایحه مبحوث عنها را قرائت میکند•

۶ ـ در انتهای هر مجلس مواد مذاکره مجلس فردا از طرف رئیس برای اعضای مجلس بذریعه ورق علیحده توضیح میشود •

۷ ـ بعد از آنکه مسئله قرائت شد دو دقیقه سکوت محض بوده بعد هر کس توضیحات میطلبند یا از طرف رئیس و یا بنابر امر رئیس از طرف همان وزیرکه لائحه اش زیر بحث است توضیحات داده میشود • بعد هر کس اعتراضی داشته باشد و یا رأی بهتریرا گفتن بخواهد بعد از اجازهٔ رئیس ایستاده مدلل بیان میکند و الا سکوت میماند•

سوم : نظام رأی گرفتن :

۸ ـ در ابتدای مجلس دو دو دانه های مهره سفید و سیاه برای هر فرد اعضای مجلس تقسیم میشود • حینیکه مسئله قرائت شد کسانیکه طرفدار عین همین مسئله که قرائت شد باشند دانه سفید ، و اگر بخلافش و یا در نفی آن باشند دانه سیاه را در صندوقهائیکه همدست نفری در مجلس گردش دارند انداخته و مسئله از روی کثرت آراء فیصله میشود•

۹ ـ مسائلیکه تصویب میشود بنابر کثرت آراء قید و ضبط میشود • و در مجلس بقدر لزوم کاتب و اسباب تحریریه موجود میباشد •

چهارم : قواعد و ضوابط :

۱۰ ـ هیچکس غیر از کسانیکه در فصل اول نشان داده شده شامل مجلس شده نمیتواند • در روزهائیکه ذات اشرف اعلیحضرت شامل مجلس میشوند• صدارت مجلس مفوض بذات همایون است •

پنجم : آداب :

۱۱ ـ در مجلس بدون آب چیزی خورده نمیشود•

١٢ ـ تا کسی بیانات خود را تمام نکرده است از طرف دیگران تصویب و تردید نمیشود ·

١٣ ـ هر کس رئیس را مخاطب ساخته کلام میکند اگر چه جواب دیگریرا بگوید ·

١٤ ـ غیر از مذاکراتیکه در مجلس میشود ، دیگر الفاظ رکیک و خارج بحث استعمال نمیشود· طعن و خنده نا مناسب قطعا ممنوع است ، مرتکب چنین افعال از طرف رئیس اخطار و اسکات میشود ·

١٥ ـ در اثنائیکه مذاکرات شروع میشود اظهارات مسائل شخصی قطعا موقوف است · (٣٠)

قوانین داخلی مجلس از طرف دفتر پادشاه به طبع رسید و بار دوم از طرف ـ ریاست شوری عالی دولت ـ بتاریخ ٢٠ جون ١٩٢٤ طبع گردید و برای وکیل مطالعه آن قبل از حضور در مجلس حتمی و ضروری بود ·

در ماه جون سال ١٩٢٤ پادشاه از مجلس شوری منتخب یاد کرد و وعده داد که اراده ٔ ملت را احترام مینماید و امور دولت را بدون مشوره أهل شوری اجراء نخواهد کرد · پادشاه سال یکمرتبه انعقاد مجلس را در ٨ ماه محرم تعین نمود · (٣١)

از مطالعه قوانین مجلس دانسته میشود که پادشاه خواهان تشکیل مجلس شوری منتخب بود لیکن اگر به جریانات سیاسی آنوقت دقت شود معلوم میشود که پادشاه از تشکیل مجلس هدف سیاسی داشت و میخواست به ملت در جریان انقلاب ١٩٢٤ نزدیک شود تا توانسته باشد تأئید افراد ملت را در مبارزه با انقلابیون کسب کند خصوصا که امیر نصر الله خان تا هنوز زنده و مورد تأئید تعدادی از مخالفین امان الله خان بود ·

از وظائف اساسی مجلس شوری تدوین قوانین است لیکن امان الله خان این حق را از مجلس سلب نموده فقط مجلس حق مناقشه و تعدیل قوانین پیش شده از طرف حکومت را داشت ·

لیکن مجلس ١٩٢٤ ـ نتیجه انقلاب جنوبی و احتیاج پادشاه به تأئید وکلاء ـ موفق شد تا اراده خود را بر پادشاه بقبولاند مثلا در مناقشه روابط خارجی دولت افغانستان در مجلس شوری بتاریخ ١٩ جولای ١٩٢٤ که اکثریت اعضای آنرا علمای أهل سنت و أهل شیعه تشکیل میداد دیده میشود که وکلاء نقد شدید بر مواد معاهده امضاء شده بین دولت افغانستان و دولت جدید

ترکیه نمودند و از دولت دعوت کردند تا معاهده را از طرف افغانستان غیر قانونی اعلان کند و همچنان دعوت نمودند که افغانستان محاصره اقتصادی و سیاسی را علیه حکومت اتاتورک تا وقتی ادامه بدهد که اتاتورک به حق خلیفه عثمانی به خلافت ترکیه اعتراف کند ٠

وزیر خارجه افغانستان در جریان مناقشه معاهده با ترکیه کوشش نمود تا ضرورت معاهده را با دولت جدید ترکیه برای وکلاء توضیح بدهد لیکن نتواست تأئید مجلس را بدست آورد٠

وکلاء مناسبات افغانستان را با روسیه مورد بحث قرار داده از نزدیکی سیاسی بین افغانستان و روسیه عدم موافقه خود را اظهار کردند و روسیه را بعدم احترام مواد معاهده با افغانستان مورد انتقاد شدید قرار دادند و اضافه کردند که با روسیه تا خارج شدن از پنچده نباید معاهده دوستی بامضاء میرسید ٠ و از دولت دعوت بعمل آمد تا اعتراف رسمی از جانب دولت روسیه باستقلال ـ خیوه و بخارا ـ تمام مذاکرات باید با دولت روسیه متوقف گردد ٠ (۳۲)

ملاحظه میشود که ترس و خوف وکلای ملت از تقدم روسیه در وسط آسیا بجا بود و عدم اهتمام حکومات افغانستان بقضیه روسیه و سیاست آن نسبت به منطقه سبب شد تا افغانستان به این وضع موجوده برسد ٠

وکلاء متهم به عدم درک سیاسی از طرف دولت امان الله خان در قضایای سیاسی شدند در حالیکه اتهام بی مورد و بی اساس بود و ملاحظه شد که مجلس از معاهدات افغانستان با دولت انگلستان ، بلجیک ، فرانسه ، ایتالیه و ایران که بنفع دولت افغانستان بود حمایت نمود٠ (۳۳)

در موضوعات داخلی باید مجلس قانون جدید عسکری را مورد حمایت قرار میداد زیرا بنفع ملت بود ٠

با اینکه وکلاء به پیروزی سیاسی در مقابل پادشاه نائل شدند با آنهم پادشاه چیزی را که میخواست بدست آورد و تأئید مجلس را در مبارزه خود با انقلاب خوست کسب نمود و معلوم شد که پادشاه هدف سیاسی داشت و موفق شد در آخر مجلس تأئید مطلق مجلس را در مقابل انقلاب خوست بدست آورد و مجلس در نهایت فیصله تاریخی ذیل را صادر نمود:

در مقدمه از اینکه حضرتصاحب شمس المشایخ مراقبت حکومت را بعهده گرفته اند اظهار رضایت شده و مواد ذیل تصویب شد :

١ ـ تأئید مطلق از حکومت امان الله خان و دعا برای ادامه سلطنتش •

٢ ـ تقدیم مدال که عبارت از شمشیر و تفنگچه بود برای پادشاه •

٣ ـ لقب ـ تول واک ـ و لقب ـ سیف الملة و الدین ـ برای امان الله خان •

٤ ـ پادشاه امیر المؤمنین بوده و خروج شخص از اطاعتش خروج از اسلام میباشدو قتلش واجب است و هرکس قصد کند که نظام حکومتی افغانستان را مثل نظامهای جمهوری و کمونستی تبدیل سازد کافر بوده مبارزه با آن صورت خواهد گرفت • در نهایت وکلاء حمایت خود را از پادشاه در مقابل انقلاب خوست اعلان داشتند• (٣٦)

در سال ١٩٢٨ تغییرات بزرگی در نظام پارلمان در افغانستان رخ داد • اعلیحضرت امان الله خان در نتیجه سفرش به اروپا و مصر و ترکیه خواست از تجربه پارلمانی آن کشور ها استفاده نمائید و نظام پارلمانی غربی را در کشورش پیاده کند• برای این منظور وعده داد که انتخابات جدید در افغانستان باساس رأی گیری آزاد صورت خواهد گرفت •

لویه جرگه ماه اگست ١٩٢٨ در شهر پغمان انعقاد یافت و در آن ١٠٠١ عضو اشتراک نمود فرصت مناسب برای امان الله خان بود تا تغییرات جدید که در نظر دارد بوجود بیآورد • امان الله خان خود را مشغول شکل ظاهری مجلس ساخت و برای وکلاء لباس اروپائی اختیار نمود و امر صادر نمود که وکیل حق ندارد از اطاق خواب خود بدون لباس اروپائی خارج شود و ریاست مجلس لباس را که عبارت از دریشی سیاه و پیراهن سفید و نکتائی سیاه بود برای وکلاء مجانی تقدیم میکرد • (٣٧)

تغییر مهم دیگر حضور ملکه ثریاء با لباس اروپائی در جلسات مجلس بود که پادشاه وی را بنام نماینده زنان افغانستان در مجلس یاد کرد• حضور ملکه با لباس غیر افغانی را وکلاء خروج وی از عادات اسلامی تعبییر نمودند •

مجلس بروز ٢٩ اگست سال ١٩٢٨ در پغمان افتتاح یافت که اعلیحضرت امان الله خان اولین سخنگوی مجلس بود و مردم را مخاطب ساخته گفت که تغییرات مهم در قانون ١٩٢٣ بوجود خواهد آمد و مجلس شوری دولت و مجلس دولت منحل شده و در عوض مجلس وزراء و مجلس

شوری ملی در دولت قانونی خواهد شد و در مجلس شوری ملی هر فرد افغانستان حق کاندید شدن را دارد و انتخابات آینده دیموکراسی خواهد بود • ( ٣٨ )
در جلسه ٣٠ اگست سکرتیر مجلس وزراء آقای غلام صدیق خان راپور حکومت را در سه سال گذشته به مجلس قرائت نمود و اعضای مجلس تمام کارهای دولت را تأئید نمودند لیکن از جریان مناقشه ملاحظ میشود که دولت سیطرت کامل بالای مجلس داشت و خلاف مجلس ١٣٠٣ وکلاء چانس زیاد نداشتند •
درجلسه ٣٠ اگست اعضای مجلس تعدیل ماده ٣١ را که عدم مسئولیت مجلس وزراء را نزدشوری ثابت مینمود قبول نمودند • مجلس عدم مسئولیت پادشاه را مقابل قانون و مجلس شوری ملی اعلان کردند• ( ٣٩ )
در جلسه ٣١ اگست مجلس به بعضی پیشنهادات پادشاه که مشتمل به الغای القاب تشریفی بود موافقه نمود در حالیکه نمایندگان قوانین اجتماعی پادشاه را که شامل لباس اروپائی و از بین بردن حجاب و فرستادن دختران جهت تکمیل تعلیمات به خارج بود موافقه نکرد و در جریان مناقشه اختلافات عمیق بین پادشاه و وکلای ملت بوجود آمد که همین اختلافات و عدم قبول پادشاه به پیشنهادات مجلس در اشتعال انقلابات کمک نمود • ( ٤٠ )
سال ١٩٢٨ در تاریخ مجلس شوری ملی در افغانستان دارای ارزش مهم میباشد در این سال قانون جدید برای مجلس و همچنان قانون انتخابات اعضای مجلس آماده گردید و کابل مقر مجلس شوری ملی تعیین شد • مطابق قانون شوری ملی وکیل برای سه سال بطور دائم در کابل اقامت میداشت •

قانون مجلس شوری ملی دارای مواد مهم بود که در نهایت این موضوع به بعضی مواد آن اشاره می نمائیم :

١ ـ تعداد اعضای شوری ملی افغانستان ١٥٠ عضو •

٢ ـ انتخابات طبق دوائر انتخاباتی باساس تقسیمات جغرافیائی •

٣ ـ شرائط کاندید :

الف : شخص کاندید باید از اتباع افغانستان باشد •

ب : شخص کاندید بالاتر از سن بیست باشد •

ج : شخص کاندید اقلا شش ماه مقیم دائره که خود را کاندید میکند باشد •

٤ ـ اشخاص ذیل حق کاندید شدن را ندارند :

الف : شخصیکه تحت کفالت شخص دیگری باشد •

ب : تجار که افلاس خط داده باشند •

ج : اشخاصیکه محکوم به جرائم شده باشند •

۵ ـ افراد قوای مسلح نظامی و افراد پولیس حق دادن رأی و کاندید شدن را ندارند •

٦ ـ کاندید باید افغان باشد و یا اینکه غیر افغان و ده سال از تابعیت اش گذشته باشد •

۷ ـ کاندیدان باید شرائط اضافی ذیل را نیز داشته باشند :

الف : نوشتن و خواندن را بدانند •

ب : از سن هفتاد بالاتر نباشند •

ج : دارای حسن سیرت و متصف به اخلاق عالی باشند •

۸ ـ افراد خانواده سلطنتی بعد از اجازه پادشاه حق دارند خود را کاندید نمایند •

۹ ـ مامورین ملکی دولتی قبل از کاندید شدن باید از مناصب دولتی استعفاء نمایند • (٤١)

ملاحظ میشود که قانون مجلس شوری ملی ۱۹۲۸ نسبت به قانون ۱۹۲٤ فرق کلی دارد و قانون جدید را میتوان از اهم اصلاحات امان الله خان دانست • از جریان جلسات مجلس دانسته میشود که نه پادشاه و نه نمایندگان ملت تجربه کافی در شئون و اداره مجلس داشتند و پادشاه زیادتر وقت خود ومجلس را به موضوعات ثانوی صرف مینمود موضوعات که نباید اصلا مورد مناقشه قرار میگرفت • مقید نمودن وکلای ملت به لباس اروپائی و دادن سلام به علامت کشیدن کلاه از سر ارتباطی به عادات و رواجهای افغانی آنزمان نداشت و نباید پادشاه وقت خود را در تطبیق این قوانین که فائده ای برای مملکت نداشت میگذشتاند• شدت پادشاه در تطبیق لباس اروپائی و خوردن غذاء و حضور ملکه و برانداختن چادری در حضور وکلای ملت از نقاط ضعف سیاست اعلیحضرت امان الله خان بود •

اسلوب دیکتاتوری پادشاه و عدم احترام شعایر و احساسات اسلامی و عنعنوی ملت افغانستان در جریان مجلس سال ١٩٢٨ یکی از اعوامل اساسی سقوط سلطنت وی را آماده ساخت و چنانچه در صفحات بعدی خواهیم دید که زعیم اسلامی افغانستان حضرت صاحب نورالمشایخ افغانستان را با تعدادی از علمای با نفوذ بقصد حج ترک نموده بار دوم تا سقوط سلطنت امان الله به افغانستان باز نگردیدند و حضرت صاحب شوربازار محمد صادق مجددی با قاضی القضات قاضی عبدالرحمن خان پغمانی و تعداد زیادی از قضات افغانستان و تعدادی از علماء جهت ابراز مخالفت با امان الله خان صوب جنوبی حرکت نمودند ٠

## اصلاحات در شئون عسکری :

اگر در تاریخ عسکری افغانستان ملاحظه شود دیده میشود که تا عصر امیر شیر علی خان جون ۱۸۶۲ دولت افغانستان قوای عسکری منظم نداشت و امرای افغانستان در جنگهای خود بالای افراد قبائل اتکاء نموده و در مقابل پرداخت پول بعضی از افراد ملت را برای مقاصد نظامی خود استخدام میکردند •

امیر شیر علی خان فرقه نظامی منظم را از ۳۵ هزار افراد تشکیل داد و در تربیه نظامی آن متخصصین روسی را استخدام نمود که وجود متخصصین روس اسباب ناراحتی دولت انگلستان را بوجود آورد و باعث از بین بردن امیر و تخریب پروگرام عسکری اش شد • (٤۲)

امیر عبدالرحمن خان در نظام عسکری از نظام قبیلوی که بنام ـ قومی ـ یاد میشد استفاده کرد• و قوای نظامی را به چهار دسته ( توپ خانه ، سوار ، پیاده ، پولیس عسکری ) تقسیم نمود و در خریداری و تهیه اسلحه به دولت انگلستان اکتفاء کرد • امیر عبدالرحمن خان فابریکه اسلحه سازی را در کابل افتتاح نمود • امیر عبدالرحمن خان از قوای نظامی افغانستان در تصفیه مخالفین نظام سلطنتی خود استفاده نمود و در عمل خود موفق بود •

امیر حبیب الله خان ـ ۱۹۰۱ . ۱۹۱۹ ـ با حفظ قوای نظامی باساس قومی ، قوای عسکری جدید را تأسیس کرد و نظام جلب عسکری را بنام ـ هشت نفری ـ که هر قریه مجبور بود از هشت نفر مسکونه خود یکنفر را برای خدمت عسکری بفرستد بمیان آورد • (٤٤)

در ترتیب و تجدید قوای نظامی در عصر امیر حبیب الله خان جنرال نادر خان نقش اول و اساسی را داشت • جنرال محمد نادر خان قانون جدید عسکری را که شامل ۳۵ ماده بود تدوین نمود که قانون جدید شامل رتبه های عسکری ، معاشات عساکر و صاحبمنصبان بود و برای اولین بار قانون بودجه عسکری را اساس گذاشت •

در عصر امیر حبیب الله خان و به همکاری جنرال محمد نادر خان اولین مکتب عسکری در کابل بنام ـ مکتب ملک زاده ها ـ افتتاح شد که شاگردان مکتب را پسران خان ها و رجال بزرگ دولت و ملک ها تشکیل میدادند و صاحبمنصبان ترکی استادان مکتب بودند• (٤٥)

مکتب دوم بنام ـ مکتب جدیدی الاسلام ـ بود که شاگردان آنرا جوانان قبائل نورستان تشکیل میدادند • جنرال محمد نادر خان در عهد امیر حبیب الله خان موفق شد تمام مکاتب عسکری را در مکتب واحد عسکری بنام ـ مکتب حربیه ـ یکجا سازد که امیر امان الله خان یکی از شاگردان آن بود •

در عهد اعلیحضرت امان الله خان ۱۹۱۹ در نظام عسکری افغانستان تحول بزرگی پیش آمد و افغانستان بعد از حصول استقلال حق تشکیل قوای نظامی مستقل و حق خریدن اسلحه را حاصل کرد و از جانب دیگر امان الله خان در جوانی شاگرد مکتب حربیه بود و بدین لحاظ از امراء سابقه افغانستان در شئون نظامی فرق داشت و با استادان مکتب حربیه خصوصا جنرال محمود سامی ترکی روابط خاص داشت و علاقات امان الله خان بطور عموم با قوای نظامی بر اساس اکادمی استوار بود • (٤٦)

مؤرخینی که نظام عسکری را در عصر اعلیحضرت امان الله خان مورد تحقیق قرار داده اند می نویسند که امان الله خان در شئون عسکری اهتمام خاص نداشت و قوای نظامی افغانستان در نتیجهٔ ضعیف بودن در تمرینات نظامی و وسائل نظامی در محاربهٔ خود علیه انقلابیون ۱۹۲٤ و ۱۹۲۸ ناکام ماند و توجه پادشاه بنظام و قوای نظامی توجه تشریفاتی بود نه اکادمی • (٤٧)

در حقیقت اگر ما به اصلاحات عسکری امان الله خان حکم صادر نمائیم به این نتیجه میرسیم که امان الله خان در تشکیل و ترتیب قوای عسکری افغانستان غفلت نکرد و همیشه در تجدید قوای عسکری از ناحیهٔ تمرینات و اسلحه بذل مساعی نمود • عدم موفقیت قوای نظامی در انقلاب ۱۹۲٤ و ۱۹۲۸ نتیجهٔ ضعف قوای نظامی و عدم موجودیت اسلحه جدید نبود و ما دیدیم که قوای نظامی افغانستان در محاربهٔ خود با قوای انگلیس تفوق نظامی خود را ثابت نمود و قوای نظامی افغانستان در جنگ امیر بخارا با قوای روسی موفق بود • علت شکست قوای عسکری افغانستان در ۱۹۲٤ و ۱۹۲۵ نتیجه ضعف قوای عسکری نبود و علل دیگری داشت که مؤرخین

در جستجوی آن نشدند• (٤٨) و در فصل انقلابات در مورد آن تحقیق خواهیم نمود•
اعلیحضرت امان الله خان اراده داشت تا قوای نظامی افغانستان متشکل از تمام افراد مملکت باشد و چنانچه یک تن از صاحبمنصبان قوای نظامی افغانی میگوید که امان الله خان طرفدار قوای عسکری کوچک لیکن با نظام خاص بود و نمی خواست افراد قوی نظامی را قبیله بخصوصی تشکیل بدهد • (٤٩)
اصلاحات عسکری امان الله خان و کوشش های وی در ارتقای سویه علمی افراد نظامی در تاریخ نظامی معاصر افغانستان دارای معانی برازنده میباشد • امان الله خان طرفدار قوای عسکری قوی که مربوط به دولت باشد بود و از نظام قومی و بعدا هشت نفری جد و پدر خودحمایت نکرد زیرا در نظام هشت نفری که از هشت نفر یک نفر را قریه بخدمت عسکری میفرستاد ظلمی بزرگ بالای فقرای قریه بود زیرا در اغلب اوقات مساکین قریه بخدمت عسکری فرستاده میشدند• در عوض امان الله خان نظام پشک عمومی را اساس قرار داد تا تمام افراد در دولت بدون تمییز داخل خدمت عسکری گردند•
برای تحقیق و عملی نمودن خدمت نظامی امان الله خان در ۱۹۲٤ قانون عسکری را تقدیم مجلس لویه جرگه نمود که بنام ـ پشک ـ یاد میشد • باساس نظام پشک تمام اتباع افغانستان از ذکور وبدون استثناء و تمیز بین مناطق و قبائل داخل خدمت عسکری و برای مدت معین که در قانون دو سال تعیین شده بود میشدند •
قانون عسکری سال ۱۹۲٤ از طرف وکلای ملت شدیدا مورد انتقاد قرار گرفت زیرا مواد قانون امتیازات شانرا احترام نمیکرد • وکلای ملت در انتقادات خود عدالت اجتماعی را مد نظر نداشتند و قانون جدید را زعمای قبائل نوعی از تهدید به نفوذ قبیلوی خود تعبییر نمودند و علیه آن به مخالفت قیام کردند • با تمام مخالفت ها امان الله خان موفق شد با آوردن بعضی تعدیلات در مواد قانون آنرا عملی سازد •
قانون ۱۹۲٤ مدت خدمت عسکری را دو سال تعیین نمود و در سال ۱۹۲۷ امان الله بدلیل بهتر ساختن تعلیمات عسکری مدت خدمت عسکری را به سه سال پیشنهاد نمود که مورد قبول وکلای لویه جرگه نشد • (٥٠)

اعلیحضرت امان الله خان در اصلاحات عسکری خود از نظام ترکی استفاده نمود و در نظام عسکری ترکی هیچ نوع تعدیلات را مطابق شرائط خاص افغانستان بوجود نیآورد و همچنان در تربیه تعلیمی صاحبمنصبان افغانی کاملا به استادان ترکی اعتماد نموده بعضی از افسران نظامی ترکی را تابعیت افغانی داد مانند جنرال محمود سامی و نامبرده را بحیث مشاور خود در شئون عسکری اختیار کرد ٠

موجودیت افسران نظامی ترکی در افغانستان تا سال ١٩٢٤ مورد حمایت و تأئید نظامیان افغانی بود و افسران ترکی را نمایندگان خلافت اسلامی در افغانستان میدانستند لیکن بعد از سقوط خلافت اسلامی عثمانی توسط نظامیان ترکی ، صاحبمنصبان افغانستان به افسران ترکی بنظر شک میدیدند بدین لحاظ روابط بین افسران ترکی و افغانی رو به وخامت رفته و در نتیجه حمایت امان الله خان از افسران ترکی علیه افسران افغانی مناسبات صاحبمنصبان افغانی با شخص پادشاه نیز تا درجه ای تیره گردید ٠

در سال ١٩٢٠ دولت افغانستان با دولت ترکیه معاهدۀ نظامی در موسکو بامضاء رسانید که طبق مواد آن طرف ترکیه در معاهده وعده داد که مشاورین نظامی به افغانستان و برای مدت پنج سال ارسال میدارد و از حق افغانستان است که در تجدید مدت پنج سال تجدید نظر نماید ٠ (٥١) هئیت مشاورین ترکی که باساس معاهده فوق الذکر به افغانستان رسیدند در رأس آن (جمال پاشاه و جنرال کاظم بیک ) بود ٠

مشاورین ترکی برای اصلاحات عسکری به امان الله خان پیشنهاد کردند که افسران و عساکری را که از نگاه سن پیشرفته اند تقاعد داده و در عوض جوانان را به صف صاحبمنصبان اختیار کند تا باساس نظام عسکری جدید تربیه شوند ٠ مشاورین ترکی از پادشاه دعوت نمودند تا در معاشات افسران تقلیل آورده در مقابل مواد غذائی و بیمۀ صحی و لباس عسکری داده شود٠ (٥٢)

پیشنهاد مشاورین ترکی اسباب عدم رضایت صاحبمنصبان عالیرتبه افغانستان را بوجود آورد و جنرال محمد نادر خان موضوع را به مجلس وزراء پیش کرد و خواهان تعدیلات در قانون اصلاحی ترکی شد لیکن آقای محمود طرزی شخص قوی در دولت و صاحب نفوذ بالای امان

الله خان از اصلاحات تقدیم شده از طرف مشاورین ترکی حمایت نموده و پیشنهاد جنرال محمد نادر خان از طرف مجلس وزراء رد شد که در نتیجه آن تعدادی از صاحبمنصبان عالی رتبه افغانستان طرفداری خود را از جنرال نادر خان اعلان نمودند و در داخل حکومت جبهه طرفدار اصلاحات ترکی و جبهه مخالف اصلاحات ترکی تشکیل شد ٠

جنرال محمد نادر خان در پروگرام اصلاحی خود که در مقابل پروگرام اصلاحی ترکی تقدیم حکومت نمود طرفدار اصلاحات با در نظر داشت اوضاع اجتماعی افغانستان بود و با تقاعد دادن صاحبمنصبان که اخلاص خود را برای دولت و نظام آن ثابت نموده بودند مخالف بود ٠ در پیشنهاد جنرال محمد نادر خان آمده بود که با حفظ صاحبمنصبان بزرگ در سن جوانان نیز پذیرفته شوند تا جوانان از تجربه مستفید گردند٠

متأسفانه اختلافات سیاسی داخل حکومت افغانستان و اختلافات بین اعضای حکومت و اشخاص با نفوذ در دولت اسباب مشکلات اداری را بوجود آورد و تأثیر منفی در تطبیق اصلاحات عسکری نمود ٠

اختلافات بین جنرال محمد نادر خان و جنرال محمود سامی زیاد بود و همچنان بین جنرال محمد نادر خان و وکیل پادشاه محمد ولی خان ٠ محمد ولی خان و محمود سامی در کوشش بودند تا محمد نادر خان را از حکومت و قوای نظامی خارج سازند و برای عملی نمودن این هدف با محمود طرزی جبهه مشترک وقوی را ساختند و علیه پروگرام محمد نادر خان رأی دادند و از اصلاحات مشاورین ترکی حمایت کردند و مجلس وزراء قوانین پیشنهاد شده از طرف مشاورین ترکی را اساس قرار داد که باساس آن معاش عساکر از٢٠ روپیه به ١٤ روپیه و بعداً به ٥ روپیه تقلیل یافت لیکن با تقلیل معاشات که هدف از کناره رفتن عساکر و صاحبمنصبان قدیمی بود تعداد زیادی از افراد نظامی وظائف خود راترک نکردند ٠ (٥٣)

پروگرام اصلاحی ترکها شامل تقدیم مواد غذائی و خدمات صحی در مقابل تقلیل معاشات بود لیکن مسئولین در ادارات نظامی از بودجهٔ جدید سوء استفاده نموده و عساکر کدام استفاده را از قانون جدید نکرده اوضاع اجتماعی شان بدتر شد ٠

اصلاحات ترکی شامل فرقه های نظامی جدید بود و برای تنفیذ آن امان الله خان امر به خراب

نمودن عمارات قدیمی داد و دولت بودجه بزرگ را جهت بناء عمارات جدید تخصیص داد لیکن ترکها موفق به تعمیر عمارات جدید نشده و زمستان سرد را عساکر در خیمه ها گذشتاندند که در نتیجه آن عساکر به یک نوع مخالفت غیر اعلان شده علیه نظام عسکری دولت آغاز نمودند.

در ١٩٢٨ امان الله خان تغییرات مهم در نظام عسکری را وعده داد و خواست نظام عسکری مصری را تطبیق نماید . امان الله خان بعد از بازدید از فرقه های عسکری مصری با پادشاه مصر ملک فؤاد تحت تأثیر نظام عسکری مصری رفت . ( ٥٤ )
در ١٢ اکتوبر ١٩٢٨ امان الله خان در اجتماع بزرگی از صاحبمنصبان افغانی اصلاحات جدید خود را در شئون عسکری اعلان کرد پادشاه وعده داد که بزودترین وقت فاکولته عسکری به کمک حکومت فرانسه و المان در کابل افتتاح میشود و نظام تدریس در آن مطابق نظام عسکری اروپا خواهد بود وی از تمام جوانان افغانستان دعوت کرد که برای ثبت نام آماده باشند. امان الله خان در اصلاحات جدید خود اضافه کرد عساکر و صاحبمنصبان افغانستان حق ندارند مرید شوند و اگر دانسته شد که شخصی از قوای نظامی نزد پیری مرید است از خدمت نظامی منفک ساخته میشود . ( ٥٥ ) افراد قوای نظامی موضوع پیری و مریدی را مداخله به شئون داخلی خود تعبیر نموده و اعلیحضرت امان الله خان را مخالف عقیده اسلامی دانستند.
در اصلاحات که امان الله خان در ١٢ اکتوبر اعلان نمود آماده بود که عساکر پشکی از خدمت عسکری ترخیص نمیشوند تا امتحان خواندن و نوشتن را موفقانه نگذرانند. این مادهٔ قانون نیز مشکلات بزرگی را برای عساکر افغانی که بالاتر از سن ٢٢ بودند بوجود آورد و از جانب دیگر موضوع تعلیم غیر نظامی سبب ضعیف شدن تعلیمات و تمرینات نظامی شد زیرا عساکر و صاحبمنصبان مجبور بودند زیادترین وقت خود را برای آموختن کتب درسی بگذرانند.
در اصلاحات پادشاه آماده بود که تمام افراد قوای نظامی در پرداخت پول اسلحه خریداری شده از اروپا هر سال معاش ماه جون خود را بپردازند . ( ٥٦ )
امان الله خان در ١٩٢٧ قوای نظامی افغانستان را به اقسام جداگانه تقسیم نمود مثل قوای هوائی قوای توپ خانه ثقیل ، فرقه سوار ، فرقه پیاده ، و فرقه خاص و در رأس هر فرقه یک جنرال را

تعیین نمود • تعداد افراد قوای نظامی افغانستان در سال ۱۹۲۷ ( ۹۸۰۰۰ ) صاحبمنصب و عسکر و ۱۸۰۰ مامور اداری بود و در نهایت سال ۱۹۲۷ نسبت صرفه جوئی در مصارف عدد افراد نظامی به ۲٦۰۰۰ تقلیل یافت •
در این مرحله و بعد از خریداری اسلحه از کشورهای مختلف پادشاه تنهاء به استادان نظامی ترکی اکتفاء نکرده استادان نظامی فرانسوی و ایتالوی و انگلیسی و روسی را جهت تربیه افراد نظامی افغانستان استخدام نمود • دولت ایتالیه تعدادی از افراد قوای نظامی افغانستان را جهت تعلیمات نظامی به ایتالیه بورس تعلیمی داد تا در اکادمی عسکری آنجا فنون حربی را بیآموزند • (۵۷)
باساس معاهدات نظامی بین افغانستان و کشور های خارجی هئیت عسکری المانی جهت تربیه نظامی به کابل آمد • (۵۸) و در ۱۹۲۸ هئیت نظامی فرانسوی بکابل رسید تا در تربیه نظامی افراد افغانستان سهم داشته باشد• (۵۹) و همچنان هئیت روسی که شامل ۲۱ پیلوت عسکری بود به بکابل مواصلت نمود • با وجود تعدادی از استادان نظامی از کشور های مختلف در کابل دولت افغانستان در شئون نظامی اعتماد کامل به مشاورین ترکی تحت ریاست جنرال کاظم پاشاه داشت و جنرال کاظم پادشاه پنجاه ضابط افغانی را برای تحصیلات نظامی به ترکیه فرستاد (٦۰)

لیکن با همه این فعالیتها در میدان نظامی دولت امان الله خان از قوای نظامی افغانستان استفاده قابل ملاحظه نتوانست و در مقابل قوای انقلابیون قوای نظامی افغانستان وظیفهٔ خود را انجام ندادند که بتفصیل در فصل انقلابات بدان اشاره خواهد شد •

در میدان صناعت اسلحه سازی و حفظ و مراقبت اسلحه دولتی در این عصر کار های بزرگی صورت گرفت و تعدادی از فابریکه های مورد ضرورت از خارج وارد شد مثل فابریکه باروت سازی که زیر نظر متخصیصن ترکی بود • (٦۱) و همچنان دولت افغانستان قراردادی برای استیراد فابریکه اسلحه سازی با شرکت المانی بنام " KRUPPR COMPANY " بامضاء رسانید و طبق مواد قرارداد مذکور شرکت المانی فابریکه کارتوس توپ را در کابل تأسیس نمود

که شعبه ای برای ترمیم اسلحه استفاده شده و شعبه ای برای ضرب پول داشت • ( ٦٢ )
سیاست دولت افغانستان در ارتباط با موضوع نظامی را بیطرفی مطلق و استفاده از منابع مختلف جهت دریافت اسلحه میساخت و دولت افغانستان نخواست فقط با یک دولت معین روابط نظامی داشته باشد • در سالهای ۱۹۲۷ و ۱۹۲۸ اعلیحضرت امان الله خان در اثنای دیدار رسمی خود از روسیه سوسیالستی طالب دریافت اسلحه شد • درخواست پادشاه افغانستان را کشور های غربی استقبال نیک نکردند و جرائد غربی معاهدهٔ افغانستان را با روسیه ضد غرب توصیف نمودند• ( ٦٣ )

در حقیقت امان الله خان با هیچ کشوری علیه کشور دیگر پیمان نظامی بامضاء نرسانید و کوشش داشت تا از اختلافات سیاسی بین کشور های جهان بنفع افغانستان استفاده نماید و افغانستان را تحت نفوذ کشور معینی قرار ندهد•

برای تطبیق استقلال سیاسی و نظامی وزیر دفاع افغاستان در المان با وزیر دفاع المانی " SCHUBDRT ملاقات نمود ، وزیر افغانستان برای وزیر المانی پیشنهاد نمود که باید المان در ازیاد نفوذ سیاسی و نظامی خود در وسط آسیا بکوشد بنظر وزیر افغانستان جنگ بین روسیه و انگلستان در منطقه حتمی بود و انگلستان در جنگ شکست خواهد خورد که این نظر از طرف وزیر دفاع المان مورد حمایت واقع نشد • ( ٦٤ )

روسیه از فرستادن اسلحه به افغانستان هدف سیاسی داشت که میتوان هدف روسیه را به نقاط ذیل خلاصه ساخت :

۱ ـ رسیدن بعضی از اسلحه از طریق افغانستان به انقلابیون هندوستان •

۲ ـ عدم همکاری و تعاون بین پادشاه افغانستان و مسلمانان وسط آسیا خصوصا امیر بخارا •

۳ ـ دور ساختن پادشاه افغانستان از کشور های غربی •

حکومت انگلستان از فرستادن اسلحه به افغانستان سیاست خاص برای خود داشت که میتوان هدف دولت انگلستان را اینطور خلاصه نمود :

۱ ـ متوقف ساختن تقدم روسیه صوب هندوستان و تقویهٔ نظامی افغانستان مقابل روسیه ۰
۲ ـ منع امان الله خان از استقرار روابط نظامی با کشور های دیکر ۰
جریده ـ دیلی میل ـ سیاست انکلستان را در موضوع اینطور شرح میدهد : ( دولت انکلستان از سیاست عسکری و نظامی پادشاه افغانستان استقبال و حمایت میکند۰ دولت انکلستان میخواهد پادشاه و ملت افغانستان در مقابل هجوم خارجی قوی بوده و قادر به دفاع از خاک خود باشد۰ ) ( ٦٦ ) و همچنان معاون وزارت خارجه انکلستان **AUSTEN CHAMBERLAIN** " از سیاست نظامی امان الله خان توصیف نمود ۰ ( ٦٦ )
به اساس تعقیب سیاست مستقل در شئون نظامی و عسکری دولت افغانستان موفق شد مقداری از اسلحه از کشور های مختلف دریافت نماید که در این مبحث بدان اشاره میشود ۰
افغانستان از دولت روسیه ۱۳ طیاره جنکی با پیلوتهای آن دریافت کرد و دولت روسیه تعدادی از شاکردان افغانی را به اکادمی هوائی بورس تعلیمی داد که جریده ـ حقیقت ـ اسماء شاکردان افغانی را به چاپ رسانده و برای موفقیت شان دعا نمود۰ ( ۷۷ ) و قرار راپور دولت انکلستان روسیه دو تانک و چهار موتر عسکری نیز به افغانستان تقدیم نمود ۰ ( ٦۸ )

آقای محمود طرزی در جریان سفر رسمی خود در فرانسه موفق شد دو توپ و پنج تانک و دو لاری ذخیره و پنج هزار تفنگ از فرانسه خریداری کند۰ اسلحهٔ فرانسوی را دولت هند در بندر بمبی توقف داده و کفت که مطابق معاهده ۱۹۲۱ افغانستان حق ندارد اسلحه از خاک هند بکذراند ۰ دولت هند خوف داشت تا مقداری از اسلحه در طول راه بدست طرفداران خلافت عثمانی که بنام انصار خلافت یاد میشدند نرسد ۰ اسلحه فرانسوی تا سقوط حکومت امان الله خان در بندر بمبی باقی ماند۰ ( ٦۹ )

اسلحه خریداری شده از دولت المان که عبارت از : دو توپ ، چهار ماشیندار و چهار طیاره جنکی بود به افغانستان مواصلت کرد ۰ ( ۷۰ ) دولت پولند یک طیاره بقسم هدیه به افغانستان فرستاد ۰ ( ۷۱ )

دولت افغانستان مقداری از اسلحه وذخیره از دولت انگلستان دریافت نمود که شامل مواد ذیل بود :

ماشیندار متحرک از نوع ۲،۷،۵ ، و توپ از نوع ۷٦ ۳، و ۱۸ ماشیندار میدان با ۵۰۰ کارتوس و ۱۰۰۰ تفنگ از نوع جدید بنام " LEEINFILD ' و ۳۰۳ تفنگ عادی با صد هزار کارتوس از نوع " MMENTI " و تعداد از تفنگ های اتوماتیک بنام ـ فیکرز ـ ٠

از خلال وثائق و منابع ذکر شده در موضوع اصلاحات نظامی اعلیحضرت امان الله خان مشاهده میشود که سیاست نظامی پادشاه سبب گردید تا افغانستان برای اولین بار صاحب قوای نظامی منظم شود و قوای نظامی ملی از تمام طبقات ملت بوجود آمد و از اینکه امان الله خان موفق نشد در مقابل مخالفین اش از قوای نظامی ملی افغانستان استفاده درست نماید چنانچه اشاره شد در جای آن ذکر خواهد شد ٠

اعلیحضرت امان الله خان قوای امنیتی یا پولیس را نیز اصلاح نمود و قوای امنیتی را بنام ـ کوتوالی ـ از وزارت دفاع جدا ساخته مربوط وزارت داخله نمود ٠ وزارت داخله برای تربیهٔ افراد پولیس تعدادی از جوانان افغانستان را به اکادمی پولیس اسکاتلند ، انگلستان جهت تعلیمات در رشته پولیس فرستاد ( ۷۲ ) ٠

## نهضت تعلیمی : ـ

مؤرخینی که تاریخ تمدن و نهضت و ثقافت را مورد تحقیق خود قرار داده اند نظر دارند که اساس نهضت علمی در افغانستان در بدایت قرن بیستم پایه گذاری شده و مؤسس نهضت علمی اعلیحضرت امان الله خان را میدانند • مؤرخین نهضت علمی و ثقافتی امان الله را شخصیت علمی و بی رقیب در تاریخ ثقافت معاصر افغانستان معرفی میکنند •
مورخ امریکائی امان الله خان را به آمورابی تشبیه میکند(۷۳) و مورخ معاصر و عالیقدر آقای " LEON . B . PIULLADA " امان الله خان به جستنیان مقارنه می نماید• (۷٤) در حالیکه مورخین روسی امان الله خان را مرد انقلاب آور و بنیان گذار ثقافت معاصر در افغانستان معرفی مینمایند (۷۵) •
شک نیست که تمدن و ثقافت معاصر اروپا در عصر امان الله خان داخل افغانستان شد و تعدادی از افغانان در اروپا ثقافت غربی را آموختند لیکن افغانستان در تمام ادوار تاریخ اش دارای ثقافت و تمدن خاصی بخود بود و گذشتگان امان الله خان ثقافت و نشر آنرا فراموش نکرده بودند • اگر تسلیم شویم که تمدن معاصر افغانستان اصل تاریخی و افغانی ندارد درین حالت به گذشتگان خود ظلم تاریخی نموده ایم • برای داخل شدن بموضوع نهضت علمی و تعلیمی عصر اعلیحضرت امان الله خان لازم است تا قدری به عقب برگردیم و اساسات نهضت علمی افغانستان را مرور تاریخی نمائیم •

تمدن و نهضت در افغانستان ۵۰۰۰ سال قدامت تاریخی دارد • ملت افغانستان ملت اصیل و با تمدن بود و با قدرت علمی که داشت توانست از تمدن و ادب و فکر یونانی و هندی استفاده ای بزرگی نماید و علوم یونانی و هندی را با علوم افغانی یکجا نموده به جهان بشکل جدید آن تقدیم کند •
با وجود تأثیرات ثقافات خارجی بالای فکر افغانی و وجود زبانهای متعدد و لهجات زیادی در

اجتماع افغانستان ثقافت افغانی اصالت خود را حفظ نمود•
افغانها قبل از اسلام و انتشار آن بحیث تمدن و ثقافت نقش برازنده ای را در نشر تمدن و ثقافت یونانی و فارسی و هندی خصوصا زمانیکه جزئی از دولت ـ بکتریاء ـ مقدونی بودند داشتند که بعد از انتشار اسلام با قدرت علمی که کسب نموده بودند توانستند ثقافت اسلامی را با ثقافت افغانی اصیل یکجا سازند•
در عصر سلطان محمود غزنوی و تیموریان و بابریان افغانستان مرکز تمدن و ثقافت اسلامی بود و تعداد زیادی علماء در تخصصات اسلامی و علوم متداوله عصر از افغانستان به جهان اسلام معرفی شدند که علمای عصر سلطنت غزنوی را ابو ریحان البیرونی ، مؤرخ بزرگ العتبی و شاعر بزرگ فردوسی تشکیل میدادند (٦٧) •
هرات در عهد تیموریان مرکز بزرگی از مراکز علوم اسلامی و ادب افغانی بود و تعداد زیادی از شاگردان از نقاط مختلف جهان در مدارس هرات مشغول تحصیل علوم اسلامی و ثقافت افغانی بودند• هرات مانند غزنی مرکز اجتماع فقهاء و مورخین و شعراء و ادبای عصر اسلامی آنزمان بود • (٧٧)
مسجد در حفظ و نشر ثقافت اسلامی افغانی نقش اساسی را داشت و ملا استاد اول اطفال افغانستان بود • در مسجد اطفال افغانستان علوم متداوله عصر را که عبارت از قرآن کریم ، علوم اسلامی ، مبادی حساب و هندسه ، رسم خط ، زبانهای افغانستان ، فلسفه ، تاریخ ، زبان عربی ، شعر ، قصه های افغانی ، علوم طریقه های تصوف به شمول مکتوبات امام ربانی مجدد الف ثانی تدریس میشد • (٧٨)

حرکت تجدید در ثقافت افغانی و ارتباط آن با ثقافت غربی در عصر سلطنت امیر حبیب الله خان ـ ١٩٠١ . ١٩١٩ ـ آغاز یافت • حبیب الله خان با استفاده از استقرار سیاسی و با حفظ ثقافت اصیل افغانی در نشر و انتشار ثقافت غربی کوشید •
امیر حبیب الله خان از اروپا کمرهٔ عکاسی و موتر خریداری نمود و در انتشار لباس اروپائی بذل مساعی نمود و کوشش نمود تا شکل تمدن غربی را تعقیب کند لیکن کوشش های امیر برای

نشر ثقافت غربی محدود به طبقهٔ خاص سلطنتی و اطرافیان شان باقی ماند ۰ ( ۷۹ )
امیر حبیب الله خان را در راه انتشار کلتور غربی متخصصین ترکی و تعدادی از افغانانی که امیر عبدالرحمن خان ایشان را از افغانستان به خارج فرار نموده بود معاونت و همکاری نمودند ۰ ( ۸۰ )
امیر حبیب الله خان برای نشر ثقافت افغانی مدارس دینی زیادی را تأسیس کرد مثل مدرسه ـ دار الحفاظ ـ و مدرسه عصری بنام ـ مکتب حبیبیه ـ که تعلیم در آن در دو مرحله ابتدائی و اعدادی بود ۰ امیر مدرسه خاصی برای هنود تأسیس نمود ۰ و همچنان مدرسه ای طبی بنام ـ بیت العلاج ـ و ـ ملکی شفاخانه ـ که زیر نظر دکتران ترکی بود ۰
در عصر حبیب الله خان مؤسسه ـ دارالترجمه و التالیف و فنون ـ تحت ریاست محمود طرزی در قصر سلطنتی تأسیس شد که این مؤسسه علمی تعدادی از کتب را از زبانهای ترکی ، عربی و فرانسوی به زبان فارسی ترجمه نمود که کتب ترجمه شده از طرف دولت بچاپ میرسد و امیر حبیب الله خان همه کتب ترجمه شده را مطالعه مینمود ۰ ( ۸۱ )
در میدان نشرات و جرائد اگر چه مجلات و جرائد در عهد امیر محمد اعظم خان و امیر شیر علی خان شروع بنشر کرد لیکن نشرات آنها بشکل منظم در عهد امیر حبیب الله خان آغاز به فعالیت کرد که جریدهٔ سراج الاخبار در ۱۹۱۱ تحت ریاست محمود طرزی نمونه ای از آن است ( ۸۲ ) ۰ .
عشاق ادب و فرهنگ افغانی و ثقافت غربی در تأسیس سراج الاخبار گمشده خود را یافتند و در سایهٔ آن اولین اتحادیهٔ ادبی و سیاسی را بنام ـ اخوان افغان ـ تأسیس کردند که مهمترین هدف اتحادیه مذکور نشر افکار نظام قانونی و پارلمانی و آزادی و استقلال برای افغانستان بود۰ حکومت امیر حبیب الله خان نتوانست تحمل اتحادیه اخوان افغان را بکند و امر به انحلال و زندانی نمودن افراد آن در ۱۹۱۸ صادر نمود ۰ ( ۸۳ )
عصر اعلیحضرت امان الله عصر استقلال و آزادی فکری در تاریخ افغانستان بحساب میآید این عصر را روزنامه الاخبار که در قاهره به چاپ میرسید اینطور تعریف میکنند : ( عصر اعلیحضرت امان الله خان پادشاه افغانستان عصر استقلال و حریت میباشد۰ این عصر عصری

است که ملت و پادشاه افغانستان حق اختیار زندگی ثقافتی و کلتوری خود را بدون مداخلهٔ خارجی بدست دارند و حق یافتند تا از علوم جدید جهان غرب و شرق بطوریکه بخواهند استفاده کنند. بعد از حصول استقلال و شناسائی آن از طرف دو همسایه بزرگ ـ روسیه و انگلستان ـ پادشاه افغانستان اصلاحات عظیمی را در شئون تعلیم و ثقافت بوجود آورد و بدون شک و تردید پادشاه جوان افغان عاشق تمدن عصر جدید است . ) ( ٨٤ )

نویسنده جوان افغان نوشت که در حقیقت نهضت تعلیمی در افغانستان در عهد اعلیحضرت امان الله آغاز یافت . (٨٥) . جوان دیگر افغان اضافه کرد که اعلیحضرت امان الله خان با اینکه مدت سلطنتش بسیار کوتاه بود ۱۹۱۹ ـ ۱۹۲۹ موفق شد افغانستان را با کاروان تمدن جدید همراه سازد و شکی نیست که ژورنالیزم ـ رادیو ، مجلات ، جرائد ـ نمونه ای از کارهای فرهنگی عصر پادشاه جوان افغان است . (٨٦) .

اعلیحضرت امان الله خان شعار حکومت خود را تعلیم انتخاب نمود و مناسبات دینی را چانس خوبی برای مقاصد تعلیمی و هدف فرهنگی و نشر آن بین افراد ملت میدانست چنانچه میگفت که عصر حاضر عصر علوم و ثقافت است نه عصر شمشیر .

امان الله خان در تاریخ افغانستان برای اولین مرتبه وزارت معارف را تأسیس کرد و بودجهٔ آنرا بعد از بودجهٔ وزارت حربیه در دولت تثبیت کرد . از وظائف اساسی وزارت معارف مطالعه مواد درسی و تدوین قوانین برای معارف بود که تأسیس مکاتب جزئی از وظائف آن وزارت بود . در پهلوی وزارت معارف امان الله خان ریاست عالی تعلیم و تربیه را تحت ریاست محمود طرزی تشکیل داد تا در راه نشر تعلیم بین اجتماع افغانستان با وزارت معارف همکاری نمائید .

وزارت معارف افغانستان بامر پادشاه جهت ترقی معارف و استفاده از تجارب کشور های پیشرفته معاهدات کلتوری را با تعدادی از کشور ها بامضاء رسانید .

در سپتمبر سال ۱۹۲۲ وزارت معارف معاهدهٔ کلتوری را با دولت فرانسه امضاء نمود که باساس معاهدهٔ مذکور هیأت تعلیمی وزارت معارف فرانسه بکابل آمد . سفیر افغانستان در پاریس جنرال محمد نادر خان که در ارتباط روابط فرهنگی بین افغانستان و فرانسه نقش اساسی را

داشت بعد از معاهده به خبرنگار جریده ـ جورنال ـ گفت که پادشاه افغانستان اعلیحضرت امان الله خان از دوستداران نهضت تعلیمی و زبان فرانسوی است و تمام پیشنهادات تقدیم شده از طرف هئیت فرانسوی را در میدان تعلیم و تربیه تطبیق نمود • ( ۸۷ )

هیأت دوم فرانسوی بریاست دکتور ـ الفرد فوشیه ـ استاد پوهنتون پاریس بدعوت امان الله خان بکابل آمد • هیأت الفرد فوشیه بعد از مطالعات عمیق پروگرام کامل جهت ارتقای تعلیم به پادشاه پیش نمود که مورد قبول امان الله خان قرار گرفت همچنان هئیت تعلیمی فرانسه بریاست الفرد آمادگی خود را برای تأسیس مکاتب مثل مکاتب فرانسه اعلان کرد • ( ۸۸ )

در مارچ ۱۹۲٦ وزارت معارف معاهده کلتوری با دولت المان بامضاء رسانید که باساس معاهده بین دولتین هیأتی از وزارت معارف المان بریاست ـ دکتور ایفن ـ به کابل آمد• هیئت المانی مانند هئیت فرانسوی ، وزارت معارف افغانستان را در تأسیس مدارس و قوانین معارف همکاری نمود • امان الله خان در ختم وظیفه هیأت المانی از دکتور ـ ایفن ـ دعوت نمود تا در افغانستان باقی مانده در اداره بعضی مدارس افغانی کمک نماید که ایفن دعوت پادشاه افغانستان را قبول نمود • ( ۸۹ )

افغانستان معاهدات کلتوری و ثقافتی را با کشور ایتالیه ، بلجیک ، ترکیه ، هندوستان و روسیه بامضاء رسانید که مطابق مواد آن متخصصین کشور های مذکور جهت همکاری در شئون تعلیم و تربیه و تأسیس مدارس به افغانستان آمدند• ( ۹۰ )

از مواد معاهدات کلتوری که دولت افغانستان با کشورهای خارجی خصوصا کشور های اروپائی بامضاء رسانید میتوانیم هدف و نیت صادقانه پادشاه جوان را در ترقی معارف در افغانستان درک نمائیم و دولت افغانستان مطابق معاهدات کلتوری و مشوره های مشاورین خارجی در تأسیس مدارس و پروگرامهای تعلیمی قدمهای عملی برداشت •

نشر تعلیم و تربیه باساس جدید که از ظواهر حکومت امان الله خان است احتیاج به عمل شبانه روزی داشت که پادشاه برای تحقیق آن زحمات زیادی را متحمل شد و همچنان نظام تعلیمی جدید قوانین جدید را میخواست که وجود متخصصین خارجی امان الله خان را در تدوین آن

همکاری نمود • مطالعهٔ قوانین معارف در عصر امان الله خان که بیانگر اصلاحات آن عصر است از ضروریات تاریخی بحساب میآید که به بعضی از آن بطور خلاصه اشاره میشود •

در مقدمه قوانین معارف ـ نظامنامه معارف افغانستان ـ است • قانون معارف جدید مراحل تعلیم ابتدائی ، اعدادی ، و ثانوی را شرح میدهد و همچنان وظائف هیأت تدریس و شکل انتخاب آنرا • نظامنامه معارف افغانستان بودجه وزارت معارف و صلاحیت وزیر معارف و مسئولیت وی را در مقابل حکومت واضح میسازد •

باساس قانون جدید مرحله تعلیم ابتدائی برای ذکور و اناث اجباری بود • و جوانان مطابق قانون تا دریافت شهادت نامه ثانوی حق ازدواج را نداشتند • قانون جدید تعلیم نسوان را در مدارس وزارت معارف اجباری ساخت و مرحله ابتدائی را بین ذکور و اناث مختلط پیشنهاد کرد • (۹۱) لیکن در جریان مناقشه قانون تعلیم دختران وکلای لویه جرگه ۱۳۰۳ مخالفت نموده توصیه نمودند که دختران در خانه و نزد محرم خود تعلیم بیآموزند•

ماده ۲۵ قانون معارف مواد ذیل را جهت تدریس در مکاتب معرفی کرد : ( حساب ، هندسه ، ساینس ، تاریخ ، جغرافیه ، علوم اسلامی و اساسات آن و موادیکه مربوط به اسلام است ، ادبیات پشتو و ادبیات فارسی ، ادبیات ترکی ، ادبیات فرانسوی ، ادبیات المانی ، ادبیات انگلیسی •

قانون معارف مرحله ابتدائی را چهار سال و اعدادی را سه سال و ثانوی که بنام رشدی یاد میشد چهار سال تعین نمود •

وزارت معارف قوانین دیگری نیز جهت بهبود سویه تعلیمی و تنظیم امور مدارس تدوین و به چاپ رسانید که مهمترین آن قانون ـ نظامنامهٔ مکاتب خانگی ـ است • قانون مکاتب خانگی مدارس غیر حکومتی را تنظیم می نمود • در افغانستان مدارس غیر دولتی نسبت به مدارس دولتی زیادتر بود و قانون جدید برای دولت حق مداخله را در اداره مدارس غیر دولتی بیشتر میداد • اعلیحضرت امان الله خان در مرحله اول حکم اش ۱۹۱۹ ـ ۱۹۲۵ قادر نشد قانون معارف را بالای مدارس غیر حکومتی تطبیق نماید و ادارات مدارس شخصی که عموما مدارس اسلامی

بودند برای دولت حق مداخله را در شئون اداری و نظام تعلیمی خود ندادند و از پروگرام تعلیمی وزارت معارف پیروی ننمودند•

قانون ـ نظامنامۀ دارالمعلمین و نظامنامه دارالمعلمات ـ چنانچه از نام آن پیدا است دارالمعلمین و دارالمعلمات را تنظیم می نمود • این دو مدرسه برای تربیه معلم برای وزارت معارف تأسیس شد •

ـ نظامنامۀ نشانات معارف ـ این قانون مراتب مدال را برای اعضای معارف تعیین میکرد باساس قانون مذکور نشان معارف اعلی ترین نشان در دولت بود •

اجباری بودن تعلیم در مرحله ابتدائی مطابق ماده ٦٨ قانون معارف از سن ٦ تا ١١ مشکلات اجتماعی بزرگی را برای اجتماع فقیر افغانستان بوجود آورد خصوصا که ادارات وزارت معارف در ولایات قانون را بشدت مورد تطبیق قرار دادند و در تطبیق آن از قوای امنیتی کار گرفتند • تطبیق اجباری تعلیم اولیای امور را تهدید به زندان در حالت عدم فرستادن اولادهای شان به مدرسه مینمود و آنها ها که عموما از طبقات فقیر کشور بودند از کمک اولادهای خود در کسب و کار خاص خود محروم میشدند•

در حالت عدم حضور شاگرد برای یک روز در مدرسه مدیر مکتب شاگرد را جلب نموده جزای سنگین میداد • در نتیجه ای تطبیق اجباری تعلیم رشوت بین مامورین تعلیمی انتشار یافت و اولیای امور برای خلاصی اولاد خود برای مدیر مکتب رشوت میدادند تا اولاد ها در امور زراعت پدران خود را همکاری کنند • (۹۲)

لویه جرگه ۱۳۰۳ ـ ۱۹۲٤ ، ماده ٦٨ قانون معارف را که اجباری بودن تعلیم برای مرحله ابتدائی بود لغو نمود • و همچنان قانون منع ازدواج جوانان مگر بعد از دریافت شهادتنامه مرحله ثانوی را غیر قانونی اعلان کرد • در سال ۱۹۲۸ پادشاه بار دیگر تعلیم ابتدائی را اجباری اعلان کرد و ازدواج جوانان را قبل از حصول شهادتنامه ثانوی غیر قانونی دانست • (۹۳)

با تمام کوشش ازطرف دولت تعدادی زیادی از اتباع افغانستان حاضر نشدند اولاد خود را به مکاتب دولتی بفرستند • اتباع افغانستان در تشویش بودند که معلمین خارجی مبشرین دیانت

مسیحی اند و برای نشر عقائد مسیحیت به افغانستان آمده اند ۰ پادشاه مجبور بود تا از نظام معارف جدید خود حمایت نماید و ملت را تشویق به همکاری به وزارت معارف سازد برای این منظور بیانیه ذیل را ایراد نمود :

( مقدمه : حمد و ثنای حضرت خداوند۰۰۰۰۰ اگر شما حقیقتا خواهان ترقی و برتری باشید پس در تعلیم و تعلم آموختن علوم و فنون زیاده بر زیاده بکوشید ، امروز که ما شما علماء و فضلا را بنظر عزت و احترام مینگریم تماما از برکت علم است باید پیش از پیش در تحصیل آن بکوشید !
هر کسیکه خیال و آرزوی خشنودی و رضای الهی و شناسائی خداوندی را داشته باشد بیواسطهٔ علم بر مقاصد خود کامیاب نخواهد شد گویا نجات آخرت ما علم است ۰
آیا نمی بینید و خجالت نمیکشید ازان اشخاصیکه نسبت بما و شما عالم وصاحب کمال و عزت و اجلال هستند بر ما فخر ها میکنند۰ )
امان الله خان در اخیر بیانیه خواست برای ملت واضح سازد که مدارس افغانستان از هر نوع تبلیغات سوء دور است و دشمنان افغانستان نمی خواهند اولاد افغان تعلیم یافته شود گفت :
( حکومت شما و من عاجز کوشش ها کردیم و مکتب ها از برای تحصیل علم جهت اولاد های شما ملت تشکیل دادیم پس چرا کاهلی مینمائید و در اخذ تعلیم تنبلی میورزید۰
عناد و خصومتی را که دشمن های شما در دلهای تان می اندازد که در مکاتب شما علم دنیا جاریست ، کاملا غلط است ( الحمد الله ) همه شما عاقل و صاحب فهمید و خوب میدانید که فقط علم دنیا بمدارس ما جریان ندارد بلکه تعلیمات دینیه و مسائل اخرویه و عقائد اسلامیه در آنها بکمال خوبی و درستی تعلیم داده میشود ، چنانچه حالا معلومات دینیه عموم طلبه صنف ابتدائیه سائر مکاتب ما نسبت بطبقهٔ عامه بعضی علمای عصر حاضره کمتر نخواهد بود ، و ما علوم اخرویه و فنون دنیویه را نیز از اینجهت یکجا در مکاتب خویش جاری داشته ایم که ما در دین و دنیا کار داریم و دشمنهای ما فقط در دنیا و از آخرت محروم وبی نصیب اند۰ ۰۰۰۰ ۰۰۰۰۰ یک شخص نمیتواند که همه علوم را برای یکفرزند خویش در خانه تعلیم دهد و یا

معلمی را مخصوصا برای وی تخصیص کند ، ازینرو حکومت شما برای تان مدارس متعددی طرح افگند و معلمین مزیدیرا در آنها مستخدم نمود ، و علوم دینیه و فنون دنیویه را دران جریان داد و مصارفات و پول آنرا دولت متعهد گشته تا شما بکمال اطمینان فرزندان خود را دران تعلیم دهید ، از برایخدا اولادهای خود را چرا در مکاتب داخل نمکنید • و در مقابل اینهمه زحمات و دلسوزی حکومت خویش ، شما چرا تنبلی و کاهلی نموده بر حیات و زندگانی آیندهٔ پسران خویش حسرت نمیخورید و دلسوزی نمیکنید که بی علم و جاهل وبی کمال میمانند. والله - اگر شما بمکاتب نرفتید خود را بدست خود خراب مینمائید• ) ( ٩٤ )
لیکن با تمام زحمات حکومت و شخص پادشاه انقلاب کلتوری امان الله خان در عصر خودش در نتیجه عدم درک افراد ملت و قیام انقلابات ثمر نداد لیکن اساس معارف افغانستان گذاشته شد و حکومات بعدی توانستند آنرا عملی سازند•

مدارسیکه در عصر اعلیحضرت امان الله خان تأسیس یافت زیاد بود که در این جا فقط به مهمترین آن اشاره مینمائیم و تفصیلات را به تحقیق جداگانه میگذارئیم •
اولین مدرسه ، مدرسهٔ - امانیه - بود که در سال ١٩٢٢ زیر نظر و اداره متخصصین فرانسوی که ریاست آنرا " **DR . TENEBRE** " داشت تأسیس شد و تعدادی از معلمین فرانسوی و ١٢ معلم افغانی در آن مشغول تدریس بودند و تعلیمات بزبان فرانسوی بود •
مدرسه دوم مدرسه - امانی - بود که مانند مدارس المانی تأسیس یافت و اولین مدیر آن دکتور ایفن المانی بود که وی را تعدادی از معلمین المانی و افغانی همکاری میکرد • زبان اول در مکتب امانی زبان المانی بود و تعداد شاگردان آن زیادتر از صد شاگرد میرسید • ( ٩٦ )
در ١٩٢٣ امان الله خان فرمانی صادر نمود که باساس آن مدرسه حبیبیه از اعدادی به ثانوی ارتقاء یافت و زبان اول در مدرسه حبیبیه انگلیسی بود• ( ٩٧ )
در ١٩٢٤ مدرسهٔ - دارالعلوم عربی - که مدرسه اسلامی بود تأسیس شد زبان اول مدرسه عربی بود و تعدادی از معلمین عرب در آن در پهلوی معلمین افغانی تدریس مینمودند•
مدرسه - دارالحفاظ - در ١٩٢٤ در کابل تأسیس شد که هدف آن تعلیم قرآنکریم و حفظ آن

بود • در سال ١٩٢٥ مدرسهٔ اسلامی بنام ـ مدرسهٔ وعظ و ارشاد ـ در کابل تأسیس یافت که در آن علوم مربوط به قرآن کریم و حدیث شریف و اسلوب خطابت و ارشاد اسلامی تدریس میشد و زبان عربی زبان اول مدرسهٔ بود • (٩٨)

در ١٩٢٤ مدرسه عالی ـ غازی ـ باساس مدارس هند تأسیس شد که تعدادی از معلمین هندی در آن مشغول تدریس بودند و حکومت انگلستان نیز مساعدت نمود • زبان خارجی در مدرسه غازی انگلیسی بود • (٩٩)

حکومت ترکیه در انشاء مدارس در افغانستان کوشش زیادی نمود و ترکها مدرسه ـ مکتب حکام ـ را در کابل تأسیس نمودند که معلمین ترکی در آن مشغول تدریس بودند • مکتب حکام برای دولت مامورین اداری تربیه میکرد • زبان ترکی در مکتب تدریس میشدو پروگرام درسی مانند مدارس ترکیه بود • (١٠٠)

جهت تعلیمات زبانهای خارجی ـ مکتب زبانهای خارجی ـ در کابل تأسیس یافت که زبان انگلیسی ، فرانسوی ، المانی ، ترکی ، عربی در آن تدریس میشد • (١٠١)

در سال ١٩٢٣ مدرسه ـ قضات ـ تأسیس شد که قضات از فارغان این مدرسه تعیین میشدند • شاگردان مدرسه از طرف اداره آن بورس تعلیمی دریافت مینمودند که در نهایت هر ماه برای شاگرد داده میشد • داخل شدن به مدرسه قضات شرایط خاصی بخود داشت و باید شاگرد امتحان دخول را در ـ صرف ، نحو ، فقه ، و تعدادی از کتب در مذهب امام ابو حنیفه و هدایه والقدوری و کنز میگذشتاند • (١٠٢)

در سال ١٩٢٨ مدرسه ای برای تربیه ملا ها تأسیس یافت و قرار فیصله حکومت ملا در مسجد بغیر از فارغان مدرسه ملا ها تعین نمیشد و همچنان معلمین مضامین دینی در مکاتب وزارت معارف از جمله فارغان این مدرسه تعین میشدند • (١٠٣)

برای تعلیم اولاد کوچی ها دولت پروگرامی تربیوی و تعلیمی خاصی را بوجود آورد و مدارس متنقل را تأسیس نمود • لیکن کوچی های افغانستان علاقه ای از خود نسبت به مدارس متنقل برای تعلیم اولاد خود نشان ندادند •

در سال ١٩٢١ اکادمی عسکری در کابل تأسیس یافت که رئیس آن جنرال محمود سامی بود و

استادان ترکی در مدرسه اجرای وظیفه می نمودند۰
هچمنان در کابل مدرسهٔ تلگرام ، پست ، رسامی ، مدرسه پولیس ، مدرسه موسیقی و رشدیه در هرات و در مزارشریف و قطغن تاسیس گردید که تعداد اجمالی مدارس در عصر امان الله خان به ۳۲۲ مدرسه میرسید ۰

تعداد شاگردان مدارس ابتدائی تا سال ۱۹۲۷ به ( ۵۱۰۰۰ ) و شاگردان مرحله ثانوی به ( ۳۰۰ ) میرسید ۰ تعداد معلم های مرحله ای ابتدائی ـ ٦۵۰ ـ معلم و مرحله اعدادی و ثانوی ـ ۱۰۰ ـ معلم میرسید ۰

وزارت معارف در سالهای ۱۹۲۳ ـ ۱۹۲۷ بتعدادی ـ ٦۹۳۵۷۵ ـ جلد کتاب برای مدارس به طبع رسانهد و کتب تعلیمی مجانی برای شاگردان توزیع میشد ۰ (۱۰٤)

برای رفع مستوای تعلیمی امان الله خان وعده داد که در تمام ولایات افغانستان مدارس اعدادی و ثانوی تأسیس خواهد شد و مدارس موجوده در کابل به اعدادی و ثانوی تبدیل میشود (۱۰۵)

با استفاده از قانون مکاتب خانگی بعضی از افراد ملت در راه علم خدمات قابل قدری نمودند و مدارس شخصی را تأسیس کردند۰ در ۱۹۲۳ در جلال آباد مدرسهٔ ـ راستی ـ تأسیس شد و مردم مشرقی معاشات معلمین را رضا کارانه قبول نمودند ۰ جنرال محمد نادر خان به همکاری مردم ـ علی آباد ـ ـ مکتب طبیه ملیه امانیه ـ را تأسیس نمود و نادر خان مبلغ ۲۵ هزار افغانی برای تأسیس مدرسه هدیه داد و مردم ۱۰۵ جریب زمین برای مصارف مدرسه وقف نمودند(۱۰٦) در سال ۱۹۲۸ ـ کورس اکابر ـ جهت تعلیم بزرگ سالان در کابل تأسیس شد که بعدا اسم آن به ـ صوت غازی ـ تبدیل گردید و امان الله خان یکی از معلمین آن بود ۰ (۱۰۷)

دولت برای استکمال تعلیمات عالی تعدادی از شاگردان افغانی را به خارج فرستاد و کشورهای دوست برای شاگردان افغانی بورس تعلیمی تقدیم نمودند (۱۰۸) ۰ جریده حقیقت از فرستادن تعدادی از شاگردان به روسیه راپور میدهدو می نویسد که این یک چانس طلائی برای جوانان افغانستان است تا از تجربه های دیگران مستفید شوند ۰ (۱۰۹)

مجلس شوری در دوره سال ۱۹۲٤ خود موافقت نمود تا تعدادی از شاگردان افغانی جهت تحصیلات به خارج فرستاده شوند ، وکلاء اضافه نمودند که با هر گروپ از شاگردان یک رهنمائی دینی برای مراقبت شاگردان و ارشاد شان در امور اسلامی همراه باشد • با استفاده از بورس تعلیمی حکومت فرانسه ـ ٤٤ ـ شاگرد افغانی که در بین شان امیر هدایت الله خان ولی العهد و سردار محمد ظاهر خان بود عازم فرانسه گردیدند•
حکومت المان به پیشنهاد محمد ولی خان جهت قبولی شاگردان افغانی به پوهنتونهای المان موافقه نمود و تعداد ـ ٤٠ ـ شاگرد افغانی که برادر امان الله خان در جمله ایشان بود عازم المان شدند • در ۱۹۲۷ حکومت ایتالیه ضمن استقبال از پادشاه افغانستان ـ ٦٠ ـ بورس تعلیمی برای شاگردان افغانی تقدیم نمود که فورا وزارت معارف ٦٠ شاگرد افغانی را به ایتالیه ارسال نمود (۱۱۰) •

حکومت افغانستان جهت فرستادن شاگردان افغانی به بورسهای تعلیمی کشور های دوست اکتفاء نکرده تعداد زیادی را به مصارف دولت به فرانسه ، ایتالیه ، ترکیه ، روسیه ارسال نمود که ضمن این شاگردان و برای بار اول تعدادی از دختران افغانی نیز بودند • (۱۱۱) • فرستادن شاگردان افغانی به خارج دولت افغانستان را مجبور به مصارف ( ۵۰،۰۰۰ ) پوند استرلینگ ساخت که مبلغی بزرگی برای اقتصاد فقیر افغانستان در آن وقت بود • چون بودجه دولت طاقت مصارف تعلیمی را نداشت برای حل آن پادشاه مالیه تعلیمات را که پنج فیصد بود بر مالیات عادی اضافه کرد •

ملت افغانستان بشدت مالیهٔ جدید را انتقاد نمودند و از دولت دعوت نمودند که شاگردان را به مصارف دولت بخارج نفرستد • علمای افغانستان با انتقادات ملت یکجا شدند و از آیندهٔ اسلامی شاگردان افغانی در خارج از خود پریشانی نشان دادند تا اینکه امان الله خان موافقه نمود تا با هر گروپ از شاگردان یک ملا همراه باشد و پادشاه طی بیانیه ای از تمام شاگردان افغانی دعوت نمود تا دین اسلام را احترام نموده شعائر اسلامی را بجا آورند و اضافه کرد در صورتیکه شاگرد شعائر اسلامی را بجا نیآورد از طرف دولت مورد سؤال قرار گرفته جزاء داده میشود • (۱۱۲)

تعلیم جدید در عصر اعلیحضرت امان الله خان شامل طبقه نسوان افغانستان نیز بود • ملکه ثریا به همکاری مادر سوریائی اش اولین انجمن ـ حمایت نسوان ـ را در افغانستان تأسیس کرد که مهمترین وظیفه انجمن نسوان رهنمائی زنان افغانستان در شئون اجتماعی و تأسیس مدارس برای زنان افغانستان بود • انجمن اولین مدرسه نسوان را در ۱۹۲۸ در کابل تأسیس نمود که تعداد شاگردان آن به ۸۰۰ شاگرد میرسید • ( ۱۱۳ ) •
تحت نظر مؤسسه انجمن حمایت نسوان مدرسه تربیه معلمات برای مرحله ابتدائی تشکیل گردید و همچنان مدرسه تربیه اجتماعی بنام ـ مدرسه تدبیر منزل ـ تأسیس شد که معلمات المانی در آن مشغول تدریس بودند• ( ۱۱٤ ) • مدرسه بزرگ سالان بنام ـ کورس اکابر ـ در کابل تأسیس شد که مدیر آن ملکه ثریاء بود •
در ۱۹۲۸ امان الله خان تعلیم مرحله ابتدائی را بین ذکور و اناث مشترک اعلان نمود و طبق فرمان پادشاهی تعلیمات مرحله ابتدائی برای دختران اجباری شد• ( ۱۱۵ ) •

در ۱۹۲٤ اعلیحضرت امان الله خان پروگرام تعلیمی اناث را به مجلس شوری پیش نمود لیکن از طرف اکثریت وکلای ملت بشدت مورد انتقاد واقع شد • وکلاء تعلیم دختران را خارج منزل غیر اسلامی دانستند و اضافه نمودند که چون مدارس نسوان بدون مشوره وکلای ملت تأسیس یافته باید فورا مسدود گردد • وزیر معارف آقای فیض محمد خان زکریا و مسؤل تعلیمات نسوان آقای محمد اکرم خان کوشش نمودند تا رضایت و موافقه مجلس را در ادامه تعلیمات نسوان بدست آورند لیکن موفق نگردیدند • پادشاه در نتیجه فشار انقلاب خوست و شکست قوای نظامی اش در میدان جنگ حاضر شد به پیشنهادات وکلای ملت سر تسلیم فرود آورده تمام مدارس نسوان را مسدود ساخت لیکن در ۱۹۲۷ و بعد از سفر پادشاه به اروپا تمام مدارس بار دوم افتتاح گردید•
محترمه ـ حنیفه خوری ـ یکی از طرفداران نهضت زنان مصر مدارس نسوان افغانستان را اینطور تعریف میکند :
( از طرف وزیر معارف افغانستان برای بازدید مدارس زنان و نهضت زنان افغانستان دعوت شدم •

واقعا نهضت بی نظیر را در امور زنان افغانستان مشاهده نمودم و در جریان سفر خود از مدارس ذیل دیدن کردم : ـ حبیبیه ، امانیه ، رسامی ، زراعت ، مدرسهٔ مستورات و تعجب کردم از نظام تعلیم و ادارهٔ عالی مدرسهٔ مستورات که تحت اداره ملکه ثریاء بود ۰ ملکه افغانستان در راه ترقی و پیشرفت مدرسه کوشش های زیادی مینمود۰ ملکه را در ادارهٔ مدرسه مادرش که مدیر مدرسه نیز بود همکاری مینمود ۰ مدرسهٔ مستورات به هشت شاگرد افتتاح شده بود با اینکه ملت افغان شدیدا از تأسیس مدرسهٔ مستورات متأثر و غمگین بودند تعداد شاگردان آن در مدت بسیار کوتاه به هزار شاگرد رسید۰

نهضت نسوان افغانستان در راه تقدم علمی و ثقافتی افغانستان نقش مهمی را بازی میکنند و ملکهٔ افغانستان یک لحظه از غم مدرسه و پیشرفت نهضت نسوان دور نیست ۰ ملکهٔ افغانستان از روش کاملا دیموکراسی پیروی میکند ۰ دختران ملکه و خواهران پادشاه با دختران عادی افغان در یک مدرسه تعلیم میآموزند و تمام شاگردان مدرسه چه از خانوادهٔ سلطنتی و خانواده های عادی افغانستان لباس عادی را در مدرسه که یک شکل را دارد میپوشند۰ (۱۱٦)

با تمام کوشش های دولت در نشر معارف و تعلیمات جدید ، اتباع افغانستان از آن استقبال نکرده در پیروی از نظام قدیم تعلیم که در مساجد صورت میگرفت ادامه دادند ۰ تبلیغات داخلی و خارجی علیه انقلاب کلتوری امان الله خان مانع نشر ثقافت جدید در افغانستان گردید که البته طرز العمل شخص پادشاه و مسئولین امور معارف در تحقیق یافتن تبلیغات علیه معارف جدید معاونت نمود ۰ وجود معلمین اروپائی غیر مسلمان را اکثر مردم افغانستان قبول نداشتند و فکر میکردند که معلمین غربی مبشرین دیانت مسیحیی در افغانستان اند و باید علیه ایشان مبارزه کرد که نفرستادن اطفال به مدرسه شکلی از اشکال مخالفت با استادان غربی بود۰

امان الله خان تا قبل از سفر خود به اروپا و ترکیه و ایران با مخالفین خود در امور سیاسی و معارف و شئون اجتماعی از احتیاط کار میگرفت لیکن بعد از بازدید از کشورهای فوق و خصوصا ترکیه و ایران اسلوب کمال اتاتورک و رضا شاه را در از بین بردن مخالفین شان الله خان پیروی نمود ۰

سیاست جدید پادشاه برای ضعیف ساختن مخالفین مبنی بر استخدام قوی نظامی و شدت در تطبیق اصلاحات بود ۰ در مقدمه امان الله خان مخالفین نظام جدید تعلیمی خود را متهم به جهل نمود و خاطر نشان ساخت که هر فرد از افراد کشور که علیه اصلاحات کلتوری دولت قیام کند نتیجهٔ عمل خود را دیده از موقف خود مسئول خواهد بود ۰

در ماه اکتوبر سال ۱۹۲۸ امان الله خان در حضور جمع غفیری از افراد قوای نظامی علمای اسلامی افغانستان و طبقه ملا را محکوم نموده ایشانرا جهلای قرن معرفی نمود و اضافه کرد که : ـ ( من پادشاه انقلابی ام و هرکه علیه انقلاب کلتوری من قیام کند شما برای نابودی اش عمل نمائید ۰ من در نشر تعلیم و تربیه غربی ادامه خواهم داد ۰ از مخالفین و قوت شان ترس در دل ندارم ۰ ) (۱۱۷)

مخالفین تهدیدات پادشاه را نسبت به خود احساس نموده در تنظیم صفوف خود کوشیدند و مخالفت زبانی را به مخالفت عملی تبدیل کردند که بهترین نمونه آن انقلابات داخلی علیه نظام امان الله خان بود ۰ اعلیحضرت امان الله خان در تطبیق اصلاحات تعلیمی خود شرائط اجتماعی افغانستان را از نظر انداخته بود و نباید افغانستان و ملت آنرا به ملت و زعامت ایران و ترکیه مقایسه مینمود ۰

مرحوم استاد خلیل الله خان خلیلی پادشاه را در مورد عملی نمودن اصلاحات تعلیمی اش مورد انتقاد قرار داده میگوید : ( اعلیحضرت امان الله خان تابع عواطف و احساسات خود بود و از عقل و مطالعهٔ اوضاع اجتماعی و فکری افغانستان استفاده نمیکرد ۰ جای شک نیست که امان الله خان پادشاهی وطن دوست و جوانی با ثقافت بود لیکن از رسم و رواجهای عنعنوی افغانستان اطلاع نداشت و بین قوت و نفوذ مخالفین نظام اتاتورک و نظام رضا شاه و مخالفین نظام خود مقایسه نکرد ۰ ) (۱۱۸)

## شئون کلتوری : ـ

اصلاحات اعلیحضرت امان الله خان در شئون کلتوری و ثقافتی کمتر از اصلاحات وی در شئون معارف نیست • نشر مجلات و جرائد در تکوین و تربیهٔ فکری نسل جوان افغان رول اساسی را بازی نمود • نشر اخبار عالم خارجی و خصوصا پیشرفت های علمی اروپا سبب بیداری جوانان افغانستان گردید • جرائد و مجلات افغانستان در انتقاد علیه حکومت افغانستان از سیاست لیبرالی تعقیب میکردند و در انتقاد علیه دولت سکوت نمیکردند•

نشر جرائد و مجلات منحصر به دولت نبود بلکه باساس ماده دهم قانون مطبوعات هر فرد از افراد افغانستان حق نشر جرائد و مجلات را داشت •

در نومبر سال ١٩٢٤ مجلس وزراء قانون جدید مطبوعات را بنام ـ نظامنامهٔ مطبوعات ـ به چاپ رسانید • نظامنامه جدید وظیفه و مسئولیت مجلات و جرائد را در نشر اخبار داخلی و خارجی واضح ساخت و کنترول دولت را در نشر اخبار قانونی اعلان کرد • در قانون آمده بود که جرائد و مجلات بدون اجازهٔ قبلی حکومت حق نشر اخبار خارجی را ندارند و حکومت مطابق سیاست خارجی خود حق دارد اخبار خارجی را سانسور کند •

قانون جدید مطبوعات و تشویق دولت برای نشر جرائد و مجلات سبب گردید تا در مدت کوتاهی ٢٢ جریده به زبانهای پشتو و دری به چاپ برسد که دولت از بودجه خود مصارف تعداد زیادی از جرائد را میپرداخت مثل جریدهٔ اتحاد مشرقی در ١٩١٩ به مدیریت مرحوم برهان الدین کشککی در هر پانزده روز به چاپ میرسید • جریده امان افغان به مدیریت مرحوم محمود طرزی بود که این جریده لسان رسمی دولت بود•

جریدهٔ غازی در ١٩١٩ و سراج الاطفال در ١٩١٩ و جریده اصلاح در ١٩٢١ آغاز به نشر کردند • جریده ارشاد نسوان به مدیریت ملکه ثریاء و مجلهٔ عسکری بنام ـ اردو ـ به مدیریت غوند مشر عبداللطیف خان و مجلهٔ آئینه عرفان در ١٩٢٤ ، پشتون زغ در ١٩٢٨ ، جریدهٔ مکتب در ١٩٢٩ ، جریدهٔ طلوع افغان و جریدهٔ ثروت شروع به نشر نمودند • جریده امان افغان در

١٩٢٧ به روزنامه تبدیل شد ۰

در ولایات افغانستان در ١٩٢٠ جریدهٔ هفته وار ـ اتفاق اسلام ـ در هرات به مدیریت عبدالله خان هروی ، جریدهٔ اتحاد در ولایت خان آباد در ١٩٢١ ، جریدهٔ ابلاغ که مخصوص اعلانات بود و جریدهٔ بیدار در ١٩٢٢ در ولایت مزارشریف ، جریدهٔ حقیقت در ١٩٢٤ ، جریدهٔ ستاره افغان در ١٩٢٠ در ولایت جبل السراج ، جریدهٔ طلوع افغان در ١٩٢١ در ولایت قندهار ، جریدهٔ نسیم سحر در ١٩٢٧ به مدیریت احمد راتب خان و بعدا عبدالهادی خان داوی آغاز به نشر کردند ۰

در ١٩٢٨ جریدهٔ نوروز در هشت صفحه به مدیریت میرزا محمد خان و جریدهٔ انیس به مدیریت و امتیاز صاحب آن محی الدین خان انیس در ١٩٢٧ شروع به نشرات نمودند که هر دو جریده ملی و غیر حکومتی بودند ۰ ( ١١٩ )

در ١٩٢٧ دولت به تأسیس رادیو افغانستان اقدام نمود لیکن رادیو در عصر امان الله خان تکمیل نشده در عهد اعلیحضرت محمد نادرخان در ١٩٣٣ آغاز به نشرات نمود ۰

در نشر ثقافت امان الله خان اولین سینما را در کابل تأسیس نمود ۰ در ١٩٢٧ و ١٩٢٨ سینمای کابل به نمایش فلم هائی از سفر امان الله خان به خارج افتتاح شد ۰ سینمای کابل در اثر انقلاب و سقوط حکومت امان الله خان مسدود گردید ۰ ( ١٢٩ )

در شهر پغمان امان الله خان اولین صحنهٔ تمثیل را افتتاح نمود ۰ در تأسیس و آموختن هنر تمثیل هنرمندان فرانسوی به کابل دعوت شدند ۰ ملت افغانستان تمثیل را که عموما با رقص فرانسوی همراه بود خلاف عقیدهٔ اسلامی تعبییر نمودند و صحنهٔ تمثیل را خانهٔ فساد و بد اخلاقی نام نهادند ۰ انقلابیون بعد از استیلاء برکابل صحنهٔ تمثیل را مسدود ساختند ۰ ( ١٢١ )

برای حفظ آثار تاریخی امان الله خان در جوار قصر خود در دارالامان موزیم کابل را افتتاح نمود ۰ وزارت کلتور در ٢٨ ابریل سال ١٩٢٢ معاهدهٔ ثقافتی را با دولت فرانسه بامضاء رسانید که به اساس معاهدهٔ مذکور دولت فرانسه حق حفریات باستانی را در افغانستان حاصل نمود و دانشمندان فرانسوی به افغانستان آمدند۰ معاهدهٔ مذکور در عهد سلطنت اعلیحضرت محمد نادر

خان و بار سوم در عهد سلطنت اعلیحضرت محمد ظاهرخان با فرانسه تجدید گردید ۰
موزیم کابل آثار تاریخی افغانستان را برای استفادهٔ مؤرخین افغانی و خارجی و دوستداران فرهنگ اصیل افغانستان برای مدت یک قرن حفظ نمود ۰ روسها تعدادی از آثار تاریخی موزیم کابل را بسرقت بردند ۰ بار دوم در نتیجهٔ جنگهای داخلی بین احزاب جهادی برای گرفتن قدرت در کابل موزیم کابل مورد هجوم و سرقت قرار گرفت ۰

اعلیحضرت امان الله خان در راه پیشرفت معارف و کلتور در افغانستان زحمات قابل قدری را متحمل شد که تاریخ افغانستان وی را مؤسس نهضت علمی افغانستان در عصر معاصر میداند ۰
جوانان تعلیم یافتهٔ افغان و مشاورین خارجی امان الله خان را در نشر ثقافت جدید در اجتماع افغانستان مخلصانه همکاری نمودند و با تمام قوت و اخلاص در عقب پادشاه افغانستان باقی ماندند ۰
بیداری سیاسی و نهضت علمی معاصر افغانستان مدیون نظام تعلیمی عصر امانیه میباشد ۰ در نتیجهٔ اصلاحات اداری و اصدار قوانین در شئون معارف و کلتور افغانستان برای بار اول صاحب ادارهٔ مستقل فرهنگی گردید و وزارت معارف مقام اول را در بین وزارت های دولتی نائل شد۰
وزارت معارف افغانستان در عصر امانیه موفق به تأسیس عده زیادی از مدارس در انحای افغانستان شد و تعداد شاگردان مدارس افغانستان در اواخر سال ۱۹۲۷ به ۵۱۰۰۰ شاگرد میرسید ۰
دولت در نشر ثقافت و کلتور غربی کوشش های زیادی نمود و زبانهای المانی ، فرانسوی و انکلیسی را ضمن پروگرام درسی مرحله ابتدائی جای داد و در مرحله ثانوی زیادترین مواد درسی را بزبانهای خارجی تدریس مینمود ۰
دولت افغانستان اهمیت استفاده از علوم غربی را درک نموده بود و برای تحقیق این منظور افغانستان با کشور های خارجی اسلامی و غیر اسلامی معاهدات ثقافتی بامضاء رسانید که باساس آن تعدادی از شاگردان افغانستان جهت تعلیمات به خارج فرستاده شدند ۰ دولت افغانستان در راه تعلیمات شاگردان افغانی از سخاوت زیادی کار گرفت و با اینکه افغانستان

دولت فقیر بود تعداد زیادی از جوانان افغانستان را به کشور ایتالیه ، فرانسه ، روسیه ، ترکیه به مصرف دولت عزام نمود ٠
افغانستان از سیاست تعلیمی عصر امان الله در آینده اش مستفید شد و جوانان تعلیم یافته افغانی بعد از عودت شان به وطن اساس دولت جدید را گذاشتند و ستون فقرات دولت معاصر را تشکیل دادند ٠ مهمترین نتیجهٔ عودت شاگردان افغانی را از خارج پوهاند فاضل خان تأسیس پوهنتون کابل میداند و چنانچه برایم اظهار نمودند شاگردان افغانی در بازگشت اولین استادان پوهنتون کابل بودند ٠
سیاست تعلیمی امان الله خان منحصر به طبقهٔ ذکور نبوده بلکه شامل طبقهٔ نسوان نیز بود ٠ طبقه نسوان افغانستان برای اولین بار در تاریخ افغانستان حق تعلیم را بدست آوردند٠ اگر چه سیاست تعلیمی امان الله خان مورد هجوم مخالفین اش قرار گرفت لیکن طبقهٔ نسوان از پروگرام تعلیمی استفاده بزرگی را نمودند ٠

اجبار تعلیمات ابتدائی مورد نقد شدید مخالفین امان الله خان واقع شد ٠ لیکن اگر به سیاست تعلیمی عصر امان الله خان نظر انداخته شود ملاحظه میشود که در ابتداء دولت آزادی را برای اتباع خود در ثبت اسمای اولاد شان به مکاتب داد و برای تشویق اطفال به مکتب دولت معاش برای هر طفل مقرر کرد ٠ چون ملت به پروگرام تعلیمی پادشاه اهمیت نداد در این حالت امان الله خان قانون اجباری بودن تعلیم را صادر نمود ٠

نقاط قابل نقد در نظام وسیاست تعلیمی عصر امان الله خان زیاد است مثلا پادشاه در افتتاح مکاتب احتیاجات واقعی افغانستان را مورد نظر نگرفت ٠ دولت بدون توجه به اقتصاد ضعیف افغانستان و بدون موجودیت عدد کافی معلمین و هیأت تدریس تعدادی از مدارس را افتتاح نمود در حالیکه زیادترین آنها فقط اسم مدرسه را داشت و در حقیقت مدرسه نبود ٠ مدارس در ولایات افغانستان در پهلوی نشر ثقافت و تعلیم فساد اخلاقی را نیز نشر مینمود و ادارات مدارس در تحقیق امن و حمایت اطفال عاجز بود ٠

در مورد کلتور و نشر جرائد و مجلات دولت فعالیت های قابل قدری را نمود لیکن ملاحظه میشود که تعداد جرائد و مجلات زیادتر از تعداد خوانندگان بود و در اغلب اوقات جرائد فقط برای تعداد قلیلی از مردم میرسید در حالیکه دولت برای نشر آن مبالغ انکفتی را بمصرف میرسانید.

افتتاح صحنهٔ تمثیل و بازی کنان زن و مرد فرانسوی در آن ارتباطی به ثقافت افغانی نداشت . دولت مصارف هنگفتی را در خدمت تمثیل قرار داد و پروگرامهای تمثیلی اسباب عدم رضایت ملت را بوجود آورد و در اشتعال آتش انقلاب کمک نمود.

در حقیقت امان الله خان در وقت بسیار کم موفق شد انقلاب علمی و کلتوری را در افغانستان پیاده کند و در نتیجه نشر تعلیم جدید طبقهٔ تعلیم یافتهٔ جدید در اجتماع افغانستان تشکیل گردید که در آینده نزدیک خدماتی قابل قدری را در آیندهٔ علمی افغانستان بجا آوردند.

بر خلاف اصلاحات اجتماعی امان الله خان ، اصلاحات تعلیمی وی را ملت افغانستان مورد تأئید خود قرار دادند و مالیهٔ جدید تعلیم و تربیه را قبول نمودند. در نهایت می توان اضافه کرد که نشر تعلیم و ثقافت از علامات برازندهٔ عصر امان الله خان میباشد و تاریخ علمی و ثقافتی افغانستان در صفحات اش نقش اعلیحضرت امان الله خان را جاویدان نگه خواهد داشت .

## مراجع فصل سوم :


١ ـ ابو العينين ، فهمی ، مرجع سابق ، صفحه : ٣٩٢

٢ ـ POULLADA , LEON B . OP. CIT , PP : 92 - 93

٣ ـ IOR . L / P + S / 11 / 233 , P : 1730 . 192

٤ ـ GREGORIAN , VARTAN , OP . CIT . P : 251

٥ ـ الاخبار القاهريه ، ٢٨ جنوری ١٩٢٧

٦ ـ الاخبار القاهريه ، ٢٨ جنوری ١٩٢٧

٧ ـ اوراق لويه جرگه سال ١٣٠٣ و همچنان ، بخاری ، سيد شاه ، مرجع سابق صفحه ٨٩ و ٩١

٨ ـ اوراق لويه جرگه ١٣٠٣ ، صفحه : ١٠٧

٩ ـ اوراق لويه جرگه ١٣٠٣ صفحه : ٣٣٦

١٠ ـ اوراق لويه جرگه ١٣٠٣ صفحه : ٣٣٦ ، ٣٣٧ و همچنان " ADAMEC AFGHANISTAN FOREIGN AFFAIRS " p : 83

١١ ـ GREGORN , VARTAN , OP . CIT . PP : 248 - 249

١٢ ـ اوراق لويه جرگه ١٣٠٣ صفحه : ٣١١ . ٣١٤

١٣ ـ اوراق لويه جرگه ١٣٠٣ صفحه : ٣٢٠ و همچنان " SHAH ( I . A ) AFGHANISTAN " PP : 96 - 98

١٤ ـ قانون جزاء ماده ١٢٣ ، ١٣٤ ، ١٤٢ ، ١٤٣ .

١٥ ـ SHAH ( I . A ) OP . CIT . PP : 248 - 249

١٦ ـ ADMEC , OP . CIT . P : 83

١٧ ـ اوراق لويه جرگه ١٣٠٣ ، صفحه : ١٦١ . ١٦٦

١٨ ـ بخاری ، سيد شاه ، مرجع سابق ، صفحه : ٨٩

١٩ _ GREGORIAN , VARTAN . OP . CIT . P : 260

٢٠ _ اوراق لویه جرگه ١٣٠٣ صفحه : ٣٣٤ _ ٣٣٥

٢١ _ اوراق لویه جرگه ١٣٠٣ ، صفحه : ١٨٩د _ ٣٣٥

٢٢ _ اوراق لویه جرگه ١٣٠٣ ، صفحه : ١٦٧

٢٣ _ اوراق لویه جرگه ١٣٠٣ ، صفحه : ١٩٨ و همچنان POULADA , LEON B . OP . CIT . P : 104

٢٤ _ اوراق لویه جرگه ١٣٠٣ ، صفحه : ٢٦٥ _ ٣١٠

٢٥ _ ملاحظه شود وثیقه رسمی در آخر تحقیق و این وثیقه مربوط کتابخانه بنده میباشد ٠ و همچنان IBID و همچنان OULLADA . OP . CIT . P : 104

٢٦ _ MOHAMED , SULTAN , KHAN . OP . CIT . CH III . VOL : II

٢٧ _ SCHINASI , MAY . OP . CIT . CH : 5

٢٨ _ نامه ای اعلیحضرت امان الله خان برای دعوت انتخابات نشر شده در : اوراق لویه جرگه ١٣٠٣ صفحه : ٣

٢٩ _ SHAH ( I . A ) "AFGHAANISTAN " PP : 248 - 249

٣٠ _ لائحه تنظیمیه لویه جرگه دیده شود : اوراق لویه جرگه ١٣٠٣ صفحه : ٤٥ _ ٥٠

٣١ _ فرمانی پادشاهی دیده شود : اوراق لویه جرگه ١٣٠٣ صفحه ٧ ، ٨ ، ٩

٣٢ _ اوراق لویه جرگه ١٣٠٣ صفحه : ٥٩ ، ٦٠

٣٣ _ راجع به معاهدات دیده شود :
POLITICAL AND SECRET DEPARTMENT RECORDS :
IOR . L / P + S / II / 230 . P : 780 . 1923
IOR . L / P + S / II / 234 . P : 2511 > 1923
IOR . L / P + S / II / 249 . P : 3096 . 1924

٣٤ _ GREGORIAN , VARTAN . OP . CIT . PP : 248 - 249 AND SEE ALSO SHAH ( I . A ) OP . CIT . PP : 96 - 98

٣٥ _ اوراق لویه جرگه ١٣٠٣ ، صفحه : ٤٠٧ ، ٤١٣

۳٦ ـ اوراق لویه جرگه ۱۳۰۳ ، صفحه : ٤۰۷ ، ٤۱۳

ADAMEC , OP . CIT . P : 132 ـ ۳۷

GREGORIIAN . VARTN . OP . CIT . P : 259 ـ ۳۸

۳۹ ـ غبار ، میر غلام محمد مرجع سابق صفحه : ۷۹٦

٤۰ ـ بخاری ، سید شاه ، مرجع سابق ، صفحه : ۸۹

ADAMEC . OP . CIT . P : 292 AND ALSO SEE : DAA , ـ ٤۱
VERFASSUNGSFRAGEN IN AFGHANISTAN , AFGHANISTAN , NO . 2 -
1 . VOL : I . NO : 1857

٤۲ ـ در موضوع امیر شیر علی خان دیده شود : ADAMEC " WHO' OF
AFGHANASTAN " P : 243

٤۳ ـ در باره تنظیم نظام عسکری در عهد امیر عبدالرحمن خان دیده شود : MOHAMED ,
SULTAN , KHAN , OP . CIT . VOL II PP : 52 - 60

ADAMEC " AFGHANISTAN FOREIGN AFFAIRS " P : 85 AND ـ ٤٤
SEE : SCHINASI , MAY . OP . CIT . PP : 208 - 209 و همچنان اوراق لویه جرگه
۱۳۰۳ صفحه : ۲۹۱

٤۵ ـ کشککی ، برهان الدین ، مرجع سابق ، صفحه : ۵۵ و همچنان : SHAH ( I . A )
" MODERN AFGHANISTAN " P : 81 . AND SEE : SCHINASI . MAY .
OP . CIT . P : 210

SCHINASII . MAY . OP . CIT . P P : 210 - 211 ـ ٤٦

POULLADA . LEON B . OP . CIT . P : 111 ـ ٤۷

٤۸ ـ قوماندان قوای نظامی افغانستان در بخارا ضابط افغانی بنام فضل احمد خان بود چنانچه مرحوم استاد خلیل الله خان خلیلی میگوید فضل احمد خان در نتیجه نوشیدن زیاد شراب فاسد شد و در عوض اش دولت افغانستان عبدالهادی خان داوی را مقرر نمود •

این معلومات را برائیم استاد خلیل الله خان خلیلی در شهر قاهره در جولای ۱۹۸۱ داد •

۴۹ _ POULLADA . LEON B . OP . CIT . P : 114

۵۰ _ ADAMEC , OP . CIT . P : 115 AND SEE : SHAH ( I . A ) OP . CIT .
PP : 81 - 85 و همچنان ، غبار ، میر غلام محمد ، مرجع سابق ، صفحه : ۷۹۵

۵۱ _ اوراق لویه جرگه ۱۳۰۳ ، صفحه : ۶۵ ، ۶۸ و همچنان : ADAMEC
"AFGHANISTAN , 1900 - 1923 " PP : 192 - 193
POULLAD . OP . CIT . P : 116

۵۳ _ کشککی ، برهان الدین ، مرجع سابق ، صفحه : ۲۴۵ ، ۲۶۶ و از پروگرام ترک ها
ملاحظه شود : GHANI . ABDUL . "AREVIEW OF THE POLITICAL
SITUATION IIN CENTERAL ASIA " CH : 4

۵۴ _ الاهرام ، پنجشنبه ۲۹ دسمبر ۱۹۲۷

۵۵ _ جریده امان افغان عدد ۹ اکتوبر ۱۹۲۸

۵۶ _ ADAMEC " AFGHANISTAN FOREIGN AFFAIRS " P : 136 AND
SEE , GREGORIN , VARTAN , OP . CIT P : 252

۵۷ _ POLITICAL AND SECRET DEPARTMENT RECORDS . 1956 -
1950
IOR . L / P + S / 11 / 249

۵۸ _ IOR . L /P + S / 11 / 237 . P : 4332

۵۹ _ IOR . L / P + S / 11 / 234

۶۰ _ GREGOIRN , VARTAN , OP . CIT . P : 252

۶۱ _ غبار ، غلام محمد ، مرجع سابق صفحه : ۷۹۶ ، ۷۹۹

۶۲ _ IBID

۶۳ _ ADAMEC , OP . CIT . PP : 121 - 122

۶۴ _ IBID

۶۵ _ الاهرام ، چهار شنبه ۲۸ دسمبر ۱۹۲۷

۶۶ _ ADAMEC , OP . CIT . P : 130

٦۷ ـ جریده حقیقت ، عدد ۱۸ ، ۲۲ اسد ۱۳۰۳

L / P + S /11 /@$% , P 1335 , 18 MAR . 1924 . 19 MAR . 1924 . AND ـ ٦۸
ALSO SEE DUPREE , LOUIS OP . CIT . P : 451

٦۹ ـ راجع به اسلحه فرانسوی دیده شود : IOR . L / P + S / 11 / 234 . P : 2511 . 1923
و راجع مشکلات در موضوع اسلحه بین دولت افغانستان و دولت انگلستان دیده شود :
DUPREE , LOUIS . OP . CIT . P : 477

IOR . L / P + S / 11 / 237 . P : 4332 . 1923 ـ ۷۰

ADAMEC , OP . CIT . P : 292 ـ ۷۱

۷۲ ـ الاهرام ، ۳۱ دسمبر ۱۹۲۷

GREGORIN , VARTAN . OP . CIT . P : 239 ـ ۷۳

POULLADA , LLEON B . OP . CIT . PP : 92- 93 ـ ۷٤

BABAKHWAJAYEV , A . H . OP . CIT . P : 44 ـ ۷۵

۷٦ ـ دکتور سرور ، جمال الدین ، تاریخ الحضاره الاسلامیه فی الشرق ، صفحه : ۲۲۳ ، ۲۲٦
و همچنان : دکتور احمد محمود الساداتی ، افغانستان ، صفحه : ١٦

۷۷ ـ دکتور احمد محمود السادتی ، مرجع سابق ، صفحه : ۱۷ ، ۱۸ و همچنان ، خلیلی ،
خلیل الله : تاریخ هرات ٠

۷۸ ـ ابو العینین ، فهمی ، افغانستان بین الامس و الیوم ، صفحه : ۳۳۹

ADAMEC , OP . CIT . PP : 7 - 9 ـ ۷۹

DUPREE < LOUS . OP . CIT . P : 438 . AND SEE : OULLADA LEON ـ ۸۰
ـ ۸۱ B . OP . CIT . P : 57 . AND SEE : ADAMEC , OP . CIT . PP : 13 - 14
SCHINHASI . MAY . OP . CHT . PPP : 136 - 142

SCHINASI . MAY . OP . CIT . PP : 143 - 144 ـ ۸۲
و همچنان دیده شود : دکتور محمد ظاهر صدیق ، مطبوعات افغانستان ، صفحه : ۱۳

۸۳ ـ حبیبی ، عبدالحی ، مختصر تاریخ افغانستان ، جلد ۲ ، صفحه : ۱٤۵

٨٤ ـ الاخبار القاهريه ، ٢٨ سپتمبر ١٩٢٧

٨٥ ـ امين زی ، شمس صفا ، مرجع سابق ، صفحه : ١ ، ٥

٨٦ ـ عبادی ، محمد عباس ، السياسه الاعلاميه فی الاذاعه الافغانيه ، رساله ماجستير ، كليه الاعلام ، جامعه القاهره ، صفحه : ٧٧

٨٧ ـ POLITICAL AND SECRET DEPARTMENT RECORDS 1950 - 1956
IOR . L / P + S /11 234 AND : L / P + S / 11 / 233 . P : 1739 . 1923

٨٨ ـ كشككی ، برهان الدين ، مرجع سابق ، صفحه : ٢٩٤ و همچنان
DUPREE , LOUIS , OP . CIT . PP : 446 - 447

٨٩ ـ GREGORIAN , VARTAN . OP . CIT . P : 239
و همچنان ، غبار ، مير غلام محمد ، مرجع سابق ، صفحه : ٧٨٩

٩٠ ـ آريانا دائره المعارف افغانستان ، صفحه : ٩٥ و همچنان ديده شود •
POLITICAL AND SECRET DEARTMENT RECORDS 1956 - 1950
IOR . L / P + S / 11 / 230 AND : L / P + S / 11 / 249

٩١ ـ اوراق لويه جرگه ١٣٠٣ صفحه : ١٣٣ ، ٢٢٠ و همچنان :
POULLADA LEON B . OP . CIT . PP : 101 - 104

٩٢ ـ انيس ، محی الدين ، بحران و نجات كشور ، صفحه : ١٤٤ ، ١٤٥

٩٣ ـ اوراق لويه جرگه ١٣٠٣ ، فصل قوانين و همچنان ، آهنگ ، محمد كاظم : سير ژورناليزم در افغانستان ، صفحه : ٤٥

٩٤ ـ اوراق لويه جرگه ١٣٠٣ ، صفحه : ٣٨ ، ٤٣

٩٥ ـ آريانا دائره المعارف افغانستان ، صفحه : ٥٩ و همچنان
GREGORIAN , VARTAN . OP . CIT . P : 239

٩٦ ـ دائره المعارف افغانستان ، صفحه : ٥٩ و همچنان :
GREGORIAN , VARTAN . OP . CIT . PP : 239 - 241

٩٧ ـ دائره المعارف افغانستان ، صفحه : ٦٠ و همچنان ، ابوالعينين ، فهمی ، مرجع سابق ، صفحه : ٣٣٩

۹۸ ـ بخاری ، حضرت سید شاه ، مرجع سابق ، صفحه : ۸۷

۹۹ ـ DUPREE , LOUIS . OP . CIT . P P : 446 - 447

۱۰۰ ـ محمد کاظم ، مرجع سابق ، صفحه : ۳۳ و همچنان
ADAMEC . OP . CIT . P : 76

۱۰۱ ـ بخاری ، سید شاه ، مرجع سابق ، صفحه : ۸۸ ، ۸۹ و همچنان
GREGORIAN . VARTAN . OP . CIT . P : 239

۱۰۲ ـ جریده اصلاح ، جدی ۱۳۰۱ عدد ٤۸ و همچنان
POULLADA . LEON B . OP . CIT . P : 77

۱۰۳ ـ POULLADA , LEON B . OP . CIT . PP : 77 - 78

۱۰٤ ـ غبار ، میر غلام محمد ، مرجع سابق ، صفحه : ۷۹۲ . ۷۹۳ وهمچنان ، بخاری ، سید شاه ، مرجع سابق ، صفحه ۸۸ ـ ۸۹

۱۰۵ ـ ADAMEC , OP . CIT . P : 136

۱۰٦ ـ جریده امان افغان ، سال سوم ، عدد سوم

۱۰۷ ـ آریانا دائره المعارف افغانستان ، ۱۹۵۵ ، صفحه : ۵۸

۱۰۸ ـ الاخبار القاهریه ، ۲۸ دسمبر ، ۱۹۲۷

۱۰۹ ـ جریده حقیقت ، عدد ۸ ، ۲۲ أسد ۱۳۰۳ ، ۱۹۲٤

۱۱۰ ـ ADMAEC , OP . CIT . P : 118

۱۱۱ ـ الاخبار القاهریه ، ۲۸ دسمبر ۱۹۲۷ و همچنان ، کاکا خیل ، مرجع سابق ، صفحه : ۱۰٦۱

۱۱۲ ـ اوراق لویه جرگه ۱۳۰۳ ، صفحه : ۳۳۸ ، ۳۳۹ و همچنان
ALI . MOHAMMED , " THE MOHAMMDZAI PERIOD " P : 161

۱۱۳ ـ SHAH ( I . A ) OP . CIT . P : 239

۱۱٤ ـ غبار ، میر غلام محمد ، مرجع سابق ، صفحه : ۷۹۹

۱۱۵ ـ آریانا دائره المعارف افغانستان ، صفحه : ۵۸ ، ۵۹ و همچنان
GREGORIAN , VARTAN , OP . CIT . P : 240

۱۱٦ ـ مجله اللطائف المصور عدد ۹ ، ۱۹۲۷

۱۱۷ ـ جریده امان افغان ۱۳ نیزان ۱۳۳۷

۱۱۸ ـ این معلومات را مرحوم استاد خلیل الله خان خلیلی در قاهره در جون ۱۹۸۱ بدست آوردم

۱۱۹ ـ سالنامه کابل ، سال ۱۳۱۱ ، خلاصه جرائد در افغانستان ، صفحه : ۱۵۲ ، ۱۵٦

و همچنان ، هروی ، مایل ، معرفی روزنامه های افغانستان و همچنان ، آهنگ ، محمد کاظم

سیر ژورنالیزم در افغانستان ، و همچنان

**DUPREE , LOUIS . OP . CIT . P : 440 . AND SEE : GREGORIAN , VARTAN . PP : 243 . 246**

۱۲۰ ـ غبار ، میر غلام محمد ، مرجع سابق ، صفحه : ۷۹۳

۱۲۱ ـ **GREGORIAN , VARTAN , OP . CIT . P : 242**

# فصل چهارم

## اصلاحات اقتصادی :

تا اواسط قرن بیستم اوضاع اقتصادی افغانستان در تمام شئون دولتی و ملی ابتدائی و در حالت رکود مستمر بود • اقتصاد افغانستان شبیه اقتصاد قرون وسطائی و استمرار آن بود و امرای افغانستان در اصلاح اوضاع اقتصادی مملکت نقشی را بازی نکردند که در نتیجهٔ غفلت شان ملت افغانستان مشکلات زیادی را متحمل گردید•

دولت افغانستان نظام مالیه و تجارت و بودجهٔ دولتی و حتی خزانهٔ ملی را آشنائی نداشت و تمام اموال دولت تحت تصرف امیر و در خزانه قصر موجود بوده که در رأس آن شخصی بنام ـ خزانه دار ـ از طرف امیر تعیین میشد •

تجارت که اساس اقتصاد وقت بود بشکل قوافل تجارتی در جریان بود و تبادلهٔ اموال تجارتی عموما تبادلهٔ جنس به جنس بود زیرا پول افغانی متوفر نبود تا تجار از آن در معاملات تجارتی شان مستفید شوند • مالیات متعدد از طرف امیر و همچنان مالیات غیر قانونی از طرف زعمای قبائل از تجار حاصل میشد که اسباب عدم پیشرفت تجارت آزاد را آماده میساخت • تجارت خارجی بسیار محدود بود و افغانستان روابط تجارتی با عالم خارجی نداشت و فقط بعضی تجار افغانی و بشکل انفرادی روابط تجارتی با هند و بخارا و بعضی مملکت های کوچک سابق چین مثل یارکند ترکمنستان قائم نموده بودند •

حکومت افغانستان در حصول اموال برای رفع احتیاجات و نفقات دولتی به مالیات متعدد اکتفاء میکرد که مستوفی الممالک محمد حسین خان در ابتدای این قرن مسئول امور مالی کشور بود و سیاست اقتصادی دولت را تنظیم و عملی میساخت • ادارهٔ مالی دولت مامورین مخصوصی برای شئون اقتصادی دولت نداشت لهذا مستوفی الممالک جمع آوری مالیات ولایات را به افراد و بشکل لیلام میفروخت و هرکه بیشتر دادن پول را به دولت وعده میداد برای مدت معینی صاحب حق یا امتیاز جمع مالیات یکی از ولایات افغانستان میشد•

شرکتهای خصوصی جمع مالیات که عموما در رأس آن شخص واحدی بود به نیابت از دولت

مالیات را از ملت جمع آوری میکرد • صاحب امتیاز جمع مالیات از خشونت و عدم رحمت در معاملهٔ خود کار میکرفت و باعث مشکلات زیادی برای مردم میشد که بعضی از مردم مجبور به فرار به کشور های همسایه میشدند•

صناعت در افغانستان بشکل ابتدائی اش باقی مانده بود و دولت در انکشاف آن فعالیتی نکرد• مؤسسات انفرادی صناعتی در افغانستان موجود بود لیکن به سبب فقر شدید نمی توانستند در پیشرفت صناعت نقشی را ایفاء نمایند•

زراعت مانند صناعت بشکل قرون وسطائی ادامه داشت و دهقانان افغانستان در حالت بسیار فقر و دشواری زندگی را در پیش داشتند•

اعلیحضرت امان الله خان در ۱۹۱۹ برای ملت وعده داد که برای اصلاح اقتصادی دولت تغییراتی را خواهد آورد و نظام اقتصادی جدید را معرفی خواهد کرد • در ۱۹۲٤ برای مجلس شورای ملی که بنام لویه جرگه یاد میشد پادشاه پروگرام اقتصادی خود را که شامل اصلاحات در مالیات ، تجارت ، صناعت و زراعت بود پیش کرد که باساس آن و برای اولین مرتبه اقتصاد افغانستان به اقتصاد جهانی ارتباط یافت •

اصلاحات اقتصادی امان الله خان از محققین اقتصادی افغانستان میخواهد تا در آن تحقیقات علمی باساس علم اقتصاد نمایند و معاهدات اقتصادی و قوانین اقتصادی را نقد اقتصادی کنند زیرا اصلاحات اقتصادی امان الله خان اساس اقتصاد قرن بیستم افغانستان است • در این تحقیق کوشش شده تا اصلاحات اقتصادی عصر امان الله خان را از ناحیهٔ تاریخی مورد بحث و نقد قرار دهیم و نصوص معاهدات و بنود قوانین را بررسی تاریخی نمائیم و از ایجابیات و سلبیات آن استفاده ای تاریخی کنیم • این فصل را به موضوع تجارت آغاز میکنیم •

## اول : تجارت :

تجارت داخلی و خارجی در ابتدای سلطنت اعلیحضرت امان الله خان نتیجهٔ توجه حکومت و بوجود آمدن قوانین جدید تجارتی انکشاف ملموس نمود • تجارت داخلی بسبب الغای مالیات متعدد پیشرفت قابل ملاحظه ای نمود و طبقهٔ بورژوازی تجارتی در اجتماع افغانی ظهور نمود و سرمایهٔ ملی انکشاف کرده اقتصاد ملی و دولتی از حالت جمود به حالت حرکت افتاد• همچنان تجارت خارجی بعد از امضای معاهدات تجارتی با کشور های خارجی رونق یافت و تجار افغانستان توانستند با شرکت های خارجی روابط تجارتی قائم نمایند •

امان الله خان معاملات تجارتی و تنظیم تجارت را اساس اصلاح اقتصاد دولت و در مقدمه آن معرفی کرد و جهت نموی تجارت تمام قوانینی که سبب رکود تجارت شده بود لغو و قوانین جدیدی را پیش کرد • قانون تجارت در افغانستان بنام ـ پنچات ـ و محکمهٔ تجارتی بنام ـ پنچاتخانه ـ یاد میشد • ماده ای مهم در قانون تجارت بنفع طبقهٔ تجار بود و آنرا اعلیحضرت امان الله خان اینطور تعریف نمودند :

محاکم تجارتی و قانون تجارت سرا سر در آن بر خلاف مقررات شرعیه اجراآت بعمل می آمد و هر امر را بعد از تصویب و اعطای رای دو سه نفر تاجر در معرض اجراء آورده ، یکماده از مواد اساسی آن پنچاتی ها این بود ـ وهی ـ هندو و تجار را بلا تشبیه بمنزله وحی آسمانی پنداشته شده یک سر مو از مندرجات وهی که اکثریه نویسندهای آن هندوان و خود مدعی و ارباب غرض میباشند تخالف نمیکردند ، این خادم اسلام که یگانه در حمایت شریعت میکوشم و معتقدم که تمام جزویات و کلیات را شریعت ـ محمدی ـ حاوی است نخواستم که در دوره خود نیز همان خرافات و واهیات را که سراسر بر خلاف مقررات اسلامیت است بالای ملتم رائج داشته باشم ازینرو علمای اعلام را امر فرمودیم که مسائل تجاریه را بطوریکه مکتوبات و تحریرات و دیگر مصطلحات مخصوصه تجاریه نیز از ان بی اثر و غیر مفید نماند ، از کتب معتبره شرعیه در حیز تحریر آورده او را بصورت یک نظامنامه عام فهم شائیع نموده پنچات را لغو و امورات آنرا

بمحاکم عدلیه محول نمایند • (۱) • پادشاه بعد از لغو محاکم تجارتی و قوانین تجارتی قانون جدید را بنام ـ نظامنامهٔ تجاریه ـ به مجلس پیش کرد •

مواد نظامنامهٔ جدید از طرف رئیس مجلس قرائت شده و پادشاه هر ماده از مواد را تفسیر نمود و از وکلاء دعوت نمود تا موادیکه خلاف قانون اسلامی است نوت نمایند • در جریان مناقشهٔ قانون تجارت که کاملا باساس آزادی صورت گرفت وکلاء قانون جدید را نقد نمودند و ماده ایکه باساس آن دین ـ قرض ـ در معاملات تجارتی منع شده بود مورد مناقشه قرار داده آنرا غیر قانونی و ظالمانه تعبییر نموده و از حکومت لغو آنرا مطالبه نمودند •

در قانون تجارت چنانچه از جریانات لویه جرگه استنتاج میشود در دین و اخذ قرض چنان قیود و شرائطی وضع شده بود که بنظر وکلای ملت تقریبا در تمام جزئیات و کلیات اخذ دین ممنوع قرار داده شده بود • وکلاء از دولت خواستند تا ماده ایراکه در آن دین و معامله با قرض منع شده از نظامنامه تجاریه خارج سازد •

پادشاه در دفاع از مادهٔ منع قرض در معاملات بین افراد بیانات مفصلی ایراد داشت و واضح نمود که این طور معاملات اسباب مشکلات اداری و قضائی را بوجود میآورد و در نهایت موافقه صورت گرفت که در حالت عدم ثبت سند قروض در محاکم شرعیه و تجاریه محاکم به عرائض طرفین گوش نمی دهد و در اخیر امان الله خان اینطور اضافه کرد :

حکومت تان ابدا قرض گرفتن آنچنان اشیائی را که ذخیره شده نمیتواند و بخوردن و آشامیدن و امثال آن بدیگر ضروریات کثیر الوقوع بکار می آید منع ننموده است علاوه بران این قیدیراکه شما بیان داشتید اگر دیگر علماء نیز بهمرای تان متفق باشند من نیز از قبولیت آن انکار ندارم • (۲)

در جریان مناقشه ملاحظه میشود که دلیل پادشاه بسیار در ماده قانون قرض ضعیف بود بدین دلیل وکلاء توانستند نظریات قوی خود را عملی سازند که در نهایت با اضافه ای ـ دین در حالات ضرورت با ثبت آن در وثیقهٔ رسمی با مهر دولتی قانونی است ـ مجلس قانون تجاریه را تصویب نمود •

پادشاه برای حل مشکلات بین تجار و غیر تجار فرمانی جهت تأسیس محکمهٔ تجارتی بنام

ـ امورات تجارتی ـ باساس شریعت اسلامی صادر نمود • در مجلس شوری ۱۹۲٤ فیصله بعمل آمد که : ( از آنجاکه در مواد نظامنامهٔ امور تجاریه در محکمه شرعیه بحث و مباحثه زیاده میباشد • ثانیا چون کتاب ـ فتاوی مبارکهٔ امانیه ـ تدوین و تصنیف میشود • جمیع احکام شرعیه جزائیه و حقوقیه دران مندرج خواهد شد پس در ان کتاب یک باب مسائل تجارت مطابق احکام شریعت مندرج شود که همه احکام تجارت تحت محکمهٔ شرعیه باشد !
پادشاه در مورد علاوه کرد که : ـ بسیار خوب ! ضرور باید که بشود و پاس مراعات تجار و ارباب معامله بر طبق مقررات شرعیه بعمل آید • ( ٤ ) •
ملاحظ میشود که قوانین جدید تجارتی باعث رفع مشکلات تجار و معاملات تجارتی نگردید زیرا متخصصین در شئون تجارت و حتی تجار در تدوین آن حصه نداشتند • پادشاه باید در تدوین قانون تجارت از متخصصین در رشتهٔ اقتصاد کمک می خواست لیکن جهت کسب تأئید وکلای ملت در مبارزه با انقلابیون جنوب حاضر شد هر نوع نقد را قبول کند و قانون جدید را طبق اراده وکلای ملت تنظیم نمود •
برای تنظیم امور تجارت خارجی دولت افغانستان قانون تجارت خارجی را بنام ـ نظامنامهٔ وکلای تجارتی ـ در ۹ جنوری ۱۹۲٤ تدوین نمود • قانون جدید ضامن سلامت معاملات تجارتی تجار افغانستان با کشور های خارجی و همچنان ضامن مصئونیت سرمایهٔ تجار خارجی در افغانستان بود • باساس قانون جدید دولت افغانستان در سالهای ۱۹۲٤ و ۱۹۲۵ تعدادی از نمایندگی های تجارتی در پشاور ، بمبی ، امرتسر افتتاح نمود • ( ۵ )
قانون تجارت خارجی و حمایت دولت افغانستان از سرمایهٔ خارجی و داخلی سبب شد که برای اولین مرتبه در افغانستان شرکتهای تجارتی ملی و خارجی تأسیس شود• شرکتهای ملی در بدایت قرن بیستم ستون فقرات اقتصاد ملی کشور را میساخت که در این جا به بعضی از آنها اشاره میشود •
شرکت موتر ، شرکت ادویه ، شرکت رفقای افغان ، شرکت اتحادی افغان ، شرکت قمر ، شرکت ضیاء ( ٦ ) شرکت های فوق بین سال های ۱۹۲٤ ، ۱۹۲۵ ، ۱۹۲٦ در کابل تأسیس یافت • این شرکت ها شرکت های ملی و به سرمایه ملت تشکیل شده در نموی تجارت داخلی

و خارجی نقش اساسی را بازی نمودند • مؤسسات و شرکت های تجارتی ملی در داخل افغانستان زیر نظر حکومت بود در حالیکه در خارج دفاتر وکالت التجاری افغانستان کنترول مؤسسات و شرکت های تجارتی افغانی را بعهده داشتند • و قرار مواد قانون تجارت خارجی در حالت بروز اختلاف بین تجار و مؤسسات افغانی و مؤسسات تجارتی خارجی محاکم کشور های خارجی در حل و فصل آن صلاحیت قانونی داشتند •

تأسیس شرکت های تجارتی چنانچه اشاره گردید نقش مهم را در رفع مستوی اقتصادی افغانستان داشت • پادشاه در تشویق تجارت داخلی و خارجی شخصا حصه میگرفت و با تجار روابط شخصی داشت و برای رفع مشکلات شان مجالسی تشکیل میداد و همچنان جهت مراقبت مراکز تجارتی و اسعار شخصا بعمل تفتیشی میپرداخت • (۷)

طبقهٔ تجار افغانستان طبقهٔ با دیانت بود و در امور خیریه با هم همچشمی داشتند مثلا در ساختن پل و مساجد و مدارس ، ما تعدادی از پل ها و مدارس را در افغانستان و خصوصا کابل داریم که تا هنوز باسم تجار اند و همچنان تجار افغانستان طبقهٔ با ثقافت را تشکیل میدادند و در نشر کلتور و ثقافت افغانی مقام ارجمند را دارند • (۸)

مهاجرت هزاران مهاجر مسلمان از وسط آسیا در نتیجهٔ حملات قوای روسی به سرزمین شان با نقل مواشی شان به افغانستان خصوصا گوسفند قره قل افغانستان به کشور صادر کننده پوست قره قل تبدیل گردید و در سال ۱۹۲۰ دولت افغانستان تعداد زیادی از پوست قره قل را به انگلستان و جرمنی صادر نمود •

با مهاجرت مسلمانان وسط آسیا صناعت قالین دستی أهمیت خاصی در تجارت پیدا نمود و دولت افغانستان برای تصدیر آن به اروپا معاهدات تجارتی را با مؤسسات کشور های اروپائی بامضاء رسانید و از تجارت آن دولت افغانستان اسعار خارجی بدست آورد • (۹)

در اثر توجه حکومت به تولیدات زراعتی و توزیع اراضی دولتی به اشخاص ، زراعت در افغانستان انکشاف نمود و افغانستان برای بار اول بحیث کشور صادر کننده تولیدات زراعتی شد• دولت مقادری از گندم به ایران و روسیه صادر نمود و در سال های ۱۹۲۰ و ۱۹۲۳ دولت افغانستان مقادیر زیادی از میوهٔ تازه و خشک به کشور های اروپائی صادر نمود و صادرات افغانستان در

سال ۱۹۲۰ به کشور های اروپائی به پنجاه ملیون فرانک میرسید در حالیکه در سال ۱۹۲۵ بیک بلیون فرانک ارتقاء یافت ۰ (۱۰)

در تجارت خارجی دولت افغانستان سیاست آزادی تجارت را تعقیب نمود و در شئون تجارت از تجارب متخصصین اقتصادی مستفید گردید و همچنان امور تجارت را از شئون سیاست دولت جدا اعلان کرد و با تمام کشور های جهان خصوصا هند ، روسیه ، فرانسه ، جرمنی و انگلستان معاهدات تجارتی امضاء نمود ۰ (۱۱)

باساس معاهدهٔ تجارتی با هندوستان دولت افغانستان حق ترانزیت را از خاک هندوستان حاصل نمود و هم حق استفاده از بندر کراچی و بمبی ۰ باساس معاهده مذکور تمام صادرات و واردات افغانستان از طریق هندوستان از محصول گمرکی معاف شد و افغانستان حق افتتاح وکالت خانه تجارتی را در سرزمین هندوستان حاصل نمود ۰

دولت افغانستان از هیأت تجارتی جرمنی در کابل استقبال کرد و با جرمنی معاهدهٔ تجارتی را بامضاء رسانید ۰ بنابر معاهدهٔ تجارتی افغانستان امتیازات تجارتی را در جرمنی حاصل کرد و دولت جرمنی در بهبود اوضاع اقتصادی افغانستان همکاری زیادی نمود ۰

در ۱۹۲۲ هیأت تجارتی ملی جرمنی که از طرف غرفهٔ تجارتی شهر بریمن " BREMEN " به کابل آمده بود معاهدهٔ تجارتی با افغانستان بامضاء رسانید که باساس آن شرکت جرمنی از افغانستان صناعات دستی و تکه های ابریشمی خریداری نمود ۰

در ۱۹۲۲ رئیس شرکت زیمنس SIEMENS آقای " SIEMS SHAKERT " از افتتاح نمایندگی شرکت زیمنس در کابل اطلاع داد و طبق معاهدهٔ امضاء شده بین حکومت افغانستان و شرکت زیمنس ، شرکت زیمنس حق انحصار صادرات مواد برقی را در افغانستان حاصل نمود۰

در سال های ۱۹۲۳ و ۱۹۲٤ چهار شرکت تجارتی بزرگ المانی از افتتاح نمایندگی های خود در افغانستان خبر دادند ۰ در نتیجهٔ مناسبات ممتاز تجارتی بین افغانستان و جرمنی هر دو کشور مؤسسه تجارتی مشترک را بنام ' DACOM - FORMERLY . ORIIENT - HANDELY A . G ' افتتاح نمودند۰ در جریان مناقشهٔ مواد معاهده با جرمنی وکلای افغانستان توضیحات خواستند که میرزا غلام مجتبی خان مستوفی در مورد توضیحات لازمه داد ۰ (۱۳)

اعلیحضرت امان الله خان در جریان سفر اش به پولند معاهدهٔ تجارتی را با دولت پولند بامضاء رسانید که مطابق آن افغانستان حق ترانزیت اموال تجارتی را بدون تکس و محصول گمرکی حاصل نمود ۰ (۱٤)

در جریان سفر اعلیحضرت امان الله خان به روسیه آقای عبدالهادی خان داوی با مقامات روسیه در موضوع عقد معاهدهٔ تجارتی جدید مذاکرات بعمل آورد در جریان مذاکرات جانب روسیه برای عقد و امضای معاهدهٔ جدید تجارتی با افغانستان شرط گذاشت که دولت افغانستان حق افتتاح وکالت التجاری روسیه را در تمام ولایات افغانستان قائل شود که عبدالهادی خان داوی طلب روسیه را رد نمود و معاهدهٔ جدید بین طرفین بامضاء نرسیده و امور تجارتی باساس معاهدهٔ سابق جریان یافت ۰ (۱۵)

دولت افغانستان در جریان سفر اعلیحضرت امان الله خان با دولت بلجیک و دولت ایتالیه معاهدات تجارتی بامضاء رسانید ۰ (۱٦)
در کابل حکومت افغانستان هیأت تجارتی دولت سویدن را استقبال نمود آقای " POUL MOHN " ریاست هئیت سویدن را بعهده داشت ۰ POUL بعد از سفر رسمی از روسیه به کابل آمد ۰ دولت افغانستان با نمایندهٔ اداره خارجی وزارت تجارت سویدن معاهدهٔ تجارتی و اقتصادی را در کابل بامضاء رسانید ۰ پول در ختم بازدید خود در کابل گفت که : ( منافع دولت سویدن در کابل حفظ شده و تجارت بین دو کشور بهبودخواهد یافت ۰ ) (۱۷)
با تمام کوشش های دولت و معاهدات تجارتی و تدوین قوانین جدید دولت افغانستان نسبت عدم پرسونل مخلص و با تجربه در ادارات مالی و تجارتی خصوصا در ادارات گمرکی از تجارت منافع قابل قدری را دریافت نکرد ۰ مامورین دولتی منافع علیای کشور را در نظر نداشتند و در جمع اموال بطریق غیر قانونی میکوشیدند که در نتیجهٔ آن دولت افغانستان خسارات بزرگی را متحمل گردید ۰

دکتور GREGORIAN V ARTAN در کتاب خود مینویسد که مامورین اداره گمرکات افغانستان ده فیصد از عوائد گمرکی را برای خود میگرفتند و بدین ترتیب قاچاق اموال تجارتی را تشویق میکردند • (۱۸)

حکومت جهت مراقبت مامورین ادارات مالی کشور قوانین شدیدی را وضع نمود و تعدادی از مامورین و تجار را زندانی ساخت لیکن دولت بسبب همکاری بعضی مامورین عالیرتبه با مامورین گمرکات و ادارات قاچاق در مراقبت خود ناکام ماند • (۱۹) دولت برای حمایت نظام گمرکی قوانین ذیل را تصویب نمود :

۱ ـ صد فیصد محصول گمرکی بالای سگرت و بوره و قلم ها •

۲ ـ چهل فیصد محصول گمرکی بالای چای • بیست و پنج فیصد بالای لباس های دوخته • و بیست و پنج فیصد بالای روغن •

نظر به قانون گمرکی جدید کتب از محصول گمرکی معاف بود • هدف از ارتفاع اسعار محصول گمرک حمایت از صنایع وطنی بود لیکن دولت در تقویه صنایع ملی چندان موفقیت حاصل نکرد و منسوجات و صناعات خارجی در بازار های افغانستان سبب رکود صنایع افغانی گردید• از جانب دیگر ملت افغانستان و خصوصا تجار افغانی اهمیت تجارت را درک نکردند و موفق نشدند تا تجارت خارجی را رونق داده در بازار های خارجی نفوذ پیدا کنند • تجار افغانستان روابطِ تجارت را با اقتصاد ملی و نموی آن از نظر علم اقتصاد نمی دانستند و همچنان به نظام بین المللی تجارت آگاهی نداشتند و دولت نتوانست در نموی تجارت خارجی تجار را مساعدت نماید • تجارت خارجی افغانستان برای مدت زیادتر از نیم قرن بدست تجار هندوستانی باقی ماند که زیادترین منفعت را از تجارت خارجی افغانستان بدست آوردند•

جدول ذیل نمونه ای خوبی از روابط تجارت خارجی افغانستان میباشد که ما را در دانستن فعالیت های تجارت خارجی آنوقت معاونت میکنند •

## تجارت افغانستان با هندوستان (٢٠)

## واحد پول پوند انگلیسی

| سال | صادرات | واردات |
| --- | --- | --- |
| ١٩١٨ ، ١٩١٩ | ١، ١٩٤ ، ٠٠٠ | ٢، ٠٢٠، ٠٠٠ |
| ١٩١٩ ، ١٩٢٠ | ١، ٩٧٥، ٠٠٠ | ١، ٦٠٧، ٠٠٠ |
| ١٩٢٠ ، ١٩٢١ | ١، ٦٤٣، ٢٠٠ | ١، ٣٢٨، ٥٠٠ |
| ١٩٢١ ، ١٩٢٢ | ١٠٩، ٥٠٠ | ١، ٣٥٣، ٧٠٠ |
| ١٩٢٢ ، ١٩٢٣ | ١، ٦٠٦، ١٦٠ | ١، ٥٧٥، ٢٤٠ |
| ١٩٢٣ ، ١٩٢٤ | ٩٤٣، ٣٥٠ | ١، ٧٢٥، ٨٥٠ |

## تجارت با روسیه (٢١)

## واحد پول روبل روسی

| سال | صادرات | واردات |
| --- | --- | --- |
| ١٩٢٣ ، ١٩٢٤ | ١، ٣١٤، ٠٠٠ | ٦٩، ٠٠٠ |
| ١٩٢٥ ، ١٩٢٦ | ٣، ٢٧١، ٠٠٠ | ٢، ٥٤١، ٠٠٠ |
| ١٩٢٦ ، ١٠٢٧ | ٤، ١٦٠، ٠٠٠ | ٣، ٤٢٢، ٠٠٠ |
| ١٩٢٧ ، ١٩٢٨ | ٦، ٦١٨، ٠٠٠ | ٦، ٨٤٩، ٠٠٠ |
| ١٩٢٨ ، ١٩٢٩ | ١١، ٧١٨، ٠٠٠ | ٨، ٠٠٧، ٠٠٠ |

اعلیحضرت امان الله خان در نموی اقتصاد ملی افغانستان کوشش های زیادی نمود تا توانسته باشد اقتصاد ضعیف و در حالت رکود افغانستان را به حالت عادی آورد • برای بهبود اوضاع اقتصادی امان الله خان خواست تا کشور های دوست را به همکاری با افغانستان دعوت کند و از کمک ها و قروض خارجی در معالجهٔ امور اقتصادی استفاده کند•

برای تحقیق بخشیدن این پلان امان الله خان در جرمنی با رئیس دولت المان آقای **"HINDENBURG "** موضوع همکاری دولت المان را مورد مناقشه قرار داد و از دولت المان رسما دعوت بعمل آورد تا در بهبود اوضاع اقتصادی افغانستان با دولت افغانستان همکاری نماید •

امان الله خان از دولت المان برای علاج اقتصاد افغانستان اسعار خارجی طلب نمود لیکن رئیس دولت المان از تقدیم هر نوع مساعدات مالی بشکل اسعار خارجی به افغانستان معذرت خواست و اضافه کرد که قانون اساسی المان برای دولت المان اجازه چنین همکاری را نمیدهد • مگر در نهایت مذاکرات دولت المان وعدهٔ فرستادن متخصصین و مهندسین را به افغانستان داد •

امان الله خان در المان نتوانست از دولت المان کمک های اقتصادی حاصل نماید پس با مؤسسات اقتصادی و بانکهای المانی داخل مذاکرات شد • مؤسسات اقتصادی و بانکهای المانی در مقابل تقدیم مساعدات و قروض به افغانستان طالب ضمانت های مالی شدند که دولت افغانستان از تقدیم آن عاجز ماند و از جانب دیگر امان الله خان پیشنهاد بانکهای المانی را در انحصار تجارت در افغانستان قبول نکرد • در نهایت مذاکرات بانکهای المانی موافقت نمودند که مبلغ شش ملیون مارک المانی برای افغانستان بشکل قرضه تقدیم نمایند و بشرطیکه افغانستان از پول قرضهٔ المانی مواد صناعتی المان را خریداری نماید• دولت افغانستان شروط بانکهای المانی را قبول نمود •

در انگلستان بعد از مذاکرات طولانی دولت افغانستان موفق شد از بانک انگلیسی مبلغ ۴۰۰,۰۰۰ پوند انگلیسی بشکل قرضه بدست آورد و در مقابل بانک انگلیسی حق بنای فابریکه انتاج بوره را به سرمایهٔ بانک انگلیسی در افغانستان حاصل کرد •

در انگلستان حکومت آن کشور در تقدیم مساعدات اقتصادی به افغانستان علاقه ای شدید

داشت بدین نسبت بانکهای انگلیسی را تشویق به مساهمهٔ اقتصادی با افغانستان می نمود ۰ سفیر انگلستان در کابل آقای همفری دولت خود را به همکاری اقتصادی با افغانستان دعوت نموده این طور نوشت :

بدون شک افغانستان به قروض خارجی و کمک های اقتصادی ضرورت مبرم دارد ۰ (۲۲) لیکن سفیر همفری از منافع انگلستان با تقدیم مساعدات به افغانستان در نامه خود اضافه نکرد۰

در فرانسه امان الله موفق شد تا همکاری بانکهای فرانسوی را جلب نماید۰ بانکهای فرانسوی بعد از تقدیم ضمانت از طرف ادارهٔ گمرک افغانستان مبلغ یک ملیون فرانک فرانسوی به افغانستان قرضه داد ۰ حکومت فرانسه فرستادن متخصصین فرانسوی را در رشته صنایع و اقتصاد به افغانستان وعده داد ۰ در حالیکه امان الله خان در فرانسه بود حکومت روسیه موافقه نمود که مبلغ یک ملیون روبل روسی به افغانستان بشکل قرضه میدهد۰

دولت افغانستان از قروض خارجی استفادهٔ مهمی را کرده نتوانست زیرا در افغانستان :

۱ـ نظام بانکداری مانند اروپا موجود نبود تا از اسعار خارجی استفادهٔ مالی نماید۰

۲ـ اقتصاد افغانستان اقتصاد محدود و مربوط به خود افغانستان بود و افغانستان با جهان خارجی ارتباط اقتصادی نداشت ۰

۳ـ افغانستان کشوری بسیار عقب مانده بود و جهت معالجه اقتصاد ضعیف و مریض خود به مبالغ بسیار زیادی محتاج بود ۰

٤ـ شرکت های اروپائی منافع مهم را از قروض خارجی بدست آوردند زیرا حکومت افغانستان تقریبا تمام پول قرضه را از شرکتها و فابریکه های اروپائی مواد صناعت شده خریداری نمود ۰

۵ـ در داخل افغانستان شرکت تجارت هنود بریاست ـ نرنجن داس ـ که ارتباط اقتصادی با هندوستان داشت فائدهٔ اعظمی را از قروض و تجارت خارجی افغانستان برداشت ۰ شرکت تبادل اسعار خارجی شرکت نرنجن داس توانست تمام اسعار خارجی افغانستان را خریداری و به خارج انتقال بدهد ۰ (۲۳)

در پهلوی شرکت های هندی شرکت تبادلهٔ اسعار مربوط به یهودان در کابل بسیار فعال بود ٠ تجار یهود توانستند اسعار را از بازار های کابل جمع آوری نموده به اروپا به حساب خود انتقال بدهند ٠ (٢٤)

در اوائل سال ۱۹۲۳ و ١٩٢٤ دولت افغانستان را مشکلات اقتصادی تهدید کرد و دولت افغانستان برای دفاع در مقابل انقلابیون جنوب مجبور گردید وسائل و مهمات نظامی خریداری نماید ٠ همچنان تأسیس مدارس اسباب مشکلات اقتصادی را بار آورد ٠ انقلاب جنوب برای دولت یک ملیون پوند خسارهٔ مالی بار آورد ٠

مشکلات اقتصادی اسباب نا آرامی را در بین ملت بوجود آورد و دولت قادر به رفع مشکلات اقتصادی شده نتوانست و قیم مواد غذائی در بازار های افغانستان بسیار بلند رفت و ملت قادر به خریداری روغن ، گندم و گوشت نبودند ٠ جرائد افغانی شکایات ملت را بنشر سپرده از حکومت حل فوری را مطالبه نمودند ٠ (٢٥)

مشکلات اقتصادی سبب شد که ملت وزیر مالیه را متهم به خیانت نمود و دولت نتوانست علاج فوری نماید ٠ جنگ و بلند رفتن قیمت ها سبب شد که اقتصاد دولت بکلی فلج شود و در اواخر ١٩٢٤ دولت نتوانست قسط قروض خارجی خود را بپردازد و مجبور شد در مقابل پول نقد پوست ، پشم و قالین بدهد ٠ (٢٦)

## دوم : تأسیس بانک و نشر پول :

برای بلند بردن اقتصاد ملی دولت افغانستان پول افغانی را بنام ـ افغانی ـ به چاپ رسانید ٠ پول جدید ٩٠٪ نقرهٔ خالص بود و از پول روپیه که قبل از آن موجود بود دارای قیمت بیشتر بود٠ پول جدید در بهبود اقتصاد افغانستان خصوصا تجارت داخلی معاونت کرد ٠
پول جدید افغانی در مقابل روپیهٔ هندی قابل تبدیل بود ٠ (٢٧)
در ١٩٢٨ امان الله خان وزارت مالیه را مکلف به چاپ پول کاغذی نمود که وزارت اوراق نقدی ذیل را بچاپ رسانید :

| | |
|---|---|
| نوت یک افغانی | ١,٠٠٠,٠٠٠ |
| نوت پنج افغانی | ٥٠٠,٠٠٠ |
| نوت ده افغانی | ١,٠٠٠,٠٠٠ |
| نوت بیست و پنج افغانی | ٢,٥٠٠,٠٠٠ |
| نوت پنجاه افغانی | ٥,٠٠٠,٠٠٠ |

در ١٩٢٤ اعلیحضرت امان الله با همکاری متخصصین ترکی بریاست جمال پاشاه پروگرام انشای بانک را مورد اجراء قرار داد ٠ از تأسیس بانک مرکزی در کابل حکومت انگلستان حمایت نمود ٠ پادشاه از مجلس لویه جرگه سال ١٩٢٤ دعوت نمود تا تأسیس بانک را تأئید نماید لیکن وکلاء به اکثریت آراء تأسیس بانک را رد نمودند ٠ (٢٩)
در ١٩٢٧ پادشاه در فکر تأسیس بانک شد لیکن نتوانست موافقهٔ مجلس لویه جرگه سال ١٩٢٨ را بدست آورد ٠ وزیر مالیه در جریان مناقشه تأسیس بانک نتوانست قناعت وکلای ملت را برای تأسیس بانک مرکزی بدست آورد ٠ (٣٠)
عدم قبول تأسیس بانک نتیجهٔ عدم فهم وکلای ملت به موضوعات اقتصادی بود و دولت نتوانست

بانک و اهمیت آنرا برای اقتصاد وطن بصورت علمی معرفی نماید. تأسیس بانک در اقتصاد افغانستان بسیار کمک میکرد . افغانستان تا ۱۹۳۱ بدون بانک و مؤسسات اقتصادی بود و در ۱۹۳۱ دولت افغانستان اولین بانک را در کابل تأسیس نمود و تأسیس آن را وکلای ملت رد ننمودند . (۳۱)

## سوم : مواصلات و اصلاح سرک ها :

سرک ، خط آهن ، شرکت های هوائی در ترقی یک کشور از ناحیهٔ اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی اهمیت خاصی را دارد • تجارت داخلی و خارجی بدون موجودیت راه های تجارتی نا ممکن میباشد • از ناحیهٔ سیاسی اصلاح و بنای راه در توحید سیاسی کشور رول اول و اساسی را بازی میکند • مواصلات شامل راه و تلیفون ، پست و تلگرام میباشد • اعلیحضرت امان الله خان در ابتدای سلطنت اش توجه خاصی جهت تعمیر راه های زمینی و هوائی و وسائل مواصلاتی جماعی نمود •

راه بین شمال افغانستان و جنوب آن جهت اتصال مردم شمال و جنوب برای دولت افغانستان مهم بود • اتصال بین شمال و جنوب و معاملات تجارتی بشکل قافله های تجارتی صورت میگرفت که مردم در اثنای مرور از مناطق کوهستانی خصوصا در فصل زمستان خطرات جانی و مالی را متحمل میشدند •

منابع رسمی دولت انگلستان از مشکلات راه بین شمال و جنوب افغانستان اطلاع میدهد و می نویسد که در ایام زمستان راه بروی ترافیک مسدود میبود و حتی پادشاه افغانستان امان الله خان توسط اسپ و اشتر از مناطق شمال دیدن میکرد و در اواخر سلطنتش با استفاده از طیاره به شمال کشور رفته و روسها موتر به خدمت پادشاه افغانستان میفرستادند • منبع اضافه میکند که پادشاه شخصا مشکلات راه را ملاحظه نمود و به اصلاح آن توجه شخصی کرد • (۳۲)

امان الله خان نخست در فکر تعمیر راه از طریق سالنگ شد لیکن مشکلات اقتصادی افغانستان باعث عدم اکمال آن گردید • در ۱۹۲۳ اعلیحضرت محمد نادر خان اراده کرد تا آنچه را امان الله خان آغاز نموده بود تکمیل نماید لیکن موفق نشد تا اینکه در عهد اعلحیضرت محمد ظاهر شاه در سال ۱۹۶۰ راه سالنگ به همکاری دولت روسیه تعمیر شد •

در عهد امان الله خان تعمیر راه کابل پشاور از طریق جلال آباد آغاز شد لیکن در عهد وی خاتمه نیافت • امان الله خان موفق شد سرک کابل هرات را از طریق قندهار افتتاح نماید• (۳۳)

بناء و تعمیر خط ریل از پروگرام.دولت افغانستان بود • امان الله خان در قدم اول خواست خط ریل را از منطقهٔ کشک در سرحد روسیه آغاز و به سرحد هندوستان به جنوب ختم نماید • برای این پروگرام دولت افغانستان به سرمایهٔ خارجی احتیاج داشت پادشاه نقشهٔ خط آهن را به رئیس دولت المان " **HIINDENBURG** " جهتِ مساعدت دولت المان سپرد لیکن رئیس المان عدم موافقت حکومت خود را اعلان نمود و در ضمن از امان الله خان خواست تا کار بنای خط آهن مذکور را که برای افغانستان غیر اقتصادی است آغاز نکند لیکن امان الله خان به نظریات رئیس المان در مورد قناعت حاصل نکرد • ( ٣٤ )

در فرانسه امان الله خان کوشش نمود تا موافقت دولت فرانسه را در اشتراک دولت و مؤسسات فرانسوی جهت بنای خط آهن در افغانستان بدست آورد • در جریان مذاکرات با اتحادیه کارگران فرانسه آقای " **BASILZAHAROFF** " موافقت نمود تا در ساختن خط ریل در افغانستان همکاری اقتصادی و فنی نماید • باساس معاهدهٔ امضاء شده هیأت از مهندسین فرانسوی بریاست مهندس " **MICHEL CLEMENCEAU** " بکابل آمد • هیأتِ فرانسوی اراضی افغانستان را مورد مطالعه قرار داده و نقش های خط ریل را آماده نمود•

حکومت انکلستان در موضوع بنای خط آهن در افغانستان و آن هم توسط فرانسوی ها بنظر شک نکریست زیرا خط آهن افغانستان را با روسیه و ایران متصل میساخت و از جانب دیکر مهندسین فرانسوی از مناطق داخل حدود هندوستان نیز دیدن نمودند• دولت انکلستان در نتیجه موفق شد تا از اصل پروگرام خط ریل افغانستان و نیت پادشاه آن توسط رئیس هیأت فرانسوی اطلاع حاصل نمائید و هیأت فرانسوی نقشهٔ کار خود را به سفارت انکلستان در پاریس به سفیر انکلستان سپرد • ( ٣٥ )
تعمیر خط آهن در کابل آغاز یافت لیکن بسبب قیام انقلاب ۱۹۲۸ کار آن متوقف شد و حکومات آیندهٔ افغانستان بفکر ادامهٔ آن نشدند و تا امروز افغانستان بدون راه آهن باقی ماند و ما بچشم بقایای خط آهن افغانستان را در کابل ملاحظ میکنیم • ( ٣٦ )

## چهارم : تأسیس شرکت هوائی :

تأسیس شرکت هوائی از پروگرام حکومت امان الله خان بود • شرکت هوائی جهت خدمت هموطنان در داخل و خارج در نظر گرفته شده بود و افغانستان را خط هوائی به عالم خارجی وصل نموده تجارت افغانستان رونق می یافت خصوصا که افغانستان کشور محاط به خشکه بوده منفذ بحری نداشت • امان الله خان موفق شد اولین پرواز شرکت هوائی بین کابل و تاشکند را در حیات خود افتتاح کند • (۳۷)

در ۱۹۲٤ افغانستان قراردادی با روسیه بامضاء رسانید که مطابق آن افغانستان پنج طیارهٔ مسافر بری از روسیه خریداری نمود• پیلوت های روسی در طیارات شرکت هوائی افغانستان خدمت مینمودند • (۳۸)

افغانستان قراردادی با شرکت ـ لوفت هانزا ـ جرمنی بامضاء رسانید که باساس آن شرکت لوفت هانزا حق استفاده از میدانهای هوائی افغانستان را در پرواز های خود بین کابل و تهران حاصل نمود •

در ۱۹۲۸ حکومت انگلستان با دولت افغانستان داخل مذاکره شد و با افغانستان قراردادی بامضاء رسانید که طبق آن شرکت هوائی انگلستان حق استفاده از سرزمین افغانستان را حاصل کرد و در ابریل ۱۹۲۸ اولین پرواز شرکت هوائی انگلستان بین کابل و لاهور آغاز شد • (۳۹)

دولت افغانستان قراردادی با دولت ترکیه بامضاء رسانید که طبق مواد آن شرکت هوائی ترکیه دفتر خود را در کابل افتتاح کرد • (٤۰)

در ساحه پروازهای داخلی پروازها بین کابل ، قندهار ، هرات مزارشریف و جلال آباد آغاز شد• دولت افغانستان جهت تقویهٔ شرکت هوائی اش پنج طیاره از روسیه ، سه طیاره از المان ، دو طیاره از انگلستان خریداری نمود و یک طیاره بقسم هدیه از دولت پولند دریافت کرد و اولین شرکت هوائی مانند شرکت هوائی ترکیه بنام ـ شرکت طیاره ملی افغانی ـ تأسیس یافت که در

عهد سلطنت اعلیحضرت محمد ظاهر شاه نام آن به شرکت آریانا تبدیل یافت ٠

در عهد اعلیحضرت امان خان دولت افغانستان در فکر تأسیس ادارهٔ تلگراف و تلیفون گردید ٠ امان الله خان را برای بنای خط تلگراف مهندسین روسی همکاری نمودند و اولین خط تلگراف بین کابل ، قندهار ، هرات و بین کابل و پشاور و کابل و تاشکند در ۱۹۲۷ افتتاح شد ٠
در ۱۹۲٤ ، ۱۹۲۵ مهندسین روسی موفق به بنای خط تلیفون بین کابل و قندهار و مزارشریف و هرات شدند٠ ( ٤۱ ) ٠ در روز چهار شنبه ماه می ۱۹۲۵ اعلیحضرت امان الله خان اولین خط تیلفون بین کابل و قندهار را به صدای خود این طور افتتاح نمود :
برادران عزیزم : من از شما بسیار دور بودم و قادر به اتصال با شما نبودم جهت داشتن اتصالات با شما به حکومت امر نمودم تا خط تیلفون بین کابل و قندهار را بسازند و امروز بسیار با سعادت هستم که حکومت شما موفق به بنای خط تیلفون شد ٠ ( ٤۲ )

بعد از مطالعهٔ اصلاحات اعلیحضرت امان الله خان در میدان تجارت و اقتصاد ملی و مواصلات و اتصالات زمینی و هوائی که تاریخ افغانستان شاهد آن است موضوع مورد تحقیق را به بزرگترین عمل پادشاه که عبارت از ـ بودجهٔ ـ دولتی است خاتمه میدهیم و باید اشاره شود که افغانستان تا عهد اعلیحضرت امان الله خان به بودجهٔ دولتی آشنائی نداشت و بودجهٔ دولتی از مهمترین نقاط در اصلاحات عصر امان الله خان میباشد ٠

پنجم : بودجه دولت :

افغانستان تا بدایت قرن بیستم با نظام بودجهٔ دولتی را آشنائی نداشت و حکومات افغانستان در تنظیم امور مالی دولتی اهتمام از خود نشان نمیدادند و امرای افغانستان در نظام مالی و طرز ادارهٔ آن تجربهٔ کافی نداشتند • حکام افغانستان سرمایهٔ ملی افغانستان را جزئی از دارائی خاص خود بحساب میآوردند و ملت را در آن حق مداخلت نمیدادند•
امیر عبدالرحمن خان در تاریخ معاصر افغانستان در فکر تنظیم امور مالی کشور شده و اداره مالی را بنام ـ خزانه ـ در قصر تأسیس نمود که خزانه دارای دو شعبه بود : خزانه نقدی و خزانهٔ جنسی • تأسیس ادارهٔ خزانه در عهد امیر عبدالرحمن خان در امور مالی و اقتصادی کشور نقش مهمی را ایفاء نکرد زیرا ادارهٔ خزانه اصلا مربوط به خزانهٔ قصر و شخص امیر بود و شامل ارکانهای دولتی نمیشد • ( ٤٣ )
امیر حبیب الله خان برای تکمیل کار امیر عبدالرحمن خان در تنظیم امور مالی دولت اداره مالی را به مستوفی الممالک مرحوم محمد حسین خان گذاشت • مستوفی الممالک بودجهٔ دولتی را به امیر تقدیم نمود که مورد حمایت شخص امیر حبیب الله خان واقع شد لیکن در تحقیق و عملی شدن آن امیر و مستوفی الممالک ناکام ماندند زیرا والی ها و شهزاده با امیر همکاری نکردند و در خزانهٔ دولت تصرف شخصی را مانند سابق ادامه دادند • ( ٤٤ )
تا ١٩٢٥ دولت افغانستان بودجه و نظام بودجهٔ دولتی نداشت و دولت افغانستان از دخل و خرچ خود اطلاع کاملی بدست نداشت • برای بار اول امان الله خان بودجه را ترتیب و عملی نمود • بودجه برای ارکان دولت افغانستان و افراد ملت افغانستان جدید بود و مفهوم علمی آنرا نمیدانستند • ملاحظه میشود همینکه امان الله خان پلان بودجه را به لویه جرگه سال ١٣٠٣ پیش کرد مورد تأئید وکلای ملت واقع نشد زیرا وکلای ملت از معنی و مفهوم علمی بودجه اطلاع نداشتند• وکلاء از پادشاه دعوت نمودندکه معنی بودجه را تفسیر نماید پادشاه به سادگی گفت که بودجه یعنی حکومت عواید و مصارف خود را بداند • در اوراق مجلس لویه

جرگه سال ۱۳۰۳ در فصل امور مالی مباحث ارزنده ای را میتوان یافت و پادشاه نتوانست قناعت وکلای ملت را برای ضرورت بودجه بدست آورد ۰ (۴۵)

افراد ملت از تشکیل بودجه استقبال نکردند و در بسیاری مواقع علیه آن مبارزه نمودند ۰ ساکنین دهات تمام مشکلات اقتصادی را به سبب بودجهٔ دولتی تعبییر کردند۰ روزی امان الله خان از دهقانی راجع به حاصلات سال سئوال نمود دهقان فورا جواب داد که از روزی که پادشاه بودجه ساخته حاصلات بسیار خراب شده است ۰ (٤٦)

معنی و مفهوم بودجه را حتی مامورین دولتی درک نکردند زیرا میگفتند که در اثر بودجهٔ جدید اوضاع اقتصادی شان خرابتر گردیده و دولت موفق نشد تا برای ملت بودجهٔ دولتی را معرفی نماید ۰ میتوان در عدم قبولی ملت از بودجهٔ دولتی عناصر ذیل را اضافه کرد :

۱ ـ عدم درک افراد ملت به نظام اقتصادی جدید ۰

۲ ـ عدم تجربه ملت و مامورین حکومت به نظام بودجه ملی و دولتی ۰

۳ـ عدم استطاعت دولت به تفسیر و دفاع از نظام اقتصادی جدید بطور عام و نظام بودجه بطور خاص و باید دولت پروگرام اقتصادی خود را برای ملت و بزبان و بقدر فهم شان توضیح میداد۰ عدم توضیح دولت را مخالفین بهترین وسیله برای مبارزهٔ خود علیه نظام حکومت امان الله خان دانستند ۰

وزیر مالیه آقای میر هاشم خان در ساختن بودجه از تجربهٔ متخصصین ایتالوی و ترکی استفاده نمود ۰ متخصص اقتصاد ایتالیا آقای " **BERNARDI** " بدعوت وزارت مالیه بکابل آمد و کمیتهٔ مخصوصی مشترک از ترکها و ایتالوی ها تحت ریاست **BERNARDI** تشکیل یافت ۰ کمیته اساس بودجهٔ دولتی را گذاشت و تا عهد اعلیحضرت محمد ظاهر شاه مورد اجراء بود ۰

## ششم :   اصلاحات در امور مالیات :

افغانستان از نقطهٔ نظر جغرافیوی به مناطق مختلف تقسیم میشد و زعمای هر منطقه به اراده خود مالیات جمع آوری می نمودند. حصول مالیات از تجار یک موضوع عادی بود و به علت همین مالیات بالای اموال تجارتی بود که تجارت در افغانستان چنانچه در فصل تجارت بدان اشاره شد نقش مهم اقتصادی را در دولت ایفاء نمیکرد •

در نتیجه مالیات متعدد ساکنان افغانستان مشکلات زیادی را متحمل شدند و دولت های افغانستان برای اصلاح آن اقدامات عملی را بجا نیآورده افراد ملت خصوصا تجار و دهقانان مشکلات زیادی را متحمل گردیدند •

حکومات معاصر افغانستان قبل از حصول استقلال کشور از ناحیهٔ اقتصادی اعتماد کامل بالای مساعدات اقتصادی دولت انگلستان و جمع مالیات از داخل افغانستان داشتند و در جمع آوری مالیات اداره خاص دولتی موجود نبود و دولت بعضی از خوانین و ملک ها را مامور جمع مالیات از قریه ها میساخت •

اوضاع به همین منوال جریان داشت تا اینکه سلطنت افغانستان به اعلیحضرت امان الله خان رسید و افغانستان عصر جدیدی را در تاریخ معاصر خود آغاز کرد عصری که از عصور سابقه در تمام نواحی اقتصادی فرق کلی و جوهری داشت •

اعلیحضرت امان الله جهت اصلاح مالیات قوانین جدید را به وکلای ملت پیش کرد و ملت را حق مناقشه در مهمترین مشکل شان عطاء کرد و خواست تا نظریات و پیشنهادات افراد ملت را در اصلاح مالیات دانسته مطابق آن قوانین جدید را وضع نماید • اصلاحات امان الله خان در امور مالیات دو مرحله داشت :

۱ـ الغای تمام مالیات اضافی خصوصا آن نوع مالیاتیکه اسباب مشکلات برای ملت بود و در عدم نموی اقتصادی مملکت کمک نمیکند •

۲ـ وضع قوانین جدید برای مالیات و تطبیق آن در مراحل مختلف •

برای تطبیق جزء اول اصلاح مالیات پادشاه الغای مالیاتی را که تحت اسماء مختلف از طرف دولت جمع آوری میشد اعلان نمود • پادشاه از انواع مالیات که از طرف مامورین دولتی جمع میشد نام برده اینطور معرفی نمود : از شما ملت رقم رقم محصول و خرچ و باج بنام بروت چربی آغا و سر چربی بی بی ، چکانه سرکانه ، سر گله گی ، سر رمه گی ، تکت زکوه ، شائی گی ، باج سیخ ، علف چر ، طرق ، خریدجوال ، گلیم ، جل ، نوار پشم ، توبره اخذ می گردید • (٤٧)

پادشاه تمام این نوع مالیات را اصلاح و مالیهٔ مترقی و واحد را بوجود آورد و پول نقد که مامورین دولت از افراد ملت بنام مصارف شخصی خود جمع میکردند منع کرد • امان الله خان وحدت نظام مالیات گمرکی را بوجود آورد و محصول گمرک را واحد و مربوط ادارهٔ گمرک ساخت بدین ترتیب تمام گمرکات مناطق را مسدود ساخت و برای اولین مرتبه افغانستان وحدت اقتصادی خود را حاصل کرد •

برای اصلاح مالیات گمرکی و محصول تجارتی در ۱۹۲٤ دولت قانون جدید محصول گمرکات را بنام ـ نظامنامه محصول گمرکی ـ به مجلس لویه جرگه پیش کرد • باساس قانون جدید محصول واردات خارجی اضافه شد و پادشاه برای دریافت تأئید وکلای ملت از قانون جدید اصطلاح اسلامی را بکار برده گفت که تمام مصنوعات خارجی توسط و بدست کفار صناعت میشود •

منسوجات بزرگترین و مهمترین واردات افغانستان را تشکیل میداد و ملت افغانستان زیادترین پول اسعار را در تجارت و واردات تکه های خارجی بمصرف میرسانید• جهت جلوگیری از واردات تکه های ساخت خارج دولت مالیهٔ بلند را تعیین نموده مامورین و شاگردان مکاتب را امر به پوشیدن مصنوعات وطنی ساخت • (٤٨) در مقابل بدعوت وکلای ملت دولت محصول گمرک را نسبت به مواد ضروری مثل چای و بوره و بعضی مواد غذائی تخفیف داد• (٤٩)

مالیهٔ جنسی که عموما دهقانان برای دولت در نهایت فصل زراعت میدادند اسباب مشکلات متعددی را برای دهقانان بار میآورد خصوصا که مامورین اداره جمع مالیات از فشار و ظلم در ادای وظیفهٔ خود کار میگرفتند • دهقانان مجبور بودند مالیات جنسی را توسط وسائل نقلیه

خود و بمصرف خود به ادارهٔ مالیات ببرند • مامورین دولتی جهت اخذ رشوت در بسیاری مواقع محصول دهقانرا که در بدل مالیات به ادارهٔ دولتی آورده بدلیلی که محصول خراب است رد میکردند و یا اینکه دهقانرا برای چند روز برای دریافت رسید معطل میساختند که در این حالت دهقانان مجبور به دادن رشوت میشدند•

غله که در عوض مالیات از مردم گرفته میشد در مخزن دولتی جمع آوری میشد و مامورین دولتی برای استفادهٔ شخصی مقداری از غله را در بازار بفروش رسانیده مخزن را آتش میزدند • در نتیجه سوء اداره دولت خسارات بزرگی را متحمل میگردید • ( ۵۰ )

برای حل این مشکلات پادشاه مالیات جنسی را غیر قانونی اعلان نمود و مالیات نقدی را تعیین نمود • مالیات نقدی فوائد زیادی را برای دولت و ملت بار آورد و تجارت ترقی نمود و زراعت نیز حالت استقرار را کسب نموده دهقانان مقدار مالیات را بطور ثابت دانسته از ظلم مامورین دولتی و نفوذ خان و ملک آزاد شدند •

در سبتمبر ۱۹۲۳ دولت قانون مالیات زمین زراعتی را بنام ـ نظامنامهٔ للمی و مالیه ـ آماده نموده و قانون را به مجلس شورای سال ۱۳۰۳ جهت موافقه وکلاء پیش کرد • در جریان مناقشهٔ قانون تمام وکلاء بغیر از وکلای هرات و قندهار نظامنامهٔ جدید را تصدیق نمودند•

وکلای قندهار از تبدیل شدن مالیات جنسی به نقدی شکایت داشتند و لیکن متاسفانه اعضای هیأت تحریرات شورا تمام گذارشات را ثبت نکردند تا از جریان اطلاعات کامل بدست میآمد • وکلای قندهار را نمایندگان وزارت مالیه و مستوفی کابل و رئیس تنظمیه قندهار نتوانستند در جریان مناقشه قناعت بدهند • وکلای قندهار از قلت آب و تجاوز مامورین مالیه و از مقدار تعین حاضره نقصان و پریشانی خود را حکایه و شکایت به حکومت و شخص پادشاه پیش نمودند •

وکلای هرات میگفتند که : ( تا حال بر طبق نظامنامه از ما تحصیل مالیه نشده همان طرز قدیم جاریست ) ( ۵۱ )

وکلای ملت مالیهٔ زراعتی را بمقدار واحد از تمام نقاط افغانستان ظالمانه تعبیر نمودند و از دولت خواستند تا مالیات زمین را مطابق انتاج و محصول زراعتی هر منطقه تعیین نماید •

پادشاه در جریان مجلس پیشنهادات وکلاء را قبول لیکن در تطبیق عملی آن مطابق مواد نظامنامه عمل نکرده مالیهٔ جدید و اضافی را که بمقدار یک افغانی از یک جریب زمین بود بنام مالیه معارف تعین نمود که مشکلات بزرگی را برای دهقانان بوجود آورد •

برای اصلاح مالیهٔ مواشی دولت به مجلس شورا قانون جدید را بنام ـ نظامنامهٔ محصول مال مواشی ـ جهت تصویب پیش کرد • مجلس در مورد مواد نظامنامه مواشی مناقشه طولانی نمود که ذکر تمام جریانات مجلس از طاقت این تحقیق خارج است لیکن جهت توضیح مطلب به دو پیشنهاد اشاره میشود که هر دو جوهر مشکلات آنزمان را روشن میسازد •

۱ ـ جمع محصول مواشی بعوض سالیانه دو سال بدوسال و یا سه سال بسه سال گرفته شود • این پیشنهاد را وکلای ترکستان تقدیم نمودند •

۲ـ اگر محض مراعات اشخاصیکه از خزانه دور افتاده اند و نمیتوانند که از قشلاق و ایل های خود تا بخزینه و دفتر رسیده بتوانند میعاد تحویل قسط محصول بعوض قوس تا آخر سال توسیع داده شود خوبتر خواهد بود • این پیشنهاد را وکلای هرات تقدیم مجلس نمودند•

پادشاه در جواب پیشنهاد دوم این توضیح را داد که : تا حال شما اطلاع ندارید که درین سال در هر مقام و هر محل دور ماموریتهای مالیه و حکومتی افغانستان خزائن متعدد فقط بنابر ارتفاع سرگردانی اهالی مقرر و معین شده تا هر شخصیکه بخواهد مالیات و گمرک و یا محصول مواشی خودش را بهمان خزینه دولت که به پهلوی خانه اش معین شده است ببرد وسرگردانی نکشد • ( ۵۲ )

وکلای شمال خواهان عدم تطبیق مالیه بالای مواشی صغار شده توضیح دادند که : اعلیحضرت غازی از صغار و کبار و ذکور و اناث مواشی از ما محصول میخواهند حالانکه بسیاری از گوساله ها و چوچه بره ها و بزغاله ها بعد از اعاشهٔ قلیل سقط و تلف میشود و برای مالدار ازین طریق تکلیف عائد میشود بایستی که محصول مواشی خورد سال معاف شود باقی همه گونه تکلیف اعلیحضرت را ما قبول داریم • ( ۵۳ )

برای حل مشکلات و قانونی شدن قانون مجلس و پادشاه اضافات ذیل را در نظامنامهٔ محصول

مال مواشی تأئید نمودند:

۱ـ جمع محصول مالیه باید بعد از شمار مواشی از طرف مامورین مالیه و در ماه اگست اخذ وحاصل شود •

۲ ـ تمام مالیه مواشی نقد بوده و فقط از گوسفنند قره قل جنسی حاصل گردد •

۳ ـ عدم حصول مالیه از مواشی که تا هنوز در شکم مادران شان اند•

٤ ـ معامله خوب با چوپانان ایرانی که در ماه تابستان به خاک افغانستان و علف زار های سرحدات هرات میآیند و حصول مالیه کمتر از مواشی ایشان • ( ٥٤ )

۵ ـ عدم حصول مالیه از مواشی در طول راه •

برای تربیهٔ مامورین در شئون مالیات و گمرکات در کابل مدرسه ای بنام ـ اصول دفتری ـ تحت اداره آقای میرزا مجتبی خان تأسیس یافت • فارغان مدرسه مذکور بحیث مامورین مالیه مقرر میشدند • در سال ۱۹۲۳ وزارت مالیه کتاب رهنمای علم مالیه و گمرک را بچاپ رسانید و کتاب مذکور جزئی از کتب درسی مدرسهٔ اصول دفتری شناخته شد •

برای اصلاح بیشتر دولت نظام حساب عدد و ارقام عربی و هندی را در شعبات مالی حتمی دانست • ( ۵۵ )

در ۱۹۲۷ دولت در نتیجهٔ مصارف بی حساب و خریدن اسلحه و تعمیر قصور برای پادشاه مجبور به انفاذ مالیهٔ جدید شد • در همین سال وزارت مالیه قانون جدید مالیه را بمجلس شورا پیش کرد و متأسفانه تمام مالیات که قبلا لغو شده بود بار دوم روی کار آمد • مالیه جدید بنام مالیهٔ خریداری اسلحه از تمام اتباع افغانستان از سن ۱۵ و بمقدار ۳ـ ٤ افغانی در سال بود •

وزارت دفاع از معاش صاحب منصبان در یک سال یک ماه معاش را بنام مالیه حصول می نمود • مالیهٔ جدید شامل مامورین وزارت معارف و شاگردن مکاتب بود که هر سال مبلغ پنج افغانی بود و همچنان مالیه اراضی به اقسام مختلف آن بار دیگر روی کار آمد • ( ٥٦ )

و همچنان وزارت مالیه قانون جدید محصول گمرکی را وضع نمود که در بسیاری موارد محصول گمرک زیادتر از قیمت اصل جنس وارد شده بود • ( ۵۷ ) در نتیجه محصول گمرکی جدید اسعار

مواد ضرورت در بازارهای افغانستان بلند رفت •
دولت افغانستان از مالیات جدید منفعت قابل ملاحظه ای نکرد • گمرکات به سبب مواد قاچاق در حالت رکود مستمر باقی ماند و در نتیجهٔ سرازیر شدن مواد قاچاق اسعار مصنوعات خارجی نسبت به مصنوعات داخلی ارزانتر در بازار ها بدست میآمد که در اثر آن مصنوعات ملی خسارات قابل ملاحظه را متحمل شد • دولت در جلوگیری دخول قاچاق از هند و همکاری قبائل با قاچاقبران ناکام ماند • (۵۸)
بلند رفتن مالیات بنامهای متعدد از طرف پادشاه سبب شد که اتباع افغانستان به شخص پادشاه بنظر شک ببینند و به اقوال وی اعتبار نکنند• انقلابیون در ۱۹۲۸ از ارتفاع مالیات استفاده سیاسی علیه حکومت امان الله خان کردند و وعده الغای تمام مالیات را به ملت دادند که در نتیجه آن ساکنان دهات از انقلابیون حمایت نمودند• (۵۹)
خلاف وعده حکومت در مورد الغای مالیات جنسی افراد ملت مثل سابق مجبور بودند برای قوای نظامی دولت علف و برای عساکر مواد غذائی بدهند این مالیه بنام ـ امیری ـ یاد میشد که اسباب مشکلات اقتصادی را برای مردم بار آورد •
اکثر قوانین اصلاحی امان الله خان در مورد مالیات بصورت واقعی آن از طرف حکومت تطبیق نشد • امان الله خان قادر به تأسیس ادارهٔ فعال مالی در دولت نگردید و نتوانست مامورین استفاده جو را از ادارات مالی دور سازد • با وجود قوانین و نظامهای جدید مردم و مامورین مطابق قوانین قدیم در معاملات مالی عمل مینمودند• دولت موفق به تربیهٔ کدر جدید اداری برای وزارت مالیه کشور و ادارات مربوط آن نشد و همچنان انقلابات پی در پی خصوصا انقلاب ۱۹۲۸ اسباب انحلال تمام ارگانهای دولت را بوجود آورد و افغانستان برای مدتی قادر به استفاده از اصلاحات اقتصادی امان الله خان نگردید• اصلاحات عصر اعلیحضرت امان الله خان در حقیقت اساس اصلاحات اداری در عصر اعلیحضرت محمد نادر خان و بدایت عصر اعلیحضرت محمد ظاهر خان بود و میتوان اصلاحات بعد از عصر امان الله خان را امتداد عصر امان الله خان دانست •

## هفتم : صناعت :

تاریخ نشان میدهد که صناعت در افغانستان از قدیم الزمان موجود بود و قریه افغانستان صناعات ابتدائی را می شناخت • در هر قریه نجار ، آهنگر ، نداف ، خشت مال ، تکه باف موجود بود که رفع احتیاجات عمومی مردم را مینمودند•

صناعات در افغانستان بمقارنهٔ کشور های همسایه و جهان صناعتی بسیار عقب مانده بود و عدم ترقی صناعت اسباب داخلی و خارجی داشت که اسباب داخلی را جنگهای داخلی بین خانواده سلطنتی و بین قبائل افغانی میساخت در حالیکه اسباب خارجی را موقعیت جغرافی افغانستان و دوری آن از مناطق صناعتی جهان و ابحار و عدم اهتمام دولت انکلستان به صناعات افغانی تشکیل میداد •

در عهد امیر شیر علی خان در میدان صناعت تغییر مهمی را از طرف دولت مشاهده مینمائیم اهتمام دولت در این عهد زیادتر به صناعات حربی بود • امیر شیر علی خان فابریکهٔ اسلحه سازی را از خارج وارد کرد • صناعات حربی امیر تحت نظر متخصصین هندی و مهندس امریکائی بود • (٦١) فابریکه اسلحه سازی زیادتر به قوه بشری نسبت به ماشینی اعتماد داشت این فابریکه در نتیجه مشکلات داخلی و جنگ دوم افغان و انکلیس متوقف شد •

در عهد امیر عبدالرحمن خان افغانستان وحدت خود را به سبب عزم قوی امیر بدست آورد و نوعی از استقرار سیاسی حکمفرما شد • استقرار سیاسی اسباب تقدم صناعت را آماده ساخت • امیر عبدالرحمن خان از تجربهٔ خارجی ها در صناعات ملی استفاده نمود و در جریان سفر خود در هند با مهندسین خارجی ملاقات ها داشت و امیر در موضوع این طور نوشت :

( در هندوستان با مهندس فرانسوی بنام ـ جیروم ـ ملاقات نمودم و نامبرده را به افغانستان دعوت نمودم و همچنان با متخصصین هندی در تخصصات صناعت ملاقات نمودم و از ایشان دعوت نمودم تا به افغانستان بیآیند • ) (٦٢)

امیر عبدالرحمن خان نخست در ترمیم و تجدید فابریکه اسلحهٔ سازی که در کابل موجود بود

پرداخت • امیر را در تجدید فابریکه منهدس انگلیسی بنام ـ استیوارت ـ و دو مهندس افغانی بنامهای ـ قاسم خان و سالم خان ـ مساعدت نمودند • در نتیجهٔ زحمات دو مهندس افغانی و مهندس انگلیسی فابریکه ماشین های متعددی را به قوت صد اسپ بکار انداخت • در تجدید ماشینات فابریکه مهندس انگلیسی دیگری بنام " **MR . PYNE** " نقش فعال داشت•
با استیراد ماشینات متعدد در بسیاری اوقات کار در فابریکه توسط دست بعمل میآمد و تعداد کارگران به چهار صد کارگر میرسید• در فابریکهٔ کوچک و موجودیت ماشنیات جدید وجود کارگران زیاد غیر اقتصادی بود • فابریکه از تاریخ افتتاح آن تا سال ۱۹۰۰ میلادی موفق به صناعت ۱۰۵ توپ و ۲۵۰۰ تفنگ شد •
امیر عبدالرحمن خان فابریکه تولید الکحول را از هند وارد نمود • فابریکهٔ الکحول در هشت ساعت ۱۵۰۰ بوتل شراب از انگور تولید میکرد • فابریکه زیر نظر دو مهندس امریکائی و مهندس هندی بنام ـ راسنگ ـ اداره میشد • فابریکه الکحول را ملت غیر اسلامی دانستند و امیر عبدالرحمن خان مجبورا امر به اغلاق آن صادر نمود • ( ٦٤ )
فابریکه چرم و بوت دوزی در عهد امیر عبدالرحمن خان زیر نظر مهندس انگلیسی بنام " **ASKER** " آغاز بکار نمود • مهندس صناعت چرم انگلیسی بنام " **THORNTON** " در صناعت چرمی در فابریکه اجرای وظیفه مینمود • دو متخصص افغانی در رشته چرم بنام های ـ عظیم خان و غلام حیدر خان ـ از معلمین فابریکه بودند • در فابریکه تعدادی از کارگران ماهر ایرانی از شهر همدان کار میکردند • متخصص مسلمان روسی بنام ـ احد ازبک ـ که در فابریکه بوت سازی مسکو کار میکرد برای کار و تعلیم افغانان به فابریکه استخدام شده بود •
انتاج فابریکه در روز هزار جوره بوت بود که اکثرا برای قوای نظامی ساخته میشد و در حقیقت فابریکه به هدف خدمت عسکری بناء یافته بود • ( ٦٥ )
در عهد سراجیه ـ ۱۹۰۲ ، ۱۹۱۹ ـ صناعت در افغانستان پیشرفت قابل ملاحظه ای نمود • مهمترین نمونه عصر سراجیه در مجال صناعات بنای شهر صناعتی در شمال دریای کابل بنام ماشین خانه است • ریاست ماشین خانه را برادر امیر حبیب الله خان سردارمحمد سرور خان که بلقب امیر صنایع معروف بود به عهده داشت •

سردار مذکور را آقای عطامحمد خان مدیر فابریکه چرم و نادر بخش هندی همکاری میکردند (٦٦) ۰

در ۱۹۰۲ فابریکهٔ چرم داخل شهر صناعتی شد و در ۱۹۱۲ فابریکه بافت تکه های ابریشمی داخل شهر صناعتی جدید گردید این فابریکه در هر سه ماه دوازده هزار لباس برای عساکر میساخت ۰

در ماشین خانه اقسام صنایع حربی بود ۰ قسم صناعت باروت سازی تحت ریاست محمد رضا ترکی بود ۰ فابریکه آئینه سازی و فابریکهٔ حجاری و فابریکهٔ شمع سازی و فابریکه نجاری و فابریکهٔ ضرب سکوک و فابریکهٔ بوت تحت ریاست مهندس انگلیسی بنام ـ سرانتوم ـ کار می کرد ماشین خانه به قوت بخار کار میکرد و دولت مجبور بود مقادیر زیاد چوب را برای کار ماشین خانه خریداری نماید ۰ تهیهٔ چوب برای کار فابریکه برای دولت غیر اقتصادی بود ۰ برای حل مشکلات امیر حبیب الله خان در فکر انشای بند برق شد ۰ امیر را در ساختن فابریکه برق جبل السراج مهندس امریکائی بنام ـ جویت ـ همکاری نمود ۰ کار بنای فابریکه برق جبل السراج در می ۱۹۱۱ آغاز و در دسمبر سال ۱۹۱۸ تکمیل شد۰ (٦٧)

در سال ۱۹۱۸ اداره ماشین خانه نمایشی از صنایع افغانستان را در کابل افتتاح کرد ۰ هدف از نمایش تشویق صنایع ملی بود ۰ دولت خواست ملت را در جریان کار صنایع ملی و وطنی قرار بدهد ۰

صناعت قالین از صناعات مهمی دستی افغانستان بود و دولت سالانه مقدار از قالین افغانی را بخارج صادر مینمود ۰ با مهاجرت هزاران مهاجر مسلمان از وسط آسیا به افغانستان صناعت قالین ترقی زیادی نمود ۰

در ۱۹۱۹ و بعد از آن اعلیحضرت امان الله خان در ترقی صنایع کوشید ۰ در مقدمهٔ اصلاحات امان الله خان در ساحه صنایع تدوین قانون برای صناعت بود ۰ امان الله خان قانون صناعت را بنام ـ نظامنامهٔ تعدیل صناعت ـ تدوین کرده به مجلس شورا پیش کرد ۰ در اگست ۱۹۲٤ دولت صناعت را تنظم جدید نمود و در راس کل صناعت اداره خاصی را بوجود آورد ۰

قانون جدید کارگر صناعت را منع مینمود تا وظیفهٔ تخصصی خود را ترک نماید • (٦٨) در قانون جدید ماشین آلات صناعتی از محصول گمرکی معاف بود و همچنان فابریکه ها برای مدت پنج سال از پرداخت مالیه معاف بودند• دولت جهت حمایت مصنوعات و صناعت داخلی مالیات هنگفتی را بالای مصنوعات خارجی تعین کرد • لیکن با وجود وضع مالیات هنگفت بالای واردات خارجی مصنوعات خارجی در بازار های افغانستان ارزانتر از صناعت وطنی و ملی بود • (٦٩)

امان الله خان برای حمایت مصنوعات داخلی دست به تبلیغات اسلامی زده از تمام افراد ملت دعوت نمود تا از تکه های ساخت وطن استفاده کنند • پادشاه در بیانیهٔ خود در مجلس شورا در تشویق صنایع ملی اینطور فرمود :

( باید در لویه جرگه آینده همه تان لباس های وطنی خودها را پوشیده بیائید • باز میگویم که درینخصوص بدرجه لحاظ شما را کرده ام که لحاظ هیچ کسی را نکرده ام • دیناً و جداً بر شما لازم است که از تکهای وطن خود لباس بسازید ، فکر کنید ! در وقتیکه تکهای وطن ما ساخته میشود بهر تار و پود آن بسم الله خیر یا الله گفته میشود ، آیا پوشیدن این تکهای پاک خوب است ، یا در بر نمودن پارچهای منحوس نا پاک که از دست یک بی وضو و بی نماز خارجیه بعمل می آید • ) پادشاه در نهایت اضافه کرد •

درین دو فقره که اولاد های خود را بمعارف تشویق بدئید و تکهای وطن خود را بپوشید باز بیان میکنم که عموما ملتم را زیاده بر زیاده تشویق بدئید زیرا که واسطه همه بلندیها علم است و پوشیدن تکهای وطنی نیز برای اقتصاد ما سودمند است • ) (۷۰)

برای حمایت کارگران از ظلم صاحبان کار و صاحبان فابریکه ها دولت قانون کار و کارگر را تدوین نمود • در سال ۱۹۲۸ قانون ـ کار و کارگر ـ از طرف دولت تصویب شد باساس مواد قانون جدید ساعات کار به هشت ساعت ثابت گردید• باساس قانون جدید در صورت زیادتر از هشت ساعت کار ، کارگر مستحق اجورهٔ اضافی میشد •

جهت بهبود صنائع و آماده ساختن کارگران ماهر دولت مدرسه ـ صنائع ـ را در کابل تأسیس

نمود ۰ مراحل تعلیم در مدرسه دو مرحله بود و هر مرحله دو سال را در بر داشت ۰ در مدرسه اقسام مختلف مانند : نجاری ، آهنگری ، تکه بافی ، میخانیکی تدریس میشد ۰ در مدرسه ورکشاپ تعلیم موتر ، برق ، نیز جهت تعلیم جوانان موجود بود ۰ مدرسین مدرسه را استادان المانی و افغانی تشکیل میدادند و بجوار مدرسه فابریکه کوچکی نیز برای تعلیم و تمرین جوانان تأسیس یافت ۰ ( ۷۱ )

دولت مساعی فوق العاده در بنای فابریکه های نساجی مبذول داشت زیرا افغانستان برای لباس احتیاج زیادی به تکه و منسوجات داشت ۰ جهت تورید فابریکه ها افغانستان معاهده اقتصادی با دولت انگلستان بامضاء رسانید که ماده ششم آن حق استیراد فابریکه را از انگلستان به افغانستان میداد و مطابق معاهدهٔ امضاء شده تمام مواد صناعتی افغانستان از محصول گمرکی در بنادر هندوستان معاف بود ۰ ( ۷۲ )

افغانستان معاهدات مانند معاهده با انگلستان با سائر کشور های اروپائی بامضاء رسانید که باساس آن فابریکه از کشور های اروپائی وارد نمود ۰ فابریکه های نساجی در مزارشریف ، قطغن ، جبل السراج ، ترکستان ، هرات تأسیس شد که کرباس ساخت هرات دارای شهرت زیادی بین تکه های ساخت افغانستان بود ۰ ( ۷۳ )

در سال ۱۹۲۷ صناعات افغانستان پیشرفت زیادی نمود ۰ بازدید اعلیحضرت امان الله خان از مناطق صناعتی کشور های اروپائی در تحول صناعت افغانستان مفید واقع شد ۰ امان الله خان از شهر های صناعتی انگلستان ، فرانسه ، المان و روسیه دیدن نمود ۰ جرائد آنوقت خصوصا جرائد انگلیسی از اهتمام پادشاه افغانستان به صناعات اروپائی راپور ها تهیه نمودند ۰

در شهر مانچستر امان الله خان از طرف حاکم آن استقبال عظیمی شد و ضمن بیانیه خیر مقدم از طرف ساکنان شهر به پیشرفت صناعت در افغانستان اشاره کرده گفت : ( ما به کمال رضایت به پیشرفت صنایع را در افغانستان می بینیم و یقین داریم که صناعات در افغانستان تحت قیادت پادشاه آن زیادتر ترقی خواهد نمود ۰ ) ( ۷٤ )

امان الله خان در خلال بازدید اش اروپا از اکثر فابریکات اروپا دیدن نمود ۰ بازدید پادشاه مانند آموختن و درس برای شخص پادشاه بود ۰ صاحبان فابریکه ها با استقبال خود تبلیغات

برای فروش فابریکه های خود به افغانستان نیز نمودند • صاحبان فابریکه هاموفق شدند تا تعدادی از فابریکه ها به افغانستان بفروشند • پادشاه از جرمنی ، انگلستان ، فرانسه فابریکهٔ باروت سازی ، فابریکهٔ سمنت ، فابریکهٔ صابون ، فابریکهٔ نساجی ، فابریکهٔ چوب ، فابریکهٔ روغن و بوره خریداری نمود •

فابریکه های خریداری شده قبل از سقوط امان الله خان بچند روز به بندر کراچی مواصلت نمود لیکن نظر به سقوط سلطنتش نتیجهٔ پروگرام صناعتی خود را ندید • دولت انگلستان فابریکه ها را به حکومت حبیب الله خان بچه سقاو تسلیم نکرده و در اثر رطوبت و عدم توجه مسئولین اداره گمرک کراچی اکثر فابریکه ها تلف شد • (۷۵)

در ۱۹۲۸ دولت پروگرام صناعتی جدید را به مجلس شورا پیش کرد • در پروگرام جدید فابریکه های موتر سازی ، ترمیم طیاره ، نساجی ، چرم گری و ساختن بمب شامل بود• وکلاء تمام پروگرام دولت را در مجال صناعت تأئید نمودند • (۷٦)

واقعات داخلی افغانستان سبب گردید که امان الله خان نتیجه سفر علمی خود را مشاهده نکند• در عصر امان الله خان اکثر صناعات به انتاج خود آغاز نمود و فابریکه ها در کابل و ولایات تأسیس شد • آقای " PERNT ' در سال ۱۹۲۵ از فابریکه های افغانستان بازدید نموده در آخر سفر خود گفت که افغانستان در آیندهٔ نزدیک به کشور صناعتی تبدیل خواهد شد • (۷۷)

فابریکه مهمی که انتاج آن به بازارهای داخلی و خارجی فرستاده شد فابریکه گوگرد سازی است منابع انگلیسی از انتاج گوگرد در افغانستان از خود تشویش نشان دادند و منبع اضافه میکند که گوگرد ساخت افغانستان نسبت به گوگرد روسی و هندی بهتر و ارزانتر است و ممکن سبب رکود صناعات گوگرد در هند شود • منبع میگوید که اکثر کارگران فابریکهٔ گوگرد را زنان تشکیل میدهند • (۷۸)

از مطالعهٔ راپور رسمی حکومت انگلستان معلوم میشود که زنان افغان در خدمت صناعات مانند مردان حصه گرفتند و در پیشرفت اقتصاد وطنی و ملی سهم فعالی را ایفاء کردند •

دولت افغانستان جهت آماده ساختن انرژی برای فابریکه ها در فکر تأسیس منابع طبیعی شد• جهت تأسیس بند های برق افغانستان قرار دادی با کشور های اروپائی بامضاء رسانید • طبق

قرار داد با المان هیأت المانی بریاست مهندس المانی " **PUDOLF OERTEL** " که زبان فارسی را میدانست بکابل آمد ۰ ( ۷۹ )

مهندس المانی در ساختن فابریکهٔ برق چک وردک ، قندهار ، پل خمری ، جلال آباد و سروبی حصه گرفت ۰ بند برق سروبی در عصر سلطنت اعلیحضرت محمد ظاهر شاه تکمیل شد ۰ ( ۸۰ )

امان الله خان نقش معادن را در خدمت صناعات درک نمود۰ متخصصین معادن در راپور خود به دولت افغانستان از وجود معدن پترول ، ذغال سنگ ، نقره ، مس ، آهن و فولاد اطمینان دادند۰ ( ۸۱ )

ذغال سنگ اولین معدنی بود که متخصصین فرانسوی آنرا کشف نمودند۰ ذغال سنگ برای استفاده فابریکه ها و منازل استفاده میشد ۰ ( ۸۲ )

باساس قرارداد با دولت روسیه متخصصین روسی برای استخراج پترول به افغانستان آمدند و در شمال افغانستان مشغول تحقیقات شدند ۰ دولت روسیه بورس تعلیمی برای شاگردان افغانی در تخصصات معادن به پوهنتون باکو تقدیم دولت افغانستان کرد ۰ ( ۸۳ )

افغانستان قراردادی با دولت فرانسه در ساحه تحقیقات معادن بامضاء رسانید ۰ متخصصین فرانسوی در جنوب افغانستان مشغول تحقیقات شدند۰ دولت قراردادی با دولت المان به امضاء رسانید باساس قرارداد مذکور المان حق تحقیقات را در ساحه حجار کریمه مانند یاقوت ، زمرد و لاجورد بدست آورد ۰ شرکت المانی بنام " **KRUPP** " در سال ۱۹۲۸ حق امتیاز تحقیقات را برای معادن در افغانستان حاصل کرد لیکن در اثر انقلاب تحقیقات شرکت متوقف شده بار دوم در اواخر ۱۹۳۰ شروع بکار نمود ۰

اعلیحضرت امان الله خان با تمام اخلاص در انکشاف صنایع کوشید و صناعت بشکل حقیقی آن در افغانستان بوجود آمد ۰ با تمام احترام به نقش امان الله خان در ساحهٔ صناعات باید نوشت که سیاست امان الله خان در مجال صناعت چنانچه در جایش بدان اشاره خواهد شد نواقص عمده را داشت ۰

امان الله خان در ساحهٔ اقتصاد ملی نقش مهمی را بازی نمود و اصلاحات اقتصادی وی اسباب

انکشاف تجارت و صناعت و زراعت گردید و سرمایهٔ ملی بوجود آمد و تجارت افغانستان با عالم خارجی ارتباط یافت ۰ امضای معاهدات تجارتی بین افغانستان و کشور های خارجی اسباب پیشرفت تجارت خارجی را بار آورد ۰ لیکن افغانستان نتوانست از قروض خارجی استفاده نماید و شرکت های اروپائی توانستند مواد صناعتی خود را بالای افغانستان و به اسعار گران بفروش رسانند ۰

امان الله خان اکثر قروض خارجی را در بنای خط آهن دارالامان و نواحی آن بمصرف رسانید و بسیاری پروگرامهای اقتصادی امان الله خان اصلا غیر اقتصادی بود ۰ در پهلوی قروض خارجی امان الله جهت تحقیق پروگرام های اقتصادی خود مجبور شد مالیات جدید را وضع نماید که مالیات جدید اسباب مشکلات اقتصادی را برای ملت بارآورد ۰

بنای صناعات ملی از پروگرام مفید امان الله خان است لیکن پلان امان الله خان پلان ناقص و غیر مطالعه شده بود ، پادشاه از احساسات زیادتر نسبت به عقل کار گرفت و امکانیات اقتصادی و بشری و احتیاجات اصلی ساکنان افغانستان را در نظر نگرفت ۰ خریداری فابریکه های متعدد در غیاب کارکنان ماهر و با تجربه سبب شد که تولیدات صناعتی محدود باقی مانده و اکثر فابریکه ها مثل مخزن آهن در فابریکه ها ذخیره گردید و در نتیجهٔ خریداری تعدادی زیادی از فابریکه ها افغانستان مخزن فابریکه ها شد ۰

سیاست صناعتی شدن کشور که امان الله خان آنرا اساس گذاشت چندان بنفع افغانستان تمام نشد ۰ عدم موجودیت کارگران افغانی در فابریکه های افغانستان سبب شد که امان الله خان اتکاء به کارگران خارجی نماید و افغانستان مبالغ بزرگ از اسعار را صرف معاشات خارجی ها کرد ۰

اعلیحضرت محمد نادر خان در موضوع سیاست صناعتی اعلیحضرت امان الله خان این تعلیق را نمود که ذکر آن در این جا مفید است ۰ ( افراد ملت افغانستان هر روز ده ها مهندس و متخصص خارجی را میدیدند که در خیابانهای کابل در گشت و گذار اند بدون اینکه کاری داشته باشند ۰ ) (۸٤)

استاد تاریخ آقای " **FRASER TYTLER** " که در تاریخ معاصر افغانستان تخصص دارد

مینویسد : ( در حالیکه خدمات ضروری و اولیه در حالت عادی گذاشته شده بود مبالغی هنگفت را برای خریداری طیاره ها که تعداد آن اصلا پرواز نکردند و تعمیر شهر و خریداری فابریکه ها که هیچ فائده نداشت به مصرف رسید • ) ( ۸۵ )

سفیر انگلستان در کابل سیر همفری در تلگرام خود از کابل به لندن راجع به سیاست صناعتی اعلیحضرت امان الله خان نوشت : ( دوست عزیزم که از المان است برایم گفت که تمام مواد صناعتی که امان الله خان از المان خریداری نموده هیچ نوع فائده ای برای افغانستان ندارد•) ( ۸٦ ) •

در قسمت اصلاحات زراعتی سیاست امان الله خان بسیار مفید واقع نشد • امان الله خان باید مساحاتی از اراضی زراعتی را برای دهقانان بفروش میرسانید • فروش اراضی به قیمت مناسب سبب بوجود آمدن طبقه بورژوازی زراعتی در اجتماع افغانی گشت و دهقان فقیر افغانستان منفعتی از سیاست زراعتی امان الله خان نبرد • دولت در تعمیر و بنای بندهای آب توجه نکرد و نظام آبیاری مورد توجه دولت قرار نداشت • دولت برای اصلاح اراضی زراعتی پلان منظم در دست نداشت •

امان الله خان در سیاست اقتصادی اش موضوع ذخیرهٔ اسعار خارجی را برای دولت نادیده گرفته در بسیاری اوقات در خزانه دولت اسعار خارجی موجود نمی بود•

سیاست اقتصادی امان الله خان اگر چه در عصر وی نتیجه ای قابل ملاحظه نداد لیکن اساس اقتصاد افغانستان را ساخت و نظام های بعدی افغانستان از آن مستفید گردیدند • جای شک نیست که اعلیحضرت امان الله خان بقدر امکانیات اقتصادی دولت و تجربهٔ شخصی خود در اصلاح اقتصادی افغانستان زحمت کشید لیکن عدم موجودیت متخصصین افغانی و سرعت شخص پادشاه در امور دولتی اسباب ناکامی دولت وی را آماده ساخت که به تفصیل در فصل بعدی آنرا مطالعه خواهیم کرد •

## مراجع فصل چهارم :


۱ـ اوراق لویه جرگه ۱۳۰۳ ، صفحه : ۲۰۱

۲ـ اوراق لویه جرگه ۱۳۰۳ ، صفحه : ۲۰۲

۳ـ اوراق لویه جرگ ۱۳۰۳ ، صفحه : ۲۰۳

٤ـ اوراق لویه جرگه ۱۳۰۳ ، صفحه : ۳۰۹ و فصل امورات تجارت

۵ـ اوراق لویه جرگه ۱۳۰۳ ، صفحه : ۳۰۹ و همچنان

POULLADA , LEON . B . OP . CIT .P : 99

٦ـ غبار ، میر غلام محمد ، مرجع سابق ، صفحه : ۷۹۱

۷ـ لائحه ترقیات چهار ساله دولت ، صفحه : ۳۰

۸ـ لائحه ترقیات چهار ساله دولت ، صفحه : ۳۹ ، ۵۰ و همچنان غبار ، میر غلام محمد مرجع سابق ، صفحه : ۷۹۲

۹ـ POULLADA , LEON B . OP . CIT . P : 136

۱۰ـ IBID

۱۱ـ GREGORIAN , VARTAN . OP . CIT . P : 253

۱۲ـ ماده ششم و هفتم معاهده بین افغانستان و انگلستان ۲۲ نومبر ۱۹۲۱

۱۳ـ اوراق لویه جرگه صفحه ۹۵

۱٤ـ IOR . L / P + S / 11 / 275 , P : 374 . 1927

۱۵ـ ADAMEC , LUDWIG . W " AFGHANISTAN FOREIGN AFFAIRS " P : 126

۱٦ـ POLITICAL AND SECRET DEPARTMENT RECORDS : IOR L / P + S / 11 230 AND IOR . L / P + S / 11 / 249

۱۷ـ TELEGRAM FROM HIS BRITANNIC MAJEST 'S MINISTER AT KABUL TO SCRETARY OF STATE FOR FOREIGN AFFAIRS INDIA

OFFICE . IOR . L / P + S / 11 / 293 P : 5130 . 20 th SEPT 1928

۱۸ـ GREGORIAN , VARTAN . OP . CIT . P : 253

۱۹ـ TELEGRAM FROM HIS BRITANIC MAJESTY'S MINISTER AT KABUL TO SCRETARY OF STATE FOR FOREIGN AFFAIRS INDIA OFFICE . IOR . L / P + S / 11 / 275 . P : 3462 . JUY 1927

۲۰ـ اوراق لویه جرگه ۱۳۰۳ صفحه : ۵۹ ، ٦۰ و همچنان

GREGORIAN , VARTAN . OP . CIT . P : 254

۲۱ـ اوراق لویه جرگه ۱۳۰۳ ، صفحه : ٦۰ و همچنان ، لائحه ترقیات چهار ساله دولت صفحه : ۵۹ و همچنان ملاحظه شود :

"DAS . UNTERNEHMEN AFGHANISTAN " OP . CIT . PP : 108 - 109

۲۲ـ ADAMEC . OP . CIT . PP : 130 - 131

۲۳ـ SCHINASI , MAY . OP . CIT . P : 95

۲٤ـ کاکا خیل ، سید ظفر شاه ، مرجع سابق ، صفحه : ۱۰٦۱

۲۵ـ غبار ، میر غلام محمد ، مرجع سابق ، صفحه : ۷۹۲

۲٦ـ FLETCHER . ARNOLD . OP. CIT . P : 206

۲۷ـ قیمت روپیه کابلی ـ ۱۰۰ ـ افغانی مساوی ـ ٦۰ ـ روپیه هندی بود • روپیه هندی دو نیم گرام از نقره داشت و افغانی دو گرام نقره بود • افغانی ـ ۱۰ فیصد ـ مخلوط داشت و تا ۲۵ فیصد رسید .که در نتیجه مخلوط شدن معادن غیر نقره در پول افغانی قیمت آن در مقابل روپیه هندی پائین آمد •

۲۸ـ ADAMEC . OP . CIT . P : 288

۲۹ـ اوراق لویه جرگه ۱۳۰۳ ، صفحه : ۲۸۰

۳۰ـ بخاری حضرت سید شاه ، مرجع سابق ، صفحه : ۸۸ ، ۸۹ و همچنان

POULLADA , LEON B . OP . CIT . P : 136

۳۱ـ جریده انیس ، سال اول نمبر ۱۵ سنه ۱۳۰۷

۳۲ـ SECRET POLITICAL DEPARTMENT . IOR . L / P + S / 11 / 275 . JUN 1927 . P : 3056 . L / P + S / 11 / 175 , 14 th APRIL 1927 - 1922 NO. 27 . TELEGRAM FROM HIS BRITANNICE MAJESTY'S AT KABUL TO SCRETARY OF STATE FOR FOEIGN AFFAIRS INDIA OFFICE . 17 JUNE 1927 . L / P + S / 11 / 275 . P : 3056 NO . 355 . L / P + S /11 / 275 . 13 APRIL 1927 . P : 1922 NO . 709 . AND 9 APRIL 1927 P : 1862 NO . 1670 . 14 ARIL 1927 . P : 1922 / 27 NO . 356

۳۳ـ دائره المعارف افغانستان ، صفحه أ ۱۰۰ ، ۱۰۳

۳٤ـ در موضوع امتداد خط آهن از سرحد روسیه تا جنوب افغانستان آقای دکتور نور علی برایم معلومات داد که در عهد اعلیحضرت محمد ظاهر شاه موضوع چندین مرتبه در مجلس وزراء مورد مناقشه قرار گرفت • اکثریت وزراء در موضوع امتداد خط آهن از خود نسبت به سیاست روسیه و احتمال مداخله آن به افغانستان خوف نشان داده موضوع را در مجلس وزراء رد نمودند • دکتور نور علی اضافه کرد که فقط دکتور عبدالصمدخان حامد طرفدار امتداد خط آهن مذکور بود و در مجلس وزراء از آن حمایت میکرد • قبل از چاپ تحقیق بزبان عربی موضوع را به دکتور عبدالصمد خان در جرمنی نوشتم • چند وقت بعد استاد محترم عبدالستار خان سیرت مرا به منزل خود دعوت نموده گفت که دکتور صاحب عبدالصمد خان نظر خود را در مورد امتداد خط آهن فرستاده اند لیکن شرط گذاشته اند که باید دکتور نور علی برای فضل غنی مجددی نظر خود را در مورد مناقشه موضوع در مجلس وزراء تحریری بدهد و در آن صورت استاد سیرت صاحب نامه ای دکتور حامد را برایم جهت نشر میدهند • در منزل مرحوم محمد اکبر پروانی در جده در سال ۱۹۸۰ برای دکتور نور علی از موضوع معلومات دادم فرمودند که فردا بمنزل جناب شان رفته معلومات را تحریری و بخط شان حاصل کنم • بوقت معین بمنزل محترم حاضر شدم لیکن دروازه را برویم باز نکردند • موضوع را بزبان عربی بنشر سپردم و این مرتبه بزبان فارسی بنشر میسپارم و الحمدالله دکتور نور علی و دکتور حامد و استاد سیرت در قید حیات اند و میتوانند در موضوع نظر خود را بنویسند •

۳۵ـ SECRET POLITICAL DEPARTMENT . IOR . L / P + S / 10 . SEP 1928 . NO . 117

٣٦ـ GREGORIN , VARTAN . OP . CIT . P : 247 AND SEE ALSO :
WILD . ROLAND OP . CIT . PP : 90 - 91

٣٧ـ DUPREE . LOUIS . OP . CIT . P : 451 AND ALSO SEE ; TYTLER
. PRASER W . K . OP . CIT . P : 219

٣٨ـ IOR . L / P + S / 11 / 245 . P : 1335 . 18 MAR 1924 . AND SEE ALSO
L / P + S / 11 / 245 . 19 MAR 1924

٣٩ـ دائره المعارف افغانستان ، صفحه : ٥٩

٤٠ـ GREGORIAN . VARTAN . OP . CIT . P : 247

٤١ـ IBID . AND TYTLER . FARSER . OP . CIT . PP : 209 - 210

٤٢ـ جریده امان افغان ، عدد ٩٨ سال ١٩٢٥

٤٣ـ DUPREE . LOUIS . OP . CIT . P : 451

٤٤ـ MOHAMED , SULTAN . OP . CIT . PP : 61 - 65

٤٥ـ اوراق لویه جرگه ١٣٠٣ ، صفحه : ٢١٩ ، ٢٣٠ و همچنان :
SCHINASI . MAY . OP . CIT . PP : 142 - 143

٤٦ـ POULLADA . LEON B > OP . CIT . P : 78

٤٧ـ فرمان پادشاه دیده شود : اوراق لویه جرگه ١٣٠٣ صفحه : ٢٢٢ و همچنان
POULLADA , LEON B. OP . CIT . P : 131 AND SEE : ABDUL GHANI
OP . CIT . CH : 4

٤٨ـ اوراق لویه جرگه ١٣٠٣ ، صفح : ٣٥٦ ، ٣٥٧ و صفحهه : ١٩٠

٤٩ـ اوراق لویه جرگه ١٣٠٣ ، صفحه : ٣٥٧ و همچنان IBID

٥٠ـ POULLADA . LEON B . OP . CIIT . P : 133

٥١ـ اوراق لویه جرگه ١٣٠٣ ، صفحه : ٢٣٥ ، ٢٣٩

٥٢ـ اوراق لویه جرگه ١٣٠٣ ، صفحه : ٢٤٠ ، ٢٤١

٥٣ـ اوراق لویه جرگه ١٣٠٣ ، صفح : ٢٢٣

٥٤_ اوراق لویه جرگه ١٣٠٣ ، صفحه : ٢١٨ ، ٢٣٤

٥٥_ POULLADA , LEON B . OP . CIT . P : 132

٥٦_ GREGORIAN . VARTAN . OP . CIT . P : 260 AND SEE POULLADA . LEON B . OP . CIT . P : 135

٥٧_ از نظام جدید گمرکات دیده شود :

TELEGRAM FROM HIS BRIITANNIC MAJESTY'S AT KABUL TO SECRETER OF STATE FOR FOREIGN AFFAIRS . INDIA OFFICE . IOR . L/ P + S / 11 / 275 P : 462 JULY 1927

٥٨_ مظهر ، دکتور علی ، مرجع سابق ، صفحه : ٩٤

٥٩_ انیس ، محی الدین ، بحران و نجات کشور ، صفحه : ١٧

٦٠_ احمد ، فضل ، رهنمائی افغانستان ، صفحه : ٣٢٨

٦١_ محمد ، سلطان ، تاریخ حالات عبدالرحمن خان ، جلد ٢ ، صفحه : ١٣

٦٢_ MAHOMMED , SULTAN KHAN . OP . CIT . PP : 35 - 36

٦٣_ MOHAMMED . SULTAN KHAN . OP . CIT . P : 38

٦٤_ MOHAMMED . SULTAN KHAN < OP . CIT . PP : 39 - 41

٦٥_ مجله آریانا ، صفحه : ٣٦ و همچنان دیده شود :

SCHINAS . MAY . OP . CIT . PP : 133 - 134

٦٦_ حبیبی ، عبدالحی ، مرجع سابق ، صفحه : ١٠٥ و همچنان دیده شود :

SCHINASI . MAY . OP . CT . PP : 135 - 136

٦٧_ اوراق لویه جرگه ١٣٠٣ ، فصل مناقشه صنائع ، صفحه : ٣٥٧ ، ٣٥٨

٦٨_ POULLADA . LEON B . OP . CIT . P : 138 AND SEE GREGORIAN , VARTAN . OP . CIT . P : 253 _ مظهر ، دکتور علی ، مرجع سابق ، صفحه : ٩٤

٦٩_ اوراق لویه جرگه ١٣٠٣ ، صفحه : ٣٠٦ ، ٣٠٧

٧٠_ بخاری ، سید شاه ، مرجع سابق ، صفحه : ٨٨ ، ٨٩

۷۱_ الاهرام ، یکشنبه ۲۵ دسمبر ۱۹۲۷

۷۲_ POULLADA , LEON B . OP . CIT . PP : 138 - 139

۷۳_ الاهرام ، ۲۸ دسمبر ۱۹۲۷

۷٤_ ADAMMEC " AFGHANISTAN FOREIGN AFFAIRS " P : 122

AND SEE : POULLADA . LEON B . P . CIT . PP : 138 - 140 و همچنان ، غبار

میر غلام محمد ، صفحه : ۷۹۵

۷۵_ غبار ، میر غلام محمد ، مرجع سابق ، صفحه : ۷۹۱ و همچنان

DUPREE . LOUIS . OP . CIT . P : 52

۷٦_ POULLADA . LEON B . OP . CIT . P : 52

۷۷_ TELEGRAM FROM HIS BRITANNIC MAJESTY OF MINI STER AT KABUL TO SECRETARY OF STATE FOR FOREIGN AFFAIRS INDIA OFFICE . IOR . L / P + S / 11 / 293 . P : 5659 NO . 45 OCT 19 . 1928

۷۸_ ADAMEC . OP . CIT . P : 76

۷۹_ غبار ، میر غلام محمد ، رجع سابق ، صفحه أ ۷۹۵

۸۰_ مظهر ، دکتور علی ، مرجع سابق ، صفحه : ۹٤

۸۱_ کشککی ، برهان الدین ، مرجع سابق ، صفحه : ۲۹٤

۸۲_ POULLADA . LEON B . OP . CIT . P : 79

۸۳_ ADAMEC . OP . CIT . P : 87

۸٤_ TYTLER . FRASER . OP . CIT . P P : 206 - 207

۸۵_ TELEGRAM FROM HIS BRITANNICE MAJESTY ' S MINISTER IN KABUL TO SECRETARY FOR FOREIGN AFFAIRS . LONDON OCT . 2 1928 . OIR . L / P + S / 10 / 285 NO . 15

# فصل پنجم

## سقوط سلطنت اعلیحضرت امان الله خان :

عصر امان الله خان ـ ۱۹۱۹ ، ۱۹۲۹ ـ در تاریخ افغانستان از عصور ما قبل خود تفاوت کلی دارد • عصر امان الله خان مرحله ای جدید در تاریخ ثقافت و نهضت معاصر افغانستان میباشد این عصر تجربه ای تاریخی مانند تجربهٔ کمال اتاتورک و محمد رضا شاه پهلوی در تاریخ معاصر منطقهٔ اسلامی است با اختلاف بین افغان و ایرانی و ترکی در رسم و رواجهای عنعنوی و اعتقادات دینی و مذهبی و اطاعت افغانان از زعمای اسلامی •

اسلوب امان الله خان در حل مشکلات داخلی با مخالفین در مراحل سلطنتش متفاوت است • در ابتداء امان الله خان به زعمای ملت نزدیک شد تا توانسته باشد نظام خود را ثابت سازد در این مرحله مشوره ملت را در شئون دولت اهمیت میداد• مرحله دوم قوت که امان الله خان خود و نظام خود را قوی احساس میکرد در این مرحله با مخالفین نظام خود از قوت نظامی کار گرفته در تصفیهٔ قدرت و نفوذ ایشان از قوت استفاده کرد • امان الله خان در برهم زدن قوت مخالفین از تقدیم هدیهٔ مالی و معنوی کار میگرفت • اسلوب غیر متجانس امان الله خان در معامله با افراد ملت بطور عموم و مخالفین به طور خصوص اسباب سقوط وی را آماده ساخت • بر خلاف امان الله خان کمال اتاترک و محمد رضا شاه از قوهٔ نظامی مخلص و قوی برخوردار بودند و از جانب کشور های بزرگ آنوقت مانند انگلستان حمایت میشدند • هر دو زعیم ـ ترکی و ایرانی ـ موفق شدند مخالفین نظام خود را از پا درآورند و توانستند برای مدت طولانی صدای زعمای اسلامی را خاموش سازند • امان الله خان باید بین شرائط ایران و ترکیه و افغانستان فرق قائل میشد و باید میدانست که نزدیکی ترکیه به نهضت اروپا سبب قبولی ملت ترکیه به بعضی اصلاحات اتاترک شد • در حالیکه افغانستان از میدان نهضت اروپا مسافه داشت و زعمای اسلامی افغانستان برخلاف ترکیه از نفوذ و قوت روحانی برخوردار بودند •

عصر امان الله خان چنانچه به عصر انقلاب کلتوری معروف است همچنان به عصر انقلابات

خونین نیز معروف است • عصر امان الله خان با حادثهٔ شهادت امیر حبیب الله خان در ۲۱ فبروری ۱۹۱۹ آغاز یافت و حادثهٔ سوء قصد و مخالفت های مسلح علیه حکومتش در طول مدت سلطنتش ادامه یافت • سوء عمل امان الله خان در معامله با ملت از یکطرف و عدم قبول افراد مسلح ملت از اصلاحات امان الله خان از طرف دیگر و عدم اتفاق بین زعمای اسلامی و امان الله خان خصوصا بعد از وفات حضرت صاحب شمس المشایخ در ۱۹۲۵ اسباب سقوط دولت امان الله خان را آماده و سرعت بخشید • طبقهٔ فقیر کشور مثل اهل دهات تغییر را در نظام اجتماعی و اقتصادی خود در طول عصر امان الله خان احساس نکردند بر عکس وضع مالیات جدید اسباب عدم رضایت ایشان را آماده ساخت •

با عوامل داخلی متعدد عامل خارجی نیز در اشتعال انقلابات مساعدت نمود • دولت انکلستان از سیاست خارجی امان الله خان رضایت نداشت و نزدیکی امان الله خان را با روسیه ضد نفوذ خود در منطقه تعبیر نموده در سقوط حکومت امان الله همکاری نمود •

هدف مشترک که عبارت از سقوط دولت امان الله خان بود اسباب اتحاد را بین تمام گروپ های مخالفین اش آماده ساخت • مشاهده میشود که در انقلاب ۱۹۲۸ تمام طبقات ملت و بزرگان دولت علیه حکومت امان الله خان قیام نموده و هیچ گروپ پروگرام مستقل برای آیندهٔ سیاسی کشور نداشت و فقط سقوط نظام امان الله خان هدف نهائی تمام اطراف داخل جنگ بود•

قیام های مسلحانه در سرتاسر کشور ضمینهٔ مداخله خارجی را آماده ساخت خصوصا دولت انکلستان از فرصت استفاده نموده با انکشتان زهر آلود خود در آبیاری انقلابات کوشید که در این فصل از نقش ادارهٔ جاسوسی انکلستان معلومات مستند تاریخی تقدیم خواهد شد •

تعدادی از مفسرین و مورخین که اسباب سقوط سلطنت اعلیحضرت امان الله خان را مورد مطالعه و مناقشه قرار داده اند اتفاق دارند که اصلاحات امان الله خان اسباب سقوط وی را آماده ساخت • تعدادی از مفسرین و مورخین از امان الله خان حمایت نموده ملت افغانستان رامتهم به جهالت و جمود و خمود نمودند•

این گروپ از مورخین و ناقدین اصلاحات و مداخلهٔ خارجی را اساس سقوط امان الله خان معرفی نموده علمای اسلامی را متهم به مخالفت به اصلاحات و متهم به جهالت در علوم جدید

نمودند • اکثر مورخین افغان و غیر افغان در نقش کبار رجال دولت امان الله خان تحقیق نکرده در حالیکه کبار رجال دولت امان الله خان در سقوط حکومت امان الله نقش مهم و اساسی را داشتند • اختلافات بین وزراء و جنرال های دولت در اشتعال آتش انقلابات معاونت نمود • در این فصل و بقدر امکان و در روشنی وثائق نقش ارکان دولت را در اشتعال انقلابات مورد مطالعه قرار داده حکم نهائی را به وثائق جدید و در آیندهٔ نزدیک موکول میسازیم •

## اسباب انقلابات :

در اسباب انقلابات مورخین تحقیقات مختلف نموده اند و هر مدرسهٔ تاریخی در پرتو فلسفهٔ تاریخی اش حکم صادر نموده در اینجا حکم و دلیل مورخین را مورد مناقشه تاریخی قرار داده آنرا نقد و نظر خود را ارائه می نمائیم •

مورخین روسی و آنعده مورخین دارای عقیده سوسیالستی و کمونستی عقیده دارند که اداره جاسوسی انگلستان نقش اول را در سقوط حکومت امان الله خان دارد • مورخین روسی علمای اسلامی افغانستان را متهم به همکاری با ادارهٔ جاسوسی انگلستان میسازند در حالیکه دلیلی تاریخی و وثائقی تقدیم نمیکنند •

روسها و طرفداران شان می نویسند که امان الله خان قربانی سیاست استعماری انگلستان گردید و دولت روسیه بهترین دوست خود را در افغانستان از دست داده و عناصر ضد روسی در افغانستان صاحب نفوذ سیاسی شدند • (۱)

جریدهٔ پراوادا در ۲۰ دسمبر ۱۹۲۸ از حرکات جاسوسان انگلیسی در سرحدات افغانستان خبر داد • جریده ـ ازفستیا ـ مانند جریده پراوادا حکومت انگلستان را متهم به مداخله به شئون داخلی افغانستان ساخت • جریده اضافه میکند که دولت انگلستان نیت دارد بالای افغانستان حمله نموده و از طریق افغانستان دولت روسیه را تهدید کند • (۲)

بعضی جرائد اروپائی با جرائد روسی همفکر بودند مثلا جریدهٔ ـ تایمز ـ در ۱٦ جنوری ۱۹۲۹

نوشت : ( سقوط امان الله خانْ در نتیجه فعالیت های ادارهٔ جاسوسی انگلستان بود که از مدتها قبل جهت انتقام از امان الله خان به سبب جنگ اش با امپراطوری انگلستان ترتیب شده بود • علایق خوب امان الله خان را با روسیه دولت انگلستان تحمل کرده نتوانست • ) ( ۳ )
جریدهٔ DAILY HERALD AND DAILY NEWS مینویسند که اسباب انقلابات علیه امان الله خان عدم قبول ملت از اصلاحات پادشاه بود • ( ٤ )
حکومت انگلستان در اصدار بیانات و تفسیرات علیه ادارهٔ جاسوسی اش سکوت نکرده در بیانیهٔ رسمی سفیر انگلستان در کابل سیر همفری گفت که امان الله خان از جملهٔ دوستان دولت انگلستان است ، همفری اخباریرکه از مداخله دولت انگلستان در قضیهٔ داخلی افغانستان بنشر میرسد انتقاد نموده آنرا بی اساس دانست و اضافه کرد که سفارت انگلستان در کابل هیچ نوع علاقه ای با انقلابیون افغان در ۱۹۲۸ نداشت • ( ۵ )
مورُخین غربی اسباب سقوط دولت امان الله خان را عدم صبر افغانان و تعصبات شان میدانند • دکتور " COMYNPLATT " می نویسد که ملت افغان سرعت و عجله را در تغییرات اجتماعی قبول ندارد در حالیکه دکتور " VARTAN GREGORIAN " می نویسد که اعلیحضرت امان الله خان نهایت خود را بدست خود آماده ساخت و خواست رسم و رواج میراثی افغانان را فورا تغییر بدهد • VARTAN اضافه میکند که طبقهٔ ملا مسئولیت سقوط امان الله خان را بدوش دارند • ( ٦ )
استاد خلیل الله خان خلیلی در بارهٔ سقوط دولت امان الله خان نظر دارد که امان الله خان پادشاه مخلص و با وفاء برای افغانستان بود لیکن تجربهٔ کامل در شئون افغانستان نداشت • اراده کرد تا ثقافت و نهضت غربی را با تمام جوانب آن در اجتماع شرقی مثل افغانستان تطبیق کند و در تطبیق آن از سرعت کار گرفت • امان الله خان نمیدانست که اروپا مراحل متعددی را گذشتاند تا به مرحلهٔ انکشاف ثقافتی رسید • امان الله خان از قدرت ملا در اجتماع افغانستان معلومات کافی نداشت و باید دشمنی ملا ها را کسب نمیکرد • ( ۷ )
علمای اسلامی افغانستان در اصدار حکم خود در بارهٔ سقوط امان الله خان بسیار از شدت کار گرفتند • حضرت محمد هارون المجددی می نویسد که امان الله خان نیت مبارزه با اسلام را

داشت و اراده داشت تا نقش کمال اتاترک را در افغانستان بازی نماید ۰ امان الله خان جوانی بی تجربه بود و فکر میکرد که پشرفت اروپا بسبب جدائی دین از دولت است ۰ ( ۸ )
حکومت حبیب الله خان اسباب قیام انقلاب را علیه امان الله خان در دو نقطه این طور خلاصه مینماید :

۱ـ حرکت و تصمیم امان الله خان ضد عقیدهٔ اسلامی بود ۰

۲ـ نشر ظلم و رشوت و فساد در افغانستان ۰

از خلال نظریاتیکه بدان اشاره شد معلوم میشود که تمام اطراف و خصوصا مخالفین امان الله خان باین نظر اند که امان الله خان مخالف شریعت اسلامی حرکت داشت و اصلاحات وی با روح و جوهر عقیده اسلامی مطابقت نداشت ۰ بسیار مشکل است با تمام نظریات مخالفین متفق بود با اینکه اعتراف داریم که امان الله خان خطای بزرگ را مرتکب شده بود و اگر به نوشته های مخالف درجه اول امان الله خان حضرت محمد صادق مجددی مراجعت نمائیم کلمهٔ کفر و خروج امان الله خان را از شریعت ملاحظه نمیکنیم بر عکس در ملاقاتیکه بین هر دو دشمن بعد از سقوط حکومت امان الله خان در مکه المکرمه صورت گرفت در موضوع بازگشت امان الله خان به سلطنت کابل مذاکرات صورت گرفت که در جای آن اشاره خواهد شد۰
اصلاحات امان الله خان سبب حقیقی آغاز انقلاب نبود ۰ ملت افغانستان پادشاه را در تطبیق بسیاری از اصلاحات همکاری نمود لیکن شکل تطبیق پروگرام اصلاحات و اشخاص غیر مخلص در دستگاه دولت اسباب کراهیت ملت را نسبت به اصلاحات آماده ساخت نه خود اصلاحات ۰ ارکان دولت و والیان در ولایات در اشتعال انقلاب نقش فعال را داشتند که در این جا بدان اشاره میشود ۰

## اختلافات داخل حکومت امان الله خان :

بعد از استقلال اعلیحضرت امان الله خان تصمیم گرفت حکومت جدید را باساس حکومات غربی تشکیل بدهد • حکومت جدید تشکیل شد لیکن امان الله خان در تعیین وزراء از دقت کار نگرفت و نتوانست گروپ منظم را تشکیل بدهد• در داخل مجلس وزراء اختلافات زیادی بین هیأت کابینه موجود بود که اسباب مشکلات اداری و سیاسی را بار آورد•
وزراء بدو گروپ منقسم شده بودند • یک گروپ طرفدار تغییرات اداری و سیاسی و تطبیق اصلاحات در مراحل مختلف و قدم به قدم بود در حالیکه گروپ دوم انقلابی و طرفدار تغییرات جذری و تطبیق اصلاحات بصورت فوری در افغانستان بوده در سیاست خارجی نزدیکی با روسیه را نسبت به انکلستان ترجیح میداد•
پادشاه از وجود اختلافات اطلاعات کافی داشت لیکن در علاج آن کوشش نکرده خواهان استفاده از وجود اختلافات برای سلطنت خود بود • گروپ معتدل را در مجلس وزراء صدر عظم سرادر عبدالقدوس خان رهبری میکرد در حالیکه گروپ انقلابی و لیبرال را سردار محمود طرزی رهبری مینمود • سردار عبدالقدوس خان میدانست که در حالت تصادم بین هر دو گروپ داخل مجلس وزراء پادشاه از گروپ محمود طرزی حمایت خواهد کرد لهذا عبدالقدوس خان در فکر حاصل نمودن تأئید علمای افغانستان نسبت به سیاست حکومت خود بود • نامۀ ای عبدالقدوس خان برای زعیم نهضت اسلامی افغانستان و شخص با نفوذ در دولت نمونه ای زنده از اختلافات بین اعضای حکومت میباشد و قسمتی از نظرات اساسی صدر اعظم را منعکس میسازد که نظر به اهمیت تاریخی آن بدان اشاره میشود •

( مقام صدارت عظمی • جنابان فضایل نشانان شرافت بنیانان شمس المشایخ صاحب و نور المشایخ صاحب را حضرت الهی از آفات ارضی و سماوی محفوظ و مسلم دارد۰۰۰۰ آن جناب به خوبی از عریضه سابقه ام آگاه می باشند که از حضور اعلیحضرت در خواست نموده بودم که

چهار ساعت موقع شرفیابی مواجه جنابان داده شود تا آنچه را که فرض منصبی منست به حضور شما بغرض گردن خلاصی اخروی به عرض رسانده ، بعد از آن وجود مبارک شان را به خداوند سپرده و خود را پیادهٔ شطرنج و جزء بیجان بدانم و در اطاعت اولوالامر جان دهم و زبان نگشایم دو دفعه که شرفیابی برایم حاصل شد شمایان نبودید و ناظر صاحب خارجه ـ محمود طرزی ـ در بین بود و من از اظهار مطلب باز ماندم زیرا در یک فقره رأی ناظر خارجه مخالف رأیم بود و اگر با من می پیچید و نظر اعلیحضرت هم آنطرف می بود ، بدون خجالت چیزی به دست نمی آمد ، اینک شمه یی از نظر خو را به واسطه آن جنابان خلاصه می نمایم : نصارا در مورد مسلمانان دو نوع حمله دارند یکی با شمشیر و دیگر با قلم و فریب ، از حملهٔ اول ملت و دولت را در حساب می گیرند ، و در مرحله دوم شخص پادشاه در نظر است که ملت را به گردن دولت می اندازند و نتیجه آنهم ـ اصول مشروطیت ـ است که سیزده سال پیشتر ـ پایونیر ـ از آن ذکر کرد و گفت : مشروطیت در ترکیه و ایران به سببی مستحکم شد که مردم لذت آزادی چشیده بودند ، و اما در افغانستان بر عکس ترکیه و ایران مشروطیت ثمری نداد برای ویرانی این دولت کدام سردار نامدار یا ملای بیرقدار و یا خان با اعتبار به کار است • من میدانم که برای دولت انکلیس قوت حمله و حوالهٔ شمشیر بالای ملت و دولت افغانستان نمانده ، آنچه مانده فریب است که عبارت از ـ مشروطیت ـ و علاج آن این است که ـ از طرف شرع انور مشروطه طلبان را باید واجب القتل ـ دانست ، و بعد از آن برای تعلیمات علوم جدیده دست و آستین بالا نمود • خواستم که در قندهار نیز تعلیم علوم جدید را جاری نمایم ، لیکن به حکم شرع باید میکروب مشروطه از بین برده شود از آنست که از علمای اینجا سوالی نموده و جواب گرفتم و به غرض استحضار شما فرستادم اگر لازم بدانید تقدیم حضور نموده دروازهٔ این ـ فریب ـ را بند نمائید جناب محبان عزیز و گرامان من در خواست شرفیابی من با حضور شمایان برای این بود که اساسات سیاست و پلتیک و تجارت و عسکریت را با دو ستی ها و دشمنی های دولت خود به عرض بر سانم ، زیرا تا حال که شمشیر دشمن بر سر خانه خود افراخته می بودیم ، چگونه می توانستم دفاع نکرده به تعلیم بچه ها متوجه شوم که ده سال بعد حاصل میداد ؟

من در تصانیف خود سلطنت را بدن ، پادشاه را روح ، و مدبر را حکیم ، مثل زده ام و بر حکیم واجب است که اول خطر مرگ را مرفوع نماید و باز به تقویهٔ بدن بپردازد • اکنون که خطر شمشیر از سر دولت ما رفع گردیده ، فرصت تکیه کردن بر قلم است رأی من این نیست که تنها به فکر آزادی خود باشیم زیرا این آزادی را خدا به ما داده و مسلمان و نصارا و هندو مایل به دوستی ما و دشمنی به دشمن ما گردیده است پس آنها باید استقلال خود را به واسطهٔ ما از دیگران بخواهند ، این جنگ استقلال آورنده در سرهند است و ما کلید دار هندیم • لازم است که ما آن قوت را داشته باشیم که کلید را از دست ما نگیرند و بر سر ما نزنند ، برای بدست آوردن همین قوت است که هشت ساعت شرفیابی حضور اعلیحضرت و تقدیم عرایض خود را خواسته ام مشروط بر اینکه بدون شمایان دیگری به حضور مبارک نباشد هدف ما از خواستن آزادی باید شامل آزادی هندوها نیز باشد و همچنان آزادی جمیع ملل جهان ، و اما ارتباط دوستانه ما با نصارا فقط از راه تجارت خواهد بود زیرا تجارت روح کلیه اهل یورپ است ، و این تجارت هم بیشتر با ایشیا تکیه دارد ، و در ایشیا نیز چین و هند بیشتر مطلوبست ، و دروازه آن از طریق خشکه در دست ما است نه در دست بسمارک و کلید ستون ) ( ۹ )

در رسالهٔ صدر اعظم که در ورق رسمی صدارت تحریر و برای دو شخصیت روحانی کشور فرستاده شده و ما آنرا ملاحظه نمودیم نقاط بس مهمی موجود است که قابل مناقشه تاریخی میباشد •

۱ـ نمونه ای از اختلافات بین ارکان دولت است خصوصا بین صدر اعظم کشور و آقای طرزی• و بوضاحت معلوم میشود که دو گروپ در داخل دولت با هم داخل جنگ بودند • گروپی طرفدار نظام سلطنتی قوی بریاست صدر اعظم سردار عبدالقدوس خان • گروپ طرفدار نظام مشروطیت بریاست سردار محمود طرزی • چنانچه عبدالقدوس خان در نامهٔ خود اشاره نموده پادشاه از گروپ طرزی داخل مجلس وزراء حمایت مینمود • صدر اعظم در فکر تکوین جبهه ای قوی برای مبارزه با طرزی شده کوشش نمود تأئید دو شخصیت قوی اسلامی آنزمان را کسب نماید زیر میدانست که امان الله خان قدرت دادن جواب منفی را به شمس المشایخ ندارد •

۲ـ مکتوب گروپ طرزی و اساسات سیاسی شانرا توضیح میدهد ٠ و از حرکت مشروطیت پرده بر میدارد ٠

۳ـ مکتوب از اختلاف نظر در سیاست خارجی و داخلی افغانستان بین اعضای حکومت بوضاحت حرف زده و خطرات آنرا نسبت به آیندهٔ افغانستان واضح ساخته مسئولیت های افغانستان را در برابر کشور های همسایه وانمود میکند ٠

با تمام کوششها صدراعظم موفق نشد تأئید حضرت شمس المشایخ و نورالمشایخ را در اصدار حکم کفر مشروطه خواهان بدست آورد و حتی علمای قندهار با اینکه از سیاست صدراعظم حمایت نمودند لیکن حکم بر کفر گروپ مشروطه خواهان نکردند٠

با خروج سردار عبدالقدوس خان از میدان سیاست اختلافات بین اعضای حکومت خاتمه نیافت و بشدت بین وکیل پادشاه محمد ولی خان و جنرال محمد نادر خان و محمودطرزی و جنرال محمود سامی ادامه یافت ٠

جنرال محمد نادر خان مجبور به تقدیم استعفاء گردید٠ خروج محمد نادر خان از حکومت را صاحبمنصبان افغانستان هزیمت سیاسی برای خود تعبییر نمودند و در انقلاب ۱۹۲٤ جنرال محمد نادر خان قبول نکرد علیه انقلابیون ریاست قوای دولتی را بعهده گیرد و سفارت پاریس را وسیله ای برای خروج اش از افغانستان دانست ٠ (۱۰)

اختلافات بین اعضای حکومت بیشتر قوت گرفت زمانیکه اعلیحضرت امان الله خان تشکیل مجلس وزرای جدید را به ریاست ـ شیر أحمد ـ اعلان نمود ٠ در اثر اعلان پادشاه تعدادی از وزراء بزعامت محمد ولی خان استعفاء نمودند و بعضی شان با مخالفین امان الله خان در انقلاب ۱۹۲۸ همکاری کردند ٠ (۱۱)

غلام صدیق خان چرخی خود را نسبت به همهٔ وزراء مستحق ریاست وزراء میدانست و جهت بدست آوردن آن در کوشش بود ٠ غلام صدیق خان برای اینکه قوت خود را نشان بدهد از قبائل مشرقی دعوت نمود تا دست به عصیان مسلح زده و تا وی از ایشان دعوت به صلح نکند اسلحهٔ خود را نگذارند ٠ شورش آغاز یافت لیکن غلام صدیق خان در خاموش ساختن آن

موفق نشد • (۱۲)

اختلافات زیادی بین وزیر حربیه عبدالعزیز خان و وزیر عدلیه عبدالاحد خان موجود بود که مدت پنج سال را در بر گرفت • امان الله خان از قندهار جهت استرداد سلطنتش بطرف کابل حرکت نمود لیکن در اثر اختلافاتیکه بین وزیر حربیه و وزیر عدالیه موجود بود امان الله خان در غزنی شکست یافت و از افغانستان خارج گردید •

اختلافات بین ارکان دولت امان الله خان باخروج یکی از اطراف داخل کابینه خاتمه نیافته بلکه هر کدام در تشکیل گروپ خاصی برای خود جهت انتقام در کار میشد • تشکیل گروپ های سیاسی بواسطهٔ ارکان دولت و در بسیاری اوقات ضد دولت اسباب ضعف سلطنت را آماده ساخت و ضمینهٔ موفقیت انقلابیون را سرعت بخشید •

مؤرخین افغانی و خارجی در نقش ارکان دولت امان الله خان برای سقوط دولت وی تحقیق نکردند و این زاویهٔ مهم از زوایای سیاسی را جستجو نکردند • در این تحقیق بقدر امکان در موضوع روشنی انداخته خواهد شد و امید است در آینده بعد از نشر مذاکرات ارکان دولت امان الله خان که تا به حال بنشر نرسیده در موضوع تحقیقات علمی و تاریخی مستندتر صورت گیرد•

## گروپ های سیاسی و نقش شان در سقوط دولت :

در افغانستان گروپ های سیاسی غیر رسمی یا غیر قانونی موجود بود • در رأس هر گروپ یک رئیس قرار داشت و پروگرام سیاسی و اجتماعی خاص اعضای گروپ خود را تعقیب می نمودند• در قطار اول این گروپها گروپ علمای اسلامی افغانستان بود که ازنظر قوت و نفوذ قویترین همه گروپها به حساب میآمد • علمای افغانستان طرفدار نظام پادشاهی مرکزی قوی بوده تشکیل احزاب سیاسی را از ترس نفوذ کمونست رد می نمودند•

### اول : علمای اسلامی افغانستان :

در بدایت سلطنت اعلیحضرت امان الله خان علمای اسلامی بقیادت حضرت شمس المشایخ از وی حمایت نمودند و این تأئید تا اواخر ۱۹۲٤ ادامه یافت • سیاست اسلامی امان الله خان از ۱۹۱۹ تا ۱۹۲۵ را علمای اسلامی تقویت نمودند و گمشدهٔ خود را در وجود امان الله یافتند• بعد از ۱۹۲٤ خصوصا بعد از انقلاب ۱۹۲٤ تأئید علمای اسلامی از امان الله خان کمتر شد• وفات حضرت شمس المشایخ مردی معتدل و حامی امان الله خان در تقویه مخالفین اسلامی امان الله سرعت بخشید • امان الله خان نتوانست قیادت جدید را درست درک نماید و از قوت زعمای اسلامی نتیجه گیری حقیقی نکرد •

سیاست اصلاحی امان الله خان خصوصا اصلاحات اش در میدان اجتماعی را علمای اسلامی افغانستان قبول نکردند و نخست مبارزهٔ سیاسی را آغاز کردند چون نتیجه ای مطلوب حاصل نشد دست به مبارزهٔ مسلحانه زدند که در این فصل بصورت مفصل بدان اشاره خواهد شد• (۱۳)

دوم : طرفداران امیر نصر الله خان :

اعلیحضرت امان الله خان به استعفای امیر نصرالله خان اکتفاء نکرده وی را محاکمه نمود• محاکمه امیر نصرالله خان کاملا غیر عادلانه از طرف دوستان و طرفدارانش تعبییر شده ، حبس دائمی امیر را با معامله ای غیر انسانی در زندان اتباع مخلص وی تحمل کرده نتوانستند و در پی انتقام از امان الله خان داخل اقدام گردیدند •

در ۱۹۲۰ طرفداران نصرالله خان قصد قتل امان الله خان را نمودند لیکن در نتیجهٔ خیانت دو تن از اعضاء حرکت بنام ملا عمادالدین و سردار محمد حسن خان اسرار حرکت کشف گردیده اعتماد الدوله در دستگیری اعضای حرکت بعد از تصادم مسلح موفق شد • (١٤)

رئیس حرکت اختر محمد خان در محاکمه اعتراف نمود که میخواستند امان الله خان را به قتل برسانند وی اضافه کرد که طرفداران امیر نصرالله خان برای انتقام از امان الله خان همیشه در کار اند • با تنفیذ حکم اعدام از طرف امان الله خان و تصفیه طرفداران نصرالله خان فکر انتقام از امان الله خان باقی ماند و طرفداران نصر الله خان جهت هدف خود با گروپ های مخالف امان الله خان همکاری نمودند •

آقای محمد رفیق آصفی برایم مهربانی کرده فرمودند که در مجلسی بین گروپ حبیب الله خان بچهٔ سقاو و طرفداران امیر نصر الله خان که در منزل مرحوم صاحب زاده عبدالغفور جان در کابل صورت گرفت موجود بود و صاحب زاده از نظریات طرفداران نصر الله خان حمایت نمود • از گفتار آقای آصفی نتیجه گرفته میشد که صاحب زاده عبدالغفور جان از مؤیدین نصر الله خان بود و در انقلاب حبیب الله شخصیت اول به حساب میآمد که در جایش معلومات ارائه خواهد شد •

سوم : تنظیم محمد ولی خان :

تنظیم محمد ولی خان از منظم ترین تنظیمات آنوقت به حساب میآید • پروگرام سیاسی تنظیم شبیه سوسیال دیموکرات امروزی بود • تنظیم طرفدار نظام جمهوری تحت قیادت محمد ولی در افغانستان بود • مشکلات داخلی تنظیم محمد ولی خان زیاد بود و در داخل به سه دسته تقسیم میشد : ( مشروطیت خواهان ، جمهوری خواهان ، سوسیالست ها ) و هر دسته از خود زعیم سیاسی شناخته شده داشت • شرائط سیاسی معین این سه دسته را تحت قیادت محمد ولی خان جمع نموده بود •

همکاری این گروپ با امان الله خان قبل از شهادت امیر حبیب الله خان و بعد از شهادت وی و باز تأئید اعضای گروپ از اصلاحات امان الله در میدان سیاسی و پارلمانی و اجتماعی در نفوذ و قوت اعضای گروپ افزود • (۱۵)

روابط بین گروپ محمد ولی خان و امان الله خان در نتیجهٔ سیاست مستقلانه امان الله خان و عدم اشتراک دادن دیگران در نظام حکومت برهم خورد لهذا اعضای گروپ در فکر انقلاب علیه امان الله خان و تعیین محمد ولی خان در رأس دولت شدند • لیکن گروپ محمد ولی خان در نتیجهٔ دلائل سه گانهٔ ذیل نتوانست به تنهائی کاری را انجام بدهد :

۱ـ نداشتن قاعده ملی قوی تا بدان در قیام ملت اتکاء شود •

۲ـ عدم همکاری بین گروپ و علمای اسلامی افغانستان در نتیجهٔ افکار سوسیالستی و مشروطیت طلبی اعضای گروپ •

۳ـ عدم وجود روابط نیک بین اعضای گروپ و قوای نظامی افغانستان •

چون عناصر فوق که اسباب قوت یک تنظیم را بوجود میآورد در تنظیم محمد ولی خان موجود نبود لهذا برای رسیدن به هدف سیاسی با مجموعات دیگر داخل همکاری شدند و محمد ولی خان در تقویه حبیب الله خان کوشید • با اینکه امان الله خان سقوط کرد لیکن گروپ محمد ولی خان منفعت سیاسی را بدست نیآورد • (۱٦)

## گروپ علی احمد خان :

علی احمد خان اسلامیت خود را همیشه اظهار میکرد لیکن از تأئید علمای اسلامی بسبب بعضی کردارش بی نصیب بود • بین علی احمد خان و قبائل مشرقی روابط بسیار نزدیک و حسنه موجود بود و علی احمد خان همیشه هدایاء برای زعمای قبائل ارسال میداشت • مناسبات بین علی احمد خان و قبائل مشرقی را امان الله خان میدانست و برای سرکوپ ساختن انقلابیون خوست در ۱۹۲٤ امان الله خان از نفوذ علی احمد خان استفاده نمود • (۱۷)
با تمام اخلاصی که علی احمد خان نسبت به امان الله خان داشت ، امان الله خان از وی تقدیر نکرد و پادشاه نخواست علی احمد خان از کابل و از نظر وی دور باشد و حتی در سفر اروپا علی احمد خان را با خود برد •
حضرت صاحب شوربازار محمد صادق مجددی مینویسد که در باز گشت از اروپا علی احمد خان به منزلش آمده اظهار کرد که امان الله خان در قلب خود احترام به رسول خدا ندارد و اعتراف کرد که در اشتباه بود که در انقلاب ۱۹۲٤ جانب امان الله خان را گرفت و در سقوط امان الله در آینده کوشش خواهد نمود • (۱۸)
علی احمد خان برای رسیدن به هدف با زعمای قبائل داخل مفاهمه و مذاکره شده از واقعات سفر امان الله خان ایشان را در جریان گذاشت • انقلاب ۱۹۲۸ چانس مناسب برای علی احمد خان بود تا دست بکار شود • امان الله خان برای خاموش ساختن انقلاب علی احمد خان را به مشرقی فرستاد و امر کرد از مشرقی به شنوار جهت مبارزه با شورشیان شنواری حرکت کند • علی احمد خان بامر پادشاه به مشرقی رفت لیکن برای خود کار نموده پادشاه را از قوت انقلابیون ترسانید • در اثر مغادرت امان الله خان کابل را علی احمد خان فورا خود را پادشاه افغانستان بنام ـ خادم ملت و دین ـ اعلان کرد • (۱۹)

## سوم : گروپ غلام نبی خان چرخی :

غلام نبی خان چرخی از شخصیت های ملی و معروف افغانستان بود • شخص سیاسی و ذکی بوده تمام صفات مرد افغان را داشت • غلام نبی خان چرخی را دشمنانش متهم به رشوت ستانی میکردند بدین سبب از تأئید بسیاری علمای افغانستان بی بهره بود • ( ۲۰ )

غلام نبی خان با استفاده از مقام پدرش سپه سالار ـ غلام حیدر خان ـ که شخصیت با نفوذی بود توانست مؤیدین زیادی بدست آورد • غلام نبی خان در مشرقی زمانیکه نائب الحکومه آنجا بود روابط ممتاز با زعمای قبائل قائم نمود خصوصا با قبائل جاجی و احمد زای و همین مناسبات نزدیک بین طرفین سبب شد که امان الله خان چرخی را بکابل احضار نماید • ( ۲۱ )

در کابل چرخی با مخالفین امان الله خان در تماس بود و بعد از ین تماس ها چرخی دانست که بدون تأئید علمای اسلامی نمیتواند کاری انجام بدهد•

برای معرفت رأی علمای افغانستان چرخی ـ ملا حبیب الله ـ را به هندوستان جهت ملاقات با حضرت نورالمشایخ فرستاد • وظیفه ملا حبیب الله در آن بود که ضمنهٔ تفاهم و مذاکره را بین طرفین آماده سازد •

امان الله خان چرخی را بحیث سفیر به پاریس تعیین نمود و چرخی از طریق هندوستان رهسپار فرانسه شد• مفسرین سیاسی نظر دارند که امان الله خان میخواست چرخی را ازکابل دور سازد تا در آینده از نفوذ سیاسی اش جلوگیری شود • ( ۲۲ )

در هندوستان غلام نبی خان چرخی اولا با حضرت محمد صادق مجددی در عمارت سفارت افغانستان در دهلی ملاقات نمود حضرت محمد صادق مجددی مینویسند که چرخی در جریان ملاقات از قیام انقلاب علیه امان الله خان سخن زد و اضافه کرد که در مصارف این کار مساعدت مالی میکند• حضرت صاحب موصوف مینویسد که برای چرخی گفتم که اگر راستی نیت انقلاب باشد پس چرا به پاریس میروید ؟ بهتر است از همین جا به مناطق سرحدبروید لیکن قراریکه حضرت صاحب مینویسد چرخی گفت سفرش به پاریس ضروری است ( ۲۳ )

در نتیجه عدم تفاهم بین حضرت محمد صادق مجددی و آقای چرخی ، اخیر الذکر تصمیم گرفت تا به بمبی جهت ملاقات با حضرت نورالمشایخ سفر کند ۰ حضرت محمد صادق مینویسد که من در تشویش شدم تا نشود چرخی همکاری و یا تأئید نورالمشایخ را بدست آورد برای این منظور فورا به بمبی سفر نمودم و زمانی آنجا مواصلت نمودم که چرخی داخل مذاکره با نورالمشایخ صاحب بود ۰ حضرت نورالمشایخ چنانچه برادر شان مینویسد بسیاری نظریات چرخی را تأئید نمودند لیکن وعدهٔ همکاری را با چرخی نداد ۰ ( ۲٤ )

اشخاص دیگری نیز در دولت موجود بودند که برای ضعف حکومت امان الله خان مشغول فعالیت بودند ۰ یکی از این اشخاص وزیر حربیه عبدالعزیز خان بود ۰ عبدالعزیز خان در تکوین طرفداران برای خود بود تا توانسته باشد علیه نفوذ محمد ولی خان مبارزه کند ۰ عبدالعزیز خان توسط برادرش عبدالحکیم خان که نائب الحکومه جنوبی بود روابط دوستانه با قبائل جنوبی قائم نمود ۰

حضرت محمد صادق مجددی مینویسد که جنرال محمود سامی به منزلش آمده گفت که عبدالعزیز خان از وی دعوت نموده با وی یکجا شود مجددی اضافه میکند که برای جنرال سامی گفتم که احتیاط کن زیرا عبدالعزیز خان شخص جبون است و قوت مقاومت را ندارد ۰ ( ۲۵ )

ازین معلومات دانسته میشود که تعدادی از ارکان عالی دولت علیه امان الله خان بودند و اخلاص نیک برای پادشاه جوان نداشتند ۰ بعضی از گروپ ها هداف سیاسی داشت مثل گروپ محمد ولی خان و گروپ چرخی و بعضی دیگر هداف شخصی داشتند مثل عبدالعزیز خان که هدفش مبارزه با محمد ولی خان بود که در نتیجهٔ فعالیتهای شان نظام دولت ضعیف شد ۰

افراد قوای نظامی و شخصیت های اسلامی از تمام موضوعات اطلاع داشتند لیکن حاضر نشدند پادشاه را در جریان بگذارند بر عکس در بسیاری موارد با انقلابیون همکاری نمودند۰

امان الله خان موفق نشد تا اداره امنیتی قوی را در دولت تأسیس کند ۰ پادشاه در نتیجهٔ عدم موجودیت ادارهٔ جاسوسی و امنیتی قوی از حرکات مخالفین اش اطلاع نداشت و آخرین فرد در

دولت بود که از حملات و فعالیت های مخالفین مطلع میشد • بطور مثال در جریان انقلاب ۱۹۲٤ حکومت مرکزی هیچ نوع اطلاع از جریان فعالیت مردم جنوبی نداشت و حتی والی جنوبی از موضوع مطلع نبود • در انقلاب ۱۹۲۸ حکومت بمجرد رسیدن انقلابیون بدروازه های شمال کابل از خطر آن اطلاع یافت • (۲٦)

تحت شرائط عدم همکاری ارکان دولت با نظام امان الله خان و دوری علمای اسلامی از پادشاه بسبب موقف اش در مورد مسلمانان هندوستان و مسلمانان آسیای وسطی و نظام خلافت در ترکیه و مخالفت های رجال قبائل با اصلاحات اجتماعی امان الله خان و قانون جدید عسکری و تذکره نفوس و عدم استقبال نماینده شان موسی خان و اعتراف دولت افغانستان به خط دیورند به اوج خود رسیده بود که پادشاه سیاست جدید خود را اعلان کرد •

دهقانان و طبقهٔ فقیر افغانستان در اوضاع اجتماعی و اقتصادی خود هیچ نوع بهبودی را احساس نکردند و ضع مالیات جدید بر مشکلات اقتصادی شان افزود • دهقانان افغانستان و طبقه فقیر افغانستان با زعمای اسلامی افغانستان علاقه پیری و مریدی داشتند و فتوای علمای اسلامی را احترام مینمودند • این طقبهٔ مهم در جریان انقلابات بطرفداری پادشاه قیام نکرده از انقلابیون حمایت کردند زیرا انقلابیون شعار مبارزه با فساد اداری و مبارزه با رشوت را بلند نموده بودند • (۲۷)

## انقلاب خوست ۱۹۲٤ :

دولت قوانین جدید را تدوین و بطبع رسانیده جهت اطلاع عمومی ملت آنرا توزیع نمود • پادشاه تمام ادارات دولتی را امر داد تا در تطبیق قوانین جدید دقت داشته از مواد آن مخالفت نکنند • امان الله خان میدانست که بعضی مخالفتها نسبت به قوانین جدید موجود است لیکن در پی معالجه آن نشده مخالفت را نتیجهٔ نادانی تعدادی از ملا ها و افراد ملت تعبییر نموده برای اینکه از قدرت و ارادهٔ دولت جهت تطبیق قوانین جدید مخالفین را ترسانیده باشد اظهار کرد که: هر کس که علیه اصلاحات و قوانین من اقدام نماید شمشیر بین من و وی فیصله خواهد کرد • (۲۸)

قوانین جدید سخن روز بود و تمام مردم در بازارها و مساجد و مدارس و قریه ها از قوانین جدید حرف میزدند و آثار عدم رضایت در جبین مردم ملاحظه میشد و ملت آیندهٔ غیر منتظره را انتظار داشت • در قریه ها ملا ها قوانین را برای ملت تفسیر میکردند و اضرار آنرا نسبت به اسلام تشریح میدادند • گفتار و کردار والی ها در اقالیم کشور و تفسیر شان از قوانین جدید در شکوک طبقات عامهٔ ملت افزوده گفتار ملا ها را تصدیق نمودند•

بطور مثال والی خوست ـ امرالدین خان ـ در تفسیر قوانین میگفت که قوانین جدید بالاتر از قرآن است و بعد ازین از قانون پیروی کنید • (۲۹) گفتار والی خوست را میتوان مخالفت شخصی وی نسبت به دولت دانست زیرا هیچ شخص عاقل نسبت به عقائد ملت اعتراضی مثلیکه امر الدین خان میکرد نمی کند•

سخنان والی ها و تفسیر شان از قوانین و تطبیق مواد آن و استفاده سوء از قانون اسباب کراهیت ملت را نسبت به قوانین آماده ساخت • فعالیت های ملت علیه قوانین بشکل خطابه ، مظاهره آغاز و بالاخره به حرکت مسلحانه خاتمه یافت •

اولین مقاومت در شمال کشور آغاز شد و قبائل تاجک بدرخواست والی های شمال برای ثبت نام دختران شان به مدارس مخالفت نمودند • دولت مقاومت مردم شمال را از جهت خود تفسیر

غیر حقیقی نموده جریده امان افغان در موضوع اینطور راپور داد : اهالی قطغن و بدخشان به سبب تادیه زکات مواشی و دادن مالیه تمرد و سر کشی نمودند و تعدادی از مغرضین و فتنه انگیز ها در عقب شورش بودند • افراد قوای نظامی ایشان را ساکت ساخت • (۳۰)
حوادث بعدی نشان میدهد که جریده امان افغان حقائق را توضیح نداده زیرا دولت به اساس مادهٔ ۶۷ قانون حاکم عسکری بنام - رئیس تنظیمیه - در ولایت قطغن و بدخشان تعیین کرد که جنرال محمد نادر خان بود • جنرال نادر خان از طریق قوت عسکری و تقدیم هدیه به سران قوم آتش فتنه را خاموش ساخت • (۳۱)
با عودت جنرال محمد نادر خان مردم آرامش را برهم زدند و دولت وزیر معارف آقای محمد سلیمان را بحیث رئیس تنظیمیهٔ ولایت بدخشان و قطغن تعیین نمود • (۳۲)
در زمانیکه اغتشاشات در شمال جریان داشت ساکنان مشرقی و جنوبی در جلال آباد و کنر و خوست دست به مخالفت دولت زدند • دولت در حمایت مردم نکوشید • مظاهرات شهر قندهار بسیار شدید بود و موقف حکومت را در قندهار ضعیف ساخت • اگر بین زعمای قندهار اختلافات بوجود نمیآمد ممکن بود قندهار از حکومت مرکزی جدا شود • استاد مرحوم غبار اسباب مظاهرات مردم قندهار را نشر خبری میداند که والی قندهار دختران را از خانه ها جمع نموده به مدارس میفرستد • استاد غبار موقف و شکل زندگانی سیاسی قندهار را خوب توضیح داده اند • (۳۳)

در خوست که مرکز مقاومت و انقلاب ۱۹۲٤ بود ملا عبدالله با استفاده از وجود والی غیر مسئول و خود خواه و جاهل به حقیقت موقف و انتشار رشوت و ظلم در ولایت با قبائل جنوبی خصوصا منگل ، جاجی ، جدران ملاقات نموده ایشان را از حرکت دولت علیه اسلام اطلاع داد البته از نظر ملا عبدالله • والی خوست در حالیکه ملا عبدالله با مردم علنا در تماس بود و ایشان را علیه حکومت تشویق مینمود از حقیقت غافل بوده در تطبیق قوانین میکوشید •
والی باندازه ای بی خبر بود که حتی برای شخص پادشاه معلومات نادرست مخابره میکرد •
والی در جواب پادشاه که از کوایف ولایت استفسار نموده بود نوشت و پادشاه راپور ولایت جنوبی

را اینطور به اعضای لویه جرگه قرائت کرد : ( ۷ یا ۸ ماه بیشتر ازین چند احوال خفیه برایم رسید که در معاملات حکومت جنوبی باین سمت بعضی سخن ها گفته میشود ۰ بنابرین برای حاکم آنجا نوشتم که کیفیت چیست ؟ در جواب از طرف حاکم مرقوم شد که این اطلاع غلط بشما رسیده مسئله در همان زمان طرح یافته بود از اصل حقیقت این شورش احدی اطلاع ندارد که اساس آن چند بندی بود که همیشه از سبب رهائی آنها اقوام شان به نزد حاکم عرض میکردند و مقصد شان خلاصی آن مجرمین بود ، چون میدانید که حکومت موجوده شما غیر عدل کاری نکرده و نمیتواند که از مجرمین چشم پوشی کند لهذا طرفداری هیچکس را درین مورد قبول نمیکند زیرا گفته اند !

ترحم بر پلنگ تیز دندان ستم کاری بود بر گوسفندان

چون طرفداری و عریضه پردازی آنها سودمند نشد بصورت حالیه مخالفت شانرا جلوه داده اند از اساس این معامله هیچکس حتی مامورین شما هم خبر ندارند ۰ (۳٤)

از تعلیق پادشاه در موضوع جنوبی و تحرکات ملا عبدالله واضح معلوم میشود که دولت از حقیقت موضوع کاملا بی اطلاع بود و اطلاعاتیکه برای کابل میرسید یا در آن غرض نهفته بود و یا اینکه مامورین آنجا چنانچه امان الله خان اشاره نمود کاملا از موضوع بی خبر بودند ۰

اوضاع امنیتی چنانچه پادشاه و والی جنوبی اطلاع داشتند شکل دیگری داشت و هر روز در نفوذ ملا عبدالله افزوده میشد و تعداد مخالفین امان الله خان تحت قیادت ملا عبدالله فشرده تر میشد ۰ بعضی دوستان پادشاه از موقف واقعی اطلاع حاصل کرده راپور مفصل بدربار فرستادند تا پادشاه را از اصل موضوع با خبر سازند ۰ امان الله خان از راپور طرفداران خود ملت را اینطور اطلاع داد :

چند روز بعد یک مکتوبی از سمت جنوبی بمن رسیده در آن نوشته بود که درین اطراف افواه شدید است که اساس قانون و نظامهای حکومت نعوذ بالله خلاف شریعت است ، باز برای حکومت انجا خبر دادم و تفصیلات این مسئله را خواستار شدم در اثر آن بیکروز جمعه به تیلفون برایم زنگ زده شد و حاکم خبر داد که در جواب مکتوب نمبر فلانی شما که درینجا رسید عرض میکنم که خیریت است ۰ (۳۵)

پادشاه بعد از راپور های مواصلت شده از طرف والی از امور سمت جنوبی قدری راحت شد در حالیکه ملا عبدالله وقت کافی یافت تا مردم را از هداف خود اطلاع داده و قناعت زعمای قبائل جنوبی را نسبت به حرکت خود حاصل کند • ملا عبدالله بعد از آمادگی برای حملهٔ نظامی در فبروری ۱۹۲۳ نامه ای عنوانی امان الله خان به کابل فرستاد و در نامهٔ خود قانون جزاء را غیر اسلامی دانست و خواهان تعدیل آن شد •

پادشاه چنانچه گفت از حضور ملا عبدالله به کابل جهت مناقشه با حکومت استقبال کرد و موضوع را اینطور بیان نمود : •••• مکتوب دیگری به پسته از طرف بعضی اشخاص برایم رسید در آن نوشته بود که ما در معاملات دولتی با حکومت چیزی گفتگو داریم من از خواندن آن بسیار خوش شدم و بدل خود تشکر کنان گفتم الحمدالله که حال ملت من باین درجه احساس پیدا کرده که در امورات دولتی بحث میکنند و برای حکومت خود رأی میدهند بجواب شان نوشتم که من ازین اظهار شما تشکر میکنم بسم الله بکابل بفرمائید بحث و مذاکره نمائید• (۳٦) •

ملا عبدالله جواب پادشاه را علامهٔ ضعف دولت تعبیر نمود و دعوت پادشاه را جهت مناقشهٔ موضوع در کابل فریب از طرف پادشاه دانست و عدم قبولی خود را از دعوت پادشاه با حمله کوچک آغاز کرد •

امان الله خان که از موضوع اطلاعات مفصل نداشت هیأت برای مذاکره نزد ملا عبدالله فرستاد• ریاست هیأت را ـ آخندزاده موسهی ـ بعهده داشت • هیأت فرمان پادشاه را که در آن کلمات دوستانه تحریر شده بود و از مخالفین دعوت بعمل آمده بود تا برای مذاکره به کابل تشریف بیآورند به ملا عبدالله سپرد • (۳۷) چون هیأت صلح بریاست صاحب زاده صاحب موسهی نتیجه نداد پادشاه قاضی القضات ملا عبدالرحمن خان پغمانی را برای مذاکره نزد ملا عبدالله فرستد لیکن قاضی القضات نتوانست قناعت ملا عبدالله را برای صلح حاصل کند و بر خلاف ملا عبدالله از قاضی القضات دعوت نمود تا در راه خدمت اسلام با انقلابیون یکجا شود•

فرستان نامه ها و هیأت ها را از طرف امان الله خان را ملا عبدالله تفسیر بر عدم قدرت دولت کرد و در ضمن جریان مذاکرات را مخالفین برسمیت شناختن شان از جانب دولت دانستند •

پادشاه مخالفت ملا عبدالله را با دولت نتیجه جهالت وی به قوانین دانست و عدم حضور شانرا به کابل فکر کرد که ترس از آینده شان بوده لهذا امان الله خان برای اطمینان مخالفین خود در جنوبی اعلان کرد که :

۱ _ عفو عمومی از تمام مخالفین در جنوبی •

۲ _ تجدید دعوت برای مذاکرات در کابل • (۳۸)

ملا عبدالله در جواب عفو عمومی امان الله خان بحملهٔ نظامی آغاز کرده و بسرعت منطقهٔ استراتیژیکی ـ تیره ـ را بدست آورد • در تیره ملا عبدالله طی ابلاغیه ای گفت که حملات وی برای دفاع از اسلام و مسلمین آغازیافته و اصلاحات امان الله خان ضد اسلام و مسلمین میباشد • (۳۹)

از تیره هجوم بالای شهر خوست بسیار ساده بود • در خوست قوای عسکری بزرگی تحت فرماندهی غوند مشر ـ محمد گل خان مهمند ـ بود • قوای دولتی در مقابل هجوم انقلابیون مقاومت کرده نتوانسته با تمام اسلحه و مهمات نظامی به ملا عبدالله تسلیم شدند • امان الله خان فورا امر برطرفی محمد گل خان را صادر نمود • (٤۰)

در اثر سقوط شهر خوست سائر قبائل جنوبی به طرفداری ملا عبدالله داخل جنگ با حکومت امان الله خان شدند و شهر گردیز را مورد تهدید نظامی قرار دادند • دولت برای نجات شهر گردیز که دارای اهمیت اداری و سیاسی بود قوای جدیدی به قیادت وزیر حربیه محمد ولی خان ارسال نمود لیکن محمد ولی نتوانست به گردیز برسد و در طول راه از طرف طرفداران ملا عبدالله محاصره شد • حکومت جهت نجات قوای محمد ولی خان قوای جدیدی که بنام ـ جان فدا ـ یاد میشد فرستاد • قوای جدید را که هشت صد نفر بود غوند مشر عبدالحمید خان و غوند مشر محمد اسماعیل رهبری میکردند • قوه جان فدا در مقابل حملات انقلابیون تاب مقاومت نیاورده همه کشته شدند • (٤۱)

کامیابی های قوای ملا عبدالله و هزیمت قوای جان فدا و محاصره ماندن قوای وزیر حربیه راه رابرای دخول ملا عبدالله به گردیز آسان ساخت که در ۲۲ ابریل ۱۹۲٤ ملا عبدالله داخل شهر

گردید • قوای دولتی بقیادت جمال باشا ترکی جهت استرداد شهر حمله ای متقابله نمود لیکن در تصرف شهر ناکام ماند •

از گردیز بزودی انقلابیون به وادی لوگر حمله نمودند و قوای دولتی بدون مقاومت تسلیم شده منطقه ـ آغوجان ـ بدست افراد ملا عبدالله افتاد و مسافه تا کابل فقط هفتاد کیلومتر باقی ماند• در جانب دیگر قوای انقلابیون بقیادت ملا عبدالاحد و ملا عبدالسبحان قوای دولتی را در منطقه ـ شیخ آباد وردک ـ شکست دادند و کابل را از جهت غرب مورد تهدید قرار دادند و تا مسافهٔ ۱۵۰ کیلومتر غرب کابل پیشروی نمودند •

امان الله خان نتوانست در حملات نظامی بالای قوای ملا عبدالله موفقیت حاصل نماید و احتیاج به وقت برای تنظیم قوای دولتی داشت لذا در فکر ارسال هیأت عالیرتبه برای مذاکرات با ملا عبدالله شد •

هیأت دولتی بریاست حضرت شمس المشایخ و عضویت حضرت نورالمشایخ ، وزیر عدلیه ، قاضی القضات ملا عبدالرحمن خان پغمانی ، معین داخله آقای عبدالحمید خان ، سردار محمد عثمان خان و تعدادی دیگری که اسماء شان در وثائق ذکر نشده تشکیل و جهت مذاکره به جنوبی فرستاده شد •

اعلیحضرت امان الله خان در وظیفهٔ هیأت عزامی اظهار کرد که :

هیأت بدانجا فرستاده شدند تا آنها رفته با آن جهال بحث و مذاکره کرده آنها را براه هدایت و صلاحیت بیاورد •

هیأت با ملا عبدالله در لوگر مذاکرات را آغاز کرد • در مذاکرات لوگر معاون ملا عبدالله ملا عبدالرشید نیز حاضر بود • در جریان مذاکرات ملا عبدالله پیشنهاد تعیین امیر جدید را برای افغانستان به حضرت شمس المشایخ کرد • دختر مرحوم سردار محمد عثمان از زبان پدرش حکایت کرد که مذاکرات خصوصی بین حضرت نورالمشایخ و سردار محمد عثمان خان و ملا عبدالله صورت گرفت و حضرت نورالشایخ بسیاری از نظریات ملا عبدالله را تأئید نمود لیکن حضرت شمس المشایخ در نهایت پیشنهادات ملا عبدالله را رد کرد • محترمه مرحومه اضافه کرد که پدرش گفت که اگر شمس المشایخ صاحب ملا عبدالله را مورد حمایت خود قرار میداد

حکومت امان الله در ۱۹۲٤ سقوط میافت ٠ (٤٢)

اعلیحضرت امان الله خان از نتائج مذاکرات لوگر رضایت نشان نداد و در باره نتائج آن گفت که:

( من از هیأت تشکر میکنم که آنها رفته این معامله را بجای اینکه انجام میدادند دیگر اشکالاتی را در پیشگاه حکومت عائد نمودند که حکومت متبوعه تان ابدا برای قبولیت و تحمل و برداشتن آن اوضاع خجالت آور حاضر و آماده نبوده و نه است و نخواهد شد بعون الله تعالی بلکه از معاونت خداوندی و برکت روحانیت حضرت رسالت پنائی و قوه سر نیزه این افواج ظفر امواج افغانی مغز جهالت را از کله های پر از نخوت آنها اگر نصائح و اندرز های خود ناکام ماندیم خواهیم کشید ٠٠٠٠٠ ) (٤٣)

حضرت شمس المشایخ در بعضی موارد پیشنهادات انقلابیون را معقول دانست و بعضی قوانین را مخالف شریعت میدانست لیکن به پیشنهادات ملا عبدالله برای تعیین پادشاه جدید مخالفت کرد و تغییر بعضی قوانین را با حفظ سلطنت برای امان الله خان پیشنهاد نمود که امان الله خان در بدایت قبول نکرده لیکن در نهایت به مطالب پیشنهاد شده هیأت صلح سر تسلیم فرود آورد تا از تأئید علمای اسلامی بی نصیب نباشد زیرا جنگ بنام اسلام و دفاع از عقیده اسلامی آغاز یافته بود ٠ از جانب دیگر علمای معتدل افغانستان بعد از تعدیلات در مواد قانون از امان الله خان حمایت نمودند و حضرت شمس المشایخ قیادت قوای ملی را بعهده گرفت ٠

در اوائل ماه اگست تحولات بزرگی در افغانستان رخ داد که بنفع حکومت امان الله خان انجامید در این ماه سردار عبدالکریم پسر سردار محمد یعقوب خان از هندوستان داخل مناطق جنوبی گردید ٠ زعمای قبائل از آمدن عبدالکریم خان استقبال کردند و تصور نمودند که به مشوره حکومت هند داخل افغانستان شده و پول زیادی با خود دارد ٠ امان الله خان و طرفدارانش رسیدن عبدالکریم را مداخلهٔ دولت انگلیس تعبیر نموده از وجود وی استفاده سیاسی نمودند ٠ ملا عبدالله از عبدالکریم خان استقبال نکرد لیکن نتوانست وحدت زعمای قبائل را حفظ کند ٠ (٤٤) ٠

حکومت انگلستان طی ابلاغیه ای علاقاتش را با انقلابیون نفی کرده سفیر خود را از کابل جهت

مشوره فرا خواند • حکومت انگلستان همچنان قونسل جلال آباد را امر کرد که به هند سفر کند• دولت انگلستان برای اظهار حسن نیت اش به حکومت امان الله خان قبول کرد تعدادی از طیارات جنگی برای افغانستان بفروشد •

منابع افغانی از مساعدات انگلستان در جریان انقلاب خوست به حکومت امان الله خان بجزء دو طیاره جنگی اشاره نمیکنند مگر جنرال محمد نادر خان در بیانیهٔ خود در ۱۹۳۰ در مجلس شورای ملی به مساعدات عسکری انگلستان برای حکومت امان الله خان اشاره کرده گفت که :

( اعلیحضرت امان الله خان در جریان انقلاب خوست پنج هزار تنفگ و ذخیره از دولت انگلستان بدست آورد • ) (٤٥)

حالات نظامی بنفع حکومت نبود و امان الله به حمایت زعمای ملی در خاموش ساختن آتش انقلاب احتیاج شدید داشت برای این مقصد لویه جرگه را برای انعقاد در کابل دعوت نمود (٤٦) • اعضای لویه جرگه قوانین دولت را که اسباب عدم رضایت افراد ملت رابطور عمومی و اسباب عدم رضایت مردم جنوبی را بطور خاص بار آورده بود مورد مطالعه و نقد قرار دادند • وکلا بعضی مواد قانون را مخالف شریعت تعبییر کردند و در مسوده متکون از ۱۸ فقره از دولت خواستند تا آنعده مواد قانون که مطابق شریعت نیست از قانون لغو گردد • پادشاه در شرائط جنگ تمام پیشنهادات وکلا را قبول نمود • (٤٧)

هدف از قبولی پادشاه به پیشنهادات وکلا آن بود تا برای ملت واضح سازد که قوانین دولت اصلاح شده و دیگر لازم به مخالفت نیست • در اگست ۱۹۲٤ پادشاه موافقت خود را با از تعدیلات مواد قانون رسماً اعلان کرد و گفت که :

بلی ! اگر بعد از اینکه شما علماء و فضلاء و وکلاء و اعزه افغانستان تمام نظامات را ورق زدید • و بر تمام آن علم آوری نمودید و هیچیک مسئله مندرجه او را بر خلاف شرع بیضای احمدی ندیدید • اگر احدی بغرض افساد و القای شقاق و عناد بگوید که نظامنامه خلاف شرع است چون من خودم را خادم شرع می پندارم و سوگند میخورم که بقدر یک سر موی تجاوز و تخالف را از مقررات شرعی نمی پسندم • البته کله او را حکومت شما بکله از گفتار بدهنجارش سبک خواهد کرد • (٤٨)

لویه جرگه در ختم دوره خود فیصله ذیل را بنشر سپرد که دولت آنرا چاپ نموده به تمام نقاط افغانستان توزیع کرد :

## اعلان لویه جرگه

الحمدالله الذی هدنا لهذا و ما کنا لنهتدی لو لا ان هدانا الله

ایزد لا یزال که میخواهد یک مملکت را از دست برد حملات دشمنان خارجی و خیانت خائنین داخلی وقایه کند اراده حضرت آلهی بان میرود که یک اولی الامر مقتدر دیندار شریعت شعار از افراد بر گزیده ملت انتخاب فرموده مقدرات دولت را بکف کفایت شعارش میگذارد ، و بواسطه عقل کامل و فکر صائب که بآن اعطا میفرماید ، دولت و ملتش را از حضیض ذلت باوج رفعت میرساند ، از آنروست که بتائیدات ربانی و روحانیت مطهر حضرت سیدالنبین خاتم الانبیاء و المرسلین حضرت محمد مصطفی صلی الله علی و اله و اصحابه اجمعین ، و بتوجه شریعت پروری شهریار ذی اقتدار غازی مان اعلیحضرت امیر المومنین امان الله خان تولواک افغانستان خلد الله ملکه مجلس لویه جرگه که عبارت از علماء و سادات و مشائخ عظام و وکلا و رؤساء کرام کل مملکت محروسه مان افغانستان ( صانها الله تعالی عن الزلزال و الحد ثان ) بغرض تحقیق و تدقیق در امور شرعیه حنفیه و مسائل جزئیه و کلیهٔ فقهیهٔ مطهره و انجاح و بهبود مهمات ملکیه و سیاسیه در مرکز دولت متبوعه مان دارالسطنه کابل تحت ریاست اعلیحضرت پادشاه غازی معظم مان منعقد گردیده و در تحت نظر و غور و تدقیق مجلس عالی لویه جرگه درآمد مخصوصا مهمات شرعیه مبارکه ، که در نظامات دولت دخل داده شده بود ، از نظر عموم ما علما و مشائخ لویه جرگه گذارش یافت ما خادمان و پیروان دین مبین متین اسلام فرمایشات و نیات و نظریات پادشاه محبوب القلوب خودمان را یکان یکان بگوش خود ها شنیده و بچشم خود ها مشاهده نموده قلبا احساس کردیم که عموم نظامات موضوعهٔ دولت مستند بر اساس شریعت غرای محمدی صلی الله علیه وسلم و اجرای احکام قرآن مطابق مذهب مهذب حنفی بوده و هست و میباشد و بعضی روایات ضعیفه که در نظامات دولت مطابق آراء و فتوای

علمای مرکزیه قبلا فتوی داده شده در محل اجراء آمده بود ، آن گونه مسائل نتیجه روایات ضعیفه بود که از طرف علماء تجویز گردیده بود ، و ما علمای لویه جرگه آن مسائل را مطابق احکام شرعیه حنفیه و روایات قویهٔ فقهیه اصلاح نمودیم که هیچگونه شبهه در قلب و خاطر های عموم ما علمای افغانی باقی نمانده و مسائل مشتبهه را در ذیل اعلان هذا تذکار نمودیم تا باعث اطمینان کلیهٔ خاطرها و قلوب عموم اسلامیان شود ، و ماعلماء و سادات و مشائخ و وکلاء و رؤساء و عموم برادران دین و اسلامی خودمان را اخبار مینمائیم که هر فردیکه بر خلاف حکومت و دولت معظمه و یا نظامات موضوعهٔ دولت علیه مان به تشبثات خائنانه و یا غرضات شخصیانه بالذات و یا تحریکا اقدام نماید ، اولی الامر ، در اجرای هر گونه مجازات از حبس و ضرب و نفی الی اعدام در باره اش شرعا مأذون و مختار است و ما عموم علماء و سادات و مشائخ و رؤساء و وکلاء برای رفع و دفع آنگونه خائنان که لکه در تاریخ حیات باشان و شرف ما افغانیان میگذارند بهر گونه فداکاری حاضر و آماده بودیم و هستیم و میباشیم (٤٩)

اصدار بیان فوق از طرف علماء و مشائخ و وکلای لویه جرگه موقف ضعیف دولت را قوت بخشید و در ١٤ اگست ١٩٢٤ جنگ مقدس علیه انقلابیون جنوبی اعلان شد و حکومت امان الله خان از سقوط نجات یافت • (٥٠)

امان الله خان بعد از وصول عساکر رضاکار قوای نظامی خود را به دسته های مختلف تقسیم نمود • وزیر تجارت غلام محمد خان را در رأس قوای دولتی به غزنی فرستاد و غلام محمد خان موفق شد شهر غزنی را بتصرف بیآورد • معاون وزارت حربیه عبدالعزیز خان با جنرال محمد عمر خان معروف به سور جرنیل در جنگی با انقلابیون شیخ آباد را در تصرف آورد• سقوط شیخ آباد کابل را از خطر نظامی انقلابیون نجات داد • در جنگ شیخ آباد تعداد زیادی از افراد ملا عبدالله کشته و ۹۰۰ نفر شان اسیر شدند •

در جنوب قوای دولتی بقیادت غوند مشر محمد امین خان در جنگ لوگر قلعهٔ نظامی لوگر را بتصرف آورد و غلام نبی خان چرخی منطقه ـ آغو جان ـ را از دست قوای ملا عبدالله آزاد ساخت • لیکن ملا عبدالله تا ٢٦ اگست در مناطق جنوب نفوذ نظامی را حفظ داشت • قوای

دولتی بقیادت سردار عبدالقدوس خان و مارشال شاه ولی خان به مناطق دور جنوبی مواصلت نمود تا انقلابیون را در محاصره داشته باشد ٠ ( ٥١ )
علی احمد خان به جلال آباد رفته از جوانان قبیله های خوگیانی و شنواری و مهمند ٦٥٠٠ مقاتل جنگی آماده ساخته شهر خوست را مورد هجوم قرار داده تیره را متصرف شد ٠ قوای علی احمد خان را قوای هوائی بقیادت پیلوت المانی ـ فایس ـ تقویت نمود و انقلابیون یک طیاره جنگی را سقوط دادند ٠ ( ٥٢ ) علی احمد خان از عقب بالای خوست و گردیز حمله نموده خانه های انقلابیون را آتش و زنان شانرا گروگان گرفت ٠ انقلابیون جهت حمایت ممتلکات و زنان خود عقب نشینی نمودند که همین عقب نشینی اسباب هزیمت شانرا آماده ساخت و دولت از علی احمد خان تقدیر کرده نشان ـ تاج افغان ـ را بوی تقدیم کرد ٠ ( ٥٣ )
در ٣٠ جنوری ١٩٢٥ ملا عبدالله دستگیر شده انقلاب خاتمه یافت ٠ انقلاب خوست یک سال و نیم طول کشید که در نتیجهٔ آن هزار ها جوان افغان کشته شد ٠ سفیر المان در کابل دکتور " GROBBA " در باره نهایت انقلاب این طور به دولت خود اطلاع میدهد : حکومت افغانستان پیروزی خود را جشن گرفت ٠ محفل به رسم گذشت عسکری که در مقدمه آن وزیر دفاع بود آغاز شد بعد از آن اسیران را باساس قبیله های شان در مقابل حاضرین گذشتاندند که در بین شان هزار زن بود و در اخیر ٦٠ موتر زخمی ها را انتقال داد ٠ ( ٥٤ )
دولت محاکمه نظامی تشکیل داد ٠ محاکمه حکم اعدام ملا عبدالله و ملا عبدالرشید و ملا عبدالسبحان و ملا عبدالاحد و ملا نور علی و ملا عبدالعلیم را با ٢٥ نفر دیگر صادر نمود که فورا تنفیذ گردید ٠ دولت اسیران را به منطقهٔ شمالی فرستاد و تعدادی از جوانان قبائل را در کابل حفظ نمود ٠ ( ٥٥ )

انقلاب خوست ١٩٢٤ ، ١٩٢٥ در حقیقت اولین تصادم مسلح بین امان الله خان و طرفداران فلسفهٔ لیبرالی و علمای اسلامی و زعمای قبیلوی بود ٠ نتائج انقلاب اگر چه در ظاهر بنفع دولت امان الله خان تمام شد لیکن در حقیقت بدایت نهایت دولت وی را آماده ساخت ٠
ملاحظه شد که انقلاب خوست بنام دفاع از دین آغاز یافت و در رأس آن ملا های معروف

سمت جنوبی قرار داشتند و موفق شدند امان الله خان را وا دارند از بسیاری قانوانین خود صرف نظر کند که این خود نوعی از پیروزی برای محافظه کاران در افغانستان و شکست برای جوانان لیبرال بشمار میآمد • در بدایت انقلاب اعلیحضرت امان الله اراده نمود تا انقلاب را توسط قوای دولتی خود شکست بدهد و از ملت و خصوصا زعمای اسلامی کمک نگیرد لیکن در نهایت مجبور شد تا با قبول پیشنهادات وکلای ملت و زعمای دینی تأئید شانرا بدست آورد •

در نهایت انقلاب پادشاه دانست که بدون تصفیهٔ نفوذ زعمای اسلامی نمیتواند مستقلانه کار نماید و در فکر ضعیف ساختن شان شد • در مقابل زعمای اسلامی نیز درک نمودند که روز فصل بین دولت و قوای محافظ اسلامی رسیدنی است لذا در جستجوی جمع قوای خود گردیدند• انقلاب خوست دولت را از ناحیهٔ اقتصادی بسیار ضعیف ساخت • ضعف اقتصادی اسباب مشکلات بزرگ را برای دولت بار آورد و دولت تقریبا پنج ملیون پوند انگلیسی در جریان انقلاب خساره را متحمل شد • قیمت پول افغانی پائین آمد و دولت مجبور شد تعداد افراد قوای نظامی را کم سازد و مالیات جدید را تعیین کند که در اثر آن عدم رضایت طبقهٔ فقیر را کسب نمود • (٥٦)

## افغانستان بین انقلاب ۱۹۲٤ و ۱۹۲۸

نهایت انقلاب خوست آغاز اختلافات به شکلی جدید بین زعمای اسلامی و دولت امان الله خان بود • امان الله خان در فکر دور نمودن زعمای اسلامی از شئونات دولت و ضعیف ساختن نفوذ شان در بین مردم شد • علمای اسلامی آنچه داخل قصر پلان سنجیده میشد بی اطلاع نبودند و در آینده یک نوع تصادم را حتمی میدانستند • حضرت صاحب نورالمشایخ چنانچه بتفصیل ذکر خواهد شد برای اظهار عدم رضایت اش از سیاست امان الله خان افغانستان را بقصد حج ترک نموده حاضر نشد به وطن بر گردد و باقی علمای افغانستان آهسته ، آهسته افغانستان را ترک داده بدور زعیم خود در هندوستان جمع شدند •

در این مرحله اعلیحضرت امان الله خان قصد سفر جهت معرفت با نهضت جدید اروپا نموده از کشور های اروپائی بازدید کرد • جرائد هندی و ایرانی و افغانی اخبار سفر پادشاه را بکابل انتقال میدادند که بسیاری از اخبار اسباب عدم رضایت ملت را بار میآورد و از رفتار پادشاه و ملکه تعجب میکردند •

مخالفین امان الله خان در غیاب وی فعالتر شدند و اخبار سفر ملکه را در اروپا نقد شدید نمودند خصوصا که ملکه حجاب اسلامی را که در افغانستان رایج بود ترک نموده و لباس اروپائی را اختیار نمود• معاهدات عسکری پادشاه را مخالفین با اروپا برای تصفیهٔ خود تعبییر کردند و از مساعدتهای نظامی اروپائی استقبال نکردند • (۵۷)

علمای اسلامی لباس اروپائی پادشاه و همراهأنش را نقد نموده از حضور پادشاه در مجالسیکه در آن شراب توزیع و رقص اجراء میشد و گوشت خوک تناول میگردید انتقاد نمودند و از اینکه ملکهٔ افغانستان بجوار زعمائی اروپائی بدون حجاب جلوس نموده و به آواز بلند حرف و خنده میکند تعجب نمودند • بازدید پادشاه از روم و ملاقات وی با پاپ را مخالفین امان الله خان تأئید نکردند و در انحاء افغانستان اخبار زیارت پادشاه و نشان دادن دوستی با دیانت مسیحی

بسرعت انتشار یافت و تعدای از مردم در اسلامیت پادشاه شک نمودند• (۵۸)
زیادترین نقد متوجه ملکه و زنان همراه وی بود • عکسهای ملکه و زنان افغانی با لباس های برهنه شب در انحاء افغانستان توسط جهت نا معلوم توزیع یافت • جریده ـ ستاره ایران ـ در صفحات اول خود عکسهای نیمه برهنهٔ ملکه را بچاپ رسانده و تعداد زیادی از آن عکسها به افغانستان رسید • (۵۹)
در حالیکه ملت اخبار سفر پادشاه و ملکه را از طریق جرائد استماع میکردند پادشاه به وطن عودت نمود • پادشاه طریق زمین را بطرف کابل اختیار کرد و خودش با موتر جدیدی که از اروپا خریده بود در حالیکه ملکه در جوار وی با لباس اروپائی نشسته بود داخل شهر هرا ت شد • هرات اولین شهری بود که پادشاه و ملکه را در لباس اروپائی استقبال کرد (۶۰)
از هرات پادشاه و ملکه از راه فراه و گرشک بطرف قندهار حرکت کردند و در طول راه با دهقانان و ساکنان دهات ملاقات نمودند • لباس ملکه و عدم حجاب ویرا اهل دهات خلاف اخلاق اسلام دانستند • (۶۱)
در ساعت ده صبح ۲۶ جون ۱۹۲۸ موکب پادشاهی به شهر قندهار مواصلت نمود • توپ خانه عسکری قندهار ۳۱ توپ باستقبال پادشاه فیر کرد و بعد از آن پادشاه و ملکه با موتر داخل شهر قندهار گردش نمودند و چای را با مامورین دولتی قندهار یکجا صرف کردند پادشاه و ملکه بسیار راضی و خرسند معلوم میشدند • (۶۲)
بعد از صرف چای با مامورین پادشاه با زعمای قندهار ملاقات نمود و در جریان ملاقات نتائج سفرش را به اروپا شرح داده گفت که در آینده نزدیک از نتائج سفرش برای ملت بطور مفصل راپور خواهد داد • زعمای قندهار عدم رضایت شانرا نسبت به حرکات پادشاه و ملکه در اروپا به حضور پادشاه اظهار کردند • (۶۳)
از قندهار پادشاه از شهر مقر و غزنی دیدن نموده و با مردم آنجا ملاقات کرد • پادشاه برای مردم مقر و غزنی از پیشرفت اروپا و نقش زنان در پیشرفت اروپا معلومات داد • (٦٤)
مردم کابل با بی صبری در انتظار موکب پادشاهی بودند تا پادشاه و ملکه را از نزدیک ببینند خصوصا که احوالات سفر شانرا قبلا شنیده بودند • حکومت از اوائل ماه جون انتظار قدوم

پادشاه را داشت و برای استقبال پادشاه ترتیبات خاصی گرفته بود ۰ (٦٥)
اخبار بازدید پادشاه از هرات و قندهار بکابل میرسید و مخالفین پادشاه در نشر آن فعال بودند۰ حضرت صاحب شوربازار محمد صادق مجددی مینویسد که : (علمای افغانستان از تمام انحای افغانستان به شوربازار آمده و از حقیقت موضوع معلومات میخواستند ۰ وی اضافه میکند که با محمد ولی خان ملاقات نمودم و از وی خواستم تا برای امان الله خان اطلاع بدهد که وقتیکه داخل کابل میشود ملکه با لباس حجاب اسلامی باشد و خود پادشاه با لباس افغانی تا مردم ملکه و پادشاه را قسمیکه از کابل خارج شده بودند همان طور در وقت عودت ببینند لیکن محمد ولی خان از ارسال اخبار به پادشاه معذرت خواست ۰ ) (٦٦)
از غزنی پادشاه با طیاره به کابل مواصلت نمود و ساعت ده صبح بکابل رسید ۰ در میدان طیاره بزرگان دولت و نمایندگان مناطق نزدیک کابل حضور بهم رسانیده بودند ۰ ملکه با لباس اروپائی از طیاره خارج شد و با مستقبلین سلام کرد ۰ شهر کابل مزین بود و دولت سه روز رخصتی عمومی را اعلان نموده بود ۰ (٦٧)
از میدان طیاره پادشاه و ملکه داخل شهر کابل گردیدند و هزاران نفر برای استقبال شان در خیابانها حاضر بودند چنانچه منابع انکلیسی می نویسد استقبال پادشاه در تاریخ افغانستان مانند نداشت ۰ (٦٨)

پادشاه در روز اول وصولش زعمای شهر کابل و زعمای قبائل جنوب و شمال و شرق کشور را که بکابل دعوت شده بودند در باغ قصرش استقبال کرد ۰ پادشاه در بدایت خطابش از خداوند شکر کرد که بار دوم با ملت اش یکجا شد۰ پادشاه ترقی اروپا را شرح داد و راجع به اهمیت تعلیم و تربیه در افغانستان صحبت کرد و وعده داد که فابریکه ها را وارد میکنند و در اخیر اضافه کرد که مفهوم اسلامی را که در افغانستان موجود است اصلاح خواهد کرد و در اخیر گفت اراده دارد شکل افغانستان را بکلی تغییر بدهد ۰ (٦٩)

پادشاه بدون انتظار و با بی صبری در تغییر اوضاع اجتماعی افغانستان اقدام کرد و فرمانهای متعددی را صادر نمود۰ پادشاه رخصتی را از روز جمعه به پنجشنبه تبدیل کرد در حالیکه

ضرورت به تبدیلی نبود مردم میگفتند که پادشاه اصلا اراده دارد تا مانند کفار رخصتی را بروز یکشنبه بسازد تا تقلید کافر شود ۰ (۷۰) امان الله خان از تغییر رخصتی به پنجشنبه میگفت که بعضی از مامورین برای نماز جمعه نمیرفتند لذا وی روز جمعه را روز کار اعلان کرد تا همه مامورین مجبور به ادای نماز جمعه شوند ۰

پادشاه تمام مردم کابل را امر کرد تا لباس اروپائی بپوشند و در عوض لنگی باید مردها کلای شپو به سر کنند ۰ پادشاه برای قوای امنیتی امر کرد که بدون داشتن لباس اروپائی کسی حق داخل شدن را به شهر ندارد ۰ (۷۱)

در موضوع آزادی زنان پادشاه امر کرد که زنان افغانستان حجاب را ترک کنند ۰ پادشاه حجاب را زندان برای زنان تعبیر کرد و گفت که حجاب ننگ و عار برای امت افغان است ۰ (۷۲) و امر کرد که زن با حجاب حق داخل شدن را به شهر ندارد و اگر داخل شد باید جریمه شود ۰ پادشاه میگفت که دولت از حقوق طبقه زنان دفاع میکند۰ (۷۳)

اعلیحضرت امان الله خان برای اینکه اصلاحات اجتماعی اش را صبغهٔ قانونی بدهد مجلس لویه جرگه را بتاریخ ۱٦ اگست ۱۹۲۸ دعوت نمود ۰ دولت برای اعضای مجلس لباس اروپائی آماده ساخت و وکیل حق نداشت از اطاق خواب بدون لباس اروپائی خارج شود ۰ پادشاه امر کرد که دادن سلام نباید با زبان باشد بلکه در وقت دادن سلام مردها کلاه را از سر بشکل تعظیم بلند کنند ۰ (۷٤)

افتتاح مجلس از مجالس قبلی فرق داشت ، مجلس با نمایش افلام و رقص اروپائی آغاز یافت که اسباب نا راحتی وکلاء را فراهم آورده در عقیده اسلامی پادشاه شک نمودند ۰ (۷۵)

در ۲۸ اگست ۱۹۲۸ پادشاه پروگرام اصلاحی خود را که شامل آزادی زنان ، اجباری بودن تعلیم برای طبقه زنان و مردان ، پوشیدن لباس اروپائی ، حق زنان در قیچی نمودن مو و آرایش آن ، منع جوانان از ازدواج قبل از اتمام درس ، منع ازدواج زیادتر از یکبار ، اجبار مامورین دولتی برای طلاق زنان دوم و سوم و چهارم شان ، منع دخول علمای فارغ التحصیل مدرسهٔ - دیوبند - در هندوستان ، الغای مساعدت مالی از طرف دولت برای طبقهٔ ملا ، مصادرهٔ اوقاف ، جدائی دین از دولت ۰ (٦۷)

در جریان جلسات مجلس مناقشه ای بین پادشاه و وکلاء صورت گرفت تمام وکلاء حتی وکلای لیبرال و چپی از پادشاه انتقاد نمودند• (۷۷) در موضوع اینکه عدالت با زنان در حالت دو زن ناممکن است پادشاه گفت که حتی حضرت رسول الله صلی الله علیه و سلم در معاملهٔ زنان خود عادل نبود • داخل مجلس بعد از انتقاد پادشاه مناقشه ای بزرگی بین حضرت نورالمشایخ و پادشاه صورت گرفت حضرت پادشاه را مخاطب کرده گفت : امان الله ! اگر قصدا گفتی کافر شدی و اگر سهوا گفتی توبه کن • امان الله خان فورا توبه کرد • لیکن چنانچه اشاره شد حضرت نورالمشایخ با تعدادی از علماء افغانستان را ترک نمودند و تا سقوط دولت امان الله خان به افغانستان باز نگشتند •

ختم مجلس ختم علاقه نیک بین پادشاه و افراد ملت بود • وکلاء در باز گشت به قریه ها احوالات و اخبار جدید را به مردم حکایت نمودند • ملا ها در مساجد از امان الله خان نقد نموده بسیاری افکارش را غیر اسلامی دانستند • (۷۸)

پادشاه بعد از ختم مجلس با نمایندگان زنان در قصر ـ استور ـ ملاقات کرد • در اجتماع قصر استور پادشاه از حقوق زنان دفاع کرد و آزادی لباس را برای زنان حق قانونی شان دانست • در مجلس زنی گفت که شوهران در آزادی لباس و حجاب مخالفت میکنند • پادشاه گفت برای هر زن یک تفنگچه میدهم اگر شوهرش مخالفت کرد حق فیر را بالای شوهر دارد و من از مرگ آن مردانیکه ضد آزادی زنان باشند تحقیق نمیکنم • (۷۹)

اگر بدقت به اصلاحات اجتماعی امان الله خان نظر اندازیم ملاحظه میشود که امان الله خان بدون دلیل اعلان جنگ را علیه رسم و رواج های تاریخی ملت افغانستان آغاز کرد • فیصله های پادشاه کاملا پیش از وقت بود و بعضی قوانین پادشاه اسباب نابودی نظام خانوادگی را آماده میساخت • برای طبقهٔ ذکور افغانستان مشکل بود به اصلاحات اجتماعی امان الله خان تسلیم شوند و اراده خانوادگی خود را از دست بدهند • برای امان الله خان لازم بود تا موضوع لباس و حجاب را به زمان و آینده میگذاشت چنانچه دیدیم روزی رسید که نواسه های مخالفین حجاب به رضایت خود حجاب را گذاشتند •

## حرکت حضرت صاحب شوربازار محمد صادق مجددی :

بازگشت اعلیحضرت امان الله خان از اروپا و اصلاحات جدید اجتماعی دولت اسباب عدم رضایت علمای افغانستان را آماده ساخت • علمای افغانستان برای توحید صف در منزل حضرت صاحب در شوربازار اجتماعات نمودند • در اجتماع شوربازار دو نظریه مورد مناقشه قرار گرفت :

۱ ـ اعلان کفر پادشاه و اسقاط بیعت از وی •

۲ ـ عدم اعلان کفر پادشاه و دعوت از وی برای وقف اصلاحات اجتماعی اش • این نظریه را حضرت صاحب پیشنهاد کرد • در پیشنهاد دوم ذکر شده بود که اگر پادشاه حاضر به قبول مطالب علمای افغانستان نشود حرکت مسلحانه ضرورت اسلامی میباشد • ( ۸۰ )

در مباحثات شوربازار فیصله بعمل آمد که حضرت محمد صادق مجددی با امان الله خان ملاقات نموده نظریات علمای افغانستان را برایش سپرده و به پادشاه فهمانده شود که اصلاحات جدیدش افغانستان را به هلاکت میرساند و نظام سلطنت امان الله خان را ضعیف خواهد کرد • ( ۸۱ )

حضرت مجددی مینویسد که : (چندین بار جهت ملاقات پادشاه به قصر رفتم لیکن پادشاه وقت ملاقات نداد • جای تعجب است که امان الله قبل از سفر اروپا هر ماه به شوربازار میآمد و حال حتی وقت ملاقات را نمیدهد • چون پادشاه حاضر به ملاقات و مناقشه اوضاع داخلی افغانستان نشد ما فیصله نمودیم که عصیان مسلح علیه پادشاه که تمام کردارش مخالف اسلام است واجب اسلامی است • ) ( ۸۲ )

برای آماده ساختن حرکت مسلحانه جهت متوجه ساختن پادشاه به مطالب علمای افغانستان حضرت مجددی نماینده های خود را به جنوبی فرستاد و قبیلهٔ احمد زی دعوت وی را قبول نمود• نماینده قبیله احمد زی امضای ۴۰۰ تن را که در صفحه قرآن شده بود و در آن تعهد نموده بودند که تحت قیادت حضرت صاحب علیه امان الله مبارزه میکنند به شوربازار آورد• ( ۸۳ )

حضرت محمد صادق مجددی برای معلوم نمودن نظریه قوماندان عسکری جنوبی ( عبدالغنی خان سرخابی ) از حرکتش هیأتی برای مذاکره به قوماندانی جنوبی فرستاد • حضرت مجددی مینویسد که عبدالغنی خان وعده داد که اگر امان الله خان مطالب وی را گوش نکنند وی عبدالغنی خان با حضرت اش مساعدت مینماید • جواب عبدالغنی خان سرخابی باعث تقویت معنویات علمای مخالف امان الله خان شد • بعد از مذاکرات با قبائل جنوبی حضرت با تعدادی از علماء و قاضی القضات عبدالرحمن خان پغمانی و تعدادی از قضات مانند قاضی فضل الحق خان ، قاضی عبدالقادر خان ، عبدالحنان خان ، محمد حیان خان و حضرت محمد معصوم مجددی کابل را بقصد جاجی بتاریخ خزان ۱۳۰۷ مطابق ۱۹۲۸ ترک نموده در قلعهٔ عزیز خان جاجی اقامت اختیار نمودند •

از قلعه عزیز خان حضرت محمد صادق مجددی با اتباع خود تماس گرفت لیکن چنانچه در خاطرات خود می نویسند تعدادی از زعمای قبائل دعوت وی را لبیک نگفتند و پشنهاد نمودندکه حرکت را به وقت مناسب برای آینده بگذارند تا زعمای قبائل آمادگی لازم را بگیرند و از جانب دیگر عزیز خان جاجی در آنزمان در هند بود و باید انتظار وی را میکشیدند• حضرت مجددی اضافه میکند که دانسته شد قوم در عهد خود نیستند و انتظار کشیدن نتیجه ای مطلوب ندارد •

در عدم موفقیت قیام حرکت در جنوبی میتوان عناصر ذیل را اضافه نمود :

۱ـ روابط امان الله خان با قبائل جنوبی بعد از انقلاب ۱۹۲٤ بهتر شده بود و پادشاه مبالغ زیادی را بقسم هدیه برای زعمای جنوبی ارسال نموده بود بغیر از قبیله مسعود • ( ٨٤ )

۲ ـ عدم موجودیت بعضی از زعمای قبائل جنوبی مانند حاجی عزیز خان در جنوبی •

۳ ـ ضعیف بودن قدرت نظامی در جنوبی نتیجهٔ انقلاب ۱۹۲٤ •

٤ ـ عدم موجودیت پول نزد حضرت صاحب برای مصارف حرکت •

٥ ـ قیام حرکت مسلح در لوگر قبل از رسیدن اتفاق بین حضرت مجددی و مردم جنوبی •

زعمای حرکت ، جاجی را بقصد خوست ترک نمودند و در طول راه مورد هجوم دزدان گردیده در

تصادمی بین طرفین پسر قاضی عبدالرحمن خان پغمانی که قاضی بود کشته شد ٠
از خوست حضرت محمد صادق مجددی برای عبدالغنی خان سرخابی احوال فرستاد لیکن عبدالغنی خان بعد از اینکه قبائل حرکت نکردند از همکاری معذرت خواست و خواهش نمود که برای حفظ جان به هندوستان پناه ببرند و وعده داد که ایشانرا تا به سرحد مورد حمایت قرار میدهد و همچنان زعمای قبائل این وعده را قبلا داده بودند ٠ قراریکه حضرت مجددی می نویسد سرخابی نمیخواست ایشان را تسلیم دولت کند ٠ جواب جنرال سرخابی آخرین امید زعمای حرکت را به‌ناامیدی تبدیل کرد و فورا جلسه فوق العاده برای مشوره تشکیل دادند ٠
در جلسه قاضی عبدالرحمن خان گفت : پیشروی ما دو راه بیشتر نیست یا فرار بهند ، در آنصورت حکومت انگلیس ما را با عزاز خواهد پذیرفت ، ولی برایما که مسلمان و افغانیم مرگ بهتر ازین اعزاز اجنبی است ، راه دوم تسلیم شدن بحکومت افغانستان و دست از جان برداشتن است ، آیا رفقا چه میگویند ؟ همه گفتند ما شق دوم را و لو بفدا شدن جان ما باشد ترجیح میدهیم ٠ ( ۸۵ )
بعد از مشوره همه مشترکا به قلعهٔ نظامی داخل شده خود را برای جنرال سرخابی تسلیم نمودند تا دیده شود آینده چه می شود ٠ ( ۸۶ ) قوماندان آنانرا تحت الحفظ به گردیز فرستاد ، و تا آنوقت موتر ها از کابل رسیده و ایشانرا مستقیما به پغمان منتقل نمود و آنگاه همه را تسلیم دیوان حرب وزارت حربیه نمود ٠
جریدهٔ امان افغان لسان حال حکومت اخبار دستگیری ایشان را بنشر سپرده اضافه کرد که : قوای نظامی افغانستان موفق شد حرکت محمد صادق مجددی و طرفدارانش را خنثی سازد و همهٔ شان دستگیر شده رو سیاه به کابل برای محاکمه آورده شدند و جزای سنگین را خواهند دیدند ٠ ( ۸۷ )
در پغمان ساعت ۱۲ شب امان الله خان هر یک از مخالفین را جدا جدا پذیرفت و مذاکره نمود و مخالفین به عمل خود اقرار نمودند و پادشاه را مسئول خرابی افغانستان دانستند٠ امان الله خان امر به تشکیل محاکمهٔ عسکری صادر نمود ٠ اعضای محاکمه عبارت بودند از عبدالعزیز خان وزیر حربیه ، محمود سامی قوماندان قول اردوی مرکز ، فضل احمد خان فرقه مشر ، سید

شریف خان کندکمشر ، سید عبدالله خان کندکمشر .

محاکمه زیادتر از یک ماه طول کشید . جلسهٔ اول محاکمه بریاست امان الله خان و عضویت محمد ولی خان و عبدالعزیز خان و محمد یعقوب خان وزیر دربار و محمد سمیع خان قوماندان پولیس و میرزا محمد ایوب خان رئیس تشریفات سلطنتی دائر شد . جلسهٔ دوم بریاست محمد ولی خان و جلسهٔ سوم بریاست وزیر حربیه عبدالعزیز خان و جلسهٔ چهارم باز بریاست عبدالعزیز خان و جلسه پنجم بریاست جنرال محمود سامی بود .
جنرال محمود سامی و محمد یعقوب خان از اصدار حکم اعدام طرفداری نمیکردند لیکن عبدالعزیز طرفدار اعدام همهٔ مشترکین در حرکت بود . (٨٨) عبدالعزیز خان موفق شد طرفداری امان الله خان را برای تنفیذ حکم اعدام حاصل کند و پادشاه وثیقهٔ اعدام همه اعضای حرکت را امضاء نمود. (٨٩)
در ماه ربیع الثانی ١٣٤٧ مطابق سپتمبر ١٩٢٨ حکومت امان الله خان قاضی القضات ملا عبدالرحمن خان پغمانی و قاضی عبدالقادر و قاضی فضل الحق و قاضی عبدالحنان را در سیاه سنگ بضرب گلوله اعدام نمود و قاضی القضات در همانجا دفن شده تا امروز مزار وی زیارتگاه عام و خاص میباشد . پادشاه تنفیذ حکم اعدام حضرت محمد صادق مجددی و حضرت محمد معصوم مجددی مشهور به میاجان آغا را تا بازگشت حضرت نورالمشایخ به افغانستان موکول ساخت . (٩٠) حضرت محمد صادق مجددی مینویسد که بمجرد بازگشت برادرش از هندوستان اعدام میشد لذا صوفی پاینده محمد کوشان پدر غلام حضرت کوشان را که از مخلصین با اعتمادش بود با نامه ای به هندوستان فرستاد و از برادر خواهش نمود تا مدتی در هندوستان انتظار کشیده دعوت امان الله خان را برای بازگشت قبول نکند وی در نامه اش اضافه کرد که بمجرد وصول نورالمشایخ به کابل حکم اعدام نافذ میشود . محترمه دختر حضرت نورالمشایخ که فعلا در امریکا برای معالجه آمده در باره نامه فوق الذکر کاکایش برای پدرش میگوید که پدرم بسیار پریشان بود و عزم بازگشت را به افغانستان داشت لیکن بارسیدن نامه برادرش انتظار را بر سفر ترجیح داد. حضرت محمد صادق مجددی تا اواخر سلطنت امان الله

خان در زندان به حالت بسیار خراب باقی ماند • زولانه های پایش بسیار سنگین بود و تا آخر حیات از درد آن شکایت داشت •

مرحوم استاد قاسم میگفت که زولانه های پای حضرت صاحب را بوسیدم و دانستم که بسیار با وزن است و اضافه میکنند که هر چه پول نقد داشتم برای حضرت دادم تا در زندان مصرف کند و چون دانستم جاسوسان برای پادشاه اطلاع میدهند خودم موضوع را به حضور عرض کردم برایم گفت خوب کردی •

پادشاه در هفته های اخیر سلطنتش در کابل حضرت محمد صادق مجددی را از زندان خارج ساخته از وی مساعدت خواست تا وی را در مقابل انقلابیون شمال که شعار نجات حضرت را بلند نموده بودند همکاری کند که در جای آن بتفصیل ذکر خواهد شد •

محاکمه عسکری بالای اشخاصیکه در وثیقه تأئید و همکاری با حضرت را امضاء نموده بودند احکام حبس را صادر نمود و همه با حضرت مجددی در یک زندن محبوس شدند • زندانیان در زندان قسم یاد میکردند که از امان الله خان انتقام میگیرند و در انقلاب ۱۹۲۸ در شورش علیه امان الله خان همکاری نمودند و سقوط او را سرعت بخشیدند•

حرکت حضرت مجددی در تحقیق اهدافش ناکام ماند لیکن احکام اعدام از طرف امان الله خان نتائج منفی را برای سلطنت وی بار آورد و مردم در اسلامیت پادشاه شک نمودند و تعداد زیادی از علماء افغانستان را ترک نموده در دیره اسماعیل خان با حضرت نورالمشایخ یکجا شده اسم امان الله خان را از خطبهٔ روز جمعه کشیده علیه سلطنتش دعا نمودند که فتوای علماء نفوذ سیاسی امان الله خان را ضعیف ساخته سقوطش را سرعت بخشید • (۹۱)

امان الله خان در خاموش ساختن حرکت مجددی تصور کرد که موفق شده مخالفین اش را ضعیف سازد و در تنفیذ اصلاحات خود نسبت به گذشته شدت نمود • پادشاه برای اینکه برای مخالفین نشان بدهد که در مرکز قوت است و از کسی خوف ندارد تعدادی از دختران را برای تعلیمات به ترکیه و فرانسه فرستاد و روز سفر دختران را در قصر استور جشن گرفت • فرستادن دختران به خارج را افغانان ضدیت پادشاه به اسلام تعبییر نمودند •

بعضی از وزراء و بزرگان دولت موقف امان الله خان را تأئید نکردندمثل محمود طرزی و

عبدالهادی خان داوی وزیر تجارت و عبدالرحمن خان لودی و همه استعفای خود را تقدیم پادشاه کردند • پادشاه در وقتیکه با مخالفین اسلامی خود داخل جنگ بود تأئید طبقهٔ جوان و لیبرال را نیز از دست داد• (۹۲) پادشاه هر روز تأئید افراد نظامی را نیز از دست میداد و هر روز محبت پادشاه در بین عساکر و ملت کمتر میشد •

پادشاه بغیر از مشکلات سیاسی با مخالفین اش مشکلات اقتصادی زیادی داشت که مشکلات اقتصادی در ضعیف شدن مقام سلطنت کمک نمود • سفیر المان در کابل اوضاع اقتصادی را اینطور توضیح داد : وزارت مالیه مشکلات مالی داشت و پادشاه از وزارت پول میخواست تا پروگرامهای دولتی را تکمیل کند خصوصا تعمیر قصر دارالامان • دولت برای علاج مشکلات اقتصادی و جمع مال برای پادشاه مالیات جدید را تعیین نمود که سبب غضب افراد فقیر ملت شد • (۹۳)

## انقلاب در شرق ـ انقلاب شنوار ـ :

مؤرخین در باره انقلاب شنوار تحقیقات زیادی نموده لیکن در اسباب آن دقت زیاد نکرده اند ۰
مؤرخ بزرگ دکتور آرنولد فلچر در تحقیق خود راجع به انقلاب شنوار مینویسد که :
در نومبر سال ۱۹۲۸ قافله ای از کوچی های سلیمان خیل درسفر بطرف هندوستان از مناطق شنوار میگذشت ، در طول راه تعدادی از افراد قبیله شنوار بالای قافله حمله نمودند و در تصادم مسلح بین طرفین سلیمانخیل بر افراد شنوار انتصارات نظامی حاصل نمودند ۰ (۹٤)
خبر جنگ بین سلیمانخیل و شنوار بین مردم شنوار انتشار یافت و شنواری ها برای انتقام بالای قافله سلیمانخیل حمله نموده تعدادی از جوانان سلیمانخیل را به حاکم ـ آچهن ـ تسلیم نمودند لیکن حاکم ایشانرا بعد از تحقیق رهاء ساخت ۰ مردم شنوار برای اثبات ادعای خود به والی شنوار شکایت نمودند لیکن والی به عرائض شان توجه نکرد ۰ مردم شنوار والی را به اخذ رشوت متهم نمودند و برای انتقام از حکومت آمادگی گرفتند ۰ (۹۵)
دکتور آرنولد در قیام انقلاب یا شورش اقوام شنوار حادثه ذکر شده را دلیل میآورد و اضافه میکند که اسباب قیام شنوار اسباب دینی نبود و علمای اسلام در اشتعال آن نقش فعال نداشتند۰ اگر بدقت در مورد قیام اغتشاش مردم شنوار مطالعه نمائیم دیده میشود که والی شنوار قصدا یا شوقا و از جهت نادانی در قیام مردم رول اساسی را داشت ۰ والی خانواده خود را نظر به امر پادشاه از لباس حجاب ممانعت کرد و هر روز با خانم و دختران خود با لباس عادی اروپائی به کوچه های منطقه حرکت داشت و از مامورین دعوت میکرد تا زنان خود را از قید حجاب آزاد سازند ۰ والی از مردم دعوت میکرد تا دختران خود را برای تعلیم به کابل بفرستند ۰ قبائل شنوار و مشرقی عمل والی را مخالف شرف و عزت خانوادگی خود تعبیر نمودند ۰ (۹٦)
جانب اقتصادی نیز در انقلاب شنوار دخیل است پادشاه مساعدت های اقتصادی ایراکه برای زعمای قبائل می فرستاد توقف داد و مالیات را برای اولین بار بالای قبائل وضع نمود و در جمع

مالیات از قوهٔ عسکری استفاده نمود و با قبائل شنواری داخل مبارزهٔ مسلحانه شد ۰ (۹۷) پادشاه نظام ـ بدراجه ـ را که نوعی از مالیات بود و قبائل شنوار و مهمند از مرور قوافل تجارتی بدست میآوردند الغاء نمود ۰ دولت نظام بدراجه را یک نوع چور و چپاول تعریف کرد و در اصلاح آن همت گماشت ۰ قبائل شنوار مداخله ای دولت را نوعی از انواع مداخله بشئون اقتصادی شان دانستند و عدم الغای بدراجه را از قبائل مهمند عداوت دولت نسبت بخود دانستند ۰ (۹۸)

قبائل مهمند و شنوار تنفیذ حکم اعدام را بالای قاضی القضات ملا عبدالرحمن خان پغمانی و باقی زعمای حرکت حضرت صاحب شوربازار مخالفت دولت با اسلام دانسته در انتقام از دولت با مخالفین اسلامی امان الله خان همکاری نمودند ۰ علمای مشرقی موفق گردیدند تا اختلافاتی را که بین قبائل مهمند و شنواری و خوگیانی و صافی موجود بود حل کنند ۰ در این وقت دولت تعدادی از زعمای قبائل مشرقی را زندانی ساخت که زندانی شدن شان در انتقام مردم افزود ۰ زعمای قبائل با صاحبمنصبان و عساکر قشلهٔ ـ کهی **KAI** ـ داخل مفاهمه شدند ۰ تقاریر سری نشان میدهد که صاحبمنصبان و عساکر اصلاحات امان الله خان را مورد انتقاد شدید قرار دادند و وعده دادند که با مردم علیه دولت همکاری مینمایند ۰ جنرال محمد گل خان مهمند از موضوع اطلاع حاصل کرده برای مذاکره بکابل سفر نمود ۰ (۹۹) در غیاب محمد گل خان مهمند تعدادی از صاحبمنصبان نظامی و بعضی مامورین دولتی با مخالفین دولت یکجا شدند ۰

## اعلان انقلاب ۱٤ نومبر ۱۹۲۸ :

در ۱٤ نوفمبر سال ۱۹۲۸ شنواری ها علیه دولت امان الله خان اعلان جنگ نمودند و بالای شهر ـ اچین ـ مرکز شنوار حمله نموده عمارات حکومتی را به آتش زدند • افراد قوای نظامی فرقهٔ شنوار باساس اتفاق قبلی تسلیم مخالفین امان الله خان شدند • (۱۰۰) در اثر سقوط مرکز شنوار و تسلیم قوای نظامی به انقلابیون زعیم شنواری ـ محمد افضل خان ـ از تمام زعمای مشرقی دعوت نمود تا در شهر ـ غنی خیل ـ اجتماع نمایند• در اجتماع غنی خیل تعدادی از نمایندگان قبائل بریاست ـ ملا صاحب چکنهور ـ در مورد آیندهٔ حرکت مناقشه نمودند • در مناقشات موضوعات اسلامی مورد بحث قرار داشت و حرکت خود را جهاد اسلامی معرفی نمودند و امان الله خان را خارج اسلام معرفی کرده از تمام مردم دعوت کردند تا در صف انقلابیون بیآیند و از اسلام و عقیده اسلامی دفاع کنند • (۱۰۱)

حکوت امان الله خان خواست تا با مخالفین صلح کند و ایشانرا از حملات هوائی ترسانید لیکن انقلابیون به درخواست و دعوت حکومت توجه نکرده بالای دکه حمله نموده خزانهٔ دولت را چور و راه بین جلال آباد و دکه را مسدود ساختند • (۱۰۲)

سقوط دکه سبب شد تا دولت به خطر حقیقی متوجه شود و در علاج آن از سرعت کار گیرد • امان الله خان قوای نظامی بقیادت سردار شیر احمد خان و عضویت جنرال محمود خان یاور به مشرقی فرستاد لیکن در طول راه شیر احمد خان و جنرال محمود خان باهم اختلاف پیدا نموده از هم جدا شدند و جنرال قبول نکرد با شیر احمد خان به جلال آباد برود و در ـ نمله ـ با قوای خود باقی ماند که اختلاف بین هر دو نتائج منفی را در آیندهٔ سیاسی مشرقی بوجود آورد • (۱۰۳)

در جلال آباد سردار شیر احمد خان از زعمای قبائل دعوت برای مذکره نمود ، زعماء با شیر احمد خان در جلال آباد مذکراه نموده مطالب ذیل را تقدیم نمودند :

۱ ـ اخراج محمود طرزی و خانواده اش از افغانستان •

۲ ـ اخراج تمام خارجی ها از افغانستان ۰

۳ ـ اصلاح مالیات و تقلیل آن ۰

٤ ـ تشکیل حکومت جدید ۰

۵ ـ الغای رفع حجاب ۰

٦ ـ عدم مجبور نمودن مامورین دولتی برای طلاق زنان شان ۰ (۱۰٤)

شیر احمد خان خواست تا بین قبائل اختلافات را بوجود بیآورد برای این منظور سرا با قبائل مهمند داخل مذکره شده ایشانرا علیه شنواری ها تشویق به جنگ نمود و وعده داد که دولت ایشانرا معاونت نظامی میکند ۰ مهمندی ها با شیر احمد خان اتفاق سیاسی نموده اسلحهٔ زیادی بدست آوردند و کنترول شهر جلال آباد را بدست گرفتند لیکن در اتحاد خود با سائر قبائل ادامه داده علیه نظام امان الله خان دست از مبارزه نکشیدند ۰ (۱۰۵)

شیر احمد خان بدون مشوره با پادشاه تمام پشنهادات قبائل را برای صلح با دولت رد نمود ۰ در نتیجه عدم موافقه بین شیر احمد خان و زعمای قبائل ، انقلابیون قوای جنرال محمود خان را در نمله محاصره نموده و محمود خان با تمام افرادش تسلیم انقلابیون شد و شهر جلال آباد در خطر سقوط درآمد ۰

امان الله خان در ۱٤ نومبر عزم کرد تا برای دفاع از جلال آباد شخصا بدانجا سفر کند لیکن بزرگان دولت مانع سفر پادشاه شدند ۰ (۱۰٦) اگر امان الله خان شخصا چنانچه عزم نموده بود به جلال آباد میرفت و با مخالفین بالمقابل مناقشه میکرد احتمال داشت اوضاع به حالت عادی برمیگشت ۰ پادشاه برای دانستن موقف کشور های همسایه با سفیر ترکیه و روسیه در کابل مذاکره کرد ۰ هر دو سفیر پادشاه را به مقاومت در مقابل مخالفین اش تشویق نمودند و جنگ را تا نهایت بنفع حکومت دانستند ۰ (۱۰۷)

در ۲٤ نومبر پادشاه با سفیر انگلستان سیر همفری ملاقات نمود تا نظر وی را در مورد بداند ۰ همفری نسبت به سفیر روسیه و سفیر ترکیه با صراحتتر صحبت نمود و پادشاه را متوجه خطر حقیقی ساخته گفت که تمام طبقات ملت مثل علمای اسلامی ، دهقانان ، تجار ، عساکر از پادشاه دور شده اند و اصلاحات جدید پادشاه و مالیات جدید باعث غضب تمام افراد ملت

گردیده • همفری پیشنهاد کرد که پادشاه با قبائل شنواری مفاهمه نماید و رضایت شانرا بدست آورد زیرا اگر مهمند با شنوار یکجا شود پایتخت کشور در خطر خواهد افتاد • (۱۰۸)
زمانیکه همفری با امان الله خان داخل مذاکره بود دولت هند آزادی را برای افراد قبائل در هر دو جانب خط دیورند آماده ساخت و بعضی مسئولین انگلیسی با بعضی زعمای قبائل داخل مذاکره شدند و قوای نظامی انگلیس در اطراف خط دیورند در حرکت آمد • تصرفات مسئولین انگلیسی را زعمای قبائل تعبییر بر عدم مخالفت دولت انگلستان به حرکت خود نموده و احساس امنیت از جانب هند نمودند • (۱۰۹)
اعلیحضرت امان الله خان خواست ملت را متوجه خارج سازد و اتحاد ملی را بوجود بیآورد لذا اعلان نمود که انقلابات مشرقی از طرف دولت انگلستان مشتعل شده است و از ملت دعوت نمود تحت قیادتش جمع شوند • جرائد افغانی آغاز به نشر اخبار سیاسی نموده از نقش اداره جاسوسی انگلستان در اشتعال اغتشاشات مقالات متعددی پچاپ رساندند •
جریده امان افغان در شماره ۱۲ دسپتمبرش نوشت که دولت انگلستان در اغتشاش مشرقی دست دارد و از ملت دعوت نمود تا تحت قیادت پادشاه برای دفاع از وطن متحد شوند • جریده انقلابیون را به اشخاص گمراه مقایسه کرد • برای اولین مرتبه جریده امان افغان نام لورانس را نوشت • (۱۱۰)
کوشش های امان الله خان در داخل و خارج نتیجهٔ مفید برای دولت نداد • دولت انگلستان در مقابل اتهامات دولت افغانستان سکوت نکرد • سفارت انگلستان در کابل طی اصدار اعلامیه ای جریده امان افغان و مدیر مسئول آنرا به همکاری با روسیه متهم ساخت • در بیان آمده بود که جاسوسان روسی میخواهند بین دولت انگلستان و اعلیحضرت امان الله خان دشمنی ایجاد نمایند • (۱۱۱) در مقابل تهدیدات انقلابیون دولت روسیه حاضر به تقدیم مساعدات به دولت افغانستان نشد و فقط سفیر روسیه در دادن مشوره برای پادشاه اکتفاء کرد •
در جریان مذاکرات شیر احمد خان با مخالفین بنتیجه ای مثبت نرسید و همچنان سقوط فرقهٔ نمله در تقویت نفوذ نظامی مخالفین افزود • مخالفین پادشاه شهر جلال آباد را مورد محاصره خود قرار دادند و با بعضی افراد قبیلهٔ مهمند که در شهر بودند داخل مذاکره شدند • درین

وقت سردار محمد عمر خان داخل افغانستان شده و قیادت مخالفین امان الله خان را بدست گرفت ۰ رسیدن سردار محمدعمر و محاصره جلال آباد ازنفوذ دولت کاست ۰ (۱۱۲) انقلابیون داخل شهر جلال آباد شده عمارات دولتی را آتش زده خزانهٔ دولت را چور نمودند و باسقوط جلال آباد دولت سیطرت کامل خود را در مشرقی از دست داد ۰ (۱۱۳) منابع خارجی عدد کشته شدگان انقلابیون را به سه صد نفر راپور میدهند و خسائر دولتی تا حال نامعلوم است ۰ (۱۱٤)

سقوط جلال آباد کابل را تهدید نظامی میکرد ۰ پادشاه برای معالجهٔ امور عسکری مشرقی از علی احمد خان استفاده نموده وی را به جلال آباد فرستاد ۰ علی احمد خان از پادشاه دعوت کرد تا تمام زعمای قبائل مشرقی را از حبس آزاد ساخته ایشانرا مورد نوازش قرار بدهد ۰ پادشاه بدعوت علی احمد خان تمام زندانی های مشرقی را بشمول ـ ملک محمد جان خان ـ خان قبیله خوگیانی آزاد ساخت و ایشانرا استقبال نمود ۰

حضرت محمد صادق مجددی مینویسد که ملک محمد جان خان در زندان وی را از موقف پادشاه اطلاع داده گفت که پادشاه اصلاحات خود را لغو میکند ۰ حضرت مجددی ادامه میدهد که ملک محمد جان خان گفت که امان الله در اقوال و افعال خود منافق است و بمجرد رسیدن به جلال آباد در جهاد علیه امان الله خان ادامه خواهد داد ۰ (۱۱۵)

علی احمد خان در جریان مذاکرات اش با زعمای مشرقی به نتیجه نرسید و سخنان ملک محمد جان خان در زندان برای حضرت صاحب حقیقت داشت ۰ محمد جان خان قبائل را برای ادامهٔ مقاومت دعوت کرد ۰ علی احمد خان چون ملاحظه کرد که پادشاه تأئید مردم مشرقی را از دست داده پس بهتر دانست تا از موقع استفاده کرده برای شخص خود کار کند ۰ همینکه اخبار مغادرت امان الله خان از کابل به جلال آباد رسید علی احمد خان خود را بحیث پادشاه افغانستان اعلان کرد ۰ علی احمد خان موفق به کسب تأئید مردم مشرقی نشد زیرا نه پول داشت و نه ملا ها از وی راضی بودند ۰ (۱۱٦) ۰

مشاورین پادشاه ، پادشاه را مشوره دادند تا از اختلافات بین قبائل تاجک و پشتون استفاده کند و هر دو قبیله را علیه یکدیگر شان در جنگ اندازد ۰ برای این مقصد با حبیب الله بچه سقاو

تماس گرفته شد تا با کمک مالی و نظامی دولت علیه قبائل مشرقی داخل جنگ شود • و همچنان با ـ غوث الدین خان ـ خان قبیله احمد زی مشاورین دولت داخل مذاکره شدند و برای وی پول و اسلحه زیادی فرستادند تا با شنواری ها و حبیب الله بچه سقاو داخل جنگ شود لیکن غوث الدین خان نه با شنواری ها و نه با حبیب الله جنگ کرد بلکه با تمام افرادش با حضرت نورالمشایخ علیه امان الله خان یکجا شد • (۱۱۷)

سیاست پادشاه در علاج موقف جنگی بسیار ضعیف و غیر مسئولانه بود • پادشاه از اصل و جوهر منطق مخالفینش بی اطلاع بود و اصلا نمیدانست که انقلاب در شمال و جنوب و شرق هدف واحد دارد وآن مبارزه برای سقوط سلطنت اش است • پادشاه را مجمعی از مشاورین جاهل و خود خواه و استفاده جو محاصره نموده بودند و احوالاتیکه برای پادشاه میرسید در حقیقت آن شک بود •

پادشاه از اجتماعات علمای اسلامی و زعمای قبائل خصوصا سلیمان خیل و جاجی در دیره اسماعیل خان با حضرت نورالمشایخ اصلا اطلاع نداشت • پادشاه از حلقهٔ سری و مهم در عقب حبیب الله بچهٔ سقاو مانند صاحب زاده عبدالغفور جان و صاحب زاده عبدالله جان که هر دو از خانواده مجددی و بعدا ارکان عالی دولت را در حکومت حبیب الله میساختند بی اطلاع بود •

پادشاه در خاموش کردن آتش انقلابات از اختلافات زبانی و قومی استفاده کرد که این سیاست پادشاه در آینده سیاسی کشور نتائج منفی را بجا گذاشت •

اعلیحضرت امان الله در اثر فشار مخالفین از جمیع اطراف کشور بار دیگر سرنوشت اش را بکف حضرت محمد صادق مجددی گذاشت و از وی معاونت خواست که در صفحات بعدی از مجلس و مذاکراتیکه بین حضرت صاحب محمد صادق مجددی و امان الله در قصر سلطنتی صورت گرفت توضیح خواهیم داد •

امان الله خان با سیاست غیر واقعی اش کابل را بصوب قندهار ترک داد تا از مردم قندهار کمک گرفته مخالفین اش را سرکوب سازد • پادشاه سلطنت را برای برادرش سردار عنایت الله خان سپرد و باید میدانست که خارج شدنش از کابل سقوط دولت وی را سرعت میبخشد •

مغادرت امان الله خان از کابل اسباب فوری سقوط پایتخت را آماده ساخت و حبیب الله بچهٔ سقاو داخل کابل شد •

## انقلاب حبیب الله و سقوط سلطنت اعلیحضرت امان الله خان :

اسباب ذکر شده که باعث انقلابات در جنوب و شرق کشور شد اسباب اشتعال انقلاب را در شمال کشور آماده ساخت ٠ فرق جوهری در انقلاب شمال نسبت به انقلابات دیگر نقاط کشور در آن است که قیادت انقلاب شمال را شخصی بی نام و از قبیله و خانواده ای بسیار فقیر بعهده داشت ٠

تمام مؤرخین که راجع به حبیب الله معروف به بچهٔ سقاو نوشته اند وی را دزد و قطاع الطریق معرفی نموده اند ٠ حبیب الله شخصیت غیر معروف و جاهل بود لیکن توانست از شرائط مناسب در وقت مناسب استفاده درست نماید و همچنان شخصیات بزرگ شمال در فکر استفاده از حبیب الله برای آیندهٔ سیاسی خود بودند لیکن چنانچه در تحت این عنوان ملاحظه خواهیم نمود جریانات شکل دیگری را بخود گرفت و استفاده اصلی را از موقع جهت ثالث نمود ٠ (١١٨)

حبیب الله خان میگوید که : بسیار به پول احتیاج داشتم ، اطلاع یافتم که امان الله خان معاش عساکر را زیاد میسازد فورا نام خود را ثبت قوای نظامی نمودم ٠ (١١٩)

حبیب الله بحیث عضو قوای دولتی در خاموش ساختن انقلاب ١٩٢٤ اشتراک داشت و در بازگشت در جلال آباد اطلاع حاصل کرد که قوماندان عسکری سه تن از دوستانش را زندانی ساخته است ٠ حبیب الله برای نجات دوستان خود کوشید و ایشانرا از زندان خلاص ساخته با ایشان فرار را بر قرار ترجیح داده بطرف ولایتش عودت نمود ٠ (١٢٠)

حبیب الله چنانچه مرحوم انیس در کتاب خود مینویسد تنفنگ دولت را به وزارت دفاع تسلیم داده به کوهدامن بازگشت و از آن تاریخ به بعد در جملهٔ خارجین از قانون شمرده شد ٠

در کوهدامن حبیب الله به ملک محسن که از پولداران کوهدامن بود پیوست و از جمله خاصان وی شد ٠ ملک محسن بواسطهٔ حبیب الله دشمنان خود را میترسانید و حبیب الله در شجاعت بی نظیر بود و همچنان حبیب الله در همکاری با فقراء از سخاوت کار میگرفت و دربین طبقهٔ فقیر شمالی محبوبیت زیادی داشت ٠ (١٢١)

حبیب الله در شمالی با شخصیاتهای با نفوذ آنجا آشنائی داشت و با روحانیون شمالی بعد از زندانی شدن حضرت صاحب شوربازار علاقه ای نزدیک قائم نموده بود خصوصا با حضرت بزرگ جان و صاحب زاده عبدالله مجددی ·

حبیب الله در کوهدامن اسباب مشکلات را برای حکومت بوجود آورد و بی امنیتی در منطقه هر روز زیاد شده میرفت · حکومت جهت استقرار اوضاع امنیتی شمالی علی احمد خان را به شمالی فرستاد · حبیب الله نتیجهٔ فشار علی احمد خان شمالی را بقصد پشاور ترک نمود · بعضی اقوال موجود است که علی احمد خان برای حبیب الله هدایت داد تا به پشاور رفته در آنجا تا روز ضرورت منتظر بماند · (١٢٢)

بعد از یک سال اقامت در پشاور و مزدوری در سماوار حبیب الله دوباره به شمالی بازگشت · در باز گشت ملاحظه نمود که همه مردم و خصوصا ملا ها در بارهٔ امان الله سخن میزنند و امان الله خان را متهم به خروج از اسلام میکنند · حبیب الله در بین مدافعین از اسلام داخل شد و توانست تأئید بعضی از افراد را بدست آورد و با همکاری دوستان خود راه بین شمال و جنوب را مسدود ساخته از کاروان ها مالیات جمع مینمود · (١٢٣) حبیب الله با خلیفه صاحب کلکان که از جمله خلفای با نفوذ حضرت شمس المشایخ بود نزدیک شد و وعده داد که در انتقام از زندانی شدن حضرت صاحب محمد صادق مجددی دست بردار نیست ·

حبیب الله در شمالی برای دولت خطر واقعی گشت و حاکم کوهدامن آقای شیر جان از حبیب الله حمایت مطلق داشت · حکومت کابل اعلان کرد که اگر حبیب الله خود را تسلیم کند مورد عفو دولت واقع میشود · حبیب الله موافقت کرد که خود را تسلیم کند لیکن سید احمد خان در تحقیقات محاکمه اش می نویسد که :

یکروز در گلخانه برای چیزی کار ضرابخانه آمده بودم وقت نان بود سردار محمد عثمانخان مرحوم پهلوی او نشسته با او بیان میکرد که ( چند مرتبه برای محمد ولی خان پیغام کردم که شما با من عهد کنید من آمده توبه میکنم و بمن اطمینان بدهید · نامبرده پیغام فرستاد که اگر من بشما عهد کنم عهد شکن میشوم امان الله خان شما را میکشد و من بد عهد میشوم بعد از آن من هم در پی کار خود کوشیده سر رشته جمع آوری را نمودم ) همین قدر از روی حق و

راستی خبر داشتم عرض کردم ١٦ برج دلو سنه ١٣٠٨ ) ( ١٢٤ ) • حبیب الله خان موقف محمد ولی خان را نسبت به خود همیشه تقدیر میکرد و طی فرمانی از روش محمد ولی خان اینطور تقدیر کرد :

محمد ولی خان هر قدر عسکر و نفر که بخواهد داده شود !

فرمان نمبر ٤١٨ ، ٢٣ شعبان ١٣٤٨

عالیجاه عزت همراه محمد محسن خان والی و عزتمند سید آقا خان قوماندان ، صداقت همراه محمد ولیخان وکیل سابقه امان الله را از حضور اجازه داده شد که بخانهٔ خود برود لذا شما را امر است که به مصلحت خود نامبرده هر قدر نفری که برای پیهره و حفاظت مالی و جانی خود بخواهد برایش مقرر کرده به نفری خود امر حضور را بفهمانید که در تحت اثر خود وکیل بوده به مال و هستی و خود او تکلیفی نرسانند و محض برای حفاظت خانهٔ او باشند که از دیگر طرف هم مزاحمتی به آنها نشود تا به آسوده حالی با عائله خود باشند •

محل امضای شیر جان ، مهر حبیب الله • ثبت صحیفه ١١ فرامین دورهٔ حبیب الله خان • ( ١٢٥ )

محمد سمیع خان قوماندان پولیس در راپور خود می نویسد که : می خواستم که در کوهدامن چند روز دیگری در دستگیری بچه سقو اقدامات کنم درین اثناء شخصی برایم اطلاع داد که بچهٔ سقو در قلعه مراد بیک بجای محمد ولی خان وکیل است در آنوقت بدرستی گمان کرده نتوانستم که این چنین دزد جانی بجای وکیل پادشاه آمده بتواند ! ( ١٢٦ )

رئیس تنظیمیه سمت شمالی احمد علی خان در خلال تحقیقات محاکمه اظهار نمود که : نسبت به سؤالات ریاست محترم دیوان عالی که در بعض جایها از جانب محمد ولی خان به جوابیه دیوان عالی ایمائی به بنده هم نموده اند • قرار آتی توضیحات میدهم : -

دو مرتبه در زمان تشریف فرمائی اعلیحضرت امان الله خان باروپا پسر سقا نزد موصوف آمد از کردار خود اظهار ندامت کرد تائب میشد از جانب وکیل مذکور قبول نشده خواهش وی رد • و نامبرده را از بد عهدی اعلیحضرت ممدوح خائف ساخته قبول توبهٔ مذکور را از جانب اعلیحضرت از باعث اینکه اعتماد بقول اعلیحضرت ندارم رد کرده است • ( ١٢٧ )

تأئید از جانب بعضی رجال دولت از حرکت حبیب الله خان و حمایت بزرگان منطقهٔ شمالی

از حبیب الله خان و همکاری نظامی بین حاکم اعلی کوهدامن شیر جان با حبیب الله خان سبب شد که حبیب الله شخصیت قوی در شمالی گردیده دولت را از جهت شمال مورد تهدید قرار دهد • سقوط جلال آباد در شرق مملکت پادشاه را زیادتر متوجه شرق کشور ساخت و تصور نمیکرد که خطر حقیقی در شمال است لهذا پادشاه متوجه دفع خطر از جانب شرق شده خواست با مخالفین شمال از طریق مصالحه حل مشکلات کند و از حبیب الله خان استفاده کرده وی را با گروپ اش برای مقابله مخالفین مشرقی بفرستد تا توانسته باشد در یک وقت از قوت هر دو جانب خلاصی حاصل کند •

اعلیحضرت امان الله خان احمد علی خان را که شخص با اعتماد بود بصفت رئیس تنظیمیهٔ شمالی مقرر کرده و هدایت داد که موضوع را از راه مفاهمه و صلح حل کند و کوشش کند تعدادی از مردم شمالی را برای خدمت عسکری جلب نماید • (١٢٨)

احمد علی خان در ٥ دسمبر ١٩٢٨ کابل را بقصد شمالی ترک کرده در طول راه با جماعت مسلح تصادم نمود که طرفین ١٤ کشته بجا گذاشتند و در تحقیقات معلوم شد که مهاجمین از افراد حاکم اعلی کوهدامن شیر جان بود • احمد علی خان در جبل السراج اقامت اختیار نمود و برای اظهار حسن نیت دولت تمام بندی های شمالی را از زندان خارج ساخت که ملک محسن در بین شان بود • (١٢٩) لیکن تمام زندانیان مثل سابق به دور حبیب الله خان جمع شدند •

احمد علی خان اظهار میکند که : از بزرگان اقوام شمالی دعوت نمود تا جهت مذاکره به جبل السراج حاضر شوند و تخمین دو هزار نفر بجبل السراج حاضر و دو روز و یک شب از جمعیت مذکور پذیرائی و مهمانداری نموده هر جمعیت را علیحده طلب کرده از وشان استمالت و دلاسائی نمودم و باز بروز دربار عمومی آنچه لازمه ادای حق نمک خوارگی و خدمتگاری بوده کرده جمعیت کلان شونده ها بدادن شش هزار نفر اقرار و ذمه وار امنیت شدند ، سه هزار و پنجصد نفر را از علاقهٔ کوهستان ودو آب و سالنگ و غوربند فوری جلب و داخل عسکری کرده بغرض سرکوبی شنواری ها که مسئله آنها هم در عین زمان خیلی شدت کرده بود ، یک ماهه معاش داده بمرکز اعزام نمودم • کلان شونده های کوهدامن را وادار نمودم که از شروط سه گانه

یک شرط آنرا قبول بدارند : ـ

اول ـ پسر سقاء و رفقای مذکور را که قابل قتل و اسباب فتنه میدانند قتل کرده یک لک روپیه انعام حاصل دارند ٠

دوم ـ اگر امکان قتل نباشد جمعیت مذکور را از بین خود ها خارج کنند ٠

سوم ـ اگر خارج کردن هم غیر ممکن باشد او شان را به ضمانت خود به حکومت حواله بدارند٠

خوانین مذکور به تمام جدیت اقدام کرده شرط اول و دوم امکان پذیر نشد شرط سوم را در عرض اجراء آورده از جانب اشرار چند شروط نسبت بتائب شدن آنها بریاست تقدیم شد نسبت باقتضای وقت و اینکه جمعیت شکستی ما از نمله بشمالی رسید و من تمام وضعیت شمالی را یوما فیوما بذریه تیلفون بحضور اعلیحضرت امان الله خان شرحدار عرض کرده و عریضه مفصل دیگر بحضور شان تقدیم نمودم که شروط جمعیت اشرار را به مجلس وزراء رویت داده از نتیجه بمن امر فرمایند ٠

شروط اشرار را جمعیت وزراء قبول کرده بعد بنده بآنها در باغ عارق کوهدامن در قلعهٔ جناب حاجی میراز محمود خان داخل مذاکره شده بقرآن عظیم الشان ، از نزد تمام جمعیت هفتصد نفر مسلح وعدهٔ قرآنی گرفته بقرآن بآنها وعده داده هر دو جلد قرآن را بحضور فرستادم روز دوم که زیارت قرآن را بواسطه ریئس صاحب حاضره شورا ، اعلیحضرت امان الله خان نایل شدند شخصیکه اعلیحضرت را از امضای قرآن مانع نمودند همین شخص محمد ولی خان وکیل بود ٠

( ۱۳۰ )

مذاکرات احمد علی خان در باغ عارق با حبیب الله خان کاملا بنفع حبیب الله خان انجامید زیرا حبیب الله از نظر سیاسی و اجتماعی با نمایندهٔ پاشاه در یک میز حق جلوس یافت و با پادشاه معاهده بامضاء رسانید ٠ عدم قبول پادشاه به پیشنهادات مخالفین در شمال اسباب ضعف مرکز ریئس تنظیمیه احمد علی خان را بار آورد و مخالفین دانستند که مذاکره با نماینده پادشاه مثمر نیست ٠ حبیب الله از طریق حاکم اعلی کوهدامن شیر جان که شخص اول در تنظیم شمالی بود از تمام جریانات اطلاع حاصل میکرد و معلومات داشت که دولت در حقیقت

از وی چه میخواهد • احمد علی خان نمیدانست که بزرگان شمالی از قوت حبیب الله ترس دارند و یقین دارند که دولت قادر به حمایت شان در مقابل انتقام افراد حبیب الله نیست • بدین لحاظ هر چه در اجتماع جبل السراج وعده داده بودند بی اساس بود و باید احمد علی خان موقف حقیقی مردم شمالی را درک میکرد و ضمانت مال و جان شانرا در مقابل حملات افراد حبیب الله خان میکرد در حالیکه مردم میدانستند که احمد علی خان قادر باین کار نیست •
حبیب الله خان در موضوع ثبت نام سه هزار نفر برای عسکری که احمد علی خان برای پادشاه اطلاع داد مینویسد که : من برای مردم گفتم که داخل عسکری شده به کابل بروند و بعد از دریافت اسلحه از وزارت حربیه دوباره به شمالی برگردند• ما بدین ترتیب اسلحهٔ زیادی بدست آوردیم • (۱۳۱)
احمد علی خان در راپور سری اش برای پادشاه حقائق را واضح بیان کرد و نوشت که در شمالی زعمای اسلامی و ملاها اعمال حکومت را غیر اسلامی میدانند و اضافه نمود که مردم شمالی حاضر نیستند برای جنگ با مردم مشرقی سفر کنند زیرا ملاها فتوی داده اند که هر کس با دولت همکاری کند مرتد و مالش چور و قتلش واجب اسلامی است • (۱۳۲)
در اثر فشار اغتشاشات در انحای مملکت اعلیحضرت امان الله خان برای احمد علی خان امر نمود تا با حبیب الله نشسته به موافقت برسد • احمد علی خان مینویسد که توسط قاضی غلام حضرت خان برای حبیب الله پیام فرستاده از وی دعوت نمودم تا برای مذاکره حاضر شود •
حبیب الله موافقت اش را برای مذاکره اعلان کرد لیکن شرط گذاشت که احمد علی خان به تنهائی و بدون عسکر برای مذاکره بیآید و احمد علی خان موافقه نمود • (۱۳۳)
مذاکره بین طرفین صورت گرفت و یک نوع اتفاق بامضاء رسید ، احمد علی خان پادشاه را در جریان گذاشت • (۱۳٤)
در اتفاقیه آمده بود که حبیب الله اوامر حکومت را اطاعت میکند و در مقابل حکومت عفو عمومی را اعلان کرده و حبیب الله و سید حسین را رتبه غوند مشری میدهد و سالانه مبلغ سه هزار روپیه برای حبیب الله و سه هزار برای سید حسین و مبلغ سه صد وشست روپیه برای افراد مسلح مربوط حبیب الله بشکل معاش داده میشود • (۱۳۵)

از عجائب زمان تمام مناقشات مجلس وزراء برای حبیب الله خان میرسید و چنانچه احمد علی خان میگوید حبیب الله برایش احوال داد که مجلس وزراء نص اتفاقیه امضاء شده در قرآن کریم را قبول نکرد ۰ احمد علی خان محمد ولی خان متهم در موضوع میسازد ۰ ( ۱۳٦ )

محمد ولی خان در دفاعیهٔ خود از موقف شخصی اش در مجلس وزراء می نویسد که : بلی من هیچ طرفدار قرآن کردن پادشاه با یک دزد نبودم من بحضور شان عرض کردم که شما عهد قرآن با یک دزد نکنید برای احمد علیخان اختیار بدهید که با او قرآن کند و خود او را بکابل بفرستد و من مطلق طرف دار تفنگ دادن آنها هم نه بودم زیرا همین صد تفنگ که اعلیحضرت بآن ها دادند باعث قوت آنها شده و قوه های کم دیگری که در کوهدامن بود همه را خلع اسلحه کرده بکابل آمدند اگر این تفنگ ها از حضور اعلیحضرت باو داده نمیشد هیچ وقت این قدر قوه پیدا نمیکرد که بکابل حمله میکرد ۰

محمد ولی خان در دفاعیه خود رد کرد که هیچ نوع همکاری با حبیب الله خان نداشت و گفت که : این حرف مثل دیگر افواهات است من مطلق نه تفنگ فرستادم ام و نه کارتوس و نه معاونت باو کرده ام ۰

در موضوعیکه چرا محمد ولی خان با امیر عنایت الله خان از کابل توسط طیاره خارج نشد محمد ولی خان می نویسد که : ماندنِ من به این سبب بود که من با جناب حضرت صاحب و سردار محمد عثمان خان مرحوم گفتم که اگر ممکن باشد عائله من را هم با من بفرستید آنها گفتند که حال موقع آن نیست شما خود هم مریض هستید دو روز صبر کنید اگر شما را با عائله رخصت گرفته توانستیم خوب و الا خود شما بهر صورت میتوانید که بروید زیرا رخصت شما گرفته شده و به قرآن عهد با شما کرده اند و این ها بنام دین حکومت را گرفته اند و بهیچ صورت خلاف عهد و پیمان خود نمی کند شما خاطر جمع باشید که هر گونه معاملات شما را ما متصدی هستیم فقط چهار روز و یا سه روز معطل کنید اگر عائلهٔ شما را هم توانستیم که رخصت گرفته با شما بروند خوب و اگر نتوانستیم خود شما ضرور میتوانید بروید زیرا که با شما عهد قرآن کرده اند اگر تمام این ها برباد هم شوند از عهد و پیمان خود نمی گذرند ۰

من روی خود را بطرف حضرت صاحب کرده گفتم حضرت صاحب بعهد و پیمان اینها من قدری

اعتماد ندارم ممکن است که کدام فتنه در حق من بکنند حضرت صاحب قدری برآشفته شده بمن گفت شما چرا سودا میکنید من ذمه وار شما هستم همان قرآن مبارک هم در دست او بود و قسم یاد کردند که اگر شما را چیزی اذیت بخواهند که برسانند ویا شما را نگذارند که بروید اول گلهٔ تفنگ آنها بر سینه من خواهد بود بعد هر چه که با شما بکنند ۰ (۱۳۷)

امان الله خان نظر به مشوره مجلس وزراء به قرآن امضاء نکرده برای احمد علی خان هدایت داد که از طرف خود امضاء کند ۰ پادشاه برای وزیر حربیه عبدالعزیز خان امر کرد که چون حبیب الله خان برای حکومت تسلیم شده و حاضر به خدمت عسکری گردیده برایش صد میل تفنگ و ذخیره توسط احمد علی خان بفرستید ۰ همچنان پادشاه بوزیر مالیه امر کرد که سه هزار روپیه برای حبیب الله وسه هزار روپیه برای سید حسین و سی روپیه برای هر فرد از افراد حبیب الله بقسم معاش از بودجهٔ کوهدامن بدهند ۰ ( ۱۳۸)

بعد از معاهدات با حکومت حبیب الله شخصیت قانونی حاصل کرد و هر روز تعدادی از جوانان را بخود یکجا میساخت و میگفت که در جنگ مشرقی اشتراک میکنند ۰ لیکن بعد از مدت کوتاه حبیب الله اعلان کرد که علیه دولت امان الله خان داخل جنگ میشود ۰ قصه ای غیر مستند موجود است که امان الله خان برای احمد علی خان تیلفونی امر کرد که حبیب الله را دستگیر و بکابل بفرستد و حبیب الله صدای پادشاه را شنیده آغاز جنگ با دولت امان الله خان نمود ۰ ( ۱۳۹)

اگر چه دلیل تاریخی برای اثبات اقوال حبیب الله در موضوع تلیفون اعلیحضرت امان الله خان به احمد علی خان موجود نیست با آن هم اکثر مؤرخینی که انقلابات را در عهد امان الله تحقیق نموده اند از آن ذکر نموده اند ۰ در غیاب نص تاریخی و وثیقهٔ تاریخی حکم مطلق در موضوع کار ساده نیست و ممکن حبیب الله و طرفدارانش تیلفون امان الله خان را جهت تبلیغات بنشر میرساندند تا مردم مخالفت حبیب الله را با معاهداتش با امان الله خان خلاف عهد و پیمان وی تعبییر نکنند ۰

## آغاز جنگ مسلح :

در ۹ دسمبر ۱۹۲۸ حبیب الله خان جنگ مقدس را علیه حکومت امان الله خان اعلان کرد و در همان روز حکومت کوهدامن را بدست گرفته حاکم جدید از طرف خود تعیین نمود ۰ از مرکز کوهدامن حبیب الله خان مردم را به همکاری افرادش دعوت نمود و اضافه کرد که جنگ جهت دفاع از اسلام و عقیدهٔ اسلامی آغاز یافت ۰ (۱٤۰) لیکن حبیب الله خود را بحیث پادشاه معرفی نکرد ۰

در جبل السراج سید حسین بالای قوای دولتی حمله نموده ۹۰۰ عسکر به قوای حبیب الله تسلیم شدند و تعدادی از ایشان با قوای حبیب الله همکاری نمودند ۰ (۱٤۱) در بین دستگیر شدگان احمد علی خان بود ۰ سید حسین احمد علی خان را بخواهش ملا محمد صادق آزاد ساخت ۰ احمد علی خان برای پادشاه تمام اخبار را نقل داده دولت را برای استفاده از قوای هوائی مشوره داد لیکن چنانچه احمد علی خان مینویسد کسی به مشوره اش اهمیت نداد ۰ (۱٤۲)

حبیب الله بسرعت بطرف کابل در حرکت بود و در ۱۳ دسمبر ۱۹۲۸ به سرحدات کابل رسید و در شمال سفارت انگلستان مرکز نظامی اش را مستقر ساخت ۰ دولت از پیشرفت سریع قوای حبیب الله اطلاع حاصل نکرد ۰ (۱٤۳)

حبیب الله چون مقاومت را در مقابل پیشروی اش احساس نکرد و دانست که در دستگاه دولتی بی نظمی موجود است و دولت وقت و چانس تقویت قوای پایتخت را ندارد بطرف کابل به پیشروی ادامه داد ۰ وزارت دفاع توانست ۸۰ نفر را در مقابل قوای حبیب الله سوق بدهد که همه فورا تسلیم حبیب الله شدند و عساکر حبیب الله داخل خیابانهای کابل گردیدند ۰ شاگردان مدارس عسکری به مقابله پرداخته موفق شدند قوای حبیب الله را از شهر کابل خارج سازند ۰ (۱٤٤)

روز ۱٤ دسمبر برای حکومت روز غیر قابل انتظار بود ۰ مجلس وزرا بریاست پادشاه جلسه نمود

و فیصله شد هر شخصیکه حاضر به دفاع از کابل باشد وزارت حربیه برایش اسلحه بدهد ·
تعدادی از رضاکاران از جنوبی رسیدند وزارت حربیه ایشانرا را مسلح نموده برای دفاع از شهر
توضیع نمود لیکن رضا کاران را هدف واحد جمع نمی ساخت بر عکس در نتیجهٔ نظامی فکر
میکردند تا در صورت شکست یکی از اطراف داخل در جنگ در چور و چپاول آغاز کنند
وزارت دفاع فورا قوای جدید به تعقیب حبیب الله نفرستاد و حبیب الله وقت یافت تا قوایش را
منظم ساخته برای حمله جدید آمادگی بگیرد ·

در ۱۵ دسمبر بین قوای حبیب الله و قوای امان الله خان جنگی شدیدی رخ داد · سفارت
انگلستان بین هر دو قوا قرار داشت و هر دو طرف کوشش داشتند تا به عمارت سفارت صدمه
نرسد لیکن بعضی دیوار های سفارت منهدم شد و منزل سکرتیر نظامی سفارت در اثر آتش
سوزی سوخت · (۱٤۵)

حبیب الله نمایندهٔ خود را بسفارت انگلستان فرستاده از انهدام دیوار های سفارت و سوختن
منزل سکرتیر نظامی سفارت معذرت خواست و برای سفیر اطمینان داد که طرفداران حبیب الله
هیچ نوع عداوت با انگلستان ندارند ·

جنگ بین طرفین سه روز دوام کرد · حبیب الله در جریان جنگ زخم برداشت و قرار معلوماتیکه
مرحوم استاد خلیل الله خان داد سفارت انگلستان در علاج حبیب الله خان همکاری نمود ·
خلیلی اضافه کرد که حبیب الله میگفت خلیل خان مرا ملائکه که لباسهای سفید داشتند
معالجه میکردند و کوشش کردم زبان شان را بدانم ندانستم · (۱٤٦)

زخمی شدن حبیب الله و شکست قوایش در منطقهٔ قلعهٔ مرادبیک فرصت مناسب برای امان الله
خان بود تا در پیش قدمی ادامه میداد · محمد ولی خان و جنرال محمود سامی پیشرفت را
تأئید نکرده برای پادشاه پیشنهاد نمودند که باید عساکر از سرحدات شهر کابل دور ساخته
نشود · محمود سامی چنانچه در باره اش میگویند نسبت به امان الله خان مخلص نبود و با
حبیب الله تماس داشت و وعده داده بود که عساکر قول اردو با حبیب الله خان مقاومت نخواهند
کرد · (۱٤۷)

محمد رجب ضابط و محمد رحیم ضابط اعتراف کردند که جنرال محمود سامی وقتیکه اسلحه را

برای عساکر توزیع میکرد میگفت که با حبیب الله خادم دین رسول الله جنگ نکنید و با امان الله خان که کافر است جنگ کنید • (۱٤۸)
قسمیکه ملاحظه شد دوستان و ارکان عالی دولت از امان الله خان در کابل حمایت نکردند بر عکس در اضعاف سلطنت وی با مخالفین یا مستقیما همکاری نمودند یا اینکه بقسم بیطرف در قضیه باقی مانده اوضاع را از دور مشاهده کردند و منتظر نتیجه ماندند •
مامورین عالیرتبه و صاحب منصبان عسکری در ولایات مانند مامورین عالی در کابل در پی علاج نبودند بلکه در خفا با مخالفین همکاری داشتند مثلا قوماندان عسکری ولایت بلخ غوند مشر ـ عبدالرحیم خان ـ را پادشاه امر نمود تا از عقب جبهه بالای قوای حبیب الله حمله کند عبدالرحیم خان از بلخ حرکت کرد لیکن بمجرد رسیدن به منطقهٔ جنگ با حبیب الله متحد شده و از جمله قوماندانان قوای حبیب الله گردید • حبیب الله خان نامبرده را به پاس خدماتش بحیث والی هرات مقرر کرد •
در جنوب کشور قوای نظامی بزرگی بقیادت جنرال صاحب زاده غلام صدیق خان قرار داشت • پادشاه جنرال غلام صدیق خان را امر نمود تا با قوایش به کابل بیاید لیکن جنرال غلام صدیق خان تأئید خود را از حرکت حبیب الله اعلان نموده به اوامر پادشاه اهمیت نداد • موضوع غلام صدیق خان را با پسرش جناب پوهاند دکتور فاضل خان در جریان گذاشته طالب معلومات شدم جناب شان جواب دادند که برادران جنرال صاحب زاده غلام صدیق خان ، شیر جان خان رئیس تشریفات حکومت حبیب الله خان و مرحوم عطاء الحق خان وزیر خارجه حکومت حبیب الله خان از برادر خود دعوت نمودند که با قوای حبیب الله خان مخالفت نکند و برای حبیب الله خان بیعت ارسال نماید تا حبیب الله ایشانرا نکشد • (۱٤۹)
دو سبب دیگر را میتوان در عدم اطاعت جنرال غلام صدیق خان از اوامر پادشاه دانست • اول اینکه غلام صدیق خان بسیار شخص متدین و اسلام دوست بود و اصلاحات امان الله خان را خلاف اسلام میدانست • اسباب دینی باعث شد تا غلام صدیق خان از حبیب الله که بنام دفاع از اسلام قیام نموده بود حمایت کند •• دوم اینکه غلام صدیق خان از کوهدامن بود و تمام خانواده اش با حبیب الله خان بودند و حلقهٔ اول حبیب الله را تشکیل میدادند و پلان بزرگتر در

آیندهٔ سیاسی کشور داشتند که اگر شرائط سیاسی برای مدت طولانی بنفع حکومت حبیب الله میبود ممکن بود گروپ شیر جان خان زمام امور را بدست میگرفت • برای جنرال غلا صدیق خان مشکل بود با قوم و برادران و اهل قریه اش بخاطر حکومت در حال سقوط امان الله خان داخل جنگ شود •

از جانب سیاست خارجی سفیر انکلستان در کابل با استفاده از شرائط مناسب و ضعیف نمودن امان الله خان اعلامیه ای بنشر سپرده و توسط طیارات سفارت آنرا در تمام نقاط افغانستان توزیع نمود در اعلامیه سفارت انکلستان آمده بود که :

ملت دوست و غیور متدین افغانستان

خوب میدانید که بریطانیه از زمان قدیم دوست و بهی خواه ملت و ملک افغانستان است و همواره ترقی و تعالی ملت و ملک افغانستان را به نظر استحسان و بهبودی جانبین ملاحظه کرده است و هیچ اراده ندارد که تا وقتیکه سفارت خانهٔ بریطانیه در کابل و قونسلگری های جلال آباد و قندهار که حفاظت و احترام جمله سفارت ها از احادیث معتبره و قوانین محترمهٔ اسلامی و رواج بین الملل ثابت است مامون باشند در امور و شورش داخلی شما مداخلت نماید اما اگر به مامورین و عمارات و قونسلگری های سفارت خانهٔ بریطانیه از طرف اعضائی شما ملت تجاوزات بعمل آورده شود خاطر نشان کرده می شود که در آن صورت حکومت بریطانیه مکمل ترین انتقام هر قسم نقصان نسبت به مامورین و اموال سفارت خانه و قنسلگری های خود را خواهد گرفت • (۱۵۰)

در نتیجه اعلانات سفارت انکلستان اکثر تبعهٔ خارجی که در کابل بودند بسفارت های خود رفتند و آماده خارج شدن از افغانستان بودند •

اعلامیه سفارت انکلستان در کابل مداخلهٔ علنی در شئون داخلی افغانستان بود و برای دولت امان الله خان ضربت قوی به حساب میآمد • حکومت امان الله خان با اینکه در موقف بسیار ضعیف قرار داشت و از هر طرف توسط قوای مخالفین محاصره بود در مقابل اعلامیه سفارت

انگلستان سکوت نکرد • وزیر خارجه امان الله خان آقای غلام صدیق خان سفیر انگلستان را در عمارت وزارت خارجه احضار نموده احتجاج شدید افغانستان را نسبت نشر اعلامیه و توزیع آن بدون اجازه دولت افغانستان بوی سپرد •

سفارت انگلستان در جواب احتجاج حکومت افغانستان تعداد زیادی از خارجی ها و اعضای دپلوماسی مقیم کابل را توسط طیارات سفارت به خارج انتقال داد و در مدت کوتا ۵۸۵ نفر از اعضای سفارت فرانسه ، المان ، ایتالیه ، ترکیه و ایران را از افغانستان خارج ساخت که مغادرت اعضای دپلوماسی به ضرر حکومت امان الله خان انجامید و دولت افغانستان اعتبار سیاسی اش را در اجتماع بین المللی از دست داد • متأسفانه در بین دپلوماتهائی که افغانستان را ترک نمودند سفیر و اعضای عالیرتبه سفارت انگلستان نبود •

در میدان نظامی فشار بالای کابل زیادتر شد علی احمد خان از مشرقی بطرف کابل حرکت نکرد و چنانچه اشاره شد برای خود داخل فعالیت سیاسی شد • پادشاه خواست تا تأئید ساکنان شهر کابل را بدست آورد • امان الله خان ساعت ۱۲ ظهر ماه قوس از ارگ پیاده برآمده در باغ عمومی بین یک جمع بزرگ نطق مفصل ایراد نمود که آقای انیس آنرا اینطور نقل نموده :

بعد از حصول استقلال یگانه آرزوی من معرفی کردن افغانستان در عالم بود • ولی این اغتشاش ما را در نزد عالم میشرماند • آیا برای استقرار امنیت از کجا آدم بیاریم • باید بهر حال امنیت را در ملک خود قائم سازیم • پس اسلحه را که گرفته اید برای همین مقصد استعمال کنید • چرا برای خدمت امنیت در میدان نه برآمده خدمت نمیکنید • من بی حجابی را جبرا اعلان نکرده ام ، بعد از این بعسکر اعتنا خواهم کرد •

نفری از بین مردم بعد از ایراد یک تمهید مختصر شکایت متعددی از کارداران نموده مخصوصا وزیر دربار را تنقید نمود که مانع رسیدن صدای رعیت بشما میشود • (۱۵۱)

پادشاه یک قدم دیگر برای اثبات اسلامیت و رضایت ملت خصوصا مخالفین برداشت وآن اینکه حضرت صاحب شوربازار محمد صادق مجددی را از زندان آزاد ساخت و از وی در موضوع حل قضیه افغانستان کمک طلبید •

در قدم دوم پادشاه جهت اطمینان مردم اعلامیه تاریخی اش را به چاپ رسانید و توسط طیاره ها

به تمام نقاط کشور توزیع نمود نقطه ای قابل ملاحظه در اعلامیه امان الله خان در آنست که حضرت صاحب محمد صادق مجددی نیز در اخیر اعلامیه امان الله خان امضاء نموده ۰ (۱۵۲) اعلامیه امان الله خان از نظر تاریخ معاصر افغانستان دارای اهمیت خاص میباشد و خوشبختانه اصل آنرا دارم که در نهایت این تحقیق ضمن وثائق عصر اعلیحضرت امان الله خان بنشر خواهم سپرد ۰ اعلامیه پادشاه دارای مقدمه و ۱۸ فقره میباشد ۰ در مقدمه آمده که :

( بر خاطر صداقت مظاهر رعایای عزیزم پوشیده مباد که اولا بتحریک سر انگشت دشمنان داخلی و خارجی ، بعضی از قبائل سمت مشرقی تحت تأثیرات مخالفین این ملک و ملت نا دانسته در آمده و بر علیه حکومت متبوعهٔ خود عصیان ورزیده در نتیجه ضد بیجا و بی سبب باموال و عمارات حکومتی در بعض حصه های سمت مشرقی ، و باسباب و سامانیکه درآن موجود بود خسارت رسانیده اند ، یا در جنگ اشتراک کرده اند ۰
چون من خوب میدانم که اینحرکات فقط بسبب تحریکات مخالفین نا دانسته و نا خواسته سر زده است ، لهذا من هیچکسی را برای این حرکت اراده جزاء دادن ندارم ، و عفو نموده ام ، یک اولاد هر قدر ابراز نادانی بکند ولی پدر هیچگاه آنها را بنظر دشمن و مخالف ندیده ، و از خود جدا نمی کند ، همچنین واقعات آنجائی نسبت بتلف اموال و سامان را من بهمین نظر دیده و بشما اطلاع میدهم که شما نا دانسته بدینصورت موجب تقویت اشرار می گردید بعد ازین دست ازینطور حرکاتی که مخل امنیت و اهالی شهر ها و محلات خود تان می شود بکشید تا هم خلق خدا آسوده و هم شما بموجب این عفو نامه از خواست حکومت فارغ گردید ۰
دوم : در باب بعض افواهات و شایعات که نسبت بحرکات من و خلاف بودن آنها بشرع شریف در بعض حصص سمت مشرقی انتشار یافته است و مخالفین صاحب غرض آنرا مستمسک خود ها قرار داده موجب شکستن اتفاق این ملت و حکومت گردیده اند من محض برای دوباره بهم آوردن این اتفاق که روح و روان و حیات مملکت شمرده میشود ، بعض مطالب را که حسب مسموع اسباب هیجان گردیده بود ، اصلاح نموده ، هر چند مطالب مذکور در جرگه ها از طرف عموم وکلای افغانستان پیشنهاد یا قبول شده بود ، اما چون امروز موجب آزردگی و هیجان

گردیده است من هر فقره را بصورتی که در ذیل این اعلان می بینید اصلاح نموده ام ، اگر علاوه برین مواد دیگری باشد آنها را هم مجلس اعیانی که در فقره (۲) ذکر شده مذاکره و اصلاح خواهد نمود •

## فقره های اعلامیه

۱ ـ راجع به احترام حضرت سرور کائنات صلی اللهه علیه و سلم •

۲ ـ تشکیل مجلس اعیان •

۳ ـ تقرر مدعی العموم •

٤ ـ پس خواسته شدن محصلات افغانی که به ترکیه رفته اند •

۵ ـ علمای دیوبند میتوانند مثل سایر علما به افغانستان وارد شوند •

٦ ـ دقت مخصوص در جلو گیری از رشوت ستانی •

۷ ـ در مسئله ستر برهنه کردن دست و روی منع است • و هکذا خانم ها چنانکه تا حالا نکرده اند موی شانرا قطع نکنند •

۸ ـ شرط شهادت نامه تدریس برداشته شد •

۹ ـ اخذ توزیع تذکره موقوف و بصورت قومی باشد •

۱۰ ـ سختی جزای شراب نوشی •

۱۱ ـ در هر حکومتی تقرر یک محتسب •

۱۲ ـ تبدیل تعطیل هفته گی از پنجشنبه به جمعه •

۱۳ ـ پوشیدن برقع چین دار را هر زن میتواند و لباس اروپائی نباید پوشید •

۱٤ ـ شرط پیری و مریدی از نظامیها لغو شد •

۱۵ ـ محصلین ازدواج میتوانند •

۱٦ ـ مکتب مستورات تا مجلس وکلا و اعیان معطل شد ، همچنان ریاست حمایت نسوان •

۱۷ ـ هر کس قرض میتوان گرفت •

۱۸ ـ قید طرزلباس به عموم نیست لباس جائز شرعی را هر کس میتواند پوشید •

یوم پنجشنبه ۲۸ شهر رجب المرجب سنه ۱۳٤۷ هجری قمری • تاریخ اعلامیه را حضرت صاحب شوربازار محمد صادق مجددی در آخر وثیقه یا اعلان دولتی بقلم خود اضافه نموده اند • (۱۵۳)

لیکن معلوم شد که اعلامیهٔ پادشاه در وقت غیر مناسب بنشر رسید و اوضاع عسکری و سیاسی در مملکت کاملا علیه پادشاه بود و مردم وقت مطالعهٔ اعلان دولت را نداشتند • اعلان امان الله خان تأثیر قابل ملاحظه ای نکرد لهذا پادشاه یک قدم دیگر جهت حل امور کشور و نجات سلطنت برداشت •

پادشاه وزیر دربار خود را به شوربازار فرستاده از حضرت محمد صادق مجددی دعوت کرد تا در مجلس وزراء برای دادن مشوره حاضر شوند و حضرت صاحب دعوت را قبول نموده به ارگ رفت • (۱۵٤)

حضرت صاحب می نویسد که در ارگ همه پریشان بودند و در داخل اطاق مجلس وزراء پادشاه و وزراء نشسته بودند و همه ساکت بوده کسی حرف نمیزد • در جریان مجلس حاضرین برای حضرت صاحب گفتند که چه باید کرد تا مملکت را نجات داد ؟ حضرت صاحب پیشنهادات ذیل را برای مجلس تقدیم نمود :

۱ ـ پادشاه از ارگ خارج شده در میدان جنگ شخصا قیادت قوای دولتی را بعهده گیرند • چون عساکر پادشاه را در بین خود ببینند در معنویات شان افزوده شده مردانه جنگ میکنند •

۲ ـ پادشاه خزانه دولت را باز کرده برای عساکر پول طلا توزیع کند •

۳ ـ پادشاه محاکمه عالی تشکیل بدهد و تمام وزراء و کبار رجال دولت را محاکمه نماید زیرا در حقیقت همه شان مسئول اوضاع موجوده مملکت اند •

مجلس وزراء پیشنهادات فوق را مطالعه و رد نمود و طالب حل دیگر شدند• حضرت صاحب حل اخیر را اینطور پیشنهاد کرد : پادشاه استعفاء کند و برای ملت وقت بدهد تا مشکلات شانرا خود شان حل کنند • حضرت صاحب در نوشتهٔ خود اضافه میکند که برای وزراء گفتم خدا حافظ شما و بخانه خود مراجعت نمودم •

پادشاه فورا جنرال محمود سامی را تقاعد داد لیکن نتوانست قضیه مملکت را حل کنددر نهایت تصمیم گرفت از کابل خارج شود ۰ (۱۵۵)

پادشاه در ۲٤ جدی ، ۱٤ جنوری ۱۹۲۹ با افراد خانواده اش به سواری موتر کابل را بقصد قندهار ترک نمود ۰ ساعت ۱۰ صبح ۱٤ جنوری عنایت الله خان تمام مامورین و افسران نظامی را به قصر دعوت نمود ۰ عنایت الله خان سرمنشی را امر کرد که نامهٔ پادشاه را قرائت کند۰

پادشاه در نامهٔ خود نوشته بود : خیر مملکت مقتضی اینست که باید دست از کار بکشم زیرا تمام خونریزی و انقلاباتیکه در مملکت است ، به سبب بر خلافی با من می باشد ۰ پادشاه درین ورقه استعفای خود از واگذاری سلطنت به برادر خود سردار عنایت الله خان تذکر داده بود ۰ (۱۵٦)

استعفای پادشاه بسرعت بین مخالفین انتشار یافت و سبب بی نظمی را در بین عساکر زیاد نمود و قوای حبیب الله به دروازه های شهر نزدیک تر شده باغ بالا را مرکز قیادت سیاسی و نظامی اختیار نمودند ۰

دکتور لویس دوپری در استعفای امان الله خان نوشت که در اثر شدت انقلابات و هجمات مخالفین از جنوب و شمال امان الله خان باید دو راه را اختیار مینمود ، مقاومت تا نهایت و تسلیم ، لیکن امان الله راه دوم را اختیار نمود ۰ (۱۵۷)

## موقف سیاسی بعد از استعفای امان الله خان :

بعد از تنازل امان الله از سلطنت برای برادرش همه انتظار داشتند که تغییری در موقف مخالفین پیش خواهد شد زیرا یکی از مطالب عمدهٔ مخالفین سقوط امان الله خان بود • لیکن با تنازل امان الله از سلطنت موقف سیاسی مخالفین بلندتر شد و برای بدست آوردن قدرت سیاسی سرعت بیشتر بخرج دادند و از موقف جدید استفادهٔ اعظمی نموده برای حکومت سردار عنایت الله خان موقع ندادند•

امیر عنایت الله خان در قصر با مشاورین و وزراء مجلسی تشکیل داد • سلطهٔ عنایت الله خان محصور به قصر سلطنتی بود و خارج آن نفوذ و قدرت نداشت • مشاورین برای عنایت الله خان پیشنهاد کردند تا با حضرت صاحب محمد صادق مجددی مشوره کند • عنایت الله خان که با روحانیون در زندگی شخصی اش علاقه ای محبت و نزدیکی داشت از حضرت موصوف دعوت کرد • حضرت صاحب به قصر رفته حاضر شد جهت حل مشکلات افغانستان همکاری نماید لیکن برای پادشاه جدید بیعت نکرد •

جهت مذاکره با انقلابیون شمال و اطلاع شان به تغیر موقف سیاسی بعد از تنازل امان الله خان هیأت بزرگی بریاست حضرت صاحب محمد صادق مجددی و عضویت سردار محمد عثمان تشکیل شد • هئیت بتاریخ ۱٤ جنوری ۱۹۲۹ برای مذاکره با حبیب الله بطرف باغ بالا حرکت کرد •

راپوری که مرحوم آقای غبار از حرکت حضرت محمد صادق مجددی در صفحهٔ ۸۲۵ کتب خود نوشته اند با نوشته حضرت صاحب کاملا متفاوت است • ممکن است آقای غبار نوشته های حضرت محمد صادق مجددی را مطالعه نکرده باشند •

حضرت محمد صادق مجددی مینویسند که بدعوت امیر عنایت الله خان برای مذاکره با حبیب الله خان موافقت نمودم و با سردار صاحب محمد عثمان خان به باغ بالا رفتم • نزدیک باغ بالا امیر عمر جان برادر امان الله خان را دیدم پرسیدم کجا رفته بودید جواب داد برای بیعت امیر

صاحب رفته بودم • در حالیکه تا هنوز حبیب الله بحیث پادشاه اعلان نشده بود • حضرت صاحب اضافه میکند که در دروازۀ قصر باغ بالا سکرتیر شرقی سفارت انگلستان آقای ـ محبوب علی ـ را دیدم که از قصر خارج میشود بسیار پریشان شدم • (۱۵۸)
حضرت مجددی مینویسد داخل قصر شدم حبیب الله با رسم تعظیم بلند شد و در پهلویش پسرش حضرت بزرگ جان مجددی نشسته بود • حبیب الله پرسید حضرت صاحب خیرت باشد درین وقت خطرناک بدین جا تشریف آوردید ؟ جواب دادم که امان الله خان استعفاء نموده و سردار عنایت الله خان پادشاه شده و تمام اصلاحاتیکه مخالف اسلام بود لغو شده دیگر لازم به خونریزی نیست • حضرت ادامه میدهد که حبیب الله ساکت بود لیکن حضرت عبدالحلیم جان مجددی که از حضرات کوهدامن و مرشد حبیب الله بود سکوت را برهم زده گفت که حضرت صاحب خانواده محمد زائی صد سال حکومت کردن حال نوبت اقوام غیر پشتون افغانستان است که حکومت کنند آیا دیگران نوبت ندارند که در افغانستان حکومت کنند ؟
حبیب الله گفت حضرت صاحب عنایت الله برادر امان الله است و برادر مانند برادر میباشد شما شخص دیگر را کاندید نکردید ؟ حضرت صاحب میگوید رو بطرف سردار صاحب محمد عثمان خان کردم گفتم سردار صاحب شخص متدین است آیا او را بیعت میکنید ؟ حبیب الله خان در اثر شنیدن سخنان حضرت صاحب رو بطرف عبدالحلیم جان کرده گفت که این حضرت صاحب درست میفرمایند •
مرحوم استاد خلیل الله خان خلیلی در موضوع ذکر شده میگوید که حبیب الله خوف داشت تا نشود که حضرت صاحب شوربازار خود را کاندید مقام سلطنت کند چون دانست که حضرت صاحب خواهش سلطنت را ندارد گفت که من خودم امیر افغانستان هستم و از حضرت صاحب دعوت کرد تا امارات وی را تأئید کند لیکن حضرت صاحب برای حبیب الله خان بیعت نکرد• (۱۵۹)
مخالفین حضرت محمد صادق مجددی می نویسند که وی حبیب الله را گفت که نباید به حکومت عنایت الله خان اعتراف کند تا توانسته باشد از خانوادۀ امان الله خان انتقام گیرد •

آقای غبار نیز می نویسد که هیأت در باغ بالا به نزد بچه سقا رفته دست بیعت دادند ۰ (۱٦۰) در حالیکه حضرت صاحب تا نهایت با حبیب الله بیعت نکرد۰

طرفداران حبیب الله به کابل داخل شدند و ارگ را محاصره نمودند۰ در حالیکه امیر عنایت الله خان با خانوادهٔ سلطنتی در ارگ محاصره بود بزرگان دولت و وزراء به باغ بالا رفته برای حبیب الله بیعت نمودند و امیر عنایت الله خان را تنها گذاشتند ۰ (۱٦۱)

بتاریخ ۱٦ جنوری حبیب الله داخل کابل شد و در شمال کابل انتظار تسلیم شدن ارگ ماند ۰ حبیب الله در روز دخولش به کابل بیانیه ای ایراد نمود در آن انقلاب خود را توضیح داده گفت که : من اوضاع کفر و بی دینی و لاتی گری حکومت سابقه را دیده و برای خدمت دین رسول الله صلی الله علیه و سلم کمر جهد را بستم تا شما برادر ها را از کفر و لاتی گری نجات بدهم ۰ حبیب الله اضافه کرد که پول بیت المال را برای بنای مدارس صرف نمیکند و برای عساکر میدهد و وعده داد که صفائی و گمرک و مالیات نخواهد گرفت ۰ (۱٦۲)

امیر عنایت الله خان در قصر محاصره ماند و نزدیکترین افراد خانواده اش مانند برادرش سردار عمرجان از مشاورین حبیب الله شدند ۰ در داخل قصر با عنایت الله تعدادی از عساکر و تعدادی از صاحب منصبان ترکی نیز بودند ۰ عنایت الله خان برای نجات خود و خانواده اش و عساکر محاصره شده به حضرت محمد صادق مجددی پیشنهاد کرد تا با حبیب الله راجع به آیندهٔ شان مذاکره کند ۰

حضرت مجددی با حبیب الله مفاهمه را آغاز کرد و حبیب الله وعده داد که بالای خانواده سلطنتی و عساکر داخل قصر حمله نمیکند و وعدهٔ خود را در صفحه ای قرآن کریم نوشت (۱٦۳) طبق قرار داد ارگ به حبیب الله تسلیم میشد مشروط بر اینکه جان عسکر و ساکنین ارگ محفوظ و آزاد بماند ۰ حضرت مجددی اضافه میکند راه دیگر باقی نمانده بود زیرا افراد حبیب الله در تمام کابل سیطرت داشتند ۰ حبیب الله موافقت کرد که عنایت الله خان توسط طیاره میتواند از افغانستان خارج شود زیرا راه بی امنیت بود و در راه خطرات زیادی متوجه خانواده شاهی افغانستان بود ۰

عنایت الله خان از سفارت انگلستان خواست تا طیارهٔ سفارت ایشان را تا قندهار انتقال بدهد

لیکن سفیر به خاطر بی امنی در میدانهای طیاره از درخواست عنایت الله خان معذرت خواست (١٦٤) ٠

حضرت صاحب محمد صادق مجددی از حبیب الله خواست تا اجازه بدهد طیارات حکومت افغانستان خانواده شاهی و اشخاصیکه میخواهند از کابل خارج شوند ایشان را تا هندوستان انتقال بدهد ٠ لیکن حبیب الله در جواب گفت که حضرت صاحب طیاره ها بدست امان الله خان میآفتد ٠ حبیب الله موافقت کرد که حاضر است مصرف طیارات سفارت انگلستان را بدهد لیکن سفیر انگلستان به جواب حبیب الله گفت که تا حضرت صاحب ضمانت سلامت طیارات و افراد آنر شخصا نکند سفارت انگلستان طیارات خود را به اجاره نمیدهد ٠ (١٦٥)

حضرت صاحب مینویسد که جهت نجات امیر عنایت الله خان و افراد خانوادۀ شاهی قبول کردم بسفارت انگلستان مراجعت کنم ٠ در عمارت سفارت سفیر انگلستان از حضرت صاحب استقبال کرد ٠ حضرت صاحب مینویسد که برای سفیر گفتم احتیاج مرا به سفارت آورد در زندگی حاضر نبودم داخل سفارت شما شوم ٠ حال ما طیاره ضرورت داریم و حبیب الله آماده است پول اجاره آنرا بدهد ٠ سفیر بجواب گفت که چون شما ضمانت سلامت طیارات را میکنید ما به احترامی که برای شخص شما داریم حاضر نمیشویم پول کرایه دریافت کنیم ٠ (١٦٦) آقای غبار اضافه میکند که محمد صادق المجددی برای سفارت برتانیه تضمین کرده بود که بر طیارات انگلیسی از هیچطرف شلیک نخواهد شد ٠

در ١٧ جنوری ١٩٢٩ دو طیارۀ انگلیسی به کابل رسید ٠ حضرت محمد صادق مجددی موتر ها را آماده ساخته عنایت الله خان و بعضی از اعضای خانواده سلطنتی را با خود به میدان طیاره انتقال داد ٠ حضرت مجددی صاحب منصبان ترکی را با عنایت الله خان از کابل خارج نمود و تعدادی از خانواده سلطنتی و همچنان خواهران امان الله خان سراج البنات و قمر البنات و تعدادی از وزراء مانند سرادر فیض محمد خان زکریا و محمود خان سامی را در شوبازار به منزل خود فرستاد و وعده داد که از ایشان حمایت میکند ٠ حضرت محمد صادق مجددی میگوید خزانه ارگ را باز نمودم و برای هر عسکر دو دانه پوند طلا داده ایشانرا رخصت ساختم لیکن در وقت خارج شدن عساکر افراد حبیب الله همه ایشانرا لت و کوب نموده پولهای شان را گرفتند و

عساکر صدا میکردند حضرت صاحب ما را نجات بدهید زیرا وعده داده بودید که ما را کسی ضرر نمی رساند • حضرت مجددی میگوید که برای عساکر گفتم که قرآن های این ها قرآن های سیاسی است • قبل از اینکه عنایت الله خان ارگ را ترک کند کلید خزانه را برای حضرت محمد صادق مجددی تسلیم کرد که بعدا حضرت مجددی کلید را برای نمایندهٔ حبیب الله عبدالحلیم مجددی سپرد • (١٦٧)

## موقف سیاسی بعد از جلوس حبیب الله بر تخت کابل :

با داخل شدن حبیب الله خان به قصر سلطنتی بنام حبیب الله خادم دین رسول الله مشکلات سیاسی در افغانستان خاتمه نیافت و امان الله خان در قندهار در فکر بازگشت به کابل بود • حبیب الله خان میدانست که وجود امان الله خان خطر حقیقی برای ادامه سلطنت وی در افغانستان میباشد و ممکن است قبائل پشتون افغانستان در آیندهٔ سیاسی جانب امان الله خان را بگیرند و مشکلات نظامی و سیاسی برای دولت جدید بوجود آورند •

حبیب الله خان در مبارزه اش با امان الله خان از سیاست اسلامی پیروی نمود و در احترام علمای اسلامی مبالغه و زیاده روی میکرد • برای تقویهٔ نفوذش حبیب الله با دوشیزه ای از خانواده شاهی ازدواج کرد • در ابتداء بسیار کوشش نمود تا با سراج البنات یا قمر البنات ازدواج کند لیکن موفق نشد دختران پاکدامن را از شوربازار از منزل حضرت محمد صادق مجددی خارج سازد و از جانب دیکر حبیب الله خان نمی خواست با روحانیون افغانستان داخل مبارزه شود • بعضی از قوماندانهای حبیب الله خان از حبیب الله در ازدواج پیروی نمودند •

حبیب الله برای استقرار دولتش و هم برای اینکه ملت افغانستان را اطمینان بدهد که شخصیت های دولت سابق با وی همکاری دارند مجلسی در ارگ تشکیل داد که در آن افراد خانوادهٔ امان الله خان و وزرای سابقه اشتراک نمودند • سردار حیات الله خان برادر امان الله خان و سردار عزیزالله خان پسر سردار نصر الله خان و سردار عمر برادر امان الله خان وسردار فیض محمد خان وزیر معارف در حکومت امان الله خان و سردار احمد خان ریشس مجلس شورای عصر امان الله خان و عبدالهادی خان داوی وزیر تجارت و میرزا مجتبی خان وزیر مالیه در بین حاضرین بودند •

در نهایت مجلس همه اعضای مجلس طی اعلامیه ای امان الله خان را مسئول واقعات اخیر افغانستان معرفی نمودند و اضافه کردند که امان الله مخالف اسلام بود • همه اعلان نمودند که

برای پادشاه جدید بیعت نمودند • دلیلی که برای خروج امان الله خان از اسلام آوردند عبارت بود از زندانی کردن حضرت محمد صادق مجددی ، اعدام قاضی القضات ملا عبدالرحمن خان پغمانی ، رفع حجاب ، افتتاح مدارس برای دختران • دولت جدید وثیقه فوق را توسط طیاره به تمام نقاط افغانستان توزیع نمود • (۱۶۹)

امان الله خان بعد از خارج شدن سردار عنایت الله خان ازکابل ورسیدنش به قندهار بفکر بازگشت به تخت کابل شد • امان الله خان در عمارت خرقهٔ مبارکه رفته خرقه مبارکه را بر سر گذاشته و به صدای بلند فریاد زد من مسلمان هستم و عزم دارم افغانستان را ازشر حبیب الله که دزد است نجات بدهم • (۱۷۰)

امان الله خان برای باز گشت به کابل احتیاج به تأئید قبائل افغانی و تأئید کشور های خارجی داشت خصوصا تأئید دولت انکلستان و روسیه • امان الله برای کسب تأئید روسیه غلام نبی چرخی را به موسکو فرستاد • و همچنان با حکومت هندوستان داخل مذاکره گردید • دولت انکلستان در جواب امان الله خان نوشت که دولت انکلستان قصد ندارد در شئون داخلی افغانستان مداخله کند و همچنان قصد ندارد با یکی از اطراف داخل جنگ مساعدت کند و در قضیه داخلی افغانستان بیطرف خواهد ماند • (۱۷۱) دولت انکلستان در جواب خود امان الله خان را بسویه حبیب الله خان دانسته یکی از اطراف داخل جنگ معرفی نمود •

دولت روسیه همکاری خود را با امان الله خان اعلان کرد و برای غلام نبی خان اجازهٔ فعالیت را از داخل روسیه داد •

در داخل امان الله خان موفق شد تأئید بعضی قبائل پشتون و هزاره را بدست آورد • امان الله خان موفق نشد تأئید قبیلهٔ غلزائی را بدست آورد زیرا افراد قبیلهٔ غلزائی از مریدان خانواده مجددی و طریقه مجددیه بودند • (۱۷۲)

حبیب الله خان از تحرکات خارجی و داخلی امان الله خان اطلاع داشت و میدانست که اتفاق قبائل افغانی و خصوصا سلیمانخیل و غلزائی در توازن قواه نقش مهم را بازی میکنند و حبیب الله چون از قبیله غیر پشتون بود احتیاج شدید به تأئید قبائل پشتون برای استمرار حکومت اش داشت •

حبیب الله تأئید قبائل را از حکومتش مربوط به تأئید حضرات مجددی از وی میدانست برای این منظور حبیب الله موقع را مناسب دانسته نامه ای توسط حضرت محمدمعصوم مجددی معروف به حضرت میاه جان مجددی پسر حضرت شمس المشایخ به هندوستان عنوانی حضرت نورالمشایخ فرستاد و از نامبرده دعوت نمود تا به افغانستان بیاید تا ملت افغانستان از برکات شان استفاده نمایند ٠

حبیب الله چنانچه جریدهٔ حبیب الاسلام نقل نامه اش را برای حضرت نورالمشایخ به چاپ رسانده مینویسد که :

جناب حضرت شوربازار حضرت شیر آقا نورالمعارف صاحب مجددی که سابقه و مجاهدت شان در راه ترقی اسلامی و مسلمانان بهمه کس معلوم است البته واقف استهد که جناب شان بعد از واقعه انقلاب منگل ۱۳۰۳ نظر بسوی رفتار حکومت سابقه از افغانستان مهاجرت فرموده در هند متوقف بودند چون جناب اعلیحضرت امیر حبیب الله خان سر برارای تخت کابل گردید بجناب ممدوحی فرمانی همدست جناب معصوم جان آقا برادر زادهٔ موصوف فرستادند که : حالا وقت تشریف آوری جناب شما است که برای دولت اسلامی خود خدمت نمائید اینک جناب شان از راه سمت جنوبی تشریف فرما و در موضع ارگون متوقف اند ٠

این ذات از آن ذوات نامور متدین و معروف ایست که یک عالم اسلام چه در هند و چه در افغانستان و غیره بصفای نیت و در ستکاری او عقیده و ارادت دارند البته تا جائیکه آواز اوشان بگوش هر کسی می رسد جرات مخالفت از وشان سلب و با یک عزم کامل اوامر او را گردن می نهد ما هم بنوبه خود موافقت شان را در راه دین مبین حضرت رسول اکرم صلعم خواستاریم ٠ (۱۷۳)

حبیب الله خان برای تقویت سلطه اش فرمان دوم عنوانی حضرت محمد صادق مجددی نوشت و از ایشان دعوت کرد تا صدراعظم و وزرای جدید را رهبری کند لیکن حضرت محمد صادق مجددی معذرت خواست و نوشت باید تا تشریف آوری حضرت نورالشایخ انتظار کشید ٠ (۱۷٤)

حضرت نورالمشایخ جواب نامه ای حبیب الله خان را فرستاد که جریده حبیب الاسلام آنرا بنشر

سپرد ۰ در نامه حضرت صاحب برای حبیب الله چنانچه حبیب الله الاسلام نقل نموده نوشت که در ارگون توقف دارند و تعدادی از مجاهدین را برای مقابله ای امان الله خان به قندهار فرستاده و تعدادی را بسمت جنوبی فرستاده اند ۰ (۱۷۵) حضرت صاحب ۱۵ هزار از جوانان قبائل را منظم ساخت و چنانچه در نامه اش برای حبیب الله خان نوشت یک دسته را برای مقابله با امان الله خان فرستاد لیکن از فرستادن مجاهدین به جنوبی توضیحات نداد و همچنان برای آمدنش به کابل وقت معین نکرد و بیعت خود را برای حبیب الله نفرستاد ۰ (۱۷٦)

امان الله خان در رأس قوایش از قندهار بطرف کابل حرکت کرد ۰ قوای امان الله خان منظم نبود و از دسپلین عسکری بی بهره بود ۰ در ماه اپریل امان الله به غزنی رسید ۰ در غزنی قوم ـ اندر ـ بالای قوای امان الله خان حمله نمودند ۰ عساکر امان الله خان مقاومت نموده خانه های قوم اندر را تاراج نمودند ۰ (۱۷۷) ۰

در اپریل ۱۹۲۹ امان الله با قوای حبیب الله خان رو برو گشت و نزدیک بود که قوای حبیب الله را شکست بدهد لیکن در همان وقت قوای حضرت نورالمشایخ از قبائل مسعود ، غلزائی و سلیمانخیل رسید و امان الله خان را شکست دادند ۰ شکست امان الله خان آخرین حلقه از حلقات مبارزه بین امان الله خان و جماعت اسلامی افغانستان بود ۰ (۱۷۸)

در شکست قوای امان الله خان در منطقه غزنی میتوان اسباب مهم ذیل را نیز اضافه کرد :

۱ ـ اختیار موقع غیر مناسب ، امان الله خان منطقه ای غیر استراتیژکی را برای قوای خود اختیار کرده بود که برای دشمن بسیار آسان بود تا خسارات سنگین قوای امان الله خان برساند۰

۲ ـ اختلافات عمیق بین قوماندانهای امان الله خان ۰ در محاربه غزنی عبدالعزیز خان وزیر حربیه با عبدالاحد خان مخالفت شدید داشت ۰ عبدالعزیز خان عبدالاحد خان را متهم میساخت که با حبیب الله خان در اتصال است و وی از حزب محمد ولی خان میباشد ۰ امان الله خان را اختلافات بین عبدالعزیز خان و عبدالاحد خان در شک انداخته اسباب فرارش را آماده ساخت ۰

۳ ـ تعدادی از اعضای حزب محمد ولی خان در قیادت علیای عسکری امان الله خان موجود

بودند و تحرکات قوای امان الله خان را برای محمد ولی خان به کابل ارسال میداشتند و محمد ولی خان را متهم میسازند که تمام احوالات را به حبیب الله خان میرساند ۰ طرفداران محمد ولی خان امان الله خان را برای فرار از افغانستان تشویق میکردند۰ ( ۱۷۹ )

در نتیجه عدم همکاری بین افراد امان الله خان و اختلافات بین طرفدارانش امان الله خان در حالت عدم اعتماد بالای همه افرادش زندگی میکرد و برای نجات خود تصمیم گرفت تا از افغانستان خارج شده در ایتالیه زندگی اختیار کند ۰ ( ۱۸۰ )

راه ای خروج برای امان الله سپین بولدگ بود ۰ امان الله خان برای اینکه مامورین سرحد افغانستان از اصل موضوع که خارج شدن وی از افغانستان بود اطلاع نداشته باشند به مامورین سپین بولدگ خبر داد که سردار عنایت الله خان میخواهد به پشاور سفر کند و از آنجا بالای جلال آباد حمله کند ۰ امان الله خان در اطلاعیه خود اضافه کرده بود که خودش در سرحدات کابل رسیده و حکومت حبیب الله عنقریب سقوط میکند ۰ امان الله خان برای نجاتش از خطر چادری پوشیده سرحد را عبور کرده داخل هندوستان شد ۰ ( ۱۸۱ ) امان الله خان در ماه می سال ۱۹۲۹ برای همیش افغانستان را ترک نمود و تا زنده بود به وطن برنگشت ۰ ( ۱۸۲ )

غلام نبی خان چرخی از جهت شمال و از خاک روسیه داخل مزاز شریف شد و توانست تعدادی از مردم تاجکستان را با خود بیآورد ۰ برای تقویهٔ امان الله خان و قوای غلام نبی خان چرخی طیاره های نظامی روسیه بعضی نقاط افغانستان را بمباردمان نمودند ۰ جریده حبیب الاسلام خبر میدهد که : ( قرار راپورت صحیح که وارد شده است روسها بعنوان معاونت با امان الله خان شاه مخلوع خواسته اند بخاک پاک مقدس اسلامیه افغانیه تجاوز نموده به مقاصد سوء خود شان که در ضمن بر بادی اسلام و اهل آن است تجاوز و تعرض نمایند چنانچه از ۱۸ الی ۲۸ ذی قعده پنج پنج دانه طیاره شان بفضای ترکستان و ۳ دانه طیاره حربی شان بتاریخ ۲ ذیحجه به هوای چهل در و حیات آباد پرواز و بمباردی نموده و پنج شش دانه بم انداخته که منجمله دو بم ترقیده و معدودی از اهالی را که در آن جمله پسر عبدالرسول خان خیاط شخص معروفی بوده متلوف نموده است ۰ ( ۱۸۳ )

غلام نبی خان موفق به کاری نشد و بر عکس حکومت حبیب الله خان از مداخلات روسیه سود

فروان را برادشت و توانست ساکنان افغانستان را قناعت بدهد که کفار در عقب امان الله خان بودند و تاهنوز با وی همکاری دارند • بمباردمان روسیه باعث شد تا دولت انگلستان نیز در موضوع مطالعه و غور نماید و از تأئید امان الله خان بکلی صرف نظر کند • غلام نبی خان در اثر شکست قوای امان الله خان در غزنی و شکست قوای خودش در شمال مجبور شد به روسیه داخل شود •

در نتیجه خروج امان الله خان از سرزمین افغانستان اتحاد قومی و اسلامی افغانستان نیز از هم پاشید • حضرت ضیاء معصوم مجددی معروف به حضرتصاحب چهار باغ که پیر امیر حبیب الله خان بود حاضر نشد خطبه جمعه را بنام حبیب الله در مساجد مشرقی بخواند و تا عصر نادر خان خطبه را بنام امان الله میخواندند• حضرات مجددی شمالی که مهتمرین شان در میدان سیاست افغانستان صاحب زاده عبدالغفور جان و صاحب زاده عبدالله جان بودند با دولت حبیب الله خان همکاری نمودند و ارکان عالی دولت را تشکیل میدادند • مورخین از این دوشخصیت شمال در کتابهای خود ذکر نموده اند لیکن نتوانستند اسم خانوادگی شانرا دریافت کنند که لقب صاحب زاده بر لقب مجددی شان غلبه یافته بود • هر دو شخصیت را اعلیحضرت نادر خان اولا محکوم بمرگ و بعدا به هندوستان فرار نمود که صاحب زاده عبدالله جان در کراچی کشته شد •

حضرت صاحب نورالمشایخ که زعیم خانواده مجددی و صاحب طریقت بود حاضر نشد به حبیب الله خان بیعت کند و با نادر خان یکجا شده تا افغانستان را نجات بدهد • (۱۸٤) حضرت صاحب از نادر خان تعهد گرفت که هیچ طرف در اتحاد حق ندارد خود را پادشاه یا امیر اعلان کند زیرا حق تعیین امیر از حقوق ملت است لیکن نادر خان با همکاری برادرانش به تعهداتش وفاء نکرد و تا رسیدن حضرت صاحب خود را در کابل پادشاه اعلان کرد و شنیده میشد همان قرآنی که نادر خان در آن امضاء نموده بود در قلعهٔ جواد در خانقای مجددی موجود بود •

عدم تأئید مجددی های کابل از حکومت حبیب الله خان و تشکیل جبهه جدید در جنوبی و غزنی علیه حبیب الله خان در تضعیف حکومت وی افزود • حبیب الله خان هر قدر کوشش نمود تا همکاری حضرات کابل را جلب نماید موفق نشد و در نتیجهٔ عدم همکاری بین طرفین

اختلافات از نوع جدید آغاز یافت و حبیب الله خان جنگ غیر اعلان شده را با خانواده مجددی شوربازار آغاز کرد ٠

حمایت خانوادۀ مجددی از دختران خانواده شاهی و همچنان حمایت شان از خانواده اعلیحضرت محمد نادر خان اسباب عدم همکاری و سوء نیت را بین حبیب الله خان و حضرت محمد صادق مجددی بار آورد که ذکر نص فرمان حبیب الله خان عنوانی حضرت محمد صادق مجددی در موضوع روشنی زیادتر میاندازد ٠ فرمان را که مربوط خودم میباشد در اخر این تحقیق بچاپ خواهم رسانید تا محققین افغانی از آن در تحقیقات تاریخی خود استفاده نمایند ٠

## فرمان پادشاهی

جناب حضرت صاحب شوربازار حفظهم الله تعالی

نسبت بنفاق و خانه جنگیهای موجوده که در بین اقوام جهت به تحریکات بعضی خائنین دین بروی کار است بشما و امثال شما حضرات لازم است که در اصلاح کوشیده اغراض خائینین را نگذ ارید که مقاصد خود را پیش برند خوبتر می دانید که بهمچه مسائل ناگوار بر بادی اسلام و شما که ذوات محترم که بمقام مشیخت برآمده شد در دینا و عقبی عندالله و عند الرسول مسئول خواهید شد لیکن افسوس که تا بحال شما بوظیفۀ خویش اقدامی ننموده باصلاح برادران دینی خود نکوشیده علاوتا بعضی خائینین که مراد از محمد نادر خان و برادران او باشد در حمایت متعلقین شان می کوشید و آن ها بنابر حمایت شما از طرف متعلقین خود مطمئین بوده در عصیان و بغاوت خویش می افزایند بهمه حال اگر باصلاح نمیکوشید بخرابی هم ساعی نشوید دوستانه شما را اطلاع کردم که بعد از این بامورات حکومت مداخله نکنید که باعث ازردگی من و شما می شود زیاده العاقل تکفیه الاشاره فقط تحریر ۷ ذقعده الحرام ۱۳۳۷ مهر حبیب الله ٠ ( ۱۸۵ )

اتحادات جدید و اختلافات جدید که اسباب سقوط دولت حبیب الله خان و اسباب رسیدن اعلیحضرت محمد نادر خان را به سلطنت افغانستان آماده ساخت جزئی از تاریخ معاصر افغانستان میباشد که متأسفانه تا حال مؤرخین افغانی و خارجی در بارۀ آن تحقیق نکرده اند و از محققین افغانی میخواهد تا قبل از بین رفتن وثائق تاریخی دست بکار شده موضوع را مورد مطالعه وتحقیق قرار بدهند • وثائق دوره حبیب الله خان و عصر محمد نادر خان را محققین افغانی میتوانند از کتابخانه مرحوم حضرت محمد صادق مجددی در المدینه المنوره بدست آورند•

## نقش ادارهٔ جاسوسی انگلستان در انقلابات افغانستان :

قبل از اینکه در نقش ادارهٔ جاسوسی انگلستان در انقلابات داخلی افغانستان که در نتیجهٔ آن حکومت امان الله خان سقوط نمود حرف بزنیم لازم دیده میشود تا علاقات سیاسی و شخصی که بین اعلیحضرت امان الله خان و دولت انگلستان بود مورد بررسی و مطالعه قرار داده شود زیرا مضمون و شکل روابط بین الطرفین در نقش ادارهٔ جاسوسی انگلستان و روابط سیاسی بین دو کشور دارای اهمیت خاصی برای خود است •

دولت انگلستان رسیدن امان الله را به سلطنت افغانستان استقبال نیک نکرد زیرا در بارهٔ شخصیت امان الله ادارهٔ جاسوسی انگلستان معلومات مفصل داشت و انتظار عمل خیر را برای دولت انگلستان و سیاست اش در قاره هند نداشت • روابط بین امان الله خان و انگلستان با اعلان جهاد علیه انگلستان از طرف امان الله خان آغاز یافت که در نتیجه آن دولت انگلستان در جنگ شکست یافته اعتبار بین المللی اش را در قارهٔ آسیا و افریقا از دست داد • انتصارات افغانستان در جنگ با انگلستان را کشور های اسلامی در آسیا و افریقا استقبال نموده ملتهای اسلامی بالای زعمای شان فشار وارد کردند تا از پادشاه افغانستان بیآموزند و جهاد را علیه انگلستان اعلان کنند • ما در جرائد مصر که انعکاس دهندهٔ نظریات ملل افریقا بود این نظر و امید مسلمانان را بخوبی مشاهده میکنیم • جرائد آنزمان پادشاه افغانستان را لقب بت شکن دادند و برای حکام انگلستان اخطار دادند که ملتهای مسلمان از پادشاه افغانستان در مبارزه علیه استعمار تقلید خواهند کرد •

امان الله خان در مبارزه علیه سیاست استعماری انگلستان بمجرد حصول استقلال افغانستان توقف نکرد بلکه در قیام مبارزات مسلمانان جهان علیه انگلستان خصوصا مسلمانان هندوستان بذل مساعی بخرچ داد • امان الله خان از زعمای مسلمان هندوستان که برای آزادی هندوستان مبارزه میکردند دعوت نمود تا به افغانستان آمده و مبارزهٔ خود را از سرزمین افغانستان علیه دولت انگلستان آغاز کنند • اعلیحضرت امان الله خان تمام سرمایهٔ افغانستان را در خدمت

مبارزین هندوستان گذاشت و برای ایشان پاسپورت های افغانی تقدیم کرده در اتصالات شان با روسیه و ترکیه و چاپان نقش فعال را بازی نمود • (۱۸٦) مخالفین سیاست انگلستان در هند ازطریق افغانستان به مبارزه و تبلیغات علیه انگلستان اقدام نمودند و چاپان بعد از افغانستان مرکز مبارزین مسلمان هندوستان بود •

دولت انگلستان سیاست امان الله خان را مخالف وجود نظامی و سیاسی اش در هند احساس کرد و کوشید تا علیه امان الله خان مبارزه نماید و در سقوط دولتش سرعت بخشد •

دولت انگلستان مخالفین امان الله خان را در هندوستان استقبال نمود و برای مخالفین امان الله خان از بودجهٔ دولت هند معاش مقرر نمود • در انقلاب ۱۹۲٤ دولت انگلستان از سردار عبدالکریم خان استفاده نمود و نامبرده را علیه امان الله تقویت نمود • در انقلاب ۱۹۲۸ دولت انگلستان سردار محمد عمر خان را علیه امان الله خان ترغیب نمود • استقبال دولت انگلستان از مخالفین نظام امان الله خان در طول دورهٔ حکومتش یکی از مهمترین موضوعات اختلاف بین امان الله خان و دولت انگلستان بود • (۱۸۷)

امان الله خان از هر موقع برای اظهار عداوتش نسبت به انگلستان استفاده میکرد • امان الله خان با اینکه کمونست نبود و روسیه را دوست نداشت لیکن برای اینکه برای سفیر انگلستان کراهیت خود را نشان بدهدَ در مهمانی های رسمی از سفیر روسیه استقبال پر حرارت میکرد •

دولت انگلستان نیز برای عدم رضایت اش از امان الله خان حاضر نشد هیأت دپلوماسی افغانستان را بریاست محمد ولی خان بعد از استقلال افغانستان در لندن استقبال کند و وزیر خارجه انگلستان از استقبال هیأت افغانی در لندن معذرت خواست • دولت انگلستان حاضر نشد لقب جدید امان الله خان ـ اعلیحضرت ـ را رسمی قبول کند •

سیاسیون و عسکری های انگلستان امان الله خان را بصفت شخصی غیر مناسب و خراب می شناختند • جنرال " SIR . E . BARROWS " در راپورش به لندن راجع به امان الله خان نوشت : امان الله خان کشته خواهد شد اگر ما از اینکه در کشتن وی کوشش نکردیم یقین است که در اثر کشته شدنش افسوس نخواهیم خورد ، من میدانم که او شخص بسیار خراب است • (۱۸۸)

از مطالعه وثائق انگلیسی و راپور های سری کارکنان دولت انگلستان در هند و افغانستان به لندن اشاره ای واضح در نقش ادارهٔ جاسوسی انگلستان در اشتمال انقلابات داخلی افغانستان دیده نمیشود لیکن از کراهیت دولت انگلستان نسبت به امان الله خان تعداد زیادی از دپلوماتهای انگلیسی در شک اند که انگلستان در انقلابات ۱۹۲٤ و ۱۹۲۸ نقشی اساسی را اگر نداشت نقش غیر مستقیم را حتما داشت ۰

اولین اتهام در نقش ادارهٔ جاسوسی انگلستان در انقلابات داخلی افغانستان از هند شروع شد ۰ جرائد هندی از نقش ادارهٔ جاسوسی انگلستان در انقلابات افغانستان راپورها بچاپ رسانیدند ۰ جرائد هند از لورانس عرب نام بردند و نوشتند که لورانس در بین قبائل افغانی در گردش است ۰ نوشته های جرائد هندی اسباب مشکلات زیادی را برای حکومت لندن و سفارت انگلستان در کابل بوجود آورد و سفیر انگلستان در کابل از حکومت خود رسما طلب نمود تا لورانس را از سرحدات افغانستان دور سازد ۰ (۱۸۹)

تعدادی از دپلوماتها در کابل یقین داشتند که حکومت انگلستان انقلابیون شنوار را مساعدت میکند ۰ جریدهٔ امان افغان در نظر دپلوماتهای مقیم کابل متفق است ۰ از خلال راپور های سری که از پایتخت های جهان به لندن میرسید اشاره شده بود که حکومات این کشور ها در اینکه دولت انگلستان در انقلابات داخلی افغانستان نقش دارد مشکوک اند و میگویند که دولت انگلستان نقش مهم را دارد ۰ راپور ها اضافه میکنند که در شک کشور ها رسیدن لورانس به سرحدات افغانستان تحت نام مستعار ـ شو ـ افزوده ۰ لورانس تحت نام شیخ از مشایخ اسلام در بین قبائل افغانی موجود است و به سخاوت خرج میکند

جریدهٔ " SUNDAY EXPRESS " در موضوع فوق راپور مفصلی بنشر رسانیده اضافه میکند که لورانس برای انجام دادن وظیفهٔ سری داخل مناطق قبائل افغانی شده ۰ (۱۹۰) سندی اکسپرس در راپورش راجع به لورانس معلومات میدهد که لورانس قبائل صحراء نشین عرب را علیه خلافت عثمانی متحد ساخت و فعلا در افغانستان مشغول مطالعهٔ رسم و رواجهای افغانی برای استفادهٔ منافع انگلستان است ، لورانس مشغول دانستن نظریات افراد قبائل و تجار و

کوچی های افغانستان بوده در لباس تقوی و اسلامی پنهان میباشد ۰ (۱۹۱)
در دست ما ده ها تقریر و راپورهای سری که سفرای انگلستان به لندن فرستاده اند موجود است ۰ در جملهٔ یکی از این راپور ها راپور سفیر انگلستان در ایران است که برای وزارت خارجه انگلستان در لندن ارسال نموده سفیر مینویسد که : قبل از آغاز مشکلات شخص خارجی بنامی لورانس ـ شخصیکه در اثنای جنگ جهانی نقش مهم را در شبه جزیره العرب ضد حکومت ترکیه بازی کرد ـ و یکی از جاسوس های بزرگ خارجی انگلستان است و بزبان فارسی و پشتو و عربی حرف میزند فعلا بین قبائل افغانی در سرحدات موجود است و بنام شیخ اسلام خود را معرفی نموده و میگوید که در بخارا تولد یافته ، لورانس با افراد قبائل همکاری دارد و برای ایشان اسلحه و پول توزیع میکند و ایشان را علیه امان الله خان تشویق می نماید ۰ (۱۹۲)
سفیر انگلستان در پاریس آقای " **CLAUD RUSSEL** " راپور مفصلی برای وزارت خارجه انگلستان عنوانی " **SIR . AUSTEN CHAMBERLAIN** " مینویسد که : اسرار در باره شخص لورانس که سه هفته شده در جبهات افغانستان میباشد موجود است و جریده گازیت دو لوزان می نویسد که لورانس با روسای دفتر خارجه و رؤسای دفتر وزارت مستعمارات انگلستان همیشه جلسه دارد و برای ایشان معلومات و نصیحت تقدیم میکند۰
آیا خطر در موجود بودن لورانس و اسرار در سفرش تأئید نمیکند که ـ فرسان سانت جورج بزرگ ـ در سقوط امان الله خان کار میکنند ۰
سفیر راپورش را این طور خاتمه میدهد : باین کلمات خواهشمندم اجازه بدهید که اضافه کنم اخباریکه درین جا شنیده میشود و اخباریکه جریدهٔ گازیت بنشر میسپارد رابطه زیادی بین اقوالی که من میشنوم در این جا ارتباط زیادی نسبت به قهرمانی لورانس دارد ۰ (۱۹۳)
سفارت انگلستان در پاریس واضح ساخت که سیاست مداران فرانسه اعتقاد دارند که لورانس نقش اساسی را برای سقوط امان الله خان بازی میکند ۰ سفارت انگلستان در پاریس از دولت خود دعوت بعمل آورد تا لورانس را از سرحدات افغانستان دور سازد ۰ (۱۹٤)
سفیر انگلستان در برازیل در تلگرام خود برای وزارت خارجه انگلستان نوشت که : سیاست مداران و جرائد برازیلی در موضوع انقلابات افغانستان علاقه زیادی دارند و شک دارند که

لورانس در حداث افغانستان نقش دارد •
حکومت بلجیک و جرائد بلجیکی اداره جاسوسی و لورانس را بنام در اشتراک انقلابات علیه امان الله خان متهم نمودند • ( ۱۹۵ )
راپورهائی که حکومت هندوستان به لندن فرستاده تمام این اتهامات را رد میکند • مامورین عالی رتبه دولت هندوستان مینویسند که هیچ نوع علاقه ای بین لورانس و افغانها موجود نبود خصوصا در وقتیکه لورانس در سرحدات شمال غربی هندوستان اقامت داشت • ( ۱۹۵ )
خلاف راپورهائی که مسئولین دولت انگلستان به لندن فرستاده اند در وثائق سری دولت انگلستان هیچ نوع اشاره واضح از اشتراک دولت انگلستان در انقلابات افغانستان دیده نمیشود • اول راپور سری که به لندن فرستاده شده راپوری است که توسط ضابط ادارهٔ جاسوسی انگلستان " P J . PATRICK " ارسال شده در راپور آمده که هیچ نوع علاقه بین دولت انگلستان و انقلابات در افغانستان نیست وی اضافه میکند که : ( قصه ای لورانس خیالی و دور از حقیقت است شهرت ، لورانس در جرائد سبب این همه مشکلات شده اگر لورانس شهرتی نمیداشت هر گز اسباب مشکلات نمیشد • ) ( ۱۹۷ )
صاحبمنصب دیگر ادارهٔ جاسوسی انگلستان ' INTLD . M . C . S " در راپورش به لندن مینویسد که : ( من یقین دارم که لورانس شخص دروغ گو میباشد و از تمام این سخنان در باره اش تعجب دارم • ) ( ۱۹۸ )
تمام افسران ادارهٔ جاسوسی انگلستان در راپور های خود در یک نقطه اتفاق دارند که موجودیت لورانس در سرحدات افغانستان اسباب مشکلات را برای دولت انگلستان بوجود آورده و برای رفع تهمت ها از دولت انگلستان خواهش نموده اند که دولت انگلستان وی را ازسرحدات افغانستان دور بسازد • ( ۱۹۹ )
پارلمان انگلستان موضوع مداخلات دولت را در انقلابات افغانستان مورد مناقشه قرار داد • اعضای پارلمان انگلستان حکومت را در موضوع افغانستان نقد شدید نموده از حقیقت موضوع طالب معلومات گردید • پارلمان از موضوع لورانس سؤالات نموده و از ارسالش به هند تحت نام ـ شو حکومت را انتقاد نمودند • در جواب اعضای پارلمان آقای " CHAMBERLAIN "

گفت که هیچ نوع علاقه بین لورانس و انقلاب در افغانستان موجود نیست و لقب لورانس در قوای هوائی امپرطوری انگلستان ـ شو ـ بود و قبل از سفر به هندوستان به همین لقب یاد میشد • چمبرلین اضافه کرد که قوای هوائی امپراطوری انگلستان لورانس را در ۷ جنوری به کراچی فرستاده بود و حکومت هندوستان از موضوع تا نشرآن در جرائد اطلاع نداشت • اعضای پرلمان به سخنان چمبرلین سکوت نکرده سیاست حکومت را شدیدا نقد نموده گفتند که : اگر لورانس بشکل علنی به هندوستان فرستاده میشد از شک مردم کاسته میشد در حالیکه طریقه فرستادن وی بشکل سری اسباب شکوک را به جا آورده و مردم در حرکت شخصی نا معلوم و سری تحقیق میکنند • ) ( ۲۰۰ )

در جلسه ۳۰ جنوری پارلمان انگلستان در موضوع اوضاع سیاسی افغانستان مناقشه نمود و در جلسه چمبرلین به سؤالات اعضای پارلمان جواب میداد • چمبرلین در جواب سؤالات اعضاء گفت که : حکومت اعلیحضرت امپراطور اراده ندار در شئون داخلی افغانستان مداخله کند ، و اراده ندارد یکطرف از اطراف داخل جنگ را تقویت کند • حکومت طرفدار یک حکومت مرکزی قوی در افغانستان میباشد و زمانیکه حکومت مرکزی قوی در افغانستان تشکیل شود دولت انگلستان مساعدات به افغانستان ارسال میکند • ) ( ۲۰۱ )

اگر بجوابات معاون وزارت خارجهٔ انگلستان در مجلس پارلمان دقت شود ملاحظه میشود که سخنانش کاملا ضد امان الله خان بود و حکومت انگلستان شناسائی رسمی خود را از نظام امان الله خان سلب نموده بود و امان الله خان و حکومتش را مانند حبیب الله خان و احمد علی خان و غوث الدین خان و محمد نادر خان میدانست در حالیکه امان الله خان تا آنوقت پادشاه قانونی افغانستان بود و مخالفین دولت را در تصرف نداشتند •

امان الله خان از قندهار برای استرداد سلطنتش از دولت انگلستان کمک نظامی خواست لیکن دولت انگلستان بدلیلی که ارداه ندارد یکی از اطراف داخل جنگ را تقویه کند از امان الله خان معذرت خواست • اگر دولت انگلستان امان الله خان را کمک میکرد امان الله خان ممکن بود برای مدت طولانی مقاومت میکرد و ممکن بود اوضاع سیاسی در افغانستان تغییر میافت •

در جریان انقلاب چنانچه حضرت صاحب محمد صادق مجددی نوشته است سکرتیر شرقی

سفارت انگلستان در کابل آقای ـ یعقوب علی خان ـ با حبیب الله خان تماس داشت • در جریان انقلاب در دسمبر ۱۹۲۸ حبیب الله را شفاخانه سفارت انگلستان معالجه نمود • سکرتیر نظامی سفارت انگلستان در کابل موضوع معالجه حبیب الله خان را در شفا خانه سفارت بشدت رد نمود • (۲۰۲) لیکن چنانچه استاد مرحوم خلیلی میگوید سفارت در معالجه حبیب الله خان همکاری نمود •

سفارت انگلستان در خارج ساختن دپلوماتهای وخارجی از افغانستان توسط طیاره های انگلستان بسیار عجله نمود و در خارج ساختن خارجی ها از افغانستان اجازهٔ دولت افغانستان را دریافت نکرد • این عمل سفارت انگلستان در ضعیف نمودن دولت امان الله خان کمک نمود •

توزیع عکسهای برهنه ای ملکه ثریا بشکل وسیع در تمام نقاط افغانستان از امکانیات مادی و تخنیکی انقلابیون افغانستان دور بود • اگر چه ادارهٔ جاسوسی انگلستان از نشر عکسهای ملکه در لباس اروپائی خود را بی معلومات میداند لیکن جای شک نیست که دولت خارجی باید در نشر آن حصه داشته باشد و دولت خارجی که در افغانستان نفوذ زیاد داشت دولت انگلستان بود• امان الله خان در قندهار بود و در جستجوی وسیله ای برای بازگشت اش بکابل بود و تا هنوز حبیب الله خان در تمام نقاط افغانستان سیطرت نداشت که دولت انگلستان برای جنرال محمد نادر خان ویزه دپلوماسی هندوستان را داد و دولت انگلستان خوب میدانست که جنرال محمد نادر خان با امان الله خان مخالفت دارد و باید دولت انگلستان ضمینه را برای وردش به افغانستان مساعد نمیساخت •

جنرال محمد نادر خان در خلال اقامتش در جنوب کشور مصارف زیادی داشت زیرا مبارزه با امان الله خان در قندهار و حبیب الله خان در کابل احتیاج به مصارف مالی داشت و باید در منبع مالی وی تحقیق صورت گیرد • در وثائق رسمی دولت انگلستان وثیقه ای موجود نیست که دلیل به همکاری اقتصادی بین محمد نادر خان و دولت انگلستان باشد لیکن محققین حق دارند در موضوع سؤالاتی پیش نمایند •

اعلیحضرت محمد نادر خان بعد از رسیدن به حکوت کابل در مجلس شورا به نمایندگان مردم اظهار کرد که دولت انگلستان از مضمون تماس هایش با قبیله ای ـ اورکـ ـ اطلاع داشت •

جنرال محمد نادر خان اضافه کرد که حاجی محمد اکبر خان را نزد حکومت هندوستان فرستاده خواهش کمک نمود لیکن چنانچه محمد نادر خان میگوید حکومت هند از تقدیم مساعدات معذرت خواست ۰ محمد نادر خان از دولت انگلستان بطور شکایت میگوید که حکومت هند برتانوی برای نماینده اش عبدالغنی خان اجازه نداد تا به قندهار رفته با قبیلهٔ اچکزائی مذاکره کند ۰ (۲۰۳)

از سخنان جنرال محمد نادر دانسته میشود که وی با دولت هندوستان تماس داشت ۰ و زعمای قبائل از موضوع اطلاع داشتند بدین نسبت در تقویهٔ جنرال محمد نادر خان همت گذاشتند ۰

از جانب دیگر حکومت هندوستان جلو حرکات مخالفین امان الله خان را در داخل هندوستان نگرفت و نوعی از آزادی را برای شان داد ۰ دولت هندوستان اطلاع داشت که علمای اسلامی افغانستان در دیره ای اسماعیل خان بقیادت حضرت صاحب نورالمشایخ جمع شده اند لیکن حاضر نشد ایشانرا از آنجا خارج سازد با اینکه معاهداتی بین امان الله خان و دولت انگلستان بود که مخالفین یکدیگر را حق اقامت نمیدهند ۰

جای شک نیست که دولت انگلستان در سقوط امان الله خان بی تفاوت نبود۰ دولت انگلستان امان الله خان را بحیث دوست خود نمی شناخت و از همکاری سیاسی وی با روسیه راضی نبود۰ تأئید مطلق امان الله خان از انقلابیون مسلمان ضد دولت انگلستان ، برای سیاست دولت انگلستان قابل قبول نبود ۰ نقش دولت انگلستان در انقلابات افغانستان نقش ثانوی بود و اگر امان الله خان را افراد ملت مورد حمایت خود قرار میدادند هر گز دولت انگلستان در سقوطش رولی بازی کرده نمیتوانست ۰

امان الله خان چنانچه در این تحقیق آمده در بسیاری موارد اسباب ضعیف ساختن دولت خود را خودش آماده ساخت ۰ بسیاری اصلاحات امان الله اگر چه ضروری بود ولی پیش از وقت بود و ملت آماده قبول آن نبود ۰ امان الله خان باید اول زمین را آماده میساخت و بعدا در زراعت اقدام می نمود ۰

کمال اتاترک در مصاحبه ای ۲٦ اکتوبر سال ۱۹۲۹ خود با جریدهٔ ـ لیبرتی ـ در بارهٔ سقوط امان الله خان گفت که سقوط امان الله خان خسارهٔ بزرگی بود و اگر امان الله خان فقط حجاب را از

خانمش بر میداشت و دیگر زنان افغانستان را اجبار به رفع حجاب نمیکرد و دختران افغانستان را برای تعلیم به خارج ارسال نمیداشت ممکن بود انقلاب در افغانستان علیه وی صورت نمیگرفت • (۲۰٤)

مخالفین امان الله خان اعمال امان الله خان را وسیلهٔ مناسب برای سقوطش دانستند و از حرکات بی وقت وی استفادهٔ بزرگ نمودند • حبیب الله خان و طرفدارانش امان الله خان را شخص بی دین و لاتی معرفی کردند در حالیکه امان الله خان انسان مسلمان و با عقیده بود و نسبت به پادشاهان گذشتهٔ افغانستان در عقائد شخصی مستقیم تر بود و در نوشیدن شراب و زناء و داشتن کنیز و خیانت به ملت از بسیاری زعمای گذشته افغانستان پاکتر بود •

کسانیکه بعد از امان الله خان آمدند بسیاری از قوانین اسلامی را احترام نکردند و حتی وعده های که در قرآن کریم بامضاء رسانیده بودند بدان احترام نکردند و در قتل مخالفین شان زیاده روی کرده تعدادی را ظالمانه بقتل رسانده و تعدادی را به زندان انداخته و تعدادی را خلاف قوانین بین المللی از افغانستان فرار نمودند •

مراجع فصل پنجم :


۱_ BABA . KHWAJOYEV . A . H . OP . CIT . PP : 75 , 76 , AND SEE GREGORIAN , VARTAN . OP . CIT . P : 266

۲ _ IOR . L / P + S /11 / 293

۳ _ TIMES . JANURY 16 , 1929

٤ _ DAIY HARALD . JANURY 5 AND DAILY NEWS 4 FEB . 1929

٥ _ TELEGRAM FROM HIS BRITANNIC MAJESTY 'S MINISTER AT KABUL TO SECRETARY OF STATE FOR FOREIGN AFFAIRS INDIA OFFICE . 12 TH DEC 1928 . L / P + S / 11 / 293 . 97 GROUPS NO : 5852 P : 6718 AND SEE , GREGORIAN . VARTAN . OP . CIT P : 266

٦ _ GREGORIAN , VARTAN , OP . CIT . P : 267

۷ _ خلیلی ، خلیل الله ، این معلومات را استاد مرحوم در قاهره سال ۱۹۷۹ دادند •

۸ _ المجددی ، محمد هارون ، افغانستان ، صفحه : ۹۵

۹ _ آقای غبار از اصل وثیقه استفاده نموده ، غبار ، میر غلام محمد ، مرجع سابق ، صفحه ۸۰۲ ، در نهایت این تحقیق به اصل وثیقه مراجعت شود •

۱۰ _ از مضمون استعفای جنرال محمد نادر خان ملاحظه شود : کشککی ، برهان الدین ، مرجع سابق ، صفحه : ۲٦۱ ، ۲۷۳

۱۱ _ رویداد ریاست دیوان عالی حکومت شاهی افغانستان ، محاکمه محمد ولی خان و محمود سامی ، صفحه : ۸۹ ، ۱۲۸ و همچنان دیده شود : AI , MOHAMMAD , OP . CIT . PP : 25 . 26 AND SEE : POULLADA OP . CIT PP : 160 . 161 و هچنان : کاکا خیل ، مرجع سابق ، صفحه : ۱۰٦۸ ، ۱۰٦۹

۱۲ _ IBID

۱۳ _ انیس ، محی الدین ، بحران و نجات کشور ، صفحه : ۲۳ و همچنان ، غبار ، میر

غلام محمد ، مرجع سابق ، صفحه : ۸۱۷

۱٤ ـ غبار ، میر غلام محمد ، مرجع سابق ، صفحه : ۷٤٦ ، ۷٤۷

۱۵ ـ المجددی ، محمد صادق ، مرجع سابق ، صفحه : ۹۰

۱٦ ـ رویداد ریاست دیوان عالی حکومت شاهی افغانستان ، فصل اول و همچنان ، انیس ، محی الدین ، صفحه : ۲۰ ، ۲۱

۱۷ ـ کشککی ، برهان الدین ، مرجع سابق ، صفحه : ۵۲۸ ، ۵۳۰

علی احمد خان پسر لوی ناب خوشدل خان و مادرش نواسه سردار دوست محمد خان بود • علی احمد خان در ۱۸۸۳ تولد یافت و در زبان فارسی ، پشتو ، اردو ، انگلیسی صحبت میکرد • در باره وی مراجعه شود : ADAMEC, LUDWIG, W " WHO'S WHO OF AFGHANISTAN " PP : 114 . 115

۱۸ ـ المجددی ، محمد صادق ، مرجع سابق ، صفحه : ۹۱ ، ۹۲

۱۹ ـ کشککی ، برهان الدین ، مرجع سابق ، صفحه : ۳۳۹

۲۰ ـ ADAMEC, OP . CIT . PP : 149 . 150

۲۱ ـ انیس ، محی الدین ، رجع سابق ، صفحه : ۲۰۸ ، ۲۰۹ و همچنان :
POULLADA . OP . CIT . PP : 231 . 232

۲۲ ـ TELEGRAM FROM HIS BRIIITANNC MAJESTY'S MINISTER AT KABUL TO SECRTARY OF STATE FOR FOREIGN AFFAIRS . INDIA OFFICE 31 st AUGUST 1927 NO : 3942 . P : 4251 . IOR . L / P + S / 11 / 275

۲۳ ـ المجددی ، محمد صادق ، مرجع سابق ، صفحه : ۹۵

۲٤ ـ المجددی ، محمد صادق ، رجع سابق ، صفحه : ۹٦ و از غلام نبی خان دیده شود :
ADAMEC . OP . CIT . PP : 149 . 150

۲۵ ـ المجددی ، محمد صادق ، مرجع سابق ، صفحه : ۱۷٦ • باید ذکر شود که در موضوع مذکور فقط یک مرجع بدست آمده که بدان ذکر شد •

۲٦ ـ انیس ، محی الدین ، مرجع سابق ، صفحه : ۲۳، ۲٤

۲۷ ـ دیده شود فصل سوم و چهارم این تحقیق

۲۸ ـ کشککی ، برهان الدین ، مرجع سابق ، صفحه : ۲۵۹

۲۹ ـ انیس ، محی الدین ، مرجع سابق ، صفحه ۱۳ و همچنان ، غبار ، میر غلام محمد ، مرجع سابق ، صفحه : ۸۰۵

۳۰ ـ جریده امان افغان عدد ۷ سال ۱۳۰۱ مطابق ۱۹۲۲

۳۱ ـ کشککی ، برهان الدین ، مرجع سابق ، صفه : ۲۳۲ ، ۲٤٤

۳۲ ـ جریده اتحاد مشرقی ، ۱۰ قوس ۱۳۰۳ عدد ۷٦ ، ۱۹۲۳

۳۳ ـ غبار ، میر غلام محمد ، مرجع سابق ، صفحه : ۸۰۰

۳٤ ـ اوراق لویه جرگه ۱۳۰۳ ، صفحه : ۳۸۰

۳۵ ـ اوراق لویه جرگه سال ۱۳۰۳ ، صفحه : ۳۸۱

۳٦ ـ اورراق لویه جرگه سال ۱۳۰۳ ، صفحه : ۳۸۱ ، ۳۸۲ و همچنان غبار ، میر غلام محمد ، مرجع سابق ، صفحه : ۸۰۷

۳۷ ـ اوراق لویه جرگه سال ۱۳۰۳ صفحه : ۳۸۳

۳۸ ـ اوراق لویه جرگه ۱۳۰۳ ، صفحه : ۳۸۳

۳۹ ـ کاکا خیل ، سید بهادر شاه ، مرجع سابق ، صفحه : ۱۰٦۸ و هچنان
DUPREE ; LOUIS OP . CT . PP : 448 . 449

٤۰ . غبار ، میر غلام محمد ، مرجع سابق ، صفحه : ۸۰۷ • غوند مشر مذکور برتبه جنرالی رسید و در عهد محمد نادر خان در وزارت حربیه شامل وظیفه شد •

٤۱ ـ ADAMEC " FGHANISTAN FORIEGN AFFARIIS " PP : 88

٤۲ ـ این معلومات را محترمه مرحومه خانم حضرت صاحب مرحوم محمدمعصوم جان مجددی دختر مرحوم سردار محمد عثمان خان در شهر جده سال ۱۹۸۲ دادند •

٤۳ ـ اوراق لویه جرگه سال ۱۳۰۳ ، صفحه : ۳۸٤ • در موضوع هیئت دیده شود :
TYTLER . FRASER W . K . OP . CIT . P: 204

٤٤ ـ IOR . L / P + S / 11 / 298 FEB 22 th 1929 AND SEE : l / P + S / 11 293 5 th . 1929 . P : 1505

۴۵ ـ جریده اصلاح اول اگست ۱۹۳۱

۴۶ ـ TYTLER . FRASER . W . K . OP . CIT . P : 205 AND SEE
POULLADA LEON B . OP . CIT . P : 122

و همچنان : کاکا خیل ، سید بهادر شاه ، مرجع سابق ، صفحه : ۱۰۶۸ ، ۱۰۶۹

۴۷ ـ در باره مذاکرات دیده شود : اوراق لویه جرگه سال ۱۳۰۳ ، صفحه : ۳۰۲ ، ۳۳۹ و

همچنان دیده شد : POULLADA , OP . CIT . PP : 122. 123

۴۸ ـ اوراق لویه جرگه سال ۱۳۰۳ صفحه : ۳٤۰

۴۹ ـ اوراق لویه جرگه سال ۱۳۰۳ ، صفحه : ۳٤٦ ، ۳٤۹

۵۰ ـ ADAMEC . OP . CIT . P : 89

۵۱ ـ کشککی ، برهان الدین ، مرجع سابق ، صفحه : ۲۷۲

۵۲ ـ TYTLER . OP . CIT . P : 205 AND SEE
DUPREE . OP . CIT . PP : 449 . 450

۵۳ ـ ADAMEC . OP . CIT . PP : 89 . 90

و همچنان ، غبار ، مرجع سابق ، صفحه : ۸۱۰

۵٤ ـ ADAMEC . OP . CIT . PP : 89 . 95

۵۵ ـ غبار ، میر غلام محمد ، مرجع سابق ، صفحه : ۸۱۰ و همچنان : IBID

۵٦ ـ جریده ثروت اکتوبر ۱۹۲۵ و همچنان دیده شود
TYTLLER . FRASER . W . K . OP . CIT . P : 125 AND SEE
DUPREE . LOUIS . OP . CIT . PP 449 . 450

۵۷ ـ TELEGRAM FROM SECRETARY OF STATE TO VIICEROY .
IOR . L / P + S / 11 / 275 . 11th APRIL 1928 . P : 1763 . AND SEE
DUPREE . OP . CIT . P : 450

۵۸ ـ GREGORIAN , VARTAN OP . CIT . 263

۵۹ ـ کاکا خیل ، مرجع سابق ، صفحه : ۱۰٦۷ و همچنان دیده شود : دکتور علی مظهر

، مرجع سابق ، صفحه : ۱۲٦

٦٠ - SECRET POLITICALL DEPARTMENT, IOR. L / P + S / 11 / 275
4 th JULY 1928 . P: 3447 AND SEE
TYTLER, FRASER, OP. CIT. P ^ 211

٦١ - TELEGRAM FRIOM VICEROY'S FOREIGN POLITICAL
DEPARTMENT TO SECRETARY OF STATE FOR INDIA.
IOR. L / P + S / 11 / 275 JULY 1928. P: 3447

٦٢ - TELEGRM FROM VICEROY TO SECRTARY OF STATE FOR
INDIA 3 th JULY 1928 . L / P + S / 11 /275 NO: 330 P: 3447

٦٣ - SECRET POLITICL DEPARTMENT 3rd JULY 1928
IOR. L / P + S / 11 / 275 . P: 3323 AND SEE
TYTLER, OP. CIT. P P : 211 . 212

٦٤ - TELEGRAM FROM VICEROY TO SECRTARY OF STATE FOR
INDIA 3 rd JULY 1928 . IOR. L / P + S / 11 / 275 NO: 330 P: 3447

٦٥ - TELEGRAM FROM VICROY TO SCRETARY OF STATE FOR
INDIA. IOR. L / P + S / 11 / 275 . 27 th JUNE 1928 NO: 337 P: 3323

٦٦ - المجددى ، محمد صادق ، مرجع سابق ، صفحه : ٢٨٦

٦٧ - TELEGRAM FROM HIS BRITANNIC MAJESTY 'S MINISTER
AT KABUL TO SECRETARY OF STATE FOR FOREIGN AFFAIRS
INDIA OFFICE. 2 nd JULY 1928
IOR. L / P + S / 11 / 275 . P: 3426

٦٨ - SECRET. POLITICAL DEPARTMENT IOR. L / P + S / 11 / 275 .
3 rd JULY 1928 P: 3426

٦٩ - TELEGRAM FROM HIS BRITANNIC MAJESTY ' S MINISTER
AT KABUL TO SECRETARY OF STATE FOR FOREIGN AFFAIRS
INDIA OFFICE, 2 nd JULY 1928 . NO: 210 . IOR. L / P + S / 11 / 275
P: 3441

۷۰ _ SHAH ( I . A ) " TRAGEDY OF AMANULLAH " P : 178

۷۱ _ غبار ، میر غلام محمد ، رجع سابق ، صفحه : ۸۱۲ و همچنان دیده شود

محمد حسن جوهر ، افغانستان ، صفحه : ۷۵ و همچنان دیده شود :

POULLADA . LEON B . OP . CIT . PP : 124 . 125

۷۲ _ مجله الفتح ، عدد سابق

۷۳ _ الاخبار القاهریه ، دسمبر ۱۹۲۷ و همچنان ، الاهرام ، ۲۷ دسمبر ۱۹۲۷ و همچنان

غبار ، میر غلام محمد ، مرجع سابق ، صفحه : ۸۱۳ و همچنان دیده شود :

TYTLER . FRASER . W . K . OP . CIT . P : 212 AND SEE
FLETCHER , ARNOLD . OP . CIT . P : 215 AND SEE : POULLADA ,
OP . CIT . P : 215

۷٤ _ غبار ، میر غلام محمد ، مرجع سابق ، صفحه : ۸۱۳

۷۵ _ کاکا خیل ، مرجع سابق ، صفحه : ۱۰٦۸ ، ۱۰۷۰ و همچنان دیده شود :

TYTLER . FRASER . OP . CIT . P : 212

۷٦ _ SHAH ( I . A ) OP . CIT . P : 178 AND SEE . GREGORIAN .
VARTAN , OP . CIT . P P : 261 . 481 AND SEE : ALI , MOHAMMED
" PROGRSSIVE AFGHANISTAN " PP : 13 . 14

۷۷ _ غبار ، میر غلام محمد ، مرجع سابق ، صفحه : ۸۱٤

۷۸ _ کشککی ، برهان الدین ، مرجع سابق ، صفحه : ۳۲٤ و همچنان دیده شود :

TYTLER . OP . CIT . P : 213 . AND SEE . FLETCHDR . OP . CIT . P : 215

۷۹ _ MOHAMMED . ALI . OP . CIT . PP : 8 . 9 AND SEE :

کشککی ، برهان الدین ، مرجع سابق ، صفحه : ۳۲۳ و همچنان ، انیس ، محی الدین ،

مرجع سابق ، صفحه : ۳۹

۸۰ _ FLETCHER . ARNOLD . OP . CIT . P : 222 . AND SEE :

POULLADA . OP . CIT . P : 128

۸۱ _ افغانستان فی مقالات ، نشره السفاره الافغانیه بالقاهره ۱۹۵۰ ، صفحه : ۹۵

۸۲ ـ المجددی ، محمد صادق ، مرجع سابق ، صفحه : ۲۰۰ و همچنان دیده شود

POULLADA . OP . CIT . : 128

۸۳ ـ المجددی ، محمد صادق ، مرجع سابق ، صفحه : ۲۰۵ و همچنان دیده شود :

ADAMEC . LUDWIG W " AFGHANISTAN FORIEGN AFFAIRS " P: 139

۸٤ ـ TELEGRAM FROM HIS BRITANNIC MAJESTY ' S AT KABUL TO SECRETARY OF STATE FOR FOREIGN AFFERIIS INDIA OFFICE 3rd AGUST 1927 . IOR . L / P + S / 11 / 275 P : 3845 . AND SEE 26 JAUNRY 1927 . NO : 77 . P : 459

۸۵ ـ غبار ، میر غلام محمد ، مرجع سابق ، صفحه : ۸۱۷

۸٦ ـ ADAMEC , OP . CIT . P : 140

۸۷ ـ جریده انیس ، ١٤ سنبله ۱۳۰۷ ، سپتمبر ۱۹۸۲ این موضوع اصلا در جریده امان افغان در ۲۸ جولای به چاش رسیده بود و بعد از آن حکومت روسیه آنرا دوباره بچاپ رسانیده ۰

۸۸ ـ اوراق محاکمه محمد صادق مجددی و قاضی عبدالرحمن خان ۰ تمام اورق جلسات محاکمه در کتابخانه حضرت صاحب محمد صادق مجددی در المدینه المنوره در مملکت عربستان سعودی موجود است ۰

۸۹ ـ غبار ، میر غلام محمد ، مرجع سابق ، صفحه : ۸۱۷ و همچنان دیده شود :

ADAMEC . OP . CIT . P : 139 . AND SEE : TYTLER OP > CIT . PP : 214 . 215 , AND SEE : FLETCHSR . OP . CIT . P : 213 . AND SEE : GERORIAN . VARTAN . OP . CIT . P : 263

۹۰ ـ TELEGRAM FROM HIS MAJESTY 'S AT KABUL TO SECRETARY OF STATE FOREIGN AFFAIRS LONDON , SPET 11 . 1928 . IOR , L / P + S / 10 / 53

۹۱ ـ ADAMEC . IBID و همچنان دیده شود : کاکا خیل ، مرجع سابق ، صفحه : ۱۰۹۰

۹۲ ـ SHAH ( I . A ) OP . CIT . P : 179 و همچنان غبار ، میر غلام محمد ، مرجع سابق ، صفحه : ۸۱۹

٩٣ ـ ADAMEC . OP . CIT . P : 138

٩٤ ـ FELETCHER . ARNOLD . OP . CIT . PP : 215 . 216

٩٥ ـ غبار ، میر غلام محمد ، مرجع سابق ، صفحه : ٨١٨

٩٦ ـ انیس ، محی الدین ، مرجع سابق ، صفحه : ٣٨ و ٣٩

٩٧ ـ GREGRIAN . VARTAN > OP . CIT . P : 246

٩٨ ـ از علاقات اعلیحضرت امان الله خان با قبائل شرقی دیده شود :
TEREGRAM FROM HIS BRITANNIC MAJESTY ' S MINISTER AT KABUL TO SECRETARY OF STATE 1926 . IOR , L / P + S / 11 / 275 P : 1159 .
L / P + S / 11 / 275 P : 1172 . AND L / P + S / 10 / 1288 , P : 53

٩٩ ـ انیس ، محی الدین ، مرجع سابق ، صفحه : ٤٠ و ٤١ و همچنان دیده شود :
کاکا خیل ، مرجع سابق ، صفحه : ١٠٧٥ و همچنان غبار ، میر غلام محمد ، مرجع سابق
صفحه : ٨١٨ ، ٨١٩

١٠٠ ـ کاکا خیل ، مرجع سابق ، صفحه : ١٠٧٥ و همچنان : بخاری ، سید پاشا ،
مرجع سابق ، و همچنان : جوهر ، بیومی ، مرجع سابق ، صفحه : ٧٧ و همچنان دیده شود
FLETCHER , OP . CIT . P : 216 AND SEE : GREGORIAN , VARTAN . OP . CIT P : 264

١٠١ ـ المجددی ، محمد صادق ، مرجع سابق ، صفحه : ١٩٠ و همچنان ، انیس ، محی
الدین ، مرجع سابق ، صفحه : ٤٤ و همچنان : غبار ، میر غلام محمد ، مرجع سابق ،
صفحه : ٩٧ و ٩٨

١٠٢ ـ POULLADA LEON B . OP . CIT P : 170 , AND SEE : ADAMEC .
OP . CIT . P : 139 AND SEE : GREGORIAN . OP . CIT . P : 264

١٠٣ ـ FLETCHER . ARNOLD . OP > CIT . P : 216

١٠٤ ـ ADAMEC . OP . CIT . P : 140 و همچنان غبار ، مرجع سابق ، صفحه : ٨١٩

١٠٥ ـ IOR . L / P + S / 11 / 293

۱۰۶ـ TELEGRAM FROM HIS BRITANNIC MAJESTY ' S MINISTER AT KABUL TO SECRETERY OF STATE FOR FOREIGN AFFAIIRS INDIA OFFICE . IOR . L / P + S / 11 / 275 NO : 26 . 1928 P : 6311

۱۰۷ـ TYLER . FRASER . OP . CIT . P : 214

۱۰۸ـ TYTLER . FRASER . OP . CIT . P P : 216 . 217 . AND SEE : FLETCHER . OP . CIT . P : 214

۱۰۹ـ SECRET POLITICAL DEPARTMENT . IOR . L / P + S / 11 293 . P : 2317 AND SEE : P : 5465 AND : 6736 . 6737

۱۱۰ـ TELEGRAM FROM HIS BRITANNC MAJESTY ' S MINISTER AT KABUL TO VICEROY INDIA OFFICE . IOR . L / P + S / 11 / 293 P : 6736

۱۱۱ـ TEEGRAM FROM HIS BRITANNIC MAJESTY ' S MINISTER AT KABUL TO SECRETARY OF STATE FOR FOREIGAN AFFAIRS IINDIA OFFICE 12 th . DEC . 1928 . IOR . L / P + S / 11 / 293 P : 6718

۱۱۲ـ SUNDAY TIMSE 9 th DEC 1929 . IOR . L / P + S / 11 / 293

۱۱۳ ـ انیس ، محی الدین ، مرجع سابق ، صفحه : ۵۰ و همچنا دیده شود :
POULLADA . OP . CIT . P : 171 . AND SEE : TYTLER . OP . CIT . P : 214 AND SEE : GREGORIAN , OP . CIT . P : 264 . AND SEE : DUPREE . OP . CIT . P : 452 . AND SEE : ADAMEC . OP . CIT . P : 140

۱۱٤ـ IOR . L / P + S / 11 / 293

۱۱۵ ـ المجددی ، محمد صادق ، مرجع سابق ، صفحه : ۵۱۰

۱۱۶ ـ کاکا خیل ، سید بهادر شاه ، رجع سایق ، صفحه : ۱۰۷۹ و ۱۰۸۰ و همچنان
POULLADA LEON B . Op . CIT . P P : 216 . 217

۱۱۷ـ IOR . P / P + S / 10 1 1288 , 1929 . P : 53 , AND SEE : FLETCHER . OP . CIT . PP : 216 . 217

۱۱۸ ـ حبیب الله خان در سال ۱۸۹۰ در قریه کلکان که از کابل ۳۵ کیلومتر فاصله دارد تولد یافته ، برای مزید معلومات راجعه شود به :

ADAMEC . " WHO ' O WHO OF AFGHANISTAN " PP : 155 . 156 . AND SEE : ADAMEC . " AFGHANNISTAN FOREIGAN AFFIRS " P : 143

۱۱۹ _ HABIBULLAH " MY LIFE FROM BRIG AND TO KING " PP : 35 - 36

۱۲۰ _ انیس ، محی الدین ، مرجع سابق ، صفحه : ۷۶

۱۲۱ _ TYTLER . FRESAR > OP . CIT . P : 215

۱۲۲ _ ADAMEC . OP . CIT . P : 98

۱۲۳ _ HABIBULLAH . OP . CIT . P : 98

۱۲٤ _ رویداد ریاست دیوان عالی حکومت شاهی افغانستان ، فقره ۷ ، ۷۲، ۷۳ ، ۷٤ ، ۷۵ صفحه : ۳۷ ، ۳۸

۱۲۵ _ فرمان نمبر ٤۱۷ تاریخ ۲۳ شعبان ۱۳٤۷ و فرمان نمبر ٤۱۸ تاریخ ۲۳ شعبان ۱۳٤۷ نشر شده در رویداد ریاست دیوان عالی حکومت شاهی افغانستان ، صفحه : ٦۲ ، ٦۳

۱۲٦ _ رویداد ریاست دیوان عالی حکومت شاهی افغانستان ، فقره ۸۳ ، صفحه : ٤۵

۱۲۷ رویداد ریاست دیوان عالی حکومت شاهی افغانستان ، صفحه : ۵۳ ، ۵٤

_ از سردار احمد علی خان دیده شود :

ADAMEC . " WHO'S WHO OF AFGHANSTAN " P : 109

۱۲۸ _ رویداد ریاست دیوان عالی حکومت شاهی افغانستان ، فقره ۱۰۵ ، صفحه : ۵۵ و همچنان دیده شود : غبار ، میر غلام محمد ، مرجع سابق ، صفحه : ۸۲۱ و همچنان دیده شود : انیس ، محی الدین ، مرجع سابق ، صفحه : ۷۹

۱۲۹ _ انیس ، محی الدین ، مرجع سابق ، صفحه : ۸۰

۱۳۰ _ رویداد ریاست دیوان عالی حکومت شاهی افغانستان ، فقره ۱۰٦ ، ۱۰۸ ، صفحه : ۵۵ ۵٦ و همچنان دیده شود :

POULLADA LEON B . OP . CIT .PP : 272 - 273 . AND SEE :

۱۳۱ _ HABIBULLAH OP . CIT . PP : 118 - 119

١٣٢ ـ رویداد ریاست دیوان عالی حکومت شاهی افغانستان ، فقره : ١٠٧ . ١٠٨ ، صفحه : ٥٦ ، و همچنان دید شود : انیس ، محی الدین ، صفحه : ٨٥ و ٨٦

١٣٣ ـ رویداد ریاست دیوان عالی حکومت شاهی افغانستان ، فقره : ٥٦ و همچنان :

**POULLADA LEON B . OP . CIT . P : 273**

١٣٤ ـ رویداد ریاست دیوان عالی حکومتت شاهی افغانستان ، فقره ١٠٩ ، صفه : ٥٦ و همچنان دیده شود : انیس ، محی الدین ، مرجع سابق ، صفحه : ٨٢

١٣٥ ـ **HABIBULLAH . OP . CIT . P : 123**

در موضوع معاهدات دیده شود : انیس ، محی الدین ، مرجع سابق ، صفحه : ٨٣

١٣٦ ـ رویداد ریاست دیوان عالی حکومت شاهی افغانستان ، فقره : ١١٠ ، صفحه : ٥٧ و همچنان دیده شود :

**HABIBULLAH . OP . CIT . P : 128 . AND SEE : WILD , ROLAND . OP . CIT . P : 204 . CH ( XIII )**

١٣٧ ـ از فرمانها دیده شود : رویداد ریاست دیوان عالی حکومت شاهی افغانستان ، فقر : ١٥٨ ، ١٥٩ ، صفحه : ٨٠ و ٨١ و همچنان ، انیس ، محی الدین مرجع سابق ، صفحه : ٨٢ ، ٨٥ و همچنان دیده شود :

**POULLADA LEON B . OP . CIT . P : 273 , AND SEE : HABBULLAH , OP . CIT . PP : 123 - 124**

١٣٨ ـ **POULLADA LEON B . OP . CT . P : 273 . AND SEE : HABIBULLAH . OP . CIT . P : 128**

١٣٩ ـ اتیس ، محی الدین ، مرجع سابق ، صفحه : ٨٧ و همچنان دیده شود :

**DUPREE LOUIS , OP . CIT . P : 452**

١٤٠ ـ **TYTLER . OP . CIT . P : 215 . AND SEE : POULLADA LEON B . OP . CIT . Ó Ú 174**

١٤١ ـ رویداد ریاست دیوان عالی حکومت شاهی افغانستان ، فقره ١١١ ، ١١٢ ، صفحه : ٥٧ ، ٥٨

١٤٢ _ IOR . L / P + S / 10 / 1288 . 1929 P : 53 . AND SEE : IOR . L / P + S / 11 / 293 . AND SEE : ADAMEC . OP . CIT . P : 143 ,, AND SEE : POULLADA . OP . CIT . P : 147 . AND SEE : TYTLER , OP . CIT . P : 215

١٤٣ _ انیس ، محی الدین ، مرجع سابق ، صفحه : ١٧٤

١٤٤ _ ADAMEC . " AFGHANISTAN FOREIGN " PP : 143 - 144

١٤٥ _ این معلومات را مرحوم استاد خلیلی در قاهره سال ١٩٨٠

١٤٦ _ غبار ، میر غلام محمد ، مرجع سابق ، صفحه : ٨٢٣

١٤٧ _ رویداد ریاست دیوان عالی حکومت شاهی افغانستان ، فقره : ٢٤٢ ، ٢٤٤ ، صفحه ١٢٢ ، ١٢٣

١٤٨ _ این معلومات را پوند فاضل خان در اکتوبر سال ١٩٨٢ در شهر جده برایم دادند •

١٤٩ _ انیس ، محی الدین ، مرجع سابق ، صفحه : ٧٣ و مچنان دیده شود :
ADAMEC " AFGHANISTAN ROREIGN AFFIRS " P : 144

١٥٠ _ انیس ، محی الدین ، مرجع سابق ، صفحه : ٨٢٤

١٥١ _ TELEGRAM FROM HIS MAJESTY ' S MINISTER AT KABUL TO SECRETARY OF STATE FOR FOREIGN AFFAIRS LONDON JUNARY 6 . 1929 . IOR . L / P + S / 10 / 285 . NO : 19 . 1929

١٥٢ _ کاپی فرمان را در نهایت این تحقیق مطالعه فرمائید •

١٥٣ _ الجددی ، محمد صادق ، رجع سابق ، صفحه : ٢٨٠ و ٣٠١

١٥٤ _ ALI . MOHAMMED : " PROGRSSIVE AFGHANISTAN " P : 39
و همچنان ، غبار ، میر غلام محمد ، مرجع سابق ، صفحه : ٨٢٥

١٥٥ _ TYTLER . OP . CIT . P : 216 . AND SEE : FLETCHER . OP . CIT . P : 218 و همچنان دیده شود : انیس ، محی الدین ، صفحه : ٦٣ و همچنان دیده شود: غبار ، میر غلام محمد ، مرجع سابق ، صفحه : ٨٢٥

١٥٦ _ DUPREE . OP . CIT . PP : 452 - 453 . AND SEE : WILD > AOLANAD : OP . CIT . CH ( XIV )

۱۵۷ ـ المجددی ، محمد صادق ، مرجع سابق ، صفحه : ۲۸۱

۱۵۸ ـ این معلومات را مرحوم استاد خلیلی در ۱۹۸۰ در قاهره داد ٠

۱۵۹ ـ کاکا خیل ، سید ظفر شاه ، مرجع سابق ، صفحه : ۱۰۹۱

۱٦۰ ـ GREGORIAN VARTAN , OP . CIT . P : 264

۱٦۱ ـ انیس ، محی الدین ، مرجع سابق ، صفحه : ۹۷ و همچنان ، غبار ، غلام محمد ، مرجع سابق ، ۸۲۵

۱٦۲ ـ کشککی ، برهان الدین ، مرجع سابق ، صفحه : ۳۳٤

۱٦۳ ـ IOR . L / P + S / 10 / 1929 . NO : 13 . P : 53

۱٦٤ ـ المجددی ، محمد صادق ، مرجع سابق ، صفحه : ۲۹۰ و هچنان ، غبار ، میر غلام محمد ، رجع سابق ، صفحه : ۸۲٦

۱٦۵ ـ IOR . L / P + S / 10 / 1289 / 1929 NO . 8 > AND SEE GREGORIAN VARTAN . OP . CIT . P : 265 . AND SEE : DUPREE LOUIS . OP . CIT . P : 453 AND SEE : POULLADA . OP . Cit . P P : 177 - 178

۱٦٦ ـ المجددی ، محمد صادق ، مرجع سابق ، صفحه : ۲۹۱

۱٦۷ ـ غبار ، میر غلام محمد ، مرجع سابق ، صفحه : ۸۲۷ ، ۸۲۸

۱٦۸ ـ مجله المصور ، عدد ۵ جولای ۱۹۳۱ و همچنان دیده شود :
POULLADA LEON B . OP . CIT . P : 179

۱٦۹ ـ کشککی ، برهان الدین ، مرجع سابق ، صفحه : ۳۳۸

۱۷۰ ـ POLITICAL DEPARTMENT PARLIAMENTARY NOTICE SESSION . 1928 - 1929 . IOR . L / P + S / 11 / 293

۱۷۱ ـ GREGORIAN VARTAN . OP . CIT . P : 266

۱۷۲ ـ جریده حبیب الاسلام ، سال اول ، پنجشنبه ۱٤ ذی الحجه عدد ۱۲ ـ ۱۳٤۷

۱۷۳ ـ از فرمان دیده شود : المجددی ، محمد صادق ، مرجع سابق ، صفحه : ۵۹۱

۱۷٤ ـ جریده حبیب الاسلام ، عدد سابق و همچنان دیده شود :

DUPREE LOUIS . OP . CIT . P : 453

۱۷۵ ـ جریده حبیب الاسلام ، عدد سابق و همچنان : IBID

۱۷۶ ـ المجددی ، محمد صادق ، مرجع سابق ، صفحه : ۶۰۴

۱۷۷ ـ POULLADA LEON B . OP . CIT . P : 186

۱۷۸ ـ المجددی ، محمد صادق ، مرجع سابق ، صفحه : ۶۰۵ ، ۶۱۳

۱۷۹ ـ DUREE LOUIS . OP . CIT . P : 454 . AND SEE : WILD ROLAND . OP . CIT . CH ( XV )

۱۸۰ ـ المجددی ، محمد صادق ، مرجع سابق ، صفحه : ۶۱۵

۱۸۱ ـ TYTLER FRASER . OP . CIT . P: 217 . AND SEE : WILD ROLAND . OP . CIT . CH ( XVI )

۱۸۲ ـ جریده حبیب الاسلام ، عدد سابق

۱۸۳ ـ SECRET TELEGRAM FROM FOREIGN OFFCE LONDON LEGATION KABUL FEB 2 , 1929 . NO : 32 IOR . L / P + S / 10 / 1288 . PART : 5

۱۸۴ ـ در نهایت این تحقیق به اصل فرمان مراجعه شود ٠

۱۸۵ ـ از انقلابیون هندوستان و دعوت شان بکابل دیده شود :

POLITICAL AND SECRET DEPARTMENT RECORDS 1956 - 1950
IOR . L / P + S / 11 / 237 . 25 OCT , 1923 . 15 FEB , 1924 P: 4411

۱۸۶ ـ LE SAIR FEB 22 , 1929 = IOR . L / P +S / 11 / 298

۱۸۷ ـ POULLADA LEON B . OP . CIT . P: 251

۱۸۸ ـ TEEGRAM FROM SIR . FRANCIS HUMPHRY TO THE GOVERNMENT OF INDIA 4 th JANUARY 1929 . NO : 72 AND 13 th DEC , 1928 . AND TELEGRAM TO LONDON . NO : 39 JUNUARY 14 , 1929 . AND TELEGRAM FROM VICEROY TO SR . FRANCIIS HUMPHRY 4 th JUNUARY , 1929 . NO : 28 . P : 105 . IOR . L / P + S / 11 / 293

١٨٩ ـ TELEGRAM FROM SECRETARY OF STATE TO H . M . MINISTER AT KABUL 5 OCT , 1928 . P: 5310 . NO : 42 . AND SEE TELEGRAM FROM SIR . FRANCIS HUMPHRY ' S TO SECRETARY OF STATE 12 th DEC , 1928 . NO : 76 . P : 6736 , AND SEE HUMPHRY ' S TO GOVRNMENT OF INDA 3 rd JUNUARY 1929 IOR . L / P + S / 11 / 293

١٩٠ ـ SUNDAY EXPRESS JULY 30 , 1928 = IOR . L / P + S / 11 / 293

١٩١ ـ EXTRACT ( TRANLATION ) FROM THE SHAFAGA SORKH , TEHRAN THE 28 FEB , 1928 = IOR . L / P + S / 11 / 293 . P: 2317

١٩٢ ـ REORT FROM CLAUD RUSSEL TO SIR . AUSTEN CHAMBERAIN K . G . M . P . 8th FEB , 1929 . NO : 25 , P : 1618 IOR . L / P + S / 11 / 293

١٩٣ ـ REPORT FROM THE J . H . LECHE TO SIR . AUSTEN CHAMBERAIN K . G . M . P . 22 FEB , 1929 , NO : 36 . P : 1829 IOR . L / P + S / 11 / 293

١٩٤ ـ S . D . GRANVILLE TO SIR . AUSTEN CHAMBERLAIN K . G . M . P . JANUARY 28 th , 1929 NO : 53 . P : 864 , AND NO : 76 / 132 / 2 / 29 / P : 1505 , 5th FEB , 1929 , P : 864 = IOR . L / P + S / 11 / 293

١٩٥ ـ SECRET POLITICAL DEPARTMENT 21 MARCH 1929 IOR . L / P + S / 11 / 293 , P : 2317

١٩٦ ـ REORT FROM P . J . PATRICK 12 / 12 / 1928 , SECRET POLITICAL DEPARTMENT . IOR . L / P + S / 11 / 293 . P : 4565

١٩٧ ـ INTLD M . C . S . 15 / 12 / 1928 , P : 6736 . IOR . L / P + S / 11 / 293

١٩٨ ـ INTLD TO SIR . A . HIRTZEL AND PATRICK TO CLAUD W . JAEIB . 13 / 12 / 1928 . SECRET POLITICAL DEPARTMENT IOR . L / P + S / 11 / 293 . P : 6737

١٩٩ ـ PARLIAMENTARY POLITICA DEPPARTMENT SECTION : 1 , 1928 - 1929 WEDNESDAY 6 th FEB 1929 AND 12 FEB , 1929 , P : 266

IOR . L / P + S / 11 / 293

۲۰۰ _ PARLIAMENTARY . IOR . L / P + S / 10 / 6 , 1929

۲۰۱ _ POULLADA LEON B . OP . CIT . P : 262

۲۰۲ _ جریده اصلاح ، ۱٦ ربیع الثانی ۱۳٤۹ ، ۱۹۲۰

۲۵۳ _ بخاری ، سید شاه ، مرجع سابق ، صفحه : ۱۲۱

## خاتمه :

تتبع در عصر سلطنت اعلیحضرت امان الله خان نشان میدهد که عصر اعلیحضرت امان الله خان در ابتدای آن عصر خیر و برکت برای افغانستان بود ۰ تمام قوای سیاسی در افغانستان تحت قیادت امان الله خان متحد شدند که در نتیجه ای آن افغانستان به استقلال سیاسی و اقتصادی خود رسید ۰

بعد از حصول استقلال امان الله خان به مشوره های زعمای ملت توجه نکرد و معاهدهٔ صلح را با دولت انگلستان بامضاء رسانید که در اثر آن افغانستان خط دیورند شناخته سرزمین های غرب خط دیورند که جزء افغانستان بود از افغانستان جدا ساخته شد و دولت انگلستان موقع یافت تا از قبائل افغانی جانب غرب خط دیورند انتقام گیرد ۰

بعد از استقلال امان الله خان سیاست دولت خود را استفاده از اختلافات بین قبائل تعین نمود و در نظام حکومت عدم مقید بودن را در مشوره و اشتراک ملت را در حکومت خط مشی خود ساخت ۰ سیاست امان الله خان برای آینده سیاسی و اجتماعی افغانستان خطرات زیادی را بار آورد ۰

امان الله خان در معالجه مشکلات داخلی از سیاست غیر مناسب پیروی نمود و در خاموش ساختن انقلابات یک قبیله را علیه قبیله ای دیگر استعمال نمود که اساس اختلافات بین پشتون و غیر پشتون بوجود آمد ۰

امان الله خان در طول ده سال حکومتش خطاهای زیادی را مرتکب شد و در علاج خطاهای خود نشده به آن ادامه داد تا اینکه ملت به دولت اطمینان نکرده و تمام تبلیغات علیه دولت را تصدیق نمود ۰ مثلا امان الله خان بدون مطالعه معاش افراد نظامی را بلند ساخت لیکن نتوانست به وعده خود وفاء کند ۰ در ابتداء وعده داد که مالیات را اصلاح نموده مقدار آنرا کم میسازد لیکن در نتیجه عدم پروگرام اقتصادی سلیم بر عکس در مقدار مالیات افزوده شد ۰

امان الله خان شعار دولت را قانون اعلان نمود لیکن در بسیاری اوقات اولین شخصیکه قانون را

احترام نمیکرد شخص پادشاه بود • موافقت های پادشاه با نمایندگان ملت در مجالس شورای ملی موقتی بود و فقط در روی کاغذ ثبت گردیده در عمل پیاده نمیشد • در اثر آن بی اعتمادی بین نمایندگان ملت و دولت بوجود آمد • و در مرور زمان در نتیجه سیاست پادشاه اختلافات شکل قیام انقلابات را بخود گرفت •

در میدان اصلاحات ملاحظه میشود که اصلاحات پادشاه وسیع و شامل تمام جوانب زندگی ملت افغانستان بود لیکن پادشاه جهت پیشبرد اصلاحاتش در فکر بوجود آوردن ادارهٔ عالی که مسئولیت اصلاحات را داشته باشد نشد • امان الله خان اگر چه شخص اصلاح طلب بود لیکن در اداره تجربه ای کافی نداشت و سیاست اصلاحی اش مطابق احتیاجات دولت نبود •

امان الله خان در میدان اصلاحات بین اولیات و ضروریات در دولت توجه نداشت در وقتیکه دولت احتیاج شدید به اصلاحات زراعتی و آبیاری و صناعت داشت پادشاه زیادترین وقت خود را در اصلاحات لباس و حجاب بمصرف میرسانید • باید پادشاه اصلاحات اجتماعی وخصوصا آزادی زنان را در فرصت مناسب عملی میساخت • اصلاحات اجتماعی پادشاه وسیلهٔ خوبی برای مخالفین اش بود و از آن استفاده ای خوبی نمودند •

اصلاحات اعلیحضرت امان الله خان در میدان قوانین ، عسکری و معارف را میتوان از مهمترین اصلاحات وی در افغانستان در جریان حکومتش دانست • هدف از اصدار قوانین تشکیل دولت جدید باساس قانون بود لیکن قوانین امان الله خان با نظام قبیلوی افغانستان تصادم نمود و افراد قبائل برای جلو گیری از سیطرت حکومت مرکزی و حفظ سلطه شان در مقابل دولت قیام نمودند • امان الله خان باید در ابتداء تأئید زعمای قبائل را برای حکومت خود کسب می نمود و علیه شان مبارزه را در مراحل اول حکومت خود اعلان نمیکرد • اصلاحات عسکری امان الله خان برای تشکیل قوای نظامی معاصر و جدید در افغانستان ضروری بود و باید مورد اجراء قرار میگرفت لیکن اصلاحات عسکری را افسران نظامی تأئید نکردند زیرا بسیاری از امتیازات مالی و اجتماعی خود را از دست میدادند • استفادهٔ امان الله خان از مشاورین نظامی خارجی یک ضرورت علمی بود لیکن متأسفانه صاحب منصبان نظامی افغانستان موجودیت افسران نظامی خارجی را در بین خود اهانت به مقام افغانی خود تعبییر کردند•

قانون جدید جلب عسکری که هدف از آن تکوین قوای نظامی ملی به اساس عدالت اجتماعی و توزیع مسئولیت اجتماعی بود از طرف زعمای قبائل مورد تأئید واقع نشد• منافع قومی و شخصی اسباب عدم تطبیق قانون پشک جدید را بوجود آورد و امان الله خان در نتیجه قیام انقلابات مجبور شد نظام قومی را در جلب عسکری دوباره قبول کند •

امان الله خان در اصلاحات اجتماعی خصوصا آزادی طبقهٔ نسوان زیادترین وقت خود و دولت را بمصرف رسانید در حالیکه در مجال اصلاحات اقتصادی زحمات زیادی نکشید • از اصلاحات اقتصادی امان الله خان بوضاحت معلوم میشود که تجربه کافی و معلومات وافر در موضوعات اقتصادی نداشت لیکن این دلیل ابراء ذمه برای پادشاه و خصوصا پادشاه اصلاح طلب مانند امان الله خان شده نمیتواند • امان الله خان چنانچه در شئون نظامی و قانونی و عمرانی از مشاورین خارجی استفاده کرد باید در اصلاحات اقتصادی نیز از مشاورین خارجی مستفید میشد• امان الله خان در نظام اقتصادی زراعتی از نظام فیودالیزم دفاع میکرد و مساحات بزرگ زمین های دولتی را در عوض اینکه برای طبقهٔ دهقان توزیع میکرد به دوستان و صاحبان قدرت بشکل هدیه میداد •

در میدان اصلاحات عمرانی سیاست امان الله خان باساس علمی و احتیاجات دولت و ملت نبود• سیاست تعمیراتی امان الله خان مشکلات اقتصادی زیادی را برای دولت بوجود آورد که برای حل آن مالیات جدید وضع گردید •

در میدان حکومت و ادارهٔ دولتی تجربهٔ امان الله خان محدود بود و از تجارب کشور های خارجی در نظام حکومتداری معلومات کافی نداشت • امان الله خان در بسیاری مواقع در معامله با مشکلات اداری از غرور سلطنتی که عادت حکام شرقی بود استفاده میکرد • ارکان اداری دولت امان الله خان دارای تجربه عالی نبودند و از سیاست تملق و عدم ابراز نظر که از رسم و رواجهای های نا مناسب ملت ما است در شئون اداری استفاده میکردند و موضوعات را بصراحت برای پادشاه ابراز نمیکردند تا موجب عدم رضایت مقام سلطنت را نسبت بخود و خانوادهٔ خود جلب نکنند •

امان الله خان جهت بنای افغانستان جدید و مترقی احتیاج به جوانان با تجربه و وزرای مخلص و

با تجربه داشت • پادشاه برای پیشبرد نظام دولتی به جوانان طبقه ممتاز در دولت اعتماد داشت و نتوانست افراد طبقهٔ متوسط را برای پیشبرد امور دولتی تربیه کند •

در جریان تحقیق و مطالعهٔ عصر اعلیحضرت امان الله میتوان گفت که عصر اعلیحضرت امان الله خان تجربه ای مفید و درسی از دروس تاریخ در افغانستان میباشد • ملاحظه شد که اجتماعی که اساس آن قبیلوی باشد مانند اجتماع افغانستان تکوین حکومت مرکزی قوی را قبول نمیکند • اساس مقاومت و انقلابات علیه دولت مرکزی در طول عصر امان الله خان را تنها افکار اسلامی تشکیل نمیداد بلکه منافع شخصی و حفظ تکوین نظام قبیلوی و استقلال ذاتی نیز از مهمترین اسباب مشکلات بین دولت مرکزی و افراد قبائل بود•
امان الله خان در ابتدای سلطنتش از تأئید زعمای اسلامی بهره مند بود لیکن در اواسط حکومتش خصوصا بعد از ۱۹۲۵ هر روز تأئید زعمای اسلامی را در نتیجه روش خود در حکومت و سرعت در اصلاحات از دست میداد • امان الله خان تصور میکرد که چنانچه کمال اتاترک توانست قوت و نفوذ علمای اسلامی را در ترکیه ضعیف سازد او نیز میتواند در افغانستان همین کار را بکند • امان الله خان درک نکرد که بین ترکیه و افغانستان فرق بزرگی موجود است• از تجربه امان الله خان دانسته میشود که در شرایطی نظامهای قبیلوی سیطرت تام حکومت مرکزی را قبول نمیکنند • تجربه امان الله خان در میدان قانون نشان داد که قانون و پارلمان وسائل فعال در تغییر نظام سیاسی و اجتماعی افغانستان شده نتوانست • امان الله خان باید در نشر ثقافت و کلتور قبل از اصدار قوانین آغاز میکرد و تغییرات را به وقت میگذاشت • اعلیحضرت محمد ظاهر شاه از تجربهٔ امان الله استفاده اعظمی را کرد •
در سیاست خارجی امان الله خان تجربه کافی نداشت و از تغییرات سیاسی در جهان بی معلومات بود • امان الله خان زمانیکه با دولت انگلستان داخل جنگ بود نتوانست از وجود روسیه استفادهٔ خوب نماید • در نتیجه حفظ توازن قوای سیاسی امان الله برای دولت انگلستان وقت کافی داد تا علیه اش قیام کند • در بدایت قرن بیستم و در موجودیت قوای انگلستان در هند برای افغانستان مفید بود تا دوستی روسیه را به دشمنی انگلستان تبدیل نکند •

سردار عبدالقدوس در دادن مشوره برای امان الله خان در حفظ روابط با انگلستان بسیار واقعانه فکر میکرد لیکن امان الله خان نخواست از تجارب صاحبان تجربه در افغانستان استفاده کند ۰ تبلیغات نقش مهم را در رسیدن اعلیحضرت امان الله خان به سلطنت افغانستان داشت ۰ لیکن امان الله از تبلیغات در قناعت دادن ملت به اصلاحات خود استفاده ای درست نکرد بر عکس دشمنان امان الله خان تبلیغات را وسیلهٔ فعال سیاسی برای سرنگونی امان الله خان دانستند و در هدف خود موفق شدند ۰

مشکلاتی که ذکر شد و مشکلات اقتصادی که امان الله خان داشت با نداشتن تجربه سیاسی و عدم درک ملت به واقعیت ها و عدم صبر بعضی از زعمای ملی و عدم اخلاص مامورین ملکی و نظامی برای امان الله خان و دولت اش اسباب قیام انقلابات را آماده ساخت ۰ ممکن بود از سقوط سلطنت امان الله خان جلوگیری میشد در صورتیکه همکاری بین امان الله خان و زعمای اسلامی موجود میبود ۰

دولت امان الله خان سقوط کرد و واقعات اش اجتماع افغانستان را مانند زلزله بلرزه انداخت و از تجربه سقوط آن جنرال محمد نادر خان استفاده مثبت نمود و در ضعیف ساختن زعمای اسلامی کوشش نمود و توانست با فرستادن شان به خارج از کشور ضمینهٔ سیاسی را برای آینده سلطنت آل یحیی مساعد نماید ۰ جنرال محمد نادر خان در معامله با قبائل بر خلاف امان الله خان از راه تعاون و همکاری متقابله و فرستادن هدیه و پول کار گرفت و در ضعیف ساختن زعمای قبائل کوشید ۰

جای شک نیست که در طریقه حکومت نمودن و سیاست دولت اسلوب ذاتی شخص دخالت دارد بدین لحاظ خواستم تا عصر اعلیحضرت امان الله خان را به تحلیلی از شخصیت اش خاتمه بدهم زیرا تحلیل و مطالعهٔ شخصیت امان الله در فهم این تحقیق کمک خواهد کرد ۰

## شخصیت اعلیحضرت امان الله خان :

مطالعه ای شخصیت امان الله خان برای تکمیل شدن و نهایت این تحقیق ضرورت حتمی میباشد امان الله خان در تاریخ معاصر افغانستان نقش مهم و فعال را بازی نموده و در سیر حوادث سیاسی و اجتماعی و ثقافتی افغانستان معاصر جای خاصی برای خود دارد بدین نسبت مطالعهٔ شخصیت امان الله خان و نقاطیکه در تکوین شخصیت اش رول داشت در دانستن امان الله خان و اثرات مثبت و منفی ایکه در جریان حکومتش گذاشت ما را کمک خواهد کرد ۰

امان الله خان در ۱۸۹۲ در شهر پغمان ولایت کابل تولد یافت ، از مراحل طفولیت این پادشاه معلومات کافی در دست نیست همینقدر معلومات موجود است که امان الله خان در طفولیت نزد علمای قصر علوم اسلامی و زبان فارسی و ادبیات ترکی را باتمام رسانیده در سن بلوغ بمدرسهٔ عسکری شهر کابل که مخصوص خانوادهٔ سلطنتی و زعمای قبائل بود شامل شد ۰ امان الله خان در مرحله تحصیل در مدرسهٔ عسکری با تعدادی از جوانان قبائل و خانواده های بزرگ مناسبات دوستی قائم نمود که همین روابط در رسیدنش به سلطنت افغانستان کمک نمود ۰ (۱)
امان الله خان بسن ١٦ سالگی با دختری ازدواج کرد که تاریخ معاصر افغانستان اسم خانم اول امان الله خان را ثبت نکرد ۰ خانم اول امان الله خان از انتخاب ملکه مادر امان الله خان بود ۰ ازدواج اول نتیجهٔ خوبی در زندگی شخصی امان الله خان نداد و بالاخره منجر به طلاق شد۰ در سن ۱۹ سالگی امان الله خان با دوشیزه ای جوان بنام ـ شهزاده خانم ـ ازدواج نمود که سردار هدایت الله خان از شهزاده خانم بود ۰ شهزاده خانم از انتخاب ملکه ، مادر امان الله خان بود که در جوانی دنیا را وداع گفت ۰ (۲)
حق انتخاب زن از طرف مادر با عدم موفقیت در حیات خانوادگی نزد امان الله خان مفکوره ایرا بوجود آورد که باید حق انتخاب شریک زندگی برای خود زن و مرد داده شود ۰ فکر دادن آزادی در انتخاب شریک زندگی در تدوین قانون ازدواج رول مهم را داشت و امان الله خان در اثنای تدوین قانون ازدواج خواست رسم و رواج افغانی را در اختیار شریک زندگی اصلاح کند ۰

در سن بیست و یک سالگی امان الله خان اجازه نداد کسی برایش زن جستجو کند • خودش تصمیم گرفت تا باختیار آزاد شریک زندگی اش را پیدا کند • امان الله خان با دیدن ملکه ثریا و حرف زدن با وی تصمیم گرفت با ثریا دختر سردار محمود خان طرزی ازدواج کند • ثریا دختر زیبا بود و دارای ثقافت عالی نیز بود • ثریا در ترکیه و سوریه و فرانسه بزرگ شده بود و بزبان عربی و ترکی و فرانسوی حرف میزد • ثریا با داشتن ثقافت عالی و جمال عالی توانست نقش اساسی را در زندگی امان الله خاان بازی کند • (۳)

امان الله خان در جوانی به افکار سید جمال الدین افغانی و شیخ محمد عبدو ، و مصطفی کمال پاشاه ـ که همه شان از فلسفهٔ نهضت اسلامی شرقی و افریقائی و هندی پیروی مینمودند (٤) گرویده بود و همچنان حضرت شمس المشایخ مجددی در تربیه اسلامی امان الله خان نقش بزرگ را داشت و ملاحظه میشود تا حیات این شیخ جلیل امان الله خان از سیاست اسلامی در حکومت استفاده میکرد که ما بخوبی دروهٔ از ۱۹۱۹ تا ۱۹۲٤ حکومت امان الله خان را مشاهده میکنیم که دوره افکار اسلامی و جهادی بود • لیکن بعد از وفات شیخ مجددی پله محمود طرزی غلبه نمود و طرزی توانست در زندگی امان الله نقش مهم را را ایفا کند و افکار کمال اتاترک را در افغانستان پیاده نماید •

ملکه علیا حضرت سراج الخواتین والدهٔ امان الله خان در تربیهٔ امان الله خان نقش برازنده داشت • علیا حضرت زنی آهنین بود که توانست در مقابل مشکلات سیاسی و اجتماعی مقاومت کند • سفیر انگلستان در کابل ملکه را این طور توصیف نمود : پیر زنی که واقعات و حوادث وی را بلرزه نیآورد • (٥)

امان الله خان پسر یگانه ملکه بود بدین نسبت ملکه تمام زندگی اش را در تربیه وی سپری نمود• ملکه در تربیه امان الله خان اهداف بزرگ داشت و می خواست پسرش به مقام سلطنت برسد بدین لحاظ در کسر شوکت باقی پسران امیر حبیب الله خان میکوشید • برای رسیدن به هدف خود ملکه امان الله خان را تربیه افغانی نمود و هر سال پسر را نزد اقوام خود به قندهار

میفرستاد تا با زعمای قبائل بزرگ شود و از شجاعت و کرم افغانی بیآموزد •

شخصیت های خارجی در تکوین شخصیت امان الله خان رول مهم را بازی نمودند خصوصا در ناحیه سیاسی و ثقافتی • روز های قبل از جنگ جهانی اول تعدادی از دپلوماتهای خارجی به افغانستان آمدند تا افغانستان را تشویق به داخل شدن در جنگ علیه انگلستان کنند • در بین این دپلوماتها زیادتر شان المانی و اتریشی و ترکی و هندی بودند • امان الله خان با دپلوماتهای خارجی ملاقات ها داشت و در امور سیاسی موضوعات جدید تجارب زیادی آموخت و دانست که افغانستان دارای اهمیت جغرافیائی و استراتیژیکی است • (٦)

امان الله خان با دپلوماتهای خارجی مقیم کابل نیز روابط ممتاز داشت و در دعوتهای سفارتها شخصا اشتراک میکرد • امان الله خان در دعوت ها از زندگی اجتماعی و ثقافتی خارجی ها آموخت و طرز لباس اروپائی و یکجا بودن زنان با مردان در تکوین شخصیت ثقافی اش اثر مستقیم گذاشت • (۷)
ساختمان جدید سفارت انگلستان در کابل و فرش آن و عمارت قونسلگری روسیه وسفارت المان در کابل در علاقهٔ امان الله خان بهٔ طرز جدید عمارات اروپائی افزود و در بنای عمارات جدید در کابل امان الله خان نقشه های اروپائی را کاپی نمود • (۸)

سفر امان الله خان به اروپا ، ترکیه ، مصر ، ایران مانند مدرسه ای تعلیمی برای پادشاه بود • امان الله خان در جریان سفرش بین افغانستان و کشور های اروپائی ومصر مقایسه نمود و ملاحظه کرد که افغانستان از ناحیهٔ ثقافتی و تعلیمی و عمرانی نسبت به کشور های جهان چقدر عقب مانده تر است • در باز گشت بوطن امان الله خان اراده نمود تا افغانستان را از ناحیهٔ عمرانی و تعلیمی و اجتماعی تغییر بدهد • (۹) از نتائج مهم سفر امان الله خان به خارج کشور ملاقات اش با اتاترک و محمد رضا شاه پهلوی بود و امان الله خان از هر دو زعیم ایرانی و ترکی آموخت که با مخالفین اسلامی اش چطور معامله کند و امان الله خان استعمال قوت را

وسیله ای خوبی برای تصفیهٔ مخالفین اش دانست •
تعدادی از مؤرخین که عصر اعلیحضرت امان الله خان را تحقیق نموده اند عقیده دارند که امان الله خان یک شخصیت غیر واضح بود • تمام محققین عقیده دارند که امان الله خان شهزاده ای جوان با نشاط و ذکی و دارای قدرت تجدید و فکر اصلاحی بود • محققین عقیده دارند که امان الله خان جوان وطن دوست و یک افغان اصیل بود • سیاست غیر واضح امان الله خان در حل مشکلات داخلی و همچنان سیاست غیر ثابت اش با جهان خارجی سبب شده که بعضی مؤرخین امان الله خان را شخصیت غیر واضح و در بعضی اوقات جاهل و با غرور معرفی کنند •

استاد عبدالغنی در ۱۹۲۱ راجع به امان الله خان نوشت که : جوانی در ۳۰ سالگی از عمر ، محبوب نزد تمام ملت ، بسیار با ادب در معامله اش با مردم ، غیر عصبی در کار ، با نشاط زیاد در کار های دولتی ، از ۹ صبح تا منتصف شب در دفترش کار میکرد ، دارای افکار سیاسی و اجتماعی بود • از افراد ملت اش دعوت میکرد تا وی را فردی از افراد ملت حساب کنند ، شخصی دیموکرات بود • (۱۰)
مؤرخ دیگر بنام " BAGEOT " با استاد عبدالغنی اتفاق کامل دارد و می نویسد که امان الله خان شخص دیموکرات بود • BAGEOT قبول ندارد که امان الله شخصیت غیر واضح داشت و اضافه میکند که پادشاهان افغانستان همه مخلوقات عجیب بودند که انسان نمیتوانست ایشانرا خوب بشناسد • خلاف اجدادش امان الله خان شخصیت واضح داشت و در روابطش با مردم بسیار واضح بود • (۱۱)

زیادترین کسانیکه از اسلوب دیموکراسی امان الله خان نوشتند نویسندگان مصر بود • مصری ها امان الله خان را شخص دیموکرات و دوستدار ملت معرفی نمودند و وی را رمز آزادی و مبارزه علیه استعمار انگلستان برای ملت مصر و شرق دانستند • مصری ها امان الله خان را مثال عالی از پادشاه شرقی در قرن بیستم میدانند • (۱۲) مصری ها در تعریف امان الله خان قصد مبارزه با پادشاه خود ملک فؤاد را داشتند و همچنان قصد داشتند تا از تعریف امان الله

خان کراهیت خود را نسبت به استعمار انگلستان ابراز کنند ٠

دیموکراسی امان الله خان ثابت نبود ٠ امان الله خان در اوقات مشکلات داخلی با مخالفین از اسلوب دیموکراسی پیروی میکرد مثلیکه در انقلاب ۱۹۲٤ پیروی نمود ٠ در جلسات لویه جرگه ۱۳۰۳ امان الله خان با نمایندگان ملت بصفت پادشاهی بسیار آزاد و دیموکرات عمل کرد که یومیات جلسات لویه جرگه نمونه ای از اسلوب و سیاست دیموکراسی بی مانند در شرق بحساب میآید ٠ در ۱۹۲۸ در جریان لویه جرگه امان الله خان با اینکه از سفر اروپا آمده بود کاملا از اسلوب غیر دیموکراسی پیروی نمود ٠

در سیاست و شخصیت امان الله خان در بعضی اوقات توازن را مشاهده نمیکنیم در بعضی اوقات امان الله خان غیر واضح بنظر میآید و در شئون دولتی ثابت نبود ٠ مثلا در ابتدای سلطنت اش جنگ را علیه دولت انگلستان اعلان نمود لیکن خلاف مشورهٔ ارکان دولت و زعمای جهادی در اثر اولین انفجار بمب در نزدیکی قصر حاضر به امضای صلح شده تمام پیشنهادات دولت انگلستان را برای امضای صلح قبول کرد که در نتیجهٔ آن افغانستان بعضی از اراضی غرب خط دیورند را از دست داد ٠
امان الله خان در انقلاب ۱۹۲۸ حاضر شد با حبیب الله خان معاهده بامضاء رساند و در جریان انقلاب ۱۹۲۸ بصفت یک شخصیت ضعیف عرض اندام کرد و در نهایت از کابل فرار نموده ملت را تنها گذاشت ٠
در شخصیت امان الله خان دو رنگی را زیاد مشاهده میکنیم مثلا در ابتدای سلطنت اش حاضر نشد پول دولت را مصرف کند و از احتیاط زیاد در مصارف کار گرفت حتی مصارف قصر را تقلیل داده اجازه نداد از خارج احتیاجات قصر و دولت وارد شود و امر کرد تا در مجالس فاتحه گیری و عروسی اسراف نشود لیکن بعد از بازگشت از اروپا امان الله خان در مصرف از احتیاط کارنگرفته از بودجه دولت ملیونها پوند بمصرف نمود ٠ در جریان سفر امان الله خان و همراهانش در مصارف از احتیاط کار نگرفته در خرید از بازارهای اروپا سخاوت زیاد نمودند که

دولت را خسارت مند ساختند • امان الله خان تمام خزانه دولت را صرف بنای قصرش در دارالامان ساخت و از اروپا فرش و احتیاجات قصر و دوائر دولتی را وارد نمود • (۱۳)
در سیاست داخلی امان الله خان در استفاده از اختلافات بین قبائل دریغ نکرد و بعضی قبائل را در مقابل قبائل دیگر در جنگ انداخت تا توانسته باشد سلطنت اش را حفظ کند • در نتیجه سیاست داخلی پادشاه ارکان عالی دولت و زعمای قبائل و زعمای اسلامی به امان الله خان بنظر شک دیده به اقوالش اعتماد نمیکردند • امان الله خان برای جلب تأئید زعمای ملی در تقدیم هدیه ها از اموال دولت بسیار سخاوت داشت و زعمای ملی را به رشوت ستانی و استفاده جوئی عادت داد •
موقف شخصی امان الله خان نسبت به دین اسلام را که بعضی مخالفین اش مخالفت و خروج وی از دائره دین تعبییر نمودند دور از انصاف است • ما در این حکم با مخالفین امان الله خان همراه نبوده و از خلال تحقیق دانستیم که امان الله خان نسبت به اجدادش در دیانت بهتر بود • امان الله خان در نوشیدن شراب و معشوقه داشتن شهرت ندارد • رفع حجاب را نمیتوان دلیل به کفر امان الله خان دانست •

تعدادی از نویسندگان از موقف امان الله خان دفاع نموده از تمام صفات زشت وی را مبراء میدانند • این گروپ از مدافعین میگویند که امان الله خان متصف به شجاعت بود و هر گز ترس را قبول نداشت زیرا امان الله خان از طرف شب و روز بدون حاضر باشان در خیابانهای شهر کابل گردش میکرد و از هرنوع تهدید نسبت به شخص اش خوف نداشت • (۱٤)
مؤرخ بزرگ " **FRASAR TYTLER** " که در این تحقیق از کتابش نیز استفاده شده در باره امان الله خان مینویسد که : امان الله خان متصف به شجاعت و دوستی زعامت بود و تقلید اجداد خود مثل پاینده محمد خان را میکرد • امان الله خان شخص وطندوست و طرفدار ترقی افغانستان بود و میخواست افغانستان در بین کشور های جهان صاحب مقام عالی باشد • امان الله خان خطیب ارجمند و در شئون بین المللی معلومات کافی داشت • نقطه ضعف در شخصیت امان الله خان آن بود که دارای غرور و خود خواهی بود • (۱۵)

امان الله خان در معامله اش با مردم بسیار با ادب بود و شخصی مضر و دیکتاتور مانند زعمای شرقی معاصر خود نبود • امان الله خان در جریان محاکمه حضرت محمد صادق مجددی بسیار مودب بود با اینکه حضرت صاحب از دشمنان وی بحساب میآمد • جریان تحقیقات محاکمه دلیلی برجسته از ادب امان الله خان با زعمای مخالف اش میباشد که تمام اوراق محاکمه در کتابخانه حضرت صاحب در المدینه المنوره موجود است • نامه های امان الله خان عنوانی حضرت شمس المشایخ و حضرت نورالشایخ که در نهایت این تحقیق بچاپ خواهد رسید نمونه ای از معاملهٔ ممتاز پادشاه با زعمای اسلامی است •

تاریخ معاصر افغانستان اعلیحضرت امان الله خان را در بسیاری موارد مورد ظلم عظیم قرار داده است • مؤرخین و محققین افغانی در نوشتن تاریخ عصر اعلیحضرت امان الله خان از وثائق عصر استفاده نکرده کوشش نموده اند جهت خوش ساختن مقام سلطنت آل یحیی نقاط ضعف امان الله خان را مورد تحقیق قرار بدهند •
اعلیحضرت محمد نادر خان و اعلیحضرت محمدظاهر شاه کوشش نمودند تا تمام آثار عصر امان الله خان را منهدم سازند و نام امان الله خان را از کتب تاریخ افغانستان محو نمایند چنانچه در معارف افغانستان در بارهٔ امان الله خان برای جوانان افغانستان واقعات حقیقی آن درس دادهٔ نمیشد • کمونست های افغانی برای ابراز عداوت شان با نظام اعلیحضرت محمد ظاهر شاه از نظام امان الله حمایت میکردند که بدین ترتیب در حق امان الله خان ظلم نمودند زیرا امان الله خان حمایت کنندهٔ فلسفهٔ کمونست نبود •
در غیاب وثائق تاریخی خصوصا وثائق افغانی که تا حال به چاپ نرسیده و تعدادی از ارکان دولت امان الله خان خاطرات شان را بچاپ نرسانده اند برای محقق افغانی بسیار مشکل است تا حکم نهائی را در باره ای امان الله خان صادر کند • تاریخ افغانستان در حکم خود بالای امان الله خان از عدالت کار نگرفت و امان الله خان را گذاشت که مورد هجوم مخالفین و تأئید طرفدارانش واقع شده از خود دفاع کرده نتواند •
در این تحقیق بسیار خلاصه و با نواقص زیاد بعضی از زوایای حکومت امان الله خان را که

جزئی از تاریخ معاصر افغانستان است مورد مناقشهٔ تاریخی قرار دادیم و از تمام دانشمندان افغانی دعوت میشود در اصلاح این تحقیق زحمت کشیده تحقیق را اصلاح سازند و از تمام مؤرخین افغانی دعوت میشود تا در روشن ساختن آن نقاطیکه این تحقیق بدان اشاره نکرده خود را زحمت بدهند زیر امان الله خان مربوط تاریخ افغانستان بوده و عصرش از جملهٔ عصور مهم تاریخ معاصر وطن عزیز ما افغانستان میباشد ٠

## مراجع تحقیق :

### وثائق افغانی و انگلیسی :


اول ـ وثائق افغانی :

۱ ـ فرمانهای پادشاهی مربوط حضرت محمد صادق المجددی ، المدینه المنوره ۰

۲ ـ تعدادی از نامهٔ های رسمی اعلیحضرت امان الله خان و زعمای اسلامی مربوط کتابخانه نویسنده ۰ فریمونت ، کلفورنیا ، ولایات متحده امریکا ۰

۳ ـ تعدادی از فرمانهای پادشاهی نشر شده در جریدهٔ کاروان ۸ سنبله ۱۳۵۰ هجری شمسی ۰

٤ ـ فرمانهای پادشاهی چاپ شده در کتاب نادر افغان ، جلد اول ، ۱۹۳۱ کابل ۰

۵ ـ تعدادی از فرمانهای چاپ شده در ـ رویداد ریاست دیوان عالی حکومت شاهی افغانستان ـ راجع بمحاکمهٔ خائنین ملت و غداران مملکت ۰ ۱۸ حمل ۱۳۰۹ مطابق ۷ ذیقعده الحرام ۱۳٤۸

٦ ـ اعلان پادشاهی بمناسبت الغای تمام اصلاحات ۱۹۲۸ ۰

۷ ـ سجلات محاکمهٔ حضرت محمد صادق المجددی و قاضی عبدالرحمن خان ۰ مربوط کتابخانه ای حضرت محمد صادق المجددی در المدینه المنوره ۰

۸ ـ اوراق لویه جرگه ۱۳۰۳ هجری شمسی مطابق ۱۹۲٤ ۰

دوم ـ وثائق مربوط به حکومت انکلستان :

**ARCHIVES OF THE INDIA OFFICE LIBRARY, LONDON**

**IOL = INDIA OFFICE LIBRARY**

**L/P+S = POLITICAL AND SECRET DEPARTMENT RECORDS.**

**IOL. L/P+S/10. 1902 - 1931**

**L/P+S/10/1285 - 1929**

**L/P+S/10/1150**

**POLITICAL AND SECRET DEPARTMENT RECORDS 1954 - 1945**

**L/P+S/11/229**

**L/P+S/11/230**

**L/P+S/11/234**

**L/P+S/11/249**

**L/P+S/11/245. 1924**

**L/P+S/11/237, MAR. 1923**

**L/P+S/11/233. FEB. 1923**

**L/P+S/11/159**

**L/P+S/11/228. 1923**

**L/P+S/11/243. 1924**

**L/P+S/11/275. 1927**

DEPARTMENT PAPPERS = POLITICAL AND SECRET ANNUAL FILES . 1912 . NO : 30

L / P + S / 11 / 293 . 1428 - 1429

L / P + S / 11 / 275 . 1926 , 1927 , 1928 , 1929

R / 12 = RECORDS OF THE BRITISH LEGATION , KABUL

R / 12 / 178 . NO : 39

R / 12 / 178 , NO : 80

PARLIAMENTARY NOTICE . SESSION 1928 - 1929

GOVERNMENT OF INDIA " OFFICIAL ACCOUNT OF THE THIRD AFGHAN WAR 1919 " CALCUTTA , GENERAL STAFF ARMY HQRS . 1926

## جرائد و مجلات :

### اول ـ جرائد افغانی :

| | |
|---|---|
| جریدهٔ امان افغان | ۱۹۲۸ ـ ۱۹۲۹ |
| جریدهٔ اصلاح | ۱۹۲۱ ـ ۱۹۳۱ |
| جریدهٔ اتحاد مشرقی | ۱۹۲۳ |
| جریدهٔ انیس | ۱۹۲۸ |
| جریدهٔ ثروت | ۱۹۲۵ |
| جریدهٔ غازی | ۱۹۲۱ |
| جریدهٔ حبیب الاسلام | ۱۹۲۹ |
| جریدهٔ کاروان | ۱۹۷۳ |

دوم ـ جرائد و مجلات عربی :


الاهرام ۱۹۲۷ ـ ۱۹۲۸

الاخبار ۱۹۲۷ ـ ۱۹۲۸

السیاسه الاسبوعیه ۱۹۲۹

البلاغ الاسبوعیه ۱۹۲۷ ـ ۱۹۲۹

المصور ۱۹۲۷ ـ ۱۹۳۱

روز الیوسف ۱۹۲۸

مجله الفتح ربیع الثانی ـ ۱۳۵۳

مجله اللطائف المصوره ۱۹۲۷

المجله اکست ، ۱۹۸۰

مجله العربی الکویتی عدد ۲۳۸ ۱۹۷۸

مجله الحوادث اللبنانیه ۱۹۸۰

سوم ـ جرائد اروپائی :

DAILY HERALD. JANURY 5 ,1929
DAILY NEWS . FEB 4, 1929
GAZETTE DE LAUSANNE . FEB 8 ,1929
L' ETOILE BELGE. FEB 5 , 1924
LE SOIR . FEB 22, 1929
JOURNAL DE GENEVE, FEB 22, 1929
SUNDAY EXPRESS, JULY 30, 1928 - 1929
SUNDAY TIMS. DEC 9, 1929
TIMES, JUNURY 16 ,1929

SOVIET PRESS = MINUT PAPER DEPARTMENT =
IOR. L / P + S / 11 / 293

کتب نشر شده بزبان فارسی :


۱ ـ المجددی ، محمد صادق — خاطرات

۲ ـ المجددی ، محمد ابراهیم — اشک غم ، لاهور ۱۳۵۰

۳ ـ انیس ، محی الدین — بحران و نجات کشور
دار نشر انیس ، کابل

٤ ـ آهنگ ، محمد کاظم — سیر ژورنالیزم در افغانستان
انجمن تاریخ و ادب ، کابل
۱۳٤۹ هجری شمسی

۵ ـ احمد ، فضل — رهنمائی افغانستان
کابل ۱۹۵۱

٦ ـ — آریانا دائره المعارف افغانستان
کابل ، ۱۹۵۵

۷ ـ امین زی ، شمس صفا — تاریخ عاصر افغانستان
پوهنتون کابل ، ۱۹۷۷

۸ ـ حبیبی ، عبدالحی — تاریخ مختصر افغانستان دو جلد
انجمن تاریخ ، کابل ۱۳۳٤

۹ ـ حسین سید اصغر — واقعات شاه شجاع ،
مراجعه ، کهزاد — انجمن تاریخ ، کابل

۱۰ ـ خافی ، مرزا یعقوب علی — پادشاهان متاخر افغانستان
کابل ، ۱۳۳٤

۱۱ ـ خلیلی ، خلیل الله — افغانستان ، کابل

۱۲ ـ خلیلی ، خلیل الله — مدنیت هرات

۱۳ ـ رشتیا ، سید قاسم — افغانستان در قرن ۱۹

انجمن تاریخ افغانستان ، طبع دوم
١٣٣٧

١٤ ـ صدیقی ، محمد ظاهر ، دکتور — مطبوعات افغانستان
کابل ، ١٣٤٩

١٥ ـ — سالنامه کابل ، ١٣١١

١٦ ـ عطاء الله قاضی — نوای معارک
انجمن تاریخ افغانستان
کابل ، ١٢٣٤

١٧ ـ عبدالرحمن خان ، امیر — سراج التواریخ ، سه جلد
کابل ، ١٣٣٣

١٨ ـ غبار ، غلام محمد — افغانستان در مسیر تاریخ
کابل ، ١٩٦٦، تهران
١٣٥٩

١٩ ـ کشککی ، برهان الدین — نادر افغان ، دو جلد
کابل ، ١٩٣١

٢٠ ـ کهزاد ، احمد علی — تاریخ افغانستان دو جلد
انجمن تاریخ افغانستان
کابل ، ١٣٢٥

٢١ ـ کهزاد ، احمد علی — آریانا
انجمن تاریخ افغانستان
کابل

٢٢ ـ کهزاد ، احمد علی — در زاویای تاریخ معاصر
افغانستان
انجمن تاریخ ، کابل

۲۳ ـ لیدی سیل ، ترجمه عبدالرشید بیغم — مذکرات ، کابل

۲٤ ـ — لائحه ترقیات چهار ساله

دولت ، کابل

۲۵ ـ ملا فیض محمد — تاج التواریخ ، کابل

۲٦ ـ هاشمی ، سید سعدالدین — افغانستان معاصر جلد ۲
کابل

۲۷ ـ هروی ، مایل — معرفی روزنامه ای
افغانستان ، کابل

مراجع بزبان پشتو :

۱ ـ کاکا خیل ، سید بهادر شاه — پشتانه د تاریخ په رنا کی
۵۵۰ قبل میلاد
پشاور ، ۱۹۵۰

۲ ـ کاکر ، سیال پروفیسر — پشتو او پشتانه
کویته ، ۱۹۷٦

مراجع بزبان اردو :


١ ـ الندوی ، ابو الحسن — دعوت و عزیمت
مجلس نشرات اسلام
دهلی ، ١٩٨٠

٢ ـ الندوی ، ابو الحسن — حضرت مجدد اور کی
ناقدین
لاهور ، ١٩٨٠

٣ ـ بخاری ، حضرت سید شاه — کابل مین چار پادشاه
لاهور ، ١٣٨٢

٤ ـ شاه پیر معظم — تواریخ رحمت خانی افغان
قبائل اورکی تاریخ
پوهنتون پشاور ١٩٧٦

٥ ـ علی ، میر اشرف — تاریخ افغانستان
لاهور ، ١٢٦٣

مراجع بزبان عربی :


١ ـ المجددی ، محمد هارون — افغانستان فی المقلات
القاهره ، ١٩٥٠

٢ ـ ابوالعینین ، فهمی — افغانستان بین الامس و الیوم
دارالکتاب العربی فرع مصر
١٩٦٩

٣ ـ الساداتی ، احمد محمود ، دکتور — افغانستان قلعه الاسلام
الشامخه بقلب آسیا
مکتبه الادب القاهره ١٩٨٠

٤ ـ الساداتی ، احمد محمود — تاریخ المسلین فی شبه القاره
الهندیه و حضاراتهم
القاهره ، ١٩٨٠

٥ ـ الساداتی ، احمد محمود — تاریخ الدول الاسلامیه بآسیا
و حضاراتهم ، القاهره ١٩٧٩

٦ ـ ارمینیوس ، فامبری — تاریخ بخاری ، ترجمه
الساداتی ، القاهره ١٩٦٥

٧ ـ ارسلان ، الامیر شکیب — حاضر العالم الاسلامی جلد١

٨ ـ المراداوی ، محمود — افغانستان ، شرکه الشعاع
الکویت ، ١٩٨٠

٩ ـ ابراهیم ، محمد عبدالفتاح — افغانستان
اکتوبر ، ١٩٦٠ القاهره

١٠ ـ حسن ، عبدالباسط محمد — جمال الدين الافغانى و اثره فى العالم الاسلامى الحديث مكتبه وهبه القاهره ١٩٨٢

١١ ـ جوهر ، حسن بيومى — افغانستان دارالمعارف ، الطبعه الثانيه

١٢ ـ رياض ، محمد ، دكتور — الشرق الاوسط ، دراسه فى التطبيق الجيوليولتيكى و السياسى ، الطبعه الاولى دارالنهضه العربيه ، بيروت ١٩٧٤

١٣ ـ سرور ، جمال الدين ، دكتور — تاريخ الحضاره الاسلاميه فى الشرق ، الطبعه الرابعه دارالفكر العربى ، القاهره ١٩٧٩

١٤ ـ محمود ، عبدالحليم ، دكتور — جمال الدين الافغانى دار عكاظ ، جده ١٩٧٩

١٥ ـ مظهر ، على ، دكتور — افغانستان مطبعه السنه المحمديه القاهره ، ١٩٥٠

مراجع خارجی :

1- ADAMEC , LUDWIG W " AFGHANISTAN ' S FOREIGN AFFAIRS TO MID - TWENTETH CENTURY " UNIVERSITY OF ARIZONA PRESS . 1974

2- ADAMEC , LUDWIG W " AFGHANISTAN 1900 - 1923 " A DIPLOMATIC HISTORY " BERKELEY UNIVERSITY OF CALIIFORNIA PRESS 1967

3 - ADAMEC , LUDWIG W " WHO ' S WHO OF AFGHANISTAN " HISTORICAL AND POLITICAL : AKADEMISCHE DIIUCH . U . VERLAGRANSTALT . GRAZ - AUSTRIA 1975

4 - ALI MOHAMMED " AFGHANIISTAN . THE WAR OF IINDEPENDENCE 1919 , KABUL " N . P . 1960

5 - ALI MOHAMMED " AFGHANISTAN " KABUL . FEB 1958

6- ABDUL GHANI " A REVIEW OF THE POLITICAL SITUATION IN CENTRAL ASIA " LAHORE . 1921

7 - BILGRAME ASGHAR H " AFGHANISTAN AND BRITISH INDIA 1793 - 1907 . ASTUDY INFOREIIGN RELATONS

8 - BALKHI ABU OMER " THE TRAGEDY OF OUR CENTURY " JHDDAH , 1982

9 - BABA KHWAJAYEV A . H " AFGHANSTAN WAR FOR IINDEPENDENCE " MOSCOW 1960

10 - CAPTAIN A . H MCMAHON . C . S . Z . C . I . E . " POLITICAL AGENT DIR SWAT AND CHITRL : REPORT OF ON THE TRBES FOR DIR SWAT AND BAJOUR : PESHAWAR 1981

11 - CAROE OLAF " THE PATHAN S 550 . B . C - AD . 1957 , OXFORD UNIVERSITY PRESS . LONDON 1976

12 - DUPREE LOUIS " AFGHANISTAN " PRINCETON UNIVERSITY PRESS , PRINCETON , NEW JERSE 1973

13 - D . A . A . VERTASSUNG " STRAGEN IN AFGHANISTAN " NO : 2 -1 VOL 1 NO : 1857

14 - FLETCHER ARNOLD " AFGHANISTAN HIGHWAY OF CONQUEST ITHACA : N . W " CORNELL UNVERSITY PRESS 1965

15 - FRERS , TYTLER W . K " AFGHANISTAN . A STUDY OF POLITICAL DEVELOPMENTS IN CENTRAL AND SOUTHERN ASIA " 3 rd ED . LONON . OXFORD UNIVERSITY PRESS 1967

16 - FERRIER , T . P " HISTORY OF AFGHANISTAN " LONDON 1858

17 - FARUQI , BURHAN AHMAD P h . D " THE MUJADDIDE' S CONNECTION OF TAWHID " 3 rd . ED . LAHORE 1970

18 - GREAGORIAN VARTAN " THE EMERGENCE OF MODERN AFGHANISTAN " STANMFORD UNIVERSITY PRESS 1969

19 - HABIBULLAH " MY LIFE FROM BRIGAND TO KING " LONDON SAMPSON LOW , MARSTON AND CO . LTD

20 - KOHZAD ALI AHMAD " MEN AND EVENTS THROUGH EIGHTEENTH AND NINETEENTH CENTURY AFGHANSTAN " KABUL : HISTORCAL SOCIETY OF AFGHANISTAN .

21 - MOHANLAL " THE LIFE OF AMIR DOST MOHAMMED KHAN

22- POULLADA LEON B . REFORM AND REBELLION IN AFGHANISTAN 1914 1924 " CORNLEL UNIVERSITY PRESS . LODON AND ITHACA

23 - SCHINAS MAY " AFGHANISTAN AT THE BEGINNING OF THE TWENTIETH CENTURY " NATIONLISM AND JOURNALISM IN AFGHANISTAN A STUDY OF SERAJUL - AKBHAR 1911 - 1918 , NAP 1979

24 - SHAH IKBAL ALI " AFGHANISTAN " LONDON 1928

25 - SHAH IKBAL ALI " THE THIRD AFGHAN WAR " 1914

26 - SHAH IKBAL ALI " THE TRAGEDY OF AMANULLLAH " LONDON : ALEXANDER OUSELY 1933

27 - SYED IQBAL ALFAAIIRE " AMANULLAH " LONDON

28 - SULTAN MOHOMED KHAN " THE LIFE OF ABDUR RAHAMAN , AMIR OF AFGHANISTAN " OXFORD UNIVERSITY PRESS LONDON 1980 2 VOLS

29 - SYKES SIR PERCY " A HISTORY OF AFGHANISTAN " LONDON 1940 . 2 VOL

30 - SWILD ROLAND " AMANULLAH , EX - KING OF AFGHANISTAN " LONDON : HURST AND BLACKETT , 1923

31 - DAS " UNTERNEHMEN AFGHANISTAN " EINE ERSTE ANALYSE VON EREGNISSEN UND HINTERGRUNDEN , FEB 1980 KOLEN , WEST GERMANY

# وثائق افغانی

# فهرست وثائق افغانی

۱ـ فرمان پادشاهی عصر امیر حبیب الله خان عنوانی حضرت صاحب محمد صادق مجددی تاریخ ۷ محرم ۱۳٤۷ • صدور این فرمان آخرین اتصال بین طرفین بود •

۲ ـ فرمان پادشاهی عصر اعلیحضرت امان الله خان عنوانی حضرت صاحب شاه آغا ـ شمس المشایخ ـ و شیر آغا نور المشایخ • تاریخ دوشنبه ۸ شوال ۱۳۳۷ •

۳ ـ فرمان پادشاهی عصر امان الله خان عنوانی شمس المشایخ و نور المشایخ • تاریخ غیر واضح لیکن در ۱۹۲۰ تحریر یافته •

٤ ـ فرمان پادشاهی امان الله خان عنوانی حضرت شمس المشایخ تاریخ ۸ ماه دلو ۱۳۹۸

۵ ـ فرمان پادشاهی امان الله خان عنوانی شمس المشایخ تاریخ ۲۸ جوزا ۱۳۰۰

٦ ـ فرمان پادشاهی امان الله خان عنوانی شمس المشایخ تاریخ ۸ ماه دلو ۱۳۱۸

۷ ـ مکتوب شمس المشایخ عنوانی امیر المؤمنین پادشاه غازی امان الله خان در موضوع شخصی که اسمش ذکر نشده و از پادشاه دعوت آمده تا شخص مذکور را در دربار اجازه داخل شدن داده نشود • تاریخ ۲۰ رجب دوشنبه ۱۲۹۹

۸ ـ نامه امان الله خان عنوانی شمس المشایخ و دادن اطمینان برای حضرت صاحب که شخص مذکور در دربار نبوده و امر به دستگیری اش داده شده و چون موضوع سری بود امان الله خان بقلم خود نامه را تحریر نموده • تاریخ ۲۱ رجب سال ۱۲۹۹

۹ ـ مکتوب حضرت شمس المشایخ عنوانی ارجمند امان الله خان شهریار غازی • در مکتوب از آمدن نماینده حکیم اجمل خان از هندوستان و اخبار سری برای شخص پادشاه ذکر شده •

۱۰ ـ نامه امان الله خان عنوانی حضرت شمس المشایخ در موضوع آمدن طالب علم نماینده حکیم اجمل خان از هند و خوشی پادشاه از رسیدن نامبرده • چون موضوع سری بود امان الله خان مکتوب را بقلم خود تحریر نموده •

۱۱ ـ فرمان امان الله خان عنوانی سپه سالار صالح محمد خان که در آن پادشاه به صالح محمد خان امر نموده تا مسئولیت اداره مشرقی را برای نائب سالار محمد خان و جرنیل محمد خان

سپرده خودش به کابل بخدمت پادشاه برسد •

۱۲ ـ راپور نظامی جبهه مشرقی توسط برگد محمد عمر خان عنوانی سپه سالار صالح محمد خان در کاغذ رسمی ستاره دولت تاریخ ۱۵ شعبان ۱۳۳۷ •

۱۳ ـ فرمان امان الله خان عنوانی حضرت شمس المشایخ و حضرت نورالمشایخ تمجید از خدمات شان در حصول استقلال کشور تاریخ ۱۲ حمل ۱۲۹۹

۱۴ ـ فرمان امان الله خان عنوانی حضرت نورالمشایخ در روز های محاربه استقلال و سپاس گذاری از مبارزات شان در میدان جهاد •

۱۵ ـ تذکره نفوس دولت علیه مستقله افغانستان که مواد آن اسباب عدم رضایت ملت را آماده ساخت •

۱۶ ـ اعلان پادشاهی دارای مقدمه و هفده ماده • در اعلان پادشاهی امان الله خان تمام اصلاحات خود را غیر قانونی اعلان نمود تا رضایت ملت را بدست آورد • تاریخ ماه رجب ۱۳۴۷

۱۷ ـ جواب ویسرای هند بحضور مبارک اعلیحضرت امان الله خان تاریخ ۲۲ شهر رمضان ۱۳۲۷ و پادشاه تمام مکاتیب را برای حضرت شمس المشایخ جهت مشوره فرستاده بودند •

۱۸ ـ مکتوب حضرت شمس المشایخ عنوانی امان الله خان در موضوع استقبال نماینده قبائل موسی خان تا قبائل افغانی اطراف خط دیورند به جهاد ادامه بدهند و عدم استقبال پادشاه سبب غضب قبائل را بار خواهد آورد •

۱۹ ـ فرمان پادشاهی عنوانی ( سیادت و نجابت و شرافت نشان اخی فضل محمد صاحب و عالیجاه عزیزم ارجمند شاه محمود خان ) در اخیر فرمان پادشاه بقلم خود در جواب پیشنهادات حضرت صاحب نظر خود را تحریر نموده اند •

۲۰ ـ نامه حضرت صاحب شمس المشایخ عنوانی اعلیحضرت امان الله خان و جواب نامه توسط پادشاه به حضرت صاحب •

۲۱ ـ وثائق از نمره ۲۱ تا ۲۳ مربوط به مذاکرات صلح بین دولت افغانستان و انگلستان در ۱۹۱۹ میباشد • زیادترین این وثائق در ماه جون ۱۹۱۹ متبادله گردیده • در این وثائق حضرت صاحب اعتراضات خود در موضوع صلح با انگلستان به پادشاه از جبهه جنگ فرستاده اند •

پیشنهادات حضرت صاحب کاملا مخالف به نظرات پادشاه و پیشنهادات انگلستان در مورد مواد صلح بود •

۲۲ _ فرمانهای اعلیحضرت امان الله خان عنوانی سپه سالار محمد نادر خان در مورد صلح و جنگ که عموما در جبهه پکتیا فرستاده گردیده •

۲۳ _ وثائق رسمی انگلیسی که به هزارها میرسد در اداره وثائق لندن موجود است که آنعده وثائق که در این تحقیق استفاده شده نزد بنده موجود بوده که نشر آنرا اداره وثائق انگلستان اجازه نمی دهد و دوستان می توانند برای استفاده در تحقیقات خود به دارالوثائق انگلستان بتماس شوند • جرائد خارجی که در این تحقیق از آن استفاده بعمل آمده مربوط به دارالوثائق انگلستان میباشد و کاپی آنها نزد بنده موجود است •

۲٤ _ وثائق افغانی که در تحقیق از آن استفاده شده مربوط بنده بوده بدون اجازه صاحب آن کسی حق استفاده را از ایشان ندارد و مطابق قانون بین المللی محققین حق استفاده را با ذکر مرجع آن داراء میباشند •



ع ۱ عمومی

ع خصوصی

مورخه ( ماه ) ۱۳

# فرمان پادشاهی

جناب حضرت صاحب شوربازار [illegible]

[illegible] نفاق و خانه جنگیهای موجوده که [illegible] اسلام به تحریکات نفس [illegible] در [illegible]

[illegible] لازم است که در اصلاح کوشیده [illegible] را [illegible] که [illegible]

[illegible] که با [illegible] مسلمانان [illegible] الله و [illegible] محترم که بمقام [illegible] در [illegible]

[illegible] مشغول [illegible] که تا [illegible] بوظیفه خویش [illegible] اصلاح [illegible]

[illegible] علاوه تا نفس [illegible] که [illegible] محمد [illegible]

[illegible] و [illegible] متعلقین [illegible] خویش [illegible]

[illegible] اگر با اصلاح [illegible] که [illegible]

[illegible] عرض [illegible] که [illegible] الا [illegible] فقط [illegible] ۲۷ [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

جناب حقایق مآب شمس المشایخ حبیب علیشاه دام ظله العالی

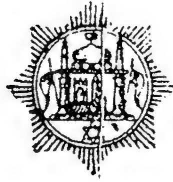
[illegible]

۱۲۹۸

[illegible]

[illegible]





١٣٣٧

المعظم ١٣ برج حمل

والاحضرت مارشال

سلطنت

عالیجاه عمو و عزیزی سپهسالار صدارت [illegible] آن حضرت صاحب محمد نادرخان سپه سالار لشکر

چون آن حضرت مجروح گردیده در هوا [illegible] روز بروز [illegible] شده [illegible] خواهید

لهذا عالیجاه عمو و عزیزی [illegible] محمد نادرخان [illegible] و محمد هاشم خان [illegible] مقرر [illegible]

سلطنت [illegible] آن حضرت [illegible] محول [illegible]

تسلیم الله [illegible] امیر امان الله

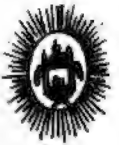
گفته شده از گرفته شده خد



صفحه ٤

پیغام ستاره دولت

[illegible]



# فرمان پادشاهی

۱۲ حمل ۱۲۹۹

۲۲۲۶

(۱۳)

فضیلت پناه حقایق آگاه ... حضرت شمس المشایخ صاحب ... [illegible]

حضور ... جنابان تان ... برادران بزرگ محاربه استقلال افغانستان عزیز ... [illegible]

حصول استقلال فرموده ... [illegible]

... از عائله های قدیم دولت بوده ... [illegible]

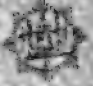
... مکافات منظور فرموده ایم چنانچه فرمان ... [illegible]

... [illegible]

... استقلال افغانستان ... اسلام ... [illegible]

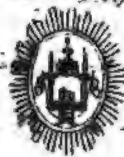
... [illegible]

فرمان امیرامان الله خان غازی بنام حضرت شاه آغا شمس المشایخ و حضرت شیر آغا نور المشایخ صاحب تجید از خدمات برگزیده آنها که در حصول استقلال افغانستان فرموده اند



... [illegible]

فرمان امیر امان الله خان غازی به نام حضرت شیر آغا نور المشایخ صاحب که در عین شروع محاربه استقلال از ایشان تجید و سپاس گذاری کرده اند



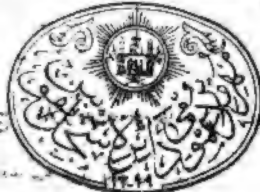
# تذکرهٔ نفوس دولت علیهٔ مستقلهٔ افغانستان

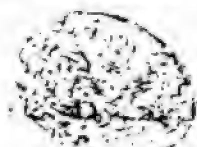
| اسم و شهرت | اسم پدر | عمر | مسکن | قوم | صنعت و خدمت |
|---|---|---|---|---|---|
| [illegible] | [illegible] | [illegible] | [illegible] | | |

## چهره

| قد | چشم | رنگ | موی | علامت فارقه |
|---|---|---|---|---|
| | | | | |

شخص مذکور که اسم و شهرت و حال و صفتش در بالا مذکور گردید، تابعیت دولت علیهٔ مستقلهٔ افغانیه را دارد. این تذکرهٔ نفوس باو عطا گردید تا شناخته شود





۹ — بر جمله افراد ذکور رعیت دولت علیه مستقله افغانستان لازم وضروری است که تذکره را بگیرند تا از افراد تبعهٔ دولت علیه مستقلهٔ افغانیه شمرده شوند ـ اگر شخصی تذکرهٔ مفقود نکند در تمام عمرش یك تذکره کافی است ـ واگر تذکره اش مفقود شود ضرور است که تجدید آن را نماید ـ اگر درچهرهٔ شخصی یك علامتی فارقه از باعث حادثه یا مرض یا سوخته گی پیدا شود واز سابق نباشد لازم است که فوراً علامت مذکور را در تذکرهٔ خود بحضور کاتبهٔ قریه تحریر خود تصحیح کند ـ اگر شخصی از محل سکونت اصلی خود نقل مکان نماید ضرور است که کاتب قریه دار محل سابقه وجدید خودرا اطلاع نماید ـ هرگاه شخصی تذکرهٔ نفوس خود را داشته باشد درداخلهٔ مملکت علیهٔ مستقلهٔ افغانیه بدون راهداری آزادانه سفروتردد کرده می تواند ـ هرگاه شخصی خیال سفر و رفتن خارج مملکت را داشته باشد از اداره های کونوالی پساپورت بگیرد ـ اگر شخصی تذکرهٔ نفوس نداشت اعتماد دولت در امور ذیل براو نخواهد بود وعرض او شنیده نمیشود : —

( ۱ ) درفروش وگرو کردن اشیای منقول یاغیر منقول خودش — ویاو کالت از جانب شخصی —

( ۲ ) درشنیدن دعاوی حقوق ومضاربت درمحکمه جات عالیهٔ شرعیه یاداره های حکومتی دولت علیهٔ مستقلهٔ افغانیه —

( ۳ ) درعقد نکاح یاطلاق یاشهود — یاوکیل دعوی از جانب شخصی —

( ٤ ) درداخل شدن ملازمت دولت —

( ٥ ) درگرفتن پساپورت — ( یعنی راهداری برای سفر خارجه )

( ٦ ) درگرفتن تعاوی وغیره —

( ۷ ) درداخل شدن بچها بمکاتب —

( ۸ ) هرگاه شخصی از دولت خارج ~~ملازمت~~ یارعیتی تبعه دولت علیه مستقله افغانیه اختیار کند براو لازم است که تذکرهٔ افغانیه را بگیرد — تحریر ۶ حوت ۱۳۰۲

(۱۷)

# [illegible]

[illegible]

... اشارات ... ملت ... حکومت ... [illegible]

... های سمت شرقی ... [illegible]

[illegible]

دادن ... [illegible]

... جمع ... اسباب و سامان ... [illegible]

دست از ینطور حرکات که مخل امنیت و رفاه شهر ... [illegible] ... خلق خدا

آسوده و هم شما بموجب این عفونامه از بازخواست حکومت فارغ گردید

دوم: در باب بعض افواهات و شایعات که نسبت ... [illegible] ... و خلاف ...

بشرع شریف ... در بعض حصص سمت مشرقی و شمالی ... [illegible]

آزاد ... [illegible] ... موجب تشویش خاطر این ملت و حکومت گردیده اند

من محض برای دوباره بهم آوردن این اتفاق که روح ... و حیات مملکت شمرده میشود

بعض مطالب ... [illegible] ... اصلاح نمودم هرچند

مطالب مذکوره در جرگه یا از طرف عموم وکلای افغانستان پیشنهاد یا قبول شده بود

اما چون امروز موجب آزردگی و هیجان گردیده است ... [illegible] ... این اعلان ...

اصلاح نموده ام ... [illegible] ... (۲) ... [illegible]

(۱) مشهور شده است که ... [illegible] ... در احترام ... افضل الصلوات و اکمل التحیات کمی کرده ام ... [illegible]

من ازین خبر ... متأثر و غمگین ... [illegible] ... نماز ... [illegible]

(۱۸)

حضرت سرور کاینات میخواهم چطور میتوانم [illegible] صلی الله علیه و سلم او نا شایسته بخاطر خود راه بدهم [illegible]
من بملت عزیز خود تسلی و اطمینان میدهم که من محبت و احترام رسول اکرم صلی الله علیه و سلم را سرمایهٔ ایمان و سعادت دارین خود
دانسته و شرط اول مسلمان بودن [illegible] احترام و محبت بحضرت [illegible] حتی مرجعیت میدانم این را
جبیره یا غلط از طرف مخالفین مذاهب [illegible] شایع میشود [illegible] که بار بار ایشان یادآوری کرده ام باز هم
خبر میدهم که از [illegible] و [illegible] ان خود نکنید تا موجب تفرقه ملت نشوید .

۲) [illegible] که [illegible] و [illegible] و [illegible]
[illegible]
که [illegible] و کلا و علما را مردم انتخاب نکرده بودند ، اگرچه [illegible]
انتخاب علما هیچ مانعی از طرف من نبوده است .

برای رفع این نقیصه چنان چاره [illegible]
[illegible] از علمای حنفی مشهور (که انتخاب آنها را سایر علما [illegible])
کرده [illegible] و سرداران و خوانین [illegible] مجلس اختصاصی [illegible]
تشکیل [illegible] هر چیزی را که مجلس و کلا فیصله کند مجلس اعیان فوق الذکر [illegible]
[illegible] مطابق احکام شرع [illegible]
مذهب حنفی باشد ، آن مجلس تصویب مواد مذکور را نماید ، در عرض تعمیل گذاشته شود
[illegible] و نیز آنچه را مجلس [illegible] خلاف شرع شریف بیابد ، اصلاح نمایند
[illegible]
حالا که [illegible] تقرر آنها را تحت یک
[illegible] نموده ام .

۳) قبل از این نیز تقرر مدعی العموم را در نظر [illegible]
چنانچه [illegible] آن بشورای دولت [illegible] شده بود

۴) دخترهائی که در خارج برای تعلیم فرستاده شده اند [illegible]
که آنها به ممالک غیر اسلامی فرستاده نشده اند [illegible]
[illegible] رفته فقط دو [illegible] برای تحصیل [illegible]
مجبور [illegible] از طرف طبیب [illegible] سال [illegible]
[illegible] آنجا [illegible]
[illegible] تعلیم [illegible]
[illegible] سپه‌سالار مرحوم [illegible] خان [illegible]
[illegible]
راست [illegible] باشد .

[illegible] که [illegible] ممالک [illegible]
[illegible] فرستاده [illegible] هدایت [illegible]
[illegible] نخواهیم .

۵) نظر من در باب علمای دیوبند که ورود آنها [illegible]
که [illegible] دیوبند [illegible]

[illegible] منظور نموده ام که من بعد علما
[illegible] مثل سایر علمای دیگر وارد شده

| | |
|---|---|
| اموال این مملکت از اغراض صاحب‌غرضان [illegible] [illegible] مملکت شود و [illegible] [illegible] لهذا جلوگیری از آن شده بود. (۱) | نتوانستند. |
| ٦- قبول [illegible] مجلس علمای [illegible] نیز اعتراف دارند [illegible] ۲۰۴ [illegible] ۲۰۸ [illegible] جزای عمومی برای رشوت [illegible] تعیین شده است. | حالا نیز وقت مخصوص برای اجرای جزای مرتکبین آن خواهم کرد. و چون [illegible] العموم [illegible] حسب مادهٔ (۳) تعیین میشود لذا اینها نیز مراقبت خواهند کرد. |
| [illegible] وطوایفی را که [illegible] و غیره عادت به برقع [illegible] داشتند اجباراً [illegible] برقع کشیده نیز [illegible] مجبور به رفع حجاب نماید [illegible] تعمیل [illegible] بموجب فتوای بعض علما که به استناد آیه کریمه [illegible] [illegible] خود رائی [illegible] | چون [illegible] مخالفین صاحب غرض [illegible] جبراً روی خانم‌ها را [illegible] ساخته‌ام و همچون تولید سوء تفهیم است و بدبختی گردیده [illegible] ملتفت شوم که همانقدر روی و روی را نیز برهنه نمایند و موهای خود را نیز قطع نکنند ونگرد داند. |
| ۸- تدریس به شرط شهادتنامه مشروط گردیده بود. مقصد من بود که این کار را نیز به اهل آن سپرده شده هر کس تحت نام مدرس موجب گمراهی مردم نشود. | شرط شهادتنامه تدریس برداشته شد. |
| (۹) ۸- اخذ عسکر که از روی نفوس کرده میشود و برای قرعهٔ عسکری نفوس [illegible] گردیده تذکره داده میشد مقصد آن بود که تمام افراد ملت بخدمت عسکری [illegible] مشمول باشند. | چونکه اهالی به آن موافقت [illegible] آینده نفوس شماری و توزیع تذکره را موقوف کرده اخذ عسکر بصورت قومی از روی تقسیم کرده خواهد شد. |
| ۱۰- در خصوص جزای شراب‌نوشی مخالفین صاحب غرضان چنان شهرت داده‌اند که حکومت مقصد از جزای شراب‌نوشی [illegible] حالانکه خود من بالذات [illegible] کرده [illegible] و اوامر و نظامات موجوده بشدت تمام جزای شراب‌خواران [illegible] | حالا چون محتسبین منظور شده هر کسی را که محتسبین [illegible] گرفتار [illegible] جزا [illegible] بالذات آن را مراقبت جدی میکنم که در باره خواست آن تساهل نشود. |
| ۱۱- در باب محکمهٔ احتساب حکومت غفلت کرده [illegible] برای اینکه خود احتساب هم با شرایط [illegible] ضرورت تألیف یک کتاب بزبان فارسی بوده است چنانچه کتاب مذکور در زیر تألیف است. | در هر حکومتی یک محتسب منظور شد که تمام [illegible] وقت کرده شرعاً جزا بدهد و تا تعیین صورت انتخاب محتسب فوری از طرف خود علمای محلی یک نفر که اهل این کار باشد انتخاب شود منظور است که بموجب احکام شرعیه در مسائل [illegible] |

۲ ا ـ درباب تبدیل تعطیل جمعه به پنجشنبه نظریه من این بود که سبب تعطیل و رخصتی مامورین و طلبه در روز جمعه اکثر خارج شهر به کارهای خود مشغول بوده و به صلوة جمعه حاضر نمی شدند چون رخصتی جمعه به پنجشنبه تبدیل شد نظری مذکور رجعت به نماز جمعه مرتب حاضری شده میروند این هم بموجب فتوای علما بود که در روز جمعه کار کردن را جایز دانسته و بساعت نماز تمام مامورین مثل محصلین مامور بودند که به مساجد رفته و مسلمین برای ادای صلوة جمعه بمساجد سوق بدهند.

چون این مسئله هم سبب آزردگی بعضی ها گردیده رخصتی پنجشنبه پس به جمعه تبدیل شود [illegible]

۴ ا ـ نسبت به برقع چین دار نیز که به برقع قندهاری یا شامی تبدیل آن مناسب دیده شده بود.

چه مد کور را لغو نموده بمردم اجازه دادم که زنان برقع قندهاری یا شامی پوشند [illegible] ازاده و پاک نباید بپوشند

۳ ا ـ درباب مردوزن [illegible] نظریه من [illegible] بود که تنها عسکر بپاد [illegible] و سپاهیان از ماندوری وقت [illegible] شدن از درس دادن [illegible] [illegible]

چون [illegible] شده است که [illegible] [illegible] شود [illegible] [illegible] [illegible] نمودم.

۵ ا ـ درباب منع از دواج طلبه که دوره تحصیل خود را بوره نکرده باشند نظر این بود که تا بل [illegible] تکمیل تحصیلات شان میشود.

حالا که این مسئله هم درست فهمیده نشد این قید را نیز برداشتیم.

۶ ا ـ مکتب مستورات بفتوای علما تاسیس شده بود.

ولی در حال [illegible] مجلس وکلا که مجلس اجتماعی منعقد به ماده (۳) که ترتیب [illegible] خواهند مشغول تنظیم آن شوند معطل باشد چنانکه ریاست حمایت [illegible]

۷ ا ـ منع قرض برای آن بود که موجب دعاوی زیاد و موجب [illegible] [illegible] [illegible] بعض مامورین یک گونه صرف نموده هم دیگر قرض نمودند.

چون این هم سوء تلقی گردیده است ممانعت آنرا الغا مود م.

(۸ ا ـ درباب لباس [illegible] فهمیده شده که اینجا برای هر کس و جبری بوده [illegible]

چون اینهم [illegible] باعث آزردگی مردم [illegible] نمودم که [illegible] لباس [illegible] را بنا شده [illegible] طرز [illegible] که پوشاک جایز شرعی پوشند و استعمال کنند جایز است

اینجا نمایندگان شهر کابل [illegible] افغانستان

[illegible] [illegible] و اصلاحات و رفع شکایات [illegible] بنا و اضح و صریح بگویم که مقصد من از تجویز این تعدیلات شخص خودم نیست من اهمیت

پادشاهی نبوده نبودم بلکه مقصودم با رخص خدمت بملکت و ملت عزیز خودم و بدین واسطه تحصیل رضای آلهی جل جلاله است.

اگر [illegible] دولت [illegible]

و اسفناک که بجز دشمنان نمیرسد و بدولت ضرر رساند . [illegible] دنیا و آخرت [illegible] خودشان خواهد بود . آنها باید چنان فکر کنند که اگر دولت

ضرر رسانیدیم بلکه این ضرر و خسارت [illegible] بملکت شان [illegible] عالم اسلام است . [illegible] هم ضرر و خسارت

بسیار زیاد باین گونه مردم که مخالفت بلند کرده [illegible] تا حال هیچ [illegible] باشان [illegible] حمله و تجاوز [illegible]

آنها بوده است [illegible]

و [illegible] خانه [illegible] مشکلات [illegible]

چنانچه درین اعلان دیده شود .

واخرتبا آیات کریمات قرآن عظیم کریم

واعتصموا بحبل الله جميعا ولا تفرقوا واذكروا نعمت الله عليكم اذ كنتم اعداء فالف بين قلوبكم

فاصبحتم بنعمته اخوانا [illegible] ولا تكونوا كالذين [illegible]

وان طائفتان من المؤمنين اقتتلوا فاصلحوا بينهما فان بغت احديهما على الاخرى فقاتلوا

التي تبغي حتى تفيء الى امر الله [illegible]

انما المؤمنون اخوة فاصلحوا بين اخويكم [illegible] سوره حجرات

يا ايها الذين آمنوا اذا ضربتم في سبيل الله [illegible] لمن القى اليكم السلام لست مؤمنا [illegible]

ومن يقتل مؤمنا متعمدا فجزاؤه جهنم [illegible] غضب الله عليه ولعنه واعد له عذابا عظيما

یاد آوری مینمایم من تا امروز هرچه کرده ام برای ترقی شما [illegible] و به نیت [illegible]

ندارم که خلاف دین اسلام و شرع شریف کاری کنم . [illegible] برای برداشتن تفرق و اختلاف یکدقیقه [illegible]

مطالبی را که [illegible] تفاهم [illegible] صورت [illegible] اصلاح [illegible] منظور نمودم [illegible]

[illegible]

[illegible]

... فاعتصموا بحبل الله جمیعا ولا تفرقوا ... [illegible]

... آیه شریفه وان طائفتان من المؤمنین اقتتلوا فاصلحوا بینهما ... [illegible]

آنها را بر علیه حکومت جائز ندانسته بلکه شرعی و اسلامی ... [illegible]

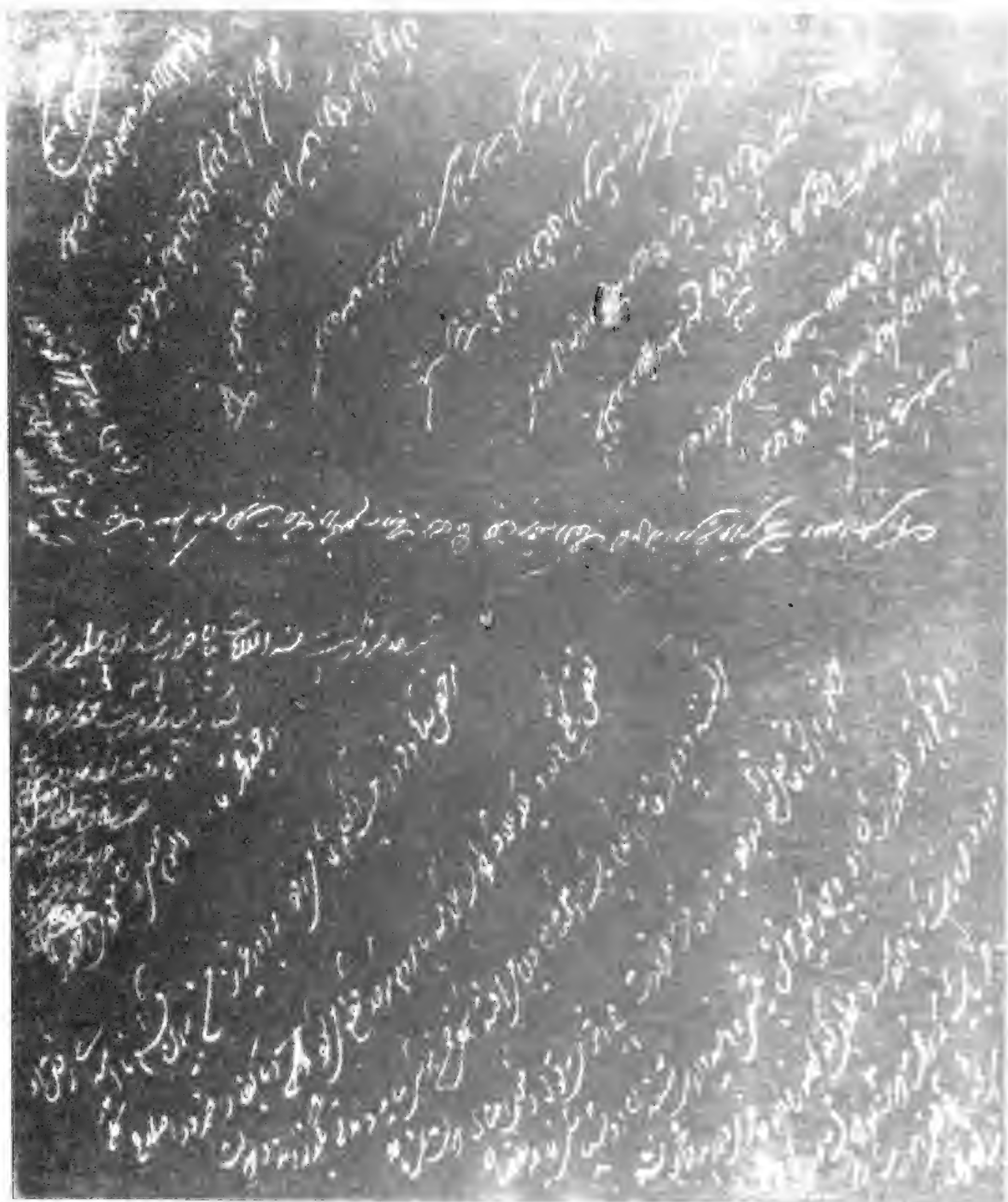
... اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم ... [illegible]

... موجب خسران دنیا و آخرت ... [illegible]

... ۱۳۴۷ [illegible]

(از علمای مهاجرین)

خادم الفقرا ... [illegible]



[illegible]

[illegible]

و ازین که مقالات [illegible] [illegible]

[illegible] از حضور [illegible] [illegible]

نهایت [illegible] [illegible]

[illegible]

[illegible] متفرق [illegible]

اگر [illegible] باالفت [illegible] [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] این اقوام [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] این اقوام [illegible]

[illegible]

---

[illegible] این اقوام [illegible]

و مهم ترین امورات [illegible]

[illegible]

[illegible] لازم [illegible]

[illegible]

[illegible] انتقامات [illegible]

[illegible]

[illegible]

تمام [illegible] ۱۲ [illegible]

---

[illegible]

[illegible] مقام [illegible]

[illegible]

[illegible] فرصت [illegible]

[illegible]

[illegible] مقصود [illegible]

[illegible]

[illegible] دولت و ملت [illegible]

[illegible] و تالیف قلوب [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ملت [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] عبرت [illegible]

و دستور العمل [illegible] ۱۲

---

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ۱۲

۲

سیادت و نجابت منشان [illegible] محمد [illegible]

[illegible] شنبه ۱۰ شهر رمضان المبارک [illegible]

[illegible] نوشته بودید [illegible]

[illegible]

[illegible] استطاعت [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] آن [illegible]

[illegible] ممکن است

[illegible]

[illegible]

ملاحظات [illegible] ـــ

۱۳۳۷ [illegible]

[illegible] ۱۹۱۹ ع تاریخ ۲۹ [illegible]

[illegible]

[illegible]

## [illegible] در صلح

[illegible] برای [illegible] [illegible] میروند مثلاً [illegible] صلح [illegible] باید [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] در باب دولت [illegible] چیز [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] باید [illegible] در یافت [illegible] [illegible]

[illegible] حکومت [illegible] حال [illegible] [illegible] استنباط خواهند کرد [illegible] [illegible] اگر کدام [illegible]

[illegible] [illegible] بدست آرند رفتار آنها را در باب خود [illegible] [illegible] [illegible] خواهند نمود

[illegible] [illegible] [illegible] خودش [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] زنند

## زمینهٔ صلح

[illegible] برای صلح یک زمینه [illegible] کنند که [illegible] زمین [illegible] صلح [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] و [illegible] منفعت استعمال [illegible] [illegible] [illegible] تقریر [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] معلوم میشود که زمینهٔ صلح [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] و تصمیم [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] جنگ [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] معلوم [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] میل [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] شرف [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] اگرچه این [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] شروع [illegible] [illegible]

[illegible]

[illegible] ... تبدیل دارد مثلاً اگر [illegible]

[illegible]

مثال

(۱) [illegible] ... مرکب [illegible]

(۲) [illegible]

(۳) [illegible]

(۴) [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ما در ادعای خود غیرطبیعی [illegible] نوشته اند . زیرا خط ما [illegible] سیاسی و مملکتی [illegible]

[illegible] ما را مجبور به تصحیح ساخته است . بنابراین [illegible] را برای اصلاح و تصحیح آن [illegible]

[illegible] خط ما این بود که در اصول روحیه و قوای مادیه و معنویه خود [illegible]

[illegible] از اندازهٔ تخمین کمتر قیاس کرده بودیم . پس تعدیل و تصحیحی که لازم است [illegible]

[illegible] از این چیزها باشد

اعتراضات وارده در اصول [illegible]

اول اعتراض حکومت [illegible] روزنامه و مکتوب تلگرافی [illegible]

[illegible] شرایط جدیدهٔ دولتی [illegible] آمدن روزنامه [illegible]

[illegible] خط هیچ [illegible] نشر شده است [illegible]

[illegible] آن جواب حاضر [illegible] دوم اعتراض سیاسی [illegible] بر مکتوب [illegible] خارجه است [illegible]

[illegible] است . این مکتوب هم [illegible] خوانده اند . هیچ غیر رسمی باشد [illegible]

[illegible] آزاد است . اگر به کاغذ رسمی باشد [illegible]

[illegible] چگونه چیزها [illegible] تمام دولتهای آزاد دنیا است [illegible]

[illegible] اوراق و [illegible] سفارت ما است . هرگاه [illegible] سفارتخانه های دنیا که [illegible]

[illegible] دولتهای مختلفهٔ دنیا [illegible] خوانده اند [illegible]

[illegible] مکتوب خارجه ما چیزها پیدا نشود . در واقع [illegible]

[illegible] حال [illegible] دولت [illegible]

[illegible] لزوم آن را ندیده ایم [illegible]

[illegible] دولتها [illegible]

[illegible]

[illegible] مسولین [illegible] زبان [illegible] نخواهیم [illegible]

[illegible] تا اراده [illegible] طرق [illegible] ۲

[illegible] نوشته [illegible] صورت [illegible] اگر [illegible]

[illegible] مصالح بهتر و اگر [illegible]

[illegible] بهتر است [illegible] اگر [illegible]

[illegible] و [illegible] دشمن [illegible] خواهد [illegible]

[illegible] مجبور [illegible] الحمدالله [illegible]

[illegible]

[illegible] شده که [illegible] آن [illegible]

[illegible] آن [illegible] داده است الحمدالله مسلمان [illegible] طرق [illegible]

[illegible] در این مدت [illegible]

[illegible] اگر [illegible]

[illegible] اقدام [illegible] ۳

[illegible]

افغانستان در عهد اعلیحضرت امان الله خان

فضل غنی مجددی



## حیات نویسنده کتاب

در سال ۱۹۵۲ در کابل تولد یافت ۰ در سال ۱۹۷۰ از لیسه عالی غازی فارغ التحصیل شده و از ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۲ محصل پوهنځی حقوق پوهنتون کابل بود ۰

در ۱۹۷۸ لیسانس تاریخ را از پوهنځی ادبیات پوهنتون قاهره حاصل نمود ۰

در سال ۱۹۷۹ دپلوم فوق لیسانس را در رشته ـ تحقیقات علمی و نوشتن تاریخ و علم وثائق تاریخی ـ از پوهنتون قاهره حاصل نمود ۰

در سال ۱۹۸۳ درجه ماستری را در رشته تاریخ معاصر از پوهنتون قاهره حاصل نمود ۰

از نویسنده هفتاد و پنج بحث علمی در مجلات و جرائد افغانی و مجلۀ تاریخ پوهنځی ادبیات پوهنتون قاهره به چاپ رسیده ۰ مهمترین کتاب نویسنده : افغانستان فی عهد الملک امان الله خان در زبان عربی , تأریخ فلسفه و انتقال مدنیت اسلام به اروپا بزبان عربی و کتاب ـ در نظام دولت اسلامی ـ بزبان دری میباشد ۰

کتاب تحقیقاتی و وثائقی ( موقف رسمی دولت افغانستان از مسأله پشتونستان از ۱۹٤۸ تا ۱۹۷۲ ) و کتاب ( اسباب پیروزی نهضت اسلامی افغانستان و عوامل ناکامی آن ) تحت تحقیق و نوشته بوده و عنقریب به چاپ خواهد رسید ۰